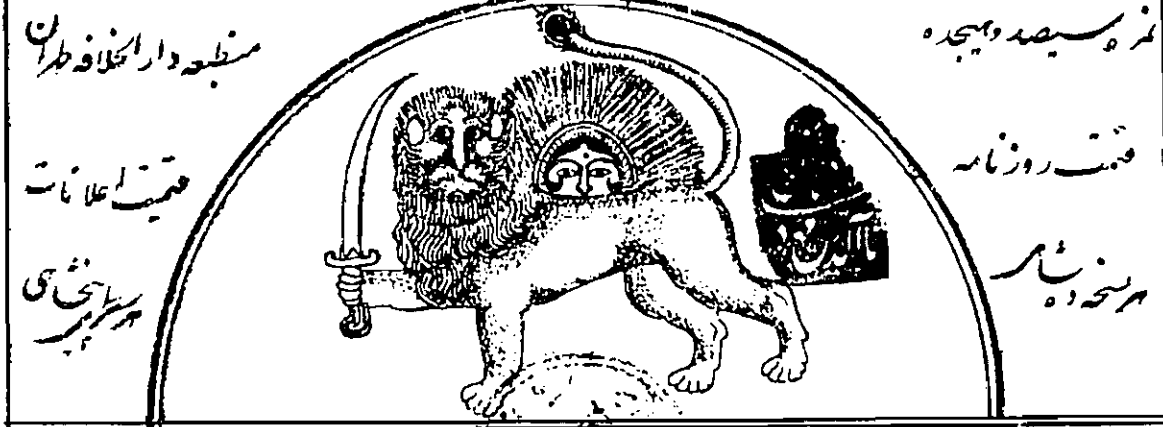


روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم هشتم شهر ربیع الثانی ۱۳۰۹



منطقه دارالخلافه طهران

نزدیک سیصد و پنجاه

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر سطر یک ریال

هر نسخه ده

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون جناب قحمت نصاب نظام الملک سواره خان اقدس هالیون را از حسن خدمات خود خرسند داشته و در رسیدگی سببات و لایات و سایر خدمات بیچون و چوین و احوال نمودن خاصه این اوقات که نزدیک عید نوروز و در ایام سالت شبانه روز با مستوفیان عظام اوقات خود را صرف انجام و اتمام سببات و لایات نموده لهند سر اقدس هالیون محض ظهور و فور التفات مرحمت ملوکانه دربار جناب معزنی الیه بکثرت باده ترمه شمشه دار مرصع طلوس تن مبارک را با اقتضای سردی هوا بجناب معزنی الیه مرحمت فرمودند

چون میرزا صادق قائم مقام احضار دربار کردند و هالیون شده بر حسب امر قدر اعلی حضرت قضا شاهنشاهی صان لسانم شوکت عن لسانهای قدیمی قدو دولت ابدار تمام مؤمن سلطان مقرب الخاقان میرزا افضل الله وزیر نظام که سابقاً نیز در آذربایجان

و بامردم آنجا حسن معاشرت و سلوک خود را بطل آوردند و الهی ملیده و بلوک را از حسن سلوک خود راضی داشته بودند به پیشکاری کل مملکت آذربایجان اعم از امر قشون و عیالیا مأمور و منصوب گردیدیم موازی بکثرت خرقه ترمه شمشه شمشه مرصع از طبوس تن مبارک بر غلغله از جانب سنی ایچو انبالیون در حق و حرمت گردیدند

روسا و سرداران افغانه که در این اوقات بدر بارها هالیون آمده اند از جانب سنی ایچو انبالیون کمال احترام در باره هر یک از آنها مبنی بر افتاده امنای دولت علییه مقربان حضرت کردند و بطریق سینه نیز سبب آنها ضیافتها سنگین جنب ترتیب داده و آنها را با بعضی از اعیان و جاگران در بار هالیون که قریب خفا بخت نفر مجلس شرف چهارصد و پانصد نفر و سینه و متعلق دعوت گان می شد در منازل خود و گاهینهای خوبه دند و اینگونه ضیافتهای سنگین در دارالخلافه که اتفاق آده بود سرداران افغانه ازین ضیافتها خیلی محظوظ گردیدند

سایر ولایات

بطام و شام برود

از قراریکه در روزنامه بطام و شام برود نوشته اند خبر
 اخبار جنگ با قشون انگلیس که با نولایت رسیده بود
 از انالی آنجا بقدر هزار نفر مردان کاری داد و طلب
 جهاد فی سبیل الله و جانفشانی در راه دین و
 دولت شده همه با اسباب جنگی و اسلحه
 تفکیکیان رنبد خوب در نزد مقرب الخاقان
 حاکم آنجا سان داده و مستدعی بوده اند که بعد از
 سان عازم دربار جهاندار شاهنشاهی خلد الله ملک و
 شوند که به طرف که مأمور کردند اقدام نمایند ولی
 مقرب الخاقان مشارالیه بعد از آن آنها را با وطن
 خودشان مرخص کرده است که مهیا و مترصد حکم
 اولیای دولت علییه باشند که هر وقت حکم
 برسد بدون درنگ حرکت کنند
 دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان جعفر قلیخان این
 حاکم استرآباد و بخجورد در بمبیت دویم حمادی التانی
 با سواره و جمعیت خود وارد شاهرو کرد و دید مقرب
 جانمحمد خان لوازم استقبال و احترام را بعلم آورده
 تا سه روز که سواره و جمعیت مزبور در آنجا توقف داشتند
 بر اسم جهانداری و صیافت برداخته کمال
 در باره آنها معمول داشتند
 دیگر نوشته اند که چون مدتی بود که بارندگی در آنولایت
 شده بود غده و اجناس ترقی کرده و رعایا توشه
 غده داشتند ولی از تفضلات جناب قدس الهی از
 غزه حمادی التانی الی بمبیت دویم بارندگیهای

۲۰۹۰

شده امید واری تمام بجهت صاحبان املاک و زراعت حاصل
 شد و نرخ غده نیز لوایط این بارندگیها متزلزل کرده اند
 شد
 دیگر نوشته اند که امسال ناخوشی در میان کاوه در آنولایت
 افتاده مانند ناخوشی و با اغلب کاوه ازین ناخوشی تلف
 می شوند و بعضی بیم که خوب میشوند معالجاتی که و با فی را
 معالجه میکردند معالجه میشوند و همچنین کوزن و شکار کوهی و
 آهوی صحرائی بهین مرض مبتلا گردیده بسیار تلف شدند
 دیگر نوشته اند که در او اخر ماه جمادی الاول در کوه پیاپی
 قریب بغرب ستاره بسیار درشتی از سمت مشرق ظاهر شده
 و سمت مغرب کشیده شد بوسط السماء که رسید صدای بسیار
 میسی از او استماع شد بطوری که گویا بمبیت توب بزرگ که
 خالی کردند بعد از آن کشیده شده سمت مغرب غروب کرد
 و نیز در غره شهر حمادی التانی عزیزبج در سمت غربی مقب
 شاهرو دانشخاصی که سببه مناجات و شب خوانی بالای
 با مهارفته بودند روشنائی آتش ملاحظه نمودند که از زمین
 آسمان متصاعد بود و بعضی روشنائی او تافه بود که همه
 قصبه هر دو و صحرائی آن اطراف را مانند روز روشن
 کرده بود و این روشنائی تا نیم ساعت امتداد داشت
 بعد از آن موقوف گردید و در شب دو تم نیز همان وقت
 با زر روشنائی مزبور از همان سمت مانند سفید آتش هوا
 متصاعد و تا نیم ساعت امتداد یافته اطراف را بطریق
 شب سابق روشن کرده بود که همه اهل شاهرو دیده
 کردند بعد از آن دیگر ظاهر نشد

کرمانشاهان

از واریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند در پیش
 و جدی مطلقا بارندگی در آن دلتاب نشد و مردم
 داشتند که خدا نخواستہ کرانی بیود لکن از اول تحویل
 شمس بیج دلو تا یکماه باران و برف پایایی هم در
 دهم در بلوکات و کر میرات زیاد آمد بطوری که در اکثر
 بیلاقات که معابر قوافل و مترددین است راه آمد و شد
 مسدود شده بود ولی هوا خندان برودت نداشت
 خصوصاً هوای دارالدوله کرمانشاهان و آن اطراف
 که در کمال ملایمت و مانند هوای بهار گذشته است
 ازین بارندگی نهایت خرسندی و امیدواری بجهت
 صاحبان الماک و اهل زراعت حاصل گردیده نشود
 که بچه خشکسالی داشتند رفع شد
 دیگر نوشته اند که امور آنولایت اخسن مراقبت نواب
 مستطاب هزاره و الا بتارخا الدوله حکمران کرمانشاهان
 قرین انظام و انضباط است و در نظم دلاست در فاه و
 اسودکی سپاهی و رعیت کمال اهتمام را معمول میدارند و
 امور شهر و محلات منظم و مسرت و شرت بسیارند
 اتفاق می افتد و همچنین طرق و شوارع نهایت امنیت و انظام
 دارد و سواره مستحفظ و قواسوزان در راهها بخطر و حرا
 مسئولند و زوار و قوافل در نهایت اسودکی و خاطر جمعی
 عبور و مرور می نمایند
 دیگر نوشته اند که نواب مغربی الیه با مور نوکر متوقف آنولایت
 اتم از افواج نظام یا سواره نهایت دقت و رسیدگی
 می نمایند هر روز دسته دست از صحنی را سان مید

ملاحظه نمیکند و چنانکه واسب سبب آنها را نموده که مردم
 از هر چیز کسر داشته باشند مقرر داشته اند که در تمام
 و موجب سرباز و توپچی و غیره را با مستحضر عالیجاه میرزا
 محمدخان نوزی علامت خدمت که از دربار با بجا بون نامور
 برسیدن سان و موجب نوکرانجا بود و کلا پرداخته دوز
 لوازم و تدارکات آنها لفظی نیست
 دیگر نوشته اند که سوای شش هزار نوکر دیوانی که در کرمان
 استند از امالی و ایلات آنولایت چهار هزار نفر سواره
 و تفکیکی زبده بجزم مقابله با دشمنان دین مبین و مجاهد
 با مخالفان دولت ابد این خدمت نواب مستطاب علامت
 آمده سان دادند و مستعدی اذن و اجازت شدند که
 بدر بار جهاندار شاهنشاهی آمده به طرف نامور شوند
 نمایند نواب معزنی الیه کمال عطف و در افت او بیای
 دولت علیه را با آنها اظهار داشته مقرر داشتند که در
 اماکن و اوطان خود ساکن بوده منتظر حکم مجد و از جانب
 اولیای دولت علیه باشند
 دیگر نوشته اند که معزنی بجاقان حاجی محمدخان پیشخدمت عالی
 جاه بون که از جانب سنی ابواب طوکانه نذورات و بدایا
 روضه تبرک جناب امیر المومنین علی ابن سبطان صلوات الله
 علیه میبرد وارد کرمانشاهان شده نواب معزنی الیه لازمه احترام را
 درباره او معمول داشته و در وقت حرکت ادبی مخصوصاً از
 خود همراه او روانه نموده اند که در جمیع منازل مراقب احترام
 و رعایت جانب مشارالیه باشد و نیز مقرر داشتند که عالیجاه حسین خان
 سنجابی نیز با بیت نفر سوار قابل تا بغداد و با عالیجاه مشارالیه
 همسراهی نماید

۳

۲۰۹۱

هرات

از قراریکه در روزنامه هرات نوشته اند عیالجه مقرب انجان خان
 حسین خان که حامل خلع و نشان بجه نواب مستطاب هرات
 و الایحسام سلطه حکمران مملکت خراسان و سایر سران و
 صاحب منصبان عساکر منصوره هرات از دربار جهان مدینه
 هایون بود و در مقدمه جادی الاول بانجا رسیده نواب
 معزی الیه بجه توقیر و احترام خلع آفتاب شعاع خود و مقرب
 قوام الدوله و بیرون و سران سپاه تا یکفرسخ با استقبال شرف
 بعد از لوازم توقیر و احترام مباح که در بیرون شهر هرات
 آمده اند در آنجا خلعت پون نموده و خلع سران و صاحب
 عساکر منصوره و مالی واعیان هرات را هم که از دربار جهان
 مقرب انجان خان مشارالیه حیرت و در روزنامه آن
 مستطاب نوشته شده بود بهر یک هر یک داده زیب
 و مباحات نمودند و اجرائی شکر توپ کرده دیده خان
 مهملعان مبارک که از مصدر سلطه عظمی بافتخار نواب معزی
 و عساکر منصوره و مالی هرات شرف صدور یافته بود در آن
 مجمع که همگی حضور داشتند با دایره خوانده شده مراتب رافت
 و عنایت سرکار اقدس تایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطه
 در حق رعیت و سپاهی کوشش خاص و عام کرده و همگی
 مدعا کونی وجود فایض ایجو و طوکانه صد بل نمودند بعد از
 شربت و شیرینی و شیلان حوالی عصر نواب پاره باره مبارک
 مراجعت نمودند و سایر اهل سلام هم برودش را بخلع آفتاب
 شعاع و نشانهای ایشان زیب و زینت داده در کمال
 و شادمانی بمنازل و اماکن خود مراجعت نمودند
 دیگر نوشته اند که نواب مستطاب سلطه لعالیجه میرزا

مستوفی هرات حکم نمودند که لوگرای قدیمی آنولایت از قبیل طایفه
 فارسی از جماعت افشور نشوند و شامود و جامی و بسند و فانی
 و غیره همه را مستحق و حاضر نماید که در امر موجب آنها را داده و
 عساکر نظام نمایند عیالجه مشارالیه هم آنها را مستحق نموده هر
 دسته را خدمت نواب شاهزاده آورده آن میدان و کار گذاران
 نواب معزی الیه بتدقیری نمایند از خرد از طایفه فارسی میر
 عباس خان و میر تقی حیدر قلجان و از طایفه افغان میر تقی
 حکم خان که از طایفه بابوری و در بیرون شهر قبل از فتح هرات
 مصدر خدمات شده بودند آن دادند و در این روزها
 موجب تفکک سربازی و طبوس آنها داده خواهد شد که در
 عساکر حضرت آثار شاهنشاهی ابد الله جیش کرده استغول
 و اسم چنین لعالیجه میرزا محمد حسین مستوفی و مباح سرین
 حکم شد که صورت داد و مستند و جمع و یوانی هرات را از
 بلوکات بقراریکه در ایام مرحوم پیر محمد خان نظیر الله و له نسبت
 بود با اتفاق عیالجه میرزا محمد ضای مستوفی و کار گذاران نواب
 معزی الیه مشخص نمایند و مواجبت در سوماتی هم که از آن اوقات
 در حق هر کس از مالی آنجا متعلق و برقرار بود مشخص کنند تا حکم
 آن از جانب نواب معزی الیه شده از اقرار معمول و در نزد
 حسب الحکم نواب معزی الیه جاری کشیدند که کوچا و بازاران
 پاکیزه و تیسر نمایند و هر کس در خانه و حد و حدود در صبح و عصر
 نماید که پاکیزه باشد و نیز حسب الحکم جاری کشیده شد که طایفه
 منهای بنگلی موقوف و ممنوع باشد و چند نفر منهای خشک
 در شهر بودند همگی را از شهر اخراج کرده تلویح فرستادند بیرون
 شهر برده سپرده از مالی آنجا الترام گرفتند که آنها را از
 هم دور کرده و غنیمت با که دیگر هرات نمایند

اخبار دول خارج

اصلاح نمایند

از قرار یک نوشته اند در پاریس چون آب کواری خوب
 موافق مطلوب یافت نمی شد و گذشته از بی آبی مالی تاس
 و چاراضطراب می شد بجهت دفع این فتره دول قبل ازین
 یک قومانی بزرگ ترتیب و تکمیل داده با اسباب بجهت
 آتشی که از زمین مینامند در جوار پاریس در محل پارس نام
 بکندن چاه مبادرت کرده بودند از آنوقت تا کنون ازین
 ذرع متجاوز زمین خف کرده اند گذشته از اینکه آبی که در آن
 موافق مطلوب نیست کفایت جمعیت این نمی کند و از گذشته
 تا صد و پنجاه ذرع دیگر نیز خف نمایند چون بحباب گره زمین
 سحر تئیک بزرگ باید باشد اگر چه این یکصد و پنجاه ذرع را
 نیز خواهند کندی و در نیت که آبی که از او بیرون بیاید
 آب سحر تئیک بزرگ باشد و بجهت بلخی کار بخورد
 چنانچه در روزنامه های سابق نیز نوشته بودند بجهت تعدد
 دول فرانسه و روس و آیس از جانب دولت یونان سابق
 از طرفان نخلیس و جی فرض شده بود بجهت کمی مالیات یونان
 ادای این فرض مقدور دولت یونان نشد بود سهیل است که
 از نفع این خواه نیز چیزی ممکن شده بود بد بجهت اصرار طرفان
 مزبور در مطالب طلب خود چهار سال قبل ازین نفع نخواه بود
 از جانب دولتین روس و فرانسه داده شده و چون کمی
 یونان بدرجه کمال رسیده است بجهت ندادن نفع این پول
 درین سال از جانب دولت یونان مذکوره رسیده نوشته
 در این اوقات از جانب دول مزبوره مأمورین در آن
 پای تخت یونان یک فوئسیون ترتیب داده میشود که وارد
 و مصارف دولت مزبور احتیاج و اموریات آنجا

دوازده سال قبل ازین از جانب دولت فرانسه موسوسه
 بمبوتی بجهت رفتن بود در این اوقات مشارالیه باز بشارت
 مخصوصه قرار شده است بجهت برود و بجهت تحصیل فنون
 از سروران فرانسه هم چند نفر همراه مشارالیه روانه
 خواهند شد
 در نوزدهم ماه ربیع الثانی از صاحب مضبان عساکر دولت
 ناپولی بقوزخانه در جانی که با مد و ط بوده است رفتند که در
 سخنش با دو سه خردوار بار و ط که در آنجا بوده است تشریح کرده
 روز تعطیل بوده و از غلط جات کسی در آنجا نبوده است فقط
 دو نفر صاحب مضب با ده نفر دیگر که در آنجا بودند تلف شدند
 در روزنامه دبا ه فرانسه نوشته اند که نایب الایاله مصر
 بنیاد داشته است که بطرف جنوب ولایت مصر سفر نماید بجهت
 رسیدگی امور ولایت و رعیت زیرا که مذکور بوده است که حکام
 آنجا با برعیا ظلم و تعدی می نمایند لذا اراده دارد که رفقه آنجا
 نظم داده مر حبت نماید
 دیگر نوشته اند که عدد اشخاصی که در راههای آبن فرانسه
 مزدورند از سی و دو هزار نفر زیادتر هستند و چون راهها
 ساخته میشود تا هشتاد هزار نفر خواهند رسید از جمله
 مخارج که در راه آبن شده است این است که پلی در بالای
 رودخانه رون که تقریباً سیصد و پنجاه ذرع طول آن است
 ساخته اند و یک کرد خرج آن شده است و چندین در رودخانه
 دیگر ساخته اند که در هر یک بقدر دو هزار تومان مخارج شده
 و یک راه دیگر از میان کوه کده شده از شهر لیون تا پاریس که چهار
 هزار ذرع طول آن است و قریب دو کرد در آن راه خرج کرده اند

۲۰۹۳

دیگر نوشته اند که راه آسنی از شهر و بستون بشهر ماسیلزنا
که چهار هزار و چهار صد ذرع طول دارد تخمیناً دو و نیم حج
شده است

اذن داده است که هر کدام بخواهند در سلک خدمت عسکر
دولت فرانسه در آیند با موافقی که دارند چیزی مهم مساعد
بآنها داده خواهد شد

دیگر نوشته اند که امپراطور استریتیه بقدر شتاب و نفرات معین
که در شورش آن ولایت قشاش کرده بودند در این اوقات
تقصیر آنها را بخشیده و اطمینان بخودشان رو کرده است

دیگر نوشته اند که دو نفر از اعضای مجلس دولت ناپولی
چند وقت پیش ازین مینسب بعضی سباب ترک ماموریت کرده
و بدعات و فحشاء مابین شهرهای مالر و مسینه که در جزیره

در روزنامه یونان نوشته اند که چند وقت پیش ازین در محل
لوادیه نام بقدر چهل نفر از عابرین سیرفته اند جمعی قطع الطرح
بر سر آنها ریخته همه را برهنه کرده بودند حتی منف نفراز

سیلیا واقع اندر قهه المالی آنجا مارا تحریک بیایمگر
موده و آنها نیز رفیع لوائی عصیان بدولت ناپولی نمودند
و مؤخر این حالت با مالی آن دو شهر نیز سرایت کرده و ایات

انها را کوشش مینویسیده بودند و سبجه انتشار این اخبار
و مرور باز بملکت یونان مشکل شده است سبجه دفع مصر
این در دزدان از جانب دولت یونان ریاضه است تمام شده

وارند کوزه نیز و فرقه شده فرقه با عیان بشهرهای نابود
اجوم آورده این کیفیت را پادشاه ناپولی که مستحضر شد
مقدار وافی قشون با تنجا و ستاده و با مالی مرقوم یک

چند وقت پیش ازین سیزده نفر دزد گرفته شد و نفر
انها را حبس در بنجر نموده و یازده نفر دیگر را بقتل رسانیده
بودند

بدتی حرب کرده بقدره بیت نفراز آنها تلف بعضی دیگر
نیز گرفته شده بجانب ناپولی ارسال شد و بیجهت گرفتن
آن دو و تلفت که از اجزای مجلس بودند در آنجا محکوم

اردوگاه و محل اجتماع عساکر دولت روس تا کنون
شهر مسکو بود اعلیحضرت امپراطور روس بعد از جلوس خود
قرار داده است که محل اجتماع اردوی دولت روس را

و مایه قشاش شده بودند از جانب دولت ناپولی زیاد
اتهام شده ولی فرار کرده بپاریس
دیگر نوشته اند که یک کشتی بخار پوسته فرانسه در رود

برشته شده در شهر قوت نام که مابین مسکو و خوجه
مقرار دوی عساکر باشد

فراخای ماله شبانه بیک کشتی شرع دار یونان خورده
از شدت تلاطم آنها بیک کشتی شرع وارز زیاد شکسته

سبجه استخدام در خدای عسکریه فرانسه سابقاً از جانب
روس بقدر صد نفر صاحب منصب فرستاده بودند
بعد از آن سبجه خدمات سبجه چند نفر صاحب منصب دیگر

و فی الغرض قریب دید و مالی آن یکی بکشتی بخار پوسته در
کر یک نفر از آنها که تلف شده بود
دیگر نوشته اند که یک کشتی پوسته فرانسه از مریضباریا یا میرفته است در

فرستاده شده و دولت فرانسه نیز درین باب سرر حیا
ضبانده در این اوقات امپراطور روس بعبوم صاحب منصبان

تونس سگته شده پاشای تونس کشتی بخار فرود آن کشتی را ببلنگا
آورده و مالی او را بکشتی نده بار سالیار روانه کرده است

۲۰۹۴

روزنامه قایم اتقاییه تاریخ یوم چهارشنبه نهم شهریور ۱۲۷۴

منطبه دارا خلاق طهران

نمره سیصد و نوزده

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر سطر پنج

هر نسخه شاهی



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلاق طهران

در روز دوشنبه دوازدهم انبیا که شب عید مولود سعید جناب امام الشقین امیر المومنین علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه و سلم
 نظر بلایت هوا علی حضرت آقا حسن یون شاهنشاهی عزیمت زیارت بقعه تبرک امامزاده و جب العظیم حضرت شاهزاده
 تقسیم دادند و بنیاد در باغ دولت آباد صرف فرموده از آنجا زیارت روضه مطهره شتافته بعد از زیارت
 آن اطراف را گردش و تخریب نموده بارگ مبارک سلطانی مراجعت فرمودند در شب شنبه ۱۳ شهریور
 که شب عید مولود جناب ولایت آقا سعید الخالد امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه و علی اولاده الکرام الف الف تحیه و سلام
 بود و علی حضرت آقا حسن یون شاهنشاهی جشن و شادمانی فرموده جمعی از محترمین شاهزادگان عظام و انبیا دولت بید و جام
 و مقربان حضرت کردند و لطف شرفیاب حضور مهر ظهور بودند و نظر بایون را چراغانی نموده سبب شش باری که در
 حضور مبارک و در میدان ارک که چیده بودند شش داده بلوایم سبب سرور و تفریح خاطر ملوکانه پرداخته و فرود
 آفتاب مانند اعیان بزرگ ما بسلام عام داده در دیوانخانه بزرگ پادشاهی اوضاع سلام فراسم آید تحت امر نالای
 بزرگ بقدر وجود فانی بجز بایون زیب و زینت بافته انبیا دولت علیه و مقربان حضرت کردند و لطف سینه و سران
 سپاه و صاحب مضبان نظام لظرت فرجام و مستوفیان عظام و سرداران و بزرگان آغا غده و سایر اهل اسلام و بعد
 کنجایش دیوانخانه مبارک از نظام توپچی و سبزه هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجزای شینگ توپ و زنبورک شد
 بعد و اسم مبارک جناب امیر المومنین علی علیه السلام صد و ده تیر توپ شنگ شده عالیجاه خطیب باشی خطبه بیخ دادند
 دانت آقا حسن یون شاهنشاهی ختم نموده بعد از آن عالیجاه امیر محمد علیخان شمس العراف صید غرا که در تهنیت این عید سعید

۲۰۹۵

نظم کشیده بود با و از بلند معروض پیشگاه حضور بابر النور طوکانه دشته مورخین و التفات گردید و سلام عام سنجی
منقشی شد مقرب الخاقان حاجی میرزا محمدخان و بیره هام خارج چندی بود که موقه بدر اخلافه احضار شده بود
این روزها بحسب امر اقدس هایون کماکان مانور آذربایجان شد که در امور مهم خارج آن مملکت لوازم اهتمام و
مراقت را بعین آورده و خدمات محوله دولت علیه را از روی کمال کاردانی و کفایت سمت انجام و اتمام دهد و در
روابط و دستی دولت علیه بادر و بی محمد و همجو خود و انجام مطالب حقه قونولهای دول متحایه مقیمین و در سلطنت
لازمه کوشش ابعین آورد و یکثوب جبهه ترمه علی از طبوس خانه خاص هایون برسم خلق مقرب الخاقان مشارالیه
گردید و چند روز دیگر بجزل مأموریت خود روانه خواهد شد مقرب الخاقان میرزا مصطفی قلی مستوفی پیردنی
فدوی دولت ابد ارتام مومن سلطان مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام بشغل سرشته داری و شش سینه
و غیر محاسبات آذربایجان حب الامر مأمور فرمان هایون بافتی ریش را لیه شرف صدور یافته یکثوب جبهه ترمه
با دخلت مرحمت شد و چند روز دیگر بجزل مأموریت خود روانه خواهد شد عالیجاه خانوار خان هزاره که اورجم
فرمانفرما حکمران بق مملکت خراسان بکجاست ولایت مرو برقرار و منسوب نموده بودند برادر خود شریک بجای خود
نایب الحکومه قرار داده خود این روزها با چند نفر ریش سفیدان و آق سقالان مرو وارد و در بارهایون گردیدند و بعد
از چند روز دیگر شرفیاب حضور مبارک خواهند شد چون مقرب الخاقان حسین خان شامون در جنگ ترکمان
خدمت نمایان کرده بود و تفصیل آن در روزنامه پیش سمت ترقیم یافته است این روزها از جانب ستی ایوان هایون
شاهی خلد الله ملک و سلطان بمنصب حلیل تیرپی سرافراشته یک قطعه نشان از مرتبه دویم تیرپی هم در حق او
و فرمان مبارک شرف صدور یافت چنانچه در روزنامه های پیش نوشته از طوائف کولان و میوه
و سایر ترخانان تبعه این دولت علیه بعد از استماع غایله جنگ و جدال فیما بین دولت علیه و انگلیس معادل شش هزار
نفر داوطلب جهاد و دفاع کشته نزد مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیخانی و بیکریکی اسیر آباد آمد مستعدی شدند که
مقرب الخاقان مشارالیه مراتب فدویت و التفاتی آنها را در راه ملت مبین و دولت متین معروض رای اولیای دولت
مقرب الخاقان مشارالیه علیض آنها را ابلاغ داشت چون اولیای دولت علیه آمدن شش هزار نفر سواره آنها را
و ضررند نشند و نخواهند که بآمره از استعدادی داوطلبانه و غیره آن آنها هم صرف نظر نمایند لهذا حکم باحضار
مقرب الخاقان جعفر قلیخان و آوردن معادل دو هزار نفر از سواران زبده طوائف مذکور صادر و انعقاد کشته بود
مقرب الخاقان مشارالیه بعد از وصول حکم مطاع سان سواره داوطلب ترکمانان را دیده اسب و اسلحه آنها را
و تدارکات و طر و ما نشان را فراسم نموده معادل دو هزار نفر سواره زبده بطایفه را با اتفاق بزرگان و
آنها برده است از استر آباد عازم دربار محفلت مدار شد در یازدهم شهر حبل الخرب که خبر درود مقرب الخاقان

۲۰۹۶

۳

معتنی الیه بعض اولیای دولت علیه رسید همه احترام و اکرام معنی الیه استخاص مفید با استقبال امورشده و در بیرون دروازه
 نواب محسن میرزا مقرب الخاقان مقرب الخاقان مقرب الخاقان علام نظام مالکینفرتورج
 امیر خور جهاننور میرزا میرزا زین العابدین ملک میرزا میرزا کوزلو
 دولت نیز چادر پوش برای مقرب الخاقان الخاقانی و سیصد باب چادر و دو سه باز خانه از برای سواران که همراه او
 معین میا کردید و آذوقه و سبورت و لوازم آنها از دیوان اعلی آمده و حاضر گشته مقرب الخاقان الخاقانی بعد از ظهر روز پنجشنبه
 با احترام شکوه تمام وارد خدمت جناب مستطاب اشرف اجداد فتح صدر اعظم دام اجلال العالی مشرف گردیده از جانب
 اشرف لوازم عطا و رافت نسبت مقرب الخاقان مشارالیه عمل آمده عای شرف اندوزی بخاک می حمیت پیری سرکار
 اعلیحضرت قدس شهبازی صمان الدیام دوله عن آلتها می نموده و اذن شیرینی و چاشنی بخواهت کلون حاصل کرده و موروثات
 و نوازشات اعلیحضرت شاهنشاهی شد سر کردگان سترابادی واق سلالان ترکمان نیز روز دیگر شرف حضور با هر انور شد و الا
 در منازل خود که برای آنها معین شده است و مستندتا هر چه از جانب تنی بخواهت کلون امر و مقر آید و بهر جا که امورت بهر رسانید
 نمایند کیفیت در جواب فتح خان این الملک سفیر کبریه و علی پاپس و شیرین خانی معنی الیه حضور حضرت امیر طوفان و تشریفاتی که بجهت
 داده بودند از فرار که بعضی دیروز نوشته شد در شب دوشنبه ۲۳ جادی الاول ساعت از شب جناب سفیر کبریه با شایع کتبی
 وارو شهبازی شنبه جناب زبردول خارج قبل از ورود سفارت کبری یکی از معتبرین صاحبان وزارتخانه را براه این برای احوال پرسی و مبارکبادی ورود
 کبری فرستاده و پنجمه کالکه نیز همراه برده کتبی با سوا کالکه نموده الی منزل رسانائی و بهر ای کزنده بعد از وقت سی و دوم از دولت تدارک خوب کردند
 بودند و داع نموده و منزل که بجناب سفیر کبریه تعیین کرده بود پس شایسته آریست و خوب با صفا و سستی با همه با مشرب و معشرف شهبازی الوان و معتمد
 سایر با کتله میا بود و میبویستین مترجم وزارت که معاند از همراه بود آن شب را نیز در آن منزل مشغول معانداری کرده فردای روز و جناب زبردول
 میبویستین را با احوال پرسی فرستاده و غذای خود که یاد مایل بود که جناب امیر طوری که در ترفیحات کرده با اولی از اینکه اعلیحضرت امیر طوری که کار
 کرده اند و نهم از ملاقات آن محظوظ بشوم روز پنجشنبه جناب امیر طوری که در ترفیحات کرده با اولی از اینکه اعلیحضرت امیر طوری که کار
 رسید که رسانوشته بود که در شب ۲۴ اعلیحضرت امیر طوری سفارت کبری را بحضور خود طلبید پذیرائی خواهد نموده و وقت خوب نیز یک نفر از نمایان خود را
 شخص بزرگ صاحب نهای معتمد بود با احوال پرسی و داده و سفارش کرده بود که من خودم نیز فردا که روز جمعه است امیر طوری که در ترفیحات کرده با اولی از اینکه اعلیحضرت امیر طوری که کار
 و پذیرائی را حالی خوش آمد کرد و روز جمعه با یک نفر از نمایان خود پذیرائی و صحبتهای مودت آمیز شد و قرار تشریفات و پذیرائی رسانان نموده پس از
 موه چای معادوت کرد روز چهارم در که در غذای حضور اعلیحضرت امیر طوری بود جناب امیر طوری که در ترفیحات کرده با اولی از اینکه اعلیحضرت امیر طوری که کار
 صاحبان سفارت کبری سفارش نمود که همگی با بسیار سی حاضر آمده با پس از از جانب سفیر کبریه از بارید دعوت قبل از وعده میبویستین
 از نمایان فاسی باشی در سفارتخانه حاضر گردید نیم ساعت بعد از آنکه چای و کالک شش سید که از کالکهای مخصوص دهای حاضرت
 اعلیحضرت امیر طوری بودند برای سفارش کبری آوردند همه بسیار این کالکها و بران نشان طلا بودند و همراه کالک جناب امیر طوری که در ترفیحات کرده با اولی از اینکه اعلیحضرت امیر طوری که کار
 سواره در چهار نفر و عجب چهار نفر کالک چای پرسی رد و پشت شسته بود و باقی کالکها نیز با هر کدام دو نفر در جلو سوار و چهار نفر در پی

۲۰۹۷

۵

در روز بیست و دویم ماه جمادی الثانی مقرب الخاقان عمده الامراء العظام فضلعلی خان امیر تومان از باغ جهان نیا
شیر حرکت کرده با سواره زنده از راه کاروان روانه اردوی سمت بوشهر گردید و از سواره طوالیف که همراه او بود
سواره قراباغی و ناخلی و کمری و قورت بیکلو با استعداد و تدارکات لازمه و با سواره ابوالجمعی خود مقررداشت که
کوچ بر کوچ عازم مقصد بوده در هیچ منزلی توقف ننماید و در روز بیست و پنجم ماه فروردین امیر الامراء العظام میرزا محمد
کشیکچی باشی از باغ نوشیر حرکت کرده در یکفرسخی شهر اردوزد با توپخانه و قورخانه و افواج قاهره و تفنگچی و سواره
بدین تفصیل که چهارده عراده توپ و هفت فرج که عبارت از فوج خونی و فوج قزاقه داعی و فوج سیم تومان اول
و افواج ثلثه اصفهان و فوج احلاص را بودند و از تفنگچی پیاده اصفهان آنچه رسید بودند چهارصد نفر و باقی نیز هزار
صد نفر تفنگچی در راه بوده اند که بابت محض بار و شش و سواره از علما مان و غلام میشد متان و سواره ناخلی و سواره
افشار قریب هزار نفر و جیره یکماه این قشون را امیر الامراء العظام کشیکچی باشی بخودشان داده و سایر تدارکات
آنها را از سرب و بار و ط و فشنگ بیل و کلنگ داده و علیحده مقصد و پنجاه بار قورخانه از کلوله توپ و تفنگ
و غیره حمل دو آب نموده با قشون آرسته و تدارکاتشان حرکت کرده در منزل اول که یکفرسخی شیراز بود یک
در قریه نجان اربابی عالیجاه مقرب الخاقان میرزا نعیم شکر نویس باشی فارس مهمان بوده و علی الصبح که از
از آنجا حرکت نمود امرا و خوانین و سایر امانی شیراز کلامت اعلیٰ آمده هر یک از مباحثین و کارگذاران امور
دیوانی نعمت انجام امور محوله بخود را نموده و تا کلمات اگیده رفت که سیاحت بعد قشون را با قورخانه و سرب
بار و ط و سایر اسباب که لازم است انجام داده متعاقب و متوالی بار و ط و نفرستند و از آنجا بانظم تمام حرکت کرده
مقررتند که کوچ بر کوچ تا برازجان در هیچ منزلی توقف ننماید و تیر سپان و سکنان و صاحب منصبان افواج قاهره
و سرکردگان سواره کلاً در کمال خوشوقتی و دلگرمی ابوالجمعی خود را حرکت داده و معمولاً حاد و افراد قشون بانهاست
شغف و خوشنودی طالب دشمن سکنی و خصم فکری بودند و بفضل الله تعالی و نیردی نجات بلند و طالع فیروز مندر
اعلیحضرت قوی شوکت شاه اسلام پناه اید البیث و اید البیث امیدواری و کمان کلی داشتند که اگر خصم
بتقابلت شکر فیروزی اثر بیاید از صدمت تیر و ضرب شمشیر غایبان لشکر اسلام و مجاهدین دولت ابد فرجام جان
بدر برد و از برای مقرب الخاقان شجاع الملک نیز که در جنگ سابق تجربه کثرت با ندکی و سیس بی بند و اوضاع
ضرر رسیده بود چهار پوشش دو جبهه فرستاده شد که تاورد و این اردو به برازجان او هم مجدداً استعداد
درست کرد آماوه و متیابا و همچنین عالیجاه فرامرزخان مهندس نیز با اجزای خود وارد شده و آنچه اسباب
که لازم داشت تدارک کرده و دیده و سر انجام نموده محل دو آب با کشتن کرده با اردوی امیر الامراء العظام کشیکچی باشی

ملحق گردید و بر سواره و پیاده نیز سیاهی میسرند

۲۰۹۹

اخبار دول خارجه

در روزنامه دباوه فرانسه نوشته اند بتاريخ ۲۱ جمادی الاول که بعد از آنکه در شهر نوکلن ولایت نخلکس اجلاس کرده بودند
 اهل آن مجلس عریضه بملکه انگلیس نوشته اند که جنگ با دولت ایران با خیار حاکم هندوستان نیست که اعلام جنگ کند این
 جنگ دولتی است و باید اخبار این جنگ را دولت نماید جواب آن هنوز معلوم نشده است ایضا نوشته اند که چنین
 معلوم میشود که جنگ انگلیس با چین جنگ متفق خواهد بود چونکه سیکو دنیای شمالی که قبل ازین اهل چین چند نفر از غریبههای آنها را
 گرفته بودند با انگلیس در محاصره شهر کانتان بودند و حکم شده است از فرات که کشتیهای فرانسه هم در آن اطراف
 جمع شوند و چند نفر از تجار بزرگ هندوستان و چین که از رعایای انگلیس هستند عریضه بملکه کردند نوشته اند که او را با این
 جنگ ترغیب نمایند در چهار سال قبل ازین در لندن معاهده نامه تنظیم داده شده ایالت نوشتاتل را بحکایت دولت
 پروسیه قرار داده بودند و این کیفیت را بدولت منخلم و دولت فرانسه هم تصدیق و امضا نموده بود و چونکه نوشتاتل
 قبل ازین در اختلافی که در نوشتاتل ظهور کرده بود در آن اشیا اگر چه ایالت مرقومه از حمایت دولت پروسیه بیرون آمده بملکه
 جمهوریة اسپوچر منضم گردید این کیفیت را آنوقت دولت پروسیه قبول نکرده و درین خصوص رسماً پرسش نمود و باین
 از امانی ایالت مرقومه آنها را که طرفدار پروسیه بودند اظهار تصاحب کرده چند وقت پیش ازین بموجب تفصیلی که در روزنامههای
 آنجا نوشته بودند ترجمه شده درین روزنامهها نیز نوشته شد امانی مرقومه بر لفظ فداری دولت پروسیه لوائی جنگ افرا
 بردی طرفداران جمهوریة هجوم آورده بودند بعد از آنکه جمهوریة اسپوچر آن اشوب را خاموش کردند طرفداران پروسیه را
 گرفته بجهت القاموزند و در باب اخراجی آنها دولت را ایها هر قدر ادای بیلیغات نموده قطعاً حواله سمع اعتبار جمهوریة این
 مابین جمهوریة اسپوچر و دولت پروسیه بجای دلانجا مید چون یکطرف مالک اسپوچر با فرانسه هم حدود است در باب دفع
 منافذ حالیه دولت فرانسه توسطی که لازم است اجرا خواهد نمود مثلاً این توسط و تدابیر آنها مانع از دفعه و نافعش در حالتی که مشابه
 میشود باید در حق دولت پروسیه و اسپوچر خیر و منفعت آن ظاهر شود و در باب اخراجی و مرخصی محوسین مرقومه توسط فرانسه
 از جانب دولت پروسیه باند که مخصوصه خویش شده و باین جهت اخراجی آنها بر ذمه امپراطور فرانسه لازم آمده و از جمهوریة
 مزبور طلب نموده درین باب بعتف و متعاطف شده و جواب گفتند و مابین فرانسه و پروسیه اظهار محبت و واداشده درین
 صورت که خویش جزئی فرانسه را جمهوریة اسپوچر قبول کردند نهایت امتداد این حال با سه احت حاضره فرنگستان^{خلل}
 میرساند و اگر دولت فرانسه با دولت پروسیه متفق شود جمهوریة اسپوچر نباید تعجب نماید بموجب اخباری که در این
 اوقات رسیده جمهوریة اسپوچر محوسین را که طرفداران دولت پروسیه بودند در بیت و ستم ماه جمادی الاول اجرا
 سیاست آنها را اعلام کرده اند دیگر نوشته اند که جمهوریة اسپوچر بجهت حرکات حاضره با بقا در شهر برن که متعلقه کانتون
 مجلسی منعقد کرده است و چند ارغنون ترتیب نمودند و جنرال دو فور نام را باین قشون سر کرده تعیین کرده در این اوقات

۲۱۰۰

برای و صواب دید سر کرده مزبور بجمع کردن بمقتاد و دو هزار قشون نیز مباشرت نموده اند دیگر نوشته است که
 ای که بعضی مواد مهمه با امپراطور فرانس شفا گفتگو شود از جانب جمهوری اسوچره کرن نام پاریس پای تخت و است
 رفته است دولت پرستی بجهت احوال حاضر از آن فرقه و بود بزرگس مرتب عا کری حاضر کرده و غنیمت
 حرکت دادن این قشون بجهت اسوچره جمهوری نموده و اگر مرقوم حسب الموضع از خاک حکومت و رتبع باید عبور نماید
 درین باب پادشاه پروسی بکومت مزبور بیان کیفیت نموده و حکومت مزبوره بی طرفی خود را در این باب اظهار
 کرده و عدم موافقت خود را بیان نموده درین صورت عبور این قشون از با و به را لازم می آید و درین باب جناب
 و مسقت خود اکتفا بجهت مصارفات لازمه در این اوقات جمهوری اسوچره از بعضی قومسانت بشرایط عدیده
 بقدرشش کرد و قرض کرده است دیگر نوشته اند پاشا پاس قتل کنو لیک عبوی که در فرانس بود در
 ماه جمادی الاول در کلیت در امور رومیه و عظ و نصیحت میکرد با پاس دیگر بسهولت نزد او رفته با قوه که پنهان داشت
 او دازده و کشته است و رالیه را همان ساعت گرفته و در وقت اجرای سیاست از او تحقیق کردند که این حرکت
 از چه سبب از تو ناشی شد گفته بود در بعضی مباحث دینیه ما بین من و سر پاس برودت حاصل شده بود
 از تقریراتش رالیه آنا جنون ظاهر شده بود لهذا سیاست او را تا خبر انداخته حبس نمودند از سفایر
 جمهوری سکی دنیا دو قطعه کشتی بلنگرگاه و اینو که از شهرهای چین است رفته بودند و از لنگرگاه و اینو بان کشتیها پوت
 انداخته و جنسی شکستی در کشتیها بهم رسید اما لی کشتیها بجهت طلب صیغه جرای بعضی تبلیغات باالی و اینو نمودند
 آنها جواب داده بودند که تا کنون کشتی سکی دنیا باین ولایت نیامده و بیدقی سکی دنیا دیده شده بود و این کشتیها را
 کشتی سارقین تصور کرده تو پ انداختند و بعضی عذرهای دیگر نیز آورده بودند سر کرده کشتیهای سکی دنیا نیز غدر
 آنها را قبول کرده بود چنانکه در روزنامه بقی نوشته شده بود از جانب دولت فرانسه سفارت مخصوص
 و موقه سفیری امور چین شده بود بموجب اخباری که این اوقات رسید سفیر مزبور در او اخر جمادی الاول از پاریس
 حرکت کرده و بجهت رسیدن احتیاج اصد و پنجاه نفر از عا کرفرانسه با او همراه کرده اند در دولت روسیه قرار است
 که از عا کرفرانسه ظاهر شود در هر منصب و رتبه که باشد از آن منصب معزول و اطلاق او ضبط دیوان می شود
 تا مدت ده سال در سلک تبین سرباز باید خدمت نماید این قرار باغاداده شده بود موقه از رضه سلطان نظام چند
 که یکی از آنها رتبت امیر تومانی داشت سرقتان ظاهر شده حکم مزبور در باره آنها اجرا کردید در این اوقات ارض
 همان رتبه ما در نفر باز سرقتان ظاهر شده اطلاق موجوده آنها ضبط و خودشان از منصب معزول شدند تا مدت
 ده سال در سلک نفرات عسکریه در آمده بار دومی موقه از ارسال شدند دیگر نوشته اند که در ماه جمادی الاول در
 مالمطوفانی بنده ظاهر گشتی بجا پسته نس که از اسکندریه بر سزمیر قنات از شدت طوفان غرق و کشته شده و ارساچ و

۲۱۰۱

عمل که در کشتی مبرور بوده اند فقط یازده کس با سلامت رسیده اند مابقی غرق و تلف شده اند دولت فلک
واردات و مالیاتش زیاده از مخارج و مصارف میخند است در این اوقات فرار داده اند که بعضی از کمره گویان
انجا را تزلزل بدیند دو سه ماه قبل ازین طوفانی بسیار شدید و رند و ستان شده در سواحل هندوستان
خیلی تلف شدکی و خرابی بطور آمده است حتی از کشتیهایی جنگی دولت فرانسه که در سواحل آنجا گردش میکردند
کشتی و ذوق نام از شدت تلاطم امواج بکل نشسته و سگته شده استخاصی که در میان او بوده اند تقریبی با صل سگته
در آمده اند ولی چون در آنجا که شکلی پروان شدند بسیار بانی بود و در از آبادی و خالی از آدم مابعد بزور قی نشسته دو یا
بدیاری رفتند درین بین یک کشتی بخار فرانسه با نهان بر خورده آنها را زورق کشتی بخار در آورده با صل سلامت
اختلاف طبع انسانی معلوم است و بعضی اوقات چیزهای نسیبند از طبقات بشر بطور میرسد که تا زکی دارد از جمله
شخصی صاحب کنت و تجل در مینوی فوت شده و صنت نامه او را دیدند نوشته بود که ارباب خیرات بجهت مریضهائی
پشان پهاخانههای زیاده ساخته و پولهای فراوان خرج کرده اند ولی برای حیواناتی تا کنون بهما خانه ساخته
و ناخوش و زخم داران را قدام حیوانات در میخولها و مغاره و کوه دیها تلف میشود لهند فلان قدر از اموال من
باید صرف این کار بشود که بهما خانه بجهت انواع حیواناتی زند و معاچه و دوا و ای حیوانات زخمی معلول سردان
سینگ کزانی چند هزار تومان بدین بات وصیت کرده و کذا است است و مثل این نیز در عظامه اسلامبول نوشته اند که
جوابی قانر نام از محلی عبور میکرد نظرش بر سکی ناخوش افتاد کارهای خود را راکرده تا آن سکه را معاجی و دوا
کز بکاری دیگر پرداخت و تا بسوک دره و زیتون برونی و جابهای دیگر رفتن را متحمل شد تا اینکه او را چاق کرد
شهر دیند پای تخت شهر چون از بلاد بارده است در نستان اغلب اوقات برف زیاد در آنجا میبارد و حتی بعضی
اوقات از کثرت برف عبور در در و در کوهها مشکل میشود و چند پیش ازین از جانب دولت سهریه اعلان شده که حساب
هر خانه باید برف در خانه خود را بردارد و کس مساحی نماید مسیح معینی که تخمین و دوزوه هزار دینار پول این ولایت است
بعضی از آنرا بکیرندان روزیکین اعلان شده بود در شب آرزو برف زیاد آمد از پول استخاصی که باین اعلان
متاعت نموده بودند و در یکروز بقدر پنجاه تومان جمع شده بود چند و پیش ازین در پاریس پای تخت فرانسه
شخصی با لباس فاخر و مقطع بهمانخانه در آمده غذا طلبید بود و بعد از صرف بعضی الطعمه لذیذ بخیمال سرفقت کار و و چنگال
که با آنها غذا میخورد افتاده کار و و چنگال را بغل خود پنهان کرده بود صاحب مهمانخانه هم فهمید و با خود گفته بود
اگر نظا بر از او مطالبه کار و و چنگال کنیم عیب رسوای و کس ناموس او خواهد بود در ذیل دفترهای ماکولات که صرف کرده بود بختوان
هم پول کار و و چنگال تو سیار به ایدست او داده بود و همانم بعد از ملاحظه بسیار فی الحال بدون تأمل چیزی نوشته بود داده و فرستاده
چون در سایر مهمانخانهها پول کار و و چنگال متداول نبود و انکهی بهیای زیاده از قیمت انمغنی سبب تعجب صاحبان مهمانخانه
شده

۲۱۰۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه و دوم شهر ربیع الثانی سن ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران

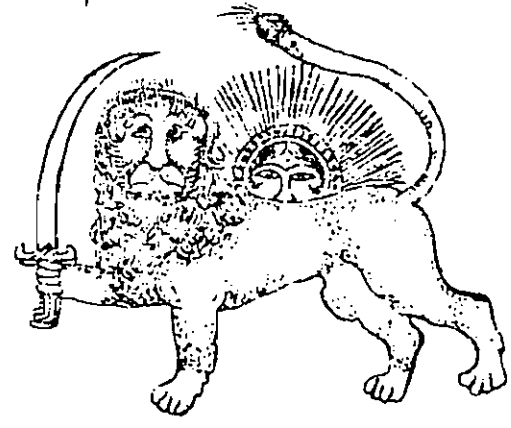
مذبح صد و بیست

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

بهره پرنسیپال

بهره ده شاهر



اجبار و احکام محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین اوقات که چند روز بعد نوز سلطانی مانده و آغاز طلوع بهار به هنگام حضرت و زینت باین و جویبار
از تفضلات الهی بارندگی کامل شده جویبار آمال و کشت زارانی عباد سیراب بالمال گردید هوای دارالخلافه
طهران در کمال خرمی و اعتدال است و در میان اقبال بیروال علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی صان الله انام من کنه
عن استباهی انواع نمای الهی از هر جنس و هر قبیل در نهایت فراوانی دارزانی است و عموم مالی و اعیان دارالخلافه
مرفه الحال و فارغ المبال بدعا کونی ذات اقدس علویون شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطان اشتغال دارند و چون
به هنگام غیبت حجاج بطواف بیت الله الحرام عالیجناب خیرالحاج حاج میر بهار الدین چاوش باشی مبارز آمده
مردم را بزیارت بیت الله الحرام اجبار و اعلام نماید در این اوقات نیز بقانون مقررده هر سال عالیجناب
محل کجا بسته و زینت و آرایش بطور خاص که باعث ازدیاد شوق حاج بود داده بیازارها و محلات برآمده مردم را
بزیارت که معطله اجبار نمود که از راه شام بمقصد غیبت نمایند و در روز بیت و مقصد اینها حجاج دارالخلافه طهران
خواهند نمود (نظر سجدات و صدقات و درستی مقرب الخاقان میرزا عبداللہ خان سنونی خاصه که خاطر حضرت رضا
علیحضرت اقدس علویون شاهنشاهی را در عمل محاسبات و خدمات بر جود راضی داشته خاصه در رسیدگی
مکاسبه منتسب له بطوس خانه خاصه بدن مبارک ابوالحسنی مقرب الخاقان آقا عبداللہ خنت دار که کمال
و اتمام بعل آورده نهایت صداقت و راست فسلی را منظور کرده اند که در محنت و کاهه معضی بر حتمی خاص در باره
بوازی یکتوب جیه ترمه از بطوس خانه خاصه قرین ایثار و افتخارش فرمودند که بهتر از شتر طوانم صدقات و حد
پردازد) (قدیمی فدوی دولت ابدایت مومن سلطان مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام که نامور در با
بوازد در بار کردون مدارخص در و اند کردید) (عالیجناب مقرب الخاقان میرزا محمدت سکر آقا حسن

۲۱۰۳

شغل تحصیلی محاسبات و قرضه اذربایجان یا مرحوم ابراهیم خان والد او بود از کتاب مبارک مرخص و مأمور شد
 اذربایجان شد که در سرشغل و الد خود بوده محصلی مالیات و تمام کردن کتابهای ولایات اذربایجان با او باشد (عالیجاه)
 سرسین مرسته دار قرضه مبارک چون در انجام خدمات خود کمال اهتمام را بعمل می آورد در شب عید منوچهر
 ولایت آید امیر المومنین علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه که سبب تشبیه و آشنایی از قرضه مبارک مخصوصاً چون
 آورده بود خوب از عهده برآید و خدماتش مستحسن و مقبول خاطر اولیای دولت علیه افتاده لکن یک ثوب چه ترش
 لاکه همان شب بعالیجاه مشایخ خلعت و در حق قرضه خانیان هم که مباحثه سبب تشبیه می بودند انعام ملوکانه
 کردید امورات قسطنی در روز یکشنبه هجدهم آینه که سرکار علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی غایت
 و شکار فرموده سوار شدند در بالای میدان اسب دوانی بمیان افواج قاهره تشریف آورده اول بمیان فوج ششم تشریف
 جمعی عالیجاه محمد باقر خان سرمنگ آمد فوج مزبور را ملاحظه فرمودند و فوج مزبور در انعام و التفات ملوکانه کردید
 بعد از آن میان افواج متوقف در آنخلا تشریف آورد فوج اردبیل و دیگر فوج مقرب انخافان نتیجه انجمن این اعظام
 پشارسرین که مدت در در آنخلا و مشول خدمت و فراوی میباشند از نظر مهران گذشته در کمال خوبی مشغول
 و مورد رحمت ملوکانه گردیدند و چون مقرب انخافان مشایخ در نظم فوج مزبور اهتمام نموده بود از جانب نسبی انجمن
 اقدس کایون شاهنشاهی جناب شرف امجد رفیع صدر عظیم نهایت التفات در حق او مبذول آمد بعد از آن سایر افواج را
 که صف نظای کشیده بودند ملاحظه و تحسین فرموده و از آنجا میان سواره مقرب انخافان خیمه قلیخان ایلخانی تشریف
 برده و سواره آنها را ملاحظه و تحسین فرموده مقرب انخافان مشایخ مورد التفات و نوازشات ملوکانه کرده و بعد
 سواره مزبوره و آق سقالان زنگان التفات و نوازش فرموده از آنجا تفرج و شکار اطراف غایت نموده حوالی غروب آفتاب
 بارک مبارک سلطانی مراجعت فرمودند (فوج فدرسکی که احضار کتاب حضرت آیتاب کایون شده بودند در روز یکشنبه
 گذشته وارد در آنخلا و مبارک گردیدند) از آنجا که خبر از تعلیس سید زبیر سید خلیفه بزرگ ملت اردلان
 در روز ۲۹ جمادی الثانی وفات نموده است و این هفتیه بدو من سابقه اتفاق افتاده بزرگ امیر مرضی و علی بنی
 در کمال صحت و تندرستی بوده است چنانچه چند روز قبل از وفات در جنرال تونسوگری دولت علیه با عالیجاه محمد
 و فخران سمره جنرال لیلی و عالیجاه متانت آگاه تونسو فرانس و چند نفر از صاحب منصبان دولت هتیه رسیده
 بودند هذامای ایرانی و روسی ترتیب داده بودند زبیر سید خلیفه هذامای ایرانی را چنین پسندید از مقرب انخافان امیر
 حسین خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه خواهش نمود که پیشتر خود را بمنزل ایشان بفرستد که پیشتر خلیفه را وضع
 طبع اغذیه ایرانی با بد بد بجهت روز سه شنبه بیت هشتم جمادی الثانیه جمعی را خلیفه بمنزل خود و عده گرفته از کار پرداز اول
 این دولت نیز و عده خواست اگر چه کار پرداز اول این دولت در روز موعود بجهت تعانت فراخ عذر خواهی کرده است

۲۱۰۴

بود برود لکن خلیفه در کمال صحت و مشغول نیز بانی معانی خود بوده است در روز چهارشنبه بیت دهم شهر
 مزبور اول طلوع فجر از خواب برخاسته سرد صورت خود را شسته چون روز مزبور روز ولادت او هم بوده با سینه
 فاخر خود را پوشیده عازم کلیسا میشود و پیش خلوت در الحاق را باز نموده بیرون رفته پرده را نگاه میدارد
 خلیفه نیامد بقدر یک دقیقه ایستاده بعد داخل الحاق شد می بیند خلیفه در روی صندلی با سترحت نشسته لکن نگاه
 نمی کند نزدیک او رفته ملاحظه می کند که فوت نموده است نو دو شش سال شسته و خیلی آدم آگاه و مؤدب با نسلک بود
 نفس او را بگلب گذارده اند تا با اعزاز و اکرام زیاد با وچ کلیسا محل نقل نمایند (از آنجا که توانستند شاره
 افخم و الا با راحت نام الدوله خاظمیرا حکم ان عربان و لرستان و بر وجه و بختیاری همواره اوقات آرزو
 خدمات و نظم مملکت داری خود خاطر اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان را راضی و مسرور داشته
 در این اوقات محض مرحمت ملوکانه در باره نواب مغزی الیه یک قبضه لعنک دوله بسیار خوب ممتاز با
 لوله در بین خوب سبزه ایشان مرحمت و انفاذ کردید (چون عالیجاه آقا علی شتیانی شیخ مت که محصل وجوه
 خاصه همایون است در انجام خدمات مرجوعه خود کمال اهتمام را معمول داشته و خدمات او پسند خاطر اقدس همایون
 شاهنشاهی و انسانی دولت علیه گردیده بود لکن در این اوقات یک لب چبه تر میرد رجب او رحمت فرمودند)
 اذ و خردن انگلیس در بنا در فارس حدود مملکت دولت علیه در این ایام مجاربه خواه بجهت غن اولیای دولت علیه و خوا
 سبب غیرت و حمیت امالی ایران کمال صحت داشت انگلیسها از آنجا که بیم کرد حیل را اشعار خودشان دارند بول
 ریادی سکه زده با خود آورده بودند که در وقت تنگنا بخرج داده کار خودشان را علی العجله براه بندازند وقتی که دیدند دنیا
 و باقیمت های متعارفی امالی بنا در وسعت این دولت آذوقه با آنها نخواهند فروخت بنای عمل را بقلب گذاشته است
 داده بودند که قیمت هر جنسی را او مستوی بپوشای دی داده خواهند خرید بعضی از مردم ساده لوح بطمع که خبری از خیر و شر عالم
 و نظایات کلی ندارند از شنیدن این قیمت کراف طمعشان بچوش آمد در خفته طالب با انگلیسها مثل مرغ را از قار قلعه
 و کار از قار یک رس ده تومان و پنجاه سیر اجناس را بهین نسبت فروختند از آن پولها قلب گرفت کرده و خود را مستغنی ساخته
 بودند بعد از دو روز دیگر فهمیدند که این پولها جمیعاً قلب و بمصرف و عیاشی خرف بوده اند از قار یک حساب کرده اند مرغ را بهر آن
 بلی و کار از قار یک عیاشی زخته اند و الان بعضی از سکه های قلب نکلیس که بهیچ نمی آرزو در دست امالی بندرات فارس نماند
 و از نماندن آن پولها با اسخلافه طران هم آورده اند مردم تا شاکر و تعجب از ترستی ضرایب آنها بگلیس نماند اگر چیزی اسبطر در
 بر طمع بی تیر بی حمیت یاده بر اینهاست و کسی با حوال چنین آدمهای بی حمیت افسوسی ندارد لکن برای اسم دولت نکلیس هم لاف
 که کار گذاران هند بنای کار خود را با این شسته بقلب گذارند و فریب عایای فقیر را غنیمت بدانند اگر چند نفری درین میان
 کشیدند دیگران را هم عبرت حاصل که انگلیس تقدیر پول کراف دارد که مرغ را یکی یک تومان بخرد و نه تقدیر سختی است که پول خود را با
 خرج نماید بعد از این البته در خفته و نهانی هم آمدی غنیمت بخورد که با انگلیسها چیزی بفرود اگر چه واقعا طای خالص
 با ضعا و مضاعف در قیمت اجناس بمانند

۲۱۰۵

اخبار دول خارجی

در محاربات تیسو استول از قزاق که در روزنامهها نوشته اند چند نفر از عکاز فرانسه یکی از ضابطان گروهبانان در جنگ گرفته خواسته بودند مقول نمایند چاشنی آنها مستحضر شده هر طور بود صاحب منصب مزبور را از جنگ مبرا کرده همراه خود با سیر بار دو آورده بعد از وقوع مصاحبه او را بطول خود معاودت داده بود چون مشایخ را از صاحب دولت و تجل بود در عوض این محبتی که چاشنی عسکر مزبور با نموده و او را از کشتن خلاص کرده بود ما میباید با و قرارداد است در برهه سی تومان نقد با و میباید و همچنین در وقتی که قشون پورس با تجار برده بودند یکی از عکاز فرانسه بخانه داخل شد طفلی در دست آورده آن طفل را همراه خود بار دو آورده و مانند او لا و خود نگاهداری نموده و موخر ایسایس برده در روزهای پاریس گذارش او را نوشته بودند آن روزنامه سوسپول رسد و در آنجا خوانده بودند یکی از آن اشخاص که در وقت محاربه اطفال خود را گم کرده و نمیدانستند در کجا باشد معلوم کرد که این طفل اوست که در پاریس سلامت است مثالی حیاتی یافته و با عیال خود عزیمت سفر پاریس نموده بان محلی که در روزنامه نوشته بودند رقم طفل خود را لم دید فوق العاید و مسرود شد و چون این شخص نیز صاحب وضع و ممول بود در حق آن شخص که طفل او را آورده بود انعام و اکرام زیاد کرد کمال محبت و آن را در باره او مرعی داشته است) (در ممالک فرنگستان خصوصاً در انگلیس و فرانسه تنخواهی که بجای نفع می دهند نفع آن در سال صد و پنج متداول و معمول بود چند وقت پیش ازین بجهت احوال حاضره ناپولی دایو سحر نفع بول برقی کرده بعد و نفع رسد در این اوقات که رفع غلظت آنها شده است بجهت ستراحت مستقلاً فرنگستان باز نفع بول همان صد و پنج فرار گرفته است) (در اواسط ماه جمادی الاول در سواحل فرانسه و انگلیس طوفانی شدید بوده و تا سه روز ممتد بوده است از شدت تلاطم امواج دو کشتی تجاری تجارتی انگلیس با خلی کشتیهای بادبانی شکسته و غرق شده است) (در دولت روس تفنگی که سالوات استمال می کنند هم چنان است چون برده بطلب بکار نچورد این اوقات دولت مزبور قرارداد است که تفنگ افواج نظام کلاً و کلی و چاشنی دار باشد و بجهت آوردن پستادان این صنعت بر بطرز برون از جانب دولت روس چند نفر صاحب منصب فرنگستان رفته اند) (از امتعه و اجناس که از خارج بدولت روس میرفتند آنها را که زیاد میکردند در این اوقات که چهار صد نوع از امتعه و اجناس را بپول داده و کمتر نموده اند) (در سال گذشته در طوفان دریای ناز کشتیهای تجاری فرانسه چهار صد و چهل و شش کشتی از انگلیس هزار و هشتاد و پنجاه کشتی در دریای اسکند و غرق شده اند) (در پنجم کانون مانی در جزیره مابیل نام که از جزایر هندوستان در زیر حکومت دولت اسپانیا است طوفانی شدید ظاهر شده از کمال شدت طوفان و انفلا هوا بقدر سه هزار خانه با سفارتخانههای دولتی و کشتیهای فرانسه و انگلیس که در آنجا بوده اند کلاً منهدم گردیده و زیاده از ده هزار درخت نیز شکسته و ریشه کن شده است

۲۱۰۶

چنانچه در روزنامه‌های گذشته نیز نوشته شد مابین دولت روسیه و جمهوری سیبری در باب ایالت نیشا نبرودی که حادث شده بود در فترت گذشته کرده و جنگ منجر شد پادشاه پروسیه نود هزار قشون را به ندرت ترتیب داده و این قشون را از راه در جنوب که عبور از آنجا آسانتر بود آورده داشت بجان سیبری حرکت بدید درین باب بگومنت در متبوع اخبار رسیان گفتند که حکومت نبرودین مخصوص موافقت کرد و اظهار بی طرفی نمود بموجب روزنامه که بعد رسید است پادشاه پروسیه قشون نبرودین از راه بادغانه و قزغزیت داشته است که حرکت بدید (جمهوری سیبری نیز در شهر برن مقرر حکومت خود مجلسی که سابق کرده بودند میت و چهر قشون ترتیب داده و جنرال دیوینام را سرداری قشون نبرودین کرده بودند و برتی و صوابه به سردار بزرگ بمقاد دو هزار قشون دیگر نیز فرار کرده بودند که ترتیب بدید بموجب اخباری که در شامی رسید جمهوری سیبری فرار دادند که انالی ایالات خود را از دست لاجپل که در سلک قشون داخل نموده با جرای تعلیمات می آنجا پردازند و این باب که قرار داده اند در قشون سیبری چهارصد و پنجاه هزار کس آمدند) (در بیت و دویم ماه جمادی الاول خبر از راه سیب قزغزیت رسید بود که از انالی نوشتار کسی که اصحاب دو احتمال مابین احوال حاضره سبب و باعث برودت مابین دولت پروسیه و جمهوری سیبری بودند اجرائی محاکماتان بموافقت طرفین بدولت فرنگستان محول شده از خبر اطلاق گردید و مابین جمعی جنگ طرفین موقوف شده است) (گذارش دولت ناپولی در بعضی از روزنامه‌های گذشته نوشته شده است که پادشاه ناپولی با انالی و بجه خود باره تعذات ظاهر کرده بود و این مخدمه باعث انکرات مابین او و دوسین فرانس و این دو لیتن نبرودین بعضی تکلیفات و اخبارات پادشاه ناپولی تسلیح نموده بودند قبول نکرده مابین سبب ترک مراد و در اخبار بود و سفراتی خود را از ناپولی برداشتند و دولت ناپولی در صحیح معاملات داخله و پستی خود صورت جبریه ملاحظه کرد و مع بدنا کنون تکلیفات مرقومه را مطلقاً قبول کرده بود و چند وقت پیش ازین از انالی ناپولی جنلی آدم بمقر حکومت نبرودین سیب قزغزیت اجرائی محاکمه بکنفرات معاطله بارده که از او ناشی شده بود آمدند و عرض حال آنها مرضی و مقبول خاطر پادشاه ناپولی افتاد و بعد از اصلاح امور داخله و اصول پستی خود همان اشخاصی را که با دو نفر از وکلای محبوس داشت امر با خراج آنها از محبس کرده و کلاً رخصت نمود و متکلف ساخت چون حاصل تبلیغات دولتی نبرودین عبارت است از خلاص مجوسین مرقومه بود درین صورت که مقصود از آنجا آمد و دیگر مایه برودتی فیما بین مانده در دسین نبرودین باز اعاده مناسبت و تا کید مسانی و داد و مخدوت نموده اند) (در این وقت مجلس ملت و اصله دکان اسوج و نوری کسوده و قرار گرفته اند که از انالی آنجا از میت و دولت ناپولی جنلی آدم در وقت جمع کرده با جرای تعلیمات آنها پردازند و هم این قشون تا بیت و سال در سلک کسری منتک باشند و بجای کفوده اند که اخبار اما بقصد هزار کس تخمین کرده اند) (از انالی فرانس اشخاصی که قیصری چیزند در تابستان هر طومت کاری برآید ای گشتند و که زمان می نمایند ولی در رستان بی کار میمانند و بجزرت میسند را نند بجه صلاح حال آنها بجا بقیستان

۲۱۰۷

در خدمات دولتی و مابقی بکاربرد و وی از قبیل سکنه نشینانها مشغول باشند در این اوقات از جانب علیحضرت
امپراطور فرانسس کوه فرانس که بر واقعی عبارت از نگذار دنیا باشد اعطای شده است (و دیگر در بابی که
در ایام جمهوری فرانس حرکات معدت تمیز بدولت کرده و آنها را بجهت دستاوردن کوه فرانس کرده بود در این اوقات
از جانب امپراطور فرانس اعلان شده است که این اشخاص با عرض حال دستهای مختصی از جانب امپراطوری قسم بخورند
بدولت بعد ازین عاصی و یا غی لشوند استعدای آنها قرین قبول و از حبس مستخلص خواهند بود) (تاکنون در نظر
چین امالی فرنگستان مردمان وحشی و دور از مدنیست می نمودند حتی اگر یکی از اهل چین با یک فرنگی الت میکرفت یا تجارت
بفرنگستان میرفت در معاودت با او طریق بیگانه کی مسلوک داشته و از او دوری می نمودند در این اوقات خان
چین بخلاف این قانون به نیت پیدا کردن مناسبت و روابط امیرش و احتیاط بعضی دول فرنگستان اراده کرده
که سفیر روان نماید) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده بود که از جانب دولت فرانسه سفیری بفرانس
مخصوصه موقتاً سمت چین عازم است از قرار روزنامه که بعد رسید بجهت همراه بودن با سفیر نپور و برای محافظت کشتیهای
فرانس که در سواحل چین مستند چند کشتی جنگی و فرانس حاضر کرده بودند و امرال ژنرال نام امیر البحر کشتیهای
سین کرید) (در فرنگستان بوجوب قانون اغلب دول هر چند سال یکبار نفوس موجوده را سرشماری میکنند از جمله
دولت فرانسه درین اوقات امالی ولایات خود را سرشماری کرده است ذکر او و انانما افتاد و ذکر دروسی و نه هزار
سیصد و شصت نفر بقلیم آمده اند) (جزیره مدی که در سمت شرقی قطعه افریقا واقع است امالی آنجا بسیار خوش بود
از امیرش و احتیاط با امالی مدون و دول مستند از قراریکه در روزنامه نوشته بودند از طرف دولت انگلیس بجهت مراد
و تجارت نمودن با آنها سفیری مخصوص یا تجار رفقه حکم آن جزیره نر نور را که زنی است ملاقات کرده اظهار
معاهده تجارتی نموده است که باین او و دولت انگلیس شود مشا را ایها اصلا مراد و مقصود این عهدنامه چه باشد
بگوشش جایگیر نیامده و سفیر نپور نیز هیچ زبان با و حالی نتوانسته است نمود بی نیل مقصود مراجعت کرده است
(از قراریکه از دولت بر نوشته اند وسعت ممالک آن دولت بقدر یونانستان است ولی و معموریت و عدت
و ظهور و قوت صنایع با اغلب ممالک فایق است و صنایع آنجا بیش از جاهای دیگر است و بجهت صنایع در ممالک برودت
شست و سه کارخانه روزنامه است که از هر کارخانه هر روز روزنامه طبع و نشر میشود) (در قطعه استرالیا که
معاودن طلا چند سال است پیدا شده و طلای بسیار از آنجا هر سال عاید میشود و تقصیل آن بکرات در روزنامه نوشته
در این اوقات در یکی از معاودن آنجا شخصی طلائی یک چربیت سنگ دزنه که شتاد و چهارمین و کسری وزن او بوده است
پیدا کرده و به منظور بندن آورده اند و مفقود هر تومان متجاوز قیمت آن است چون پارچه طلائی باین بزرگی تا حال در
بیچک انمعاودن دیده نشده و تا مگر دارد از جانب دولت آن بصاحبش تسلیم و او را بیا و کاری در خزانه گذاشته اند

۲۱۰۸

روزنامه قباچ انقاویہ تاریخ لوہم شنبہ بیست و نہم شہر ذی القعدة سال ۱۲۷۲

مزد سید و بیست و یک

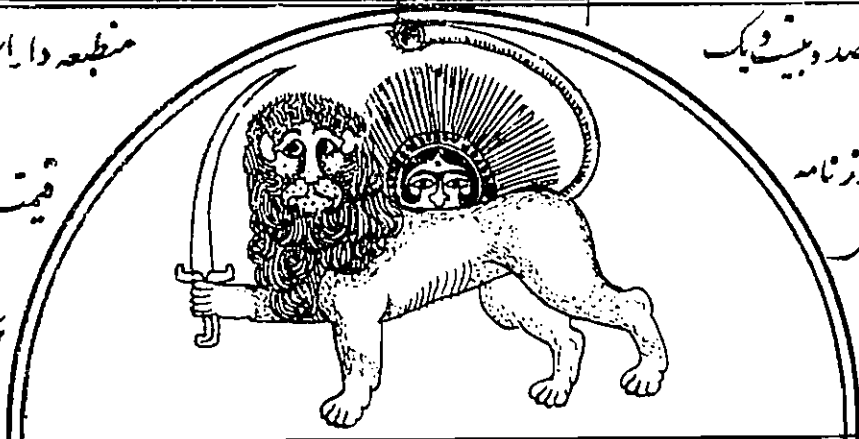
منطبعہ دارالخلافہ طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

ہر نسخہ دہ

ہر خطی ہر



اجبار و احسان مالک محروسہ پادشاهی

دارالخلافہ طهران

در شب شنبہ بیست و چہام ماہ جب چہل و دو دقیقہ از سہ ساعت گذشتہ تجوین آفتاب سرج محسوس گردید و عید فیروز شیطانی وقوع یافت اکثری از مجتہدین عظام و علمای اعلام ذوی الاحترام و خواص و محرمین ہزارگان و امنای دولت و مقربان حضرت کردون لطف سینہ و سران و صاحب مضبان نظام و یزد در مجلس تجوین بر حسب دعوت و احسان حضور داشتند تقدیم مبارکبادی عید فیروز نموده و از انعام ملوکانہ و شاهی اشرفی عیدی بہرہ مند گردیدند و مجلس تجوین شہادت و شایستگی منعقد شدہ بود اعلیٰ حضرت اقدس عالیون شہنشاہی توجہ خطاب مستطاب عالیون را بجانب جناب اشرف ارفع امجد صدر اعظم فرمودہ و نسبت بہر یک از علمای اعلام اظہار رافت و عطوفت ملوکانہ و از ہر یک از خواص حضرت تہنات تقدیر نامانہ فرمودہ و فضلی از اہمیت و انتظام کشور و شکر بیان فرمودند و جناب اشرف ارفع را مخصوص بالافتخار حسرت و انی فرمودہ از مساعی جمیلہ و خدمات جلیلہ ایشان خشنودی خاطر اقدس عالیون را اظہار فرمودند و جناب امیر نیز زبان بشکر گذاری کسودہ بتقریرات بلیغہ و بیانات انبغرض امتنان بحضور مہر ظہور عالیون نمودند فردای آن شب کرد عید نوروز بود و سفرای دول متحابہ بقرار معمول ہر یک در ساعت مقررہ با لباسی سبزی شرفیاب حضور مبارک و مورد انواع ملوکانہ گردیدند و بعد از مرخصی از حضور عالیون با جناب اشرف ارفع طاعات نمودند و از نواب مستطاب اشرف ارفع امیر نظام با احترام نیز دیدن کردند و در دیوانخانہ بزرگ پادشاهی سلام عید منعقد شدہ تحت مہر تالار دیوانخانہ وجود فایض الحودہ عالیون زیب و زینت یافت امنای دولت علیہ و شہنزادگان عظام و خواص حاکران دربار سپہر ام و سران صاحب مضبان نظام و خوانین و ارباب مسلم و یرضد مسلم و بقدر کجایش دیوانخانہ مبارک کہ از توپچی سپہر باز ہر یک در سہر مقام خود ہستادہ اجزای شلیک توپ و زنبورک بقانون معمول این دولت علیہ شدہ مبارک اعلیٰ حضرت قوی کسودہ اقدس عالیون

۲۱۰۹

در سلام جناب شرف افخم را مخاطب فرموده فرمائشهایی که باعث امیدواری و دلگرمی عموم مالی مملکت از سباحتی و رعایت
 بالفاظ در برابر او فرمودند بعد از آن عالیجناب خطیب باشی او را خطبه بلین بنام نامی سرکار قدس تالیون و اختتام بدعا
 از دیار دولت و شوکت ابد مترون نموده و عالیجناب میرزا محمد علیخان شمس الشعرافصید خراکه در تهنیت عید نوروز چون
 تالی آید بر سرشته نظم کشیده معروض پیشگاه حضور مهر ظهور با و از بلند کوشه نزدیک دور واقفان حضور نموده مورد
 تحسین و التفات خسر وانی گردیده سلام عام بخیر منقضی شد بعد از آن سرکار قدس تالیون بنا لار سردرب دیوانخانه
 که مشرف میدان ارگ است تشریف فرما گردیده مالی دارالخلافه که از صغیر کبیر و برنا و پرورد میدان ارگ مجتمع بودند
 از زیارت و جود فایض ایچو دجا یون یکدیگر چشم روشنی داده و آنجا تیرشاهی اشرفی بعضی ارباب طرب و غیره
 رحمت گردید (چون در هر یک از ایجاد از جانب شیخ ابوالحسن تالیون چند ترانه در استنکین جناب شرف افخم
 بعد از عظم رحمت می شد در این عید چون هوای برودت داشت بنا بستند و مع سخره ترانه بطایر جناب طبرس خاص
 مبارک خود قبل از سلام تهنیت جناب معظم الیه مرتب فرمودند و از جانب جناب صدارت عظمی نیز کلامی تقدیم شد
 (در این روزنامه آنچه که در شمس عید و دید و بازدید مردم یکدیگر علیحضرت اقدس تالیون شاهنشاهی بخیر معده و بعد از
 از خواص خدمت باقی جا کران در بارها یون را از عالی وادانی از التزام در خانه و خدمات دیوانی معاف و مرخص
 که بیدین علمی اعلام و مجتهدین ذوی القربی الاحترام و دید و بازدید یکدیگر و ادای مراسم عید و مبارکبادی سال
 جدید پروردارند و همچنین نظام حضرت فرجام متوقف دارالخلافه مبارک که از توپچی و سرباز و سواره نظام و غیره کلا در
 چند روزه از شوق و میلین و معالین دارالفنون از تعلیم و تعلم معاف و مرخص شدند) (این اوقات در گذارش احوال
 حاضره مابین دولت علیه ایران و انجمن روزنامه زبان فرنگستان هر یک مضامین عبارات کونا کون می نویسند که
 نوشتن هم آنها با عذر نظیر بلکه اغلبی بی ماخذ نظری آید ولی از بعضی روزنامهها معتبر آنها کاهی فقراتی که درین کتب
 ترجمه شده درین روزنامهها مطهر مسکود از جمله در روزنامه که این اوقات از فرانسه سید نوشته اند در ابتدای
 دارالشورای مجلس لار و پالم سنون بعد از گفتگی زیاد در خصوص امورات داخله و امورات خارجیه هنوز متوقف
 در باب سلب ایران چنین میگوید در باب امورات ایران راست است که ابتدای رقا را از جانب ولیای دولت طلبند
 و نتیجتاً دلیل بر جان رقا راست و نباید این مسئله را بکوت گذرانند چنانچه خواست بعضی اشخاص است که دولت
 ایران صاحب هرات باشد یا نباشد حضرات اجزای اولیای دولت تبه مطلع شدند که دولت ایران اراده دارد
 که مملکت هرات را جزو ممالک خود بکند در این باب شجاعت تشریح بر دولت ایران نوشته شد دولت مذکوره
 از خیالات خود دست برداشت فقط آنوقت و حالاً اولیای دولت انجمن ملتفت شدند که برای خاطر سعج و آزادی
 ممالک هندوستان باید دولت ایران را از گرفتن مملکت هرات مانع شد و پولیتیک حاضر همه در مسئله هرات است که

۲۱۱۰

از سرحدات خاطر جمع شد اراده اولیای دولت انجلس آن بود که کلبه نوشجانبی را بران را از نظر اجزای این
مجلس بگذرانند لکن اخبار رسید که فتح خان سفیر کبیر دولت ایران وارد پاریس شده با ایلچی کبیر این دولت ملاقات
کرده است و از نتیجه ملاقات چنان معلوم میشود که امید صلیح است چون مسند ما بین دو سفیر کبیر با یکدیگر است و امید
که بطور لحوه بگذرد (چون پس از ناموزیت امیر الامراء العظام کشیکچی باشی نسبت فارس عالیجاه نتیجه الامراء
محمد مهدیخان ولد خود را در سر منصب شغل خود گذارده بود و لازم بود که بحجه اطلاع آحاد و افراد ایلو ایلجمعی عالیجاه
ظهور غیبتی در باره او شود بنا بران یک ثوب جبه ترمه در زنجیره از جانب سنی احوال اقدس تالیون در وجه
عالیجاه مشارالیه رحمت و عنایت گردید) (چون عالیجاه قیبه الامراء العظام محمد حسین خان عالم سمنان و در
از غمده انتظام ولایت و وصول و ایصال مالیات بسیار درست و بقاعده برآمده بود و الهی ولایت کمال
از حسن سلوک و نظم مشارالیه و هشتاد و نه بران یک ثوب جبه ترمه در وجه مشارالیه رحمت و عنایت گردید که با بنیاد
امیدواری در سر پرستی رعایا و انتظام ولایت خدمات فخرانه نمود و اهتمام داشته مشغول خدمات دیوان اعلی
بوده باشد) (چون مغرب الخضره اهلیه میرزا عبداللہ ستونی میزان متوفی بکده و ماهه مأمور آذربایجان گردیده قیبه
مهر جواز که در نزد او بود عالیجاه میرزا سید رضی سر رشته دارگرا گمانهای مالک محروسه که برادر اوست سپرد
که تا بر کشتن مشارالیه از آذربایجان در نزد او باشد و کس جوازی را در دهر بر بند) (حاجی اسمعیل خان
شامیاتی سالها درین دولت علیه بحسن خدمت معروف بوده در این اوقات که محمد تقی خان شامیاتی و در
وفات یافته جمیع برادران و منوبان او تعزیه دار بود و عنایت خاطر ملوکانه شان حال آنها کشته خصوصاً عالیجاه
شامیاتی برادر مرحوم مر نور که شالیه و سزاوار رحمت بود موزنی یک ثوب جبه ترمه برسم خلعت در حق او رحمت
گردید که از لباس تعزیت بیرون آمده او و سایر و بسنگان مرحوم مر نور بر جسم خاطر اهدش ملوکانه مستظهر و
باشند) (چون عالیجاه میرزا طاهر وکیل مغرب الخاقان محمد و لیجان پیکر بیکی سابق استر آباد در گذراندن
سه لاله دین و بارس نیل و توغقان بیل استر آباد مراتب صداقت و راستی خود را مشهود انسانی دولت علیه
ساخته مستوجب عنایت و التفات گردید لهذا یک ثوب جبه کرمانی از جانب سنی احوال اقدس تالیون برسم خلعت
حق او رحمت گردید) (سوار خیمه که احضار در باره تالیون شده بودند در اوایل این ماه ششصد نفر سوار
سیر کردی عالیجاه نتیجه استخوان العظام ذوالفقار خان پسر مقرب الخاقان حسینقلی خان خیمه وار و دار الخاوند مبارک
در سکارگاه از نظر مرآت اقدس تالیون گذشته مور بحسن و التفات و عالیجاه ذوالفقار خان سر کرده آنها خلعت
مهر طلعت تالیون مخرج گردید به لشکر نوبان عظام حسب الامر انان را دیده و مواجب ماچان را بر دخته مدارا
لازمه آنها از سر بیا و وظیفه داده مأمور چنان شد از فرار یک این اوقات خبر از شاه رسید تا آنها با کمال نظم

سایر ولایات

حرسان از قراریکه در روزنامه نرسان نوشته اند چون ال در رستان چنانکه بابت بارندگی شود در او
 بود اجناس تسخیر شده کندم خرواری چچومان و جو خرواری چهار تومان و اجناس بیهی نسبتی کرده و کرا
 شده بود ولی در او اخر رستان برف و باران زیاد آمد چند نوبت بارندگی کامل شده و از نزول رحمت الهی چشم دل
 مردم سیر و انبار داران انبارهای غله را سراسر بر کرده درخ غله و سایر حیوانات تزلزل کنی نمود چنانچه کندم از چچومان بدو
 و چهار چهار تومان بهیجده هزار رسیده و بجهت انداز بروز اجناس و حیوانات هم در ارض اقدس و هم در سایر ولایات
 کمال فور را دارد و همه چیز فزاد و ارزان است و ازین ریکه زانی الی اولایت کمال شکر گذارید و اندر قزوین از قراریکه در
 روزنامه قزوین نوشته اند امور اولایت قزوین نظام و رعایا و الی اسوده خاطر بدعا کونی دات اقدس هاپون شایسته
 دارند مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان میکار در انتظام امر ولایت و فراه و اسود کعبت و انجام خدمات دیوانی کمال اهتمام
 بعملی آورد و بجهت الله نهایت فزونی و ارزانی در اولایت حاصل است با اینکه سال پنجمه تسخیر غله در آذربایجان غله که بر سال از
 خدمت و زنجان بقزوین می آمد نیامد مع ذلک تفاوتی در نرخ غله بهم رسیده است در اوایل رستان هوا بملا ممت و خوشی گذشته
 و بارندگی نشده بود ولی روزنامه ما بهم حسب که از قزوین رسید نوشته بودند که حال بجا است که بر فهای متوالی آمده
 بنفشت نوبت در هر نوبتی بقدر نیم ذرع برف بر زمین افتاده هوا را بدت سرد کرد حتی چند روز از شدت برودت کشت
 برف راه عبور از طرق و شوارع مسدود بود بطوریکه از دات تره یک سیم بشهر عبور و مرور مینی شد و تا چند روز داکین باران
 سسته بود و این بارندگی زیاد و برودت هوا مطلوب دما قین و زراعت کاران و صاحبان املاک و باغات بود که بآید
 حاصل کمال امید واری بهم رسانیدند (دیگر نوشته اند که چون ساله مالکین و مباشرین پنجاه تان باستان از قزوین سخن
 بهمانه ای که امسال رخ گرفته شده و نیت الهی ولایت را در تنگنا و صعوبت می انداختند امسال مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان
 از مکی آنها الترام گرفت که پنجاه را حکما بیخ نمایند تا در رستان راه عذرو بهانه نداشته با و الهی می کشند) (دیگر نوشته اند
 که چون بجهت احوال حاضره فتون کلین در بندر بوشهر الهی هر یک از مالک محروسه بجهت حضرت دفاع و جواد و جان
 در راه فت و دولت قوی بنیاد از جانب خود آدم معین تبریزی بدر بار جهاندار هاپون شایسته صان الله ایام سوگه عن
 فرستاده و استدعای خود را عریضه نوشته اند الهی قزوین نیز از راه حمیت در مین و غیرت دولت ابد این جانب فیض
 محمد الزمان میرزا عبدالوهاب را که معتمد کل ایله و پیشوای قوم است بدر بار جهاندار هاپون از جانب خود روانه داشته
 و استدعای خود را احتیاجی مبارک عرضه داشت نموده اند تا بد آنچه حکم از مصدر سلطت عظمی شرف صدور دارد از
 معمول دارند) (دیگر نوشته اند که در باب افواج و مأمورین که از قزوین عبور و مرد می نمایند مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان
 نهایت توقیر و احترام و مهربانی را بعمل می آورد و بخرسندی عبور میدد

۲۱۱۲

اخبار دول خارج

اهل بیان که در سمت شرقی چین واقع است در تقلید صنایع بسیار ما برند و هر چیز را میسازند بجهت آن را میسازند و حال ده سال است که در ساختن کشتی تجار کوشش میکنند تاکنون تسویه اند با زنده در این اوقات بجز خود در باره کشتی تجار عتراف و بجهت تحصیل ارضای جان این صنعت نسبت یکی دنیا و نخلیس بصورت مهندس اشخاص چند روایه کرده اند که ساختن کشتی تجار را یاد گرفته دولایت خود با زنده در دریای آنجا بکار میسازند (بهار یک در روزنامه های سابق نوشته بود که کشتیهای جنگی نخلیس که در سواحل چین بودند سر کرده آنها از قایم مقام شهرکاتان طلب ترضیه بجهت یک نفر نخلیس که اهل کاتان کشته بودند نموده از جانب قایم مقام مزبور جوابی بروی مدعا نیامده سر کرده کشتیها بعد از جبر اقدام نمود قایم مقام کاتان هم چو از ملاحظه این حالت حکم کرد محله که در جلوسه محل ششمین قونولها و تجار و فرنگستان بود پیش زنده االی فرنگستان خود را بکشتیها رسانده جان بر بردند فقط از امور نخلیس و نفر بدست اهل کاتان افتاده بقل رساندند و در محله مزبور قونول خانهای نخلیس فرانس و اسپانیول و پورتو قال و سایر دولتها فرنگستان را با جنبی خانهای تجار فرنگستان آتش زده و خراب کردند و از کشتیهای فرنگیها نیز بشهر مزبور توپ میزدند و از یک نوشته اند آنچه خانهای فرنگیها بود اهل کاتان آتش زده و آنچه مال اهل کاتان است فرنگیها آتش میزند درین صورت کل شهر کاتان محرق و خراب خواهد شد) (دیگر نوشته اند که قایم مقام شهرکاتان با اینطور اعلان نامه با شاه خود نوشته است) (منکه قایم مقام شهرکاتان نم باین وجه بکافه توجه خود اعلام میکنم جلاد ما که ملکیت عالیله پادشاه است وقتی که دشمنان نخلیس هجوم آوردند حمید و لغدی آنها بوقوع آمد لهذا اینهارا در هر کجا که بیاید بقتل ان شمارا ان دادم همگی با تفاق کله آنها را از بدن قطع نموده بجانب حکومت بیاورید هر سری را سی ریال انعام داده خواهد شد نظر باین اعلان نامه االی کاتان از اهل فرنگستان هر کس بیستان می آید می کشند و سر آنها را نزد قایم مقام مزبور میزنند حتی یک نفر طلبیم که از اهل ابطالیا بود کشته اند درین حال این ماده علیظ خواهد شد و طولی خواهد کشید تا با صلاح نیاید (در روزنامه دیگر نوشته اند که اهل کاتان قبول دادن ترضیه کرده بودند بعد از آنکه استعداد خود را بتردیدند از قبول ترضیه نکول و بر کرده کشتیهای جنگی دنیا نیز که ترضیه داده بودند مخالفت نمودند سر کرده کشتیهای نخلیس نیز در کشتی مقابل آنجا کشیده و شروع بشیک توپ نموده که گمان آنجا را آتش زده خراب کرد و بعد از آن با سر کرده کشتیهای جنگی دنیا اتفاق نموده یک طرف شهر حمله آورده دلی یک برج بیشتر تو استند متصرف بشوند و در آن برج یک توپ کار فرنگستان که دویت و پنجاه سال قبل ازین ایام ریخته شده بود یافته با نخلیس فرستاده اند) (در باب ایالت شاتل که متنازع فیته بین دولت پروتسیه و جمهوری اسپانیه بود و تقصیل کون قیل و قال و تهیه و اعلان حرب و جدال طرفین در روزنامه های گذشته نوشته شد در این اوقات مصباحه انجامید و فرار داده اند که مجلس مصالحه در لندن منعقد شود و از جانب دول فرانس و پروتسیه

۲۱۱۳

و ایوچره سمرای مخصوصاً نمودن است که در مجلس مزبور امضا کرده را بگذرانند (دیگر نوشته اند که از تبعه دولت
 اسپانیول میروز نام که ده سال قبل ازین سبب اختلاف و اعتساکس اسپانیول شده و ضرر خسارت زیاد آن
 دولت وارد آورد تا کنون گرفتن او بجهت عیدیه میسر نشده است و بملاحظه اینکه بهین خودیاندن این شخص عاقبت
 بارسبب اعتساکس دولت اسپانیول خواهد شد از جانب پادشاه اسپانیول مشارالیه اینطوری بیعت شده است
 که میروز در صورتیکه دخالت و استیذان بدولت اسپانیول نماید جنایات و عفو و بیچگونه معاهده بارده در باره او
 نخواهد یافت مشارالیه نیز عرض حال بدان سوال کرده و در روزنامه های اسپانیول نوشته اند (در سمت غنایی
 افریقا جمهوری برود که عادی شد کرد و خلق است رئیس آن جمهوری به پنج سال مکتوب با کثرت طرفداران عوض می شود
 در این اوقات است ریاست جمهوری آنجا بنهایت رسیده در خصوص تعیین رئیس جدید آنجا جنبه جمهوری با کثرت
 رجوع شده مابین مالی بعضی مخالفت روی داد و در وقتشند طرفین بجهت اجرای دخواه خودشان در غشوس گذشته
 جنبی حرب وجدال نمودند تا فرقه که طرفدار ویقانی نام بودند غالب آمدند و نظر با اصول موضوعه و اکثریت هواداران
 مشارالیه ریاست مکتوب اختیار و کشتی نیز که در لنگرگاه آنجا بود با و کردید نوبت دیگر فرقه که مخالف او بودند و دیگر
 ریاست میخواستند بر سر جمهوری هجوم آورده جنگ در پیوستند و از کشتیهای مزبور نیز کجایت ویقانی و جمهوری به با
 مخالفین حجب اقدام کردند درین بین منبری بعضی سباب مالی یکی از آن کشتیها بطرف معاندین مایل شده شروع انداختن
 توپ سمت ویقانی و جمهوری نمودند بعد از محاربه بریاد و باز طرفداران ویقانی غالب آمده مشارالیه زمان ریاست آنجا
 بدست گرفت ولی طول کشیدن این اختلافات سبب خرابی مالی آنجا و پریشانی جمهوری شده از طرف انگلیس با صلح
 حال آنها یک قطعه کشتی جنگی با آنجا رفته است تا بعد چه شود (در این اوقات در اکثر محال فرنگستان پول کاغذی بسا
 شده بیشتر آنها بلکه همه قلب و خارجی درآمده و مبلغهایی که درین کاغذها مرقوم است ده مساوی آن پول از مردم گرفته
 شده و خیلی آدمها پوشان از دستشان بیرون رفته است بجهت جلوگیری این کار پادشاه پروتسیه در دولت خود
 کرده است که بعد ازین خواه در برلین پامی تحت پروتسیه و خواه در سایر شهرهای آنولایت مادام که تصدیق حکومت منضم شود
 ازین پول کاغذی نزنند (دیگر نوشته اند که در سال قبل ازین در لندن شخصی اور نام چیزی مانند فیتر بست گرفته
 و خود را اسرافیل نامیده بر بسیل اعلان بعضی کلمات واهی نا بجا داد کرده در کوچها و بازارها گردش می نمود
 کیفیت در درون مملکت موجب بعضی قتل و قال گردیده لهذا یوانیان و ارا از آنجا طرد و اخراج کردند و قرار دادند
 که دیگر پانندن گذار و مشارالیه از آنجا بکنی دنیا رفته دیسکی دنیا نیز همین شیوه را پس گرفته خیلی از عوام الناس بر سر او جمع
 جمهوری بکنی دنیا مطلع شده او را از آنجا نیز اخراج کردند تا نایا با زندن آمده همان افکار و اعلان بعد از سر گرفت در این نوبت
 گرفته محسوس کرد در این اوقات اسرافیل مشارالیه در برهان بجز این تسلیم نموده است

۲۱۱۴

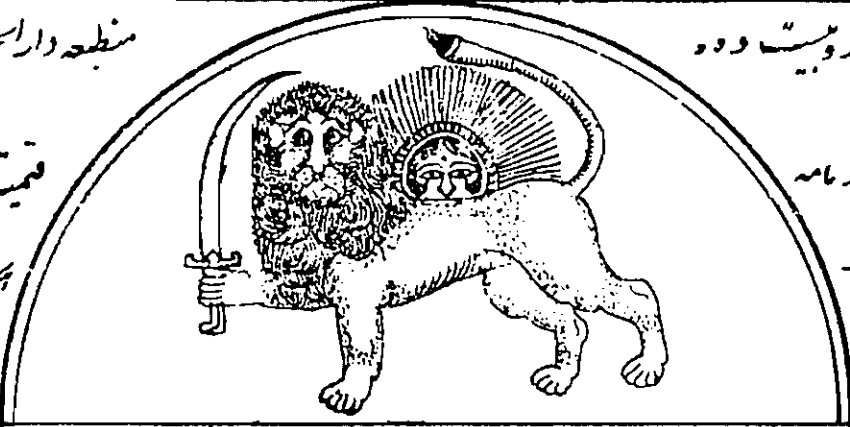
روزنامه وقایع الفایده تاریخ یوم شنبه سیم شعبان المعظم مطابق سال ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران

نزهت سید ویت و دو

قیمت اعلانات
هر خط پنج شبر

قیمت روزنامه
هر نسخه ده



احباب در چند ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که اولیل بهار است اطراف دارالخلافه طهران کمال صفای خرمی را دارد نظر بخوبی هوا و خضرت
 و جو بیار خاطر آمدس با یون شاهنشاهی بعضی روزها مایل تفریح و تماشا کشد سوا می شوند و اطراف دارالخلافه
 سمت قصر و شمیرانات را تفریح میفرمایند افواج قاهره نظام نیز چند روز است که در میدان ارک و میدان خارج
 دروازه دولت مشق می کنند و معلمین و متعلمین مدرسه دارالفنون نیز مشغول تعلیم و تعلم قواعد عربیه و طب
 و غیره شدند چنانچه شوق و ترغیب و رسیدگی بکارشان در روز یکشنبه دویم شهر شعبان علیینت اقدس
 شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه دارالفنون گردید با طاق هر یک از معلمین تشریف برده و بدین شاکردن
 مدرسه رسیدگی نموده مراجعت فرمودند (فوج ششم تبریزی ابوالجهمی عالیجاه محمد باقر خان سرهنگ سرمقرب
 محمد خان امیر تومان را در روز دوشنبه بیت و پنجم شهر حرب المرجب که روز ششم عبدلنور بود و حسب الامر اقدس
 نکرو بیان عظام دبیر و ن دروازه نوسان دیده و موجب جیره و انعام مرحمتی تا بهار را عاید ساخته با کمال
 و نظم مأمور خدمت حرا شده روانه گردیدند) چون مقرب انخافان امیرالامراء و العظام امیرصدان حاکم
 کلبان نهایت مراقبت و اهتمام در انجام امورات دیوانی و انتظام امور ولایت و رعیت داری بعمل آورده در رسیدن
 و جوه خزان عامه سایر امورات دیوانی خاصه در آوردن چرخ و سباب جلاری با فی که متجاوز از هزار خزان و وزن وارد
 از تلی تا منجیل بطوری که زاید و رساند که احدی نرسد و سهولت و آسانی از غمده انجام خدمت محوله بخود برآمد
 حسن سلوک و رعیت داری مقرب انخافان مشایه مشهود و ملحوظ خاطر اقدس همایون و به تحسین اولیای دولت تعلق
 مستوجب عنایت و التفاتی تازه آمده لهذا در این اوقات از جانب سنی الجوانب طوکاره میگذشته نشان نشان همایون
 مکلان لباس با کتوب جبهه ترمه از جامه خانه خاصه مقرب انخافان مشایه رحمت عنایت کرد (انخافان)

۲۱۱۵

میرزا زین العابدین تفرسی با سربو حمه که در سنه ماضیه لوی بیس بوکالت کیلان سرافراز شده بود در امر کت
 اتولایت بطوریکه باید مراتب جد و جهد و استقامات خود را مشهور خاطر اولیای دولت علیه داشته مورد رحمت که دیدند
 در این اوقات یکتوب جبهه کرانی با و خلعت مرشد (عالیجاته الامراء العظام محمداقرخان سرکنگ فوج
 ششم تیزی که ما موجود است نشان شده و موت درین روزنامه مطور کردید چون مراتب استقامات خود را در نظم
 ار استکی فوج نیز مشهور خاطر اقدس تالیون داشته بود لهند از جانبی جوانب ملوکانه کیطاشال ترمه با خلعت
 کردید) چون مقرب الخاقان امیر الامراء العظام محمداقرخان ایک آقاسی باشی در روز عید نور سلطان فی نظم
 سلام دیوانخانه بزرگ را بطور خوب شایسته داده و خاطر اقدس تالیون شایسته را از حسن گفت و کاروان
 خود خرسند داشته بود لهند محض طور رحمت ملوکانه یکتوب جبهه ترمه علی از طوبوس بدن مبارک ما بر حمت
 فرمودند) در روز دوشنبه سیم این ماه اعلیحضرت قوی شوکت شایسته میان نظام تشریف فرما کردید
 افواج قاهره متوقف و از انجمنه در حضور مبارک مشق نمودند حرکات مشق و ار استکی آنها مستحسن و مقبول خاطر
 ملوکانه افتاده لصاحب مضبان و عموم احاد و افراد لازمه نوازش و التفات را فرمودند) (مقرب الخاقان
 پاشا خان سرتیپ این روزها از دربار جهاندار مخص و مأمور کردید که رفته کسر فوج قهرمانیه و خنجال را که تا
 مش رالیه ابواب جمع شده است تمام نماید و آنها را آماده ساخته بد آنچه حکم شود معمول دارد) (قورخانچیان
 اوز با یجانی که احضار در دربار تالیون شده بودند این روزها وارد دار انجمنه طهران کردیدند) (سابق بر این
 اعلام از جانب دولت علیه شده بود که هر برات و سند دیوانی که در دست کسی لاوصول باندالت دیلی خواهد داشت
 که بان سبب ادای نخواهد آن را از جانب دیوانیان عظام اقدام شده است و نیز در ضمن همین معنی اعلام شده بود
 که هر کس برات و سند دیوانی او با لغض از سالی بال دیگر بماند و برات مزبور حسابی با و از روی غفلت اتفاق افتاده با که وجه
 آن سند بر آن صاحب برات لازم است که در سال نوآمده برات خود را تجدید نماید تا درجه اربعم برسد و دیوانیان عظام را در ادارات
 حرفی نزد چون این مطلب از جمله اهم مطالب است و استحصار عاشره ناس ازین فقره ضرور و لازم بود لهند مجددا در ضمن این
 روزنامه با تصریح عاشره خلق اعلام میشود که این حکم دیوان اعلی را کتلی عسومی دانسته بعد ازین کس را بر حسب العاشره
 سندی در دست بماند در سال نو بد فرخانه مبارک که آورده تجدید نماید و از مهر و ثبت جدید استوفیان عظام
 و الا ان برات حکما از روی دلیل خالی از وجه و خارج از درجه اعتبار خواهد بود بدیهی است که هر برات حسابی
 در همان سال صدور برات عاید میشود و اگر نشد دلیل بر بطلان آن موجود است و یا اگر سهو پیمان شده باشد
 تجدید لازم دارد در هر حال برواه کهنه دیوانی را ما و ام که تجدید نشود اعتبار رسد بهیچوجه نخواهد
 بود

۲۱۱۶

امور دارالخلافه طهران و توابع از حسن اقب و اهتمامات نواب مستطاب هزاره محترم و الایبار و میرزا
 حکمران دارالخلافه و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر در عین انشغال است و سایر اعیان محسود خان کلانتر و
 که خدایان حسب الامر نظام امور شهر و محلات و انجام خدمات محکوم بنحو مشغول میباشند و امر و اول
 در نهایت انضباط است و سرعت و خلافت بسیار بندرت اتفاق می افتد و اهالی دارالخلافه در کل
 فراغت و آسودگی بدعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی اشتغال دارند در روز سیردهم عید تقانون
 دولت علیه مردم از صغیر و کبیر و کاکهن و بازار بارالسبت سبزه تفریح و تماشا به بیرون شهر و باغات و
 و سبزی کارها میروند و آن روز را عیش و تفریح و سرور بسیار میبردند در ازمنه سابقه از بعضی جهال و الواط در
 مزبور هرگز و شترت بروز میکرد در این ایام از کمال مراقبت اولیای دولت علیه شترت و هرگز یکی
 موقوف است و کسی قدرت حرکت خلاف حساب ندارد چنانچه درین سیزده عید با وصف کثرت و ازداد
 خلق که از همه دروازه بیرون رفته بودند و در هر طرف جمعیتی منعقد بود صدای خلاف از اصدای بلند شد
 و از هیچکس خلاف حسابی ناشی و صادر نگردید (از اخبار دول خارج اگر چه در صفحه پنجم هشتم بعضی فقرات
 نوشته شده ولی یک دو فقره که تازه ترجمه شده و تازه نگاشته است درین صفحه مسطور گردید) (در روزهای
 و مکران نوشته اند که نوکر یک صراف رفته بود که برآه نه صد تومان وصول کند و آن پول را برات دو
 گرفته بود در مراجعت شخصی با او برخورد کرده بود که لباس و خردگوشی مثل نوکر صراف داشت و با او کفته بود که
 هم نوکر فلان صراف است بعد از آنکه چند قدمی با هم رفته بودند مردی دیگر با آنها برخورد و بزبان بلخی
 تکلم نموده و کفته بود که من وجه طلا دارم و میخواهم با برات دولتی عوض کنیم رفیق ما نوی کفته بود من ندارم و
 رو بنوکر صراف کرده کفته بود تو که واری عوض کن و هر دو اصرار کرده بودند تا راضی شده برات نمهند
 و طلا گرفته بود بعد از آنکه بمنزل برده در آنجا واری کرده دیده بود که آن پولها کلا سکه خارج ضرابخانه
 و مس خالص است که مطلقا کرده اند) (دیگر نوشته اند که در فرانسه امسال زمستان زیاد سخت و سرد
 شده و برف بسیار آمده بود و باین سبب که بسیار از جنگلهای بیرون آمده در و با بادیها کشته
 و خرابی و اذیت بآبادیهها رسانده بودند از جمله در یکجا مرد جوانی شب بمنزل خود میرفته است که یکی
 در عقب او کمین کرده بود از اتفاقات آن شخص بزین خورده بود فوراً اگر که بروی او حسته و او را بر
 چنگال در آورده کرد و شش را میچرخ ساخت و خون او را با تمام کمیده او را ملاک کرده بود و این که گویا
 یک جنبی مستند که در آن ولایت بعضی عا یا یافت میشوند و بخوردن محوم مطلقا میل ندارد از این حیوان
 بچنگان بیاید خون او را می مکند و گوشتش را نیز خورد

۲۱۱۷

سایر ولایات

فارس از قراریکه در روزنامه شیر از نوشته اند امور آنجا از آنهاست کارگزاران دیوانی قرین نظام است
 و نواب امیرزاده و مقرب الخاقان حاجی قوام الملک و حاجی امیر در نظم امور ولایت و انجام حذات دیوانی سی وانی و احمد
 کافی بعل می آورند با اینکه عا کر نصرت اثر شایسته ای اید الله جسمه متوالی از آنجا عبور نموده و مینمایند با بچه ها
 غله و آذوقه از چرسری نسبت به بالهای دیگر در کمال فراوانی و ارزانی است بجز شکر و بعضی سقطه با که فی الحقیقه
 دارد باقی اجناس و کالوات از هر قسم از آن و بسیار است از جمله کدو جرواری دو تومان و جو خرواری یک تومان
 و بزنج چپا یک من هفصد دینار و بزنج شهری یک من هفت سی و گوشت و روغن و حیوانات و کالوات همین
 نهایت دوز دارد و مالی آنجا ازین حده شکر گذاری تمام دارند خصوصاً در این اوقات که تجه عبور و مرور کر مضو
 بازار داد و ستد کسبه و اصناف کرم بوده و منافع کرده اند و احسن سلوک شکر فروزی اثر هم نهایت رسانند
 داشته اند که هم در منازل عرض راه و هم در خود شیراز با نظم حساب راه رفته اند و هیچ جا خلاف
 ناشی و صادر نشده است و مقرب الخاقان میرزا نعیم شکر نویس باشی فارس در کار و رخانه و انجام امور شکر و
 سایر خدمات مرجوعه بخود مراقبت تمام بعل می آورد و همه روزه حمله و صنف و رخانه بستن که در شک توک و تک انجام
 سایر آلات و ادوات جنگ میشوند و چنین امور چا پارخانهای عرض راه را امیر الامراء العظام کشیکچی باشی در اوقات
 با ولایت نظم خوب داده اسبهای آنها را بعبوض نموده اسبهای جوان فربه را هوار داده و در هر سفری هم دو اسب هلا و
 بر استمراری زیاده نموده که در زود رساندن اخبار و کاتب و کاتب هم هیچ وقت تعطیل نشسته باشند (دیگر از اردوی قشون دولت
 علیه در فارس نوشته اند که مقرب الخاقان شیخ الملک تواب استیلاب مؤتد الله و لپیوسته در تنگ غیرک و برانجان اردو
 و امیر الامراء العظام کشیکچی باشی هم با عدت و چشم تمام با آنجا وارد کرده شکر فروزی اثر با استعداد و راستگی تمام آن
 ساحت را فرود گرفته اند و متوالی و متعاقب هم فواج قاهره و قهرچی و سوار حون قطن امطار که بهم پیوسته سیل شکر و بجز خار نموند
 وارد اردوی ظفر گویه میشوند چنانچه از تعینکی اصفهانی که تازه گرفته شده بعد از حرکت امیر الامراء العظام کشیکچی باشی از
 شیراز قریب هفصد نفر زنده وارد شیراز شده روانه اردو کرده اند و فواج قاهره نیز هم تخی بار دوشده اند که در فوج
 مراغه که تازه وارد شیراز شده بوده اند و سه روزی در شهر بجهت انجام بعضی اسباب و لوازم سربازان قریب طرف است که
 سربازی در سفر خصوصاً در میدان جنگ باید همراه داشته باشد توقف داشته اند که البته این خبریات را دیده بعد از
 روانه اردوی برانجان شوند با بچه تا بیستم ماه گذشته است که در روزنامه شیراز نوشته اند قشون دولت علیه کمال
 و راستگی در برانجان بوده اند و اردو و سیوریات نیز از اطراف علی الدیالی بار دوشی آمده است و مالی که میرات نیز
 در مقام خدمتگذاری بوده اند که صفیات و ارباب ولایات جزئی غناش داشته اند دسته سربازان مدانی با بنام

۲۱۱۸

اخبار دول خارج

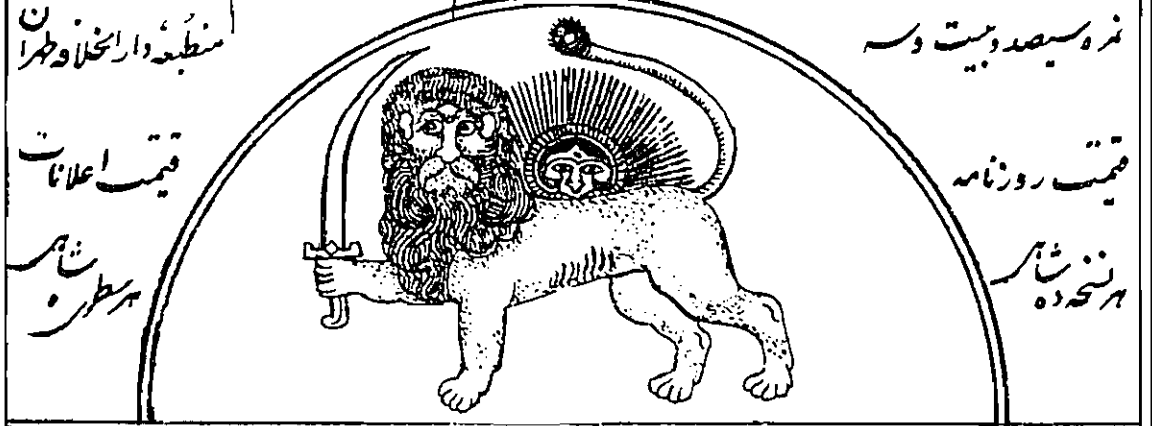
در روزنامه های سابق نوشته شده بود که سرپاماس ملت کولیک عیوی را که در فرانس از جانب پای پای کریمه
 پیشوای ملت بود در وقتی که باهل ملت و عظمی نمود پای پس بکرا و اناگاه باقمه زده و کشته بود قاتل راها نوقت گرفته
 خواسته بودند قصاص نمایند در بین تحقیق احوال از کمالات او چون استنباط کرده قصاصش را تاخیر انداخته او را
 نمودند موجب روزنامه که بعد رسید مشا را الیه عرض حال خود را با علی حضرت امیر طور فرانس نموده است حاصل مضمون
 اسناد دیوانگی من محض کذب و فرست و این حرف را یک وقتی قبول نخواهم کرد و این کیفیت بذات امیر طوری عاید خواهد
 شد و گذشته از این بعضی کلمات دیگر نیز بیان کرده معلوم شده بود که دیوانه نیت و این حرکت او از روی جنون بود
 لهذا حکم قصاص او شده قصاصش نمودند (در اسلامبول اگر چه مدت تماشا خانها دایرت ولی در این اوقات
 بطور فرنگستان رواج یافته است از جمله در روزنامه ماه جمادی الثانی آنجا نوشته بودند که شبی مردم را اعلان کردند
 تماشا خانها که در محله بیک و غلی واقع است باین قرار که هر کس داخل تماشا خانها میزور شود پنجاه قروش که تخمیناً یک تومان
 پول این ولایت است بدهد و هر کس در محلی نشیند بجهت قرب و بعد از چهار تومان تا سه تومان و دو تومان آنجا
 تحمل نشیند بدهد و حاصل این وجوه را که جمع میشود قرار گذاشته اند که در اسلامبول و بلاد ثلاثه بفرای اهل اسلام و ایران
 تقسیم نمایند) از اسکندرون نوشته بودند که در پنجم شهر جمادی الثانی در آنجا طوفان بسیار شدید شده از شدت
 تلاطم امواج بعضی کشتیها شکسته و غرق گردیده اند از جمله یک کشتی تجاری ترکی نخلیس که بعضی امتعه ایشیا، با کبری شده با
 میرفت در سواحل لازیفه سیاه نشسته است و شکسته شده ایشیا، امتعه او غرق و تلف گردیده و از آنجا کشتی مزبور
 بوزخبری نبوده است که با صل سلامت بیرون آمده باشند یا نه و همچنین یک کشتی تجاری دولت بلژیک در لنگرگاه
 اسکندرون بود از شدت تلاطم امواج بسیار بی فایده است و هم در آن اوقات وزیدن باد در اسلامبول شدت کرد
 بر تبه که بعضی از دیوارها را خراب کرد و رسیده بود ولی زیاده مضرتی نرسانده بود مگر اینکه از کشتیهای تجاری سه قطعه
 که از رود طونه آذوقه بار کرده با اسلامبول می آمدند در انشای راه شکسته و غرق شده اند (از دولت پرتغال نوشته
 که چون مخارج آن دولت بیش از مالیتش شده است خصوصاً در مقدمه برودت با جمهوری ایسپانیا و اعلان حرب با آنها
 که بعضی مخارج لازم مجبور گردیدند از این اوقات بجهت اصلاح و تدارک این ضرورت در برلین پای تخت سر و ستی
 مجلسی بزرگ منعقد گردید و در آن مجلس گفتگو شد و قرار گذاشته اند که بعد از این از هر کس که از راه این دولت پرتغال
 و جیبی بگیرند و وجهی نیز از رسوم معتزلی بعضی مؤمنین کم نمایند و منعی هم از نفع قروض آن دولت تشریف نمایند تا جای این
 پُرسود) (دیگر نوشته اند که کشتی شرع دار سبل نام از دولت فرانس بطایفه که کشتیهای این در آنجا مسترد و
 گردید و بی طرف بودن این کشتی در احوال حاضره مابین دولت علیّه و انگلیس مقرر شده است

۲۱۱۹

در روز نامه ای چند وقت پیش ازین نوشته بودند که شهر کوپن ماکن که متعلق حکومت دولت دینارک است استحکامات
 سمت خشکی شهر مزبور بسیار مضبوط است ولی طرف دریا چندان استحکامی ندارد و همیشه اندک خطر از آن طرف ملحوظ است
 چند وقت پیش ازین از جانب دولت دینارک قرار کشیدن حصار بی سمت دریای آن شهر شده و بجهت این مطلب
 مجلسی منعقد گردید و مخارج کشیدن این حصار را بیت و دو هزار پیمان دیال بر آورد کرده اند (دیگر نوشته اند
 که بجهت کار کردن از هوجه بیک بحال معلومه سابقا بختن بیست و شش قطعه شتی بخار که هر یک هزار و پانصد خروار بار
 یک قوپا بنه در لپز بوع پای تخت دولت روسیه بکلی یافته و قرار شده بود که تا مدت عوامه احتتام یابد در این اوقات
 در بسکی دنیا بیست و شش قطعه شتی دولت روسیه بکلی یافته و قرار شده است که بجهت قوپا بنه مزبور بمانند (سابقا در روز نامه نوشته
 شده بود که در هر دو بیت و پنجاه و پنج سال یکبار ستاره دنباله دار طلوع می کند بعضی از منجمین فرنگستان در سال گذشته
 طلوع ستاره مزبوره را حکم کرده بودند قول آنهاست نیامد و طلوع نکرد بعضی دیگر در غنوس سال ظهور آورده اند که
 بعضی از اهل نجوم هم مغایر این صورت را حکم کرده بجهت استخراج صورت حقیقت و حکم صحیح این کیفیت که چه وقت طلوع
 کرده و ظهور خواهد یافت در این اوقات در بزرگ مجلسی از اجزای منجمین ترتیب داده شده است) (در روز نامه
 سابق نوشته شده بود که جناب غلام و قو قطنین برادر بزرگ اعلیحضرت امپراطور روسیه که وکیل بجزیه است غزیت دیدن
 والده اش که در ساردینیه است از راه پاریس داشته است بقراریکه در روز نامه های این اوقات نوشته اند جناب
 مشارالیه از راه رتساردینیه رفته است و اراده داشته است که در مراجعت از راه پاریس بیاید و کشتی سازان
 فرانسه را تماشا نموده و دیده باشد و درین باب اعلیحضرت امپراطور فرانسه اظهار موافقت نموده و بخواهد مشارالیه نیز رسماً
 اخبار و اعلان کرده اند و نیز بقراریکه در روز نامه های نویسنده خود اعلیحضرت امپراطور روسیه نیز اراده داشته است که
 درین نزدیکیها بجهت دیدن والده اش سمت ساردینیه غزیت نماید) (در روز نامه های سابق نوشته شده بود که حدی
 قبل ازین جناب جلالت آلب والی و الا ان مصر بعزم سیاحت و انتظام صحنی سمت سودان غزیت نموده است بقراریکه
 در روز نامه های این اوقات نوشته اند جناب معنی الیه در اوایل ماه حجب ببلده خرطوم رسیده و اراده داشته است که
 از آنجا هم قدری بالاتر رفته و بعد از بیت روز معاودت نماید) (بمالک قوچین چین نام که در حجه جنوبی چین واقع
 و عادی پانزده ملیان خلق که سی و دو بوده است از دولت فرانسه بجا بجهت پیدا نمودن مناسبات در روابط تجاری
 ماموری مخصوص باد و قطعه شتی بشهر طران بام که متعلق حکومت آنولایت و در ساحل آنجا واقع است ارسال شده بود چند وقت
 پیش ازین با آنجا رسیده و در حکومت محلیه بیان کیفیت نموده بودند آنها نیز اظهار موافقت کرده ولی فقط تنظیم معاهد نامه و اقامت
 در آنجا قبول کرده بودند از جانب دولت فرانسه باز امر شده و تماشایی کرده بودند از کشتیهای فرانسه بیرون ملک شروع بانداختن
 باز ای چین ادکی نمودن کشتیهای فرانسه قشون بی پروان آوردن بای مجاری که از آنوقت علاج بطنیم معاهد نامه و اقامت مامورین در آنجا

۲۱۲۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه دهم شهر شعبان المعظم مطابق میلان سال ۱۲۷۳



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این روزها هوای همیشگی بسیار خوب با بقضای فصلی شهر دارالخلافه مطلوب است نظر
 و خبری قصر قاجار که درین اوان اوایل بهار بعد از آنکه رطوبت آنجا رو طراوت اشجار و شکوفه انار و حضرت و غیره
 و جو بسیار ارسته است اعلیحضرت اقدس هاپون شاهنشاهی ابد العیش عزیمت چند روزه توقف و تفریح در
 فرموده در روز یکشنبه نهم از آنکه مبارک که سوار شده تشریف با آنجا بردند و در وقت تشریف فرمائی سواره قرا
 پایاق که از آذربایجان بدر بار جهاندار آمد بودند در کنار راه صف کشیده از نظر مهر اثر خنده وانی گذشتند
 همه جوانان زنده خوب ارسته منگول که بعضی بازوه و کلاه خود بودند با اسب و اسب شایسته بنظر اقدس هاپون
 آمدند مورد تحسین و التفات طوکانه گردیدند (نیمه شعبان المعظم که روز ولادت با سعادت حضرت صاحب العصر
 و الزمان قائم آل محمد صلی الله علیهم اجمعین است چون قرار و قوام عالم و عالمیان بخواست خداوندی جل شان
 منوط بوجود مبارک آنحضرت پیش آمدند کار اعلیحضرت اقدس هاپون شاهنشاهی دامت شوکت روز فیروز
 مزبور از امسال و ما بعد عید اعظم مطلق قرار دادند و معترف فرمودند که مثل سایر اعیان و عظیمه لوازم آن
 از شینلیک توپ و انعقاد سلام بزرگ در پیشگاه هاپون و ادای خطبه و تشریف و غیره کلاً رعایت
 شود چنانکه لوازم تعظیم عید مولد مسعود حضرت امیر المؤمنین علیه وآله الاف التحیه و السلام را در سیزدهم
 بهمه له عمل می آورند و آن روز را چند سال است که عید اعظم قرار داده اند) (برای اقدس هاپون سرکار
 قوی شوکت شاهنشاهی خداوندی که سلطان بر این قرار گرفته که بعد ازین هر سال از انالی ولایات محروسه پادشاهی

۲۱۲۱

اعمال و سادات ذوی الاحترام و امر و خواین و اعیان و اشراف طبقه نکره غیره خواسته باشند
 با خانواده سلطنتی و صلت نمایند چون این امر موصلت نسبت با امور موصلتی ندارد و راجح بجانب سلطنت
 میباشد نباید احدی خود سر قدم بران نماید بلکه باید ابتدا مرتب با اطلاع راسی صواب نمای جناب شرف
 امجد صدر آسمان و امجد لاله برتیب بعد هرگاه جناب ایشان اذن و اجازه دادند و حالت آن شخص را مقتضی دانستند
 اقدام نمایند و الا احتراز واجب است (در عهد شاه بهرور حاجی سیف الدوله پسر مرحوم ظل سلطنت
 بجهت خجانی که در خود سریع داشت از دارالخلافه فرار بجاک دولت علیه عثمانی رفته مراحت خود را در
 باطنین ایجاب سفارت دولت انگلیس نمود و شاه جناب مکان بنا بر اصرار والدۀ ماجده عجز و التماس
 همیشه خودشان که روزه نوابش را لیه است بموجب دستخط هایون بتوسط سفارت دولت انگلیس
 عفو و اغماض نقضیه او را دادند نوابش را لیه مراحت بدار الخلافه نمود هر چه در عهد شاه جناب مکان درین
 عهد حجتۀ مورد عنایات آدرغ و حشت او شده در مجالس و محافل سوخته بزبان می آورده که اطمینان من سبحان
 سفارت دولت انگلیس است درین وقت که کار دولتین ایران و انگلیس بقبال وجدال کشید اولیای دولت
 علیه خلاف حزم و احتیاط هستند که چنان شخص بدکان در پای تخت خاصه در عمارت سلطانی که عبارت
 از ارک دار الخلافه باشد توقف نماید باستحضار جناب مسوقونینوشاررذرفرد دولت بهتد و نایب طالب
 او شدند نوابش را لیه هم در کمال خوشوقتی راضی بر حجت بجاک دولت علیه عثمانی گردید از آنجا نیک با نامه
 عنایات دو شاه رفیع بدکانی و وحشت او شد و بدون اینکه در مدت توقف او در دار الخلافه طهران نسبت
 بوعده که بتوسط سفارت دولت انگلیس با و داده شده بود خلافتی ظاهر کرد و از دار الخلافه روانه و صحیح و سالم
 وارد خاک عثمانی شد اولیای دولت علیه حسب الامر بدکان اقدس شاهنشاهی اعلام رسمی این چند کلمه را
 میداند که پس از آنکه نوابش را لیه بجاک دولت علیه عثمانی وارد شده بحالت اصلیه خود رجوع نمود درین
 اگر بالفرض دستخط هایون شاه بهرور اولیای دولت علیه را مکلف بکلیغی میداشت اکنون بجای از آن تکلف
 خارج و بری شدند و باینجهه این سجد هر نوع وعده را که شاه بهرور در حق او بسفارت انگلیس نمود
 بود کان لم یکن می پندارند بعد ازین اگر نوابش را لیه بخواهد حجت بدار الخلافه نماید باید قرار و شروط
 خود را بلا واسطه با اولیای دولت علیه بدهد و باطنین قرار سابق حرکت نماید) (باقضای کمال
 و دوستی حاصله فیما بین دولتین ایران در روس حسن بجاو ترتیب قاعده مستمره برقرار است که هر وقت
 جائین تازه از جانب علیحضرت کیوان رفعت امپراطور دولت بیته روسیه بملکت قفقازیۀ مأمور شود
 صاحب منصب یا شانی بدر بار و دولت علیه فرستاده مأموریت خود را در ضمن وزیریه مخالفت و دیده باین

۲۱۲۲

حضور مظهر ظهور علیحمت اقدس بایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانہ البلاغ و اولیای دولت علیہ را فرین
اکاهی و سخصار میا زند این اوقاتم که جناب جلالت و ایالت نصاب کنیسا ز باراسکی تازه بجا نشینی
علیحمت امپراطوری در مملکت قفقازیه منصوب گردیده اند عالیجاه محبت و نبالت سیراه کنیسا ز طیکوت
که از جناب های معروف و مشهور دولت روسیه و از خانواده نجیب و معروف طایفه کرجه است با همفکر
صاحب منصب و متجاوز از نصرت و مفاخر سوار قراق و لکولو از برای اجرای مقصود مذکور بدر بار دولت علیت
مأمور کرده اند در ورود خاک دولت علیه که ابتدای مملکت آذربایجان نباشد المی دار الخلفه انبیره در هر
شهر و بلد می موافق حکم و دستور العلی و لیای دولت علیه کمال احترام و توقیر از استقبال و تعظیم و دید و باز
و تعبیر جا و مکان شایسته مبذول افتاد در ورود دار الخلفه هم مقرب الخاقان حسنعلی خان سرتیپ کردوسی از
جانب سنی ابجانب هایون و عالیجاه مجد سیراه میرزا شفیع سرشته دارد در جناب جلالت بآب اشرف امجد
ارفع صدر عظمی الفخم از طرف ایشان و عالیجاه مقرب الخضره اعلیه میرزا عبدالوهاب نایب دوم وزارت امور خارجه
از جانب جناب فحمت نایب وزیر امور خارجه و عالیجاه کلانتر و کتف لوزباشی با یکصد نفر نظام و غیر نظام و نایب
امیر اخور پاوشاهی با اسبان براق طلا برای سواری کتف رالیبه و یک تا فرید طرشت که چادر و شیرینی و چای
و قهوه و عنیان از برای اندک توقفت و استراحت عالیجاه مأمور شایسته و تملاتی مستقبلین با آنها از طرف
دیوان هایون اعلی قبل از وقت حاضر و موجود شده بود در وقت با ایشان دار و عمارت وسیع عالی که در
شهر از برای آنها از جانب دیوان معین شده بود ذکر دیدند و مقرب الخاقان میرزا تقی مستوفی و میرزا زین العابدین
مستوفی و میرزا عباس خان منشی وزارت امور خارجه بکلم هایون قبل از وقت در منزل فرود حاضر شده همین روز
پذیرائی شایسته بعل آوردند و شب اول ورود مقرب الخاقان حاجی علی خان حاجب الدوله که شغل شیرین
محوّل و مرجوع با دوست و اسباب احترام و استراحت و آیش مأمور رالیبه را کتف در طرشت و از جانب دیوان
هایون اعلی حاضر و موجود کرده بود معانی شایسته بطور و طرز فکری کرده جناب لاقوتسکی شارژ دفتر و سایر
صاحب منصبان سفارت روسیه کلاً با مأمور شایسته و صاحب منصبان او حاضر و از برای توقیر و احترام
ایشان عمده الامراء العظام مقرب الخاقان عباسقلی خان سیف الملک و مقرب الخاقان حسین خان نظام الدوله
و حاجب الدوله و میرزا عباس خان نیز حاضر شده در کمال مودت و دوستی و حصول استراحت کاکتف
مأمور شایسته مجلس بانها رسیده شرفیابی حضور هایون و ملاقات با اولیای دولت علیت در روزنامه
بعد مندرج خواهد گردید (عالیجاه عبدعسین خان غلام پیشینی متخراند از اصفهان که بجا پاری بدر بار
معدلت مدار آمده بود این روزنامه از جا کبابی هایون فحمت انصاف حاصل کرده روز سه شنبه ماه

۲۱۲۳

روان اصفهان کردید و یکتوب چه ترمه کرمانی برسم خلعت برای مزید افتخار و حرمت و غایتش (عالیجاه حاجی میرزا حسین غمیزه که بتصدی قنات خالصجات اصفهان و تقدیل پاره بلوکات مأمور اصفهان بود مرخصی گرفته عالیجاه عبدالحسین خان روانه کردید) درین روز نامادی نامی دزدی کرده بود متوسط عالیجاه محمد خان کلانتر دسیکه شده بحضور نواب مستطاب شاهزاده و الایبار دیشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران آورد حسب الحکم نواب معزی الیه هر دو کوشش و اوراق قطع نموده و مهار کرده در بازارها گردانده اخراج بلد نمود

سایر ولایات (کلیایکان از قرار که در روزنامه کلیایکان نوشته اند عالیجاه محمد ابراهیم خان حاکم آنجا در نظم ولایت و رفاه و آسودگی رعایا و قطع و قسح اشعار و انجام هدایای ولایاتی نهایت مراقبت و اهتمام را بجلی می آورد و الهالی و رعایای آنجا آسوده خاطر بدعا کوفی ذات اقدس الهایون شافعی اشتغال دارند درین سال چون از اول پانز تا او اخر جمادی الثانی مطلقا بارندگی نشده و جنس در آن ولایت تغییر بسیار شده کران و کم باب شده بود بطوریکه حروری بیت و شست هزار و سه تومان رسد و مقرب انخافان محمد ابراهیم خان از خود از هر جای دیگر که غله سراغ داشت فرستاده آورد بجباز آن و سایرین میداد تا اینکه از تقضات الهی از غره ماه جمادی الثانی الی سبت روز بارندگیها فرادان شده و هو بسیار سرد شد حتی بطوریکه تا چند روز راه عبور و مرور از دما ت و قصبات بسته بود بعد از آن هوا طایم گردید و بجهت حاصل امیده واری کلی بهم رسید جنس تنزل نموده گندم و جو و اوان و ارزا گردید و بالفعل هر چیزی در آن ولایت فرادان و ارزان است و بعد از آن بارندگی باز بارانهای نافع که سبب ارزانی ولایت و اطمینان مردم است آمده و می آید و الهالی در حایا ازین مرحله کمال شکر گزار دارند) دیگر نوشته اند که ابراهیم بیک و محمد حسن نام و یک نفر دیگر از غلوسبان آنها که ذکر نواب عالیجاه محمد ابراهیم باشند با هم متفق شده دکان خدا داد عطا رهبر در ابریز دولت تو مان متجاوز از نقد و انجاس علیها کما اورا برده بودند بود صاحب مال مراتب را بضر عالیجاه محمد ابراهیم خان رسانده مشار الیه داروغه کاشان بزار را خواسته التزام گرفت که تا ده روز دزد و مالی را پیدا نمایند و الا از عهد اموال مسروق برانید و آقا کوک بیک فرانسو حاکم نیز متعهد بدست آوردن سارقین و پیدا کردن اموال مسروق شده در مقام تفحص و تحسین بر آید مشخص نموده که اموال مسروقه بعینها در خانه اشخاص مزبوره موجود است چند نفر از علمای اعلام محبتسین ولایت را بان خانه برده اموال پیودی را بیرون آورده بصاحبشیم و سارقین فرار کرده بدست رفتند فقط دو ارده تومان نقد از اموال مسروقه تلف کرده بودند که ک آنها چند روز هجرت که فتنه که دوازده تومان را هم انجام کرده بند

۲۱۲۴

اخبار دول خارجه

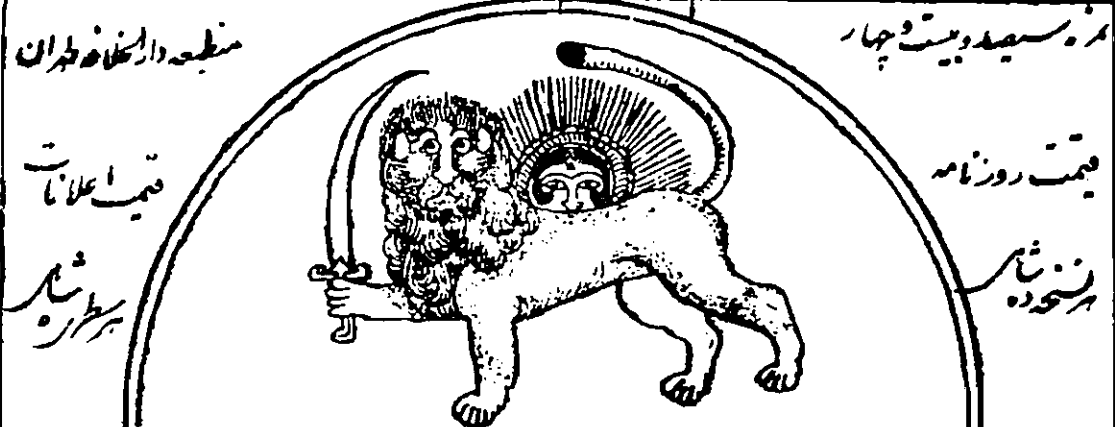
در روزنامه های سابق نوشته بودند فقرائی که در فرانسه هستند در باستان بر طریقت کاری برای خود پیدای گشتند و امر معاش خود را می گذرانند ولی در زمستان عسرت بیشتر میکنند درین باب از جانب اعلیحضرت امیرطور بجهت امر گذران آنها قاری داده شده بود در این اوقات جهت تحقیق احوال این شخص و ترتیب اسباب ایشان آنها جناب قول موسیورس و کلای فرانس از جانب اعلیحضرت امیرطور ناموز شده است که تمامی ممالک فرانس را گردش نماید و باین غنیمت از پارس حرکت کرده است (در روزنامه سابق نوشته شده بود که اعلیحضرت امیرطور استریه جهت سیاحت با ایالات وندیک لومباردیا رفیقان بی پای تحت وینه کردند در این اوقات غنیمت سیاحت مجارستان را نمود و اند چون در ورود امیرطور به لومباردیا از جانب مالی انجامد اجرای شلیک ترتیب بر سر و سامح و تقصیری ظاهر شد بود درین جهت که غنیمت مجارستان نموده اند از برای اینکه این سفر مثل سفر اولی نباشد و سامح در اجرای لوازم احترامات چند نفر از اعیان مجارستان بویته آمده اند که مابین خودشان درین باب گفتگو کرده فراری داده باشند (نظر جناب بعضی منجین در این اوقات ستاره دنباله دار ظاهر خواهد شد بجهت تصحیح اختلافی که در تعیین وقت ظهور از منجین ظاهر شد در دولت بزرگ مجلسی مرکب از اعضای منجین انعقاد یافته بود که با ظهور کردن این ستاره درین وسعت کردن ضرر او بگروه زمین بطوریکه کل دنیا را زرد بالانماید با نوا بعضی اصحاب مذاق افتاده درین باب گفتگو با می کنند و حال اینکه طلوع کردن و طلوع نکردن این ستاره بدرجه ثبوت نرسید است و از لیکل مجلس منجین در بزرگه وقت طلوع این ستاره و رابلانظاف مشخص نمایند و تصحیح علم نجوم است نه حکم کردن بر تاثیرات ستاره که چه بروز و ظهور خواهد کرد در این باب از اهل مذاق اگر کسی بوسم جنابلی بکند خود را گرفتار اصعب کرده خواهد بود در فرنگستان طلوع این ستاره شهرت تمام کرده چینی مردمان سبک مغز لورط خیال افتاده اند و با آنها ستاره مذکور در اول حزران آینه طلوع خواهد کرد و قیام قیامت مقارن طلوع او خواهد بود و باین جهت اشخاص از کتب و کار خود دست کشیده بمقابل احوال آینه مشغولند از جمله در فرانس در شهر لیون دختر میخواست بعد از منتشر شدن گذارش این ستاره گفته بود که عیسه چهار روزه باین منی ارزو که شوهر خستیار کنم حالانکه آنچه لازم است عبادت خداوندیکانه است باین خیال از امر ترویج امتناع نموده شوهر او گفته بود که این گذارش ستاره کلاه کذب محض است و اصلی ندارد و من بمالنی مصارف کرده ام دختر قبول ترویج ننموده عکاسان این انجامیده و بجانب حکومت رفقه کیفیت با جرات تقریر کردند از جانب حکومت نیز بی اصل بودن طلوع ستاره بزرگ و کذب آقا ولی که درین باب در میان مردم است القاب بدختر نرور را هرگز کرده بودند که بنا کحت رضا بد هر چونکه

۲۱۲۵

اعتقادی او گردیده بود که در طلوع ستاره مزبور قیامت قائم خواهد شد مطلقاً حرف آنها را قبول ننمود آخر قرآن را
که تا اول خیزران که وقت طلوع ستاره مزبور را میگویند امیر تریوچ کاگان بمبند و روز دوم خیزران که فردای روز
قیامت باشد تریوچ اقدام کرده با تمام برسانند (و نیز مانند طلوع این ستاره در این اوقات در بعضی نواحی
فرانس نوشته اند که در جوار پاریس از یک عمارتی شخصی غورنی نام گو یا با یک کشتی هوایی که ترتیب داده است
سجایر رفته و قائم مقام آنجا را ملاقات کرده و پاریس معاودت نموده است اگر چه بعضی از ارباب نرسا بقا
انزین کشتیهای هوایی که بلون میانند ساخته و بهوارفته اند و سحرکت باد بعضی جاها افتاده اند ولی باین طور که
مانند کشتی سجا حرکت کند و همچنین جای دور دست برود و معاودت بکنند که خراب نشود و با وادرا بجائی نزنند
تا حال مسوع شده و امری محال و دعوی دروغ نماید) (در اغلب ولایتهای فرانستان خصوصاً در پاریس
و ناپولی در زمانه و نه یک یک بقیه پیش از برین بزرگ طبعی الهی آنجا تبدیل صورت و شکل خود که قرونال تغییر
نیاید کرده صورتی بر روی خود می پوشند و کس آنچه از سخوی و لعب و بازی که بخاطرش میرسد بطور
چنانچه در یک اوغلی اسلا بول نیز بعضی اشخاص بقیاد محال که بروی خود هم بلورن کشیده بودند یک تخم مرغ کوچک
بر بسا نهای درشت بسته و بدوش خود برداشته بودند و این قبیل خیلی کارهای دیگری کنند) (بوجه روزنامه
فرانس که در این اوقات رسیده است در پاریس یک روز به برین مانده الهی آنجا یک کا و بسیار بزرگ را خوش
طلا گرفته و اطرافش را با انواع زمینها آراسته کرده در میان شهر گردش میدهند جمیع اهل پاریس مشتاق و صحت
تمام در کوجها بجهت تماشای آن کا و از دهام می کنند و بعضی اشخاص با کمال احترام در رکاب کا و مزبور روانه آن
و با جمیعت و دست از ایست تا ساعت کا و مزبور در هر جای پاریس میگردانند بعد از آن مسخ برده با تنع اکرام
و سج می کنند و چونکه خوردن گوشت این کا و در میان خود زلفتی بزرگ میداند او لا پارچه از گوشت او بجهت
امپراطور و امپراطریس زوج او و لیعهد او سوا می کنند و پارچه هم بجهت پادشاه انگلیس و کلا و کبری پاریس میفرستند
و بعضی را عالی و ادانی مملکت بقیمت اعلی تقسیم کرده میزند و این قانون فقط در پاریس معمول بود درین سال از فرانسه
در روزنامه نوشته اند مجال سایر نیز سرایت کرده است) (چنانچه در هر محلی قمار بازی ممنوع است این تقی
در مملکت فرانس نیز قمار بازی با وجود اینکه در تحت ممنوعیت قوی است در این اوقات بعضی اشخاص هرزه در
پاره هوه خاها و میخان بازی میگردانند مجدداً حکم شده است که از جانب حکومت استخار شود در هر جا که قمار
بازی بشود در محال از جانب وکیل ضبطه آنگونه جاهای شبههناک را مسدود نماید) (در لندن در حال تحت حکومت انگلیس در مملکت
تعداد درجه و شرف مایات که قوی میشود و اقل آن از یک نفره لیر که بر آن تخمین میزنند و هر دینار پول این لیر است و یافت می کنند ولی بجهت
سابقه با روسیای حشمتی درجه ضمه علاوه کرده بودند در این اوقات باز تریل داده بفراسبق رجوع نمودند

۲۱۲۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سنه ۱۲۷۳



اخبار چند ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که اعلیحضرت آهس تالیون شاهنشاهی در قصر قاجار تشریف فرما شده و وجود فانیض انجود مبارک بسیار خوش گذشته در شب شنبه که شب نیمه شعبان و عید مولود مسعود حضرت صاحب العصر الزمان قایم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود جمعی از خواص شاهزادگان عظام و مقربان دربار سپهر ام شرفیاب حضور مبارک بودند سبب جشن و شکرگزاری بود حضور تالیون فرمید آورده آن شب را بپوشش و شادمانی بسر بردند و فرمودی آن شب که روز عید مولود مسعود بود و مانند عید عظیم در خان عمارت قصر قاجار چنانچه در روزنامه مفتی گذشته نوشته شد سلام عید ملی انعقاد یا فدا نمایی دولت علییه و شاهزادگان عظام و مهران و صاحب مضبان نظام و خوانین و ارباب قلم و سایر خدمت چشم هر یک در مرتبه و مقام خود آیتاده اجرای شکر توپ و زنبورک و ادای خطبه و قصیده بقاعده معمول گردید و در تبریک بعد از آن حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه شکر شد و سرکار اعلیحضرت آهس تالیون شاهنشاهی بجا بشفرف انجود رفیع صدر اعظم را مخاطب بخطبات رحمت آمیز فرموده و فضلی از خوبی بود و زینت و صفای قصر قاجار و برود و برایش صلوات الله و سلامه علیه بر سال درین دولت علیه نداول خواهد بود و سال دیگر بهتر ازین سال گرفته خواهد شد و چون اسال با یر ممالک محروسه پادشاهی این فقره اخبار شده بود در سالهای دیگر در کل ممالک محروسه بگرفتند عید سعید مانند سایر عیاد معظمه با کمال احترام اقدام خواهند نمود (در روز و شب عید هم این ماه سرکار اعلیحضرت آهس تالیون شاهنشاهی از قصر قاجار عنایت ارک مبارکه دارالخلافه فرموده از دروازه دولت مبارک سلطانی و مستطفت عظمی بنوکت و اطلاق نزول فرمودند) (که از شکر پذیرانی و احترامات روز و در عابجا بپایست

۲۱۲۷

هسرا جنرال بیکوف ویر صاحب مضبان فرستادگان جناب جلالت و امارت نصاب جانشین فقاریه در روز
 پنجم گذشته نوشته شده است روز دویم درودیشان بدار انخلا ذالبا هر مقرّب الحفزه عبد العلی خان اویس الملک
 پیشخدمت خاصه از جانب سنی ابجانب اقدس تا یون شائشای و امت شوکت بنزل ایشان رفته ابلایغ تقدآت
 و الطاف خاطر اقدس لوکانه را بعل آورد و از طرف جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم عالیجاه مجد است
 میرزا شیخ سرشته دارد مقرّ جناب اعظم البینزل ایشان رفته لازمه احوال پرسی و مهربانی را ظاهر ساخت و از طرف
 جناب قحط نصاب وزیر امور خارجه نیز عالیجاه وسیع عالیجاه میرزا محمد شئی خاصه وزارت امور خارجه ملاقات
 و لوازم مودت و محبت را اظهار نمود چون در اوقات ورود ایشان سرکار علیحضرت اقدس تا یون شائشای جلالت
 کله و سلطان تشریف فرمای قصر قاچار شده بودند و در مقدم شهر شعبان المعظم تشریف فرمای دار انخلا کشتند
 لهذا در روز بیستم ماه منور قرار شرفیابی عالیجاه معزی الیه و سران اهل حضور لامع التور تا یون داده شد
 مقرّب الحفزه العلیه محمد حسن خان نایب شیک آقاسی باشی بابت نفوذش و دو نفر شاطره و پنجغریا ول و دو نفر
 نایب یکی نایب فرشتخان مبارکه و دیگر نایب شاطره باشی بایک ریس اسب ریاق مرصع بنزل معزی الیه رفته حضور
 مبارک اقدس اعلی دعوت کرد و برای هر یک از صاحب مضبان و فرستادگان سببان خاصه از اصطلحان
 شائشای و ستاده شد هنگام عبور معزی الیه از دروازه ارک و میدان ارک سربازان و توپچان قرار که
 در هر جا ایستاده بودند احترامات عسکریه را بعل آوردند معزی الیه و صاحب مضبان دیگر اول بنزل صدرت کی
 جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم دولت علیه را ملاقات کردند و سلام مودت مواضد جناب جانشین را
 دادند و لوازم زلفت و اکرام از جانب جناب معظم الیه نسبت به عالیجاه جنرال کنیا بیکوف و هر یک از
 صاحب مضبان بعل آمد و از ماموریت ایشان بدرباره دولت علیه از جانب جناب امارت و ایالت نصاب جانشین
 فقاریه که محض ارزاه کمال امتحاد و مولات و ولستین بود اظهار کمال خرمی و خوشحالی نمودند بعد از جانب سنی ابجانب
 لوکانه احضار و اجبار شده شرفیاب حضور تا یون شدند مقرّب الحفزه العلیه محمد حسن خان نایب شیک آقاسی
 باشی معزی الیه را با صاحب مضبان ایشان ترتیب و نظمی که مقرر بود به پیشگاه حضور مبارک برده شرفیاب شدند
 در حبسی که از شاهزادگان عظام و سایر چاکران دربار تا یون سلام خاصی در حضور لامع التور منعقد شده بود
 عالیجاه معزی الیه ماموریت خود را بر پیشگاه اقدس تا یون عرضه داشت و سرکار علیحضرت شائشای الطاف
 لوکانه در حق ایشان مبذول فرمودند و عالیجاه معزی الیه در نزد جناب جلالت نصاب جانشین فقاریه حضور تا یون
 عرض کرد و در حسب اشاره علیه سرکار علیحضرت شائشای جناب ذاب را بر امور خارجه با احترام از دست معزی الیه گرفته
 بر پیشگاه تا یون عرضه داشت و عالیجاه معزی الیه هر یک از صاحب مضبان را بحضور تا یون معرفی نمود و نسبت

۲۱۲۸

۳

با نهدل توجهات مانده شد و سر راه حضرت شاهنشاهی فرمایشاتی با الفاظ در بار فرمودند که راجع با تجار و دولتی
دولتین و شمول رفت خاص لوکا نسبت بجناب جلالت آت جانشین قفقازیه بود و بعد از مرخصی از
حضور جایون با جهان اجزا و ترسی که شرفا شده بودند مراجعت کرده خدمت نواب مستطاب شرفا فریغ
شاهزاده و الابرار عظمی غنم امیر کبیر نظام با حشتم رفتند و از آنجا بعد از آنکه لوازم حشتم را جمع کردند
نواب مستطاب شاهزاده و الابرار عظمی غنم مظفر الدین میرزا رفقه مرهم تو قریب نسبت با ایشان در آنجا نیز
رعایت شد و بعد از انقضای مجلس با همان ترتیب و نظم بمنزل خودشان مراجعت کردند (عمده الامراء العظام)
مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیانی بیکر سکی اسر با دوک با سواره ترکمانیه داوطلب خدمت شد و بر کاب هایون
آمده بود این اوقات که خبر مصالحه دولتین علیتین ایران و انگلیس با تعارف رسیده بود او نیای دولت
علیه در اموریت آنها دستی نگاه داشته بودند تا آنکه صورت عهدنامه که فیما بین جناب مقرب الخاقان فریغ
این الملک سفیر کبیر دولت علیه و جناب مجدت نصاب نیری بچار و چارلس بارون کادلی سفیر کبیر
و مختار انگلیس در پاریس انعقاد یافته بود مصحوبی عالیجاه زبیران خان سیرتپ و نیای اول سفارت
لهذا ما موریت آنها را لازم ندیده از جانب سنی ابجانب با نعام و خلعت سرافراز و مرخص گردید (عالیجاه)
عمده الامراء العظام سردار علیخان حاکم سیستان که بغیرم عتبه بوسی دربار فلک مدارا علیحضرت شاهنشاهی
خداوند ملکه و سلطانه آمده بود و در شده شرفیاب حضور مهر ظهور هایون گردیده بشمول مرهم علیه
سرافراز شد (جناب مقرب الخاقان این الملک فریغ خان ایلیچی کبیر دولت علیه نامور دربار دولت بهینه
بعد از آنکه وارد پاریس گردید در باب امور دایره فیما بین دولت علیه و دولت بهینه انگلیس با این جناب
چارلس بارون کادلی ایلیچی کبیر دولت انگلیس بحکم و دستور العلی دولتین بنای مراد و مکالمه
طریقین زیاده از حد سابق و مایل تجدید مراد و دولتین و احکام دوستی جا بنین بودند بنا بر این معتم
شهریج المرجب عهدنامه دولتین فیما بین و کلای جا بنین در پاریس سمت اختتام پذیرفت و عالیجاه
زبیران خان نیای اول سفارت کبری بچاری با عهدنامه مبارک که وارد اسلامبول و از آنجا بکشتی بخارا
دولت بهینه انگلیس که حسب حکم اولیای آن دولت بهینه مخصوصا معین و مقترض شده بود سوار شده روز
۱۷ شهریور العظمی بیت و شت روز و حوز ابدار انخلاقه الباهره رسید در وزیم شهر شجیان العظمی
عهدنامه مبارک که با مضامین تصدیق علیحضرت اقدس جایون شاهنشاهی و خط و مهر اولیای دولت علیه رسیده
مصحوب عالیجاه جانیکر خان سیرتپ در بیستم شهریور رفته بعد از آنکه موافق نص صریح عهدنامه مبارک
در بغداد با وکلای اند دولت بهینه متبادله شود بجهت الله تعالی دوستی دولتین بحالت اولیه خود و عود نمود و بگذرد

۲۱۲۹

این دوستی است از دیار پذیرفته بسیار آن با تمام اولیای دولین و لشکرین مستحکم و استوار خواهد گردید و
چند روز هم مهلت از برای آوردن جناب ستموره از دربار گردون و قار نامور و روانه خواهد شد (سازگار)
محمد یوسف بعد از آنکه برخلاف منظور حکم اولیای دولت علیه بهرات رفت و بنای اغوی افغانه و دعوت امیر
دوست محمد خان را بهرات گذاشت باقتضای ملک سجرامی و حیات خودش گرفتار گردید و مقتدا محبوس
اوراند بر بارها یون آوردند سرکارها یون علیحضرت اقدس شاهنشاهی از راه تفصل ملوکانه قلم غفور مقصیرات
جیانتهای او کشیده از حقوق سلطنتی خودشان صرف نظر نمودند ولی سردار بیبو و خان و سردار ناد
پسرهای مرحوم سید محمد خان و سردار محمد صدیق خان برادر مرحوم مزبور و سایر سرداران افغانه الگوزانی که
بر کاب مبارک مشرف شدند بعضی خاکپای مبارک رسانیدند که شاهزاده محمد یوسف سید محمد خان را بقل
رسانید و زینهای مرحوم مزبور را چه خودش بی عده شرعی بجز و زور متصرف شد و آنچه را که خود تصرف کرد
بنوکرای خود بخشید و بعضی از زینهای شوهر دار زوسای افغانه بهرات را که شوهرهاشان حالازنده اند و
اندک آنها را هم بنوکرای خود بخشید استعدای احقاق حق شرعی خود را کردند چون مراعات عدل و انصاف
و پیروی شرع و مشیعت از لوازم موردین و دولت و شعار و ایند سلطنت است بجز استعدای
انها حکم بر تحقیق و رسیدگی شد اولاد مرحوم سید محمد خان شرعاً و عرفاً ثابت کردند که شاهزاده محمد یوسف
قاتل مرحوم سید محمد خان است و بحکم مطاع شرع لازم الاتباع قاتل میباید بدست درنده مقتول سپرد
شود که بقصاص شرعی برساند اولیای دولت علیه هر قدر خواستند اولیای مقتول را راضی نمایند که تن
در داده خون لب شود و مبلغی از بابت دیه قتل با اولاد سید محمد خان از خود بدینند که از قتل شاهزاده محمد یوسف
بگذرند و چنانکه اولیای دولت علیه از حقوق دولتی خود گذشت نموده بودند آنها هم از قصاص بگذرند راضی شدند
لا بد ادرائسلیم با اولاد سید محمد خان کردند و آنها در عوض خون پشیمان ادرانقصاص شرعی رسانیدند و این
مقدّمه در سیزدهم شهر شعبان المعظم اوقاتی که موکبها یون در قصر قاجار نزول اجلال داشت واقع گردید
سایر ولایات کردستان از قریکه در روزنامه کردستان نوشته اند امور آن
ولایت از حسن توجهات اولیای دولت علیه و اهتمامات مترتب انجاقان و الی کردستان قرین انظام و انضباط
و انالی آنجا اسوده خاطر بدعا کونی دانت اقدس سها یون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه اشغال دارند و انکی
انولایت در اوایل زمستان بخشکی گذشته بارندگی شده بود و انالی آنجا از جهه زراعت قدری تشویش داشتند
ولی از ابتدای دلوالی آخر حوت چندان برف و باران آمد که اغلب طرق و شوارع مسدود شده بود و صابر
املاک و زراعت با بدن حاصل امید داری کلی بهم رسانیدند و شاه حاصل سال آنجا بسیار خوب است

۲۱۳۰

دار السلطنه هرات از قریکه در روزنامه هرات نوشته اند حسب الامر نواب مستطاب هزاره
 حاکم سلطه سلطان مراد میرزا حکمران مملکت خراسان از ارک نوشهر نسبت شمال برای آمدن خلق در
 کشته و از اباب التضره نمایند و درسی محکم که داشته تختی برای خندق قرار دادند و از سر باز آن فوج
 دویم نصرت فراول مستحفظ بان در روز محنت گردید و همچنین از ارک مر نور در سمت شرقی که داخل
 شهر می شود دروازه دیگر قرار دادند و بجهت تعمیر بروج و بعضی عمارات و باستیا نهای محکم خوب در ارک همه
 بنا و عمل در کارند (افواج هراتی که تازه گرفته شده همه روزه از صبح الی چهار ساعت از روز برآید
 در ارک مشغول مشق هستند و معلمها مراقبت تام بعمل می آورند و چون خود سرباز مر نور حبلی شوق مشق دارند
 از قریکه محلیین میگویند غنایب افواج هراتی مثل افواج خوب دیگر ولایات مالک محروسه با نظام
 عالم بفضول و آداب جنگ خواهند شد و دلیل بر زیادتی شوق آنها این است که اغلب این سرباز که تا
 حالا گرفته شده است از بلوکات فرسخ و چهار فرسخ از شهر دورند هر روزه بعد از فراغت از مشق
 بدآت خود میروند و روز دیگر وقت طلوع آفتاب در ارک مر نور برای مشق حاضرند بجهت آسودگی آنها
 نواب هزاره معترف است که لشکر نو باریان حیره آنها را معین کرده عاید سازند که محتاج بر فتن خانها
 خود نباشند و ایام مشق را حیره گرفته در شهر بمانند و آنچه این سرباز جدید که سان دیده اند بطوس آنها
 از کلیجه و شلوار و لچین داده اند (چون در سنوای سابق موجب قشون هرات اعم از سواره یا پیاده
 درست نمیرسیده است بعضی محل های ملا وصول داشته اند و برخی را سر کرده و صاحب مصبان خود
 و میل نموده اند لهذا نواب هزاره عالیجاه ملا اکرم خان ستونی علیحائی را تحویلدار نظام فرموده خلعت
 قسم القات نموده معترف است که آنچه نخواه و موجب نوکراست تحویل او شود و سه ماه سه ماه
 دیوان اعلی عالیجاه شارالیه باطلاع صاحب مصبان آنها برساند و معترف نموند که مقرب سخا خان شجاع
 سخا خان ایلخانی ستوفیان و لشکر نو باریان هرات نشاند و موجب نوکرا از جزو مالیات موضوع و معادل موا
 سالیانه آنها محل معین و مباشر تعیین نمایند که نخواه آنها کلاً تحویل ملا اکرم خان شد و قسط قبسط برساند و این سخن
 مرید امتد واری عموم نوکر شده است) (عالیجاه حاجی عطاء الله خان سپهر حرم حاجی خیر الله خان که برادر و نظیر
 در مقدمه برج مقول شده بود حسب حکم نواب هزاره بجهت هماننداری فرستادگان ولات اطراف و سرداران
 و قندهار و دیگرگان که بعضی بعنوان سفارت و برخی پناهی یافت و حجت اولیای دولت می آورند معترف شده
 و نخواه برای خارج مهاجرت را ابوالفتح شارالیه فرموده اند که بلوایم هماننداری پردازد (فرستادگان تا پنج بیک و اقلند
 و کجلی خان حاکم سابق باش عوقان که باع ایضاً رادت امیر خدمت نواب هزاره آمد بودند درین وقت با جوب ایضاً فرستادگان
 خود بودند)

۲۱۳۱

ع
ازینجا

ما زندان از قراریکه در روزنامه ما زندان نوشته اند امور انولایت از حسن توجهات اولیای دولت
و اتمامات نواب لالعلف الله میرزا حکمران ما زندان قریب انظام و نظم است و رعایا و برابرا آسوده خاطر و عاکو
دات اقدس بایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه اشتغال دارند و سرف و شرات بتدوت اگر اتفاق بقصد در
مقام رفیع آن برمی آید عالیجا میرزا شعیب که بر حسب حکم اولیای دولت علیت حکومت بلده مایه و شش معین شده بود
نواب هزاره او را بباردوش و ستاده و در حکومت آنجا استقلال داده اند نوکر و ملازم اشرف توابعی را
نواب مغزی الیه احضار نمودند ملازم اشرفی ابوالجیمی عالیجا میرزا یوسف خان سرتب در سلج نامه جب وارڈ
ساری کردید ان داده اند ولی سایر ملازم ارکلباوی جمعی عالیجا ضاقتی خان و نوکر کاش و غیره خود خاطر
نشد بودند در روز عید مولود مسعود جناب میرالمومنین علی ابن اربطاب صلوات و سلامه علیه و علی اولاده الطاهرین
نواب هزاره بلوازم احترامات عید صید پر خت شب عید را چرخانی و شش بازی نموده و روز عید مجلس سلام عام منعقد
و شسته الالی و احسان و اشرف از غلای دوی العزوة الاحترام و خوانین که مجلس مولود حاضر شده ادای تهنیت
و هم چنین در روز عید نوروز فریوز سلطانی نیز بزم بسم جشن و دمانی بر دخت مجلس سلام منعقد شده و اومی خطبه
بنام اقدس بایون شاهنشاهی صان الله انما شکوه عن استاهی و احتتام بدعای و ام و از یاد دولت ابدی
سایر لوازم عید را بطورش استیجمل آوردند (از قراریکه در ضمن روزنامه ما زندان نوشته اند اما مال ما
در میان کاوهای انولایت افتاده و در همه جای ما زندان این ناخوشی بوده است خصوصا در امل و توابع که خیلی کا
این برضت شده اند احب رسول خارج از قراریکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند
در این اوقات در شهر و ارشاد و تدارک پذیرانی اعلیحضرت امپراطور روس را امیدید که بنا بوده است شهر
مرفور بروند) (و نیز نوشته اند که از جانب دولت روس جناب بارون برنوف با پیچی کری بدولت روس
ناموشده بود در این اوقات وارد برلین پایتخت دولت بروشیه گردیده است) (دیگر نوشته اند که اعلیحضرت
امپراطور دولت استریمسج معقرین دولت خود را اعم از آنها که مجوس بوده اند یا آنها که اخراج بلده شده
بودند جنایات نمه آنها را عفو نموده و مقرر کرده است و اعلیحضرت امپراطور روس نیز بنا دارند که معقرین
ملت پولک را که بسیر فرستاده اند تقصیرات آنها را عفو نموده مقرر نمایند) (دیگر نوشته اند که دولت
روسیه در این اوقات اهتمام زیاد در نظم و ترقی امور تجارت و تحصیل علوم و فنون متنوعه دارد و نامورین متعدد
بجهت تحصیل فنون و صنایع سایر دول فرستاده و در معورتیت ممالک خود نیز اقدام وسیعی نموده اند) (دیگر
نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور استریمسج چنانچه سابقا برادر خود جناب پرنس معتمدین قائم مقام و ندک و لو بار دیا
نموده بود در این اوقات عموی خود جناب رشدوق رنی به را منصب رئیس الکولانی دولت استریمسج داده است

۲۱۳۲

از قرار یک در روزنامه فرانس نوشته اند در اول ماه جمادی الثانی مجلس ملی و خوانین در پاریس مفتوح شد
 اعلیحضرت امپراطور فرانس خود بمجلس مزبور تشریف فرما گردید بحسن اختتام سند مذکور اظهار تشکر
 نموده و تیرتات امپراطوری در مجلس مزبور از تیرتات در قوفه اس اول که عبارت از انعقاد مجلس
 مصالحه است در نفاذ احکام مندرجه فیما بین دول بعضی مخالفت وقوع یافته بود در قوفه اس ثانی بحسن
 اختتام یافته جای شکرانه و اظهار متنهان است از جمله برودت مابین دولت پروسیه و امپراطور که بحسب
 منجر شده بود بصلح انجامید و همچنین قشون انگلیس فرانس که بطور مجبوریت در یونان اقامت داشتند بجهت
 نامی که در دول معلومه روی داد دیگر اقامت آن قشون در یونان لزومی نداشته از آنجا بروشته شد
 و در ناپولی نیز که در حق االی انجام معامله ظلمه که منافعی عدالت است اجراء شده بود در باب اندفاع آن محاط
 سابقا بتبلیغاتی بدولت ناپولی شده نتیجه عدم نفاذ آن دولتیست بکلیمس و فرانس بطبع مجاور شد بدین
 مقصد نیز در آخر باصلاح انجامید در باب مالکی که در زیر حکومت دولت فرانسه است بمجوریت آنها
 اتمام نمودن از مواد لازمه است بعضی اوقات و قایمی که سرعت اندفاع آن از قوه بشیره خارج است مثل محط
 و فلا و این قبیل مصائب که از حق ظهور میکند و فقر اگر قار اضطرار می شود بجهت استحصال و اجرای تدابیر مؤثره
 باختن بعضی راههای این صرف نقد به جهت نمودن از امور مهمات و بعضی اوقات در درون مملکت
 از این قبیل محط و فلا که ظهور میکند بجهت معمولیت قدیمه و کثرت کارخانهها بجاصلات غلی و اردنی آید و رسال
 گذشته باقتضای قریب مانی که از بعضی شایا تحصیل شده مقدار آن به پنجاه ملیان فرانس که ده کرد بحساب پول
 ایران باشد رسیده و در مقابل آن کثرت فقر و آوار باب اضطرارند اگر چه با آنها از جانب حکومت قوت و
 امانت شده است نظر بکثرت فقر افغانی که با آنها شده است چیزی قابل و کافی نشده نمی شود و در
 حالت اضطرار آنها با علی مرتبه سعی و تمام از جمله فریضت در سال گذشته بعضی محال مالک فرانس اگر
 با زندگی سبیل خراب و غیرت سبب شده از این رکود جنبی اشخاص پریشان و بی سامان گردیدند و درین باب
 مجلسی از مندوبین تعداد پاریس تشکیل یافته بعد از این نتیجه استقامتی که در مجلس مزبور قرار داده و هیچ جای
 مملکت فرانسه دیگر احتمال خرابی از سبب بیرو و از امانی این ولایت پاره اشخاص بعضی او نام مخلصه از
 و جان خود ایتند باشند بعضی اصحاب عقل و در این بعضی پذیران اشخاص اقدام نمودند مقدما بتخواه
 استقراضی بمصارف حرب مقابل شده اما درین سال واردات و مصارف دولت فرانسه با هم مساوی می آید
 تاکنون دولت فرانسه در هر سال ششاد هزار کس با قوه بسکک کرد داخل میکرد بعد از این هر سال صد هزار کس داخل
 قشون خواهد نمود اگر چه در ایام حضرت در هر سال این مقدار قشون گرفتن لزوم ظاهره ندارد ولی چونکه از هر

۲۱۳۳

دو نفر و سالی در طریق عسکریه بوده بعد بقشون ردیف داخل می شود ازین فقره اصل مراد این است که
 همیشه شصت هزار کس در دولت فرانسه در زیر سلاح باشند در بعضی جاها اغلب کتاب و ارباب قلم امر معاش
 خود و عیال و خانهای آنها از عدم کفایت و بیکاری متحمل مانده و چار فقره ضرورت میکرد و باین جهت
 خیلی اختیار لقب و مشقت می کنند و پریشانی این اشخاص منافی شعار مردوت و رحمت است لهذا آنچه امر
 معاش این اشخاص و رفاه و آسایش آنها در سالی از خزانه پنج ملیان فرانک که صد هزار تومان باشد مخصوص
 کتاب اعطا شود بجهت مصارف محاربه بقی بعضی رسومات که مجدداً احداث شده بود بعد ازین موقوف شود
 مقصرین این دولت سابقاً بعلی از جهت جنوبی یکی دنیا نفی و اخراج می شدند در اینجا بسبب ناخوشی که ظهور کرد
 بهلاکت رسیدند بعد ازین اینگونه اصحاب جنایت بعلی دیگر باید طرد و اخراج شوند باجمه این فقرات را اعلیحضرت
 امیرالمؤمنین فرموده و اظهار تشکر کرد و مجلس مشورت منقضی گردید (کذاشش شهر کاتان چین و منازعه
 االی انجا با انگلیس که قونولوناز و محله تجار و مکتان را آتش زدند و سر کرده کشتنهای بخلیس نیز که کمانه
 انجا را آتش زده بود در روزنامه های گذشته نوشته شده بود از فرار روزنامه که درین اوقات رسید
 خبر این گذارشش که بپکن پای تخت چین رسید خاقان چین در باب خرابی کاتان که بسبب جنگ
 طرفین بهم رسیده بود اظهار تأسف زیاده نموده و قایم مقام کاتان و سایر مأمورین انجا را امر
 و تبدیل و بجهت دادن ترضیه و اصلاح حال مأمورین متعه و بانجا دست داده است) (خند و قش این
 در سار دینه طفلی مرلیض شد طبعی بجهت معالجه او دوائی تربیب داده بود مرلیض بخص خوردن دو افرا در گذشت
 او یای او نیز طبیب رفته گفتگو کرده بود و طبیب مر نور گفته بود که فوت او بجهت اجل موعود بوده ز علت دوائی
 و دوائی عیسی ندارد بجهت اثبات مدعای خود قدری از ان دو خودش خورده و قدری بد و اساز خود داده
 بود بخص خوردن هر دو بصورت آن طفل زنده که او داع گردند بعد از ان طبیبای دیگر بان دوا رسیدگی کرده
 بودند معلوم شده بود که سهو استی از سموات بد و داخل کرده بوده است که سبب هلاکت آن طفل و خود طبیب
 و دوائی انشش گردید) (در این اوقات در آلمانیا شخصی غنی نام که از ارباب ثروت بود دست فوت شده و دست
 کرده دست که بعد از فوت او او را با اجزای متوجه بخر کرده در محفظه حفظ نموده در سفره خانه او بگذارند و
 یک فقره در ان سفره خانه صنایف بکنند و بجهت خرج این صنایفها چهل هزار تومان از اموال خود موضوع کرده است
 اعلانات در روز و شب بیت ششم انجا چهار ساعت بظهور روز مذکور ماند در خانه انجا بر برهه حتم سواره غلام
 نظام ابتدای هراج اسباب است کس میل با جماع و خرید سیار دارد و در نزد کوه چرخیان نزدیکی خانه انجا خواج قراط ماجرباشی رو
 انجا صامش انجا شود) (چندم عطر مسخر رازقی غیره از مندان آورده اند هر سلب با در چرخه انجا عطر زرد و بکیس و

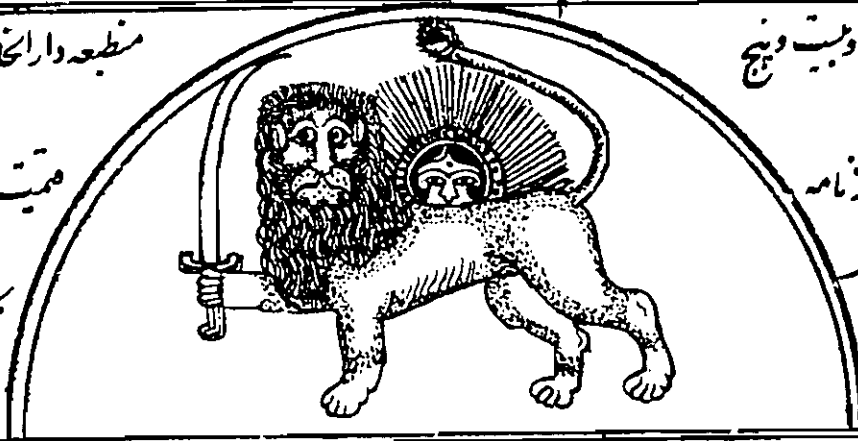
۲۱۳۴

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم شهریور سنه ۱۲۷۳

منبعه دارالخلافه طهران

نزد سید و بیت و پنج

همیت اعلانات
هر طرزده شاهر



همیت روزنامه
هر نسخه ده شاهر

اخبار و حمله ممالک محروسه پادشاهی

و اراک خلافت طهران

چنانچه قانون این دولت علیّه است هرل دو دفعه یکی در باره یکی در پانزده از اسبهای خاصه این صیقل هایون و اسبهای
دولت علیّه و شاهزادگان عظام و خوانین بسوقان گذاشته و سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی دامت شوه که عبارت
میدان اسب دوانی تشریف فرما گردید در حضور مبارک چاکب سواران اسب دوانی می کنند که در روز شنبه ۲۳
این ماه عمارت میدان مزبور را پیش داده و چادرهای پوشش متعدد نیز برای سفر او مأمورین دول متحاجیه زده
موجب هایون از ارک مبارکه حرکت فرمودند در خروج از دروازه دولت و وسط راه و در و بهارت اسب دوانی
سه دفعه شینگ زنبورک تبار معمول شده و نظام نصرت فرجام از سواره و سه بار در مجرای موکب هایون صف کشیده بودند
بعد از ورود و بمیدان اسب دوانی که از امامی دارالخلافه نیز ضعیف کبیر اعلی و ادانی سخته زیارت وجود فایض
هایون و تماشای اسب دوانی از دحام تمام در اطراف میدان مزبور کرده بودند و اسبهای صیقل هایون و سایر
اسبهای امرا و خوانین را دسته بدسته ترتیب داده از جانب اقدس هایون بید قمار زده و صوره های و جقه معمولی
خواجه از پارچه های نفیس سخته خلعت جلوداران و چاکب سواران علاوه بر و معمولی هرل گذاشته بودند سه دسته
اسب را چاکب سواران شروع تباختن نمودند دسته اول شش دوره که مسافت هر دوره تخمیناً نیم فرسخ
اسب دوانی نمودند و دسته دوم سه دوره و سیم دو دوره و بید قمار که با پول گذاشته بودند هر اسبی که پیش
چاکب سواران اسب و جوالغای را از سر بیدق برداشته و علاوه بران جلوداران و چاکب سواران با عطای
پارچه های نفیس الوان و خلایق آفتاب شعاع سرافراز گردیدند بعد از انقضای تماشای اسب دوانی بجهان ترتیب
در اول حرکت و وسط راه و ورود مبارک مبارکه شینگ زنبورک شده مبارکه سلطانی و مشرف عظمی نزول
احلال فرمودند

۲۱۳۵

از آنجا که توقیر و احترام جانبعلای اعلام و مجتهدین ذوی القربی و الاحترام کرام الله ما لهم فطور خطاط اقدس شاهان
 خلد الله ملک و سلطان شاه و هر سال بعد از عید رسم باز دید و اظهار تقدمات ملوکانه را از آنها بعمل می آورند لهذا در روز
 یکشنبه اول آنجا پسر و برادر مرحوم امام جمعه و بعد از آن نجای جناب فضایل آتاب عمده العظام آقا شیخ رضا و بعد از
 نجای جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی ملا علی تشریف فرما گردیده اظهار کمال عطوفت در حق هر یک از آنها فرموده
 سلطان فرمودند و روز دوشنبه نیز بیدین جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی ملا میرزا محمد زانی و خانه پسر
 آقا محمد تشریف فرما گردیده لوازم توقیر و تکریم از آنها بطور شایسته بعمل آورده مراجعت بمقرت سلطنت عظمی فرمودند (نظر
 بقرط عسایت دو فور مجسم و اشفاق خاطر اقدس شاهان سرکار علی حضرت شاه شاهی خلد الله ملک و سلطان در حق جناب
 مستطاب شرف المجد ارفع صدر اعظم فخرم در روز سه شنبه نجای پشان تشریف فرما گردیده از جناب صدر
 و جناب قجاق نصاب نظام الملک نایب صدرت عظمی لوازم قربانی با و پا انداز پیش قدیم شده و از سایر متعلقان و
 و بستگان پشان نیز رسم پیشکش و خدمتگاری بعمل آمده و در تدارک اسباب ضیافت کمال خدمتگاری بعمل آورده و بر خود
 فایض انجوه مبارک بسیار خوش گذشته نهار را در آنجا صرف فرموده بعد از صرف نهار تا عصر در آنجا استراحت فرمودند
 و بعد از صرف عصرانه و چای مبارک که سلطان فرمودند (چون عالیجا مقررت انخافان آقا اسمعیل مستطاب
 سلام از قدیمی خدمت گزاران این دولت جاوید مدت طیبه و باداب و رسوم خدمات حضور مبارک بطور شایسته تقدیم
 مراتب صداقت و خدمتگاری او مستحسن و مقبول خاطر اقدس شاهان شاهی فاده لهذا در این اوقات با اعلای
 یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرسنگی بایک رشته کمال سفید قرین افتخار و مباحث آمد) (نظر بطور خدمتگاری
 و شایستگی عالیجاه علی محمد یک یاد و فوج دما و ندی درین اوقات بموجب فرمان مهر لعلان مبارک بمنصب سرسنگی و
 خطاب خانی سرفرازه یک طاقه شال کرمانی اعلی در حق او برسم صفت محبت گردید) (چون در ایلی ماه مبارک
 رمضان وقت سهاک از اکل و شرب و طسوع صبح سحر بعضی اشخاص نامعلوم است و احیاناً مؤذن دیر باز و اذان
 سحر تسهیل آن که هر کس بداند منجین از غم ماه مبارک رمضان الی بیت و نهم ماه فرورد وقت طلوع صبح را بقرت مستطاب
 ذیل مشخص کرده اند و در روزنامه نوشته میشود که در ساعت عزوبی اعتبار نمایند

۲۱۳۶

| | | | | | |
|-----------------------------|------------------------------|------------|------|----|-------|
| شب یکشنبه غزه رمضان المبارک | ۲ ساعت و ۵۳ دقیقه پسته مانده | محمد ۶ | ساعت | ۵ | دقیقه |
| ترتیب صبح انداخته شود | | | | | |
| دوشنبه ۶ | ۲ ساعت و ۵۶ دقیقه | شنبه ۷ | ۳ | ۷ | دقیقه |
| سه شنبه ۳ | ۲ ساعت و ۵۸ دقیقه | یکشنبه ۸ | ۴ | ۹ | دقیقه |
| چهارشنبه ۴ | ۳ ساعت | دوشنبه ۹ | ۳ | ۱۱ | دقیقه |
| پنجشنبه ۵ | ۲ ساعت و ۲ دقیقه | سه شنبه ۱۰ | ۴ | ۱۲ | دقیقه |

| | | | | | |
|-------------|--------|----------|-------------|--------|----------|
| چهارشنبه ۱۱ | ۳ ساعت | ۱۴ دقیقه | شنبه ۲۱ | ۳ ساعت | ۳۴ دقیقه |
| پنجشنبه ۱۲ | ۳ | ۱۶ دقیقه | یکشنبه ۲۲ | ۳ | ۳۶ دقیقه |
| جمعه ۱۳ | ۳ | ۱۸ دقیقه | دوشنبه ۲۳ | ۳ | ۳۷ دقیقه |
| شنبه ۱۴ | ۳ | ۲۱ دقیقه | سهشنبه ۲۴ | ۳ | ۳۹ دقیقه |
| یکشنبه ۱۵ | ۳ | ۲۳ دقیقه | چهارشنبه ۲۵ | ۳ | ۴۲ دقیقه |
| دوشنبه ۱۶ | ۳ | ۲۶ دقیقه | پنجشنبه ۲۶ | ۳ | ۴۴ دقیقه |
| سهشنبه ۱۷ | ۳ | ۲۷ دقیقه | جمعه ۲۷ | ۳ | ۴۶ دقیقه |
| چهارشنبه ۱۸ | ۳ | ۲۸ دقیقه | شنبه ۲۸ | ۳ | ۴۸ دقیقه |
| پنجشنبه ۱۹ | ۳ | ۲۹ دقیقه | یکشنبه ۲۹ | ۳ | ۵۰ دقیقه |
| جمعه ۲۰ | ۳ | ۳۱ دقیقه | | | |

در این اوقات که ماه مبارک صیام نزدیک است چون بقره و قانون سایر ایام اجتماع خدم و حشم در درب خانه و اشتغال بخدمات دیوانی باعث خست و مشقت است لهذا برجب امر اقدس ملوکانه اولیای دولت علیه قاری جبه آمدن نوکران بمرام محذرت مدار و مشغولی هر یک بخدمات محوله داده اند و درین روز نامه مطبوعه میگرد که احدی از اینقراری نباید تکلف نماید اما لی نظام از توپچی و سرباز و سواره و غیره که هر روز در میدان ارک و میدان خاج و دروازه دولت مشغولند در این ایام صیام از غره الی ۲۹ از مشغول نمودن معاف و مرخص میباشند مگر قوادلهای قوادلهای خانهای ارک و شهر بقره نوبت معین در سر خدمت بود و سایر بعبادت و سترحت مشغول شوند معطلین و متعلین دارالفنون نیز درین مدت ایام صیام آزاد و مرخصند سایر نوکران باینستوفیان عظام صاحب منصبان نظام و امنای دیوانخانه مبارکه و متعلقان کشیکخانه و قلمسبان سلام و غیرهم شبهای جمعه و دوشنبه را از آمدن بدر بجا معاف و مرخص میباشند و در سایر ایالی همگی یکسان معافند و در در بجا سطلانی حاضر شوند و افطار را در خدمت جناب شرف ارفع انجم صدر ام خواهند بود و استخا باید بسلام خاکپای مبارک شرفیاب شوند تا چهار ساعت از شب گذشته خواهند بود بعد از آن اذن مرخصی داشت استخا صی که در مجلس افطار جناب معری الیه حاضرند الی ساعت طلوع صبح مانده در خدمت جناب معری الیه خواهند بود پس از آن هر یک نمره های خود خواهند رفت مگر کسانی که جناب معظم الیه را با آنها فرمایش مخصوص بنام طلوع صبح و هنگام مرخصی باید با و نیز بجا در راه مبارک گذشته نوشته و استخا صی که شبها در بجا مبارکه حاضرند بجهت آنکه از نوکران آنها از حاکم برینا دستور عالی و ادالی علی اختلاف المراتب از و نفر نوکران پنج نفر بیشترند که همراه خود بیاد و سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه ارض اقدس نوشته امور آولاتی قرین انتظام است در عایا و اهل
هر کس بکار و کسب خود و دعا کونی ذات اقدس تا یون شاه شاهی اشتغال دارند قبل از آمدن برف و باران
جو و کندم در آن ولایت تعبیر یا و بهم رسانیده بود ولی بجهت الله بعد از وقوع بارندگیهای مایع و بموقع در تعبیر
کندم و جو تزل کفی بهم رسید. چنانچه پیش از بارندگی کندم در چهار تومان و پنجاه و پنج تومان بدست می آمد حال در
میت و هفت هزار و میت و شت هزار دینار و فوردارد (دیگر نوشته اند که اجودان فوج ختم یکدسته سینه
در قریه آید لک عالیجا مقرب الخاقان میرزا ابراهیم خان سرتیپ گذارده بودند سواره خشی باخت آید بمرغان
قلعه و تا صبح و عمو کرده اخرا لامرانی قریب آید لک و سرباز سوار ترکان راست میدند از ترکان چهار نفر
سر کرده و پایش کله خورده زنده دستگیر کرده اند و از قرار تقریر همان ترکان که دستگیر شده همچو شیخ همراه سوار
مزبور بوده است و از ترکانمان سوای اینها نیز مقتول و زخمی شده است که خودشان برده اند و معلوم است
که از آنجا باخت که ام طرف رفته باشند و نیز در پنجم ماه رجب تخمیناً هزار نفر پیاده و یکصد و پنجاه نفر سوار
سرخ پیاده در پلکان چوبی حمل شتران کرده بفرقه راه که در جنب کلات است و پنجاه نفر سرباز در آنجا
پیاشته آید بودند اهل قلعه و سربازان خبردار شده لقبه ممانعت پیش آمده تا طلوع صبح با هم بجایش
زد و خورده مشغول بوده اند بالاخره ترکانمان شگفت فاحش خورده و قریب سیصد نفر از آنها کشته و زخمی
گردیده در کمال خذلان و خواری مجروح و مقتول خود را حمل شتر کرده واری شده سمت خرس رفته بودند
و هفت شت نفر از مقتولین آنها که در پای قلعه افتاده و صبح طالع شده فرصت بدر بردن نگذردند آنها
آنجا و سربازان آنها را سزوده روس آنها را نیز و مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان آورده بود مقرب الخاقان
مش رالیه ترکانمان مزبور را تعاقب کرده بود ولی با آنها نرسیده مراجعت بکلات نموده و سربازان را با رضایت
و تساهل است) (بهرات از قراریکه در روزنامه بهرات نوشته اند قبل از غیبه نواب مستطاب بهرات
افخم والی قبا حاکم السطه سلطانه امیر عالیجا میر معصوم خان پسرک آقاسی را با یکسب خرقه بطان
خر اعلی برسم خلف برای مقرب الخاقان حکومت خان والی میمنه روانه فرموده این اوقات آدمی ایشان را
مراجعت نموده و عرضیه خدمت نواب معزی الیه آورده بود و حکومت خان والی بر عیای خود قدغن کرده بقدر
دو هزار خروار غله حمل بهرات نموده اند که قدری باو ستاده عالیجا میر معصوم خان وارد بهرات کرده و باقی رزق
از غنیمی آورده اند و همچنین از ترکانیه مرو نیز بقدر پانصد شتر غله حمل و نقل بهرات کرده است) (چندی قبل ازین قافله
بهرات می آمده است در بالام غاب و باش غلیجانی بعضی اموال تجار را برده بودند نواب هزاره محصلی نزد عالیجا
بیکر سکی جمید می فرستاده بود که اموال قافله را استرداد نماید عالیجا مشاورانیه نیز حسب حکم اموال را استرداد و لصاحبان
نموده

۲۱۳۸

بعد از فتح هرات نواب مستطاب السلطنة بالیات و داغات و اجارات را تا آخر سال برای رفاه خلق و
 حصول دعاگوئی و آسایش پلویان شاهی بخشیده بودند بعد از انقضای سال گذشته که معترف است انخافان شجاع
 سخنان المیخانی حسب احکام نواب معز شی البیه ستوفیان هرات را نشاند و اربابیات تعیین صیباط و مباشرین را
 میداد و معتزده استند که درین سال هم یک ثلث بالیات آنجا تخفیف منظور شود اما لی التولیات ازینجی زیاده در مقام شکر
 و دعاگوئی میباشد (و یک نوشته اند که میر اسمعیل خان کلاتر لیسرا غریبه خدمت نواب بزرگ نوشته بود که افغانچه در
 که سال گذشته بطرف قندار فرار کرده بودند اما سال بدون اعلای از این طرف خود مراجعت نموده و بخرانه و ملک نشین
 آمده مستعدی عفو تقصیرات خود مستند نواب معز شی البیه نیز قسم عفو بر جرایم آنها کشیده معترف نمودند که اسوده با کمال
 فارغانی مشغول عمری خود باشند فارس از فرار یک در روزنامه فارس نوشتند امور آن صنعت
 منظم است و نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا و معز نواب سخافان حاجی قوام الملک و حاجی محمد ششم خان دیوان یکی
 و میرزا نعیم شکر نویس باشی فارس مراقبت و اهتمام تمام در انجام خدمات موجوده نمودارند و هر یک از حکام صنایع
 و عمل و مباشرین در محل ابوابی مشغول بانجام خدمات محوله شدند رعایا و زراعت کاران در اول موسم زراعت
 تسویش کلی سجه بیامدن باران هم رسانده بودند و نرخ غله و اجناس با کوله ترقی کرده و غله داران غله را پنهان
 کرده بودند ولی بعد از آمدن بارانهای متوالی زارعین با کمال اطمینان زراعت بهاره را نیز زرع کرده بذر
 کامل نمودند و انبار داران نیز انبارهای خود را سگته غله بفرش رسانده و میرسانند و با الفحل نرخ غله در
 صفتی فارس تزل نموده و فور دارد) (نواب مستطاب والا مویله و له حکمران مملکت فارس در بیت و مقیم
 رجب شیر از مراجعت نموده اند ایام سخن مشقت و مشقت روز بوده است از جمله بیت و شش روز در کاندان تو
 داشته مشغول و نتادن سیورات باردوی بر از جان بوده اند و در پانزدهم جمادی الثانی به بر از جان رفت
 و قشون و توپخانه و استعداد را از آنجا به نیرک برده آرد و زده بودند در سیزدهم رجب امیر الامراء العظام میرزا محمد
 کشیکچی باشی با قشون و استعداد و آنجا گردیده و آرد و وی با نظمی بر پا کرده اطراف آرد و در سیزدهم نواب
 بعد از روز و کشیکچی باشی پنج روز در آنجا بوده در و نهم از آنجا عزیمت شیراز نموده اند که در **دستان**
 از فرار یک در ضمن روزنامه کردستان نوشته بودند با بانام چراغی مقرب انخافان والی کردستان شبار
 خانه فتح الله نام عطا کردستانی همان بوده است بعد از صرف شام و شب نشینی زیاد فانوس روشن کرده
 تنها بیرون آمده بوده است که بخانه خود برود از فرارند که در علی الهی صباح که اهل خانه او از خانه بیرون می آیند
 می بینند در پشت در خانه افتاده از پاتابینه او تمام سوخته و از سینه تا سر سوخته ولی رخسار او دیده بود

احتمال ردول خارجه

۲۱۳۹

از فرایک در روزنامه های فنکستان و غیره نوشته اند حکمران حومی که درست غربی سودان واقع است در آن
اوقات دو پسر خود را با جمعی از مکاران بجهت تحصیل فنون نبرهنه انگلیس فرستاده است که اول پاریس و بعد
لندن بروند و بجهت اعانت و تقویت که از دولتین مذکور در حق آنها لازم خواهد بود با مپراطور فرانس و ملکه انگلیس مکالم
نامه نوشته فرستادگان پاریس وارد شده و نامه امپراطور را رسانده اند و حکمدار مذکور بجهت عدم اختلاط و اختصار
از معلومات دول خودش رایکی از بزرگترین پادشاهان دنیا می شمارد و نامه که با مپراطور فرانس نوشته است
بعبارت مضمونیت که کسی بجز او تابع خود حکم ننویسد (در این اوقات از جانب دولت روس تنظیم و مساح
سواحل قزاقیکه و سایر راههای آن اطراف منظور شده و چون بجهت درست کردن سکه در یک قابل در آن صنعت
غیت لهذا اعلام شده است بجهت دولت محتاج به کسب خزین آذوقه کشتی بان سواحل میرند در رفتن که کشتیها
انگلیس خالی است سکه در یک بار کرده بسواحل مذکور نقل و از دولت روس بهای آنرا دریافت کنند و
باب بیرون آوردن این سکهها بسهولت ارگشی بخشکی باجری تدابیر امده است) (مجلس مشورت دولت انگلیس
چنانچه هر سال وقتی همین مفتوح میشود درین سال نیز بموجب خبر تلگراف که رسیده است در اول ماه جب مجلس مذکور
شده در حالتی که در بعضی مواد مهمه گفته میشد از جانب وکلای ملت در باب جنگ دولت انگلیس با چین مذاکرات و
یافته است باین مضمون که جنگ با چین عملی نالایق است و مبالغی باید صرف این کار بی فایده کرد و قطعاً نتایج حسنه
ندارد بلکه این ماقه تجارت دائمی با چین خلل میرساند و ضررهای آینده آن مخلوط میشود و رفع این ماده را وکلای ملت
خو همشمنده اند و از جانب خوانین و وکلای دولت نیز بعضی جواب در مقابل داده و چونکه قانون قدیم معمول
دولت انگلیس است وقتی که در سنده وکلای ملت با وکلای دولت مخالفت نمایند رجوع بزایدی طرفداران
میشود و درین مسئله طرفداران وکلای ملت نیز شده اند درین صورت وکلای دامتورین دولت نظر بان قانون ان
ماموریت خود بایست استغفا نمایند ولی جناب لاردرامستون استغفای خود و وکلای دولت را با خیر انداخته
و بلکه انگلیس عرض کرده است که وکلای ملت عوض شود و مجلس ثانی از وکلای جدید ملت منعقد گردد و معلوم شود که عموم
طرف وکلای ملت را دارند بانه که انگلیس نیز نمغنی است و بول کرده از استغفای وکلای دولت علی الحساب
صرف نظر نموده اند) (مصنف روزنامه دبا پاریس بجهت جناب تجارت و کشتیهای تجاری دولت فرانس در تفصیلی
واده است باین مضمون که در شب ۱۸۵۶ عیسوی کشتیهای تجاری که داخل بنا در آمده است میت و پنجاه هزار مفصیله
بچه قطعه و حمل آنها چه برطیان و هتقاد و پنجاه رده و دست و سه تون شده است کشتیهای که از بنا در خارج
چهارده هزار و چهارصد و سه کشتی و مقدار حمل آنها و طیان و میت و یک هزار و هجده تون شده است و معلوم
کشتیهای که از خارج داخل بنا در آمده است از کشتیهای باخنی زیاد تر اند و جمیع آنچه داخل شده و آنچه

۲۱۴۰

رفته است خواه بانسان بیدق فرستد و خواه بانسان بیدق خارج چهل هزار و دولت میچگشتی و حمل آنها
 جت شطریان و سید و نود و شش هزار تون پشم حساب جداگانه هر بندری از بندر فرانسه از بقر است
 ماریس که شهر بزرگ تجارنی آنولایت است متجا و زازنج که در تون جنس با صفتی تبحرین النظمان که دودریا
 بزرگ مشرقیه و مغربیه با معاطه کرده است بندر شهرها و در بمالک نخلیس و سمت شمالی یکی دنیا قریب سه روز و
 جنس داد و ستد نموده است و این تجارت که همیشه با زار داد و ستد ما را بکشتهای بخار رونق میدهد برود
 بندر سینی فرانسه است که قریب شصت و پنجاه هزار جزو اجنس با ولایات بعیده یکی دنیای جنوبی و دولت
 اسپانیول ارسال و مرسل کرده است بندرمانا قریب چهار صد و بیست هزار جزو اجنس با مالک برابری و بولون
 و خاک فرقیه داد و ستد کرده است سه بندر دیگر که دو کرک و بولون و کال با قریب سه هزار جزو اجنس که کشتی
 ذغال سنگی نخلیس و چو کشتی سازی شمال و محصول مختلفه سحر باطیک پشم بوده است و منظور مصنف از بولون
 همین ترقی تجارت و ولایت خود پشم و میگوید نظر بقواعد جدیده دولتی امیدست که بعد از این تجارت دولت فرانسه
 خیلی ترقی و وسعت یابد زیرا که همین وسن و کتان و چو کشتی سازی و پشم بند و ستان و سایر اجناس خارج
 خرج کم کش کم شده است و زیاد داخل ولایت فرانسه خواهد شد و قواعد جدیده هر که تجارت را ترقی خواهد داد
 بعد حساب تجارت دولت انگلس را کرده میگوید دولت انگلس ام و ز نهایت تسلط تجارت را در روی زمین دارد
 و با اینک قواعد سحری او خیلی سخت بود در ۱۸۴۳ عیسوی قبل از تصنیفات کتب نظم و خاکیسیر و برودیس که یکی از این
 دولت انگلس و مصنف مشهور این عصر است تجارت سحری نخلیس چهل و یک هزار و هفتاد و شش کشتی و متجا و زاز با نرزه
 که در جزو داخل آنها بود از این حساب معلوم میشود که چه قدر مال نخلیس زیاد تر است تقبسی که سید که و آدم در دست
 مال انگلس پشم این قدمی است که آنها جنسی از پشم که داشته اند ز کشتیهای تجارنی آنها سه وی کشتیهای
 پشم و در جمیع دریای عالم ولایتها و خانهای تجارنی و انبارها و منازل دارند اینجا کمال دقت و تفحص لازم است
 بعد از آنکه کلومی ارض سوز را بریده دو دریا را که بحر الاحمر و بحر الروم با هم متصل کردند چهار هزار فرسخ خاک مشرقیه بخا
 و ننگستان نزدیک خواهد شد و عبور کشتیهای بخار و مرور راههای آبی و آنکسیم تلفات در بحر و بر مشرق مغرب
 در هر حال پیوسته ترقی خواهیم داشت و مالک نیای عمیق که هند و ایران و چین و ژاپان و ام و کوشنی و کوریه باشند
 و سعادت قدیمی آنولایات بتوسط جد و جد علوم او و پانیه مجدداً تولد خواهد یافت (تاکنون در و ننگستان و جیبای
 بعضی اشخاص اجزای مخصوصه اقیس شوره و غیره آب انجم کرده و شیخ مصنوعی میازند که ملاحظه شد در این اوقات در یکی دنیا چند نفر با هم
 اتفاق کرده و چند کاغذ مخصوص این کار ساخته اند بطوری شرح داده که هر کس آن سخنها را بخواند و در هر روز
 و قیمت آن در نزلت نوشته اند این کاغذها اگر در بلاد و قاره متداول شود فواید بسیار آن عماید خلق شده بخار نیز از این کار نفع خواهد شد

۲۱۴۱

قطعه استراليا که در تحت حکومت انگليس است و چند سال است که از معدن آنجا طلاي فراوان حاصل ميشود و بزرگ
 در روزنامهها نوشته شده از انگليسي و بر خلق روي زين از هر ولايتي بجهت بيرون آوردن طلا از معدن با آنجا
 بعضي طالع و تختشان مي آورده و وضع کلي کرده از آنجا سرور و مقصدي المرام با وطن خود ميروند و بعضي سرچ عابدشان مي
 و گرفتار فقر و بي چيزي مي گردند بطوري که قدرت بيرون آمدن از آنجا ندارند و در آنجا پرتک کردن گفتههاي مردم
 که پست ترين شغلهاست مشغولي و گذران مي کنند از جمله اشخاصي که بختش سعادت کرده است در اين اوقات شخصی
 اهل لندن که بسيار فقير و بي بضاعت بوده است زميني را بجهت طلا در کار کردن بوده پارچه طلاي خالص پيدا کرده بود
 که تخميشا پنجاه و شش من بوزن ايران بوده است بکاره از فقر و پریشاني خلاص شده و با کسي بخار بطن معاودت
 کرده است (در دولت اسپانياول سبب اختلافاتي که سابقا در آن ولايت روي داده و در روزنامهها نوشته
 اهل زراعت پارسال با مر زراعت نتوانسته بودند پيدا کنند و با پنجه صورت قحط و غلا در آنجا ظهور کرده اگر چه از آن
 و ذخايري که از خارج با فلاتيت مي آمد دولت اسپانياول رسوم کمک و غيره برداشت باز فايده نگرفته بسيار مردم
 و چارقه و کسکني شده اند دولت اسپانياول در اين اوقات پنجه رفع اضطرار اين اشخاص حکم کرده است که
 روزي پنجاه و چهار هزار تان پنجه بفرمايد علاوه بر اين قرارداد که از جانب دولت براي فقر شده است
 ارباب کنت و ثروت نيز بقدر مقدور در حق فقر اعانت نمايند که رفع پریشاني آنها بشود (در فرهنگستان دان
 خيلي خبري که بفکر و خيال در غني آيد ظهور ميکند از جمله در اين اوقات نوشته اند که در اسپانيا دخري با جمعي تبعه و خادم بدگانه
 که مشغول بنفاس بوده رفته در صاحب کان بقدر پانصد شصت تومان اسباب بخريد و شاکر داور همراه برده بود که در منزل پول
 به پنجاه رفته و شخصی نشان داده است با کرم نور و گفته است اين شوهر من است پول ترا ميدهد و خود خايب شده است
 شاکر و بنزدان شخص رفته و بسيار قيمت اسباب بر داده و مطالبه بخواه نموده در جوابش گفته است که از وقتی که تو
 باين علت گرفتار شده تا حال چند مدت مي شود شاکر در اين جرف جزيري نهميد متختر مانده و از سايرين پرسیده است
 شخص کيست گفته اند اين طبيب ديوانگان است و سپر کي از طنوبان آن صاحب کان چند وقت پيش از اين ديوان
 شده بنزد اين طبيب آورده و مسبلني حق الطبايه با داده و مسبلني نيز تعهد کرده بود که بعد از صحت آن مجنون بهد و نژاده
 بود باين جسد گرفته است شاکر صاحب کان را اخبار و گذارش را بگويست اعلان کرده هر چه شخص گردان دختر پيدا
 اعلانات در بخت گذشته اعلان شده بود مجددا اعلان ميشود و عاليجاه موسيو بربره صاحب معلم سواره غلام
 نظام بعضي اسباب و يا بهراج ميکند در هر کس ميل بخريد اسباب داشته باشد روز دوشنبه آينده ساعت بظهر روز کوز
 ماند و در محله کوچه عزيزيان نزد یکی خانه خواجه و ايلط تاجر باشي روس در خانه خود عاليجاه بربره صاحب حاضر باشد
 که اسباب بهراج ميشود

۲۱۴۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه ششم رمضان المبارک مطابق سال سید الشهدا

نم سید ویت شتر

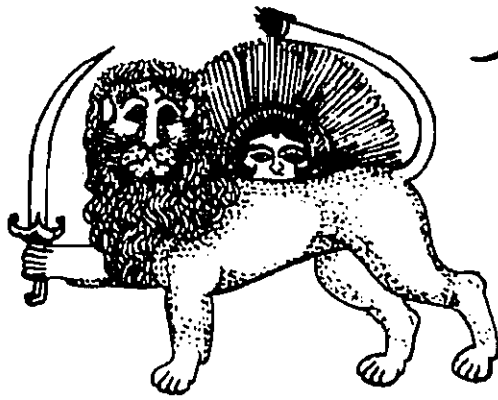
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

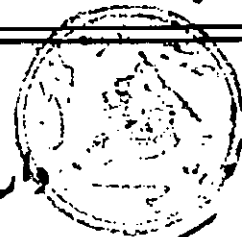
هر نسخه شش

پطردر شهر



اخبار واحسانه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران



در این اوقات که تمام ماه مبارک صیام است عموم اهل دارالخلافه مبارکه از غلای اعلام و مجتهدین ذوی القربی و سادات عظام و سایرین اس از کوکرت و عیت و تاج و کاس در مساجد و معابد طوابع طاعات و عبادات قیام دارند و در هر یک از مساجد از جام کبر از صفوف مسلمین با دای نماز جماعت و تلاوت کلام اللذمجد ترتیب می یابند و چنانکه در هفته گذشته نوشته شد عموم نوکران عالی دادانی درین ایام از خدمت در بجانم محض و روزها در مساجد بعبادت و استماع موعظه مشغول اند و از اینکه دارالخلافه مبارکه طهران آبادی و محورتیت و کثرت جمعیتش روز بروز در تری است هرل ماه مبارک جمعیت خلایق در مساجد و معابد بیشتر از سال دیگر ملاحظه میشود و فقهای عظام و مجتهدین ذوی القربی و الاحترام که پیران دین و پیشوایان سلیمانند با مات جماعت قیام و فضیلهای کرام در نماز برپس از ادای صلوة شروع موعظه و نشر احادیث کرده قلوب سلیمان را این بندگی خداوند یگانه و در ترویج قواعد و فضیلهای نبوی و قوانین شریعت عزای مصطفوی صلوات الله علیه و علی اله اجمعین دور و نزدیک جمع طاعت و محرم عبادت را ملاحظه و بهره یاب و رغب بره خیر و ثواب می نمایند و سجدات سال سجدت بارندگیهای متوالی هواهم و کمال خوبی و طاعت بطوری که هنوز مردم از اطاقیها میل بیرون خوابیدن نمی کنند و بعضی اوقات هم بارندگیهای خوب میشود و بجهت خوبی هوا چندان ضعف و عطش بروزه داران روی نمی دهد و اوضاع در بجانم مبارکه نیز تقریباً در هفته گذشته مسلول گردید از یک عت بجزوب مانده دایر و کانی که در مجلس جناب مستطاب شرف امجد ارفع صدر اعظم فخرم باید نظر نمایند در آنجا حاضر و سایر طهرین در بجانم هر یک در منزل رسوا و با شیان خود بعد از اوطار کس بخدمت خود خود میرانند تا چهار ساعت از شب گذشته اعلی محض خانهای خود و بعضی که بجهت انجام امور لازمه در کارند تا وقت

۲۱۴۳

سجود در برابر تاجون و خدمت جناب معظم الیه (جناب عالیجاه مقرب الخاقان دادخان سرسبز کهن خدمت و کارزانی موصوف و از غمده خدمات که هر وقت با و محول شده است بطور شایستگی و صداقت برآمده است و کفایت و محاسن حدنگداری او مقبول و تحسن خاطر اعلیحضرت اقدس تاجون شایسته ای افتاد لهذا محض مراسم خدیوانه درین اوقات یک قطعه نشان دیشان تیسری این نظام بیکر شده چنان سیرج مخصوص آن بموجب فرمان مهرلعان مبارک در حق مقرب الخاقان مشارالیه حجت گردید (چون بقانون سداوله در هر بار که از جانب اعلیحضرت امپراطور روسیه جانشین جدید مأمور بفرمانفرمائی مملکت قفقاز میشود باقتضای مراسم و نمودت دولتیسین ذی بکتسین ایران و روس صاحب منصب پسر با در زنجیه مخالف و دینچه برای پیکار در دستگاه طوکانه و مراسم نمودت مواصده بجهت اولیای دولت روز افزون با نظام پاره تعارفات برای اخبار مأموریت خودشان بدار اختلاف ابابره مأمور و روانه می کنند در این اوقات جسم که جناب جلالت و امامت نصیبت بارانگی جانشین اعلیحضرت امپراطوری بفرمانروائی مملکت قفقاز مأمور شده اند بنا بر عادت مراسم مصافحات و مواعدت حضرتین عالیجاه محبت و نبالت سمره کنیز لیکوف را با سایر صاحب منصبان سجدت اعلیای مأموریت خودشان بان مملکت مأمور و روانه دار اختلاف کرده بودند چنانچه تفصیل آن در روزنامه سابق مندرج شده است عالیجاه مشارالیه پاره هدایا و تعارفات از جانب جناب جانشین قفقاز از قبیل انقیادان مکمل باها و ساعت مرشح و اکثر الماس برای بعضی از خانواده سلطنت عظمی و اولیاد رجال دولت علیه و وزارت مأمور خارجه و برخی از اعیان دولت هم چنین از برای چند نفر از علمای اعلام آورده بودند تعارف هر یک را عالیجاه نبالت سمره کنیز لیکوف بعد از حصول ملاقات مصحوب یکی از صاحب منصبان سمره خود در کمال معقولیت و آداب ابلاغ نمود و از جانب ایشان هم برای آورنده و حامل هدایا تعارفات لازم بعمل آمده و خود آمد) عهدنامه صحیح و صفا و سلامت که فیما بین دولتیسین ذی بکتسین ایران و نخلیس مبارکی و مینتیت انعقاد یافت باقتضای مراسم سلم و صفوت حضرتین لازم بود که از جانب دولت علیه کسی برای دعوت جناب محبت و فحمت نصیب چارلس موره وزیر مختار و پهلوی مخصوص دولت بینه نخلیس باقامت دار اختلاف اعلیای مأمور و روانه دار استلام بعید او شود و لهذا مقرب الخاقان عمده انجمن العظام حسنی خان سرسبز فوج کردوس و جنرال الخاقان حاضر حضور تاجون که از خانواده های نجیب ایران و نوکر محترم دولت و حامل نشان سیرجکی میباشد از دربار تاجون بجهت این معصود در روز چهارشنبه چهارم ماه رمضان روانه مقصد گردید و همچنین بنا بر عادت رسوم و مصافحات دولتیسین نخلیس مبارکی کسی از معتبرین جاگران دربار تاجون از جانب دولت علیه برای تقدیم لوازم هماننداری جناب حسنی الیه روانه کرمانشان شود تا بعد از آنکه جناب وزیر مختار از خا

۲۱۴۴

دولت عثمانی گذشته دارد خاک دولت علیه شد مذبح طایف معانداری قیام نماید علی هذا علیجای مقرب الخاقان
 نادیمان سرتیب جهان کلونه حامل نشان شیر و خورشید تیسری از درجه اول با حامل مخصوص این با
 دولت علیه موافق احکام و دستور العمل لازمه در چهارم ماه مبارک روانه سرقد عراقین و حکام و مسائرن
 امور دیوانی عرض راه از سر قدالی دار الخلاق احکام صادر کردید که لوازم توقیرات ایشان را از فرار
 بتقدیم رسانند (علیجایان محمدتیسرا مان بتجه الامراء العظام محمد صدیق خان و محمد جبار خان و نادیم
 و سایر اولاد مرحوم یار محمد خان ظهیر الدوله که برکاتب بهایون آمده بودند این روزها مشمول عواطف سربکار
 اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه گردید. خلعت انعام فرخوز حال هر یک رحمت شد و مر
 حاصل کرده رفتند) چون مرحوم سکر خان سرتیب فشا را رومی در راه خدمت دولت تصدی شده
 لهذا مقرب الخاقان یوسف خان برادرش در جای او منصب تیسری سرادار و فرمان بهایون در با
 منصب تیسری او شرف صد و یافت (علیجایان خانسوار خان هزاره و حاکم مرد که بالک خدا یان بر
 برکاتب تیسری انتساب آمده بود این روزها از جانب سنی الجوانب ملوکانه خلعت و انعام و رخصت هر
 رحمت شده رخصت انصاف حاصل کردند) (علیجایان تیسرا انجوا من العظام میان خان نایب جردان باشی که با
 نایب سفارت کبری سابقا نمود بطرز بویغ شده بود در روی عقل و دست و صداقت رفتار کرد بعد از آن هم با منصب سفارت
 که نمودن بر کشت جوهر درایت قاعده داد و صد و مقرب را بطور آرد اما اینکه حامل عهد صلح دولت دین ایران و کلین شده
 برعت تمام خود را بدو بخشید و الباهر سبب و عهدنه مبارک را با و پای دولت علیه اطلاع کرد مراتب کار دانی دکفایت و تمام
 و موظبت او مشهور بشکوه رحمت دستگاه ملوکانه گردید مورد الطاف حسروانی گشت در اول در و با عطای یکظرفه
 مزمنه برسم خلعت آفتاب طلعت قرین مباحات آمد بعد از آن موافق فرمان حضرت نشان در درجه تیسری نایل
 دولت تومان بر پا لصد تومان موجب سابق او افزون بشمول مکارم حسروانی سرافرازی یافت و این روزها
 حب الام الا قدس خضی فقه باو شجاعت او لیا دولت علیه رویتل باو سفارت کبری خواهد شد

سایر ولایات) حمه از فرار که در روزنامه حمه نوشته اند از حسن مرتبت
 و اتهامات مقرب الخاقان چرخ علی خان حاکم حمه امور آن ولایت قرین انظام و انضباط است هوای
 در این اوقات کمال برودت را بهم رسانده است چنانکه نوشته اند بمبت روز بعد از عهد سعید سلطانی
 زیاد دی بولایت حمه بارید و در بعضی از بلوکات حمه تاد و سه روز برف در زمین بود و هوای حمه شد
 سرد شده و در خانها و زمینها کلا بخت و بعضی اشجار نیز که قریب برگ و سگوفه بودند ازین سرما سرد
 مقرب الخاقان چرخ علی خان حاکم حمه بعد از سیزده عید نوروز علیجایان میرزا و لیجان نایب الحکوم را با علیجایان

۲۱۴۵

میرزا علی سر مستوفی سخته گمشد و غوررسی و اهلینان رعایای بلوکات و دوات
خالصه با نهایت اختصار روانه نمود که رسیدگی کرده از برای هر یک از دوات بزور که بذور بسیار است
لازم باشد بپسند که رعایا باطنیان خاطر سرگرم امر زراعت و رعیت باشند و قدغن نمود که سبزه نان و جود
از رعایای آنجا چیزی نخواهند (دیگر نوشته اند که چون بسبب کمی غله در آذربایجان از جانب اولیای دولت
علیه حکم شده بود که از محال خسته غله به تبریز حمل و نقل بشود که اهل آنجا و رعیت نباشند مقرب آنجا چنان
بعد از حصول آگاهی از حکم اولیای دولت علیه اهتمام زیاد در اقبال حکم نموده پی در پی غله بان سمت میفرستند
بطوریکه از فرار اخبار آذربایجان که بجز میرسد قیمت غله در تبریز تنزل کرده و فوراً بهم رسد است و آن
الولایت از این معنی زیاد هشاکر و عا کوه پاشند) (دیگر نوشته اند که در سر نهر نجان رود در قریب قریه نیما و
مشهوران رخی بی از چوب خسته بودند و هر سال در بهار سیل بی مزبور را برده سبب محطلی مانور و زوار میگردند
بیشد سخته رفاه حال سردارین و حصول دعا کوئی ذات اقدس هالیون شاهان بی مقرب آنجا چنان
در این اوقات معمار و بنا و عمارت و آجر زیاد فرستاد که در آنجا بی بسیار محکم و خوب از آجر و سنگ سازج
که عابرین گرفتار صعوبت نباشند و بالفعل بنا و عمارت مشغول کار هستند غنقریب در کمال استحکام صورت اتمام
خواهد یافت) (دیگر نوشته اند که دو نفر از اهل کرمان آن بعضی میگویند که از اهل نمانا بوده اند بقصه ابر آمده
سی چهل روز در خانه میرزا رحیم اهری همان بوده اند و مشارالیه بی سابقه معرفی کمال محبت را در حق آنها بعمل آورده
با هم قرار میدهند که با اتفاق زیارت عتبات عالیات بروند روزی بهمانان میگوید که رفیقان من مرد پیر میستم و
بجهت خرجی راه دارم تیرسم با شما سفر کنم در راه پول مرا ببرد و مرا سرگردان بگذارد آنها میگویند این چه خوبی است
با ما میکنی محبت تو پر کز فراموشمان نخواهد شد و در عوض این محبت باید خدمتی بکنیم که در همه جا شهرت کنی با بخله
با اتفاق روانه عتبات شده و در قریب آوج من قرار خرقان مشایخها میرزا رحیم مزبور را با ولی نام آدم اولیای
چاق و قریب رسانده همان خواه را با اسب و اسب معتولین برداشته و بی کار خود رفته بودند اهل آوج مطلع شدند و
با آوج آورده پس کسان میرزا رحیم را اخبار و باستحضار مقرب آنجا چنان چنان غلیخان رسانده فرستاد هر دو قافلین را در
حاکم همدان گرفته آوردند و در مدینه عرض ابراهیمدان و خرقان و ابرو و در نزد علماء و اعیان خودشان آفرینش میرزا رحیم
و آدم او کرده بودند یکی از آنها که قافل ولی نام آدم معتول مزبور بود یا از و ائمه قصاص یا باطن مسیحی در قصه ابر
و یکی را که قافل خود او بود بزنجان آوردند با اینکه قافل بودن او نظر با قرار خودش در همه جای است و اهل زمین بود
با مقرب آنجا قافل را لیه رجوع حکم سر مطاع نموده او را با میرزا ابوتراب پسر معتول نزد امانی شرع فرستاده بعد از
شوت عا و ادا کردن در معتول چاه پرت لفظ علی که گفت در شرع مقرب آنجا قصاص شرعی است

۲۱۴۶

احبار دول خارجه

در روزنامه های سابق در گذارش جنگ نکلینس با چین نوشته شده بود که قایم مقام شهرکانتان با مالی خود اجناس
اعلان کرده بود که هر کس یک نکلینس بکشد و سرش را بدار حکومت بیاورد صد روپیه از جانب حکومت باو
داده میشود از فرار روزنامه که این اوقات رسیده است نوشته اند که از تبعه نکلینس بیست سی نفر با هفت شش نفر
از اهل چین از لنگرگاه طرف بالای شهرکانتان بکشتی بخار نشسته بغزای دریا که رسیده بودند جمعی بصورت
سافرا که بکشتی بخار دیگر نشسته بودند با نهار خورده اول نکلینس را کشته و بعد از آن چینی را قتل کرده و کشتی آنها را
آتش زده و غرق نموده بی کار خود رفته بودند (در اکثر دولتهای فرنگستان مجازات و سیاست معضرتگر
بسیار رسیده شده است مثلاً یک نابین اگر یک صاحب منصب را در کوچ دید به سلام او برخیزد یا نزد یابست
روز پنجوس می شود و اگر فرار نماید در انبشان واداشته شیک تفنگ باومی کنند و این شدت و سختی سیاست
باین مرتبه در عساکر نهایت سخت گیری است در حق آنها اعلیحضرت امپراطور و این مرحله را منافی مروت دانسته
مجلس القات در باره آنها در این اوقات امر کرده اند که قومی عیون علاقه ترقیب داده و فراری درین باب بکنند
بقدر مقدور تخفیف در اجرای سیاست عسکره بدینند که بعد ازین انظورشخت گیری در اعاد نظام نشود) (در
روستیه چون طلبی بسیار کم است و آنها نیز که مستند بجهت کم مهارتی و عدم استحضارشان از معلومات درست معالجه
از عمده نمی توانند بر این دو باین سبب جنسی از مرخصیها که معالجه پذیر هستند بوظه هلاکت می افتند لهذا اعلیحضرت
امپراطور در این اوقات حکم کرده اند که اطباء و جراحان موجوده انجرا امتحان نمایند اگر تکمیل صنعت خود را
بشهادت نامه لطیای مشهوره با سبب دیگر ثابت کردند پسها و الا در درون محکمت از مراد بکار جنب
و جراحی ممنوع باشند و اطباء و جراحان معتبر مسلم از سایر دول فرنگستان و ارواده اند که بدولت روس ساد
و درین باب از جانب اعلیحضرت امپراطور تاکید بعمل آمده است) (در هر محفل فرنگستان در ترتیب کردن اطفال
فوق العاده اقدام شده است در باب تنبیه و سبب استخاصی که در ترتیب اطفال خود قصود و شیوه نمایند و درین
اوقات در دولت باویرا قرار شده است که هر کس طفل خود را تربیت نماید و بکار و شغل باز نماند گذشت از آن
در غربت او بطرفی از دولت مساعدت نمی شود و تذکره نمی دهند ششاه نیز باید محبوس باشد و این حکم را بکل ایالت
دولت خود اعلام کرده است) (در ایام بیست سال پیش ازین در فرانسه در مملکت صونجن نام دختر بیست و هفت
و عاجز از حصول معاش بدربخشه سوال بوده است روزی بدرخانه آمده کردن کج کرده و چیزی خواسته بود
صاحب خانه محقری از راه احسان باو داده بود دختر صاحب خانه دلش بجال او سوخته و حالت پریشانی و اضطراب
او بان دختر تاثیر کرده رفته از صدوق یک لیر که تخمیناً بیست و دو هزار دینار پول این ولایت است بیرون آورد

۲۱۴۷

و مخفی از پدر و مادر خود با داده و بسیار عذر خواهی و اظهار دلسوزی و محبت نموده بود بعد از آن ان دختر فقیره را یکی از تجار هر طور بوده است عقد کرده و بزنی گرفته و مسراه خود بسبکی دنیا برده در اینجا بکار تجارت مشغول شده بود فقیره مرقومه صاحب ثروت و کثرت و اولاد متعدد کردید چند وقت پیش این نوشته در وصیت نامه او نوشته که به پسر بزرگ خود نوشته بود که پنجاه تومان وجه نقد از مال من باید ببری مملکت صوبه خن فرانس در فلان محل و فلان خانه بدختری که بفلان نام نشان است بدی که دایام فقر و مضطر از من من محبت کرده و حق جان بر دست من دارد مثل رالیه حب الوصیت مادرش بخواه مرقومه را برداشته و از بسبکی دنیا بفرستاده در محل مزبور معاش تحقیق بر آید معلوم شده بود که دو دمان ان دختر کلا از پدر و مادر و بستگان بر چیده شده و اموات تلف کرده فقط از ان سلسله خود همان دختر باقی مانده است که با کمال بی چینی و پریشانی بسربرد مثل رالیه بخواه را راجسته مادرش برده و با داده گذارش سابقه مادرش را با او تکریر کرد و بود و بچاره که از همه جا مایوس و در کمال است و پریشانی بسربرد ازین عطیه غیبی که بی خبر با و روی داده و فرج بعد از شدت بنا و زخموده حیاتی تازه یافت و شرحانی که بیستال پیش این کرده بود در این اوقات عاید رو کار او کردید (در دولت ردمه نوشتا تفکلی که عا کرانجا استعمال می کنند چون برو چه مطلوب بکار بخورد از جانب دولت قرار شده است که هر کس در تفک سازی مهارت کامل داشته باشد از اهل هر دهی که باشد بار دینه رفته و در آنجا تفکی که پر کردن و یا کردن آن سان تر از اینکه حال متداول است باشد اختراع نماید و در مقام تجربه بی عیب در اید از جانب دولت شخصی در عوض این صنعت پنجاه تومان داده میشود و این گذارش را دولت ردمه توسط مفرای خود به طرف نشر و اعلان کرده است) (از ضابطان بجهت جمهوری بسبکی دنیا شخصی بجهت حرکت دادن کشتی که در دریای می نشیند التی اختراع کرده بود که چند ذرع تا آب را می نمود محسنات آن بدرجه ظهور رسیده و در یکی دنیا متداول گردید و حال در کل کشتیهای یکی دنیا هر یک یکی ازین آلتها گذاشته اند و در این اوقات از ان آلت نمونه بن آورده در بعضی کشتیهای انگلیس هم از روی ان آلت ساخته و گذاشته اند) (در روزنامه سابق نوشته بودند که اعلی حضرت امپراطور فرانسه بجهت جناب سترپلینه هرلی ده هزار تومان سنوی قرار داده بود و بموجب روزنامه که در اوقات رسید مسیح مزبور در حق او بصیغه ابدی اعطا شده است که بعد از فوت او نیز در حق اولاد و احباب او بجهت فرستاده) (دیگر نوشته اند که از جانب اعلی حضرت امپراطور فرانس برای ساختن راه آهنی در جزایر مابین راههای فرانسه با چند نفر هندس مامور شده و در این اوقات با بنام غایت کرده اند که بنای راه آهن در اینجا بکار بردند) اگر محال و ممکن است کسی که قصاص و قتل در حق آنها لازم می آید در مجمع ناسانها قتل میکردند و جمهوری بسبکی دنیا نیز این قانون متداول بود ولی در این اوقات قرار داده اند که اینگونه اشخاص را در میان مردم نکشند و در محال محس مخفی قصاص و قتل برسانند

۲۱۴۸

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه دوازدهم رمضان المبارک مطابق سال شمس ۱۲۷۳

نمره سیدویت هفت

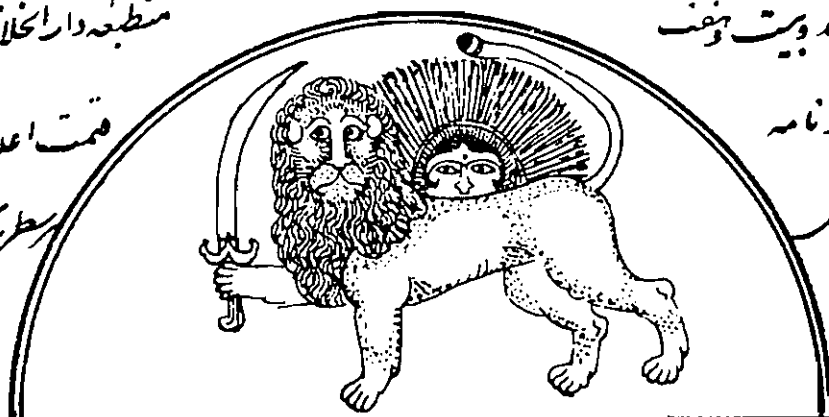
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دوازده

هر سطر دوازده



اخبار داخله ممالک روسیه و شاهای

دارالخلافه طهران

عالیجاه نیرمان خان سیرتپ و نایب سفارت کبری که از پاریس با عهده منتهه دوتیسین ایران و انگلیس
 بدارخلافه آمد بود روز نهم شهر رمضان المبارک بادستورالعمل و احکام لازم از دربار بها یون رود شده
 که بجا پاری سفارت کبری خواه در لندن و خواه در پاریس ملحق شود احتمال میرود که جناب فحمت نصیب
 امین الملک ایلمچی کبیر دولت علیه غور از لندن مرحتب کرده باشد که عالیجاه مشارالیه بایشان برین
 امید کفلی حاصل است که چنانچه عهدت میان دو دولت مبارکی قرار گرفت بواسطه عنایت جناب ایلمچی کبیر
 هم که از راه کمال میل و یاری دولت انگلیس بوده است طوری اسباب مودت فرسبم آید که این دوستی
 سمت استمرار دوام پیدا نماید و بنیان محکم آن از تفرق و انهدام مصون آید جناب ایلمچی کبیر این دولت
 برای تمهید این نوع بنای محکم هرگونه لیاقت و برازندگی و هر قسم تهیه و آماده کی را دارد امید کفلی حاصل
 که اولیای دولت انگلیس هم این فرصت را از دست ندهند و اساس مودت را از راه کفایت بر بنیای
 قوی گذارند (نظر بحال سمول عواطف رای سیرتپ اقدس علیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان دربار
 جناب فحمت نصیب فرخ خان امین الملک ایلمچی کبیر دولت علیه ایران و ملاحظه رخمانی که در راه خدمت
 علیه تحلل شده و میشود یکثوب کلجه تر از اعلی از طبوس تن مبارک با شمته مرضع که نهایت خوبی و متبایران
 دارد برسم خلعت و طلعت بجهت جناب معزی الیه حرمت و عنایت و مصحوب عالیجاه مجدت مسر ابراهیم
 سیرتپ و نایب سفارت کبری ارسال کردید) (چون عالیجاه میر کمال ساوجبی از عهده خدمات دیوانی
 امور و کالت قم و ساوه و درگذرانیدن محاسبات دیوانی این دو ولایت خوب از عهده برآمد لهذا

۲۱۴۹

در این اوقات از جانب سنی بجا می آید که باو رحمت کردید سایر ولایات
 فارس از فرایک در روزنامه شیر از نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت و اهتمام نویسنده
 مستطاب بنزاده و الا بتاریخ مؤید الدوله حکمران مملکت فارس قریب انتظام و ضبط است و مقبول است
 شیر الملک حاجی محمد هاشم خان دیوان بیگی و میرزا نعیم شکر نوبس با شی فارس در انجام صدای
 متوجه خود کمال کفایت و اهتمام بظهور میرسانند و سایر چاکران و کارکنان آن دیوانی هر یک در مشغول
 عمل خود مراقبت و مواظبت تام دارند و عمال و ضابط و مباشرین هر یک در محاللات و بلوکات بواجب
 خود در کمال الطمان مشغول خدمتگاری دیوان قدیشان اعلی و وصول و ایصال وجوه مالیات در میان
 در باب حوایجات میباشند و چون اول سال است نوآب بنزاده مؤید الدوله کامی عمال و ضابط و مباشرین
 محاللات فارس را اجازت نموده اند که با خود بشیر از حاضر شوند با هر یک مسی این از جانب خود با اسناد دیوان
 بفرستند که در دفتر خانه فارس محاسبات خود را با مستوفیان و کارکنان آن دیوان قدیشان گذرانند
 مفاصحا حساب دریافت نمایند (در اول موسم باران نوشته اند که بارندگی شده و مردم قریب زمین
 بودند تا در وسط موسم بارندگی شده و زارعین و صاحبان املاک زراعت کامل چنانچه در روزهای
 نوشته شده بودند ولی از اواخر استان تا چندی بعد از عید نوروز که اوقات مقتضی بارندگی بود
 بارندگی شده مردم بیانس کلی حاصل کردند و بقیه نمودند که امسال حاصل بطن نخواهد آمد و فقط و غلای
 روی خواهد داد و باین واسطه نزع اجناس گول ترقی کرده بود تا اینکه از تفضلات الهی از شب پنجم ماه
 سنای بارندگی شده بارانهای متوالی خوب بطوری که مطلوب و مقصود بود بسیار نافع و مبرور آمده و شی
 در کوهها برف بسیار آمد و کمال امیدواری از برای مردم حاصل گردید و نرخ غله و سایر مالکولات نیز
 بمنزل گذاشته روز بروز از آنر میشود و ازین بارندگیهای زیاده هر یک کسی و خزانگی محمد الله ز بسبب کم
 در شب بارندگی از صدای رعد که بسیار مهیب بود طفلی از خواب جسته بقول عوام زهره ترک شده و کوفت
 (از حسن اهتمامات اولیای دولت علیه در این ایام نصرت فرجام این صنایع و ضروران ایران دست از غلب
 صنایع و کارها بر آورده روز بروز صنعت خود ترقی می نماید و امید است که عنقریب بعضی باب در دولت علیه ایران
 است و بطوری خوب ختم شود که با اسباب ورود و مقابله نماید از جمله نوشته اند که حاجی محمد کاظم که خدای
 در شب هر دو شیر از قریب بدروازه اصفهان کارخانه بلور سازی ساخته و از سنگ رودخانه نیز
 میسوند در سن اولاد و مردکی و کیلاس و لشر و شیشه قلیان در کمال ایجاز و صفا و کارخانه نور ساخته
 میشود و تجدد صفا و خوبی خریدار زیاد بهم رسانده و با طرف بعرض میرود و از جمله شیشه قلیان که چندان فرق

۲۱۵۰

۳

با بلورندارد عددی شش عباسی بفروش میرسد و سایر اسباب از لاله و مردکی و غیره نیز بهین نسبت
 میشود و بجهت اینکه این کار در آن ولایت رواج بکند بلکه رفته رفته زیاد تر و خوبتر شود مقترب اسحاقان حاجی
 قوام الملک از جانب دیوان اعلی صاحب آن کارخانه را از ادای وجوه کارخانه مزبور معاف نمود و مشارالیه
 سعی زیاد دارد که خمیره این بلورالات تصفیه آن بطوری بعمل بیاورد که بهتر و صاف تر از آنکه حال است باشد
 و بکل ممالک محروسه ببرد (از قراریکه در روزنامه بندر عباسی نوشته اند خبر فوت مرحوم امام مسقط
 بتواتر با بنجار سبده و زبده العظام رسید ثوبی پسر اکبر شهنشاهی او ممکن گردیده صید ترکی برادر کوچک
 که در زمان پدر حاکم صحار بود اظهار مخالفت نموده با عوای جمعی از اعراب بدوی و دشمنی را که در درون
 موسوم بشناس و لو او با صید ثوبی مربوط بود مذخواست بود اخراج نماید و از خود آدم در آن دو مجلس
 سه عراده توپ و جمعیت بر سر آنها فرستاده مشارالیه نیز صید ثوبی را ازین مقدمه استحضار دادند
 آنها را معاودت او در خوداری و سیانت محل با آنها تا کیدات نوشت که قلعه و جای خود را از دست نداد
 منتظر ورود او باشند و خود نیز با جمعیت استعداد چرخ استیصال از مسقط حرکت کرده بجهت مدعوه برگشت
 که رفع افت و دفع اضداد نماید) و نیز از قرار خبری که از مسقط رسیده بود نوشته اند که طالبه بلوچ
 بطبع نوح افتاده اراده تصرف بندر کوا در که از مجال تحت اختیار مرحوم امام مسقط بود نمودند و جمعی
 آمدند زبده العظام رسید ثوبی نیز بمحض استحضار یک غراب جنگی از خود با جمعی از اعراب اسباب حرب بیاورد
 روانه نمود) (دیگر از قرار اخباری که بنبر مزبور رسید نوشته اند که دولت انگلیس از منبسی الی بقره را
 سیم قطعه از منجواهد درست بکند و از دریا و آبه تا بصربوسیم تغراف بکشد و در این اوقات یک چهار
 مخصوص که محمود اش آلات و اسباب این کار بوده است از مسقط بطرف بصره گذشته است) (دیگر نوشته اند
 که طاری در بندر عباسی اجیر یکی از تجار شده و بتدریج اموال موفور از حجره تاجر مزبور بسرقت برده بود
 در این اوقات که دزدی او بروز کرد تاجر مزبور در سی مال حجره خود کرد دید سبب لقی مال او را برده است
 ولی چیزی در دست ندارد معلوم نیست کجا تلف کرده یا بچه مصرف رسانده باشد چون اموال مسروق
 او امکان وصول نداشت و از جنس او نیز بجز تحمل محافظت و خرج فایده متصور نبود تاجر بحرانی با ملک او که دو سه
 پارچه مس و صندوقچه پیش نبود اکتفا کرده او را مطلق العنان نمود) (دیگر نوشته اند که در ازمدهم شعبان
 از غیب رسید که اتدویردی خان بشاکر دی را سه نفر از اهل بشاکر که با او سابقه خصومتی داشتند در جانی که تنها
 بوده است بر سر او ریخته و او را بضر شمشیر و نیزه بقتل رسانده از چون مرحوم شیخ سیف از صیبه او اولادی دارد
 عالیجاه شیخ سعید حاکم بندر عباسی چند نفر از غیب بجهت آوردن اولاد مرحوم مزبور بشاکر فرستاده است

۲۱۵۱

کیلان از قراریکه در روزنامه ست نوشته اند معرتب الخاقان میرالامرا العظام صلاخان عمیدالملک حکمران
 دارالمزکبیلان در تنظیم امور ولایت و رفاه و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی ایتمامات کافی بعمل می آورد
 و امانی تولایت از شهری و روستائی و کسبه و دکانین از حسن سلوک و رعیت داری معرتب الخاقان مشارالیه که کما
 وقت و غوررسی در عرض داد مردم و امور عالی و ادانی بعمل می آورد نهایت شکرانه و رضامندی دارند و در
 رفاه و آسودگی بکار و کسب و عیبتی خود و عا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی اشتغال یلما نیند احدی از
 مباشرین و غیره قدرت تعدی و خلاف حساب نسبت بکسب و رعیت ندارد از جمله مباشر کسبه شهریک قطعه
 بر بدی آنها حواله کرده بود درین باب صیناف عارض شد معرتب الخاقان مشارالیه محض ملاحظه رفاه حال
 آنها و حصول دعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی قطعه مزبور را تخفیف آنها مقرره است همگی شاکر و دعا
 بکار و کسب خود مراجعت نمودند (دیگر نوشته اند که شان مثال بیمال بایون با یک ثوب جبه ترمه که از
 جانب سنی بجانب ملوکانه بافتجا امیرالامرا العظام عمیدالملک مرحمت شده بود تا بجا که بر تو وصول میکنند
 معرتب الخاقان مشارالیه با عموم اعظم و اعیان ولایت از طبقه نوکر و رعیت تا خلق پو شان شاکر و لوازم
 توقیر و احترام و اعزاز و تکریم شان و نشان و خلع آفتاب طلعت و فرمان قضا جبران مبارک را بطور
 بعمل آورده و قبل از وقت انواع شیرینی و تکلفات در مجلس خلعت پو شان چیده بودند بعد از ورود کتشان
 مثال بیمال بایون و خلع مبارک را آویز پیکر مفاخرت و زین اغوش مبارک نمود اجرای شکرکوب
 شده امانی و اعیان مراسم تهیت و مبارکباد را بعمل آورده صرف شربت و شیرینی نموده از خلعت پو شان
 کردند و از ظهور اینگونه مرحمت سگارا اقدس بایون علیحضرت شاهنشاهی در حق معرتب الخاقان مشارالیه عموم
 کیلان از اعالی و ادانی اظهار مسرت و تشکر و شادمانی نمودند) (دیگر نوشته اند که پسر مهدی خانجان نام
 کیلوانی را متهم بقتل دی باد حترری از اهل قریه مزبوره نموده و مبلغ ضمت توان مباشر آنها با اسم جرمیه
 ارتکاب عمل مذکور از مشارالیه گرفته بود مراتب بعض معرتب الخاقان عمیدالملک سیده در مقام تحقیق و غوررسی
 برآمد معلوم شده بود که نسبت فساد و ارتکاب عمل شنیع پسر محض کذب و اقرار بوده است و بجهت بهانه جوی
 و اخذ داخل این تهمت را با و بسته اند لهذا معرتب الخاقان مشارالیه نتوان مزبور را اکل از آن مباشر استرداد
 بصاحب نتوان رود نموده و قدغن نمود که اگر بعد ازین از مباشر مزبور یا سایر مباشرین هیچکس از تعدی نسبت بکسی
 شود مورد مؤخذه و جرمیه و ساست باشد) (دیگر نوشته اند که در این اوقات چند نفر از دزدان معروف کیلان در دلت
 قرار و مزاج دزدی کرده اموال مردم را بدزدند معرتب الخاقان عمیدالملک امورین و ده آنها را گرفته بپهرشت آوردند
 که زیاده بزدی و سرارت مشهور بوده بر قریه کربلای عصمی میزند سیاست بسرا کرده و با تکی مجبوس اند تا حکم آنها

۲۱۵۲

هرات از قریکه در روزنامه هرات نوشته اند چون بگاه قبل از عید نوروز الی چندی از عید گذشته در صفحات هرات باران نیامده و آب رودخانه و غیره قریب باقطع رسیده پریشانی بحال صاحبان ملک و زراعت روی داده بود بنا بر رسم مهور و اولایت که در چنین اوقات بدعای باران بیرون میروند حقه مبارکه را که اعتقاد جسمی بر آنست که از جناب خاتم النبیین صلوات الله علیه بخلفا رسیدن رضی الله عنهم و از آنجا بانه معصومین علیهم السلام و از ایشان شیخ کبار رحیم الله و از آن جناب شیخ الاسلام زنده پیل احمد جام قدس سره رسیده باد آب و قانونی که بایست علماء و سادات و اعیان و اشراف اهل جماعت و طبقه مایه بردار باشند عامیانات اجتماع دور و متصل بیرون شهر برده با استدعای نزول باران رحمت الهی بوزم زاری و عجز و در حضرت غایت قیام نموده و نماز باران کرده معاودت نمودند و روز سیم نیز که روز جمعه بود جهان پنج مسجد جمعه آینه شریفه آداب طاعت و عبادت بعل آورده درین روز نواب مستطاب هزاره و ابلا حاکم سلطنته و الی مملکت خراسان نیز مسجد نوبور شریف آورده با امانی و اعیان در دعای باران سسر ای نمودند و جناب قاضی عثمان برادر مرحوم خان ملاخان مفتی ادای خطبه بلیغ نموده اشراف و اعظم و امانی و اعیان چون نواب هزاره را صاحب و عسکرم راجع مقام معضی دیدند از نواب هزاره مستدعی شدند که مانند بر امانی مالک محروسه که در گذشت جنگ سمت فارس از در با عیون مستدعی دفاع و جهادند باین ولایت نیز اذن از دولت علیه داره که با فریق مسلمین در راه دین سبب تکلیف شریعت و این اقدام نماید نواب معزی الیه در جواب آنها فرمودند که مرا بر بدولت و همیشه در دینداری اهل این ولایت را بجا کپای اندس بایون شایسته خلد الله علیه و سلطانه معروفین بد آنچه حکم حکم حسروانی شرف لغا ذیابد از انرا معمول خوانند داشت و اهل عطف و التفات زیاده با نموده اند بآنچه بعد از انقضای آن ایام هم در آن روزها صبح شانزدهم شعبان قبل از طلوع آفتاب نزول رحمت الهی آغاز نموده تا شبانه روز اغلب اوقات بارانهای بسیار شدیده بطوریکه تلاقی این مدت را که باران نیامده بود و آب رود و اطیان هم رسانده کمال امتیاداری از برای صاحبان ملک و رعیت بلکه بر عموم خلق اولایت هم رسیده تشویشی که از خشکسالی و کرانی غله داشتند بکلی رفع کردید (دیگر نوشته اند که نواب مستطاب حاکم سلطنته درین اوقات حکم نظامی دادند که افواج مرغه و فشار و بکلو و سواره همون و توپخانه در یو کم کشته میت و سیم شعبان در چین که در استان اردو بزنند و در آنجا مستعد باشند تا هر که حکم شود حرکت نمایند) (دیگر نوشته اند که مدتی بود معتبران شیخان شجاع الدوله ساخان بلخیانی حسب حکم نواب حاکم سلطنته مستوفیان هرات نشاندند جمع و خرج هرات مشخص برای هر طبقه عامل و محاسب علامه معین می نمودند اوقات چهار پنج با تمام رسانده و بدوی هر محل معین نموده است ولی بجهت پریشانی که در ایام محاصره بویلا روی بایست

۲۱۵۳

اجار دول خارجہ

مصنف مسخر روزنامه انگلیس تقصیری در خصوص مهوریت و یادش آن جمعیت مملکت روس داده است
و جزایا داناں مشهور معبر کہ مالط برون و بابلی و حال باشند در سنوہ مخلمہ حساب جمعیت مملکت روسیہ
در کتب جغرافیای خودشان مندرج ساخته و مقابلہ کرده اند نظر بنوشجات مؤلفین مزبور کہ جمعیت دولت
روس بوقت تمام رسیدہ اند درین پنجاه سال اخیر بیچ دولتی مثل دولت روس در مهوریت و کثرت
ترقی کردہ است بطوریکہ از عهد بطر کبیرالی حال کہ یکصد و پنجاه سال و کسرت ایستہ در تزايد بودہ است
و تو کویل مویخ ممالک شمالی یکی دنیا در تخریرات خود چنین نوشتہ است کہ مملکت روسیہ در عالم است
واقع است و جمعیت ممالک شمالی جهان جدیدہ فقط این دو ولایت است در دنیا کہ فوق العادت درازدیا
و بابلی مورخ و جغرافیائی مشهور در سنہ ۱۸۲۲ عیسوی جمعیت دولت روس را پنجاه و دو میان کہ ہر طمانی دو
کر و حساب ابران نوشتہ است حاصل نام جغرافیائی مشهور دیگر میگوید کہ جمعیت روس در سال ہر صد
زیاد میشود و در سنہ ۱۸۲۷ این جغرافیائی مزبور پنجاه و نہ طمان نوشتہ چنانچہ موافق حسابی کہ در وزارت خارجہ
در سنہ ۱۸۳۹ نمودند جمعیت آن دولت را پنجاه و نہ طمان و یکصد و سی و سہ ہزار و پانصد و شش نفر تعلم
بودند درین سال نیز چند بقعہ قبل حسب احکام اعلیحضرت امیرالطوریہ جمعیت مملکت را بوقت سرشماری کردہ
نصبت و سہ طمان حساب آمدہ است و در روزنامہ عسکریہ روس نیز کل جمعیت دولت مزبور را با این
نوشتہ اند اہل کلیتہ روس پانصد و نہ ہزار اہل کلیتہ مل خارجہ در روس تخمیناً سی و پنج ہزار ہجرت
حجاب موروٹی دارند یکصد و پنجاه و پنج ہزار رعیت خاص شہری کہ از سر باز دادن معاف ہستند ہجرت
بیت و پنچ ہزار غر با کہ باختلاف زمان در خاک روسیہ مسکن دارند چہل ہزار طوائف قزاق کہ در صحرا
ایالات اورال دون و والک و سجا سود و بیکال و ہم چنین امانی با سکر و قالموق و دو طمان جمعیت شہر
مراتب و وسط و پست کہ اہل تجارت و اصناف و غیرہ شہر پنچ طمان اہل رعیت عام چہل و پنج طمان طوائف بی
پانصد ہزار جمعیت مملکت فقط از یک طمان و چہار صد ہزار پادشاهی پولک کہ ممالک زیاد باشد چہار طمان و
ہزار ولایت فینڈلانڈیک طمان و چہار صد ہزار اہل روس کہ در سکی و نیاساکن اند فقط دو یک ہزار مسافر
دولت روس بیت و چہار طمان لکو متر مربع میباشند و ازین خواہا کہ بر آورد کردہ اند جمعیت ملت روس در سنہ ۱۹۰۱
چہل و سہ ہزار دیگر باشد یکصد طمان خواہد رسید دولت روس یکصد و دو ہزارہ طمان مختلفہ است و بہ وازدہ طمان
تقسیم شدہ است بیشتر از ہمہ اہل سکون کہ مذہباً و سنہا باشند بعد پولک و قزاق و جماعت سردیان کہ در صحرا
ہستند طوائف مزبورہ بہترین خاک مملکت روسیہ را دارند و از قزاقین کوشی باج اینست بہترین ترقی کردہ

۲۱۶

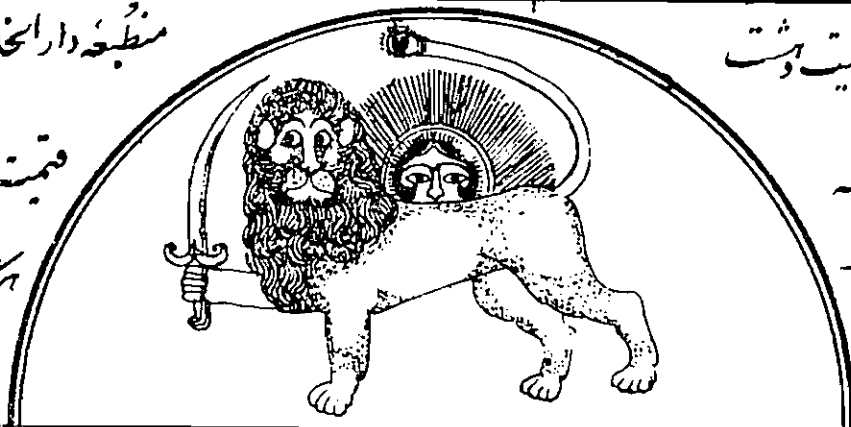
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۰۳ شهر مبارک سلطانیه

تیرسپد و بیت و شت

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه
هر نسخه ده شمشیر

قیمت اعلانات
هر سطر ده شمشیر



اخبار و احکام ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است عموم مسلمین در مساجد و محابد بلوازم طاعت و عبادت و نمازجا
 و تلاوت کلام الله مجید قیام و اقدام دارند و در مسجد بزرگ شاهی و مسجد جامع و سایر مساجد دیگر هر یک
 زیاده از کافه انام و پیروان شریعت غزائی خیر الانام دست میدهند علمای اعلام و فقهای ذوی القرب و الاحترام که
 پیشوایان دین بپسین مروج ملت بیضای حضرت سید المرسلین صلوات علیه و علی اجمعین میباشند مالی و اعیان را
 بطاعت و عبادت و بذل صدقات و ان نفق و نفق احوال عجزه و ضعف و اقدام بامور خیر و ثواب ترغیب و تخریب
 و بر راه فلاح و رستگاری راهنمایی و دلالت مینمایند و هر روز بعد از ادای نماز جماعت در مسجدی و اعظ و خطب
 کوشش هوش خصا مجلس عبادت و صفوف جماعت را بدر مواعظ و نصایح متعلق داشته عموم ناسن نفعت
 بدعای بقای وجود فانیس بچو دها یون سرکار اقدس هالیون شاهنشاهی و از دیاد دولت و شوکت مصون از تن
 پیر دارند و با وصف کثرت حقیقت دارالخلافه مبارکه طهران که سال از سال دیگر بیشتر است کمال ایتت و انتظام
 حاصل است و کئی یاری حرکت خلاف نسبت بدیکری میت خاصه در لبالی اجیا که تا وقت سحر مردم در مساجد
 کوچاد عبور و مرورند دراز مننه سابقه درین لبالی اجیا اجیان از بعضی الواط و ادب باش پاره حرکات شایب
 بر منازعه و غیره ظاهر می شد در این ایام فریوزی فرجام که با کمال ایتت قین است مطلقا از شرارت رسی و از اسرار
 اسی باقی مانده است تا نزد یک سحر عباده و الله سبحانه و تعالی در کوشش و بلوازم طاعت و عبادت و ادکار و اوراد
 و استماع موعظه و احادیث مشغولند و هوای دارالخلافه مبارکه که بزخیا چه در نفعه گذشته نوشته شد در کمال خود
 و صفای طامیت است و این اوقات اوایل شکستن گل سبز و موسم خرمی و خوبی هواست و عموم مالی دارالخلافه کمال
 سکرانه و خرمی را از خوبی و طامیت هوادارند که با وجود بلندی روزها مطلقا عطش بر کسی تاثیر نمی کند و ناخوشی نیز از

۲۱۵۵

هیچ قسم بجهت الله در میان مردم ظهور ندارد (چون این اوقات ایام صیام است و اطراف دار الخلافه
 مبارکه طهران نیز با قضای فضل کمال صفا و خرمی را دارد لهذا سرکار اعلیحضرت اقدس نمایون شاهی ظلله
 ملكه و سلطان بعضی روزها برسم تفنن و مشغولی خاطر مبارک سوار شده اطراف دار الخلافه مبارکه را گردن
 تفرج میفرمایند از جمله در روز چهارشنبه امه مبارک تشریف فرمای سمت امیر آباد و آن اطراف شدند در راه
 میدان سب و دوازده میان فوج ششم اردبیل و دین و لشکر ابو الجحیی مقرب الخاقان نتیجه الاموال العظام حسنعلیخان میر
 قاسم آمدند اگر چه در ایام صیام فواج قاهره از مشق معاف و مخصرانه ولی چون معلی تازه از فرنگستان آمد
 و مشق مخبران بطور جدید میدید فوج مرزوبوم تهره شوقی که خود در مشق دارند و هم تهره مشغولیت ساعت
 عصر را تا دو ساعت پیش خود در بیرون دروازه مشق می کنند در آن روز سرکار اقدس نمایون شاهی
 اید القیسه ملاحظه مشق و حرکات آنها را فرمودند با اینکه ده روز بیشتر بود که این مشق را میکردند در کمال
 خوبی مشق حرکت با شیوه بودند و حرکات آنها و اتهامات مقرب الخاقان مشایر الیه در نظم مشقان
 و مطبوع خاطر ملوکانه افتاده مقرب الخاقان مشایر الیه مورد عنایت و نوازش آمده با جاد و افراد فوج مرزوبوم
 ملوکانه التفات کردید) در هفتای گذشته مجلی در روزنامه نوشته شد که جناب فحمت نصاب فرخ خان
 امین الملک سیفگیر دولت علیه ایران در پاریس پای تخت دولت فخریه و نه نظر باذن و اجازت و مختاری
 که از جناب اولیای دولت علیه است با جناب چارلس بارون کادلی وزیر مختار دولت فخریه انگلیس مقیم پاریس
 در خصوص رفع برودت حادثه و رجوع مسالمت قدیمه باین دولتین ایران و انگلیس چند مجلس گفتگو کرده قرار
 مصاحبه باین دولتین و انگلیسین مبنی بر بازترتیب فصل که بعضی در باب قرار کار اقلانستان و هرات و بعضی در
 مستحقات تجارتنی و بعضی در مواد اتفاقیه و کلیه امور واقعه ملحوظ بود داده بودند مصاحبه نامه از طرفین تحریر و یک
 مصاحبه نامه مرقوم را عالیجاه مجدس راه زبیران خان میرتپ مدار الخلافه مبارکه آورده بنظر اولیای دولت
 علیه و بملاحظه قبول و امضای سرکار اعلیحضرت اقدس نمایون رسیده و بهر هزار نامرین کتبه مصحوب
 عالیجاه جهانبگیر خان افغان و بعدا کردید که در اینجا با اولیای دولت انگلیس داد شود چون پاره فرود عاقبت
 در مصاحبه نامه دولتین منو مقید و مرقوم گشته و در آن مواد باید نامورین دولتین گفتگو کرده قرار
 و از اینجا که و کلا و اولیای دولت انگلیس زیاده طالب است حکام و ابط دوستی و رفع برودت واقعه فیما بین
 دست جناب فحمت نصاب فرخ خان ایلیکبیر دولت علیه را که در پاریس بود بلند پای تخت دولت انگلیس
 دعوت کردند که بتجدد و وظائف ملت و تسدید روابط مصادقت تقدیم نموده رسم مصافحات با این
 فخرتین را احکام داده با جناب معزی الیه بنظر باذن و ایام مطلقه که از اولیای دولت علیه داشت دعوت و کلا

۲۱۵۶

و اولیای دولت انگلیس قبول نموده موجب خبر اجمالی که از راه سیم تلقف با سلا مبول رسیده و از اسلا مبول
 نوشته بودند در عصر شهر حیب با واپور مخصوص و همانند از دولت انگلیس جناب معزی الیه روانه شدند
 و کمال لوازم اکرام و احترام در واپور و محل های اقامت از جانب مأمورین انگلیس عمل آمده در ورود و در بند
 تشریفات موافق نمری و بعمارت عالی بسیار خوب که قبل از وقت جهت منزل جناب سفیر کبیر از جانب
 اولیای دولت و وکلای عیث ارسته و تخصیص یافته بود ساعت از روز رفته در نهایت اکرام و احترام
 وارد گردیدند و وقت عصر همان روز از جانب اعلیحضرت مکه انگلیس جناب سفیر کبیر را اخبار شرفیابی کرده
 و بار سوم و شکوه مقرره شرفیاب شده اند و بفاصله یک شب بعد از ورود از جانب اعلیحضرت مکه ترتیب
 ضیافت برای جناب سفیر کبیر شده و جناب معزی الیه با عزت و اجلال بضيافت رفته و در آن مجلس بسیار
 خوش گذرشته است اگر چه در اول دعوت از جانب سفیر کبیر با پرده روزه و عده خواسته بودند لکن
 تلقف این اخبار در مقدم شهر شعبان بود و این قرار کو یا بیت روز بوده است که جناب معزی الیه وارد
 لندن شده اند و اکثر روزها را در ضیافت اولیا و وکلای دولت انگلیس بوده و در هر مجلس بسیار احترام
 مینمودند و چندی نیز محض تفنن و سیاحت بنا داشته اند جناب معزی الیه را در آنجا نگاه دارند و درین بین هر چه
 نامتای در امر مصاحبه بوده است با تمام برسانند **سایر ولایات** (کرمان)

از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امور نولات اخین مراقبت نواب مستطاب عباد الدوله
 حکمران نولات قریب کمال نظام است و نواب معزی الیه در حصول امانت و ولایت و نظم امور لاکر و رعیت مواظبت
 تمام دارند فوج خلیج ساوه را حسب الامر نواب معزی الیه عالیجاهان میرزا علی اکبر شکر نویس و میرزا محمد
 غلام میخدا متسان دیده و بموشان را پرداخته با اتفاق عالیجاه جانمحمد خان سرشنگ خود مأمور
 گشته از کرمان روانه شده اند فوج کلهر ابوالجیمی عالیجاه زین العابدین خان نیز بشهر احضار
 متسان دیده و بموشان پرداخته شده روانه در با محفلت مدارهایون شاهشاهی گردیده اند
 فوج زنگنه ابوالجیمی عالیجاه محمود خان نیز بشهر کرمان احضار شده و سان داده همه روز مشغول
 مشق و قراولی پباشند و جمپین فوج کوران گردنی ابوالجیمی عالیجاه ملک زخان نیز خراب الام
 با آنجا آمده سان داده همه روز مشغول مشق میشوند و پیمان نیز با عالیجاه فرج الله یک باور خود
 میدان توپخانه روز مشغول مشق میشوند از سواره و پیاده ناکلی ابوالجیمی عالیجاه سید احمد که حسب الامر
 عماد الدوله مستحفظ در طرق و سوار از گردن بید سرخ الی سراب حاجی آباد ب حفظ و حرمت مشغولند که
 و سرزدین را حرات کرده بمنزل برسانند

۲۱۵۷

فارس از قراریکه در روزنامه بند عباسی نوشته اند در نوزدهم ماه حیب بخار از اهل قسم در آنجا
بند عباسی از شدت طوفان و لطغات امواج دریا شکسته محموله اسس هر چه بود بدست آمده بی نقص عینش
گردند و بکاره غرق گردید) (دیگر نوشته اند که در روز عید سعید سلطانی و نوروز فیروز بجهت شکوه دولت
ابد مدت اجزای شیک توپ کرده عالی وادانی بلوارم جشن و شادمانی پرداخته مراسم عیش و سرور از
نور بطور خوب تقدیم نمودند) (دیگر نوشته اند که چند نفر از اهل محال سبجه لار با میرزای لطف الله با شرف خود
مخالفت کرده بودند سه مرتبه بار اول را مورتا دیب آنها شده از اتفاقات در عرض راه بزدانی که مال
حاج علی رضای جهرمی و سیر قافله جهرم را در گردنه هر فرزده و بجا رفت برده بودند بزورده مأمورین از
و دست آنها دریافت مفاد يعرف المجرمون بیایم کرده در مقام استرداد اموال مسروقه از آنها برآمده
سارقین چون بفریختند و فرجوده اند بجهت خود مغرور گردیده بقدیم متعطل پیش آمده بودند با هم زد و خورد
و نفرار سر بار زد و نفرارزدان مقبول و سه نفر اززدان دستگیر گردیده باقی فرار برقرار اختیار
از اموال مسروقه سه راه دستند بجا گذاشته جان بتک پاید برده بودند مأمورین اموال مسروقه را بطار
فرستادند که بصاحبان آنها تسلیم شود و مخالفین میرزای لطف الله نیز که این سر بارها مورتا دیب آنها بودند
بعد از شنیدن خبر آمدن سر بار از محالی که سکونت داشتند با طرف دار کرده متواری شده اند و بواسطه
امیرزاده حکمران آن صحنه نیز میباشد محال سبجه نوشته اند که مراقب نظم امور محال سبجه بوده منتهی
نواب معینی الیه باشد) (از قرار تقریر تجار بند عباسی که با دارالعباده یزداد و دستدارند مذکور بود
که اشرفی تومانی سابقا در یزدان منزل کرده بینه هزار و پانصد دینار معامله می شد در این اوقات که بر
حکم اولیای دولت علیه متقرر شده است که تجار یزدان بخیال نجاج نفرستند و با اشرفی معامله نکنند
اشرفی باز بقرار اول آمده و بیک تومان رواج است و داد و ستد میشود و امانی ولایت یزدان نیز از این معنی
شکر و خورسند بوده اند) (دیگر از اخبار خبری که از سمت کرمان به بند عباسی رسیده و در روزنامه
آنجا نوشته اند قسطنطنیه که بکلا شکر آمده بودند از آنجا بجهت مراحت کرده و در آنجا با
اقامت دارند تا بدایح حکم شود مقبول دارند و چند جتازه سوار از سعیدخان رودباری و میرعلامین
جمال بارزی بست بندر کراچی فرستاده شده است که از آنجا و خبری با آنها برسانند
(دیگر در روزنامه شیراز نوشته اند که نواب مستطاب مویذ الدوله حکمران مملکت فارس در شهر از
مباشند و در نظم امور ولایت و رفاه حال رعیت و انجام خدمات دیوان قدر نشان اعلی ایتمات
کافی بعمل می آورند

۲۱۵۸

اخبار دول خارجه

جمهوریکینما ارچند وقت پیش ازین تاکنون مبنی بر بعضی اسباب و جوعلیاتشان بقدر کفایت محتاج
 نمی شود و سال بسال رو بترتیل بوده در این اوقات ثبوت درجه رت رسید است و از اینک رفته رفته
 عاقبت این حمله متعجرت کلی خواهد شد بجهت رفع ضرر و اصلاح این فقره درین روزها جمهور الیهیم بالت
 توانیک را که در تحت حکومت آنها درجه شمال قطعی کی دنیا واقع است مبلغ بیت و هفت کرب و سجا
 پول این ولایت بجهت کی دنیا و اگر کرده اند (در روزنامه های سابق در باب بحث اهالی انگلیس در خصوص
 جنگ انگلیس با چین نوشته شد که آن مجلس بجهت کلای ممتی ختام پذیر شد اعضای مجلس متفرق گردیده و قرار
 احتجاب و کلای جدید ارتت شد که مجلس ثانی انعقاد داده در آن خصوص مجدداً ذکره شود بعد از متفرق شدن
 مجلس اول بجهت ملاحظه بعضی محاسبات یک قومسیون تشکیل نمودند و مقارن اختتام آن در مجلس مذکور
 اعضای جدید ممتی مقرر گردید در این اوقات که قومسیون مذکور ختام پذیر شده و بجهت اعضای مجلس ممتی و کلای
 جدید از هر شهری بسای تخت لندن آمدند و مجلس ثانی انعقاد یافت از جانب کلای ملت سروی که از جانب
 اهالی لندن وکیل و مقدم و کلای ممتی بود در باب مواد مهمه مربوطه با جناب لار دپارتمنت بکفتکو مبادرت نمود
 و انگالانی که اهالی ملت داشتند بیان نمود جناب لار دپارتمنت انگالات مذکور را ایراد جوابهایش فی کرده
 بران مصدق حسن خدمات مشهوده خود را تحسین نامه از اهالی اکثر مجال بران نموده نظر باین احوال نوشته اند که
 امور مهمه در مجلس مذکور بمخواجه جناب لار دپارتمنت صورت استحکام خواهد یافت (که دانش سیم تعریف کبریت
 در روزنامه ها نوشته شده است که بجهت مخابره و پیغام از شهر بشهر و ولایت بولایت حروف تجوی و علامات دیگر از
 ساخته و هر یک برادر رسمی نصب کرده و آن سیمها را بقیر اندوده که از رنگ و رطوبت عیب کند در دریا از آب
 شکی از زیر خاک نامقصودی کشند و هر یک ازین سیمها هر حرف و علامتی که در آن سیم مضمون است در این سیم
 بعینها همان است و در هر طرف کارخانه است و مباحثه مخصوص دارد هر کس میخواهد پیغامی را سیم تعریف بفرستد
 کارخانه مطلب و را بجزوف مقطعه در آورده ترتیب مطلب شرح الماس را بجزوف فانی سیمها نمیدانند بجز
 الماس بر سیم از آن سیم که بخواهد فرسخ با صد فرسخ یا بیشتر مسافت داده و فاصله دو پایه چهار دقیقه
 و بعد برق پیشتر نمی کند مباحثه آن کارخانه که مرقب وصول خبر است حرف و علامتی را که برق پس از
 بچند و رصیفی نوشته ضبط میکند بعد از اتمام بخواند و مطلب معلوم میکند و اگر جوابی دارد باز همان تفصیل ازین
 میشود اگر چه تاکنون محنتان روز بروز پیشه ظاهر میگردد و زیادتر بدجهت سهولت رسیده است ولی چون کل
 سیمها حرف بعینها نیست بلکه بعضی را علامات و اشارات مخصوص قرار داده اند و در تفهیم و تفهیم آن بعضی اوقات

سهو و شتابه میشود لکن در این اوقات از جانب دولت انگلیس اعلان شده است که هر کس از نمرندان بادکاه
که استعمال کن این سیمهای مغزاف را بحد دفع فقط بتواند پیدا نماید و بقرار کند که دیگر علامات و اشارات در
میان نباشد و عینم و مطلب بی تصور شتابه و سهو خوانده و فحیده شود ده هزار تومان از دولت با و نام
داده خواهد شد بعد از این اعلان دو نفر نمرور داد و طلب این کار شده اند یکی از اهل یکی دنیا که تجبه این کار بلندن
آمد است و یکی هم از اهل خود لندن در هر دو این کار را لغت کرده اند حال از جانب دولت قرار شده است که
هر یک از این دو نفر علاوه این قانون را بر رسم خود وضع نمایند از هر کدام که مطلوب تر و بهتر باشد مبلغ
داده شود (در این اوقات از معتبرین تجار انگلیس یکی دنیا چند نفر با هم متفق و شریک شده اند و قویا
ترتیب داده اند که صد فروند کشتی برآه بندازند که در اکثر محال روی زمین تجارت و رفت و آمد کنند و بعد
از آن صد فروند کشتی دوازده قطعه خرید و موجود کرده اند و باقی را نیز در اندک مدت تدارک خواهند
داد) (دولت روسیه منظور دارد که بعضی از راههای آهنی ولایت خود را که نزدیک به پروتسیا است بر آنها
آهنی دولت پروتسیه متصل نماید و باین جهت مجتهدا معاهد نامه مابین دولتین روسیه و پروتسیه در این
تنظیم نیابد) (در سی سال قبل ازین که امانی پاریس پای تخت فرانسه را سرگیری کرده بودند و در وجه
بیت و دوازده گوزا امانا جمعیت شهر نر نور شمار آمده بود در این اوقات که مجددا سر شماری کرده اند از گوزا
سه کرده و بیت و بیت ده نفر از عیلم آمده است باین حساب در مدت پنج سال سیصد و پنجاه نفر جمعیت
این شهر افزوده است) (امانلی سر وینه پای تخت دولت آهستریه را نیز این اوقات سر شماری
کرده اند از مردورن چهار صد و پنجاه هزار نفر شمار آمده اند) (از صاحب منصبان توپخانه انگلیس یک یوزبان
در محاربات بن افسنگمانی که در بین جنگ خلی شده بودند پیدا کرده و جنسی از آن فشنکار را اقبال دیگر گرفته
و اجزا بر کرده است تجربه نموده اند که جنسی بهتر از بار اول بکار میخورد بجهت این خدمت مشا را اله که در نظر
مستحسن آمده است دوازده هزار و پانصد تومان با و انعام داده اند) (در وینه پای تخت آهستریه بنای یک
کتابخانه مخصوص تربیت اطفال تجار که خط و سواد ب تجارت بیاموزند گذاشته اند که با بند و مخارج
آن رشتند هزار تومان پول این ولایت برآورد کرده اند ازین مبلغ پنجاه هزار تومان را خود تجار داده
وسی هزار تومان دیگر نیز از دولت آهستریه اعطای شده است که کتابخانه مزبور را با تمام رسانده اطفال
تجار در آنجا مشغول تحصیل شدند) (حادثه ستاره و تپاله در در این اوقات بکلیت یونان هشتر یافته
در اکثر کلیتیا با پاپها کیشان مذکرات این گفتگو که در طوع این ستاره قیامت ظهور خواهد کرد یا نموده اند و مردم
بسیار صدقات بکلیتیا می آورند و دعای دفع این بلیه را شدیداً و قویا هر کس نشر و اعلان کرده اند

۲۱۶۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه و شنبه مبارک میماک مناسبت سال میلادی

نزد سید و بیت و نذ

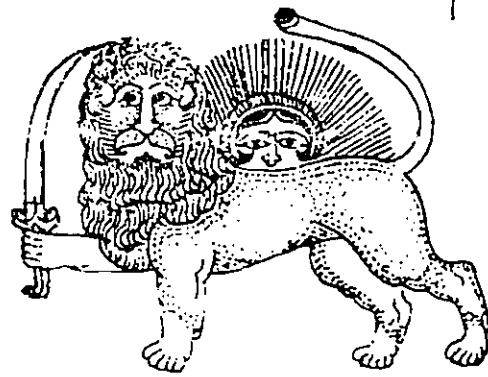
منطبقه دار احوال طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شبر

هر طرر ده شبر



اخبار و احوال ممالک محروسه پادشاهی

دار احوال طهران

چون چند سال است که کسبه و اصناف ماه مبارک میمان را تقایس و بلورات و امتعه و اسباب و احوال
 جدید مشهور به میدان چیده علاوه بر حجرانی که مستمر آد کالین بلور فرودشی و غیره است سایر کسبه و اصناف
 در ایام ماه مبارک در اینجا جا در مانده و حجره و دکالین ترتیب داده در میان آنها صنایع و بدایع غریبه و انواع
 و امتعه و اقطع گداشته میگرد و چون این میدان بجنب روح و فضا و خوبی مکان و قریب در بخانه مبارک که
 از جای دیگر است که در از منته سابقه کسبه و اصناف در اینجا جمع میگردند سال سال کسبه بیشتر میگردند و
 مشغولیت روزه داران زیاد تر فراهم می آید سرکار اعلی حضرت آقدس باریون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه خانیچه
 بجهت تفریح و تماشای آنجا و شرف اندوزی کسبه و اصناف از زیارت وجود فانی وجود ملوکانه تشریف فرمای
 مزبور میسوزند در روز شنبه ۲۴ این ماه نیز بقرار معهود بانجا تشریف آورده جناب اشرف امجدار فرغ صدر
 و سایر مقربان و خواص خدمت شریف حضور مبارک بودند ساعتی در آنجا گردش و تماشا فرموده و تقایس
 و اشیا که در حجرات و دکالین چیده شده بود بمعرض عرض حضور باریون در آمده بعضی اسباب بلورات و غیره
 از قبیل چهل چرخهای تازه و سایر که پسند خاطر آقدس آمد بخریداری آنها بشارت فرمودند و اصناف
 کسبه از زیارت وجود فانی وجود باریون کمال خرمی و شادی بهم رسانده تقدیم شکر گذار به نمودند بعد از تفریح و
 تماشای میدان مزبور و این بندی حجرات و انعام و ان بار بابت استحقاق بارک مبارک که سلطان معاود فرمود
 (عالیجاه محبت و نبالت سمره کنیاری کوفت ویر صاحب مضبان دولت بهینه روستیه که از جایگاه
 جلالت و امارت نائب کنیاز بارانگی جانشین جدید درجه سیمه ابلاغ ذریعه جناب معنی الیه بجهت حرم ملوکانه
 آقدس شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه با نور در بارها باریون شده بودند و تفصیل ورود و احوال و احوال
 صاحبان

۲۱۶۱

بدار اختلاف و تقدیم لوازم مأموریت ایشان بقانون نوشته است ایام توقف ایشان در روزهای این بقضای
 دولتین بهترین ایران در وس مورد انواع نفقات ملوکانه شده و از جانب اولیای دولت علیه سیر لایق است
 هر بانی از هر جهت کمال نسبت ایشان منظور است سبب احترام و استراحت ایشان فراموش آمد و بعد از
 لوازم مأموریت و حصول اجازه انصراف ان حضور غایت با خود حردانی مهم ملوکانه شامل احوال ایشان گردیده
 طرف قرین الشرف همایون یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حاکم تبراز قرار صد و فرمان مبارک
 و دو طاقه شال رضائی ممتاز لجا لجا محبت و نبالت همراه کینا رنگوف محبت و سایر مصائب
 همراهان عالیجا پیش را لیه را نیز بهر یک علی قدر ابراهیم بن موجب فرمان همایون و مدال طلا و نقره موق
 احکام وزارت امور رجه و شال خلعت بدین موجب عنایت گردید بتوسط لجا محبت همراه میرزا محمد فتی خاصه وزارت امور خارجه

| | | | |
|---------------------------|---------------------------|-----------------------------|---------------------------|
| عالمی داوود نور حنیف | عالمی کینا زراف سو داوود | عالمی متولار زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی |
| چانین | زینک | ملیکوف محمد صفر قرق خانی | چاپک |
| ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ |
| قطعه | قطعه | قطعه | قطعه |
| عالمی میرزا اسکندر کاجین | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی |
| ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ |
| قطعه | قطعه | قطعه | قطعه |
| عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی |
| ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ |
| قطعه | قطعه | قطعه | قطعه |
| عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی |
| ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ |
| قطعه | قطعه | قطعه | قطعه |
| عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی |
| ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ |
| قطعه | قطعه | قطعه | قطعه |

۲۱۶۲

| | | | |
|---------------------------|---------------------------|---------------------------|---------------------------|
| عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی |
| ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ |
| قطعه | قطعه | قطعه | قطعه |
| عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی |
| ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ |
| قطعه | قطعه | قطعه | قطعه |
| عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی | عالمی کینا زراف کینا قطنی |
| ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ | ۲ سال درجه ۱ |
| قطعه | قطعه | قطعه | قطعه |

| | | | | |
|------------------------|-----------|----------------|---------------------------|--------------------------|
| اندره او سبک و نه نگاه | قدومه حال | در ماله او کیو | ایوان و لا کار لیکر کسکوف | بوزیر و وزیر کالبت ازلوف |
| عمد | عمد | عمد | عمد | عمد |
| عمد | عمد | عمد | عمد | عمد |
| عمد | عمد | عمد | عمد | عمد |
| عمد | عمد | عمد | عمد | عمد |

در منزل صاحب منصبان رایهم ابلان شد و روز سه شنبه که فرستادگان مشاور ایهم از دارالخلافه این حرکت نموده عازم خاک دولت متبونه خود میشدند چجه مزید اکرام و اعزاز ایشان حسب الامری منضم مقترب قان ابوالکاسم خان میر فتح دماقمقبر اخضر اعلیٰ محمد خان کلاسر مقرب اخضر اعلیٰ میر اعد الودایب پ ذلالت

عاجی محمد سمره مسوچان ضالی مترجم عالیجا بابا خان بوزیر بامر لوعلمد عالیجا محمد خان اجوان صدرت و مترجم وزارت امور خارجه

اول در لبت علیه عالیجا میرزا بدروس مترجم وزارت امور خارجه

صاحب منصبان مشاور ایهم را با کمال شکوه و احترام شایسته نمودند و خدا حافظ گفته مراجعت کردند که استراحت و آسایش عالیجا مشاور ایهم در منازل عرض راه منظور نظر اولیای دولت علیه بود علاوه بر توجبات احترام و رفاه صاحب منصبان رایهم که از برجه فهم است بگذر کالکت لیه بجهت سواری عالیجا مشاور ایهم تا ببرد از دیوان اعلیٰ مرحمت شد که کمال خوشی و رفاه روانه مقصد شوند و در همه جا در این دولت علیه در حال و آسوده باشد (چون عالیجا مقترب اخغان میرزا عباس خان منشی اول مخصوص وزارت امور خارجه بجز خط کفایت صدیقی که در امورات خارجه و داخله از او ظاهر گردید و از حسن خدمات خود خاطر اولیای علیه را خرسند و راضی داشته مشمول عنایات و تقدآت ملوکانه آمد بموجب فرمان مدبران شرح بدستخط کابو منصب نیل نیابت وزارت امور خارجه بر فراگشته و منتظر مطلق نیز از جامه خانه خاص و حرمش (عالیجا صاحبان نظام در القون علامه بلقاسم تاریخ روضه ای ناصری که شرح آن در روزنامه های بق نوشته است ساکنان که بزرگ جمع نیویسد و اشعرا محمدی هم را از اول سلام الی الان که هر دو دولت و عقدا و سالت جمع کرده قریب پنجاه است کلمات دارد و این دولت از جهت عکس تدکره اشعرا محمدی هم از قدام و معاصرین باین جامعیت جمع کرده است و مقررات که بعد از اتمام در دارالطباعه چاپ شد بنسخه آن فراوان بشود و اهل طبع و ذوق از مطالعه آن بهره بردار گردند لهذا درین روزنامه اعلان میشود که حکام ممالک محروسه پادشاهی صان الدایام سوکت عثمانی و سایر صاحبان این روزنامه که در ولایات مستند شعرا محمدی حاضرین را در ولایت از مضمون این مقرر اطلاع داده اخبار نمایند که هر یک از زبده شعرا و متجربان اخبار خود بنزد عالیجا مشاور ایهم روانه کنند که در آن مکره درج شود و بزیر قریب ایام است اگر در اشعرا برسد بکار خواهد خورد زیرا که بعد از اتمام و برع کتاب دیگر چیزی باو صحیح نمیتوان کرد

۲۱۶۳

سایر ولایات) (آذربایجان از فرایک در روزنامه تبریز نوشته اند از
 توجهات اولیای دولت قاهره امور آن ولایت در کمال انظام است و انالی ولایت آسوده جا
 بدعا کونی ذات اقدس هالیون شاههای اشتغال دارند و توابع مستطاب هزاره و الا بتا نصیر
 فیروز میرزا حکمران مملکت آذربایجان هر روزه در دیوانخانه بزرگ نشسته بعرض و داد مردم
 کامل مینماید قبل از ورود قدیمی فدوی دولت ابدارت امقرت انخاقان مؤمن سلطان میرزا فضل
 وزیر نظام و پیشکار کل آذربایجان با نولات کندم تسجیر داشت و سایر ماکولات نیز کم یاب بود
 بصورت پیدا شد و مردم بسته آمد و اغلب دکا کین جیازی تجبه نبودن کندم بسته شده و بسیار
 بیکیکشت معرت انخاقان مشارالیه در اشای راه ولایات محله و خلخال و غیره قدغن اکید
 کرده بود که غله زیاده حمل و نقل در سلطنه تبریز نماند بعد از ورود تبریز متوالی و متعاقب کیدیم
 فرج پوره ویرجاها آورده اند و در تبریز و فرجه هم رسانده سجد الله رفع عسرت و پریشانی خلقی کردید
 محمود اهل ولایت از وضع و شریف و غنی و فقیر این جسد بسیار راضی و شاکر و دعا گو میباشند و
 مغزی الیه روزها را و اطاق نظام بسته با ستعمار نوات مستطاب نصیر الدوله امور ولایت
 و نوکر و نظام سایر همام دیوانی را فیصل میدهد معرت انخاقان میرزا مصطفی قلنجیان با مستوفیان
 در دفتر خانه مبارک نشسته محاسبات و معاملات دیوانی و داد و ستد مالیات رسیدگی نماید
 و معرت انخاقان حاجی میرزا محمدخان دبیر همام خارجه آذربایجان روزها در اطاقی که در در خانه
 معین است نشسته و بدقت و اهتمام تمام با مورات خارجه که از قونولها و مامورین خارجه آنها میشود
 رسیدگی میکند) (نواب نهد نصرت الدوله آدمی بکبار و داریس مومنونند که از افراد انجمنهای قدر
 بر که ام احتیاج تعمیر شده باشد تعمیر نمایند و هر جا هم که بنا و احداث فراول خانه جدید لازم باشد احداث
 نمایند و سرتاسر آن سرحدات را بواسطه وضع ذوالنجانها و مستخطین مصنبوط و نظم سازند و نیز آدم
 با استخوار از ارباب علم ماموران سرحدات که رسیدگی تمام تحقیق امور سرحدیه نموده روزنامه
 طومار صحیح نوشته بنظر کارگذاران همام مملکت برسانند که بعد از اطلاع دانی بر حقایق احوال اگر نظم
 و فراری در امور مزبور لازم آید بگذارند تا عیب و نقیصی در هیچ باب مباح خصوصاً باقی نماند و در
 داده اند که ماهی دو دفعه اتفاقات امور ولایات آذربایجان را حکام روزنامه کرده تبریز
 و معرت انخاقان محمودخان میرنوح که حسب حکم اولیای دولت قاهره مأمور دار سلطنه تبریز شده
 بود و او را کردید و مشغول نظم افواج قاهره میشد

۲۱۶۴

اخبار دول خارجه

سند مملکت نوشاتل که مابین دولت پروسه و جمهوریه ایوچره که سوس نیز میسازند متنازع فیروز
 ختام پذیر شده است اگر چه جمهوریه ایوچره بنا برخواستش علیحضرت امپراطور استریه طرفداران پرور
 که در ایالت نوشاتل گرفته و مجبوس بوده بودند مخص و آزاد کردند ولی هنوز مندرج است
 و باصلاح کلی نیامده است (از اخبار ریشکی دنیا نوشته اند که جمهوریه ممالک شمالی ولایت مزبور ولایت
 ساکورد را که در خلیج کبی فارسیا واقع است پول خریده اند) (دیگر از انگلیس نوشته اند که کن وکلای
 از شهرهای دولت مزبور انتخاب شده و بیای تحت لندن نجه اتفاقا مجلس مشورت آمده اند چهار صد و
 و حسب الرای وکلای مزبور که در امور داخله ملی دارند مقسمه به قسم کرده اند) (دیگر نوشته اند که در
 لندن کونت کلارندان و کونتس کلارندان صنیعتی بزرگ برای جناب فتح خان امپری کبیر دولت
 و اتاع معری الیه نموده بنا بر سنگینی نجه مزید احترام ترتیب داده اند) (لار د سیر امپری کبیر دولت
 انگلیس که مامورینکی دنیا بود بشهر و آسین تن یکی دنیا وارد شده و در چین پذیرانی اعتماد نامه سفارت
 خود را بریس جمهور داده و مذاکرات دوستانه نجه رعایت شرایط دوستی و اتحاد طرفین میان
 در باب نظم امور ممالک سبکی دنیای وسطی که ماکینکو مابین دولت انگلیس و سبکی دنیای شمالی بود
 بدقت تمام رسیدگی کرده شرایط جدیده خوانند گذارد) (دیگر نوشته اند که جانی از راه آلمانی
 یکی دنیای شمالی در بین عبور کالک نجا رسیده و بقدر رشت فقدا نفر آدم تلف کرده است
 (اعلان نامه که از جانب حکومت چین در باب جنگ کردن با انگلیس نشر شده است در روزنامه
 لندن ترجمه کرده و اینگونه نوشته اند امالی و مکتان که در ممالک چین فامست نمودند چندی قبل
 نسبت باستقلایت حکومت داخله جارت در اجرای فتا در کرده بشهر کانتان هجوم آورده بعضی
 جاهای آن شهر را آتش زده اند و بعد از آن نجه آثار شجاعت و بابت قشون چین که بر شادت
 و معروفانه فرار کرده اند و بسیاری از آنها روان میقدارشان در زندان بقا قرار گرفته است بعد از
 هر کس یک فرنگی را در این ولایت میسندوز باید اورا بزند و بکند چونکه عکسگری و بری فتح کنند
 و فرزند از خیر بعد او و شمار ممالک چین بجزب آنها دستاوه میشود بان جبه درین جنگ هر کس
 و جاتا فدی وی بودنش از جمله فرائض است ای امالی چین کسی که انهمش محیط چین و افتاب از حلاوت
 نور چشم او ذره اتخاذ کرده و مقدر بجزو از انجوم و بیارات نبط غضب یعنی خاقان اقالیم چین و ممالک
 چین از فرنگیان که جز لایحری بشند از رغبت تربیت صرف نظر نموده است مابین جبه بعد این باید

۲۱۶۵

بیمه با سبب بقیه بقیه (در مالک فرانسه چنانچه در سایر دول نیز معمول است بمالیات
مقرر از جانب دولت اراوه شده بود که مسبقی علاوه نمایند در این باب از جانب اعلیحضرت
بوکلای مجلس چند فقره گفته شده و اتفاق آراء حاصل شده بود تا در انعقاد مجلس شورت که وکلای
دولت جمع آمدند و نوبت مذاکره این مطلب بیان آمد و تراید و ترقی مالیات باین صورت از جانب
مجلس تصدیق شده قرار دادند که این مسبقی که منظور شده است بقوم پنهانی مالک فرانسه
و تقسیم شود) (در محاربات سابقه دول در فرم سبجه مصارف لازم است که فرستاده مانوسین
و اسامی و محالات دیگر با تجارت و تبعه دول مختلفه بعضی چیزها را بقونظورات ربط کرده بودند بعد از
وقوع مصالح آن قونظوراتها بهم خورده و آن دفاتر برچیده شده هر کس بکمان و محل خود غنیمت نمود
چند وقت پیش ازین بعضی از اصحاب مطالبات موجب قونظوراتهای خودشان سبجه استحصال حقوق
خود پاریس فقره و بدولت فرانسه بیان کیفیت را نموده اند از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه
حکم شده است که پنجاه و نه لیون فرانکه از خزانه مخصوص این دعای بیرون بیاورند که هر کدام این
اشخاص که حق خود را ثابت نمود از آن وجه حق او داده شود) (در روزنامه های سابق نوشته شده
بود که سبجه تحصیل فنون متنوعه بقا از دولت رومیه با سفاین مسطور سبجه سیاحت در سواحل
هند و چین و سایر جاهای جمعی از اهل سار دینه فرستاده بودند در این اوقات از جانب دولت
یک قطعه فرقیین معین شده که اکثر محال دنیا را گردش کرده تحصیل راه تجارت نماید و جمعی در سوا
مرز بوجه این کار روانه شده اند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده بود قایم مقامی ایالتین
دومبار و یاز جانب وکالت سبجه شمس رومی محال است بجهت آید بصر صابره و این دو ایالت خلیجی معمور و آباد گردیده
و گذشته این راه پنجاه و سه لفظ بر تبه لوانی در سلاک گرفته بوده و محاربات متوالیه شایسته غنیمتی نموده و
حال از نو سال متجاوز است چند وقت پیش ازین ساراکیه استخفا و مخفی بودن از قایم مقامی این دو ایالت
مخصوصاً از دولت سبجه سبجه عا کرده بود و آنوقت قبول شد منوخر اعلیحضرت امپراطور سبجه بر آورد
جناب ارشد و قیاسین ابایه بین مرقوم قایم مقام نموده و جناب شمس رومی را باینه خواسته سبجه
سامی جمیل او در امور کلیه و سبجه که در این مدت بدولت و ملت آثار خیر و منفعت او ظاهر گردیده
او در جبه قبول یافت و او را از تقدیم خدمات و یوانی معاف نموده و سالی میت و پنجاه تو مان
از دولت سبجه معاش و تخصیص یافته و یکی از عمارات خاص اعلیحضرت امپراطور سبجه نیز سبجه
معین گردید که بعد ازین از خدمت معاف و به استحقاق مشغول باشد

۲۱۶۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم خورشید چهارم شهریور سال المکرم بون سال سیدان نیکس ۱۲۷۳

| | | |
|------------------------|--|-----------------|
| منبعه دارالخلافه طهران | | نزهت سیدوسی |
| قیمت اعلاوات | | قیمت روزنامه |
| هر طریده شایر | | هر نسخه ده شایر |

اجبار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سابقاً در روزنامه مورخه تاریخ ۲۰ شهریور ۱۲۷۳ تفصیل انعقاد عهدنامه دولتی و دوستی دوستان
 و نیکوکنان ایران و انگلیس توسط سفرای کبار محققان در پاریس و آوردن عهدنامه مبارکه را عالیجاه مجدست
 زریان خان مرتب و نایب اول سفارت بزرگ دولت علیه بدر بار کرد و در راه ایون سمیت نکار شش یافت
 چون عهدنامه مبارکه منبوره باقتضای مراعات دوستی کامله قدیمه دولت انگلیس و حکام مبانی مراد است مودت
 آیات مقبول رای انور لیکانه اعلیحضرت اقدس بانون شاهنشاهی دامت شوکتها و سخط و مهر مبارک امضا و تصدیق
 و جناب جلالت اب شرف امجد ارفع عظم الفهم نیز سخط و مهر منوره مصحوب عالیجاه مجدست سر راه جهانگیر خان
 سریت موافق نص صریح عهدنامه میمونه که بیابان در بغداد مبادله شود روانه شد بعد از ورود مسار الیه
 ورود جناب جلالت نصابت منوره وزیر مختار دولت انگلیس مجلس رسمی ترتیب داده شده از طرف جناب
 معزی الیه و صاحب منصبان سفارت عموماً و از طرف فرین الشرف دولت علیه عالیجاه معزیه اتفاقاً میرزا
 ابراهیم خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه مقیم بغداد و عالیجاه مجدست سر راه جهانگیر خان سریت حضور
 رسانیده عهدنامه مبارکه بانچه که با امضا و تصدیق اعلیحضرت پادشاه انگلستان رسیده بود کمره بعد اولی در
 بعد از آن مقابله شده و نمایان جناب معزی الیه عالیجاه مشاریه تاریخ هفتم شهر رمضان المبارک مبادله گردید
 روز بیستم شهر منبوره عالیجاه مشاریه عهدنامه مضمی شده دولت انگلیس را بدر بار معزیه ایون آورد و در
 این خدمت که از اواناشی شد بندکان اعلیحضرت اقدس بانون شاهنشاهی دامت شوکتها و ارفین حمت
 فرموده بقطع نشانی سیرسی از درجه دایم و بکثوب جیه برسم علت با عنایت شد این بعد فیما بین
 و نیکوکنان ایران و انگلیس کمال دوستی و مودت موجود و تبعه و رعایای آن دولت در هر جای خاک این دولت

۲۱۶۷

با احترام کامل میسر است و وقت و عبور و مرور نمایند و مخیرین جناب مغزی الیه با اجزای سفارت دولت انگلیس و قونسولهای آن دولت معاودت سجاک دولت علیه خواهند کرد و قونسولها و مأمورین دولت انگلیس در شرف حرکت و بمقام مأموریت خودشان سجاک دولت انگلیس خواهند رفت و حصول عهدنامه مبارک کمالاً در اندک وقتی از طرفین مجری خواهد گردید

نظر بخوبی در صفای باغ جدید نظامیه و و فوراً احسن خاطر اقدس هایون شاهنشاهی در حق جناب اشرف امجد صدراعظم فخرم و جناب فحمت نصاب نظام الملک عنایت باغ مزبور فرموده در روز پنجشنبه بیت و شب رمضان المبارک تشریف فرماید از جانب جناب معظّم الیه و جناب فحمت نصاب نظام الملک تقدیم قربانیا و پیشکش و پای انداز بطور شایسته و خوشه سایر متعلقان و وابستگان ایشان نیز مراسم بعمل آورده و شب را نیز توفیق فرموده افطار و سحور را در آنجا میل فرمودند و بر وجود فایض اسجود هایون بسیار خوش گذشته تقدیم خدمات آنهاست و مقبول خاطر ملوکانه افتاده روز جمعه مبارک که سلطانیه در متسلط عظمی مرتجع فرمودند (در روز دوشنبه که یوم غره شوال و عید ماه مبارک رمضان بود بقا اعیان بزرگ علیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه باسلام عام دادند اعظم واعیان چاکران دربار هایون از سران و صاحب مضبان نظام و خوانین عظام و ارباب تعلیم و غیره اول مجلس جناب اشرف ارفع سدرت کبری و دکالت عظمی آمده صرف شربت و شیرینی نمودند و بعد از آن بسلام علیحضرت اقدس شاهنشاهی رفقه تحت مرمر دیوانخانه بزرگ بفرموده وجود فایض اسجود هایون رینب وزینت یافته سر تا سر دیوانخانه مبارک از اهل اسلام و بقدر کنجایش از آحاد توپچی و سایر صفوف اسلام مرتب شده سنگین توپ و زنبورک بقرای معمول اعیان اجری گردید و عالیجاه خطیب باشی ادای خطبه بلیغ بنام اقدس هایون و احتتام بدعای بقای دولت و از دیاد شوکت روز افزون نموده عالیجاه میرزا محمد علیخان شمس العرا قصیده عراق در تهنیت عید برشته نظم کشیده بود در پیشگاه حضور مزبور مبارک مغروض داشته مورد حسن التفات گردیده سرکار اقدس علیحضرت شاهنشاهی جناب سدرت عظمی را مخاطب بکلمات حمیت آمیز فرموده فصلی از خوبی هوا و خوش گذشتن ماه مبارک رمضان فرمایش فرموده سلام مامقضی گردید) (اگر چه در روزنامه بنی رفیق جناب مقترب انخافان فرخ خان امین الملک المحلی کبیر دولت علیه بلذذ پای تحت دولت برینست و عمل آمدن لوازم تشریفات و توقیرات سفارت کبری از جانب اند دولت بطور اجمال از در اجناب روزنامه های و مکتبان نوشته شده است لکن اینروز از جانب مغزی الیه بطوریکه تفصیل ورود خود را بلذذ نوشته بود ازینقرار است در شب م رجب المرجب وارد دربار دولت انگلیس شده از جانب اند دولت

۲۱۶۸

پذیرائی و اکرام و احترامات بطور شایسته نسبت بسفارت کبری تقدیم رسانیده اند روز بعد با کالک محض
 اعلیحضرت پادشاه دینچه انگلستان جناب امین الملک و سایر صاحب منصبان شرف حضور ملوکانه ^{شایسته}
 دریافت کردند مراسم حرمت و مهر بانی داعی اعزاز بعمل آمده جناب مغزی المیه جنابان جلالت آبان صدر اعظم
 امور خارجه آن دولت را دیدن کرده روز بعد جناب مغزی المیه بیازدید جناب امین الملک آمدند بعد از آن
 کل رؤسا و کلای دولت انگلیس در دیدن جناب امینی کبیر این دولت سبقت کرده در سوم موافقت و صحبت را
 بطور آدرده جناب مغزی المیه ایشان را بار دیگر کرده شب دویم ورود در مجلس شمس شهر که کل در او اعظم
 بودند سفارت کبری را ضیافت کرده اند و وظایف احترام را منظور نموده اند چهار شب بعد اعلیحضرت
 با فرودگاه انگلستان جناب امین الملک و اجزای سفارت کبری را وعده شام گرفته لوازم حرمت و تعقد
 ملوکانه نسبت بایشان فرموده اند وقت شام نواب عالیه دختر بزرگ اعلیحضرت ملکه تبعاعده یوروپ
 دست جناب امین الملک را گرفته با او شام آن اعلیحضرت حاضر شده اند و جناب مغزی المیه را در
 خودشان پهلوی نواب معظم الیهما داده اند و جنابان جلالت آبان صدر اعظم و وزیر امور خارجه و سایر
 اکابر و روسای دولت مشا را ایها در محل ملوکانه حاضر بودند جناب امینی کبیر مغزی المیه را با اغلب جاگای معتبر که
 تماشاگاه بود با کمال احترام تماش و تفنن برده اند در دو فرسخی شهر توپخانه سوار شده اند دولت را
 و دیشر میگویند و محل توپخانه دکا را نهای حربی دولت انگلیس است جناب امین الملک را دعوت کردند
 عالیجاه محبت مسراه و همس صاحب کبیر توپخانه بود با لباس رسمی حاضر شده با کل صاحبان
 توپخانه با موزیکان سلام نظامی و احترامات عسکریه را بعمل آوردند وقت شام مستفاد که مخصوص توپخانه سواره
 آنهاست نمودند و بطورهای مختلف در صحن تاخت شلیک کردند و همچنین بکار نهایی آن دولت بالواری
 اکرام تماش بر دند و مراسم دوستی و اتحاد و لازمه اعزاز و احترام را رعایت نمودند (از اینجا که رای
 جهان ارای سرکار اعلیحضرت اقدس بیاون شاهنشاهی دامت شوکت و ایها پر اجزای خیرات و مبرات و
 بقای باقیات صحاحات و تعمیرات و مرمت کاری بقاع معتبر که دانا خیریه و تمهید موجبات رفاه
 و آسودگی بر ایاد و عابای ممالک محروسه و بندگان خداست بنا علیہ بر حسب اشارہ عالیہ ملوکانه تنخواهی از
 دیوان اعلی برای مصارف تعمیرات بقعه منوره و روضه منظره سرکار فیض آما حضرت معصومه علیها دین
 الآف التجته و لیشنا و ساختن سردر و دخانه شهر قسم دست پیل دلاک و تعمیر خود پیل و کاروانسرای
 مرحمت شده بود که بصوابید و استقام و مراقبت مقررت انخافان ذوالفقار خان حاکم دلاست قم دی و
 سنجوی و استحکام تمام ساخته شود مقررت انخافان مغزی المیه هم کمال سعی و مواظبت و سرکشی را در انجام

۲۱۶۹

کارهای مزبور در دو بر روز سرکشی هر جا کرده هفتاد و مرتب هم قرار داده است که پس دلاک آمدن بخارا
سرکشی نماید و انشاء الله تعالی کل تعمیرات و غیره بمقتضای بیست و هفتام مقرب انخافان مشارالیه تمت انجام خواهد یافت
تدریجاً در خانه شهر این اوقات در نهایت استحکام با تمام رسیده از نیم فرسخ بشهر مانده جمیع سدرها
و آبسار و ج تا انتهای شهر مرتفع و مضبوط است به اندک بطوریکه دیگر چون انکذا احتمال حضرت سید شهبان
غیبت و باعث دعای الهی آن بلد و متردین و وزیرین بر مری عسرو دولت و شوکت شاهنشاهی گشت
و تعمیرات پس دلاک و کار و کسری ای انجام قریب با تمام است و بتای جمیده و مراقبت معزی ایستاد
و محکمگی تمام ساخته میشود (چون نیت خیر جناب شرف امجد و رفع صدر اعظم فخر دایم اجلاله پیوسته بر
ورفاه بندگان خدا و رعایای ساینه خصام صرف است چنانچه یک منزل حوض سلطان در پناه حضرت معصومه
علیها و آباها الصلوٰه و السلام زیاد کم آب بود و برای نمودن آب و تنگی منزل و مکان سجد متردین
وزارت بیکدشت و عسرت حاصل می شد آب حوض سلطان کفاف آنها نمیکرده و در کار روانه ای انجام
نداشتن حجرات و اطباق و متابی و سایر ملزومات کفاف شین عابرین و وزیرین را نمی نمود علاوه بر اینها
حوض سلطان و کار و کسری ای مزبور هم خراب بود لهذا جناب شرف ارفع امجد و ام اجلاله محض رفاه و
احوال عابرین و تخمین سباب دعا کوئی برای وجود مبارک سرکار علیحضرت شایقیه ای عهد انجام
و مراقبت مقرب انخافان و القارخان حاکم ولایت قم و ساهه که داشتند که بزودی و خوبی تعمیرات و
حوض سلطانی و کار و کسری ای آنجا پرداخته در رعایت استحکام و متانت تمام نماید علاوه حوض خوب و وسیع
دیگر هم در جنب حوض سلطان بنا نهاد و کار و کسری ای دیگر هم در آنجا مشهور بصدریه مشتمل بر حجرات و اطباق
و سایر ملزومات با کمال زراعت و استحکام احداث نماید تعمیر کار و انرا حوض سابق بیست و هفتام مقرب
ذوالقارخان حاکم قم و ساهه با تمام رسیده کار و کسری ای جدید مشهور بصدریه و حوض تازه به
شده بقدریکه ترس از زمین با کمال متانت با لایحه مقرب انخافان معزی الیه می ده و دفعه با آنجا آمده
کامل مینماید که انشاء الله تعالی بیخیزد در کمال خوبی و مضبوطی است انجام و تمام بیاید این بناهای خیر برای
جمیل شان و دعا کوئی دوام و قوام دولت ابد است پانیده و جاوید ماند و چنین مقرب انخافان معزی الیه
امرا و ایای دولت عقبه بلا خطه رفاه حال مردم بتعمیراتی که در شهر طغان است اقدام کرده بخوبی راه آب
قنات مزبور را پاک کرده اند و آب مزبور را بر آنداخته روان نموده اند برای سیرابی خلق خدا و مزید عسره
و آسایش ساینه خدا (از فرار ایضا جناب غنیمت نصاب فرخ خان ابن الملک ایلی کبیر که با ولای دولت علیه
و در زمانه دبا و خراب نیز بتاریخ یاد هم اورین مطابق ۴ شعبان نوشته اند جناب فرخ خان ایلی کبیر
گفت

۲۱۷۰

علیه ابران حازم پاریس است حکام صحرا با اتباع خودش از دو کشتی موسوم بانسی در زیر حکم کشتان آن
که دولت انگلیس مخصوصه بجه مغزی الیه حاضر کرده بود و وار شده و پنج که از پاریس بجه مهاذاری الیچی مذکور
ما مور بود بهسرای مغزی الیه باز پاریس را حجت کرد جناب فرخ خان در یکاعت از دور که سرحد است
بجا که که سرحد سحری فرانس است رسیده و از آنجا بلا درنگ پاریس رفت و جناب وزیر دول خان چنان
یک مترجم وزارت را فرستاد که سفیر کبر دولت علیه را پذیرائی کرده پاریس بیاورد (چون مراتب حسن
صداقت و خدمتگذاری عالیجاه مقرب المحضه الخاقانیه میرزا حسن مشهور و ملحوظ خاطر اقدس مایون پاریس
و امنای دولت علیه آمده شایسته شمول رحمت گردید لهند در این اوقات بموجب فرمان در لعلان مبارک
بستخط مایون منصب میل الله باشکری شاهزادگان عظام عموماً و نواب مستطاب شرف ارفع و الیاه
نظام با حشام خصوصاً عالیجاه مشایخ معقوض و درازای منصب مزبور با عطای یک حد و کل که مرضع
از جانب سنی الجوانب ملوکانه قرین معاشرت و مبادات آمد که بلواری شغل مزبور قیام نماید (چون عالیجاه
اللهورن خان در توپخانه مبارک منصب پاری سرافراز و مشغول خدمات بود مراتب شایستگی او مشهور خاطر
اقدس مایون شایسته آمده در این اوقات بموجب فرمان در لعلان مبارک منصب سرهنگی توپخانه مبارک
سرافراز گردیده و بیکطاف شال از جانب سنی الجوانب ملوکانه با و خلعت رحمت گردید (چون عالیجاه
میرزا رضای که خدا در انجام خدمات محله بخود مراقبت و اهتمام محل آورد خصوصاً در ایام ماه مبارک مصفا
که محله ابوالجیمی خود در انظم داشته و سرقتی که در خانه حاجی عبدعظیم شده بود با اهتمام عالیجاه مشارالیه
بدست آمده و اموال سرود و از او استرداد و بصاحب تسلیم گردید لهند مورد التفات شده بکثرت جهت
گرمائی اعلی از جانب سنی الجوانب ملوکانه با و خلعت رحمت سایر ولایات (ادریجان
از قرآریکه در روزنامه تبریز نوشته اند امور انولایت قرین نظام است و امالی و اعیان دار السلطنه تبریز
روزهای ماه مبارک رمضان را در مساعد و معاهد بلواری طاعت و عبادت و دعا کونی و ات اقدس
شایسته اشتغال دارند نوح غله که ترقی داشت در این روزها از اهتمامات نواب مستطاب شاهزادگان
نصره الدوله و قدیمی فدوی دولت ابد استام مومن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکار کل اذربایجان
تنزل کرده دایزین فرامست بر پنج اعلی بکن هزار مثقال نه عباسی روغن لوزله هزار مثقال بکن چهار هزار
دینار کوشت بکن دو هزارمان بکن سه عباسی کندم بکن یازده شاهی جو بکن دو عباسی نخود بکن هزار
دس بر چیزهای این فرامست و امید است که پشاه الله در روزی بیشتر دوزان ترک کرده عسرت
و پریشانی انولایت بکلی رنج بشود

۲۱۷۱

گرمانشان از فراری که در روزنامه کرمانشاه نوشته اند امور سرحد و لغور و شوارح عمور
 و مرور اولایت احسن بر اقبه استطاب عباد الدوله منتظم و مضبوط است زوار و قافله با سودگی از
 طرق سرحدات مبارک و مقاصد میگذرند چون درین اوقات ایلات کوران و سنجابی از گرمسیرات حرکت
 کرده بطرف سیلاقات میروند راههای سمت زهاب از این خالی میماند و زوان اطراف فی درین وقت بیشتر
 از سایر اوقات قصد قافله و زوار میکنند لهذا مرتب انجاقان است که الله خان سرتب که حسب الحکم نواب
 معزی الیه با فوج و استعداد ما مور خلوصه زهاب است مجددا بر سر باز و سوار مستحفظین طرق و قوافل
 بهر جا دسته سر باز افزوده است و قرار گذاشته است که از زهاب قراول و مستحفظ همسرا زوار و قافله
 منازل قصر شیرین و قلعه سبزی و خانیقین بوده و همچنین از قحین الی زهاب جمعیتی که معاودت کرده
 همراهی محافظت کرده بمقصد برسانند که عابرین زهاب و ایما با از استی قلع الطریق مصون باشد
 و نوشته نصابت از هر دسته از زوار و قوافل در هر یک از منازل دریافت و خدمت نواب شایسته
 روانه نمایند و بسمت قوره تو نیز قراول گذاشته است که تا کنار آب سیروان حفظ و حراست نمایند و کجا
 جهت آب در حق این سر باز و سوار مستحفظ عایت شده و قدغن اید کرده است که اگر کسی از آنها کتب خلافی
 بشود مورد مواخذه و سیاست باشد و این قرار بطوری مستحکم است که اگر یکی از اینها مالی در صحرا بیاورد
 در منازل از زوار و قافله بجای مانده باشد نمیتواند مالک و صاحب نماید حکما باید حبس را پیدا کرده
 با تسلیم نماید از جمله زواری است باد کوه آمده روانه عیبات عالیات بودند در منزل قصر شیرین
 لعلکی مال یکی از آنها بجای مانده بود مستحفظین قصر شیرین نگاه داشته در راه حجت آن زوار با تسلیم کردند
 و همچنین بسته مکاری شب از رباط قصر شیرین بار کرده بودند که بخانیقین بروند در بین راه قلعه
 با دندی بنیاد و زیدن کرده باران شدیدی سرگردانستی که مکار یان را از دست و جیم جان
 مجال پاسبانی مالهای با کس نمانده و قاطر آنها که بنا کوه در بار داشتند درین بین از راه کنار گرفته
 بعد از موقوف شدن باد و باران و رفع آن حالت آن دو قاطر مفقود بودند مستحفظین بطلب آنها رفتند
 دو فرسخ دور از راه هر دو قاطر را با بار پیدا کرده آورده بصاحبش سپردند (از امور اتفاقیه نوشته اند)
 که در این اوقات باران بسیار شدیدی در زهاب و ان اطراف بنای باریدن نموده و بنا
 و برق و شدت بارندگی گذاشت درستی شب اشجان ناکاه برق نجاته علی حسین بیک که در
 زهاب بود زوجه یک مرد و یک زن قور اهلک گردیده و پنج شش نفر مد هوش شدند و هفتاد تن
 کاه و ماده کاه و نیز که در زیر چادر و در زهاب شدند

۲۱۷۲

اجبار دول خارجه

از قرار خبری که از سیم تعرف در ما شعبان باسلامبول رسیده است مابین دولتین استریش و روسیه
بجهت حدود دوین و استحکام قلعه لکتندر که در زیر حکومت دولت روسیه است پروت جانمیل
از جانب دولت استریش قطع مجابره با دولت روسیه شده سفیر استریش که در شهر تورین اقامت
ترک سفارت کرده با استریش معاودت نموده است (دیگر نوشته اند سفیر که از جانب دولت
بجهت تبریک جلوس امپراطور دولت روس بطرز بزرگ رفته بود تا کنون در اینجا است در این اوقات
بوسیله سفیر ایشیا رالیه مابین دولتین فرانس و روسیه معاوضه تجارنی که سابقاً منعقد شده بود در بعضی
فقرات آن قرار تغییر و تبدیل شده و سفیر ایشیا رالیه تا مدت اتمام این فقرات در بطرز بزرگ اقامت
(بجهت مناسبت و ارتباط پیدا کردن با دولت و نه زوال که درست جنوبی نیکی دنیا واقع است در این اوقات
از جانب دولت روسیه قرار شده است که یک نفر مصلحت گذار در دولت مزبور اقامت نماید) (بنویسند)
نوشته های روزنامه های سابق در مسئله جنگ انگلیس با چین در مجلس مسوور جناب لار دپارلمنتس مابین وکلای
ملت و وکلای دولت بمباینت وقوع یافته قرار شد که وکلای ملت مجدداً انتخاب شوند و اعضای مجلس
مزبور متفرق شدند تا بعد از تجدید وکلای ملت در مجلس ثانی جمع شوند از قرار روزنامه که این اوقات رسیده است
وکلای ملت از هر شهر و ولایت معین گردیده بلند آمده اند و در میان آنها یکی از وکلای سابق نیست وکلای
تازه اند و همگی طرفدار جناب لار دپارلمنتس و ازین قرار در افتتاح مجلس ثانی انجام امور چنانچه سابقاً نیز
بودند بر حسب رای و خواهش جناب ایشیا رالیه استقرار و استحکام خواهد یافت (از قرار اخباری که در این اوقات
از هندوستان رسیده است نوشته اند که چون بخش و ازاراالی شهر کانتان چین باالی انگلیس که در شهر
مزبور ساکن بودند ظاهراً بگردید از جانب کشیمهای دولت انگلیس خیلی کلوله توپ و کلوله اتشی بشهر مزبور انداخته
در درون شهر ریاده از هفت هزار باب خانه و عمارت و در خارج شهر بعد چهار هزار باب دکانین
زده شده و خراب گردید و االی چین نیز محکمه و خانه های توپها و تجارت فرنگستان را هر چه بود آتش زدند
و کیمیا را بسیار سخت و اذیت و ضرر انداختند حتی یک نفر باجر دولت هزار یال خسارت کشیده است
تا ازان نملکه بجان خلاصی یافته است) (بجهت تحصیل فنون جغرافیا و بلدیت ارضی از جانب دولت انگلیس
و وکلای نام شخصی جناب سودان فرستاده شده بود از قراریکه نوشته اند در وقتیکه ایشیا رالیه بملک نیمی
از ممالک سووان است وارد شده بود بمبئی بر سر بابی که بوده است االی آن مملکت او را مقتول کرده
(در این اوقات در پارس شخصی با نام بچه خوزین التی اختراع کرده است که در هر دقیقه در هر طرف

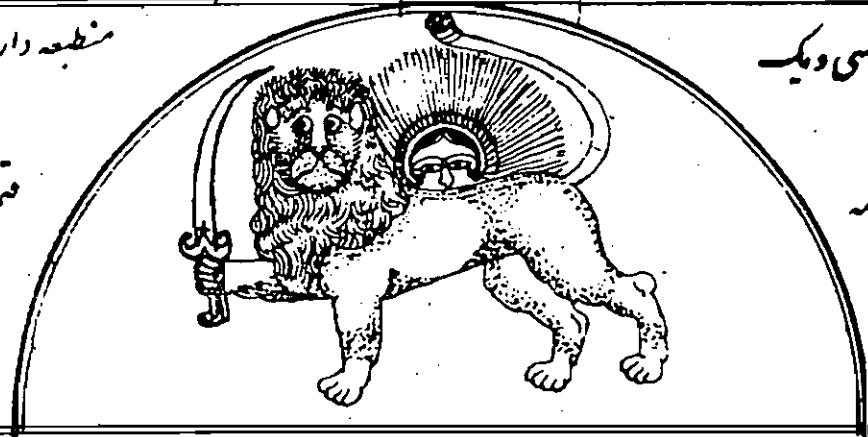
و یکدفعه در دوازده انگشت عمق زمین را حفری کنند و کار بهر کس که بدست مباشرت نمایند از آن است
ساخته میشود و به مجلس بالمنتوا در دو جنات حدیده آن مشهور اعضای مجلس شد تصدیق نموده اند و
امیر الطور در آن فرستاده شد و شرف و زاری مجلس فرمود که دیدار است آلات صنعت فروردین معاینه نماید و رسید
نموده و سبب اینکه بسیار سخن افاده از جانب امیر الطوری مذکور افحاجی که در حقش را لیه در ازای این سخن
لازم است شده و مشایخ مورد التفات گردیده است) (تاکنون در دولت نکلیس در کتب خانهای
شاکردن را سوای زبان خودشان زبان فرانسه نیز می خوانند که بخوانند و بنویسند در این اوقات
قرار شده است که خواندن و نوشتن زبان فرانسه را نیز با آنها سازند) (از بیعت دولت رومیه شخصی
که اصلا شوق و تعلیم موزیکان نیندانت بخمال خود آلت چانه زیرین کوفتد بر بریده بشکل سوزناگر کیسی خسته
و در وقت مواظق از او صوتهایی که تاکنون مشوع شده ظاهر کرد در این اوقات که نکلیس او را
خواست و ساز او را استماع نموده اثر استماع ذاتی او که از پیش خود التیخین اختراع کرده که نکلیس از
مصنوعات استادان این فن بیشتر است مشهور بلکه گردیده جنلی وجه نقد باو اعطا کرده است و گذشته
شخصی بود در اجامات خانهای لندن سبب استماع او ساز او که تازگی داشته است دعوت کرده اند
و در مدت دو ماه چند هزار تومان از ماشا خانها عاید او گردیده صاحب ثروت و کنت کامل گردیده در حد
سن از بدگزانی فارغ شده است) (از فراری که در بعضی تواریخ مسطورت در ایام چهار هزار سال پیش ازین
اموات را در فن نیک گردند بلکه فضلات و امعای او را دفع نموده و پختی بخیر داده در میان سنگها مضبوط
و بعضی چیزهای غریب و تکه نیر بگردن اموات تعلیق باو در میان سنگها میگذاشته اند در این اوقات بعضی اموات
آن ایام را که از میان آن سنگها را آورده اند لجزای آنها هیچ متلاشی شده و بهان بیات قدیم باقی هستند
قبل ازین شخصی فرانسوی بود نام سببیا مصر و ماشای آن اموات قدیم با سببیا فرقه بعضی از آن سنگها را یافته و
در بین تفحص پنج دانگندم درشت که از همان ایام با مرده در میان سنگ گذاشته بودند پیدا کرده کند
بفرانس آورده و کاشته بود در سال اول صد دانگ آن سبز شده و هر یک هزار دو دولت کندم داده بود
چون اینگونه ربع از کندمهای متعارفی دیده شده بود سال دیگر نیز همه آن کندمها را کاشته تخمی شصت تخم
آمد و از آن سال تا بحال سال بسال هر چه ازین کندم بعل آمده است کاشته و برداشته متجا و از هزار کندم
حاصل کرده است در این اوقات چاشنی و نمونه از با علیحضرت امیر الطور فرانسوی تقدیم کرده و بحسب درستی
خوبی و طعم از سایر کندمهای متعارفی بر اب امتیاز داشته است در حضرت امیر الطوری موجب تحسین
تکریم و التفات زیاد گردیده است

۲۱۷۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج بوم شنبه یازدهم شهریور المذم مطابوق سلیمان سیل ۱۳۶۳

نزد سیصد و سی و یک

منطقه دارالخلافه طهران



قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهی

هر سطر سه شاهی

اجنار واحد ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ایام ماه مبارک رمضان بجزئی منقضی شده است اوضاع در بنجایه مبارکه کمانی این منظم و چاکران
 هایون و امن سلام بر کس در سه شعل و کار خود با انجام خدمت مرجوعه اشتغال دارد و نظر خوبی و صفای باغ لادرا
 که درین ایام بهار مشخون بکل سبز فراوان و انواع ریاحین است اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی تشریف فرما
 باغ مزبور گردیده و چند روز است در آنجا توقف دارند و بعضی روزها هم از آنجا سوار شده و بتفریح شیرینات که در این
 ایام کمال حضرت و خرمی را دارد تشریف فرمای شوند هوای دارالخلافه طهران نیز تا کنون در کمال خوبی گذشته است
 چنانچه پیشگی درین فصل هوا با من خوبی بود مردم نیز در اطاقها بسیارند افواج قاهره نظام نیز از توپچی و سبزو
 سواره نظام همه روزه در میدان ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغول مشق میباشد و از جانب صاحب منصبان
 معلین کمال اهتمام در مشق و نظم آنها میشود نواب امیرزاده علی میرزا سرب فوج کلیانی پسر نواب پسر عماد الدوله حکمران
 کرمانشاهان که با فوج شش هفت ماه در دارالخلافه ساخلو بود در روز جمعه پنجم این ماه با فوج مرخص گردید و از جانب
 ملوکانه یکسوی جنبه ترم نیز با و خلعت مرشد عالیجاه زین العابدین خان سمرنگ فوج کلهر نیز با فوج در شانزدهم
 ماه رمضان المبارک وارد دارالخلافه مبارکه گردیده در وقتی که اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی باغ نظامیه
 تشریف فرمای شدند فوج مزبور در معبر موکب هایون صف کشیده بنظر نه از ملوکانه رسیدند چون در کمال استکی و نظم
 و شکوه بودند مورد تحسین و التفات شدند و همه روزه مشغول مشق معلین و شاکردان مدرسه دارالفنون
 که در ایام ماه مبارک مرخص بودند بعد از انقضای ایام صیام هم روزه مشغول تعلیم و تعلم میباشند و بعضی
 حربیه و طبیه و هندسه غیره خوب ترقی کرده و پاره نامو خدمات شده اند امور حجت خان و قورخانه مبارکه هم منظم
 اصناف و علمه روزه در کارند

۲۱۷۵

چون در نیاب نواب مستطاب برآوده والا بحرام سلطه اشرا ترکمان سرخس و قریاب عرصت
 خالی دیده نبای هرزگی گذشته بودند کاهی اتفاق کرده با طرف اولایت چاول و دست اندازی میکرد
 بعد از آنکه مقرب الخاقان قوام الدوله پیشکار رحمان از اردوی نواب معری الیم اجبت نموده وارد ارض اقدس
 گردید حسب الامر اولیای دولت علیه سواره و سرباز با استعداد و برضات اولایت فرستاده مترصد بودند
 در شب دوازدهم رمضان المبارک خیر مقرب الخاقان مشایخ رسیده بود که اشرا سرخس و قریابی با اتفاق
 مخفی که از مشایخ معتمدین و مجتهدان و اوقات بشارت و اوداحت و تازش و در رسم چاول و الا
 ماهر و معروف بود بعد چهار هزار سوار جمعیت کرده تا تحت بلوک سیرجام و بیوه زن آمده اند و آنجا رفت
 کرده زبده سوارشان از فرط تهور از آنجا نیز گذشته تمبیش آورده اند مقرب الخاقان مشایخ
 وصول این خبر فوراً شبانه آدم بنزد مقرب الخاقان ابوالفتح خان میرتب که با سرباز و سواره در سرحد
 فرستاده اجبار نمود که از حرکت سواره ترکمان خبردار بوده آنها را جلو گیرند و خود نیز صبح زود از ارض
 اقدس بیرون آمده بقدر هزار و پانصد نفر سواره چهار دوی خسته و خراسانی و هزاره که در شهر حاضر
 سان دیده بعضی که سبهای خود را بچین فرستاده بودند از خود اسب داده با لیخار و استیجال روانه نمود
 و قراولهای بلوک و کارآموده سربازها فرستاده که خبر اجبت سواره ترکمان را برسانند که از روی بصیرت
 بمقابل آنها اقدام شود و قراولهای اردو نیز همه جا از دور با سواره مزبور همراه بوده جدا نکردند و خبر حرکت
 و سکون آنها را متوالیاً با رتبه میرسانند تا روز چهاردهم رمضان المبارک خبر اولان بار آوردند که سوار
 ترکمان از سمت جلگه سنگ و کیانی که دو فرسخی اردو است خواهند گذشت مقرب الخاقان ابوالفتح خان نیز با سرباز
 سواره و خواجین خراسانی دو عاوده توپ و هزار نفر سرباز زبده از فوج خودش و فوج عجم و دو هزار و پانصد
 سوار آنها رفته سوار ترکمان هم که سیرجام و بیوه زن و جلگه بلوک را تا تحت از ایلات و امم تیموری و بلوچ بقدر
 سی هزار که سفند و سه هزار شتر و ماویان و کاه و اواع غنیمت آورده و متجاوز از هزار زن و مرد و خورد و
 از رعیت و مات و بلوکات و زایرین و عابرین که بارض اقدس می آمدند و بدست ترکمانان افتاده بودند صراحت
 داشتند در روز چهاردهم وارد کارش شده شب پانزدهم از آنجا حرکت کرده رو بکیانی میفرستند تا
 صبح غازیان حضرت نشان آنها را جلو گیرند و بعضی اینکه سه چهار تیر توپ بمیان آنها انداخته شد روی از مو که
 سینه بر تافته دست جیرت بکوش و پای غیرت در گریز نهاده تمامی اموال و اسبانی که همراه داشتند بجا گذاشته
 راه فرار پیش گرفتند کفر و دزدی اثر آنها را تکمیل کرده زیاد از سیصد نفر آنها را معقول و معقول و اسیر کرده
 بر این تیرکت تاز نفس که برای بیعت در جنیت هر کس با خود داشتند سوار و اغلب زخمی در بر آورده بودند

۲۱۷۶

چون اسبان عساکر منصوره بجهت اطفار از قوه تاقص مانده بودند از تعاقب آنها عثمان مبارکشیده مراجعت نمودند
 و تمامی اسرا و غنم و دو اب را که استرداد کرده بودند بارض اقدس آورده بصباح جان روم نمودند و اسرا
 طایفه ضالک که دستگیر عساکر منصوره شده و بارض اقدس آورده بودند از قرار یک در روزنامه نوشته
 در وقت بردن بحبس امالی ارض اقدس بجهت ازبکی که سالها از آنها دیده بودند هجوم آورده بقدر بخانه
 آنها را پاره پاره کردند با بجهت مقر بونخاقان ابوالفتح خان سرتیب و پرنیز خان سرتیب چهار دوی و بهادر
 بیکر یکی خصوصاً و سایر سرکردگان عراقی و حسانی عموماً کمال شادت و جلالت را بعمل آورده مرآت
 آنها و ابتهامات مقرب انخاقان قوام الدوله در فرستادن سواره باز و دستخس خاطر اقدس ^{علی حضرت} بایون
 قوی شوکت شاهنشاهی اید الله حیثه و امنای دولت علیه قاده در این اوقات بجهت هر یک از آنها بذل
 التفات ملوکانه خواهد شد (چون ذرات هر داده و الابا اعراض استلطفه علی قلی میرزا بر حسب
 علیه ملوکانه در تصنیف و تالیف تاریخ افغانستان آمار اتهام و مراقبت و فضل و کیاست حوزر انجا
 ساخته با سلوب خوب و طرز عجب تاریخ مزبور را تمام کرده از عرض پیشگاه عظمت مستکام بایون
 اقدس اعلی گذرانیده شرف سجتان یافت و همچنین هر مدتی که بعد از کفایت و کفالت ایشان
 شده است بطور ای اکل و اجل انجام داده موقع قبول یافته مطبوع و مستحسن افتاده است لهذا ^{الطاف} امور
 و اعطای نامه آمده با عطای یکتوب قبای مخصوص تن مبارک قرین مباءت گردید (نظر بر ^{کفایت} اکتوب
 و محاسن خدمات مقرب انخاقان آقا محمد حسن ممدار که خاطر اقدس بایون شاهنشاهی را قرین
 خرسندی داشته در این اوقات شایسته التفات مجدد آمده بقطع نشان و نشان بصورت مبارک منگلی
 با لباس از جانب سنی ابجانب ملوکانه مقرب انخاقان مشارالیه رحمت گردید که زین سبب مفاخرت و
 مباءت نموده خاطر اقدس ملوکانه رئیس از پیش خرسند دارد) (چون مقرب انخاقان عین الملک
 در لوازم خدمتگذاری مراقبت و مواظبت تمام داشته امور دارالنظاره مبارکه را نظم و لیلاد نهاده
 در خدمت محوله بجز کمال اهتمام را معمول دارد لهذا در روز عید فطر یکتوب جنبه ترمز زمردی از طوبس
 بدین مبارک مقرب انخاقان مشارالیه رحمت و عنایت گردید **سایر ولایات**)
خراسان از قرار یک در روزنامه ارض اقدس نوشته اند امور انولایت قرین کمال انتظام است
 و درین اوایل بهار که باران زیاد و مطلوب است بخدمت الله بارانهای بسیار نافع خوب باریده و کمال امید
 برای امالی انولایت حاصل گردید با اینکه پوسته زوار زیاد از اطراف بلاد مالک محروسه بارض اقدس
 اجناس و کولات از هر قسم از آن است و نهایت وفور دارد از جمله کدوم خرواری ده تومان و ^{هفته} و ^{چهار}

۲۱۷۷

نان یکین سینه و تیار و سایر اجناس ماگولات بهین نسبت بهر چیزی و فوردارد المالی ولایت و زوار بلاد
 مرحد در رفاه و آسایش اندک کرمان از قرار بکه در روزنامه کرمان نوشته اند کمال انتظام و انبساط در آن
 ولایت حاصل است امیر الامرا العظام سپهدار حکمران کرمان و مقرب الخاقان میرزا محمد وزیر در حفظ نظم ولایت
 رعایا و برایا و انجام خدمات دیوان و معاملات و دوستد دیوانی مراقبت و موافقت نام دارند مباشرین و
 نگارندگان شایسته و این در هر بلوک و محلی که داشته و نگاشته اند کسی قدرت حرکت خلاف و زیاده
 و اجحاف نسبت بر رعایا ندارد و خود نیز هر روزه بدیوانخانه و دفتر نشسته بجز ایض و مطالب مردم و محاسبات
 معاملات ولایتی رسیدگی می نمایند و عموم المالی ولایت با نهایت آسودگی و فرغت و حصول امانت و جاگونی
 ذات اقدس هایون شایسته خلد الله لکم و سلطانه مشغول میباشند و بجهت آسودگی و رفاه و آسایش هم در ان ولایت
 حاصل است خود امیر الامرا العظام سپهدار رتبه سمرقند کرمان به بیرون شهر نقل مکان کرده بود در
 اوقات که دیگر حرکت قشون بان طرف لازم نشد باز که کرمان معاودت نمود طرق و شوارع آن اطراف
 با امانت و نظم است و قوافل و زوار از راه فارس و سراسر ایران با سودگی و اطمینان در عبور و مرورند و درین وقت
 آن بلده و بلوکا جمعیت زوار با مرض افسس روانه گردیدند و همچنین از فارس نیز قافله وارد شد و سرخ
 تنباکوی فراوان بکرمان و بلوکات آورده اند و از نظم و اطمینان بسیار زیاده اظهار رضایت و خرسندی میکرده
 (دیگر نوشته اند که چند نفر سربازان مؤثر بفارس فرار ابراهیم بلوک مشهور بکرمان آمد در راه بدو نفر
 الاغ داد بر خورده الاغ و اموال آنها را گرفته بودند مستحظین بلوک نیز بر سر رفته سربازان را گرفته
 بان بلوک آورده مراتب را بحکمران کرمان اخبار کردند حکم شد که چند نفر از همان مستحظین سربازان را برده در
 شهر بابک بعالیجه موسی خان شهر بابکی بسیارند که او بفارس فرستاده بفرمان ملتجی سازد) (دیگر از
 فراری که یک نفر غلام خراسانی کتدار خان نام از سیستان وارد شده مذکور داشته بود و غلام حیدر خان پسر امیر
 از قندار چهار هزار تومان مصحوب هفت نفر آدمی خود بجهت تخریب مستحظین قلعه خراسان توابع قندار فرستاده بود
 از بلوچهای ساکن سیستان مشهور ببلوچ ابراهیم خانی مطلع شده بیت نفر ببلوچها ملین تنخواه رفته هفت نفر کشته
 و تنخواه نیز بر آورده اند) (دیگر نوشته اند که بعضی از ضباط و مباشرین بلوکات رسال کشته بی اعتدال
 و تعدی کرده بودند حکمران کرمان بعد از معلوم شدن تعذبات آنها درین سال آنها را معزول و کسان دیگر را
 بجای آنها منصوب نمود و بعضی از ضباط و مباشرین نیز رسدگی کرده هر کدام که با رعایا بطور خوب سلوک کرده
 بودند باز بر سر شغل و عمل خود برقرار و مورد التفات گردیدند و بجهت و قدغنهای مومک شد که اگر احدی از آنها در
 رعایا در حال دیوان حیف و سیلی بکند مورد مواخذه و ترحمان باشد

۲۱۷۸

استر اباد از قراریکه در روزنامه پسر اباد نوشته اند عالیجاه محمد مسر اهر محمد جیم خان برادر
مغرب الخاقان جعفر قلجی ایلمخانی در انتظام امر ولایت آسودکی رعیت تمام زیاد دارد و در غایت معنی الخاقان
مشایخ کمال مراقبت و موافقت را در لوازم نیابت حکومت و اوقیت ولایت و انجام خدمات دیوانی و
و اداری انجام از اعلی و اداری بخل و کار خود و دعا کونی ذات اقدس عالیون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطنت
استقلال دارند و کمتری خلاف حساب اتفاق می افتد و اگر مسرت و شرف رتی از کسی ظاهر شود عالیجاه مشایخ
در مقام مرفوع آن برمی آید فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور ولایت فارس
و انضباط است نواب مستطاب مویز آله و له حکمران مملکت فارس کمال مراقبت و موافقت در نظم ولایت در خانه
و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی دارند در ایام ماه مبارک رمضان سوای ایام تعطیل روزگاری بگذرد
هر روز ساعت دقت عصر بسلام نشسته بعرین و ذاد مردم رسیدگی می نمایند از مسامحه بر کار گذاران دیوانی هر
در انجام خدمات موجود اهتمام تمام دارند مسجد الله و ادواتی و موزانی در اول ولایت حاصل قیمت و در این
ایام بهار بارندگیهای کامل در هر جای اول ولایت شده رعایا و برابا از این هر حله کمال شکر گذاری را در
طرق و شوارع فارس در کمال نظم است و جب الحکم نواب مغزی الیه مستحفظ و قواسوران د قراول در
راهها د قراول خانهها بخت و حر است مشغول و عابرین و متر قدین با الهیان خاطر عبور و مرورینا بند و بخت
امور شهر و محلات شهر از انتظام کامل دارد و خلاف حساب هیچ چیز از کسی ناشی و صادر نمی شود و اگر اجتناب
سرقی اتفاق بیفتد سارق بدست آمده تنبیه و اموال سروده بصاحبش تسلیم میشود (دیگر نوشته اند که
نواب مویز آله و له عالیجاه علیقلی خان سرپنجه خرقانی را با فوج از لاجو نهند که بجای سوارات آنها رسیدگی
روانه در بارها بون شاهنشاهی نمایند **اعلامات** شرح قاموس فارسی را با جمیع ایرادات و آورده و در
ظلماتی جوهری که صاحب قاموس متعرض شده با استظهار و اکتب متقدیمین مثل تکرار صغانی و تهذیب زهری و
محیط الله صاحب ابن عباد رازی و سبب سمعانی و مجمع البلدان جموی و مجمع الامثال میدانی و مقتضی الامثال
اساس البلاغه منخسری دهنایه ابن اثیر و کتاب عین حلیل و تاج المصدا در سومی فی الامی و مجمل ابن فارس و
وسایر کتب معتبره این فن عالیجاه محمد مسر اهر میرزا عبدالطبری شی دیوان علی بدستیا ری چند نفر از فضلا
مدت دو سال سعی و اهتمام و وقت تمام بقدر امکان تصحیح نموده در کارخانه سیادت نواب آقا میرزا باقر
و در این ماه شوال تمام شده از دارالطبعه پردن می آید هر کس طالب نسخه از کتاب مذکور باشد در
دارالخلافه طهران در کارخانه آقا میرزا قمر نور بهر نسخه مبلغ هشت تومان فرخنده میشود خریداران این نسخه
بکارخانه ادرقه اشیاع آیند

۲۱۷۹

۵

۲

۴

اخبار دول خارجی

از فرایند در روزنامه های فرنگستان نوشته اند رسم دولت چین این است که خاقان چین هرگز احکام خود نمی نویسد چهار روز بعد از آن که بزرگ و رجال دولت مستد اموری را که چندان عمده نباشد خود میگذراند و اگر امری مخطی باشد و حادثه کلی روی بدهد باید باستحضار خاقان و لوگو که صدر اعظم آن دولت است و انهم باین قسم است که ده پانزده مرتبه بکلیت مرتبه در هر روز عرضه داشت میشود بعد خاقان اذن بصدر اعظم میدهد که مطلب عرضه داشت را شفا تفریکند بعد از استماع نیت خود را بلفظ موجز مختصر که کجیف باشد با جواب میدهد و رئیس دربار که وزیر اول است میداند که چه باید کرد و چگونه او امر و لوازمات کلی مملکت در هر حالت تصب و ربط میدهد و بهین سبب است که خاقان چین بدستی از احوالات و وقایع اتفاقیه مملکت خودش اطلاع ندارد و باجمعه تفریکه در روزنامه های فرانس و انگلیس نوشته اند جانشین کانتان در تاریخ دهم فواید که مطابق حب است احکامی که از خاقان چین بجهت جنگ انگلیس گرفته باین مضمون است لوگو که وزیر اعظم دولت چین است بجانشین کانتان حکم نوشته است احمی یعنی ای جانشین اجبار بسیار و حب است که تو مور قوم می شود بدقت تمام روایاتی که تو با بجهت جنگ امانی وحشی انگلیس نوشته بودی استحضار کامل حاصل شد لوگو ازین خبر بالمره احوال منقلب گردید اگر چه بدل خاقان ولی النبی خود پریشانی حاصل خواهد البته لازم است که خاقان ازین اجنا مطمع بشود بعد از یازده مجلس که عریضه نگاری کرده علی التوالی با علیحضرت پادشاه داده پادشاه ابد شد که باین روایت کوش بدید و دستور العمل معتدیه خود که داده است این است احمی تو مأموری بجنگ کردن بالمانی وحشی و امانی مرفور که با تو می کنند باید احدى از آنها در روی زمین زیت کند و سیاست عبرت نمائی از تو بجهت آنها بانی با احمی بعد از آنکه از آنها انتقام گرفتی و عفو تنها که تخفیم و قوع می یابد اگر بانی پاک بطور خلوص از حریفی که کردی پشیمان شدی ظلمت غضب خاقان ولی النعم خود از هم قسم لوگانه از تلامم سیلاب نوشد در میشود که ترک خصوصتها شده مجدداً امر داده دوستی و تجارتی با این غراب مثل اول ابتدا بکنند احمی تو این احکام را خواهی شنید و حکامی که در زیر فرمانفرمانی تو مستد مجری خواهی داشت این احکام مرفور به پادشاه چین صریح شد در جزیره ماکا و از حکام چین بابل پور تو قال داده اول از لفظ چین بزبان پور تو قال ترجمه شده بعد بزبان انگلیس ترجمه شده و از انگلیس بفرستد این احکام از جانب خاقان چین بدولت انگلیس بیک حساب اعلام جنگ است اگر چه چندان باعث تحریک جنگ میشود شاید در اندرون ولایات چین بعد از ترقی یافتن محاربه و سرباست نمودن قشون انگلیس که علی التوالی از فرنگستان مأموری شوند آنوقت

۲۱۸۰

حکام ولایات چین بطور شدیدی ملت را تحریک بکنند (دیگر نوشته اند که کشتیهای جنگی انگلیس که در
 زیر کلمه لیون سردار بحری دریای سود بود کلاً حرکت کرده باطله فرستند و روز حرکت کشتیها در کشتی مرورا
 بالبر که بهترین کشتیهای جنگی انگلیس است لیون سردار صیانت بزرگی بجهت پذیرانی اعلی حضرت سلطان دولت
 عثمانی تریقب داده بود جناب لاردر دکلیم با جمیع اتباع سفارت انگلیس در اینجا حضور داشتند اعلی حضرت
 سلطان باوزرا و رجال دولت عثمانی بکشتی مرورا تشریف بردند در حین داخل شدن سلطان بکشتی البر
 انگلیسها مقامات عثمانیه را در نهایت خوبی بامور بجان زدند و سلطان در آن روز مترجم واسطه کلمه
 خود در کمال پاکیزگی بزبان فرانسوی کلمه میگردد بطوریکه همه تعجب نمودند و خواهش لاردر دکلیم معبر این
 مقیم اسلامبول سلطان عمارت هما نمخانه بدولت انگلیس واگذار کرده انگلیسها بنا دارند عمارت مرورا
 خراب کرده یک کلیتای پروتستان بنازند و عمارت مرورا بقدر چهار صد و پنجاه هزار تومان بحساب
 ایران قیمت دارد) (دیگر نوشته اند که اسبوز خیرال نام از دولت انگلیس بپرداری کل قشون انگلیس که
 متوالی بجنک چین میفرستند مأمور شده در روز شنبه هفتم ماه مارس مطابق شعبان از لندن بعبت بکنند
 حرکت کرده است که از اینجا بچونیکونگ رفته کرد دولت انگلیس بک عظیم مبادرت نماید) (در ضمن اصول
 داخله و پولیتیک ناپولی خا سچه بکرات در روز ماهها نوشته شد دولتین فرانس و انگلیس تبلیغات و نصیحت
 بدولت ناپولی کرده و قول شده بود و دولتین مرورا قطع مخابره کرده سفرای خود را از ناپولی برپوشند
 در این اوقات از جانب دولت ناپولی بجهت بیان بعضی مواد مهمه که شفا نماید دولتین مرورا گفتگو شود
 نام رئیس مجلس ناپولی مأمور شده است که اول به پاریس و بعد از آن بلندن رفته ماموریت خود را ادا نماید
 (دیگر نوشته اند که چندی قبل ازین سپردیم اعلی حضرت باو شاه بنگلستان بجهت تحصیل علوم و فنون لایحه
 به ملک اسو بکره رفته بود در این اوقات جناب پرنس و تقال پسر بزرگ ملکه انگلیس که ولعهد است
 بعزم قامت و سال بجهت تحصیل زبان المانیا و بعضی فنون دیگر بملکت بون که در زیر حکومت
 پرستی است روانه میشود) (در روزنامههای سابق نوشته شده بود که از طرف حکومت سپاه
 در هندوستان در سمت جنوبی چین واقع است ایچی بدولت فرستاده شده بود در
 اوقات باز از جانب حکومت مرورا سفیری با سفارت مخصوصه بلندن مأمور است که با ملکه انگلیس ملاقات
 نماید و از محصولات هند نادیده و تحفه بعضی اشیاء بلندن می آورد) (دیگر نوشته اند که از امانی جن
 دولت نفر نصیب تاج در این اوقات بکشتی فرانس که در چین بود سوار شده در میان دریا با قضا
 عداوتی که با فرنگیها دارند کپتان و امانی کشتی مرورا را هلاک کرده و کشتی را نیز غرق نموده اند خبر این گذار

۲۱۸۱

بفرانس رسیده از دولت فرانسه نیز مقدار کافی قفون در کشتیهای جنگی بطرف چین فرستاده میشود
 (چنانچه کبریات در روزنامهها نوشته شده است رئیس جمهور مالک مجتمع امریکا و قایم مقام او هر چهار
 سال یکبار رسال یکدفعه تبدیل شده و با کمریت از انصب رئیس قایم مقام جدید بجای آنها از اصول
 انولایت است و مدت ریاست رئیس جمهور که بیروز نام بود مدت موریت قایم مقامش در این وقت
 ختام پذیر شده در باب انتخاب رئیس قایم مقام اهالی و اعیان مجتمع نیکی دنیاد و فرقه شده فرقه موسیو
 فرمونند و فرقه دیگر موسیو بوقانین نام رئیس خواسته مابین این دو فرقه جنبی مخالفت ظهور رسیده با آخر
 بوقانین رئیس و بریکترج نام را قایم مقام اول نصب و تعیین نمود در اوایل ماه مارتن فرنگی نامورستان
 کردید رئیس و بوقانین اصلش از اهالی انگلیس و پدرش از اهلی زراعت بوده و بجهت صورت که در آن چاه سال
 با عبال خود به نیکی دنیا رفته رئیس مشا رالیه در ایام شباب در انجا تحصیل علوم و فنون متون نموده و وکیل
 گردیده و بجهت قابلیت استحقاقش موخر از جانب جمهوره مجتمع داخل اعضای بعضی مجالس گردیده است و بعد
 قبل ازین بسفارت دولت روس نامور و مابین ولتین روسیه و مجتمع نیکی دنیا معاخذ تجاری تنظیم نموده
 معاودت بر نیکی دنیا کرد و بعضی ناموریت عمده نیز که اقدام کرد خنی ابراز لیاقت و صداقت نموده اما رکفایت از
 بظهور رسید تا چند وقت پیش ازین بسفارت دولت انگلیس نامور و مدتی در لندن اجزای ناموریت کرده و موخر
 از سفارت استخفا نموده به نیکی دنیا مراجعت کرد حال سن او از شصت و پنج سال تجاوز کرده بحسب کلمات
 اعیان و استحقاق ریاست جمهوره را بهم رسانده است و همچنین قایم مقام او نیز سابقاً در یک تجلی از نیکی دنیا
 وکیل و عوالم بوده و بدون اینکه تابع و تابعین کسی بوده باشد بجز در این وقت که بجهت قایم مقامی رئیس جمهوره
 (دیگر نوشته اند که در عمارت ششمین رئیس موزور موش فراوان بود بجهت دفع آنها سم الفار بکار برده و
 مسموم کرده بودند بعد از منازات مرک موش بوشها از شدت حرارت خود را با آب انباری که در آن عمارت
 ریخته آب انباری بم متوسط موشها زهرالود شده بود چون آب مشروب رئیس موزور و تبعه او هر کس که در آن
 بودند از آن آب بود همگی از آن آب خورده و مسموم شده بودند یکی از اهل آن عمارت فوت شده و علت مرگ
 سایرین معلوم گردیده آنها را معالجه نموده و از بلاکت رهایی داده اند) (از جانب دولت فرانسه
 ایچی چند وقت پیش ازین بگومت قوچین چین که در سمت جنوبی چین واقع است نامور شده بود بشا رالیه
 کشیر که رسید و انجا از قسم شریک نوعی را که باق مینامند دوازده شتر دو سال قبل ازین پاریس فرستاده
 بود چونکه ازین نوع شتر کارهائی که از شتر و کاه و سایر حیوانات خسته میشود برمی آید و گوشتش هم ماکول خوب و شیر
 بسیار نرم و بکار باغن شیشه جوی آید لهذا دولت فرانسه اهتمام کرده است که این شتر را بجا فراوان
 بفرستد)

۲۱۸۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه بیستم شهریور سال المکرم مطابق سال ۱۲۷۳

هر سیصد و سی و دو

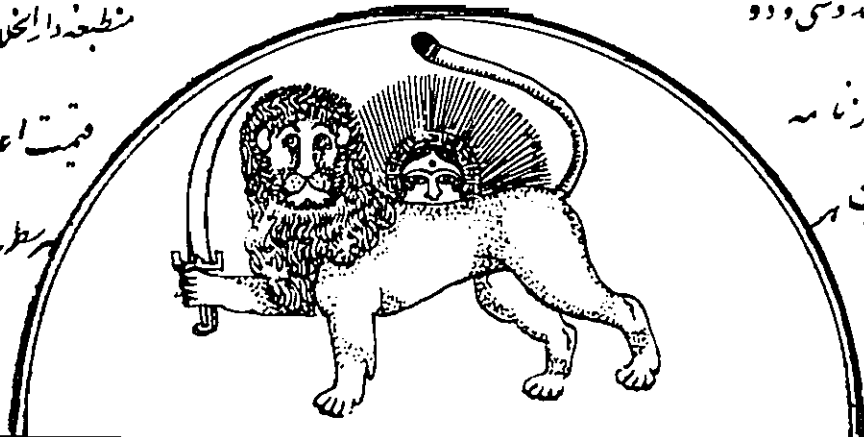
قیمت روزنامه

هر نسخه پانزده

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر ده هر



اخبار واحوال ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون نواب استیضاب بنام محمد تقی خان و الا تبار در شیرمیرزا در حکم آفرینی دارالخلافه و مضافات لوازم کفایت مردم داری را
 دولتخواهی و خدمتگداری را بقدم رسانده اند و در غیاب موجب کتب یون از دارالخلافه البا هر در حفظ و حرست است و عمارت
 و صندوقها را کمال مراقبت و اهتمام را بعمل آورده اند و مراتب حسن خدمت و صدق نیت و صفای طوایف نواب استیضاب
 حکامین می مشهور نظر آتش های او و کثرت ای او و بیای دولت روز افزون شده است لهذا با اقتضای رای حرم پیری
 نام صدوقه جام نواب معزی الیه بطراز لقب الای نسیل رکن الد و کلی مین و مظهر و قدر رفیع ایشان بدو واسطه زیاده بر سابق برود
 گردید و فرمان بجایون موشح بدستخط مبارک شعر از کمال سعادت خدیوانه شرف صدوقه و رفقت قامت عز و شرف نواب ایشان
 بشرف مین یکشوب جبهه ترمه و زره نقده پولک دوز اعلی از لباس خاص تن بجایون پیرایه وزینت گرفت و محضر تعظیم قدرین
 عظمی و تجلیل نواب الابر جبار او ای دولت علیه از قاطبه اجده در جایون از شاهزادگان عظام و امنای کرام و امرای فخما
 و سایر چاکران محترم در بار شوکت ارتام و غیره به عمارت باغ ارک حجاب استیضاب اشرف اجداد رفیع صدراعظم حاکم شد و جناب
 جلالت نظام الملک در آن مجلس حاضر گردید بعد از صرف شیری دای رسم تنبیت بعل آوردند و نواب معزی الیه از سلام عام بدو حاضر
 بجایون شرف اند و گذشته مورد حرم اقدس اعلی شدند (چون ایجا بهند استیضاب خان سیر افصحی خان ستونی دیوان اعلی حاکم
 نجابت معروف و خود فی نفسیه با صاف کفایت و یاقوت صورت و از بدو جوانی ناگهون چه در عهد شاهنشاهی سردار چه درین دولت علیه
 مصدقات شایسته شده و در هر مری که بعهده او محول گشته آثار صدقت و کفایت ظاهر ساخته است و هم شایسته ای او در محاکم اقدس
 در نه او ای دولت روز افزون منصفه شود و در صوغ بافته است لهذا از جانبی اجواب بجایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانیه بوجوب جناب و اولاد عظام
 بقصد نیل صاحب دیوانی و عطا خلعت مطلقه سرفراز شد و بر پیشانی و نواری او افزوده گردید بعد ازین در فرامین و بروات دیوان
 بجای مدد مرحوم میرزا شفیع صاحب دیوان را مهر خواهد کرد

۲۱۸۳

چون نواب هزاره و ابان مؤید الدوله حکمران فارس و عمده الامراء العظام مقرب الخاقان مهر علیخان ع
 با سایر سردگان عساکر مأموره فارس از بد و امر تا وقتی که بخار و تقار با بین دولتین ایران و انجلیس فتح و عهد
 مسالت مبارکی منعقد شد زیاد خدمت و جان نثاری کرده تقدیم خدمات استیسه نمودند و خدمت هر یک جدا
 در پیشگاه اقدس پون بسمت ظهور و شهود یافت لهذا از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی خلد الدوله
 در ازای خدمات آنها علاوه بر وجه نقدی که برسم انعام حضرت بدین موجب نشان و خلع نیز التفات و عن

| | |
|------------------------------------|---|
| نواب هزاره مؤید الدوله حکمران فارس | مقرب الخاقان مهر علیخان ع |
| کلیجه تن پوش مبارک | نشان از زمره سیم پیر جبهه ترمه |
| ریشنه | قطعه |
| مقرب الخاقان علیخان سیر | مقرب الخاقان محمد قلیخان سیر |
| قراکوز لوبچک | فوج خاصه |
| نشان از زمره سیم پیر جبهه ترمه | نشان اول سیرچی چال سرخ جبهه ترمه کرمانی |
| قطعه | قطعه |
| ریشنه | ریشنه |
| نشان | نشان |

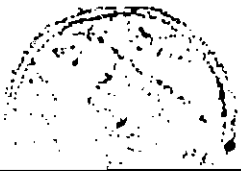
| | |
|---------------------------------------|---------------------------------|
| عالیجاه عبداللہ سلطان سمرکنک فوج خاصه | میرزا طاهرخان سمرکنک فوج سمرکنک |
| نشان اول سیرچی چال سرخ جبهه ترمه | نشان دوم سمرکنک ترمه |
| قطعه | قطعه |
| ریشنه | ریشنه |
| نشان | نشان |

سایر صاحبان جزو و پچاند و سرباز و غیره را هم در حور جلادت و خدمت آنها نشان و انعام لایق
 مبدول افتاد که تفصیل دادن در ضمن روزنامه باعث تطویل است (بهیچ در هفته گذشته تشریح
 یافته بود که مقرب الخاقان میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان بعضی از سردگان سواره و پیاده را با
 تلبیه طایفه ضاله ترکمانیه که بغرم تاحت خراسان آمده بودند کرده فتح نمایان و تلبیه معقولی از آن طایفه بل او
 بودند از جانب سنی الجوانب همایون ازین قرار خلع و رحق چاکران و جان نثاران مرحمت شد

| | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| مقرب الخاقان قوام الدوله | مقرب الخاقان ابو الفتح خان سیر |
| قبای ترمه اعلی شال ترمه مخصوص | نشان از زمره سیم پیر جبهه ترمه |
| قطعه | قطعه |
| ریشنه | ریشنه |
| نشان | نشان |
| عالیجاه لطف اللہ سلطان سمرکنک | عالیجاه سلیمان خان حاکم سمرکنک |
| شاپسون دویرن | ترتیبی خدمت کرده بود |
| نشان ترمه | جبهه ترمه کرمانی |
| قطعه | قطعه |
| ریشنه | ریشنه |
| نشان | نشان |

عالیجاه محمد حسین خان هزاره
 جبهه ترمه
 علاوہ بر اینها در حق سایر سردگان و خدمتگذاران از تبریزی و هزاره و سمرانی که درین مقدمه خدمت

۲۱۸۴



کرده بودند شال کرمانی و قبا و جنبه رزی و جنبه رنجیره دار ماهوت بعد خدمت گذاران نزد مقرب الخان
 دوام الدوله در بر مملکت خراسان دست داده شد که با نهاد داده با لغات اولیای دولت علیه امتیاز نماید
 (عالیجاه حاج میرزا یک آدم جناب شرف مجد رفیع صدر مقام فخر دایم بربرجب رجوع دارت جناب صدات
 عظمی سخبات دیوان اعلی مشغول است و از روی قاعده دانی و قابلیت که دارد بر خدمت را که با و محمول شود در
 درستی و معقولیت با تمام و انجام میرساند و خاطر اولیای دولت علیه را مابین واسطه از خود راضی و خوشنود میدارد
 از جمله خدمات عالیجاه مشارالیه یکی راه انداختن قورخانه های زیاد بخدمت ممالک محروسه بود که در عرض
 قلیل زمانی موازی شست هزار بار قورخانه از دارالخلافه الباهره بخدمت مقرر روزه ساخت بطوری که
 بعد از اینداخت واحدی از احاد مکاریان را بمقام شایسته نمود و در وجه کراره را بابت ارزانه نسبت با وفا
 سابقه برای دولت علیه تمام کرد و ازین صداقت و کار دانی مصدر خدمت جداگانه گردید لهذا خدمات او
 در پیشگاه همایون درجه قبول یافته از جانب سنی اچوانب اعلی با عطای خلت انقباط طلعت پادشاهی که با
 افتخار و مزید قدر و اعتبار شخاص است سر او آراند و یکله و شال ترمه کشمیری از جامه خاص در وجه
 عنایت گردید) فن طبابت همد در مملکت ایران شایع و کامل بوده الهای حادق علم و عملا در هر یک از
 بلاد خاصه دارالخلافه العلیه مد او ای مرضی اشتغال داشته و دارند چون طرز طبابت فرنگی بواسطه بعضی معجات
 و تصرفات تازه و اسباب و ادویه جدیده نسبت بقنون طبابت ایرانیه سهل بود لهذا درین دو قسم
 متدبرها معمول گردید بعضی از اهلای ایران در همان عادت بقه باقی مانده رجوع با طب و مد او ای ایرانی نمودند
 و بعضی دیگر بطور معالجه فرنگی کم کم مانوس شدند اکنون هر دو طریق در ممالک محروسه متداول است بلکه
 ایرانی است معلوم است در هر هردی مستند و از روی حذقت و بصیرت معالجه با قضای طبایع و اغراض
 و آب و هوای آن مملکت مشغول بیند و آنکه طبیب فرنگی است اگر چه علی العیاله بجز عالیجاه مقرب الخان حکم دوله
 حکیم باشی اعلیحضرت شاهی و عالیجاه حکیم شمر کسی که مخصوص خدمت دولت باشد حاضر نیست و گن حکیم
 درین مدت که از فرنگستان بایران آمده حکم محکم اقدس همایون و مراقبت اولیای دولت علیه دانند در
 دارالفنون مشغول تدریس علم طب و تکلیف کردای این فن بوده است و باین واسطه جمعی که اولاد در فن طبابت
 ایرانی فی الجمله سرشته و و قوف داشتند عملا ازین سیاق بی استحصار نبودند و بعضی از آنها از اولاد
 و آبا و اجداد ایشان طبیب بوده اند در فن طبابت فرنگی هم تربیت گشته اند که تصدیق خود مقرب الخان حکم دوله
 در قواعد طب فرنگستان بکمال مهارت و حذقت رسیده اند و باین احوال از فرایکه معلوم میشود که آنکه
 از اهلای ایران مایل و معاد بطور طبابت فرنگی مستعد چنان تصور میکنند که اگر طبیب از خود اهلای فرنگستان

۲۱۸۵

مملکت حاضر نباشد آنها در محاجات خود معطل خواهند بود و باین تصور و خیال که اتفاق می افتد که از اهل بای
ایران کسی با طبای فریور که بسی و هتاهم دولت بعل آمده و تربیت شده اند رجوع نماید و این معنی باعث شده است
که هم این فرقه اطبا از سوق بیفتند و سبب سبب و خرج چندین سال دولت در حق آنها بی فایده بماند از آنجا که مقصود اصل
دولت از هما این محتاج و زحمات این بود که این اشخاص بکار دولت وقت برآیند لهذا اعلام میشود که عموم مردم
ایران که محتاج بطلب هستند اگر کسی هستند که عادت بطلب فرنگستان ندارند و مزاج ایشان عادت بقوانین
ایران دارد با طبای حاذق کامل ایران که در علم و عمل عالم و محبت اندرجوع نمایند و اگر کسی هستند که
بمعالجه فرنگستان عادت نموده اند و بقوانین ایشان انس گرفته اند با طبای تربیت شده حاذق مدرسه ^{دارالفنون}
رجوع نمایند که در قوانین طب فرنگستان کامل و محبت اند علاوه بر دستن طب فرنگستان بزاج اهل ایران
بصیرت و مآل نوشته اند که هم حجت و حارت دولت در تربیت و تکمیل ایشان بهدر نخواهد رفت و بهم نتیجه مطلوب
تکمیل علم طب فرنگستان بعل خواهد آمد علاوه بر اشخاص مزبور همان دو نفر طبیبی است که هم که مخصوص خدمت دولت
علیه ایران هستند بجهت محاجات مردم حاضرند هر کس خواسته باشد رجوع کند و بجان اینکه طبیبی حاضری نیست
معطل نماید بجهت اطلاع عموم مردم مملکت نوشته شد (بر ساله دین فصل که آخر جرات از شدت گرمی
هوا و کثرت ناخوشی نوبه مردم بیلافاقت رفت بودند امسال بجهت الله هوای شهر در کمال اعتدال است چنانچه
مردم بیسوجه بیوزنجیال رقص بیلافاقت شده اند سهل است از اطفاها و خانها مهتابی و ردی باهما
احتیاج نباشد است که بروند المانی و سکنه شهر در کمال انتظام و سلامتی و از زانی و فرادانی همه چیز بد عاکونی
وجود فایض ایجاد مس هایون شایسته خدا الله ملکه و سلطانه اشتغال دارند و امور شهر و محلات بهرجهت
منظم است) (شخص طاری قاطری از عالیجاه محمد رضا خان نخعی با اسم یک لای قاینی گرفته سوار شده
از شهر فرار کرده بود مراتب باستحضار مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه رسیده فوراً چند نفر آدم
و ستاده آن شخص را گرفته با قاطر آوردند قاطر بصاحبش تسلیم شد و آن شخص در حبس است تا بعد حکم آن
) (دول قبل ازین باغبانی خانه خود را بد و نفر که یکی حاجی احمد بن مادرش یکی علی نام باکو پیش بودند اجاره داده و در کمال
ان خانه نیز شباهت خود را در آنجا کاشی خانه خود سری میکرد درین بین حاجی احمد و خود را یعنی نام سپرده بکاشان فیت چندی گذشت و در
باغبان بخانه آمده دیدنی بود و کوشش حاجی احمد فرقه اند و اسباب و هم نیت و تعص بود تا در این اوقات حاجی احمد از کاشان
راجت کرده جو بای مادرش و صاحب خانه در تعص بالش بود که علی نام خون گرفته اص بر قعایش زده از عبات بظهور آمد
او را گرفته در مقام مواخذه و تحقیق برآمد ندانم معلوم که مادر حاجی احمد رگشته در کاشان خانه دفن کرده و شباهت بجان ابرقت برده
بر دو نفره خود او را زوده نفس مقول را بیرون آورد و غائب است و تا از او یافت خودش بکلم شعاع بدست و ریه مقول داده شده

۲۱۸۶

اخبار دول خارجی

سابقه کوشش کردن در سواحل هند از جانب دولت فرانسه کشتی بخار با چند نفر آدم و ستاده بود
 چون نقشه که بجهت بلدیته دریا کشیده بودند و کشتی مزبور همراه دستمندی که کشتی را از روی آن نقشه حرکت
 غلط بود و ماه قبل ازین کشتی مزبور در جزیره میلیس نام که در سمت جنوبی هند واقع است بسنگ خورده و شکسته
 و امانی آن کشتی همگی با بعضی اشیاء و اوقات بقریبی باصل درآمده اند ولی در جزیره مزبور اثر آبادی از انسان و
 مطلقا نبوده است امانی کشتی از حیات خود نومیگردیده در حالت مایوسی از چوهای کشتی مزبور و قطعه قایق کوه
 ساخته و بیت و شت نفر باد و وکیل در آنها نشسته بفت باز کرده روزه از جزیره مزبور بملکت بطاویه سنجیه
 حال نمودن روانه شده اند و بواساعت کرده سالگ با آنجا رسیده و گذارش را بیان کرده اند در حال
 دو قطعه کشتی بخار انگلیس و یک قطعه کشتی فلک بان جزیره رفته و آنها را از آنجا ببردن آورده سلامت بپاریس
 و ستاده اند (در سمت شمالی مملکت فرانسه در سواحل نورماندی در زیر دریا بترکیب جنگل جانی پیدا شده
 بجهت تحقیق آن که چه بوده است از دولت فرانسه کشتی بخار مخصوصی فرستاده شده بود از فرار جزیری که این اوقات
 رسیده است کشتی مزبور با آنجا رفته و تفتیش نموده جنگل مزبور شانزده ساعت طول و دو ساعت عرض دارد و در
 او جنسی چوهای جنگلی و بعضی آثار قدیم مشاهده شده و شهر بودن آنجا در ایام قدیم معلوم گردیده است) (اگر کسی
 که در هر ولایت بعضی آید از برک نوت است که گرم پید از خورده و ابریشم از او حاصل میشود در لندن از
 اصحاب هنر و ادب شخصی استنباط کرده است که اصل یا ابریشم از همان برک نوت است و میتوان بدون
 پید ابریشم بپول آورد و این مرحله را اعلان کرده در ثانی بهر طور بوده است برک نوت را نوعی تربیت کرده ابریشم
 از او حاصل نموده و اثبات مدعای خود را کرده است ولی ابریشم خوب و قابل نشاء است نوشته اند که اگر
 ازین بحسن تدبیری چاره آزا بکنند که ابریشم بآن خوبی که از گرم پید بپول حاصل میشود را ایلی الی
 در عالم بقای بکنای می کرده خواهد بود) (دیگر نوشته اند که در ثانی محاسبه بق طونه شت قطعه کشتی از بخار دو
 مختلفه از قلاص حرکت کرده بودند کشتیهای جنگلی انگلیس همه را گرفته ضبط نموده و فروخته وجوه حاصله را بقصون
 سحری تقسیم کرده بودند در این اوقات صاحبان کشتی بلندن رفته و اوقای کشتیها و اموال خود را کرده اند از جانب
 دولت انگلیس جواب داده شده بود که در بین جنگ عساکر دشمن در هر ولایتی که باشد اولایت ببطر ولایت دشمن
 دیده می شود و در آن اوقات قشون روسیه در آنجا اقامت داشتند و کشتیهای مزبور از قلاص حرکت کرده
 بودند بآن جهت تکلیف دولت انگلیس بود که کشتی در آنجا بپسند که حمل آذوقه و اشیاء کرده اند ضبط و تصاحب
 صاحبان دعادی مذکور داشته اند که اقامت قشون روس در آنجا بطریقین بود و امانی آن دو ملک بپسند

۲۱۸۷

از حمایت دولت عثمانیه بیرون نبودند بعد از ثبوت این مرحله از دولت انجمن حکم شده است که وجه کشتیهای منور
 که فروخته اند بصاحبان کشتیها رد نمایند (از فرار روزنامه انجمن میس و قومپایه کشتیهای بخارا ^{بدر}
 جدید بجهت دولت روس که در روزنامه واکه استعمال کنند در انگلستان ساخته اند و یکی از آن کشتیها تمام
 و باؤدشته رسیده است و کشتیهای منور از دولت خردار تا هزار و صد خردار حمل می شود) (عبارت بلور
 لندن که هر سال در بهار کسوده می شود و اجناس نفایس و امتعه از هر جای روی زمین بجهت تماشا و داد و ستد در
 آنجا گذاشته میشود در این سال نیز کسوده شده و در روز اول تقریباً هفده هزار نفر ذکور و اناث جامع شده بودند
 (از فرار روزنامه های انجمن ثبت اموات شهر لندن در عرض سیزده هفته متب و متب هزار و شصت و پنجاه نفر
 شده است موافق جمعیت شهر لندن که تقریباً هشتاد و پنج روزی از هر هزار نفر و نفر مرده اند و تولد هفتاد و پنج
 زاده تراست) (تبریکه در روزنامه جدید و بخوادث نوشته اند در این اوقات در مارسیلیا شخصی صادمون
 شبیه پول کاغذی دولت عثمانیه بعضی اورا از این ساخته زده کیفیت حکومت محلیه معلوم شده فی الحال سایر
 دستگیر گردید با او را قتی که زده بود جلب و تعقیب کردیده این فقره تنها اختراع مشا را لیه بوده و نفر نیز
 در اسلامبول بجهت درین کار داشته اند مشا را لیه را بجهت اجرای سیاست لایحه مجلس فرستاده اند و شنیده
 دولت عثمانیه نیز خبر و اوراق منور داده شده و از جانب شه بندر بدر سعادت خا ^{خا} رسیده است (خا
 در دولتین انجمن و ناپولی قرار است چند وقت پیش ازین دولت فرانسه نیز قاتل و میکونه اصحاب جنایات
 عظیمه را از درون مملکت اخراج کرده بعنوان جنس مؤبد بکلی قاین نام که در سمت جنوبی یکی دنیا واقع است
 و اجلا بیکرند چون محل منور هوایش بسیار وخیم و بدست اشخاص مرقومه را که با آنجا فرستاده اند بسیاری
 چندین عمل و امراض میشوند و دچار اضطراب میگردد اینها را منظور کرده اند که بجای دیگر که مناسب با بعد ازین در آن
 نمایند و باین خصوص مخصوصاً یک قومسین تشکیل داده اند بعد ازین بیکونه ارباب جسم و قباحه را در یکی
 از جزایر بند که در سمت شمال استرالیا و موسوم بقایند و نیانت قرار گذاشته اند که ارسال نمایند
 در روزنامه های سابق نوشته بود که جناب غانذوق قطنین برادر اعلی حضرت امیر اطور روسیه بجهت دیدن
 والدش بشهر نیس که در مملکت رومیه است غزیت کرده و از آنجا باز و بخود از راه پاریس اراده داشت که
 بفلنک برود بموجب اخباری که این اوقات رسیده است بجهت غزیت مشا را لیه از سمت پاریس از جانب
 دولت فرانسه امرال عالیین نام که در محضره اول سیه اپول منور بود بهماننداری معین شده است (بجز این کشتیها
 بخارا روسیه که بجهت تعمیر مالک فرانس میروند بجهت ساختن رنجته کرخان در آن حال از جانب دولت روسیه چند نفر فرستاده
 شده و از جانب دولت فرانسه نیز درین باب اظهار موافقت گردیده است

۲۱۸۸

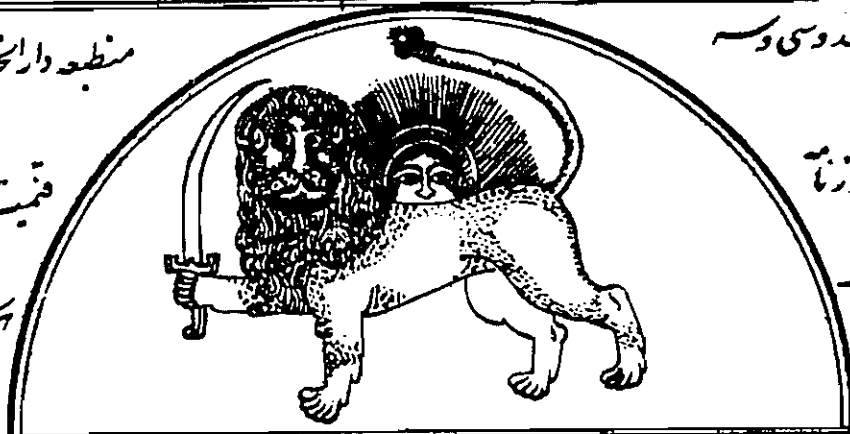
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه نهم شهریور سال ۱۲۷۳

مره سیصد و سی و سه

منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر در هر روز



قیمت روزنامه

هر نسخه شش ماه

اجتبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون نواب نصره اله ولد حکمران بوزیر ایچان بر حسب امر اقدس هایون احضار مبر بار بعد از آنکه
 کردید بجهت حکمرانی آن مملکت که از منکطات ممالک محروسه ایران است و وجود یکی از اجده شاهزادگان لازم
 و در کار بود لہذا نواب مستطاب ہزارہہ والا تبار رکن الدولہ العلیہ العالیہ کہ او صاف کرمت و خود
 و شرافت ذات کفایت نمود این مستغنی از تعریف و بیان است بموجب فرمان مہر لعلان مبارک موخ
 بدستخط هایون بمقام منسج و جایگاه رفیع حکمرانی مملکت آذربایجان ارجا یافتہ باین عظیمہ عظمی و موثبت کبری
 مخصوص و سرفراز شدہ و یکثوب کلچہ شمشیر دار مرصع بالماس از بلبوس خاص بدن مبارک برسم
 در حق ایشان رحمت و عنایت گردید و این روز را از دربار هایون بمقر حکومت روانہ خواهند
 (چون نواب ہدایت میرزا تاکنون بہر خدمت و حکومتی کہ از جانب سنی ایچان بملوکانہ ما مور کردہ
 آثار کفایت و حسن سلوک و رعیت داری خود را ظاہر و خاطر اقدس هایون شاهی و اولیای دولت
 علیہ را از صدق عقیدت و حسن خدمتگذاری خود مسرور و خرسند داشته است لہذا در این اوقات
 بموجب فرمان مہر لعلان مبارک بکومت ترتیب جدیدیہ سرفراز و یکثوب جبہ ترمہ علی از جامہ خانہ
 برسم خلعت حکومت و در حق نواب معزی الیہ رحمت شدہ این روز را بجل ما موریت روانہ میشود) (چون
 بعد از وقوع مصاحبہ دولتین ایران و انگلیس وجود شخصی کافی بکومت بندر ابوشہر لازم بود لہذا عالیجناب
 سرتب الخاقان احمد خان نوائی نایب شہک آقاسی شاهی در بارہ هایون کہ بکفایت و کار دانی و معرفت صحیح
 و از قدیمی خدمتگذاران دولت قوی گنت علیہ است و در ہر نوع ما موریت آثار کفایت و شایستگی او مشہود
 خاطر اقدس ملوکانہ و ملحوظ اولیای دولت علیہ گردیدہ است لہذا در این اوقات بموجب فرمان قدر

ایابون بگومت بندر ابوشهر سرافراز و میثوب جنبه ترمه علی برسم طاعت حکومت در حق مقرب انجان شاه
 رحمت گردیده این روزها بجل حکومت روانه خواهد بود (چون قدیمی فدوی دولت ابدت مومن سلطان را
 وزیر نظام که از جانب سنی بجانب همایون شاهنشاهی پیشکاری کل آذربایجان مأمور گردید پس از ورود با کادری
 امر ولایت و رفاه سایش عیش و تنبیه شرار و معتدین آذربایجان آثار کفایت کار دانی او مشهود خاطر اقدیس
 و ملحوظ اولیای دولت علییه گردید و بجهت تسخیر غله در آذربایجان که مردم گرفتار عسرت و پریشانی بودند درین باب استقامت
 نمود و از خسته سایر محال غله با نولایت حل و نقل کرده عسرت و غلای آنولایت را بمبدل برخص و ارزانی نمود و حسب
 حصول دعا کوفی و آب آتس ملوکانه گردید لهذا درین اوقات بجانب سنی بجانب اقدیس تا یون یکم کلج از
 طبقات خاصین مبارک باد رحمت و انقاد گردید (عزیزخان سردار بق که از تفصلات و هم اسم اعلی ^{شایسته}
 خلد الله ملکه در خدمات عسکریه با علی درجه ترقی کرده بود چون قدیمت امانت و اینهمه عزت را که با و ارزانی شده بود
 سهل و آسان شمرده از راه عدم تکرر چنان تصور نمود که بنور تشریف این نعمت از قامت استجداد او قاصرت و بران
 برتر از اینها را دارد و فلنداد انجام هدایت محوله بجز دلوازم تمام را بعین یاد در کلیات امور محال و غفالی که دره و خرمیا
 با بی مبالائی گذرانید و بلکه داعی نغفانی و تسویات شیطانی گاهی او را از راه عدم قناعت بقام و حد خود بران و ادانت
 که شاید بخوی از انجا اگر چه خود چنانست دولتی هم باشد مقصد خود حاصل نماید اولیای دولت علییه آنچه لازمند پسند و
 بود با و کفتمند آنچه پرده پوشی بود در امر عمل او کردند و محض اینکه پرورده نعمت دولت بکلی از پا در نیاید مدتی با او طریق
 مدارا ورزیده اند و با جمال و انظار گذرانیدند که شاید پندی گیرد و خیانتش اصلاحی پذیرد همچو در وی مؤثر و مفید بنفع
 متنبه گردید و سرکار علیحضرت همایون شهرباری هم که چندین مرتب قبایح اعمال و فضایح افعال او معروض و معلوم
 گردیده بود از انجا که علی الظاهر در خدمت بسیر بر دوازده مرتب با در حق او بذل التفات میکردید و انماض از مناسبت
 میشد با لاخر دستت اعمال او با آنها رسیده و خطیانتش از اندازه تجاوز نمود و رفقه رفقه عمل قشون که از جمله
 مهمام خطیره دولت و بلکه موقوف علیه سایر امور ملک و ملت است نزدیک شد بجائی برسد که انتظام امن و سلامتی
 بی نظمیهای گذشته از حوصله طاقت خارج شد با و در قانون دولت داری فرض و واجب افتاد که پیش ازین نخل
 ناقص تدارک در این امر خطیره زود بتاریخ یوم شنبه بیستم شهر شوال المکرم دستخط همایون شرف صدور یافته
 یوم یکشنبه بیست و یکم حسب الامر اولیای دولت علییه جمعی از شاهزادگان عظام و رؤسای وزیرکان در بار پادشاهی
 و صاحب منصبان نظام در عمارت باغ جناب شرف ارفع فخم صدر عظم جمع گشته و جناب معظم الیه نیز بهان مجلس
 تشریف آورده مقرب انجان حاجی علیخان حاجب الله و له اولاد فرمایش شفاهی که از سرکار اقدیس همایون ظل الله صادر
 بود تبلیغ کرده بعد دستخط مبارک که در عزل عزیزخان با نقی جناب شرف ارفع فخم باین مضمون صدور یافته بود قرا

۲۱۹۰

سواد دستخط های یون جناب صدر اعظم چون ما انتظام امورات ایران را تکیه بشما محول و
 موکول فرموده ایم و نظم و عدل نظم را از شما می بینیم خاصه امورشون و قورخانه و حبه خانه و مدرسه نظام و غیره
 که از اعظم امورات است باید روز بروز ساعت بر رونق و نظم و شکوه آن بیفزاید و خاطر ما اینست که
 فراغت و آسودگی را داشته باشد لهذا از تاریخ امروز که روز شنبه بیستم شهر شوال المکرم سن ۱۲۷۳ است
 نظم جمیع امورات عسکریه و غیره را عموماً از خود شما میخواهیم و شما هم آنی نباید غفلت داشته باشید چون عزیز خان
 سردار سابق که موافق کنایه معترض شد در دست از عهد مشق و نظم و بر امور قشون بر نیاید لهذا بموجب دستخط
 او را از سرداری سپاه و بر مناصب مثل وزارت میر نظام و غیره اخراج فرمودیم البته هر کس را بجای او شما صحیح
 بداند مقرر خواهد نمود و عزیز خان چندی رفته سرکشی نجانه و باز آمدگان خود نماید ^{۱۳۷۳} _{سه}
 و تمامی حضرات از احکام و اوامر علیّه شاه که در ضمن دستخط های یون مقرر آمده بود مطلع گردیدند پس از آن جناب
 اشرف ارفع مخمس صدر اعظم اهل مجلس و خود عزیز خان را مخاطب فرموده و شرحی تفصیلی از التفات های سرکار اقدس
 عالیون شهبازی که در باره عزیز خان شده بود و از محبت های شخصی که خود جناب معظم الیه در حق او کرده بودند
 و از بی مبالیها و عدم استقامت در خدمات محو که از او بطور رسیده بود با ذکر مستدلّ قطعیه بیان و تقریر کردید
 تمامی حضرات تصدیق کرده و خود عزیز خان اعتراف بر همگی نمود باز جناب معظم الیه از راه رافت و رحمت طو کانه
 از ازیّت جانی و ضرر مالی اطمینان داده بلکه ضمانت نمودند که از همه جهت خاطر جمع باشد بموجب دستخط های یون که اند
 منصب معزول است محاسب دیوانی که دارد بپردازد تا حکم مجدد در باب سکن و معاش و بقای اہمیت و آسایش و احترام
 لازم او شرف صدر و ریاست عزیز خان پس از آنکه از حکم محکم سرکار اقدس عالیون مطلع گشتند نشان و حامل شمشیر
 علامت منصب او بود خود باز کرده و در آورده تسلیم مقرّب انخافان حاج ابداً و له نمود بعد از آنکه جناب معظم
 عزیز خان را مرخص فرموده که بجا خود سر رود و آسوده باشد کنایه قباچ و خطینات عزیز خان که نوشته
 شده بود و خود تمام آنها اعتراف داشت اگر چه جناب جلالت اب اشرف ارفع مخمس صدر اعظم میخواهند که
 نوشته ها ناس شود بلکه میخواهند پرده پوشی نمایند اما از حضرات مجلس احتجاج کردند که در مجلس خوانده شود اجازه
 فرمودند که کنایه بزبور که مثل بر چهل و چهار فقره نقضیه بود خوانده شود بعد از آنکه خوانده شد همه اهل مجلس را بصیرت
 و عبرت حاصل گردید و امید واری از مرجم سرکار اقدس عالیون حاصل نمودند که آن همه جرم و
 تقصیرات کفایتی مقابله بقض و کرم با عزیز خان کردند باینکه بموجب دستخط های یون که عزیز خان را منصب و شغل معزول بود
 جناب اشرف ارفع مخمس را چنانچه سرکار اقدس عالیون بموجب دستخط های متعدد بقه بالقرارد در امورات کلی و ولایتی
 مختار کرده و کلیات امور را بعهده جناب معظم الیه محول فرموده بودند بموجب این دستخط جدید امورات قشونی را متفرّد

۲۱۹۱

مغوض کفالت و کفایت ایشان فرمودند که من جمیع ایجات در امر شکر و کشور مقدر و مختار بوده و هر کوزه صلاح و
 مصلحت در انتظام و انضباط امورات و اندک عرض حضور بامر النور اقدس علی سائیده بموجب اراده علیه خبر و آن
 مجری دارند (چون مقرب الخاقان حاجی علیخان صاحب الدوله در لوازم جان شاری و دقایق ادب
 خدمتگذاری مسواره خاطر اقدس هایون شاهی و اولیای دولت عیله را بصدق طویت و حسن
 خزیندگی داشته و در تقدیم حدت موجوده آثار کفایت ظاهر ساخته است نظر بطور جسم لوکانه در حق مقرب الخاقان
 مشارالیه در روز عید نظر مکتوب کلمه نریمه بوس تن مبارک را برسم خلعت باه حجت فرمودند (نظر
 شجرتی و صفای باغ فردوس خاطر اقدس هایون خنده و انی مایل تفریح انجام گرفته در روز سه شنبه ششم
 تشریف فرمای باغ نریمه که دیدند فوج اردبیل و مشکین جمعی مقرب الخاقان حسنی خان سرتیپ نظر اقدس ملوکانه
 رسیده در استکی و انتظام آنها سخن مقبول قاده و اهتمامت عالیجاها مشارالیه را در نظرم آنها تحسین و اور
 مورد التفات فرمودند و حسب الامر فواج منضله و سواره که قلم رکاب بودند در خارج و روزه کلا حاضر
 شده

افواج

| | | | |
|---------------------------|-------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| فوج اردبیل و مشکین جمعی | فوج کلهر جمعی عالیجاها | فوج خرد و کوی جمعی عالیجاها | فوج داماد جمعی مقرب الخاقان |
| سرتیپ | سرتیپ | سرتیپ | ابو القاسم خان سرتیپ |
| فوج سوادکوه جمعی عالیجاها | فوج خلخال جمعی عالیجاها | فوج قندرسک جمعی عالیجاها | سرتیپ |
| کریم خان | سرتیپ | سرتیپ | سرتیپ |

۲۱۹۲

سواره

سواره چهارمین قلعه جمعی عالیجاها رضاقلیخان سواره ششمون اردبیل جمعی عالیجاها محمدعلیخان
 و اینان حضور مبارک گذشته هر یک از صاحب منصبان مورد التفات گردیده موبک هایون تشریف فرمای
 فردوس شدند (در روز ۱۷ شهر شوال خاطر اقدس هایون شاهی مایل نامشای آبشار در خدمت
 تشریف فرمای آنجا گردید جناب شرف امجد ارفع صدر عظیم فخر هم در موبک هایون بودند چون راه آنجا
 قدری صعوبت داشت قبل از وقت مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله جلایه فرستاده را
 تلخ نموده تدارک بنهار و عصرانه برای حضور هایون و خادمان حرم و مجلس جناب شرف امجد ارفع
 عظیم و سایر طرینین رکاب از راه او خوانین و آحاد نامس حاضر ساخته و چادرها را برای طرینین رکاب
 فراهم آورده با وجود تشکی مکان خنثی خوب از عمده صنایف طرینین رکاب برآمده حد نامس سخن
 خاطر اقدس هایون مقرب الخاقان مشارالیه را مورد التفات فرموده بعد از صرف بنهار و عصرانه حاجت فرمودند

سایر ولایات

گیلان از تزاریکه در روزنامه گیلان نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت و کفایت و رعایت
 داری مقرب انجاقان میرالامرا العظام عمید الملک حکمران آن ولایت قرین نظام است بعد از انقضای ایام
 ماه مبارک صیام که خدا یمان و وارو غده و غیره را خواسته در نظم شهر و محلات قدغن اکید نموده است که شایسته
 مواظبت با سابق و شارب انجور و قمارز و اینگونه اشخاص را بگیرند و حضور بیاورند که در اخراج جرم جنایت تنبیه و
 شوند و خود ایام هفته را سوامی دور و زجمعه و دو سه که تعطیل است ایر روزها از صبح الی دو وقت از ظهر گذشته
 در دیوانخانه نشسته بعضی و داد مردم و نظم امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی رسیدگی کامل نمایند و از
 اهالی و ادانی هر عرض مطلبی داشته باشد بدون مزاحمت حاجب در بان آمدن مطلب خود را با ایشان
 عرض نموده و بر وفق عدالت و حساب کار و فیصل می باید عسوم مالی آن ولایت ازین بکله نکال رضا مندی و
 گذاری دارند و باب شعیرات اجناس ماکولات چون این اوقات قدری ترقی نموده است نهایت تمام
 و مراقبت را در ارزانی و فراوانی آنها دارد و چند نفر از کسبه از قبیل قصاب و غیره که معلوم سبب گران
 ماکولات بوده اند تنبیه و تادیب کرده قدغن نمود برنج که قوت غالب اهل آن ولایت است بخرج فرج و حقه
 و امتیاز است که بسبب اتهامات وافی مقرب انجاقان مشارالیه نرخ اجناس تنزل نماید و فوراً بر سر
 و شعیر اجناس آنجا در این اوقات از این قرار است که بوزن که در من تبریز باشد داد و ستد بیست و نمان یکم هزار
 برنج یک من هفت عباتی روغن یک من شش هزار گوشت یک من سه هزار ذغال یکم هزار پانزده هزار وینا
 ملک یک من هزار دینار جو یک من هزار دینار سایر اجناس نیز ازین قرار است میرزا از تزاریکه در روزنامه
 بزرگ نوشته اند مقرب انجاقان شیخ الامرا العظام محمد یوسف خان حاکم یزد و عالیجه مقرب انجاقان میرزا
 مستوفی و وزیر آن ولایت که از دربار محفل مدار روانه شدند در هفتم ماه مبارک وارد یزد شده اند اما
 آنجا لوازم استقبال را بعقل آورده بعضی تکلفات قربانی و غیره خواسته بودند تا قدام نمایند مانع آنها شده و آنها
 بخواه اولیای دولت علیه امتیاز کرده و بعد از ورود با آنجا نظام کامل در امر شهر و محلات داده بعضی از
 اجناس ماکولات که بی جهت گران شده بود رسیدگی کرده و ارزان نموده و جنستی قیمتی معین گذشته
 و قدغن نموده اند که اگر پرنیاده از آن قیمت لغو و شدند مورد مواخذه و ترحمان باشند مالی آن ولایت
 در کمال آسودگی بدعا کونی ذات اقدس عالیون شایسته استتعال دارند و نیز در امور زراعت قرار و
 بلوکات رسیدگی کرده در بعضی جاها که از تکرک مجبول و غیره ضرر رسیده بود تدارک ضرر آنها را از خود
 نموده رعایا در کمال امید داری با رعیتستی خود مشغول اند از تزاریکه نوشته اند مگر کی در آن ولایت آمد هر دانه بعد
 بیفته مرغ و بید درختی ازین مگر که ضرر رسیده است

۲۱۹۳

اخبار دول خارجه

چند و پنجاه روز در پاریس بجهت تهیه مصارف محاربات بقدر آنکه وقت و فصل بعضی دعاوی که
رسیده یک قومسیون عقد و تکلیف یافته بود در این اوقات تکمیل شده معارض قطع و فصل دعاوی و آ
رشوت گرفتن بعضی مأمورین معلوم گردید و سوای اخذ رشوت جنسی و جوه و دیوان بگردن آنها وارد آمد
در ضمن اجرائی سیاسات لاقصدی بحال اشخاص مرقومه را بجنس فرستادند (سابقاً در روزنامهها
نوشته شده بود که امالی چین نظر اجداوت و غرضی که با فرنگیها دارند هر کس از انگلیسها که بدستان
قتل میگردند و دولت نفر از اهل چین هم بصورت فرستادگی کشتی فرانس که در سمت چین بود نشسته در
میان دریای پکتان و امالی کشتی را قتل و کشتی را غرق کرده بودند بموجب اخباری که بعد رسید باز از اهل چین
یک کشتی بنی دینا نشسته در میان دریا آنچه اهل بنی دینا در آن کشتی بود همه را کشته اند آخرین مقدمه که بجهت
بنی دینا رسید سفیر دولت انگلیس مقیم بنی دینا بجهت مزبور عرض و بیان حال نموده بود که چند قطعه کشتی جنگی با
قشون جنگ چین روانه نمایند (بجهت منازعه مابین دولت انگلیس و چین از برای ربط دادن حسن صورت
از جانب دولت انگلیس بقاء قسول دولت انگلیس مقیم بعد از سفارت مخصوص چین معین شده بود ولی کیفیت
چون روز بروز اشتداد یافت لهذا لازم آمد که از اصحاب رتبت باین سفارت مأمور شود در این اوقات سفارت
بعده جناب لورد الکین محول شده مشا را لیدر کرا انگلیس که در چین مستند فرماندان تعیین شده و از صاحب
جنرال اشیر بنام نام که رتبه امیر توفانی دارد با تفاق مشا را لیدر از راه مصر غربت سمت چین کرده اند) کشتیها
انگلیس در پیشگاه کانتان چین مستند از جانب دولت انگلیس قرار داده شده است که شصت و شصت عد کشتی
در آنجا باشد باین جهت کشتیهای جنگی انگلیس که در شرط بصره هستند با چند قطعه کشتی دیگر که از لندن حرکت کرده اند
سمت چین روانه اند و امر فرماندانی این کشتیها بعهد امرال سیمور محول شده است (از جانب دولت
روس سفراتی که در دول معلوم هستند بهر ای سفرای مزبور بجهت کسب اطلاع از اصول دولیه و اطمینان و تحصیل
مقومه نیز در هر یک از این سفر اطمینان مورتی دوازده نفر از دولت روس مأمور شده اند) (سابقاً در متن و ادوات
یونان بد با ویه را بدین قرال آنجا که برادر مشا را لیدر است نوشته شده بود و هم چنین قرال با ویه را نیز از راه
ناپولی به آتن پای تخت یونان باز مد مصمم شده بود بموجب اخباری که این اوقات رسیده است حکم
با ویه را در نهم شعبان بشهر ناپولی وارد شده و چندی در آن حوالی کشت و سیاحت کرده بعد از آن غربت
خود را سمت یونان اعلام کرده است) (دیگر نوشته اند که قرال با ویه را بعد از چندی قامت در آتن مقرر اجازت
پاریس و در نتیجه اقامت او در پاریس از جانب دولت فرانسه محلی مناسب معین شده است

۲۱۹۴

v

در این اوقات خبص و خرج مالیات دولت استیبه را حساب کرده اند صد هزار فورین که چهل کرد و بحساب پول ایران باشد مصارف زیادتر از مالیات آمده است (درین سال بجهت طوفان و غلاد در سپاه نپول و کم بودن آذوقه در اکثر محال فرنگستان با بجز ارباب تجارت و احتکار ذخایر خود را بابتد کران فروختن جمع کرده بودند و ذخایری که انبار کرده بودند کفایت کمال کل فرنگستان را میکرد چون وقت رسیدن محصول نازها و اسال هم محصول خیلی خوب آمده است باین جهت ذخایر انبارداران بخلاف آنچه خودشان خیلی تنزل کرده است یعنی در هر صد سی تنزل نموده و باین حساب بقدر صد و پنجاه طمان فزانه که تخمناسی کرد و پول این ولایت با صزر کرده اند و بهوجب اجباری که این اوقات رسیده است از ارباب ثروت و اقدار چند نفر تاجر طلبا افلاس کرده اند) (دو سال قبل ازین راه آهنی که از مصر باسکندریه ساخته شده بود در اول سپتامبر تومان حاصل اجرت آن شده و در سال دوم چهار صد هزار تومان رسیده است و راهی دیگر از مصر بسوسین خیلی از راه تر بود ساخته شده و باقی نیز تا مرستان آینه با تمام خواهد رسید) (کشتی تجاری پوسته که از طابزان باسلامبول می آمد در آسای راه بقدر شصت میل مسافت یکی از کشتیهای عثمانیه که کج بار داشته است لمخوط کپتان کشتی پوسته شده بود که بعضی علامات غرق شدن از او معلوم میشد کشتی خود را با بنجارانده وقتی رسید بود که آب زیاد بکلیف کشتی را گرفته و امانی کشتی از زندگی باپوس و مشرف بغرق شدن بود کپتان فربور کل الملی آن کشتی را بکشتی خود در آورده سالنامه بیوک دره اسلامبول رسانده بود) (بعد از مصاحبه عمومی هایش و امنیتی که در فرنگستان حاصل شد در هر محل فرنگستان عمداً موجوده را کم کردند حتی در فرانس سال گذشته صد هزار کس از سنگ کتیا اخراج کردند در این اوقات نیز در فرانس از هر فرجی صد نفر تا مدتی معین مخص کرده اند و قرار شده است که ازین اشخاص هر کس بخواهد در امر زراعت اقدام نماید با اجرت کافی در امر زراعت آنها را وادارند) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که جمهوری مکسیفا گذشته از بعضی محاسبات باقی قرض با جمهوری یونانی دنیا داشتند لهذا یک ابالتی از مکسیفا را که در جوار سیکی دنیا بود پست و شش میان لیرا که بجا از صد و چهار کرد و پول ایران است جمهوری یونانی دنیا فروخته بودند چون باز هم ادای قروض آنها تمام نشده بود در این اوقات یک ایالت دیگر را باز به میان لیرا که دوازده کرد و چیزی بیشتر باشد فروخته اند چون یک دولتی ایالات متصرفه خود را باین طور متوالی بفروشد دیده نشد است لهذا دولت انگلیس هم طلبی که از جمهوری مکسیفا وارد در این اوقات مطالبه مینماید) (تجارت دولت پورتو قال که بچین آمد و شد میکردند از جانب دولت چین اظهار روی تجارت با آنها شد و اکنون دولت پورتو قال مقدر انجام نبود در این اوقات که دولت انگلیس بچین جنگ در انداخته است دولت پورتو قال نیز چهار قطعه کشتی جنگی با مقداری قشون با بجا فرستاده است که با اتفاق قشون انگلیس دولت چین جنگ نمایند

۲۱۹۵

تاریخ دهم شباط گذشته وزیر اعظم خاقان چین شرحی که بقایم مقام کانتان نوشته و در روزنامه های
لندن ترجمه شده نوشته اند از این قرار است ای قایم مقام کانتان و حشبهای انگلیس که بمالک زیر حکومت
تو هجوم آورده و از طرف تو نیز بجهت ما ذیبت و تربیت آنها حرکات شیعمانه بطور رسیده بود تقصیر آن
موجب یک قطعه تحریرات در مجلس عمومی یکان یکان مطالعه و در هر حرف آن سوا سوا تا مل و ملاحظه
شده حزن و المی که از مال آن مستفاد شد سبب تا سف ابل مجلس گردیده و ازین کیفیت متاثره خاقان
ما متاسف شده باز در حضرت خاقان بعض بیان حال مبادرت شده ای قایم مقام کانتان بعد از این متعین
دفع وجود جنایت او داین و حشبهای اسباب لازمه مقابله و مقابله شدت اجرا میشود اگر اینها از محال
که در حشمان اجری میشود عقبه شده مؤخر آن بجانب حکومت دخالت و استیجاب نماید این قباحت آنها
عفو شده و بر تبه امکان بجهت دفع ضرورتشان در بعضی مالک با اجرای تجارت آنها باید حدت
(در روزنامه های سابق نوشته شده بود که در لندن اصحاب فقر و ضرورت زیادند و اغلب اینها از راه
الجاره و اضطراب طریق سرقه اختیار کرده این عمل با سرتحت دائمی مالی لندن خلل بسیار بجهت رفع و دفع
مقدمه چند وقت پیش ازین مجلس مرکب از اهل ثروت و اقدار منعقد شده این اشخاص را دعوت کردند و اعلام
نمودند که این اشخاص اگر مجلس فریب بیایند در حق آنها هیچگونه ذیبت و آزاری عمل نخواهد آمد و روزی که دعوت
بودند جمعی کثیر از دزدان در آن مجلس حاضر شدند و از جانب اعضای مجلس نصایح مشفقانه و کلمات موعظه
الغاشد باین مضمون که راهی که شما پیش گرفته اید عاقبت ختم دارد و اگر حالاً با اختیار خود راضی بر فتن ملک است
که دزد و مقصر را با انجامیم مستند بشوید ترفیض احوال شما بجهت امکان ازین مجلس عاقبت خواهد شد دزدان مدتی
تا بل کیفیت خواسته و متفرق شدند در این اوقات زیاد از نصف دزدان منور آمده خویش منفق
با ستر ای شده اند و از جانب مجلس موعظه و کفران کافی با نهاد داده شده و کشتی بخارشان نشاندند
روان کرده اند) (در اگر محال است آن خصوصاً در قطعه افریقا بجهت نبودن آب در صحاری و طرق مسافرت یاده دجا
و اضطرابی شوند راه سودان نیز که در سمت جنوبی جزایر واقع است اینطور بود و از تئوس بی آبی کی از آن راه عبور
اعلیحضرت امپراطور فرانس حکم کرد که مانند چاهی که در پاریس متداول است با آلات بر خور مانند که از تئوس بی آبی
در معابر و منازل راه سودان حفز نمایند چون همه آن صحرا یک است کمان می کردند که اقلاصد ذرع باید حفز
نمایند تا بآب رسید جهت ذرع که حفز بود بطوریکه در هیچ محل مشاهده نشده بود آب در فوران آمد چنانکه نه چاه
شد اعلیحضرت امپراطور حکم کردند که در چندین محل لازم آن راه ازین جاها حفز نمایند که راه آمد و شد با سودکی مفعول باشد
چون در راه منور که از بلاد حاره و ریگین است آبی است در آمده در راه حجاز هم که انطور باید باقی این آب است

۲۱۹۶

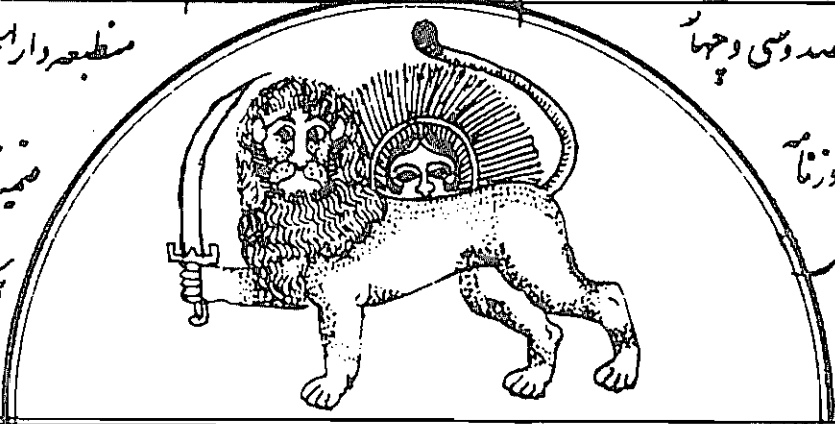
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سنه ۱۲۷۳ مطابق سال سلیمان

منطبعه دارالخلافه طهران

نزهت سیدوسی و جهاد

صفت علامت
بهر طرز

صفت روزنامه
نزهت سیدوسی



اخبار واحد ملک محروبه پادشاهی

دارالخلافه طهران

نواب حضرت آقا میرزا محمد تقی شاه مغفور ماضی قریب شاه اتانند بر آنکه که کرامت نب و جلالت
 عفت و طهارت و بزرگواری او از شرح و بیان مستغنی است و از بدو دولت قوی شوکت قاجاریه آمده الله تعالی
 تا اکنون با نوری محرمه بان جلالت شان که سه پادشاه شوکت دستگاه اعظم ظاهر و سواد و در وجهه معظمه بوده
 نیامده و بلکه در سلطنتهای گذشته نیز عدیل و نظیرش کمتر بوجود آمده بود و عصر روز پنجشنبه ۵م ماه شوال الحکم
 ناکهان با جلوه نمود و داعی حق را لیک جانب گفته ازین جهان عاریت بساری جا و بد نقل نموده و در جوار حضرت
 مقدس باری جل که فرار گرفت بعد از آگاهی خاطر خطیر اقدس علی حضرت شاهنشاهی صلوات الله علیه و سلطنت
 باین قضیه لایله تسلیم و تقویض رای غیره بایون نجواست و اراده خداوندی امر و ارت علیه خیر و ابدی تقدیم
 تجنیر آن جناب زه محترم شرف صد در یافت جناب اشرف امجد رفیع صدر اعظم افخم با جمیع شاهزادگان عظام
 و امرای گرام و در جبهه داعیان در بار پادشاهی بدرجه حرم ساری سلطانی حاضر شدند در روز هفتم
 چنانکه سر او را بوه فرسود آورده و همه در زمین یار و امام و ظف عاری برای راه افتاد و وقتیکه حجازی در غایت
 خاصه پادشاهی شد سر کار علی حضرت اقدس بایون شاهنشاهی نیز که برای تقدیم سنت سینه در پیش
 ادای حقوق و الدین تحصیل مشوات حضرت رب العالمین آمده تشیع جنابزه بودند بحض عرض بیکاه بایون
 نفس شریف و ماشده ناکریاس بزرگ در ب اعلی مشایعت و از آنجا مراجعت فرمودند جناب امجد اشرف رفیع
 بعد از بدرقه وجود بایون دوباره در میدان بزرگ پادشاهی بکرده مشایعت رسیده عمارت را مسجد سلطانی
 در کمال اغزاز و اکرام رسانند و در مجلس ختم که قبل از وقت در مقصوده مسجد نمیشده بود با کل علماء شاهزادگان
 و امر و اعیان و سایر صنف خلایق حاضر شدند و رسم قرانت و طلب مغفرت با حضور همه تاسه روز در آنجا

۲۱۹۷

مستبر بود و تقاره خانه که از بزرگترین رسوم و آداب سلطنت است در ایام منور بود و محض احترام این سوک بر سر
موقوف شد بکار و انساب و بازار را بستند و مردم را در راهی و آب غمرا و لوی معاملات داد و دست خود
نبرد آختند بعد از انقضای مجلس ختم جنازه محترمه را با طربشایان و طور لائق در نهایت عزت و شکوه نقل بلده
طیبه قم نموده در جوار نضبه ظاهره حضرت امام یفین موسی ابن جعفر صلوات الله و سلامه علیها و علی آبائین
در جنب مضجع پاک و مرقد نایک همین شهر بار نامدار فرزند بزرگوار خودشان بچاک سپردند (انته)
قراریکه بعض اولیای دولت علیه رسید در این اوقات سواره از طایفه ضابطه ترکمانه در چاه کردن در
پهلوی منزل میاندشت سه چهار سعت از شب گذشته بر سر قافله شتره اند که از دار الخلافه میرفتند بخت
چهار نفر ساربان باشند نفر شتر با متجاوز که چهل شتر آنها مال فرنگ و قند و توون و ما تبقی این
که بجهت مصارف روضه مطهره جناب امام ثامن علی ابن موسی الرضا علیه و علی آبانه و بنانه و لاف التجهه و التشنا
پیردیش کرده چند بار این و این راه را در راه ریخته و باقی بارها را برده بودند ولی از میان اقبال میرد
اقدس مایون اغلبی از سواره منور و سیکر و مقتول و مال و اسیر تمام از آنها مسترد گردیده مفصل این محفل
اینکه بچگونگی یک غلام نزدینی از نزدیکین وارد شهر گردیده و چند مهر از رؤس منحوس طایفه ضابطه مصحوب
خود آورده مذکور داشته بود که عالیجاه فرج الدخان نایب الحکومه نزدین بعضی استماع ناخت سواره منور قافله
با سواره ابو اجمعی خود بتعاقب آنها المینار کرده در باریق توکلن بانها رسیده سواره ترکمان بجهت اینکه سبک بر پا
بارشتران را در راه ریخته و شترها را با سیر با تبجیل میزدند عالیجاه اشاریه با کمال تهور و جلا دت بر سر آنها تا
چند نفر را مقتول و چند نفر را زنده و سیکر کرده شتر و اسیر را بر گردانده بود و از قرار مذکور سواره منور از
بیتقیان فرمتجاوز و از طایفه آقا محمد نام سردار که بوده اند که مقرب انخاقان جعفر قلیخان المینانی قبل از عهد او بوده
تنبیه کرده بود با بجهت عالیجاه فرج الدخان و سواره او درین مقدمه نهایت شادت را بعل آورده اند (در ضمن
خلاع در شعاع ملوکانه که در از اهدات مقرب انخاقان توام الدوله و صاحب نهضان قشون عراقی و عراقی
مرحمت شده و در روزنامه دو هفته قبل نوشته شد عالیجاه عباس خان قاجار حاکم ترشیز نیز در آن مقدمه
مصدق جهان شاری شده بود کیلوب جبهه ترمه کرمانی هم از جانب محسنی لاجواب ملوکانه در حق او خلف مرحمت کرد
(در این اوقات که نواب مستطاب بنزاده پنجم و الا تبار رکن الدوله العلیه عالیجاه اروشیر میرزا حکمران
سابق دار الخلافه بیکرانی از با بجان سرافراز گردید چون خاطر خلیفه ملوکانه متعلق تربیت نواب مستطاب محمد تقی میرزا
که برادر بیک اختر سهر کار اقدس مایون شایسته است چنانکه نواب مغزی البه را ب حکومت دار الخلافه و طهران
و در عزمه ماه دیقعه ساعت سعد خلعت آفتاب طلعت و زمان مبارک رحمت و شرفیاب حضور مبارک شد

۲۱۹۸

بود و خات و القات شانه کردید و مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه مقرر شد که کجا بکان
 بوزارت دارالخلافه و توابع و پیشکاری نواب مغزی الیه برقرار باشد و هفت مهر طلعت با یون در حق مقرب انخاقان
 شراییه نیز محبت کردید (چند سیت در ولایت یزد ناخوشی و با ظاهر شد است اگر چه اولیای
 دولت علیه قرانتین بجهت آمیزش اهل اولایت بدارخلافه و سایر مالک محروسه گناشته دولی مرقب شد
 و ضعف و رفع ناخوشی مزبور از اولایت بودند از قراریکه این روزها از یزد نوشته اند تخفیف کلی در ناخوشی
 بهم رسیده و امید دارند که غمغریب با تیره رفع بشود از جمله اخباری که جزو مقدمه این ناخوشی در اولایت است
 نوشته اند که آقای صدر کوچک سغال گذشته در یزد تاهای ساخت که اصل بنین آن قبرستان و در جوار آن
 فاضل بود و از قرار تقریر معمار و بنیایان در وقت حفوزین آنجا اموات بسیار بیرون آمد خصوصا آنجا که کلخن حمام
 بود در زیر آن مقبره ظاهر گردید بود که ناچار روی آن مقبره را طاق زده تون حمام ساختند در این اوقات
 که ناخوشی در آن ولایت ظهور کرد شخصی در خواب دیده بود که جمعی از سوختن شکایت می کنند و چند نفر
 مطابق رویای هم دیگر در خواب دیده بودند که دو نفر سید در پیش آمده فاضل شکایت میکردند که در
 شمار می سوزانند و از قرار که گور اتقا سید جواد مجتهد هم خواب دیده و بالای منبر ذکر کرده بود که در خواب
 دیدیم سیدی را که میگفت مراد یزد می سوزند و کسی بغیر ما و من نمیرسد و از غرایب اتفاق اینکه از دقتی که تون
 حمام زلالتش کردند ناخوشی و بادریزد ظهور کرد با بجهت الهی و اعیان ولایت نیز در مقرب انخاقان میرزا شفیع
 وزیر یزد آمد که گزارش خوابها و تفصیل بنین حمام و تقریرات معمار و بنیایان ویرین را بیان کرده متفقا و
 متقفا اندکورد استند که با قطع ظهور این ناخوشی بسبب این حمام است که اموات از ناب کلخن آن در عذابند عاجبانه
 فرستاد حاکمی آنجا را آوردند و وجه اجاره یکماه حمام را از خود نقد تسلیم کرده فرار گذاشت تا یکماه در حمام را
 بگذرد اگر ناخوشی درین مدت رفع نشد بیکار خود برود و از آن روز که حمام بر بستند روز بروز ناخوشی کم شد
 چنانچه در مدت پانزده روز تفاوت زیاد کرده و سبب مزید اعتقاد کل اهل اولایت گردیده امید دارند که تا
 مدت مزبور ایشی ازین ناخوشی در اولایت نماند و مؤید این مقال بعضی اصحاب معتقدین بعد ازین مقدمات در خواب دیده اند که
 قائل میگفتند است چون شمارم کردید خدا بشمارم کرده ناخوشی را از شمار برداشتم در آن اوقات در محل موسم بر زمین زارعی
 خاک زراعت بر میداشت سید باه ظاهر شده خوبست بود درون او بر دوازی شنید بود که چه میکنی و حش کرده بشهر آمد آنجا رنوده بود جمعی از
 عدول معتبر با آنجا رفتیمتی دیده بودند که اجزش متلاشی شده دموی صورتش سترده گردید ولی لوجی که تاج آن لوم شودند این
 تباخ سفیدی و غیره کرده در تباخ نیز نوشته یافتند که چند نفر از عظیم ان سهو بردات قل هو اللہی رارض زندان مدفونند که کس بیخی
 نه از قل هو اللہ در سر قبر آنها بخواند چشمش بشکند روانی جمعی امتحان در آنجا چند نفر که قطب خود رسیدند و الا آنجا بارگاه است و لایات

۲۱۹۹

فارس از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از اتهامات نواب مستطاب
 مؤید الدوله قرین است و امالی آن ولایت بدعا کونی ذات اقدس علین شاهنشاهی اشتغال دارند
 (دیگر در روزنامه بندرعباسی نوشته اند که چند روز است که عالیجاه شیخ سعید حاکم بندرعباسی بجهت
 شیخ خالد ولد اکبر و عیال خود از عثمان بن بندرعباسی آورده است و بواسطه اختلاف فیما بین اولاد امام مسقط
 که بعد از فوت او ظاهر شده مشارالیه خواسته است که از صحار و عمان برکنار باشد) (دیگر نوشته اند که در
 اوقات اعراب سمت ریس انجمنه که جزو سلطان صفتند با اعراب شحج مدعو بکزاری که در حوالی جزایر قسم
 لارک و مدزدوس ایجا که قریب پنجایر میزبان است کن اند از خجده خواهان امام مسقط و از قلم که روزی
 حیات امام مسقط با ستمها را و اعراب ریس انجمنه را متاصل و چند نفر از آنها را مقتول ساخته ارباب قصاص
 و تلافی بنای نزاعی دارند و از فرار مذکور جهت طیفین در عهدش دی و تخمیناً ده دوازده هزار نفرند ولی مردم کار
 در قبیله که اربیتراست در صورت کارزار عدت اعراب سمت ریس انجمنه فروتر و ابراهیم نام ولد سلطان
 صفروس فتنه و واضح است که چنانچه نزاع فیما بین دو فریق واقع شود سعید ثوبنی امام مسقط حامی و مدد
 گذاری خواهد بود ولی حال خبر وقوع نزاع نرسیده و بقولی حال سبقت فتنه از کزاری است و این خبری اصل
نیت قزوین از فرار یک در روزنامه قزوین نوشته اند امور آن ولایت از حسن توجهات او بیکی
 علیّه و اتهامات معرفت انجان خان حاجی حسنعلی خان پیکار قزوین منظم و مضبوط است و رعایا و امان
 انجان در عین فریخت و آسودگی بدعا کونی ذات اقدس علین شاهنشاهی اشتغال دارند و امر شهر و محلات
 در کمال انضباط است و عالیجاه و نام خان سمرگزمه شهباز را با یکصد نفر پیچگی مشغول حراست و محافظت
 محلات میباشند و دزدی و شرارت بیچوجه اتفاق نمی افتد) (دیگر نوشته اند که هر ساله در این اوقات هوا
 قزوین بشت گرم میشد و باعث بعضی ناخوشی های میکروید امسال سجد الله هواد رکمال خوبی و اعتدال گذشت
 و ناخوشی بسیار کم است و زراعت کاران و دهن قین زراعت بهاره کاری را امسال بسیار خوب کرده
 خصوصاً در وقت خالصه که کمال اتمام شده و زراعت کامل کرده اند و آب سبب بلهای دیگر و فور
 دارد و بغایت قزوین ده آب شرب شده اند رعایا به الهی این زمین رکب بسیار مشغول و شکر گذارند و نبات
 امید و لری بارزانی و قزوینی امسال دارند) (دیگر نوشته اند در روز عید فطر معرفت انجان خان حاجی حسنعلی خان
 پیکار با جمیع اعیان و اشراف ولایت خدمت نواب مستطاب شاهزاده و الا بتار عبد القهر میرزا حکمران قزوین
 شرفیاب شد و از جانب نواب معزی الیه کمال اعزاز و احترام در حق علمای اعلام و اعیان و اشراف بعمل آمده است
 بدعای بقای وجود و از و باد شوکت و دولت اقدس علین شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان منقضی گردید

۲۲۰۰

دیگر نوشته اند که در روز پنجم چهارم شهر شوال رعد و برقی در قزوین ظاهر شد که بسیار جوش بود و اکثر مردم از این رعد و برق در تشویش افتادند و از روز در یکی از خانه های محله میدان کوسفند برق بدرختی زده او را سوزانده و درها تخته بقانه اطفاقی بر خورده و او را سخته و خراب نمود ولی بکسی ضرر جانی نرساند و در روز قبل نیز مذکور شد که در خارج شهر باز رعد و برق غریبی ظاهر گردیده و در دو سه فرسخی یک نفر را تلف نمود

م از فرار یک در روزنامه قسم نوشته اند کمال امنیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و مقربان ذوالفقار خان حاکم قم و سادات در نظم و ولایت و آسودگی رعیت و معاملات و ولایتی و انجام خدمات دیوانی مراقبت کامل دارد و محض رفاه حال رعایا و حصول دعا کوفی جهت دانت آقدس همایون نشانی خلد السملکه و سلطانه تا اکنون که سه ماه از عید نوروز میگذرد مالیات از رعایا دریافت نموده و بسیار قدغن کرده است که دیناری از رعایا مطالبه نگردد تا بعد از رفع محصول که حاصل آنها بدست بیاید وقت ادای حقوق دیوانی نمایند در رعایا این رکود کمال سرگذاری را دارند و همچنین ریح کار جنابز و قصاب را گرفته مان را یکم نیم شاهی و گوشت را یکم یکجاسی ارزان نمود که فقر باستانی که زمان نماید و سبب اینها مقربان خان شالیه سایر اجناس و ماکولات نیز نهایت وفور را دارد و عجزه و مساکین در عین رفاه و آسودگی دعا کوفی دانت آقدس همایون شاهنشاهی اشتغال دارند (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شد که تجو سعادت قدیم شهر قم که مدور خراب شده و مسکام طغیان آب خرابی شهر میسر شد تعمیرات بفعه و سخن نمبر که حضرت معصومه علیها الاف لشمار و نجه و بستن سد بل دلاک و تعمیرات کاروان و بل آنجا اولیای دولت علیه و جوی جلاله مقرر فرموده بودند که مقربان خان ذوالفقار خان این کار را با انجام و انمام برساند در این اوقات سرد و خانه کنار شهر را که کارشماه بود در مدت دو ماه سعی نمودند و با تمام مسافت را پاسک و کوه و روح در کمال استحکام ساخته و با تمام رسانده است بهتر و محکمتر از اول که دیگر هیچ چه احتمال ضرر سیل شهر نمیرود و همچنین سرد و خانه بل دلاک و تعمیرات بل و کاروان برای آنجا نیز با تمام رسید و الان مشغول تعمیرات روضه مطهره و بفعه و مدرسه بهبودی و عمارت شاهی جنب صحن مطهر هستند و مدرسه فیضیه نیز قریب با تمام است) (دیگر نوشته اند که ضعیفه زوار نیز مقربان خان ذوالفقار خان آمده مذکور داشت که زیارت می آمدم و شازده تومان خرجی را هم در راه ضعیفه با من مسفر و شناسه نخواه مرا سرف نمود و در قم خود را مخفی کرده هر چه نفیض کردم پیدا شد مقربان خان مشا را لیه داروغه را خوانسته و قدغن آید نمود که حکما ضعیفه سارقه را پیدا نماید و دروغه بر نفیض نفیض براد ضعیفه سارقه را پیدا کرده نخواه سرو و از او ستر و حبس تسلیم کرده و آن رفته را از خارج طلب نمودند

۲۲۰۱

گردستان از فراری که در روزنامه گردستان نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت
 قاهره و مراقبت و اهتمام مقرب انجاقان دالی گردستان نهایت امت و انتظام در آن ولایت
 حاصل و از ابتدای بهار تا اواخر ماه رمضان المبارک بارندگیهای نافع و موقوع در آن ولایت شده
 مراعیه به سبزه خرم و کشت و زراعت بسیار خوب و مرغوبه بکمان دارند که حاصل آن بسیار
 بیشتر و بهتر از سالهای گذشته بشود در زمستان جنس در انجا قدری ترقی داشته است ولی تجربه باید
 زیاده که در بهار شد تنزل کلی کرده با الفل هر چیزی فراوان و ارزان است و مالی آن ولایت با نبات
 فراغت و آسودگی بدعا کونی دات اقدس هائون شایسته اشتعال دارند (دیگر نوشته اند که
 مهر طلعت هائون که از جانب سنی اسبواج اقدس هائون شایسته بافتخا مقرب انجاقان دالی گرد
 مرحمت شده بود در نهم ماه رمضان المبارک بانجا بر تو وصول افکنده مقرب انجاقان مشارالیه با جمیع
 مالی دلایت از اعلی و ادانی تا طلعت پون با استقبال شتافته لوازم توقیر و احترام خلعت هائون را بعل آورد
 رد در انجا خلعت مهر طلعت را ریب برود و ش مفاخرت و مباحث نموده اجرای شلیک توپ صرف سیر
 و شیرینی و افطار کرده بقبضه سنج مرحمت نمود) (دیگر در روزنامه جو از روز نوشته اند که در شب
 پنجم ماه مبارک رمضان بارندگی زیاد در انجا شده زن و مردی در خانه خوابیده بودند و چند برس بزمین در
 انجا داشتند در نصف شب کو سفندان بیکار بصد آمد و مرد و زن آنخانه بیدار شده بکمان سکه کرک
 کو سفندان زده با سبر کو سفند آمده کرکی ندیده بودند کو سفندان را همه سلم دیده تعجب کرده بودند که صدای
 آنها از چه جهت بوده است بعد از خاطر جمعی از کو سفندان حواسه بود که بجای خود مرحمت کرده بجا ایند نمود
 داخل الحاق شده ناکاه سقف خانه فرو آمده هر چه در خانه بود بریز خرابی ماند و آن زن و مرد سجه آواز
 کو سفندان از آن تنگه خلاصی یافته سلامت ماندند و اینر حله را حسن اتفاق و محض فضل و حفظ خداوندی
 دانسته سجده اشکر الهی را بعل آوردند) (دیگر نوشته اند که پاشا بیک نایب توپخانه که در گردستان بود و
 هرزگیها و تعذیبات او نسبت توپچیان الوابجمعی خود و سایر مردم مقرب انجاقان میرنج توپخانه مبارک او را
 حبس و سنجی بیک نایب اول را عوض او بخلوی گردستان روانه کرده و با نوشته داده بود که تا شایسته
 مزبور را با بدعیانش بجمعه شرع برده و دعای آنها را با ادب طی کرده بعد او را بدار اختلاف روانه نماید با
 چند روز بدفع الوقت و امروز فردا گذرانده بدعیان را بوعده سرگرم کرده بی استحضار سنجی بیک توپچیان
 فرار روانه دار اختلاف شده است ما زندان از فراری که در روزنامه آنولایت نوشته اند نواب
 مستطاب لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب انجاقان محمد حسن خان پیکار آنولایت در انتظام امر

۲۲۰۲

ولایت در فاه و آسودگی رعایا و برپا و انجام خدمات دیوانی مراقبت و اهتمامات دانی یعنی آوردند
و نهایت انضباط در امور سرحد و لغو حاصل است و در عشر اول ماه رمضان المبارک سی نفر سوار
و یکصد نفر پیاده اشرف توابعی را بر سر کردگی عالیجاه محمد جعفر خان هزار جریبی مأمور مستحق علی کنار فریضه جات
نمودند و از وقت ماموریت آنها دزدی و هرزگی طایفه خاله رنگانه بلامه موقوف شده در رعایای آن
از این معنی زیاده آسوده و شاکر و دعا گو میباشند (و دیگر نوشته اند که بمقرب انخاقان محمد حسن خان
حاجی یعقوب بار فروشی مباشرت کارخانه شکر ریزی دولتی را با استناد نور محمد قناد از بلده بار فروش
به بلده ساری خواسته حسب الاموال لیبای دولت قاهره لعل کارخانه مزبور وقت و رسیدگی نمود
صورت عمل آنها را مطالعه نمود بعضی اسباب آن که ناقصی است تا یکد اکید نمود که تمام کنند و لعل کارخانه
مزبور در کمال انظام و عنقریب منافع کلی از او حاصل شده رواج تمام خواهد یافت و همچنین در امور خالصجات
دیوانی رسیدگی کامل نموده اشخاص معتبر را مقصدی امور خالصجات کرده و قدغن اکید در حسن سلوک رعایا
و ملاحظه رفاه احوال و آسودگی آنها نموده رعایا و ذرارین خالصجات کمال امید داری را بهم رسانند و
یک باب کاروانسرای مشهور بکاروانسرای شاه واقع در بلده ساری خراب و قریب سیل بل متجاوز بود
که اجاره و مال دیوان از آنجا حاصل نمیشد در این اوقات مقرب انخاقان مشارالیه بر آورد تعمیر و بنائنی
انجا را نموده مصاح و اسباب کار فراهم آورده بنا و عمده مشغول کار شد که انجا را بکلیه آبادی در آوردند
و هم چنین بهر متعلقه بقریه مرمت که سابقا بتول نواب مستطاب هزاره هفتم و الا بتا رکن الدوله لعلیه
ار د شیر میرزا بود و حال بخالصه دیوان معمول است بواسطه سیل خراب و در عین زراعت آب نیز مزبور
قطع گردیده بود مقرب انخاقان مشارالیه در بنده لهنه صد تومان بر رعایای انجا تخفیف داد که نیز مزبور
تعمیر کرده آب انجا را جاری نموده و زراعت کنند و مبلغ مزبور را در سال آینده کار سازی دیوانیان
نمایند

احبار دول خارج

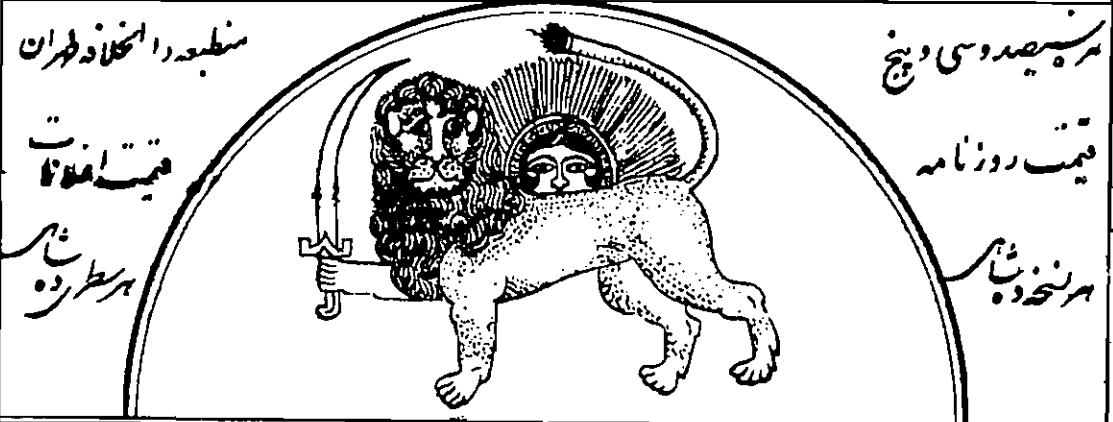
از خواریکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند نواب عزاند و قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور روسیه که
وکیل سبزی دولت مزبور است نوشته شده بود که سابقا بشهر نیست پای تخت ساردینیه بیدن و الیه خود
رفته و از آنجا از راه پاریس بفرانک عزیمت کرده بود بموجب اخباری که بعد رسید نواب مغزی الیه
بعد از وصول پاریس عزیمت لندن نموده اند که کشتی سازخانه های انجا را تا شامانیده گذارند
ایشان را بلندن سفیر دولت روسیه مقیم لندن بادی لیبای دولت کلیس رسماً اعلان کرده بود بموجب اخباری که
که بعد رسید نواب مغزی الیه در واسطه ماچیب باگنی بخار کشتی سازخانه طلون وارد گردیده اند و بجهت طاقان نواب

۲۲۰۳

سفری الیه سفیر دولت روسته که در پارس بود غمیت آنجا نموده است (در این اوقات در وقت
پای تخت دولت استر به شهرت یافته بود که در جوار شهر بورد در محل بل ترس نام اجنه آمد حتی بعضی موزیکان
آورده میزند و استماع اصوات غریبه از آنها میشود از صاحبان عقل و کلمات الهی وینه متجا و زاز صد
بجهت دیدن اجنه و استماع آواز موزیکانشان با نجان غمیت کرده و موزیکانچنان مروف و تالایت نیز همگی تحصیل
فنون موزیکان با نجان رفقه در نصف شب خلق کثیری در آنجا مجتمع گشتند حتی بجهت کثرت وارد حاکم خلق از جانب
حکومت نیز قواول بسیار با نجان دستاده شد که خلاف نظمی اتفاق نیفتد با بچله دم در آنجا جمع آمد سنظر استماع
موزیکان جن بود چون این آوازها کو یا بجهت تشده و طار نسیم تعارف ظاهر میکرد است و آنست هو املایم بود مطلقا
او ای بسع آنها رسید بعد از آن یوسی راحت بنازل خود نمودند بعضی کسانی که زبان و صاحب عقل و در است
چند شب دیگر با نجان رفقه تا صبح لبر برده اند هنوز چیزی معلوم نشده است (از نطقه اختلالات تبقی دولت
در این اوقات باز در شهر سر اغوسی اسپانیول با این بعضی ارباب دپاره قبل و قال در باب دولتگون
نمود دولت اسپانیول مستحضر شده فی الحال اشخاص بر قوم را دستگیر و متاصل نموده اند (در این
اوقات از جانب جمهور نیز مجموعه سکی دنیا بجهت تسلیج بعضی مواد مهمه بد دولت چین سفیری مامور گردیده
در روزنامهها نوشته اند (اگر کشتیهائی بخار و ولتی فرانس بکشتی از طولون با سلامبول می آید در
ماه رمضان المبارک هو اطوفان شدید کرده و کشتی بکل نشسته اگر چه الهی کشتی مزبور همه ساحل سلامت در
ولی کشتی شکسته و غرق گردید (در محاربات بعضی از ممالک روس که محل جنگ بودند الهی
زیاده متضرر و پریشان شده بودند بجهت تدارک خسارت و ترفیه احوال آنها بعضی مالیاتشان از جانب
اعلیحضرت امپراطور دولت روس تخفیف مقرر گردید چون اکثری هم در وقوع محاربات زخمی شده بودند
و اینقدر رعایت نسبت با آنها جزئی بود و تدارک پریشانی احوال آنها را میکرد لهذا در این اوقات باز
معین از جانب اعلیحضرت امپراطور حکم شده است که از سایر ممالک روس تحصیل شده با آنها عاید سازند
(از جانب دولت روس خزان استر غنوف نام سابقا بجهت تحقیق احوال عیال مدبرون ممالک روس
مامور شده بود در این اوقات مشارالیه مأموریت خود را با تمام رسانده و از جانب دولت روس
بپاک کردن لکرگاه خواجه بیک گردیده است (در این اوقات از جانب دولت فرانسه بجهت
رفت و آمد بسته ایالت جزایر راه آئنی منظور شده است که ساخته شود و از جانب اعلیحضرت امپراطور
فرانسه اعلان شده است که هر قوم پانیه که نهند ساختن راه مزبور را نماید از نظرات عسکریه با دعمله کاوداد
شده و بعضی اسباب سهولت بتر از دولت فرانسه خواهد

۲۲۰۴

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه دوازدهم شهر محرم الحرام مطابق سال نیلان سیل



اجبار دهند مالک محروم پادشاهی

دار اختلاف طهران

مواسی دار اختلاف طهران اگرچه در کمال خوبی است و نسبت به سایر شهرها که در این موسم انواع امراض و عطل در میان مردم بود اسال بجد البدیچگونه ناخوشی نیست ولی چون با مقضای فضل کرمان در شهر قدیمی شدت کرده و بواسی سیلابات مطلوب است لهذا علیحضرت آه سس بهایون شایبای بقرار بهر اعزیت سیلاب شایبای فرموده در روز پنجشنبه گذشته از دار اختلاف مبارکه حرکت و نظر بخوبی و خرمی عمارت و باغ داودیه با نزول اجلال فرمودند از جانب جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم مخم و جناب فحامت نصاب نظام الملک سایر متعلقان ایشان لوازم خدمتگذاری و جان شاری از پای انداز و پیشکش قربانینها و سایر انجام خدای بعل آمده بر وجود فایض اجود بهایون بسیار خوش گذشت و خدای ایشان زیاده مستحسن و مقبول خاطر خاطر ملوکانه افتاده چند روز در اینجا توقف فرموده در روز شنبه ششم از اینجا شریف فرمای عمارت قصر نیوران شدند (دار اختلاف طهران در کمال ایت و انتظام است و نواب استیجاب نیراده چشم و الابتای محمد تقی میرزا حکمران دار اختلاف و مقرب الامتقان میرزا موسی وزیر بهر روزه در عمارت دیوانی نشسته با امور رسیدگی مینمایند و همچنین عمده الامراء العظام محمد خان بیکریکی و امیر تومان در باغ ارک جناب شرف امجد ارفع حسب الحکم منزل کرده و با مورات نظام و قراول ارک و اموجه خانه و قورخانه مبارکه و غیره رسیدگی کا مینمایند عالیچایان کلانتر و کده خدایان همگی در مراقبت خدمات محوله اجود و نظم شهر و محلات نهایت اتمام را در دار و خلاف قاعده از قبیل سرقت و شرارت از احدی ناشی و صادر نمی شود و همچنین قراول خانه های شهر در کمال نظم است و از جانب صاحب منصبان نهایت مراقبت در نظم قراولخانه ها و حفظ و حر است محلات بعل

۲۲۰۵

می آید سایر کارگذاران دیوانی بر یک در سر کار و خدمت خود سعی میباشند (از فرار که عالیجاه معترف است)
 آدی خان سر تپ مهان در جناب محمد نصاب ترموره وزیر مختار و ایلی محض دولت بهیته تکلیف با و لیا
 دولت ابد مدت علیه معروض داشته بود جناب معزی الیه بعد از آنکه عالیجاه مقرب انخافان حسنیخان
 و جنرال اجودان خاص اعلیحضرت آقدس شاهنشاهی وارد بغداد شد و این را دعوت بفریت در بار
 مایون نمود و در کمال خرسندی خوشحالی دعوت دولت را اجابت نموده عازم و روانه شدند و در
 عراقین عرب و عجم کشته با مقرب انخافان مهاندر معزی الیه ملاقات نمودند و از جانب کارگذاران امور
 دیوانی در سرحد و سایر اکنه و منازل عرض راه لوازم تدارک و اسباب پذیرائی فراهم بود در کمال اغراض
 اکرام وارد کرمانشاهان شدند و از جانب نواب مستطاب هر از ده و الا بتاریخ اوله حکمران کرمانشاهان
 تفقدات مستفاد لازم در حق جناب معزی الیه بجا آمد و از آنجا رو بمقصد عزیمت کردند و از فرار که معترف
 معزی الیه تعیین کرده بود روزیست و یکم این ماه ذیقعد و بیست و سیم ماه منور وارد دربار عظمت دار
 خسروانی خوانند شد (نظرباشکی و معقولیت حسن حکمگذاری و رعیت داری عالیجاه معترف
 میخدا الامیر العظام علیحقی خان در این اوقات بموجب فرمان مهملعان مبارک منصب جلیل بیکری و شغری
 دیوانی بیکری در اسلطنه تبریز باد حرم در مرجع گردیده بجلت مهر طلعت بیایون منقطع و امور شد که به تبریز
 رفته بلوازم خدمات مرجع بجا مشغول باشد) (عالیجاه محسود بیک خوبی صوبه دار توپخانه مبارک ایزد
 چاکران دربار بیایون و مدتی در توپخانه مبارک مشغول خدمت است لهذا در این اوقات موافق حکم نظامی منصب
 توپخانه مبارک سرافراز گردید) (دو نفر از سلطانهای فرج خرقان جمعی لجا علیحقی خان سرهنگ که ما مورند
 خراس بودند چندی قبل با سرهنگ خود بنیابی نظامی که از ده برزگی کرده بودند امیر الامیر العظام کشیکچی باشی
 آنها را در آنجا تنبیه و سیاست کاملی نموده و بدر بار بیایون فرستاده بود بعد از ورود آنها از جانب سیاح
 آقدس بیایون شاهنشاهی امر و مقر شد که هر دو نفر را با هم و فووده و در میدان مشق که کل افواج و سواره تفریحین بجا
 حاضر بودند در میان آنها گردانیده هر یک از افواج و سواره تفییه و ایشان انداختند که عبرت برین گردید بیک
 تا این که نسبت بصاحب منصب خود برزگی نماید منزلی عمل او این است) (فوج اردبیل و مشکین جمعی مقرب انخافان
 حسنی خان آرسیر تپ که بکمال تجاوه زبوره در رکاب سیر روزی انساب مشغول مشق و تعلم خدمت فرادی بودند
 خدمتشان ختام پذیر شده در این اوقات حسب الامر محض خانه شدند) (فوج ناصریه جمعی عالیجاه کاظمخان
 سرهنگ که از تبریز احضار بر کاتب مستطاب شده بودند و در بار بیایون گردیدند) (چون فرادی در
 دیوانخانه مبارک سلطانی در حرم خانه اعلیحضرت شاهنشاهی در بیاداران بعد از مقرب انخافان حسنی خان سرهنگ

۲۲۰۶

فوج اردبیل و مشکین بود این اوقات که فوج او مرضی حاصل نمودند این خدمت بعهده مقرب الخاقان عباسقلی خان سردار لاریجانی مقنون مرجوع گردید که با فوج جمعی خود مشغول انجام این خدمت باشد

سایر ولایات

از دریا بایجان اگر چه این روزها روزنامه از آذربایجان نرسیده است ولی از فرار مکتب که از تبریز گذشته بودند سجد الیکال انیت و لعلها و اولوایت حاصل است و غله که پیش ازین تجمیر داشتند کم یاب بود این اوقات و فوز بهم رسانده و دکانین جنازی پرمان است و عمو خمینی خصوصاً عجمه و فقیر ازین مرحله کمال سگر گذاری را دارند و بقار یک نوارشته بودند در روز پنجشنبه سیم این ماه دو ساعت و نیم بود مانده حرکت ارضی شدت در تبریز وقوع یافته و در جمعه چهارم هم ساعت از روز بالا آمده باز زلزله شدید تر از روز پنجشنبه وقوع یافت در روز اول مطلقاً خرابی بجان می دادند بکسی نرسیده ولی در زلزله دویم جزئی خرابی و شکستگی بازار کهنه روی داده است و در شب شنبه پنجم و یکشنبه ششم باز حرکت ارض اتفاق افتاد مردم زیاد وحشت نموده بعضی بیرون نهارفته چادر زدند و بعضی لوکلی کرده بشهر آمدند ولی سجد الیکال انیت بکسی نرسیده و امید داشته اند که خداوند عالم رفع این بلیه کرده بندگان خود را حفظ نماید

استرآباد از فرار یک در روزنامه استرآباد نوشته اند کمال فراوانی و آرزانی در اولوایت حاصل و هر چیزی فراوان است از جمله گندم خرواری شت هزار و جو خرواری پنجاه دینار و سایر اجناس و حبوبات بهین نسبت کمال و فوز را دارد در روز ششم شوال باران شدیدی در استرآباد آمده سجدی که در کوچه های جاری گردید و بقدر نیم ذرع از دیوارها را گرفته بعضی جاها را خراب کرد و یکشنبه روز بارندگی امتداد داشت ولی دو ساعت شدت داشت بطوریکه پیران معتربان شدت بارندگی در هیچ ایامی ندیده بودند اگر چه بعضی از اینه و قنات ازین بارندگی فی الجمله خرابی رسید ولی نفع عمومی آن سببه زراعت است

از ضرر خرابی بود و زراعت سال بواسطه این بارندگی بسیار خوب شده است **سمنان** از فرار در روزنامه سمنان نوشته اند عالیجاه مقرب الخاقان مصطفی خان سرتب افواج سمنان و در این خان وارد گردید صاحب مضبان لوازم استقبال را بعل آورده و مقرب الخاقان مشارالیه مشغول نظم امور سرباز و تاسان و تشخیص غایب و متوفای و التمام کسر آنها شد و تنخواه ایات را بجهة مواجب سرباز و مصارف خلیف حواله کرده و در کار وصول و ایصال پیشان (دیگر نوشته اند که در محله اسفجان سمنان مردی باران و اطفال خود در خانه نشسته بودند ناگهان دیدند اسقف خانه خاک میریزد اطفال را بر داشته فرار نمودند فورا اسقف فرود آمده یک طفل را که فرصت بیرون بردن نکرده بود بزرگ گرفته ملاک کرد و باقی سلامت بر سر رفتند

۲۲۰۷

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند امور آن ولایت احسن توجهات اولیای دولت
 قاهره در کمال استقامت و نهایت امانت در آن ولایت حاصل است عساکر منصوره که در سرحدات خراسان
 فوج فوج در سر راه خراسان هر که ام یکفینج و دو فرسخ با یکدیگر فاصله چادر زده نوشته اند فقط ایکه
 که مأمور شوند حرکت نمایند و افواج شاه بود و ترشیرم چند و پیش ازین وارد ارض اقدس شده در
 دروازه ارک چادر زده و مشغول انجام مذاکره هستند که نامتومی بعضی اسباب خود را تمام نموده با فوج
 دیگر ملحق شده هر جا مأمور شوند حرکت کنند (دیگر نوشته اند که این اوقات محصول تازه خراسان
 بدست آمده در هایب و زارعین مشغول درو کردن و برداشتن غله پشته و امسال بجهت حاصل آن ولایت بهتر از
 سالهای دیگر است خصوصاً زراعت دیم که بواسطه بارانهای نافع موفع جنلی خوب آمد کرده و
 مالی ولایت از وفور نعمت و حصول امانت کمال شکر گذاری را دارند با اینکه روزیاد از مالک محروس
 بارض اقدس آمد و رفت نماند همه چیز فادان و داران است) (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان میرزا
 قوام الدوله در نظم ولایت و انجام امور سپاهی و رعیت اهتمام زیاد دارد و هر روز دو ساعت از روز با
 در بیرونی نشسته بعضی و داد مردم و محاملات و محاسبات رسیدگی نماید و شبها را نیز تا وقت است از
 شب گذشته مشغول رسیدگی محاسبات و داد و ستد ولایتی باشد میرزا محسن کلا تر سابق ارض اقدس
 در امر کلا تری و کمره باقی دار شده بود بحساب او رسیدگی کرده چند روز در آنجا بگذشته درین روزها او را
 نمود که رفته باقی دیوان را انجام نموده کار سازی نماید و عالیجا آقا ابراهیم صندوقه در محرم فرما فرمایند
 که آدم معقول و کار داران و پادشاهت و حسن سلوک معروف داهل ولایت رعیت کلا تری اولو دند کلا تری
 اقدس برقرار و خلعت شغل منور را با داد که با کمال دگر با انجام خدمات محوله بنحو مشغول باشد) (دیگر
 نوشته اند که اشرفی تومانی در خراسان کسریا دهم رنده قریب بدو هزار دینار و محاملات کسریا شده بود مقرب الخاقان
 قوام الدوله فرستاده صنف و کسب را جمع کرده و بقدر دوی هزار تومان پول نقره از خود بصرفان داد که در
 میان مردم معامله کنند و الترام گرفت که صاحبقران و اشرفی مبادی بدون تفاوت معامله شود و نرخ اجناس
 قیمت معین هر یک قرار داده قدغن بود که از آن قرار کسی تخلف نماید و زیاده کم نبرد و در باب رفع تفاوت
 اشرفی در یال چون از جانب اولیای دولت علیه نیز حکم شده بود حسب احکام همه ولایات خراسان حکام
 نوشته شد که در تفاوت میان اشرفی در یال را موقوف دارند و ولایات دیوانی را رعایا خواهد ریال
 اشرفی تمام دوزن هر چه بدیگرسیل داران و حواله داران دریافت کنند و با الفعل رفع این غائله
 اشرفی و صاحبقران بدون تفاوت و توفیر و جمع ولایت خراسان داد و ستد میشود در رعایا ازین جمله کلا تری

۲۲۰۸

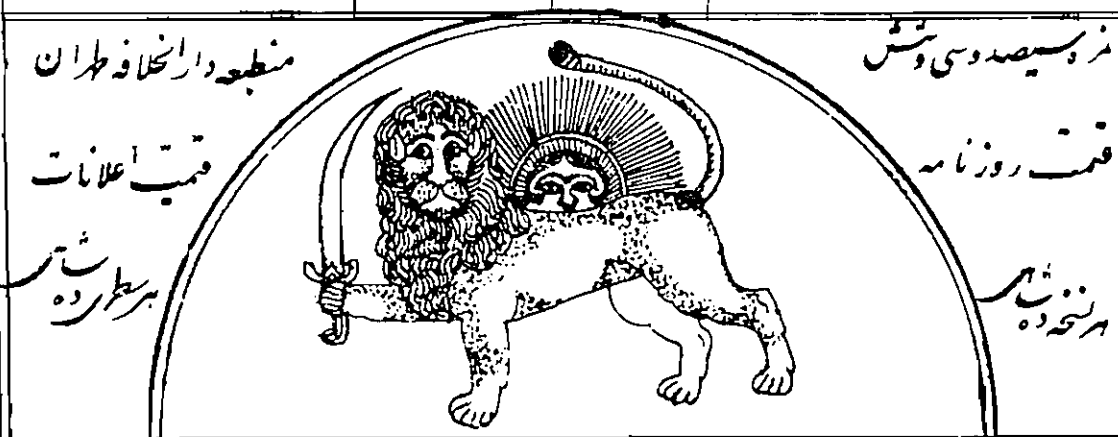
فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور ولایت اتریش مرافت تو است تا موید
 قرین انظام در عیاد و بریا آمده خاطر بدعا کونی ذات است تا یون شامشای اشتغال دارند (از قراریکه
 در روزنامه بندر عباسی نوشته اند بعد از فوت امام مسقط ما بین سید ثوینی پسر بزرگش که جانشین است
 و پسر کوچکترش ترکی مخالفت ظاهر شده صید ثوینی استعداد جمعیت فراهم آورده هر که رفته بود از قراری
 این روزنامه خبر رسیده است در برکه قشون او از جنگ مهربان زوده و غدر آورده اند که ما با اولاد امام
 جنگ نمی کنیم ترکی برادر تو و اولاد امام است تیغ بر روی او نمی کشیم و بجهت اتفاق اعراب جنگ اتفاق نیفتاد
 اگر چه سید پهل و صید محمد بن امین که از جمله محترمین ولایت اند واسطه بودند که شاید ما بین برادران صلح شود
 ولی چون ترکی بملاقات صید ثوینی با صلح نبرد واقع شد و در محل موسوم بشناس لواری صید ترکی بخواب
 بطلبه بگریه شناس را گرفته و تصرف نموده است ولی لواری تا هنوز متوجه است که بگریه و در تصرف گران
 صید ثوینی است) (دیگر نوشته اند که یک نفر تا جزا داده با شخصی طارمی اتفاق کرده که بعد از آن
 تمام تاجر قزوینی و بندر عباسی در دیده و پنهان کرده بودند شیخ بندر در صد تقصیر بر آمده و سارقین معلوم
 شده و سیکر گردیدند عدل نیل از آنها سرزد و بصاحبش نسیم شده و هر دو توبه مضبوط شد و همچنین در
 سیاه کجیل قماش مال شخصی شیرازی را در محلی از حوالی بندر که قافله انداخته بود سرقت کرده بودند
 صبح صاحب مال آمده مات را بجا کم بند را اظهار کرد و حاکم از قراین شدحت که در دزدان کیستند و در کجا
 پیاشته و دستاورد هر دو را گرفته آوردند عدل قماش را از آنها گرفته بصاحبش رد کرد و آنها توبه کامل
 نمود) (دیگر نوشته اند که از نیم ماه صیام الی دوازدهم ماه منور متصل در قبه دریا فیما بین ممبسی و مسقط
 باد و طوفان شدت داشت چهار پنج نعل از اهل سورجبلان که از علا و مسقط است در پنج محل داشت در سور
 منور غرق گردید یک نعل نیز که بارش قفل و قوه و از مسکو در بود هم در سور غرق گردید و چند نعل دیگر از
 حضرات اوزی و لجه و قشی و کوی و عتوبی و کراچی و حیدرآبادی و بنود صد مات ریا و خورده
 االی این کشتهها از شدت اضطراب بیشتر اجناس محموله را بدریا ریخته دکشی را سبک کرد با صلح
 رسانده اند و چند نعل و بدن هم در لکرگاه مسقط بواسطه همین باد و طوفان خورده ضایع گردید
 اما بیشتر آن نعلها سالم به بندر عباسی رسیده قماش و مسقط حمل شده) (دیگر نوشته اند که در
 این اوقات طایفه اعدا دور الگای قاید رستم چاه کونی را بواسطه سابقه عداوتی که با او داشته است
 در باغ علی آباد فورک مقبول ساخته است و میرزا علی اکبر فارغانی نیز که شوش فتنه و ف و محال سبب بود
 دسگیر مهربان گردیده و در فورک محبوس است

۲۲۰۹

یزد از فرار یک در روز نامه یزد نوشته اند امور اتولایت قرین انتظام است و در ناخوشی آنجا نیز تخفیف کلی
 حاصل شده نزد یک بیان است که اشاء الله مایله رفع شود و اکثر اهل شهر که با عیال و اطفال بیلوکات و
 بیلاقات رفته بودند حال بشهر را حجت می کنند در اوقات شدت ناخوشی که در شب و چهارم ماه مبارک
 رمضان بوده است مقرب النخاقان نیچو الامیر العظام محمد یوسف خان سرتیپ حاکم یزد به بیلاقات رفته
 ولی عالیجا مقرب النخاقان میرزا شفیع پیشکار یزد بجهت نظم ولایت و انجام مهمات دیوانی در شهر مانده و در سبب
 رفع و دفع ناخوشی اهتمام زیاد نموده است از جمله که کورهای آجر و آهک و کچ پزی که در شهر بود موقوف کرد
 و صرف میوزنعمه موقوف داشته و همچنین کاکین عصاره و صابون پزی و طیباخی و کله پزی را در بازار
 قدغن کرده ببندند و کفات شهر را بقدر مقدور منجارج ببردند و آنچه نتوانند زردی آنها را بپوشند و مغرب
 جدید و اندنی را کلاکچ ریخته منضوط نمودند و بجهت شدت ناخوشی از خارج غله بشهر نمی آمد و مان بسیار گران
 شده بود عالیجا مشارالیه بقدری با نقد شصده حرد و غله که قبل از حرکت بدار انجلا در مدبر خریده و انبار کرده
 بود بیرون ریخته بخاران تقسیم نمود و قدغن کرد هر کس انبار غله داشت شکره بخاران فروختند و غله
 و فور هم رساند بطوریکه نصف آن قیمت که بالا رفته بود تنزل نمود و بجهت کم یابی برف و یخ که در آن ایام
 زیاده مطلوب بود مردم شکایت داشتند عالیجا مشارالیه آدمی مخصوصا بمیان رعایای دماست میان کوه
 که یخ و برف از آنجا می آورند فرستاده و نوشت که رعایای آنجا بنوبت روزی پنجاه بار برف و یخ آورده
 بشهر بفرستند و برف و یخ فور هم رساند و فاقد کلی از برای خلق قاصل گردید و نیز در اوقات شدت ناخوشی
 که مردم اغلب از شهر فرار کرده و خانه ها خالی مانده بود و بوزان فرصت یافته دست به بریدن خانه ها و سر قلمها
 مردم بر آورده بودند عالیجا مشارالیه ازین منشی مستخرج شده دارد و چند نفر از که خدایان را معزول نموده عرض
 آنها گمان هوشیار با کفایت گذاشته چهل نفر بگریزهای شهر بجهت خط و حر است محکات افزوده ادما گذاشته
 اغلب رقیب را گرفته محبوس نمود و از فرار آنها بر همین اموال مردم را که در دیده بودند در ابر قوی خاک
 اصفهان چه فروخته و چه با باستان سپرده بودند فرستاده حیفی از اموال مردم را بعیسها آورده بصاحبان رد
 (دیگر نوشته اند که شخصی از اهل رفسنجان بلوک کرمان یزد عالیجا میرزا شفیع آمده مذکور داشت که چند زن از اطراف
 فیوج بخانه من آمده و صد و بیست و شش تومان پول مرا بیعت بردند حاکم آنجا اتهامی در گرفتن پول من نکرد حال
 طایفه تقریر لغت یزد آمده اند عالیجا مشارالیه فرستاده پیش خندان آنها را آورده محبوس نمود از آنها چیزی معلوم نگردد
 بعد از نظر از جمال آنها را آورده از بر کد ام بی استخار دیگری بکن نمود و جوابهای مختلف گفتند از حرف یکی از آنها استخار
 کرده اند نگاه داشته قدری تهی و تشنه کرده قرار نمود که زنها دو کس غنچه در یکی صد و یکری بیست و شش تومان آورده صاحب حق گفت
 بخانه را آورده بجنسها با دستم کردند

۲۲۱۰

روزنامه وقایع آفتاب یخ توپم به سینه هم ذی قعد الحرم مطاب سال میلانی ۱۲۷۲



اخبار دهنده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون آئینه لوسان بحسب بیلاقت و عدوت ما و برودت هوا و شکارگاه از سایر بیلاقت دارالخلافه
 قیاس دارد و بعضی سالها سرکار علی حضرت آقا سرتیپ یون شاهنشاهی تشریف فرمای آنجا میشوند لهذا در روز
 جمع بیار هجمه موکت یون از اردوی نیوران بعزم چند روزه تفریح و تفنن و شکار را به حرکت فرمودند
 جناب مستطاب اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم در موکت یون بوده و از سایر خدم و حشم بقدر
 لزوم مقرر رکاب آقا سرتیپ یون شدند سایر اهل آردو و کاکان در نیوران و دهات دیگر شمیمات هر
 در سرکار و خدمت خود هستند تا موکت یون مراجعت فرمایند (فوج مقرب الخاقان حسن خان
 سرتیپ آردو که محض خانه شده بودند در روز حرکت موکت یون بطرف آئینه در زیر قصر نیوران
 نظامی کشیده بمطراف قدس طوکانه رسیده مورد اوقات بختین شدند در بازار خدمات مقرب الخاقان
 مشارالیه از جانب سنی اجواب یون یک سو بجهت ترمیم باطلت حجت شده و با فوج روانه آذربایجان
 گردید و مقرر شد که کسر فوج را در آنجا بزدی با تمام برسانند (در این اوقات که موکت یون سرتیپ
 فرمای آئینه شدند حکومت و نظم اردوی نیوران و شمیمات بعهده کفایت مقرب الخاقان عیاض خان
 سردار لایحانی مفوض و مرجع گردید که در عیاب موکت یون امور اردو و قراول و غیره را منتظم دارد
 مقرر شد که عالیجا، جلیل خان یوزباشی با پنجاه نفر غلام و یک نفر مایب و آستخانه با پنجاه نفر و شش بصورت
 مشارالیه مشغول حفظ و حراست و نظم اردو باشند (چون عالیجا بهر زامه سر رشته دارد و قرقانه مبارکه در لوز
 محاسبات و دستورات لعل آذربایجان بطور خوب از عهده برآمده حسن حدیث ارحمی و صداقت شعاری خود را

۲۲۱۱

در نظر اولیای دولت قاهره بوجه حسن و طور اکمل بدرجه شهود و بروز رسیده لهذا مورد عنایت التفات
 شده یکطرفه شال ترمه از جانب سنی ايجونب ها یون برسم فلعت با و محنت گردید (چون عالیجاه
 مقرب انخاقان احمد خان یوان یکی اردوی ها یون حسب الامر قدس علیحضرت شاهنشاهی مأموریند
 ابو شهر و سرحدات شده و در روزنامه سابق سمت تخریر یافته بود در این اوقات نیز بمنح عواطف ملک
 در باره مقرب انخاقان مشارالیه از جانب سنی ايجونب ملوکانه اورا منصب و لقب دریا یکی کبری
 فارس مضروب لقب فرموده و با عطای یک قطعه نشان دیشان از درجه اول تیرسی و عامل سرخ
 مخصوص آن سرفراز و قرین مبادرت فرمودند) (نظر بطهور خدات عمده الامراء العظام محمد خان
 که هفت در دربار ها یون از او صادر شده و میشود و درین چند سال ایام حرکت موکب ما یون شیراز
 و سیلا قات درارک مبارک متوقف و مشغول خدمت پناه و مسواره حسن کفایت و خدمت او در
 حضرت اقدس ها یون و نظر اولیای دولت قاهره جلوه گرامه است یکقبضه شمشیر ترصیح بسیار
 و هزار تومان انعام نقد در وجوه و محبت) (هوای دارالخلافه طهران اگر چه در این سال حرارت دار
 اما سجد الله چنانچه در وقت گذشته نیز نوشته سلامت است بطوریکه ناخوشی های متعارف هم
 همیشه درین فصل بود بسیار کم است امور شهر کمال انظام را دارد و نواب شاهزاده و الا بتار محمد تقی میرزا
 حکمران دارالخلافه و مقرب انخاقان میرزا موسی و نیز عالیجاهان کلانتر و کدخدایان شهر هر روزه
 اول صبح تا شام در عمارات ارک سلطانی حاضر و سجدت مشغولند عمده الامراء العظام محمد خان
 و صاحب مضبان نظام کلکاتب و روز درارک حاضر و سجدات محو که مشغولند چنانچه فیما بین سپاهی
 و رعیت حرفی لبود فوراً و نیز و امیر تومان باستقواب یکدیگر قطع و فصل بینا نیند توپچیان و زنبور
 و افواج قاهره متوقف دارالخلافه هر روز علی الاستمرار در میدان مشق حاضر و در کمال نظم و شکوه مشغول
 مشق میشوند و عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان همه روزه در میدان حاضر و مواظب مشق میباشد
 صاحب مضبان نظام ظفر در جام نیز علی الاستمرار حاضرین نظم و آدابهای شهر که بجهت عالیجاه جبرین
 نایب اجودان باشی محول است عالیجاه مشارالیه کمال مراقبت را در نظم فراول خانها داده هر روز
 و هر شب سرکشی نموده هرگاه ارکسی خلایق سر بزنگر فتنه نیز عمده الامراء العظام امیر تومان آورده
 تقصیر تنبیه ینما) (آدم نواب ام میرزا پیر مرحوم ملک آرا بعضی اسباب بیستتاری خدمتکاری
 از خانه ایشان برده بود بجهت اطلاع عالیجاه حاجی میرزا تقی که خدای آن محله مال آنها را تمام و کمال کرده
 و در زمان حکم نواب شاهزاده بیست رسید) (سابقا بموجب روزنامه سابق حکم شده بود که خرافات

۲۲۱۲

شهر زیاده از سی نفر نباشند زیرا که زیادی این کسب بایه اختلال معاملات پول می شد در این اوقات معلوم شد
 که زیاده از اشخاص معصده سابق پانزده نفر دیگر باین شکل اقدام نموده اند معرتب انخان خان میرزا موسی آنها را
 گرفته مقبیه نمود و التزام ایشان گرفت که دیگر دخیل این شکل نشوند **سایر ولایات**
ازربایجان درین معده نیز روزنامه از ازربایجان نرسیده است ولی از فرار مکاتیب تجار
 که نوشته بودند بعد از چند روز که تا هفتم ماه در تبریز وقوع یافته تا دوازدهم ماه که تاریخ کاغذ
 بود دیگر زلزله اتفاق نیفتاد ولی در شب دهم روشنائی ستاره مانند بناله دار مثل پارسال
 از طرف مشرق ظاهر شده بطرف مغرب و شمال مایل گردید و روشنائی ادب روشنائی بسیار
 غلبه داشت **فارس** از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند کمال اہمیت و انتظام و فوز
 نعمت در آن ولایت حاصل است و رعایا و برابا در عین آسودگی بدعا کونی ذات آمد سربان
 شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه مشغولند و امور شهر و محلات و طرق و شوارع مضبوط است
 در وی و سرفقت کمره اتفاق می افتد و عابریں و مترادین با آسودگی و اطمینان عبور و مرور می نمایند
 (از فرار یک در روزنامه بندر عباس نوشته اند صید ثوبی امام مسقط در این اوقات در محل
 موسوم به بوطیکه در دو فرسخی مسقط واقع و بحسب آب و هوای مسقط بهتر است اقامت دارد
 و چند یوم قبل صدمه بواسطه افتادن از جازه بدست مشا رالیہ رسیدات و اعراب تبعه سلطان
 صغر و شحج که سابقا نوشته شده بود بنہای منازعه با ہم دارند در این اوقات از فرار یک نوشته اند
 دست بفارست و تاراج اموال یکدیگر گشوده اند) (دیگر نوشته اند که جهاز منوار دولت فرانسہ
 چند وقت قبل ازین برای آب کسیری بمسقط آمدہ صاحبان جهاز نصید ثوبی را ملاقات کرده
 خواہش نموده بودند که چنانچه خرقیل نام بیود از جانب مجلس مسقط وکیل و مشغول کارساری
 جهازات آنها در و رود با بنجا از قبیل دغال و سایر محتاج و لوازم است از جانب فرانسہ نیز
 وکیل در آنجا باشد که منکام عبور کشتہای فرانسہ از آنجا تدارک و لوازم آنها را انجام بدهد
 خبر بر فرار شدن وکیل منور فرانسہ معلوم نیست) (دیگر از فرار یک نوشته اند عالیجاہ حلال خان
 مرحوم القویردی خان بش کردهی از بیم جمعی از معاندان آنها که بدو رقلعه انکھران رفته بودند
 تا ب معاومت نیارده فرار بہ بندر عباسی آمدہ یکد و روزی در آنجا توقف نموده روایتی از
 کردید که در خدمت نواب مستجاب برادہ و الایثار مؤید الدولہ حکمران فارس نظلم و عرض حال
 طلب خون بر او خود را از قاتلین او نماید

حم از فرار یک در روزنامه نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت قاهره و مراقبت مقربان
 چه اعلی خان حاکم ختمه امور انولایت قرین نظام کامل در عایاد امالی انولایت آسوده خاطر بدعا کونی ذات
 اقدس هیون شاهی شتغال دارند در فضل بهار که بارندگی زیاد مطلوب بود خصوصاً در آن ولایت
 که بیشتر زراعت آنجا دیم است بارندگیهای خوبه و نریخ غله با اینکه حساب الامر با ذریبایجان زیاد بوده و پیش
 تنزل کفی کرده امالی انولایت کمال شکر که از ایراد دارند و بجهت حسن سلوک و مهربانی مقربانخاقان مثالی از
 امالی ختمه و نجان آنچه در سواه سابقه متفرق شده و بولایات دیگر رفته بودند در این اوقات متوالی
 با ما کن و او طمان خود را محبت می نمایند (سابقاً در باب حمل و نقل غله از ختمه بد استلطفه تبریز حکم از اولیای
 دولت علیه شده بود که دو اب از آذر بایجان بیارند جنس از ختمه حمل کرده ببرد چون دو اب از آذربایجان
 برسد چند دفعه مقربانخاقان چه افضلیان جنس بشود قاطر خود حمل کرده آنجا فرستاد بعد از آن با ما لی شهر
 رنجان و محلات قدغن نمود که هر کس جنس دارد حکماً حمل و نقل تبریز کرده در آنجا ببرد امالی ختمه ختمه حکم
 هر چه جنس داشته در اندپی در پی و لایق قطع بر تبریز ببرد و بهین جهت نریخ غله در تبریز و سایر محال از زیاده
 سکت و دوفور بهم رسانده باعث دعای خیر بجهت دولت ابدایت گردید (دکتر نوشته اند که رودخانه
 سامان ارضی که محل عبور کمر منصوره و زوار قوافل و مأمورین بود بجهت نبودن پل عبور از آنجا بصورت
 مقربانخاقان مثالی مخصوص حصول دعای خیر بجهت دولت قوی شوکت قاهره ملی در کمال استحکام در سر رود
 منور داهات میارند و این روزها قریب با تمام است و همچنین عمارت دیوانخانه بزرگ قدیم دیوانی
 و کریاس و دالانها و سردری بزرگ مشرف میدان کلا سهندم و خراب شده بود حسب حکم اولیای دولت
 علیه بنا و عمل زیاد در آنجا انداخته مشغول بنانی و تعمیر شدند و اهتمام زیاد دارد که رفود با تمام برسد که بر
 دهر محرم در آنجا کتبه دولتی سبته شده از جانب دولت علیه دهر عاشور در آنجا تعزیه داری بشود و هر روز
 متجا و زارسی نفرینا در آنجا کار میکنند **احبار دول خارج** بمجلس معلوم شد که از دست
 قشون در روپای تحت پایا قات دارد فرمانان قشون منور سال در دست اهل دهر نوشته بوده اهل دهر چند نفر بجهت ملافی
 شبانه سنجاز لوفته دجالی که قراول در عمارت بود است بطوری رفته اند که قراول ندیده داخل الحاق بیرونی او شده اند
 با بعضی اوراق مهمه برداشته و بعمارت تحتانی رفته یک مرغ بندی از انال فرمانان منور کباب کرده خورده و رفته اند و سوا
 این دیگر کاری کرده اند و در ان خانه خیلی آدم بوده است که این اشخاص باین طور رفته و ما نزد یک صحیح
 مکت کرده و کباب خسته و خورده اند و کسی نفهمیده است که اینها چه وقت آمده و کی رفته اند چون بسیار محفل
 بوده است در همه روزهای دو ماه این گزارش را چاپ زده اند

۲۲۱۴

در روزنامه‌های سابق گزارش افتتاح مجلس شورای پارلمنتو انگلیس نوشته شده بود بموجب روزنامه
 که این اوقات رسیده است تقریرات پادشاه انگلیس که توسط دکیل دولت مزبور در مجلس مذکور خوانده
 شده از این تقریر است اولاً استراحت حاضر فرنگستان متقاضی آنها رهنویست است احکام معاهد و صیحه که در
 تنظیم شده که تا مذکور دیده و بعضی نیز که تا کنون مجری نشده است خواهد شد و الفاظ احکام مندرجه تا ما غفر
 مأمول است در باب منازعه مابین دولت پروسیه و جمهوریه اسپانیا که مجلس در تقریرش در پاریس کرده شده
 و با قضای رأی و قرار داد مجلس مزبور که مستلزم خوشنودی طرفین است صورت حسن خفاش مأمول میسرود
 در باب استیلایت حکومت خود و راز مابین دولتین انگلیس و مجتمعه سکی دنیا خالقین ظاهر شده هنوز
 آن نگردیده است در باب اندفاع منازعه مابین دولتین انگلیس و ایران معاهد و صیحه که در پاریس تنظیم شده
 بعد از مذاکره مجلس ابراز خواهد شد در باب منازعه مأمورین کشته‌های انگلیس در سواحل چین با قائم مقام
 شهرکاتان در کمال ناسف بجهت اندفاع آن در ضمن تنظیم معاهد نامه مأموری متعدد بچین فرستاده شده و
 اجرای آن معاهد نامه مقدار کافی قشون بحری و بری بهر ایشالیه مأمور گردید که کوه‌گاه صوند که قریب
 اسوج در راه دریای بالتیک است من القیم در تحت حکومت دولت دینازک بود و دول معلومه بالاشترک
 دولت مزبور خیزه اند درین خصوص جوی که سهم دولت انگلیس است بدولت دینازک باید داده شود این بود
 خلاصه تقریرات مملکت انگلیس در مجلس مزبور (در سال گذشته حاصل ابریشم در فرنگستان چنانچه بکرات در
 روزنامه‌ها نوشته شد بسیار کم آمده بود و کمان گردند که این علتی است که تخم ابریشم عارض شده است
 بجهت دفع این فقره صاحبان کارخانه‌های ابریشم اوهای متعدد فرستاده از بر و سه و ادره و سلاویک
 بیروت و شام و یرمحال معلومه تخم ابریشم آورده بودند درین سال از آن تخمها فقط تخمی که از شام آورده بودند
 گرفته و مابقی کلاً خراب شده و باین کیفیت اصحاب این کار در چار ضرر و زیان شده و گذشته از آن بحاصلات
 سیریه و مال دیوان نیز نکت واقع میشود در خصوص اندفاع این علت هر کس بطریق سهولت چاره پیدا نماید
 اعلان کرده اند که اختیارات عدیده با داده خواهد شد و حاصل ابریشم با نوج در فرانسه و اسپانیه و ایتالیا
 و اغلب محال فرنگستان بدرجه نبودن رسیده نظر مابین حال و سال آینده در ضمن وقایع حاصلات از طریق
 خلل از حال بعضی محال مالک همایه در ضمن مباحثه تخم ابریشم از جانب دولت فرانسه اعلان کرده اند
 درین اوقات از جانب دولت مزبور شخصی بمأموریت مخصوصه فرار شده است بانجا فرستاده شود هر کس هر قدر تخم ابریشم
 بخواهد بفرستد بحکومت مینماید و حاکم از آن با قیمت خرید بمأمورین دولت فرانسه بفرستد

شخصی از نفرات صنایع رضی مستلا شده در بیوک دره اسلامبول مدکان ده اساز رفته بیان مدعا کرده بود
 ش کرد و اساز چند حب با و داده مشا را لیه حب را استعمال کرده مرض او شدت کرده بجای طلب
 رسید صنایع او را بکلیب طبیعت برده در اینجا معلوم شد که اشتداد مرض او از این حب بود است
 شاکر دد اساز را آورده و تحقیق نموده آن دکان را موقوف کردند و سواى این نیز انعام کرده بکنیف
 سر تیب بجهت دفع علت از تجار صابون از شخصی حب گرفته بخص حوزدن فوت شده بود عسکر
 فرستاده تاجر مزبور را آورده بودند و بواسطه اطبا حب را معاینه نموده در میان آن حیوه و سرب
 و ازین قبیل چیزها که سمیت دارد ظاهر شده تاجر مزبور را محبوس و در سلطینیه این فقره را نشود
 کردند که مردم محترم باشند و اساز را بی وقوف یا تجار که مناسب بعضی طبابت ندارند و کنگر
 و طبیبی که خدقش مشهور مسلم باشد رجوع نکنند تا منتج ایگونه مخاطرات نشود (سابقا رفتن
 نواب غراندوق قسطنطین برادر علیحضرت امیرالطور رومیه که وکیل سحری دولت مزبور است با کتبی بجا
 تماشای کتبی سازخانه طولون نوشته شده بود موجب اخباری که در این اوقات رسیده است بجا
 معزی الیه بغیرت پاریس نسبت رسید حرکت کرده و از جانب علیحضرت امیرالطور فرستاده وکیل حریه
 دولت مزبور با استقبال امور گردیده در بعضی روزهاها اقامت نواب معزی الیه را در پاریس تا پاره
 روز نوشته اند و از اینجا بعدن رفتن با رفتن ایشان بنور خبری معلوم نیست) (در کتب حریه پاریس
 ما بین صنف دویم شاکردان و معینان بعضی کوزه برودت حاصل شده و ما بین حبه در کتب مزبور
 ملحوظ گردیده از جانب علیحضرت امیرالطور فرستاد با گردان صنف دویم حضرت خروج از کتب مزبور
 داده شده موخر آنچه وقوع رجاء از بعضی اطراف رجوع شاکردان مزبور را با بکلیب حریه اذن و
 واداند) (چند وقت پیش ازین مبنی بر بعضی اسباب پولیک ما بین حکومت پایا دولت اسپانیول
 برودتی حاصل شده بود در این اوقات مخالفت آنها بخواهت مبدل گردیده از طرفین سفرا نیز یکدیگر
 ارسال کرده اند) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که از سببه اختلافات سابق اسپانیول
 اصحاب قشاد با آغاز مفسدت کرده بودند از دولت مزبور حکم شد که آنچه اسلحه و اسباب حرب
 در درون مملکت و روستا سائر خلق است بگردان و این دفعه دویم است که در دولت اسپانیول
 اسپانیا حرب را از میان مردم جمع کرده اند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شد در آنی که در لندن بود از
 روستا مجلی منعقد شده و آنها را دعوت و تکلیف همی استرا کرده بودند جمعی که راضی شدند و معاش ما نهاد و داده روانه کردند
 در این اوقات ای بچه دزد که در لندن مت در دفتر پولیس که عبارت از کزنده با ثبت شده شانزده هزار نس بقم آمده اند
 فقط دزدی که در سال گذشته کرده اند قیمت آنها پچهل و دوهزار لیره که تخمینا بود هزار تومان پول ایران باشد رسیده است

۲۲۱۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ۲۴ شهریور ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران

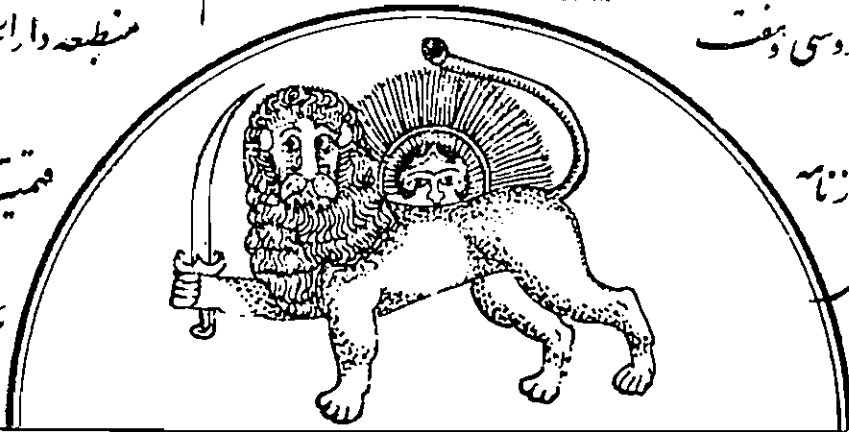
نمده سیصد و سی و هفت

همیت اعلانات

قیمت روزنامه

هر طرزد

هر نسخه ده



اخبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اگر چه بعد از روزنامه منطبقه دارالخلافه مراسم تشریفات و احتراماتی که از جانب ولیای دولت انگلیس بقضای دوستی قومی و
 دولتی نسبت به نجاب قصاب این الملک فرخ خان ایچی کیرو دولت علیه ایران مسکام ورود لندن پای تخت اند دولت
 آمده بود از روی روزنامهجات فرنگستان و نوشتجات سایر نوشته شده بود لکن از قرار اخبار جدیدی که
 از طرف جناب معزی الیه رسید است تفصیل تو قیرات و مکریات و لوازم مودت و مصافحات که از جانب
 اولیای آن دولت نسبت به سفارت کبری تقدیم رسیده از این قرار است که نگاشته میشود بعد از انعقاد عهدنامه سلامت
 فیما بین شوکتین جناب این الملک بملاحظه استحکام مبنای دوستی و مصافحات حضرتین و بجهت اینکه اولیای دولت انگلیس
 مودت و اتحاد هم مکرر اظهار میل رفیق معزی الیه را ببلندن نموده بودند عزم آنجا را کرده جناب زد کولی هم رسماً اظهار نمود که علیحضرت پادشاه
 و بجا انگلستان و اولیای آن دولت شمارا با کمال میل و احترام پذیرانی شایسته خواهند نمود عالیجاه محترم را کابیتان نجاب که جناب
 معروف و حامل عهد صلح از پاریس بلندن بود در ام رجب از لندن آمده از جانب اولیای دولت انگلیس جناب ایچی کیرو
 علیحضرت پادشاه انگلستان محض تجدید مودت و ولتین سفارت کبری را با کمال میل و یسکی پذیرانی خواهند نمود و هر چه در
 بلندن وارد شود بهر است و عالیجاه مشارالیه از جانب الی شهلندن که بحسب منصب بعد از علیحضرت ملکه در میان ملت شخص اول است
 جناب ایچی کیرو اتباع سفارت کبری را برای شب شنبه مجلس شام دعوت نمودند در ۲۲ رجب سفارت کبری با اتفاق عالیجاه
 همراه میسویستین مترجم دولت بینه فرانس و همانند سفارت کبری که از جانب اولیای دولت فرانس ماموریت سفارت کبری
 تا آخر خاک فرانس بود براه آمدند تا عالیجاه کابیتان نجاب هم که قبل از وقت بجهت جایجا نمودن اسباب سفارت براه آمده بود نزد
 این الملک آمده سوار کاسک شده و در آن گشته در مدت چهار ساعت بعد چهل و پنج فرسخ راه طی کرده و بنظر
 این رسیده و بنا صرف کرده در دو ساعت و نیم بشهر و بندر بولون که آخر خاک فرانس است

وارد شده والی آنجا و قونسول دولت انگلیس استقبال آمده لوازم اناسیت و مودت را بعل آورد بعد بکنار سحر محیط در
 محلی که کشتی حاضر بود و در آمدند این کشتی یکی از کشتیهای مغرب دولت انگلیس است که اکثر اوقات حامل سفار و وزیرانی خارجی
 کاپیتان کشتی بیرون آمده جناب امین الملک را استقبال نموده طرفین با کمال میل و مهربانی از تجمید عهد محبت و مودت با هم
 اظهار سرور نموده بعد از نیم ساعت کشتی حرکت کرده عالیجاه سیوسین متبحریم دولت بینه و آذون مرحمت از جناب امین
 خواسته روانه شد سفارت در دعوت طی سافت نموده بکنار بند فلنس تن که اول خاک انگلیس است لنگر انداخت بعد از
 ورود سفارت کبری به بندر نورالی آنجا اظهار بیاضت و شادمانی کرده بجه احترام کلاه از سر بر میداشتنه و کیمف مانور وزارت حاج
 از جانب جناب جلالت اب لرد کلاردون وزیر امور رجه دولت انگلیس با اتفاق چند نفر از اعیان بندر نزد جناب امین الملک آمد و در
 سفارت کبری راهت کفند و لازم مودت را بعل آوردند و بکمال نجاشته در مدت دعوت و نیم شهر لندن رسیدند
 بخص سیدن بانجا و نفر برادر عالیجاه کابیتان لنج و جناب لرد بیگلر کلی شهر و کیمف مانور وزارت حاجه سفارت کبری او
 پذیرائی نموده و از طرفین اظهار خوشحالی و اقبال از رفیع برودت حاصله مابین دو دولت قدیم الاتحا و کرده بعد از انجام
 لوازم مودت بهمانجا موسوم بکلیانج که از برای توقف سفارت کبری معین بوده بودند آمدند و این مهمانخانه اولین مهمانخانه
 و همیشه محل توقف وزیران و شاهزادگان خارجه است روز جمعه بکام ظهر عالیجاه مجدست سراه صاحب اول وزارت حاج
 از جانب جناب جلالت اب لرد کلاردون وزیر دول خارجه نزد جناب لنجی کبیر آمده تهیت کفند و اظهار بیاضت و خوشحالی
 نمودند معترتی لبه نیز لازم مودت را بعل آوردند بعد از رفتن او عالیجاه کابیتان لنج نزد جناب لنجی کبیر آمده از قول جناب
 دولخارجه ابلاغ نمود که اعلیحضرت ملکه در پذیرائی سفارت کبری بچندین سبب تعجیل فرموده و سفارت کبری را دعوت دیگر
 بخصه مبارک خود پذیرائی خواهند فرمود سبب اول محض التفات مخصوص که تا بحال در حق هیچ سفیری نشده است میجو انهد خاص
 تا زنده خوشوقتی را که از اتفاق این مصاحبه دارند و بی میلی که از ظهور این برودت داشته اند دیگری محض التفات بخود
 امین الملک که شخصی روان و در اصلاح ذات البین متحمل نگاهت شده است دیگری بواسطه اینکه جناب امین الملک بتوانند
 بهمانی بگلر کلی شهر برودند زیرا که قبل از شرفیابی بخصه سلطان بجالس مهمانی فتن مناسب نخواهد بود و ساعت از ظهر
 گذشته دو عدد کاسه شش سبه با کاسهای قمری پوش و کیمف شاطر سواره که در انگلیس مخصوص شو و سلطان است
 در ب مهمانخانه حاضر شدند جناب سفیر کبیر و اتباع سفارت همه بلبس لباس سسی و عظیم و نشان آراسته با اتفاق
 عالیجاه مجدست سراه کابیتان لنج بکالکهای سلطانی نشسته بهت عا استلطانی رسیدند چند نفر از اولان خاصه که
 در آن موقع ستیاده بودند بقاعده نظامی سلام داده جناب لنجی کبیر از کاسه فرود آمده داخل اظهار قی بزرگ و عالی
 شدند جناب بیگلر کلی باسی باشی و چند نفر صاحب منصب دیگر جناب معزنی الیه را استقبال کردند و از طرفین لوازم
 دوستی و مودت بجا آمده با لحاظی بزرگتر و منقح تر رفتند در آن اطاق جناب جلالت اب لرد پارلمان صدر اعظم

۲۲۱۸

و جناب فحمت لصاب لار دکلا رندن وزیر امور خارجه جناب ایچی کبیر را پذیرائی کرده طرفین ظهور مصاحبه مبارکه ترتیب
گفتند و لوارم سرت سائیت را بعل آوردند از جناب اعلیحضرت پادشاه اینجا بنگلستان جناب امین الملک استا
احصار فرمودند جناب معزی الیه با اتفاق جناب وزیر درون و خارجه و اتباع سفارت کبری با طاقی که اعلیحضرت ملکه و زوات برس
البرت سوبر ملکه در آنجا استاده بودند شرفیابند اعلیحضرت ملکه محض اتفاقات چند قدیم شرف تشریف آورده جناب
ایچی کبیر نیز چند قدم پیشتر رفته به بیانات حسنه مراسم دوستی و مصافحات دولتین را دادند و اعلیحضرت ملکه از حسن
ادب و ستم فرموده فرمودند اتحقی عرایض جناب امین الملک همه صحیح و درست بوده و البته منظور حقیقی دولت و ملت انگلیس که
همیشه در رفتی و آبادی و پیشرفت دولت علییه بوده است و بی مبی و افسوس دولت و ملت انگلیس بر وقوع این غایبه
معلوم اعلیحضرت پادشاه ایران شده و من مسم کمال خوشوقتی را دارم که بجهت تقدیر این امر که باعث ضرر طرفین و خا
از منظور معنای دولتین بود در رفع شد البته مراتب بی میلی دولت و ملت انگلیس را در تقاربا دولت ایران و میل نشان
با سخاکام بیاید دوستی و محبت اند دولت با دولتی ایران عرض خواهد نمود جناب امین الملک مسم از اینکه فرما
اعلیحضرت ملکه شکرگذاری کرده بعد از آن نامه همایون را پیش برده بدت اعلیحضرت ملکه دادند آن اعلیحضرت نامه را
گرفته و وزیر درون خارجه دادند احوال پرسی از مزاج مبارک سرکار اقدس شهر یاری نمودند و شوهر خود را اینجا
امین الملک معزی فرمودند جناب امین الملک بعد از اظهار شکرگذاری ازین اتفاقات مخصوص صاحب منصبان سفارت را
معزی نمودند اعلیحضرت ملکه بهر یک از صاحب منصبان سفارت تفقدات ملوکانه فرمودند بعد از آن جناب معزی الیه
اتباع مرتضی شده پروند آمدند جناب وزیر درون خارجه تا اطاق آخر جناب ایچی کبیر را مشایعت کرده و جناب
باشیم ما بهلوی کاسکه همراه جناب امین الملک آمدند بعد از آمدن جناب امین الملک بمنزل یک ساعت از ب که نشسته
با اتفاق عالیجه کاتبان لاج نجانه پیکر یکی شهر لندن بهمانی که وعده دهشتند رفتند جناب والی شهر و رشت و اطاق
اولی جناب ایچی کبیر را استقبال کردند و با اتفاق ایشان با طاق دیگر رفتند که در اینجا جمعی کثیر از زن و مردان
مثل وزرای هند و سایر رجال دولت انگلیس بودند دسته بدسته آمده بصحابت عالیجه کاتبان لاج نجانه
جناب ایچی کبیر معزی میشدند و با هر یک از ایشان مراسم مودت و دوستی بعل می آمد بالاخره یک ساعت بعد
با طاق شام رفتند و آن طاقت در خوبی و بزرگی و وضع بسیار ممتاز و در اینجا هر یک بجای خود نشسته
امین الملک محض احترام در جای سوّم میرشاندند و معانی این مجلس کی از مجلس بزرگ است که چهار صد نفر از
زنان و مردان معروف در اینجا حاضر میشوند و قریب سه هزار تومان مصرف این شام میشود و از جمله خبرهای
مخصوص این مجلس آن است که در وسط شام برسم قدیم انگلیس قدحی از طلا مملو از شراب احمر آورده بدت
صاحب مجلس میدهند و او از جای خود برخاسته بعد از دعا و شای اعلیحضرت ملکه جرعه از آن نوشیده بدت

۲۲۱۹

کسی که در بهلوی و واقع است میداند تا اینکه جناب وزیر امور خارجه رسید برخواستند گفت کمال شکر و امتنان را
دارم که بمقتضای میں دولت وقت انگلیس برودتی را که فیما بین دولت ایران که دوست قدیم دولت انگلیس است
و این دولت واقع شده بود در رفع نمودم و اینکه سفیر کبیر دولت ایران را درین مجلس که مجمع اخبار و نیکنامان
دولت انگلیس است حاضر می نمودند و الله آمید و استم که بعد ازین روز بزود دوستی دولتین در تزیینات
بعد از صرف شام جناب جلالت آبا لار و پارلمان صد اعظم و جناب فحامت نصاب الیچی کبیر ایران سستی از اخطا
رفته مدتی در باب استیقام اساس سلم و صفای حضرتین مذاکرات مینمودند روز شنبه از رجال دولت انگلیس بدین
جناب باین الملک آمد رسم مودت بعمل آوردند و دو ساعت نظر ماند جناب باین الملک بیدین مجلس پارلمنت فتنه
مجلس پارحوب گذشت و دو ساعت تفریق باین جناب وزیر امور خارجه رسم احترام و دوستی نظیر آمد و هم درین مجلس
وزیر دول خارجه جناب الیچی کبیر و اتباع سفارت را بمجلس شنبه دعوت نمودند بعد از آن جناب آقا
باشی رسید که اعلیحضرت فک شنبه جناب الیچی کبیر و اتباع را بمجلس شام بحضور دعوت فرمود جناب الیچی کبیر ازین
الغایت ملوکانه اظهار شکر گذاری کردند و دو ساعت از شب رفته بخانه جناب وزیر امور خارجه رفتند جمعی از اعیان ازین
در مرد در آنجا بودند از طرفین صحبتهای دوستی آمیز داشته اند دوستی و موالات بعمل آمد بمیزل معاودت نمودند روز یکشنبه بمقام
جناب وزیر دول خارجه باز دید جناب باین الملک آمد صحبتهای خصوصیت در میان گذشت بعد از رفتن ایشان از حال دولت
و سفیر کبیر دولت روس معین لندن بیدین جناب الیچی کبیر آمد معاودت نمودند روز و شنبه بازار اعیان و اکا بر بدین جناب
معزی الیه آمدند یک ساعت از شب رفته بنا بوعده که از جناب اعلیحضرت فک شنبه بودند و بعد کالکد اعلی از کالکهای مخصوص
اعلیحضرت فک شنبه بردن سفیر کبیر و اتباع با جها نفر کالکدی که لباسهای بسیار قیمتی و کلاههای پر دار داشتند در وقت
حاضر شد جناب الیچی کبیر و اتباع سفارت همه با لباس سیاهی و کلاه سیاه و کلاههای پر دار داشتند در وقت
نشسته سمت راست سلطانی روانه شدند چون بدرجای سلطانی رسیدند کالکدی پیاده و اردو الهادی بزرگ شد که در احوال
و معا رفتن باین کذاشته بودند جنابان صد اعظم و وزیر امور خارجه که در آن لحاظ بودند جناب الیچی کبیر را استقبال کرده با کمال
مهربانی و خوشوقتی از طرفین رسم تعارف مباحثات و در اینوقت اعلیحضرت فک شنبه باین جناب الیچی کبیر و کلاههای پر دار داشتند در وقت
الیچی کبیر و اتباع سفارت در یکمیت طاق صف کشیده لوازم تعظیم عمل آوردند اعلیحضرت فک شنبه از جناب الیچی کبیر احوال پرسیدند
شام شماره فرمودند خودشان دست نواب پرسن البرت شوهر خود را گرفته جناب الیچی کبیر را نیز اشاره بگرفتند دست نواب
فرمودند جناب معنی البی نیز خب الام با نواب فک کرده با طاق شام فتنه و این الهادی بود بسیار بزرگ و مزیّن تصویر سلاطین سلطانه
استادان قدیم و مینوی بسیار وسیع در وسط گذاشته بسیار مینوی که در روی او چیده پیش خدمتان زیاد بود با لباس
قرمز بنجیره وار و المیط حاضر شده اعلیحضرت فک در یکمیت مینوی با شوهر خود و چند نفر زن دیگر مثل زن جناب صدراعظم

۲۲۲۰

۵

نشسته در دست دیگر جناب ایلیچی کبیر در سمت راست نواب ملک زاده مقابل شوهر ملک نشسته سارین هر یک کجای خود نشسته
و ششول شام خوردن شدند در شام مویشی پنجگانه ای مخصوص سلطانی در اخاق دیکر باز و نوار شمول بود اعلیحضرت ملک در شام
زبانها را گفتات و ملاطفت جناب امین الملک فرمود و همچنین نواب کلزاده طرفه صحبتشان با امره جناب معزی الیه بود بعد از شام
اعلیحضرت گفت از روی صدای برخواستند نزد جناب ایلیچی کبیر آمد اولاً سلامتی و جود مبارک کسرا اعلیحضرت آمدس شهرزادی و نواب
علامت و سن مبارک اعلیحضرت شایسته و آداب و رسوم ایران استفسار فرمود و بعد اظهار ضامن و ازرق جناب امین الملک
اظهار فرمود از ناخوشی این نموده با انواع صحبتها میل دی غرضی خود را در دوستی دولت ایران بیان نموده فرمود که نواب
باید مراتب اشخاص را در این قوم شوکتین سجدی که زیاد از سابق بنظر آید جناب ایلیچی کبیر نیز در مقابل هر یک از فرمایشات
ملک جوابهای وافعی که دلیل بر وفاداری قلبی اعلیحضرت آمدس شهرداری جناب شرف ارفع امجد صدر ام و ایراولیای دولت علیه
و اتحاد دولت انگلیس بود عرض کردند اعلیحضرت ملک با هر یک از اتباع سفارت بزبان فرانسه مکلم شد و اظهار التفات
اندازه کرده بعد از آن بطرف جناب لار پارلمان رفته و نواب پرسش شوهر خود را فرمودند که آمده با اتباع سفارت
فرمانید نواب معظم الیه نیز با هر یک از اهل محبت کردند خلاصه درین مجلس اعلیحضرت علامت التفات نسبت جناب ایلیچی کبیر
بعد بیان اطاق رفته نشسته اعلیحضرت ملک نواب پرسش المرت شوهر خود و جناب حدیثیم در برابر امور رجه و جناب ایلیچی
بیر و شاهزاده پسر عموی خود را بخدمت خود احضار فرمودند هر یک را اذن نشستن دادند جناب ایلیچی کبیر را نیز در پهلوی پرس
جادادند بعد از صرف چای دیشی نشینی برخواستند تشریف بردند اهل مجلس هم هر یک بنزد خود معاودت نمودند
روز چهارشنبه جناب ایلیچی کبیر بدین جناب جلالت آداب لار پارلمان رفته بعد از مراجعت از آنجا سفر
دهل متحاطه باز دید جناب ایلیچی کبیر آمد روز پنجشنبه وقت ظهر جناب لار پارلمان میبازدید جناب امین الملک
آمد از طرفین رسم اناسیت و مهربانی بعل آمد بعد از آن تماشای عمارت پارلمند و بلور و سایر عمارات
غریبه و کلیسا و مشق توپخانه و قورخانه و جاهای غریب رفتند و رسم مودت و حرمت بعل می آمد روز شنبه
شیراب حضور نواب و بعد دولت انگلستان شدند و کمال احترامات بظهور آمد (موکب فیروزری کوکب
ها یون که از اردوی نیادران به سیلابی انده تشریف واکر درین معرفت انخاقان عباسقلی خان سردار لاری
با فوج ابوالحسنی خود و متعب انخاقان محمد اسمعیل خان خزان و انظام حب الامراولیای دولت علیه بنظم اردوی
نیادران و امر کشیک و قراول نامور شدند کمال اهتمام را در نظم اردو و قراول حرم خانه و عمره و انتظام شهر
بعل آورده همه شب جمعی سواره غلام و قراولان بکف و حرات مشهورات در گردش بوده سرقت
و خلاف حساب پیچید اتفاق نیفتاده نامورین و مرغیاب موکب ها یون کمال خدمتگذاری را
بعل آورده اند

۲۲۲۱

اخبار دول خارجه

برودتی که مابین دولت انگلیس و دولت چین است روز بروز کثیتر می کند در این اوقات ارکشیها
 بخارجاتی انگلیس یک کشتی کوچک در جوار کانتان از محلی میگذشته است اچینی با پاره بقایعها سوار شده
 هجوم کشتی بزور آورده و داخل کشتی شده کپتان و سایر امانی کشتی را کشته و کشتی بزور را برایش زده و غرق
 کرده اند گذشته از اینها جمعی اچینی با لباس سیاح یک کشتی فرنگی آمده اسلحه خود را بدست کپتان کشتی سپرده
 و بکشتی کشته اند در اشای راه منازعه ظهور کرد چینی کپتان کشتی را با چند نفر کشته درین بین مباشرین جنگ
 بخارج کشتی از دیک بخارج آب داغ بر حوض چینی با ریخته بعضی از آنها را تلف کرده اند همچنین یک کشتی فرانسه
 خیلی از اهل چین سوار شده و بجهت اجرای عرض و اظهار عداوت دو نفر از اهل کشتی را زخم زده بودند فی الحال از
 کشتیهای جنگی فرانسه که در آنجا گذر میگردند یک کشتی رسیده دهنه آنها را دستگیر کرده سی و شش هزار تون
 بهای آنها را از حکومت چین گرفته تا ما را را کرده است (در جزیره صراواتی که از جزایر هند و سمیت جنوب
 چین واقع است انگلیسها که در آنجا اقامت دارند چند هزار کس اچینی را با تخته منتهن هارات و باغ و
 باغیا آورده بودند در این اوقات که خمر جنگ انگلیس با چین در آنجا با انشای باقیه بود چینی ها که در آن جزیره
 شبانه مسلح شده بدون شهر هجوم آورده جنسی از انگلیسها را که در آنجا بود قتل و اعدام نمودند فقط قایم آنها
 جزیره مذکور که این حالت را مشاهده کرده بود خود را بشا جزیره دیگر رسانده روز دیگر با قایمهای متحد و
 کافی صون با بخا معاودت کرده بسیاری از آنها را زخمی و هلاک کرده است) (در روزهای سابقه
 شده بود که نواب غراندوق قسطنطنین برادر علیحضرت امیر طور روس که پارس عزیمت کرده بود بمبارسیلیا و
 شده است بموجب اخباری که این اوقات رسیده است نواب معزی الیه در اوایل ماه رمضان پارس وارد
 شده و با علیحضرت امیر طور فراسه ملاقات کرده و بجهت تبریک قدوم نواب معزی الیه جنسی اجرای شکیله
 نموده اند و لوازم احترام ایشان از جانب دولت فرانسه بعث آمده و از آنجا عزیمت لندن را تصمیم داده در
 روزنامه تامیس لندن نوشته اند که در حالت عزیمت نواب معزی الیه از پارس بندن از جانب دولت انگلیس
 بسود انظر که در پارس بجهت ایشان اجرای شکیله شده بود در لندن ممکن نخواهد شد و مجموع کارخانه کشتی ساز
 خانهای انگلیس را تمام خواهد نمود) (موجب تفصیلاتی که چند دفعه بیان شده است از چند سال قبل ازین دو
 فرنگستان بیکثیر قوه بحیره خود اهتمام دارند از جمله سفاین حربیه دولت پرستیه عبارت از چند قطعه کشتی بود و از
 داناب متن کشتیها مبادرت نموده و یکی از لنگرگاههای آنجا را کشتی سازخانه کرده همچنین دولت را بنده نیز بجهت
 تربیه سفاین حربیه بحای کشتی سازخانه جنوه سطحی را بگیری سازخانه قرار داده و آنجا بعضی مرتبه تاسکام مید

۲۲۲۲

۷

امالی مدرسند و ستان که در تریر حکومت دولت انگلیس است همچو وقت گوشت میخوردند و در مذبح خود نشان
اکل گوشت و آنچه از حیوانات لعین می آید از قبیل روغن و لبنیات حرام میدانند دولت انگلیس چند فوج قسطن
از آنجا گرفته فشک سر باری که میان آنها تقسیم کردند مابروغنی که از استخوان و غیره میگیرند جهت روانی در وقت
انداختن بر تنک چرب کرده بودند فوج های مزبور در همین استعمال فشکها چون سر فشکها را با دندان میکنند
که بر تنک بکار بریند بوی روغن استنباط کرده و دندان خود را بر روغن آلوده یافتند چون این حمله منافی با
آنها بود یکبار یاغنی دعای شده بر وی صاحب مضبان انگلیس که در میان آنها بود مذکور آورده سر کرده انگلیس
بملاطفت آنها را خاموش کرده گفته بود که میفرستم بان محل که این فشکها را میازند و مواخذه نموده قدغن میکنند
که روغن در آنها بکار نبرند و بان تقریب رفع شورش آنها را کرده بود (در روزهای سابق نوشته
بودند که از لندن تا یکی دنیا از راه بحر محیط طلینیک میخواستند تقسیم تعارف بکشند و قومیانیه مخصوصی بجهت
کارشکن یافته بود و سیم و اسباب او را نیز موجود کردند چون این انگلیس یکی دنیا متجاوز از هزار سال پیش
اگر در میان دریایکی از آن سیم با ما ره بشود تعمیر آن عدیم الامکان خواهد بود درین باب اصحاب قومیانیه
جبارت کردند و گذارش مسکوت عنده ماند و چون کشیدن این سیم را دولت انگلیس جنبی لازم میدانند
با صاحب قومیانیه بجهت امنیت بخشائی در هر لی درصد چهار و سیم کفالت و تعهد کرده بودند در این اوقات از
دولت انگلیس قرار شده است که از حاصلات این تعارف تا مدت پنج سال چیزی مطالبه نشود حال با اجرا
تدابیر لازم بجهت کشیدن سیمها مباشرت نموده اند) (سابقاً نوشته شده بود که بجهت قلت ثبات و کثرت
مخارج دولت یونان متوسط و تعهد دول انگلیس فرانسه و روس پیش از این دولت یونان از تجارت
دول مزبور تجواری قرض کرده و تاکنون ادای منافع آن معذورش نشده و در باب طلب هم در احقاق حق
تسلحی و اتهام دارند بجهت اینکه درین خصوص صورت اصلاحی داده شود چند وقت پیش ازین یک قومیان که
اعضای آن مرکب از نامورین دول مزبور بود تشکیل یافته در این اوقات مجلس مزبور ختام پذیر شد و در مقابل
این فروض قرار گرفته اند به انکورد سایر ریجالت که از خارج داخل آن ولایت میشود مقداری برسم کم
علاوه نمایند که بمنافع قرض دولت یونان داده شود) (در باب حال برشم آنچه معلوم همگس است برکت
سجود و کرم داده و ابرشم از او حاصل می کنند در سال گذشته قلی تخم ابرشم در فرنگستان عارض شده و حال
از بعضی مجال مالک عثمانیه که تخم ابرشم لعلی آید خرید و بفرنگستان بردند در این اوقات از بعضی
چین تخم پیدا ابرشم که بر برگ چنار تربیت میشود بقدر صد و بیست من خرید و بشهر لیون آورده در آنجا
بعل آوردن ابرشم آن مشغول اند

۲۲۲۳

بقوام مشهور که در حقه بازی ماهر و مشهور و مسلم است در این اوقات بزود غراند و قه و بیمار آمده درین بازی
 و آنها جنس است طمانچه که در دست داشت بر سبک دناگاه نشکر گرفته دست او را سوزانده و زخم اگر کرد چون
 شمار الیه آتی است که بشبه بازی معرفت و مهارت کاندیش درین مینت مستغنی از توصیف است و در حقیقت
 عدید و صور مختلفه ظاهر نموده تاکنون اینطور عارضه باور نموده بود در این اوقات بسبب این که از شش
 شهرت یافته و نزل نموده است (از تجارت انگلیس که در چین تجارت میکردند سه نفر در این اوقات تهمینه و قوع جنگ
 انگلیس با چین ترک توقف در انولایت کرده و بیمار خود آمده اند و از تقریرات آنها آنچه معلوم شده است این است
 که منظور دولت انگلیس از دست دادن کشتی جنگی و قشون چین طلب رضایت بلکه مقصود اصلی افتتاح یک باب بزرگ
 تجارت است چین این طور نشان نیلی غریب است و باقتضای طبع و حث ایشان قاطبه ان را در کرده ارض از
 متنی که باشد بنظر انی نگاه نمی کنند و اگر اچانایکی از اهل چین با یک فرنگی امیرش و الفت نماید بان شخص حملگی
 بر دست نیامند و بهر سبب که باشد او را گرفتار ضرر و خسارت می کنند با اینکه بسیار بیع المظرو غریب الهیات و کون
 باشند و در میان کسی که بحسب صورتش اینه تحسین با نیت عالی و ادانی الوده که بر و غرور و مغروریشان از
 تعریفه بیرون است حال مدت سیال است که دولت انگلیس سفرای متعددی چین فرستاده و داخل بودن در این
 تجارت را خواست کرده و بجهت حصول مقصود چهار دفعه به دولت چین اعلان حرب نموده و بخر افتتاح لنگرگاه کانتان
 و اموی و نیمپو و شانگهای و قوشو و تسچیزیر و خونقون بچیزی دیگر موفق شده است و ازین سفرای متعددی که
 از انگلیس چین رفته اند فقط یک نفر بخصوص خاقان چین با ریافته و در ضمن تجارت با چین و چین تنظیم یک
 نامه را عرض نموده است خاقان چین از اینکه رعایای زیر حکومت او از چهار صد میلیون که اشتد کرد و منق باشد متجدد
 خود را تمام روی زمین فایق بیداند جواب داده است که انگلیس اگر میخواهد با دولت چین معاهده نامه تنظیم نماید
 یک شرط معاهده نام این است که انگلیس باید باج و خراج که از دولت چین باشد لهند سفیر مذکور بی نین مقصود مراحت
 نموده تا این اوقات کارمخ جنگ شده است از وقتی که کدایش جنگ چین نشر و اعلان شده است در باب صلیب
 احراق شهرکاتان اقال مختلف در روزنامه های فوکنان و جریخ اسلامبول نوشته شده است ولی از تقریر
 این سه نفر باجر انگلیس که از چین آمده اند ضبط و استیلاهای شهرکاتان با این آنی هم حث اگر چه بنا ای که را انجا خرق
 شده است بجهت بسیار بالغ گردیده ولی تخریب نام شده و جمعیت شهر مذکور از یک لیان که دو کرد در با متجا و زاب
 (بجهت اینست معلوم از جانب جمهوری سکی دنیا سه قطعه کشتی که هر یک سی و شش توپ می کشد بسمت چین فرستاده
 که با کشتیهای جنگی دولت انگلیس متفق شده در پیشگاه کانتان چین مشغول جنگ و زد و خورد با اهل چین
 باشند

۲۲۲۴

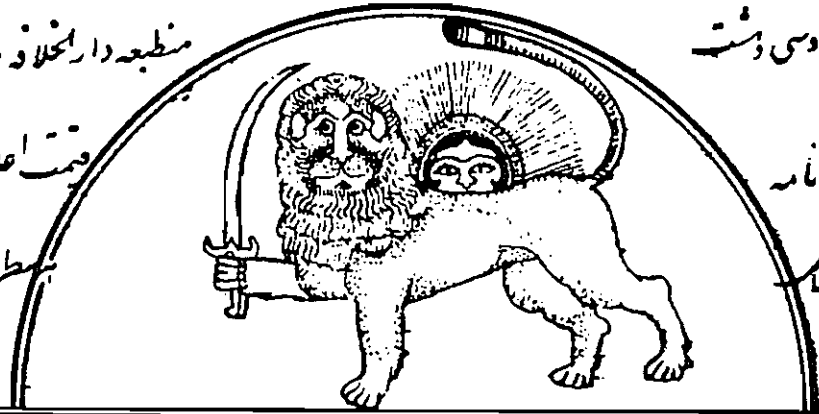
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه غره شهر یحیی الحرام مطابق نیلان سنه ۱۲۷۳

مذبح صدوسی دشت

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
هر سطر دره شش

قیمت روزنامه
هر نسخه دره شش



احبار و ائمه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت امس بمیون شاهنشاهی که بیبلاق امامه لوانان تشریف فرما شده بودند چند روز در آن
 توقف و تفریح فرموده در روز دوشنبه بیت دیکم ماه ذیقعد معاودت و تقصیر نیاداران نزول اجلال فرمودند
 (چون مراسم و الطاف کاظمی که در عهد موجبات سایش و آرامش و تقدیم اسباب استراحت
 نسبت به عموم رعایا و پربای ممالک محروسه که از هر ملل و مذاهب مختلفه باشند درجه مساوات دارد و
 تقاضای در عمل آمدن بواعث سودگی و رفاهیت جمیع رعایای پادشاهی خواه اهل اسلام و ایمان خواه
 و نصارا و مجوس و سایر ملل و ادیان باشند منظور آید و میباید قاطبه آنها بلا تفاوت در عهد امن و امان
 از بیت و آزار مرده کمال گذران نمایند و با هم دیگر موافق قوانینی که در شرح و عرف مهندست رفتار کرده
 بطوری خوب معاشات نمایند و نسبت بیکدیگر خلافت قاعده و حرمت روانه از ند علی پد احب الامم
 درین روزنامه اعلام میشود چنانچه سابقا در روزنامه مسمت اندراج یافته نباید از اجاره او با شش و اطفا
 سلین دارالخلافه البیره و سایر بلاد محروسه بقدر ذره خلافت قاعده و ادیت و منافی حرمت نسبت
 به جمیع اهل ملل و مذاهب خواه یهودی و نصارا و مجوس و خواه سایر ملل و ادیان باشد و در آید و
 عاقله و پدرو و در آنها ازین حرکات و لطوار خلاف آنها را مانع آیند چنانچه بی حرمتی و بی نظمی و منافی قاعده
 از اطفال و اجاره او با شش و بزرگ از اهل اسلام نسبت به یهودی و نصارا و کبر و سایر اهل ملی باشد
 و عمل اتفاق بقصد یا بد حکم و پیشکار و کلا تر و کده خدایان دارالخلافه و سایر ولایات محروسه اجاره او با
 و عاقله اطفال را چنان تنبیه و تادیب نمایند که دیگر مرتکب ازیت و آزار عتیت پادشاهی نشوند و با هم دیگر

۲۲۲۵

کمال قاعده و بنیاد حسن رفتارها شایسته بکنند و یکی یا نهایت بود کی مشغول کاسبی و لوازم عیسی باشند
 (اگر چه شاهزاده محمد یوسف منکام استنبای اهرت طوری با اعمال خلاف شرع مستطاب و افعال
 منافی عدل و انصاف مرتکب شده بود که حمایت و اصلاح اولیای دولت علیه باو کافی نیامد با وجود آن
 که در اصلاح عمل او و اسکاات مظلمین و شکایت کنندگان از جانب اولیای دولت بعلت آن باز نیاچار موانع
 شرع انور بجز اذکافات عمل خود رسید لیکن اینطور اتفاق دین ان می شود که الطاف مومکانه و توجهات اولیای
 دولت علیه در حق بازماندگان و متبمان و دوستان او سلب شود لهذا منضم شمول الطاف مانه در باره
 منسوبان او یکثرت جبهه کرمانی بجایگاه مجد استسرا شاهزاده محمد ضار برادر شاهزاده محمد یوسف و کیوب
 جبهه کرمانی بجایگاه مجد استسرا شاهزاده محسن پسر عمومی او برسم خلعت از بند و قحانه مبارکه حمیت
 گردید تا در اظهار مردم علایم عواطف خیر و انی نسبت بانها واضح و آشکار آید (جناب مجدت و بنا
 استسرا جبرافدی شارژ دفتر دولت عثمانی که از دولت متبوعه خویش اجازت مرخصی موقوت حاصل
 کرده میخواهد درین چند روز روانه مملکت خود باشد در روز شنبه بیت و ششم شهر ذیقعد ه شریفیاب
 حضور انور سرکار اعلی حضرت اقدس هایون شامی دامت شوکته کشته مرخصی حاصل نمود و جناب پسرین
 ارفع امجد صدر اعظم را ملاقات نموده و واع کرد باقتضای اتحاد و مصانفت دولتین اسلام که کار گذارا
 جانین حکم و احد را وارند از جانب سنی احوال مومکانه بقطع نشان و نشان مثال هایون مکتل با
 از درجه دوم بر حسب فرمان هایون و حق او غنایت شد عیالجا مجد استسرا امیرجان داود خان
 متخیم اول دولت علیه شان و فرمان مزبور را بان شان سر منکی اول و حامیل سفید مخصوص ان با
 یکطرفه شال کشیری برای عیالجا مجد استسرا مختار افندی صاحب منصب سفارت دولت عثمانی
 که سر راه جناب معزی الیه روانه است سفارت اند دولت مقیم طهران برده ابلاغ نمود (جناب
 مجدت و بنالک سر راه سیولاغوفسکی شارژ دفتر دولت روس که از وقت ناموریت خود باقی
 در باره دولت علیه آثار خیر خواهی دولتین را ظاهر کرده بملاحظه اتحاد و موالات مکتین از جانب
 سنی احوال خیر و انی یک قطع نشان و نشان شیر و خورشید از درجه اول و حامیل سبز سفیر مخصوص آن
 بر حسب فرمان هایون مرحمت و عنایت شد عیالجا مجد استسرا امیر محمد متشی خاصه وزارت امور
 نشان و حامیل و فرمان مزبور را بمنزل سفارت اند دولت ابلاغ کرد (چون مقرب انخاقان ذوالفقار
 حاکم قم رساوه باقتضای کمال مراقبت که در نظم امور دوله و خارجه و لایب ابوجهی خود دارد و آرنده
 در رنده و قواعل و قطاع الطریق کما یجب استحصا حاصل میباشد در این اوقات پنج قطاع الطریق که در راه

۲۲۲۶

ثم وكاشن واصفهان مال فافله و متر دین را سرقت کرده میبردند دستگیر نمود و مصحوب ده نفر
 غلام در بار معدلت مدار فرستاده ابعفی در پیشگاه حضور عطاقت دستور اعلی حضرت اقدس تالیون
 شاهنشاهی مستحسن و مقبول افتاده محض ظهور رحمت و عنایت ملوکانه در حق مقرب انخاقان مشا رالبیه
 بکثوب کبچه ترمه از بلوسات تن مبارک برسم خلعت در حق او رحمت فرموده و موقوفه زمان تالیون
 نیز منبسی بر اهلها التفات و عنایت بافتخا او مشرف صدور یافت (چون عالیجا مقرب انخاقان
 میرزا رحیم پیچدمت محصل محاسبات درگذران نفاصا و کنا بجهای محاسبات و انام در تالیون
 ولایات و انجام خدمات محوله کمال اهتمام حسن مراقبت خود را مشهود و ملحوظ خاطر اقدس هالیون
 شاهنشاهی و انسانی دولت عطیه داشته خدماتش مستحسن و مقبول و مورد توصیف تحسین جناب مشرف
 امجد ارفع صد اعظم فخرم و سه او از رحمتی تجده آمد لهند در این اوقات از جانب سنی اسجوانی اقدس
 هالیون بکثوب جیه ترمه اعلی از ضد و فحانه مبارک برسم خلعت در حق مقرب انخاقان مشا رالبیه
 (عالیجا حسین خان قاجار نایب نسبی باشی که چند وقت قبل این از دربار هالیون مأمور سان سو
 و پیاده بطام و شاه رده و حامل بقیه موجب آنها از خزانه مبارک بود در آنجا گردیده سوار پوده
 مزبور را احضار کرده و در حضور مقرب انخاقان جان محمد خان حاکم آنولین و عالیجاه محمد باقر خان
 سه کرده نوکر مزبور سان آنها را از سواره پیاده بدقت دیده سواره همه با اسب و سباب خوب پیاده
 بالعتک و اسب خوب جوانان زنده و شایسته در کمال راستگی سان داده اند و ماتی موجب سینه
 لوی نیل آنها را عالیجاه مشا رالبیه در حضور حاکم و سر کرده نفر تفر از سواره و پیاده بخودشان تسلیم و
 محوله بخود را اسجوانی انجام داده و امور نوکر انخا را اعظم نموده عازم دربار معدلت مدار هالیون گردیده
 (امور دار انخا و طهران از حسن مراقبت و مواظبت کار گزاران دیوانی در کمال انتظام است و
 قدرت حرکت خلاف حساب و تقدی نسبت بدیکری ندارد و سرقت و شرب و شرارت بسیار
 اتفاق می افتد اگر اعیانا بندرت کسی مرکب سرقت یا هرزگی شده باشد بتبیه و سزای عمل خود
 میرسد امسال بجهت کمال فراوانی و ارزانی در این ولایت حاصل است و غده و میوه از آفات
 و خوب آمد کرده و هر چیزی و فور دارد و نند اسجوانی که از امراض و علل که سالهای دیگر بسیار بود
 امسال ظهور و بروز ندارد و اگر چه چند روز است که کما شدت کرده است ولی بسلامت مقرون است
 قاهره نیز سه روزه در میدان ارک و بیرون دروازه متعول مشق میباشند ولی چون واکرم بسیار
 زودتر حاضر مشق بشود که تا با واکرم مشق شود از مشق فارغ شده باشند

۲۲۲۷

سار ولایات

ادر با بایجان از فراریکه در روزنامه اذربایجان نوشته اند اینست در نظام کامل در انولایت حاصل است و
 انولایت در عین ذاعت و آسودگی خاطر بد جا کونی ذات اقدس هایون شایسته اشتغال دارند فدوی دولت
 ابد ارتام مؤمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکار کل مکت اذربایجان در انتظام ولایت انولایت
 امور نوکرو عتیب و انجام خدمات دیوانی اهتمام تمام دارد و رعایا و برابرا با اخص سلوک و مراقبت متعرب اینجانب
 مشایخه بعضی دوا مردم نهایت رضامندی و شکر گذاری را دارند (دیگر نوشته اند که طاعت طلبت
 هایون که از جانب سنی الجوانب علیحضرت شایسته بافتخار قدیمی فدوی دولت ابد ارتام مؤمن سلطان
 وزیر نظام محبت شده بود در عرّه ماه ذیقعد الحرام با نجا پرتو وصول افکنده لوازم استقبال و توقیر و احترام
 طاعت هایون را بعل آورده در قورخانه مبارکه زیب برودش مفاخرت و مباحات نموده در اینجا حاجب میرزا
 در مسکان و صاحب مصلبان نظام داعیان و اشرف ولایت باغ خود مباحث کرده حرف شربت و شربتی
 نمودند) (دیگر نوشته اند غله که در اذربایجان سعیر داشت اتر روز و مؤمن سلطان وزیر نظام اکنون
 روز بروز منزل کرده و میکند کدم بسیار از اطراف می آورند و در همه دکا کین جنابازی مان بسیار است و
 مردم در دکان جنابازی مثل سابق مطلق نمی شوند بجهت ورود و بدکان جنابازی مان گرفته میروند عموم انولایت
 خصوصاً فقر و ضعف این ر بگذر کمال آسودگی و شکر دارند و بدعای ذات اقدس هایون شایسته
 ملکه و سلطان مؤمن سلطان مشایخه قدغن نموده مقرب انخاقان محمد رضا خان بیگلرکی دارالسلطنه
 تبریز و عالیچان میرزا نصیر که خدا باشی و سایر که خدایان شبها در شهر و محلات گردش نمایند که شهر از
 آسب در د و دغل محفوظ و محروس است) (ارزدان کرمان که در روزنامه انولایت نوشته شده که کرمی کرمان
 سقزل و اسباب او اسرفت کرده سه نفرشان با در بایجان رفته بودند و تقر آنها در تبریز دستگیر شده
 حسب احکم باه های نواب شایزاده عماد الدوله حکمران کرمان مان سپرده شده روانه کرمان مان
 گردیدند) (محمد نام اسکونی مشهور معیر او غلی که از جمله اشرا مشهور و همیشه اوقات مرکب هرزگی و سرارت
 مردم از آزار و اذیت او سیه آمده بودند در این اوقات دستگیر حسب احکم تبقیه و سیاست گرد
 و همچنین حاجی نام قراکلی نیز که از جمله الواط و اشرا بود و برای عمل خود گرفتار شده تبقیه و سیاست شده
 و حمدی نامی نیز در کار و انسانی رحوم حاجی سید حسین قدری مال سرفتموده بود اموال مسروقه
 از او بعینها مسترد و صاحب مال تسلیم شده و او را مجبوس کردند تا بعد حکم آن بشود و چند نفر در تبریز که
 حبس بودند بر یک و اوجیر و سرارت تبقیه و سیاست شدند

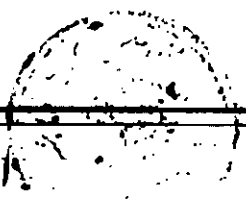
۲۲۲۸

فارس از فراری که در روزنامه فارس نوشته اند خلعت مهر طلعت جلیون که باقی نوات مستطاب
 سوزیدالدوله حکمران مملکت فارس مرتضی بود در بیستم شهر شوال بانجا پرتو وصول انگلند نوات معنی الیه با مالی و جان
 لوازم استقبال و توقیر و احترام خلعت جلیون را بعل آورده در باغ نوریب برودش منفاخت و بمات نموده
 فرمان جلیون را که بفراری نوات معنی الیه شرف صد و ریافته بود وراثت و ادای خطبه بنام آقدس جلیون
 خلد الله علیه و سلطانه نموده و صرف شربت شیرینی کرده بشهر معاودت نمودند و همه روره بتطبیق و تنسیق امور و
 مشغول شدند و مقربان خان حاجی قوام الملک و میرزا ابوسعید خان شیر الملک و حاجی محمد ششم خان دیوان یکی
 و میرزا انیم لشکر نویس باشی فارس و میرزا محمد علیخان مستوفی و سایر چاکران و کارگذاران دیوانی در انجام
 محاسن و خدمت محوله بجز داتمام کامل دارند (دیگر نوشته اند که درین سال بجهت انگل فراوانی و ارزانی در
 حاصل است و رعایا و برابرا سوده خاطر بنگار کونی ذات آقدس جلیون شامای استقبال دارند) (دیگر نوشته
 که در منف فرسخی قصبه جهنم تنگه است مشهور به تنگ کجاوه درین روز ماسی لغز قطع الطریق آنجا رسته بود
 قافله از لار نزدیک تنگ مزبور رسیده بقانون احتیاط سسکری بدور اموال خود بسته توقف کرده بود
 درین بین پیره مردی از میان قافله بیرون آمده بود که بجهت برود چهار دزدان شده دزدان تحقیق قافله را
 کرده بودند گفته بود که قافله با مال زیاد در دهان محل توقف دارند شکاری بهر آواها بدست شما خواهد
 دزدان نیز بطرف قافله روان شده بودند اهل قافله نیز همه بانگ و تیر انداز خوب بودند همینکه دزدان نزد
 و تیررس رسیده بودند قافله بکجه بروی دزدان شلیک کرده ببت و زلف آنها هدف تیر شده و شکار کلا
 افتاده یک نفر جان بدر برده بود هنوز معلوم شده است که دزدان آنچه طایفه بوده اند) (دیگر نوشته اند که
 مزرعه گردون جزو قریه مائین اربابی عالیجا به میرزا محمد علیخان مستوفی را صاعقه زده جمیع خانه را با آنچه
 در خانه بود و کلاً سوزانده و تلف کرده بود ولی ضرر جانی کسی نرسیده) (دیگر نوشته اند که عالیجا معربان
 سلیمانخان قشایر پنجم با فوج اخلاص و سواره نظام و فشار ابوالجمعی خود در بهمانان توقف دارد
 شیرازه انتظام صفحات کوه کیلویه و بهمانان از هم کینه بوده و مالی آنجا بریشان احوال گردیده اغلب متفرق شده
 بودند در این اوقات مقربان خان مشارالیه با قضای حسن سلوک و معقولیت مالی آنجا را امید داری بخوا
 اولیای دولت قاهره داده تفرقه آنجا جمع گردیده با کمال دلگرمی مشغول امری خود شدند و نوات مستطاب
 سوزیدالدوله و امیر الامراء العظام کشیکباشی از حسن سلوک او بار عای آنجا اظهار رضایت کرده اند) (عده الا
 فضلعلی خان امیر تومان احوالش قدری ناخوش بوده است بجهت سرقد بودن دست ارزنه بانجا رفته و
 مشغول معالجه میباشد

۲۲۲۹

کرماتان از قرار یک در روز نامه کرماتان نوشته اند امور آنولای احسن مراتب تو
 مستطاب عماد الدوله حکم ان کرماتان منظم و در نظم امور نوکرو عت و انجام خدمت یوانی کمال تمام
 بعمل می آورند (از وقایع اتفاقیه نوشته اند که سید ابوحسن که کچی را در شب عید در خانه خود شکسته و اموا
 اورا برقت برده بودند مراتب بعضی نواب عماد الدوله سینه بکجا نتر و کده خدایان قدغن اید نمودند که حکم
 قائل را پیدانمانندتی در شخص و جستجو بودند تا آخر که خدا ابو القاسم رد و زد ما را بر داشته نفر آنها را
 کرده بود که در دهمه میرزا علی اکبر لشکر نویس که در نیم فرسخ شهر استیسا شد مراتب را خدمت نواب برده
 نموده و ستادندان سه نفر گرفته آوردند خان شب که در وان دستگیر و محبوس گردید این پانین نام بود
 زرگر با پیش از گرفتاری در وان مطلع گردید خدمت نواب معزی الیه آمده عرض نمودند که این دزدان
 و سباب زیاد و قبیل طلا و ترمه و حریر غیره آورده با فرخواستند و اسباب آلان دزدان ما موجود است حکم
 که آن جنف و بیکر را هم نزدیک از آنها را که شفیع خان نام چشمه سفیدی بود گرفتند سه نفر دیگر قدری از اسباب
 مسروقه فروخته و مایه دست کرده بجهت آذربایجان رفته و باقی اسبابها را در خانهای خود گذاشته بودند
 بعینها بیرون آوردند و چند نفر غلام مورثه که رفته آنها را از آذربایجان گرفته بیاوید و یک نفر دیگر نیز از جین نام
 توپچی کرماتانی بود که فرار کرده بود عالیجاه فرج الله بیک یا در توپخانه حکم سه نفر توپچی فرستاد قیتمه او را در
 حوالی همدان در دهمه بهار گرفته آوردند و شالیه اسباب سردی خود را که ترمه حریر بود در خانه خود در میان دیوار گذاشته
 روی او را کاهکل اندود نموده بود شانی داد رفته از میان دیوار بیرون آوردند کله کچی مقبول گفته بود در میان
 کلبانی کرو که داشته ام بعضی از اسباب مسروقه را هم دزدانی که اول دستگیر شدند در حان دهمه میرزا علی
 لشکر نویس سپرده بودند فرستادند از آنجا آوردند با بجهت اسباب و اسباب مسروقه بوره مقبول تسلیم
 قائلن آنچه دستگیر شده بودند سوای توپچی که محبوس است باقی نواب هراده بیست سینه (دیگر نوشته اند
 که عالیجاه میرزا محمد خان غلام شیخ دست حکم نواب مستطاب عماد الدوله نامور زمانه که دیده که رفته
 سان سرباز کوران و سواره سنجابی ابوالفتح عالیجاه اسد الله خان سرتیب را به سپند عالیجاه شاران
 با بجا رفته سان سرباز و سواره مزبور را بدقت دیده و رسیدگی کرده پیشتر جهت نمود بعد از فرا
 از سان ان صاحب حکم نواب معزی الیه مقرر شد که رفته سان سواره ناگلی و کلبانی را نیز ببیند
 (دیگر نوشته اند که کمال فراوانی در زانی در آنولایت سجد الله حاصل است از جمله کندی خرواری مفتوح
 دسار و جو خرواری چهار بزار دینار و روغن کین دو هزار و پنجاهی و پنج کین و شاهی و نان کین صد
 و سار اجناس و جویات نیز باین نسبت فراوان وارند

۲۲۳۰



اخبار دول خارجه

گذارش رفق نواب عزاندوق قسطنطين برادر اعليحضرت امپراطور روس بفرانسه واکرام و احترام اعليحضرت
 امپراطور فرانسه نسبت بنواب معزى اليه در روزنامه سابق نوشته شده در اين اوقات از جانب اعليحضرت
 امپراطور روس نامه مخصوصى برانگهارشكر با اعليحضرت امپراطور فرانسه ارسال شده است از جمله اگر اناست
 دولت فرانسه بنواب عزاندوق قسطنطين ايکه از جزيره که نواب معزى اليه اقامت دارند تا بظربلورج سخته
 مخصوصا یک خط ملاحظه کشتند از نواب معزى اليه بعد از ملاقات با اعليحضرت امپراطور فرانسه بشهر
 رفته اند و مؤخرتاجاشاى کشتى سازخانههاى مالک شى قى فرانسه عزيت کرده بعد از ملاقات اعليحضرت امپراطور
 فرانسه از جانب اعليحضرت ملکه انگليس نواب معزى اليه بلندن دعوت شده بود ولى بجهت بعضى نکالمت نالايق که
 روزنامههاى لندن در حق نواب معزى اليه نوشته بودند صرف نظر از رفق بلندن نمودند فقط فرار شده که
 اعليحضرت ملکه بجزيره و بطه که در تحت حکومت انگليس است مى آيند نواب معزى اليه نيز با بجا رفت بلکه ملاقات
 نمايند) در حوالى جزاير که در تصرف دولت فرانسه است بر قاطبه ماکنون متابعت دولت فرانسه را
 کرده اند و بته دولت فرانسه که در جزاير مستند از آنها اذيت و بخش نپهور ميرسد بجهت دفع و
 تا حال چند دفعه قشون از فرانسه فرستاده شده هنوز بديره اطاعت در نيامده اند اعليحضرت امپراطور
 فرانسه در عتبه شهر شوال سخته محاربه با آنها ميکند از دوتى مرکب از بيت و پنجاه رقصون ترتيب داده و
 فرماندهانى از دوتى مزبور را بجناب مرشل راندون محول فرموده اند (اعليحضرت امپراطور استيريه
 سياه و تحت بعضى مجال بجا رستان عزيت نموده بودند موجب روزنامه که اين اوقات رسیده است
 بشهر بچ تريف فرما شده و اجابات محليه آنها را که مشاهده نموده اند صد و بيت هزار تومان از دولت اعطا کرده
 که در شهر بلورک مکتب زراعت و مکتب باغخانه بزند و سواى آنها نيز فرار داده اند که با از دولت و بجهت
 مصارف داده مکتب دارالفنون و دو عمارت بجهت اطعام فقرا و مسکين و چند باب مکتب اطفال و مکتب
 نمونه خانه سازند) (از اشيای يونان غلبه لکن نام که مدتی در يونان با انواع سرقت و بارت اقدام نموده است
 در روزى که مردم در کليسا بودند با چيل و پنج توپ از قهاى خود بقبضه خورينه نام هجوم آورده اعليخانهاى انجرا انجا
 و عارت کرده بعد از ان از اقبامى و وزير امور خارجه يونان شخصى را با کي ديگر گرفته بکوه برده اند و بجهت خلاص آنها
 چهار هزار تومان نقد و عفو از جنایات گذشته را از دولت يونان طلب کرد، اند که ارشيس بدو يونان اظهار شده است
 استخلاص آنها بچسبى کرده اند فايده پذير شده بالآخره و بسنگان آنها چهار هزار تومان را نقد سرانجام کرده
 سارق مزبور فرستاده آنها را خلاص کرده اند و عفو جنایات نما از دولت يونان معلوم است

۲۲۳۱

هر دولتی در خصوص مجلس شورت نظامات موضوعه شش طوری دیگر است از جمله در مجلس بالستون انگلیس در لندن
قرار این است که رئیس مجلس برای اعضای مجلس شوق شود از مجلس استوانه یک قدم پای بیرون بگذارد و این قاعده
اقتضای اصول قدیمه است در این اوقات که مجلس بوز منقذ شد است اعضای مجلس نام مشغول کار بودند شام
خصت رئیس را خاطران فراموش شده متفرق گردیدند رئیس مجلس قی طفت که تنها در روی صندلی خود نشسته
و اعضای مجلس همه رفته اند متخیر بود که چکند آخری از خدمتکاران او بیرون رفته در کوچکی از اعضای مجلس را پیدا کرد
بجلس آورد تا رئیس بزبور بامعت او از مجلس خلاص گردید (در ممالک فرانسه صاحبان کارخانه های گوناگون
پرورش میدهند تاکنون بجهت پرورش دادن آنها اسب و پر حیوانات ارکار مانده را بچوض زالوا می بستند تا
ان حیوانات را یکده زاد و ولدشان زیاد بشود در این سال فقط در ایالت ژیرون فرانسه حساب کرده اند که کل
حیواناتی که زالوا خون آنها را یکده و تلف کرده اند بیست هزار رسیده است چون این مرحله غایب شمرده است
و این است لهذا درین اوقات علیحضرت امپراطور فرانسه حکم کرده اند که این قاعده موقوف بشود و یک میلیون
ترتیب داده زالوا را تدبیری نمود و چیزی دیگر پرورش بدهند که حیوانات اینطور تلف نشود) (تاکنون چنانچه
بکرات در روزنامه ها نوشته شده است بجهت در آوردن طلا از معادن کلی فارس و آستریا و غیره که تازه پیدا
شده اند هر سال از ایالتی فرنگستان چند هزار کس ترک وطن خود کرده بحال مرقوم میروند درین سال از ممالک
اسوچ و نورو و جیا یک قصبه که هزار و صد و چهارده خانوار بودند تمام خانها و دکا کین خود را بر چیده هوای
طلا باسترلیا و بنکی دبا غنیمت کرده اند و ازین قبیل دیال گذشته از حکومت کلنبورگ بنهایی مشتاد هزار کس
با نجاتل خانه کرده اند و درین سال نیز خیلی آدم عازم آنجا شده اند در خصوص غنیمت آنها بعضی جبات از
حکومت محلیه داخل تحت صحبت شده است) (در جوار پاریس از یک زرنی قهر بجهت صدکاری غنیمت شهر نمود بجهت
خرچی راه مایملک خود را بمنگ ده تومان فروخت و مشتری در مقابل قیمت بجای پول کاغذی دولتی که هکس میگویند کاغذی
با و داده قرار کرده بود و ضعیف براه آمد پول کاغذی را در آورد بود که اجرت نکند معلوم بود که این کاغذ پول بیست و بیست
بیچاره که همه بیکس این بوار شدت یاس و پیری بگریه افتاد یکی از سیاهان بحال او حرم آمد بخدمتکاری خود قبول دگر ایستاد
و خرچی او را داده پاریس آورده بود مدتی در پاریس بخدمتکاری مشغول بود درین اوقات قبیل تصاد و چهار هزار تومان
که لاماری کشیده بودند با اسم بلیطی که در دست ضعیف مزبوره بود در آمده دستخواه تسلیم او نموده بودند آن شخص که
بضعیف بجای پول کاغذی داده بود خبر شده ببرد ضعیف آمد که این بلیط سهوا بجای پول کاغذی بود داده شده است
و وجه لاماری بمن میرسد ضعیف حرف را شناخته بضمیطیه سان با جرات و ضبطه و را فی الحال که قصبه بجانب حکومت بود
وزدی او معلوم شده آن ده تومان را هم از او گرفته بضعیف مزبور تسلیم کردند و خود آن شخص را بجهت سرفقت حبس نمودند

۲۲۳۲

روزنامه قایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه سهرج محرم بق اسفند سن ۱۲۷۳

نرسیدوسی دین

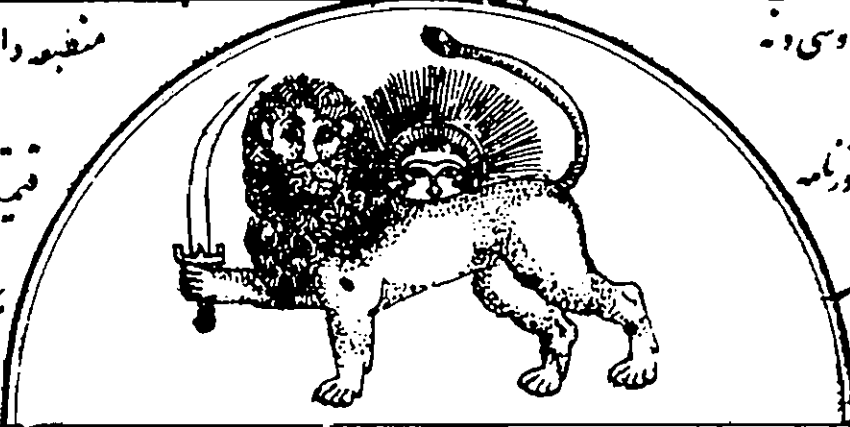
منقبه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلامات

هر نسخه دو شمشیر

هر طرزد



اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

اردوی هالیون

اعلیحضرت آقدس طایون شاهنشاهی در سلیاق بنیاد در آن تشریف دارند و بر وجود فایض اجود هالیون بسیار خوش گذشته و ای شمیمات مسم در کمال خوبت امنای دولت عیله و مقربان حضرت کرده است
 بطل سینه و صاحب مضبان نظام و خوانین عظام و در باب تسلیم و سایر خدمت روزنامه هر یک بخدمات خود مشغول و وقت سلام شرفیاب حضور با هر النور آقدس طایون کرده و بعد از انقضای سلام سیر خدمت خود میروند و بعضی از روزنامه هم خاطر مبارکه مایل تفریح و تکار شده و سوار می شوند و اطراف شمیمات را بگرد میفرمایند (عبارت که ورتی که ما بین دولتین ایران و انگلیس بر جوسته بود و سجده ابدی از حسن نیت اولی دولتین بر تفع شد و عهد دوستی کلکان بلکه بهتر از اولی پایه استحکام گرفت و در صورتی که اصل داده که محل کلان ملاحظه بوده باشد مرفوع کرده و بملاحظه دوستی و دلستین از خواستی و تعلقات آنهم اگر چه عهد باشد باید نظر شود و طی مخصوص وقتی که عهد اندا کرده و مقرر گردیده باشد بهی است و وقتی که میان دو دولت علامت عهد است و خصوصت ظاهر گردید و امر منجر نزاع و جنگ شد از مقبلان طرفین می شود که بچکس بروی باغراض نفسیه خود نماید و مراده با عساکر دشمن نکند و مصدر حیانتی نسبت به دولت خودش نشود لهذا از برای اطمینان خاطر چنین اشخاصی که بین جنگ مصدر چنین حرکتی شده باشند اعلام میشود که از عقوبت این یک حرکت معاف و هرگز که داشت بجهت این یک حرکت خود مورد تمیبه و اذیت و تعدی نخواهد بود) (توجه)
 مستطاب فرزاده و آلا رنصره اله و لایف در میرزا که از آرزو با بیجان بر کاب مبارک احضار و شرفیاب حضور هر طور خسروانی گردید نظر بطور جسم لوکانه در حق نواب معزی ایله از جانب سنی ایجاب آقدس طایون باعطای یکتوب کلچر بوسه تن مبارک مخلص و سرفراز شده

۲۲۳۳

چنانکه سابقاً در روزنامه مطبوعه دارالخلافه الباهره بخارش نشان مقرب الخاقان دادنجان سرتیب بعد از مبادله عهد
مصاحبه فیمین دو لیتین ایران و انگلیس با فصولی دوستی و صلح از جانب سنی الجواب لوکانه نامور بر سر حد عراقین عرب
عجم شده لوازم پذیرائی و احترامات جناب عالی ساری وزیر مختار و بلخی مخصوص دولت انگلیس را مژده دار الخلاق و بعد از آن
و در کل منازل عرض راه حجب دستور العمل اولیای دولت علیه و مرقبت مقرب الخاقان سرتیب را لیه احترامات
شایسته از جانب معتمدی الیه تقدیم رسید نوابش بزرگوار و الا رعاد الدوله حکمران کرمانشاهان در خاک ابوالکحیم خود و
مقر الخاقان سرتیب محمد الملک حاکم همدان و ذوالفقار خان حاکم قم و ده و میرزا موسی وزیر دارالخلافه الباهره
و سایرین عرض راه هر کدام در خاک سپرده خود رفتاری در پذیرائی سفارت نمودند که سزاوار دوستی و موافقت
کامله فیمین دو لیتین محتاجتین بود و جناب معتمدی الیه و صاحب منصبان سفارت کمال دلخوشی و خوشوقتی از احترامات
و اینکه ملاحظات دوستانه اولیای دولت علیه حسن فراموشی خاقان دادنجان سرتیب حاصل نموند و در روز
وزیران مدار الخلاق حسب المقررات مقرب الخاقان حاجب الدوله چادر احترام در پیشی آباد با اسباب مناسب
و توقیر سفارت برپا مستقبلین است عن الاموال نظام عباسقلیان سیف الملک از فرار تفصیل با نیتی آباد

نتیجه انجمن اعظام جهانبگهان سرتیب عالیجا مقرب الخاقان محمود خان سپهسالار مقرب الخاقان میرزا عبدالغفار خان
که مبادله عهدنامه را در بغداد با جناب وزیر نظام از جانب جناب امیر اشرف رفیع نایب الوزاره امور خارجه از جانب جناب
مختار نموده بعد از گفت با ایشان در آن مقام لصاب زیر امور دول خارجه

۲۲۳۴

عالیجا مقرب الخاقان کلاسی عالیجاه محمد سمره جان داود خان عالیجا مصطفی قلیخان یوزباشی با پنجاه نفر
دار الخلاقه الباهره سرتیب مترجم اول دولت علیه سواره نظام و علام پادشاهی

نایب اصطلح تاپون با سه سرباز نایب طرابلسی با ده نفر سوار نام فرانسوا پادشاهی بابت نفرهای
براق طلا و سواری جناب معتمدی الیه دروازه شهر شایسته جناب وزیر ار تقرب دروازه شهر شایسته جناب معتمدی الیه
رسمی در روسی مختار مامور سفارتخانه شهر مامور سفارتخانه شهر

نمودند و در چادر دولتی بعد از تقدیم مراسم احترام با اتفاق قسم سوار شد تا سفارتخانه شهر آمدند مقرب الخاقان سیف الملک
از جانب سنی الجواب تاپون علیحضرت اقدس شایسته ای اظهار تقدیرات لوکانه و همچنین از قول جناب شرف امجد رفیع
صدر اعظم ابلاغ رسوم محبت و موافقت بطریق بیخ و بیان فصیح سنجاب معتمدی الیه نمودند مکالمه عبور جناب معتمدی الیه بابت
نظام با دولت نفر سرتیب در دروازه محمدیه احترامات عسکریه بعمل آوردند مکالمه عبور و جناب وزیر مختار بمترسل سفارت
شهریه و در نظام با دولت نفر سرتیب باز در دروازه سفارتخانه احترامات عسکریه بعمل آوردند قبل از ورود جناب وزیر مختار
بمترسل سفارتخانه ده خواججه شیرینی نقل و قند از جانب سنی الجواب تاپون در اطاق حاضر بود بعد از ورود جناب
وزیر مختار سفارتخانه پنج مجموعه شیرینی از جانب جناب شرف امجد رفیع برای تهنیت آوردند مستوفیان اعظام بابا

درباری بدین موجب مکام ورود جناب وزیر مختار از جانب سنی اچوانب هالیون رسم مبارک و لعل آورد
 معرت انجان میرزا ابوالقاسم معرت انجان میرزا علی قاسم معرت انجان میرزا محمد تقی معرت انجان میرزا نصر الله
 بعد از ورود جناب وزیر مختار سفارتخانه در آن روز جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم برای افتتاح ابواب
 مراد و دوستی بیدن ایشان شرف بودند و لازمه احترام و مودت لعل آمد و مکالمات دوستانه از آن
 تشید مبانی اتحاد و مصافحات حضرتین فیما بین گذشت و بپروا دولتی که علامت دوستی و مودت و حسن
 برافراشته شد و جناب امجد شرف ارفع در بیان مراسم دوستی و یکجستی باین که در آن کلام شیخ سعدی
 علیه الرحمه که جامع کل شرایط الفت و زیاده مناسب مقام بود آنکافرمودند بیای که نوبت صلح است و دوستی
 بشرط آنکه گوئیم از آنچه رفت حکایت و بعد ختم مجلس را باین بگفرد شیخ فرادادند و دوست شناسند
 که مانی بریند و باز پیوستند در حقیقت مطلب را با لفظی ادا کردند که درین مقام هیچ بیانی مناسبتر از آن
 نبود در همان روز و در که روز شنبه عم ذیقعه اسحرام بود وقت عصر جناب نجات نصاب وزیر مختار
 محل سلاق خودشان آمدند روز یکشنبه مام ذیقعه اسحرام جناب نجات نصاب وزیر دول خارج منزل سفارت
 که در قلمک بود بدین جناب وزیر مختار رفته لازمه اکرام و دوستی بطور آمد معرت انجان شهباز خان قوریا و
 همان روز بمنزل سفارت رفته از جانب سنی اچوانب هالیون جناب معزی الیه ابشر فابی حضور هالیون دعوت کرد نایب
 جلوداران ابدشاهی بکر بس اسب با یراق مرصع برای سواری جناب معزی الیه و دیگر اسبهای مزین برای یک ساعت
 بردند جناب وزیر امور خارج و معرت انجان شهباز خان قوریا و ل باشی با اتفاق جناب وزیر مختار نغمه فابی
 حضور اقدس هالیون اعلیحضرت شاهنشاهی روانه نیامردان شد و در خارج نیامردان جنب نفرش با نایب سفارت
 دده نفر شاطر نایب شاطر باشی و دده نفر بول بالکس درباری پیش بود چهار صد نفر سرباز با یک نفر اورد که در
 مقابل عمارت مبارک که سلطانی بود نرسد جناب وزیر مختار مقابل عمارت مبارک احترامات عسکر لعل آوردند
 اسکامی که وارد کشیکخانه مبارک که پادشاهی شدند امری در بار هالیون هم باین تفصیل با لباس رسمی در کشیکخانه مبارک
 امیر الامراء العظام لشکر قاسمی معرت امیر الامراء العظام معرت انجان عمده الامراء العظام معرت انجان معرت انجان حاج علیخان
 معرت انجان سر را عیاس حاج امیر الامراء العظام معرت انجان معرت انجان معرت انجان معرت انجان معرت انجان معرت انجان
 سده حاضر بودن جناب وزیر مختار را عرض داشت و برگشت از طرف سنی اچوانب هالیون قوریا و ل باشی
 دعوت نموده امیر الامراء العظام لشکر قاسمی باشی جناب وزیر مختار و صاحب منصبان سفارت را تبعاعده
 بحضور مبارک شرف ساخت اعلیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی جناب وزیر مختار و صاحب منصبان سفارت را
 با طاق هالیون دعوت فرمودند و جناب امجد صدر اعظم پنجم هم که جناب وزیر مختار را در عمارت

۲۲۳۵

سلطانی ملاقات کرده بودند وقتی که جناب وزیر مختار دعوت مجلس با یون شد جناب اشرف امجد رفیع نیز با ایشان تا
 پیشگاه سریرها یون سراسری کردند و سرکار علیحضرت اقدس تالیون شاهنشاهی محض شمول حرم ملوکانه جناب صدر اعظم
 درین مجلس مجازی سندها یون باذن جلوس معترض و سرافراز فرمودند و اینکه جناب صدر اعظمی در تنها در جلوس
 بلکه در پیش محضر عامی نیز با مجازت جلوس معترض و سرافراز آید در حقیقت آتیناری بود فوق جمیع امتیازات بزرگ زیرا که حال
 هیچک از صد در و اما بجان در این حق چنین فخر عظیمی نایب شده بودند جناب وزیر مختار با توت خود را مفصل بر
 اقدس تالیون عرض نمود و سرکار علیحضرت اقدس تالیون شاهنشاهی خلد الله سلطانه تعذات ملوکانه نسبت بحجاب وزیر مختار
 فرموده از سلامت احوال علیحضرت پادشاه در بجا انگلستان جو باشدند و بعضی فرمایشهای ملوکانه مثل بر حکام مراد
 باین لیسین با الفاظ در بار و این الفاظ مخصوص ادا فرمود که دوستی این سلاطین که خلدند برینت ایکه کمال در اکان دوستی
 راه می باید از قدم مراقبت کار که از این مامورین جانین است که عود درست در حقیقت احوال و کفون ضمیر پادشاهان میکنند و
 عرض نیز با و در میان پس چیزی که برای بقای دوستی دولت یاد بکار است مراقبت تمام مامورین پیدا در حقیقت طوعی که می نمودند
 جناب وزیر مختار را مورد تهنیت علیحضرت پادشاه انگلستان را که در دست صاحب منصب و مسانسی ملای بود که فرقه مخصوص با یون
 عرض داشت سرکار اقدس اعلی هم نامه مودت علامه را بلا واسطه از دست جناب وزیر مختار گرفته بحیاط نظام الملک دادند از شاه
 عظام اسباب چه پادشاهی حاصل بودند و همچنین از آنچه چاکران در باری با بس سستی دن دلیل بدیو جوب در مجلس تالیون
 شاهزادگان عظام

۲۲۳۶

اعلیه چاکران در باری

نواب نصره الله نواب فرهاد میرزا نواب احمد میرزا جناب نظام الملک چاکران بر امور سر راه الامم العظام علی اور در نظام مشرب الامان
 خارجیه اینک قاسمی بی تقویم قان حاجب الدوله وزیر شکر

حضور آئینه جمعی از صاحب منصبان از سریت و سرک و نمایان بود آن با بیتی الامم العظام میانه سپرو سیر الامم العظام کلک
 و تقریباً قان رضی قلیخان و لار قاسمی چهل نفر غلام شریف مت در پیشگاه یون در مانا لار مبارک از دو طرف صف سلام مستعد شده بودند
 جناب اشرف امجد رفیع عظم قریب بقضای مجلس شرفیائی وزیر مختار حضور با یون حرمی حاصل کرده بمنزل نشاندند جناب وزیر مختار هم بعد از
 رضی حضور ملوکانه با فاصد دیدن اشرف امجد رفیع عظم آمدند و لازمه احترام و تودیع عمل آمد بعد از ختم مجلس جناب وزیر مختار با صاحب
 همان آداب احترامات که آده بودند قبلک بمنزل سفارت خودان مراجعت نمودند فردای آن جناب اشرف امجد رفیع عظم قبلک بمنزل
 سفارتخانه پیار دید جناب وزیر مختار تشریف بردند فردای آن جناب فحمت رضاب نظام الملک با ایکه معهود بنود که
 بچو قسبقت ملاقات از بیج سفیری نمایند محض قائمه دلیل بر کمال دوستی و لیسین درین مقام سبقت دیدن از
 جناب جلالت آت وزیر مختار کردند معروضه و یکر جناب وزیر مختار با صاحب منصبان سفارت نظام الملک و جناب
 امور خارجه باز دید نمودند بکروس اسب از اصطلح خاصه با یون که در روز ورود در اخلاف القاهره روز شریفی حضور با یون
 سواری جناب وزیر مختار بود و اینجاست بیجا بجزوئی با یک شسته شمه طلا و تجوری زنجیره و نقره با جل زری بحجاب منبری الیه حرم

سایر ولایات

عراق از قرائکه در روزنامه عراق نوشته اند امور آن ولایت از حسن مرقت مقترب انخافان میرزا حسن
حاکم عراق قرین نظام است و اهل آن ولایت آسوده خاطر به عا کونی وجود فایض انجود اقدس هیون شایسته
خدا الله ملک و سلطان استعال دارند بجهت سرای شیدی که در اوایل این سال در بعضی بلوکات عراق
اتفاق افتاده بیانات و میوجات ضرر رسیده بود در عایای انجود متفرق و پرتشان شده بود در مقترب انخافان
مش رالیه آنها را جمع آوری کرده و بعواطف اولیای دولت جاوید مدت علیه امیدواری داده مسؤل
(خود بین) (دیگر نوشته اند که خلعت مهر طلعت هیون که با فتح مقترب انخافان میرزا حسن خان محمد
بود با ولایت پر تو وصول انکند مقترب انخافان مش رالیه با اهل و اعیان و اشرف ولایت تا در فرج
باستقبال شتافته لوازم توقیر و احترام خلعت مبارک العجل آورده زیب برود و شش مفاخرت و مباحث
خود نموده سلطان آباد مراجعت کرده در دیوانخانه دولتی فرمان مهر لجان هیون را که منسی بر التفات خاطر
ملوکانه در حق مقترب انخافان مش رالیه و اهل آن ولایت بود در آن مجلس قرانت و ادای خطبه بنام سرکار اقدس
و اختتام بدعای بقای دولت و از دیاد شوکت روز افزون شده اهل مجلس اظهار شکر کذاری کرده صرف
و شیرینی نمودند) (دیگر نوشته اند فوج بهادران که از سفیر عن مراجعت کرده بودند و در سلطان آباد
مقترب انخافان میرزا حسن در کنار بنر خراج دروازه آنها را منزل داده و آحاد و افراد آنها را احوال پر
نموده برنج و روغن و نان و گوشت و ادویه و در وضیافت خوب نمود و بعد از دو روز که از رنج راه آسوده
روانه در بار معدلت اربایون گردیدند کرمان از قرائکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیر الامیر العظام
سپهدار حاکم کرمان در نظم امور ولایت و حصول موجبات آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی مرقت تمام
و رسیدگی کامل دار و ورعایا و برابرا آسوده خاطر مشغول رعیتی و کار و کسب خود و عا کونی و ات اقدس هیون
شاهی میباشند مقترب انخافان میرزا محمد مستوفی و پیشکار کرمان همه روزه در دفتر خانه آن ولایت با مستوفیان
رسیدگی محاسبات و معاملات دیوانی میباشد و کمال اهتمام را در انجام خدمات و فرمایشات دیوانی بعمل آورد
سایر کار کرداران و مباشرین هر یک با انجام خدمات متعلقه انجود مشغول و از احدی خلاف حسابی ناشی و ضا
هن شود امور طرق و بشوارع منظم و مستحفظ و قراول همه جا مشغول حفظ و حرست بوده قوافل و مترو و بین
نهایت اطمینان و آسودگی از هر طرف عبور و مرور مینمایند در این اوقات دست زوار از زیارت ارض
مراجعت و دست دیگر زیارت ارض اقدس روانه گردیدند) (مقترب انخافان حنفی قلیجان میرزا و عالیچا
محمد حسن سر بنک توپخانه در شهر سوال بقون از سفر کرسیرت وارد کرمان شده در بیرون دروازه ارکه توقف کرده
امیر الامیر العظام سپهدار با اتفاق پیشکار فیه سان آنها را دیده و انعام با جا و آنها داده در ششم ذی قعد حاکم کرمان روزانه در انخانه طهران

۲۲۳۷

قسم از قرار یک در روزنامه قم نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت مقرب انخاقان ذوالفقار خان
 حاکم قم و سواد در کمال انتظام است در عیاد و برابا آسوده خاطر بکار و کسب و عیشی خود و عا کونی ذات
 اقدس تا یون شایسته ای خلد اندک و سلطانه استقال دارند و مقرب انخاقان مشارالیه همه وقت در سرد
 نشسته مشغول انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت در رسیدگی بعضی و داد و عیب پیشا و بکارهای ستانی
 دیوان اعلی و تعمیرات سرکار فیض آثار و اتمام و انجام آن امور استی و اهتمام تمام دارد (دیگر نوشته است
 در این اوقات حسیب کثیری از انالی نجف آباد و سایر بلوکات اصفهان زیارت حضرت معصومه علیها و علی بابا
 الاف الشفاء و التجه آمده بودند در روز پنجشنبه بیت و پنجم شوال بعد از ظهر در بالای کسب مطهره دوم مرتبه
 نوز باران شد بطوریکه جمیع زائرین علی رؤس الامشاد مشاهده نمودند یک مرتبه یک لمعه نوز زد و سترگی
 مشابه و بیضه مرغ از قبه منوره بقدر و ذرع بلند روشن شده پس از آن بقط کردید بروی کسب مطهره
 شام شد که آثارش بقدر پانزده دقیقه منجی بود و همچنین بعد از ساعتی دیگر پنج لمعه نوز مجدداً که بر یک شبانه
 بدستور ایضا از کسب مطهره بلند شده شام کردید در همان شب ضعیف نجف آبادی که چشمش نابینا شده و ابد
 جانی را نمیدید شب در حرم مطهر مانده دست تو سل بذیل تفصل سرکار فیض آثار زده با عجز و اسحاح تمام استعدیا
 مینانی کرده بود مقارن صبح خواب او را در بر بوده حضرت معصومه با حضور امام تقیین حضرت علی ابن موسی الرضا
 علیهما الاف التجه و السلام دستی بچشم ضعیف کشیده او را شفا حجت فرمودند پس از طلوع صبح زوار و چهره
 ریخته لباس او را چته بزرگ بردند و در آن روز نقاره خانه شادمانه در استانه مطهره زدند و همچنین دو
 بعد از او نیز یک نفر در نجف آبادی که جمیع اعضای او فاج شده و قادر بر حرکت نبود شفا عطا فرمودند بطوریکه
 آثاری از ناخوشی در او مانده بود آن روز هم نقاره خانه شادمانه زدند (دیگر نوشته اند که در واسط ماه شوال
 در بلوکات قسم تکرک بسیار شدید درشتی در یک شبانه روز پی در پی بارید و محصول صیفی و شتوی و سرد حتی
 اکثر از بلوکات را ضرر زیاد رساند و اغلب را بالمره تلف کرد و بعضی اند ما با که قوه و بیضاعتی داشتند مجدداً این
 شخم زده صیفی کاری کردند و بعضی که قوه نه اشتغال بمره شخم و تخم از دستشان بدر رفت و مالیات دیوان
 هم بگردن آنها مانده خو بسته بودند بیانات اجتماع لقم و دار الخلقه قادم بعضی حال نمایند با شرین نبودید
 آنها را نگاهداری کرده و بقدر مقدور مساعدت در امور زراعت درستی آنها دارند) (دیگر نوشته اند که خلعتی
 در از خدمات مقرب انخاقان ذوالفقار خان در کردن زندان بدو دیوانی و اجابتنی بجا بکار گرفته شده و در روز
 نوشته است بجا که بر تو وصول کند مقرب انخاقان رالیه با اعیان و اشرف تا دو فرسخ استقبال نموده لوازم توقیر و احترام
 خلعت تا یون رعلی آورده در باغ مرحوم میرزا ابو الفضل ریب برودش با با استخمس صرف شربت و شیرینی نمود

۲۲۳۸

اجتار دول خارج

در اوقات بیت و نچال قبل ازین در جوار شهر برد و فرشته صر آتی لاقرفات نام از اهل ثروت و سامان
 دختری نورسیده و یقورین نام در غایت حسن و جمال داشت خیلی اشخاص مفتون و گرفتار حسن و صحبت او
 شده بودند و هر کسی در باب تزویج او اظهار خواهش و تمنا می کرد درین اثنا از پاریس کوس او به نام
 جوان عمری از شوخی انوسی با نجا آمده و او بیشتر نوسا بر عشاق مفتون و شیفته جمال آن دلدارم گردید و تزویج او
 از پدر دختر استعدا نموده و دختر نیز زیاده بان جوان مایل گردید و طرفین هر چه بکنید و تسبیح اظهار رعایت
 نمودند پدر آن دختر تمکین کرد و دختر را یکی دیگر عقد بست دختر ازین که او شس رنجور شده سیر بر تا توانی گذار
 با هم سر خود اصلا موصلت کرد و آن جوان شاعر نیز از غصه مریض گردید و بعضی طرفین روز بروز شدت گرفت
 دختر بحالت نزع افتاد بطوری که اظها انده نبض و نفس او را احیاء کرده گفتند نفس منقطع شده و بعضی حرکت ندارد
 و او را داخل اموات شمرده حکم بدفن او کردند و تقانون قدیمه او را در صندوقی گذاشته در بره در زیر خاک دفن کردند
 این خبر بان جوان شاعر رسیده جرع و غرق و غلق و اضطراب زیاد نموده آخر با خود قرار داد که با آن حالت نقاس
 شبانه بگریزد و خرقه صندوق او را کشوده بخورد و بروی او بگذارد شاید تسکین قلبی از برای او حاصل بشود
 باین لرا ده افتان و خیزان شبانه خود را با نجا رساند قبر اخفر نموده روی صندوق را کشود و روی خود
 گذاشته قطرات اشک از دیده فرو ریخت دختر زنده بود از ملاصت معشوق و جاذبه عشق حرکتی بعروق دختر آمده
 کرده معشوق خود را دید که او را بغل گرفته است کم کم بحال آمده حیاتی مجدد یافت و آن جوان نیز رفع امش شده دختر را
 از صندوق بیرون آورده و صندوق را با نجا دفن نموده هر دو با اتفاق از نجا بدون اینکه کسی مطلع شود بطرف
 یکی دینا رفتند از آنوقت تا این ایام در یکی دینا با هم بعیش و کامرانی بسر می بردند این روز نامر احبت بوطن خود
 نموده اقرای آن دختر و شوهر او شش مطلع شده حال با دعای او بر خو هسته اند (بوجیب تعصیلانی که در روزنامه
 سابق نوشته شده غلبه لگ نام دزد مشهور در یونان که با چهل و پنج نفر رفقای خود بقریه تاخت برده و غارت کرده
 و یک نفر از عشبان و ریزر امور خارج یونان را با یکی دیگر گرفته بکوه برده و چهار هزار تومان گرفته آنها را با کرده بودند
 و سخته گرفتن مش را لیه نامورین اقدام کرده تنو استه بودند او را بگیرند مؤخر مقدار کافی قشون با یک سربت با پا تو
 بگرفتن او در نقاشی از دولت یونان نامور شده مش را لیه باز در جوار با دره و محل صالحیونه نام برادر زاد نامی سرب
 مزبور را گرفته بکوه برده و مطلوبش درین دفعه چه باشد نامور معلوم شده است ولی بوجب روزنامه دیگر که بعد رسید
 سربت مزبور نیز هر قدر تلاش کرد نتوانست غلبه لگ در نقاشی را بگیرد آخر الامر غلبه لگ چهار هزار تومان
 بجهت برادر زاد نامی سربت مزبور گرفته تا آنها را بمانود

۲۲۳۹

تخته آسب دوانی سابقاً پان ضابطان نخلیس و فرانسه خیلی گفتگوشده در این اوقات از ضابطان نخلیس
 میت و پنج نفر آدم با اسبهای خود پاریس رفته در آنجا اسب دوانی کرده و از پیش برده اند از آنجا بولایت
 بلجیقا رفته و در آنجا هم اسب دوانی کرده اند و اسبهاش پیش آمده است (نواب پرنس ناپلیان عموزاده
 اعلیحضرت امپراطور فرانس در این اوقات با ماموریت مخصوصه بدولت ساروینیه عزیمت نموده اند و عزیمت
 ایشان تخته آسبام مابین دولت ساروینیه و دولت استریتیه معلوم شده است) (دولت ساروینیه در
 اوقات قشونی میکیر و از میچید له تا پنجاه ساله از کل امانی مالک خود که قدری مؤظف و باقی قشون رو لیبنا
 و تخته این کیفیت از جانب وکیل حریتیه دولت مزبور مذکور بقیه آمده بجلت شورت آنجا وضع شده است و
 اصلی دولت مزبور ازین قشون گرفتن این است که همیشه اوقات شصدهزار کس در دولت ساروینیه در
 زیر سلاح حرب شتاب) (جزیره قوبره را که در تحت حکومت دولت اسپانیول و مابین جهت جنوبی و شمالی
 نیکی دنیا در کنار رتط و ایتیل واقع است تخته ضرورت آنجا برای جمهوریه نیکی دنیا و کمی مالیات اسپانیول
 و احتیاج دولت مزبور به تنخواه دولت اسپانیول در مقام مبادی جمهوریه نیکی دنیا برآمده و از جانب جمهوریه
 نیکی دنیا صد طمان ریال بهای جزیره مزبوره را مقین کرده اند) (در حوالی جزیره سنشورین که در بحر سفید
 در تحت حکومت دولت یونان است در اواسط ماه رمضان باد سیاهی وزیده و طوفانی شدت وقوع با
 از کوه سوزنده آنجا که سابقاً مشتعل شده و سنگ و غیره را سوزانده و بعد خاموش گردیده بود درین
 طوفان سنگ که اخته و سوخته بسیار مانند کمرک بشهر مزبور ریخته چینی از شیشه های عمارات و سایر بناها
 سگته خراب گردید و بسیاری از کشتیها را که در میان دریا بودند سگته و غرق نموده تاکنون اینگونه
 شدید را در آنجا مردمان پیر و منعم نجا طرند آشته اند) (اشخاصی که در فرانس تخته بیکاری گرفتار عسرت
 فقر و فاقه هستند و تخته حصول معاش نسبت استرالیای و مجال ساره رقتشان از عدم بصاعت مقدور نیست
 در این اوقات از جانب دولت فرانک یک قومین مخصوص حب الامرا اعلیحضرت امپراطور ترتیب یافته است
 که تبیری در باب مصارف سفر آنها نمایند) (مخط و غلانی که در دولت اسپانیول ظهور کرده بود در این اوقات
 شدت کرده حتی در شهر غرانده الهالی غلک گرفتار الم جو کرده سبب این فحطی را بقایم مقام مالیات مزبور
 داده خیلی آدم تخته تلف کردن او بیاب حکومت مجتمع شده فی الحال از جانب حکومت قشون جنگ آنها
 بیرون آمده بنای زرد و حوزور را که آشته و از طرفین حبیلی آدم کشته و زخم دار گردید و این جنگ یکروزه
 امتداد داشت بالاخره عا کرد دولت غالب آمده رفع شورش آن اشخاص را نموده و غلات را
 آرام دادند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۰۳

نمره سیصد و چهل

منبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

هر نسخه ده

قیمت اعلانات

هر خط روزانه



اخبار داخله ممالک محروسه و پادشاهی

اردوی بهایون

در روز شنبه گذشته که روز عید سعید اضحی و از ایام عظیم ملت میضای اسلام بود اعلیحضرت قدس
 شاهنشاهی در عمارت سلطانی بیاداران باسلام عام دادند امنای دولت علیه و نیز در کان عظام
 و خو این و سران و جمعی از اعیان و مقربان حضرت گردیدند بطن سینه از ارباب مسلم و بر خدمت و چشم
 شرفیاب حضور با المور سلطانی شده بر یک در بر مقام خود ایستادند و اجرای شکر لقا
 اعیان و بزرگان این دولت علیه بعمل آمد و ادای خطبه بنام حضرت اقدس بهایون و احتتام عبادی و از
 دولت و شوکت ابقرون شده سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی جناب شرف مجد ارفع صدر
 انحضرت را بفرمانت عطف وقت امیر طوکانه مخاطب ساخته بعد از ظهور رسم خاطر اقدس بهایون و ادای تشکر
 جناب معظمت الیه سلام عید سعید اضحی منقضی گردید (بقانونی که شکر قربانی در دولت علیه
 در روز عید سعید الهی و اعیان و کسبه و صنایف بالوازم اسباب شتر قربانی را بقر بانگاه حاضر کرد
 بعد از ادای خطبه و دعای سلامتی وجود فایض اسجد اقدس بهایون شاهنشاهی مقرب الخاقان جهانسوز
 قاجار شتر قربانی را شکر کرده بر صفتی از اصناف دارالخلافه مبارکه که عضوی از اعضای شتر قربانی را
 که مخصوص آن صنف بود بر گرفته از قربانگاه معاد و تکرار (نواب هزاره خسرو میرزا درین اوقات شرفیاب
 حضور طوکانه گردید کمال تفقدات از جانب سنی احوال بهایون در حق نوبت می ایستاد و دل گردیده باطلی طلوع
 دستجات او غرض قبول و باحیا فقه و باب اعزاز و احترام و لوازم اسباب که در آن حکم بهایون و صدیورفت که در آنجا بود

۲۲۴۱

سابقاً اعلام دولتی صریح شده بود که امالی فاغنه از متوقفین دارالخلافه طهران و مشهد مقدس و سایر
 خاک دولت علیّه عموماً با اختیار خودشان مستند دولت علیّه احدی از آنها را مجبور بوقف درین دولت
 نموده اند و مجبوراً و حجب و سوا احدی را نگاه نخواهند داشت و احکامی هم که در این باب لازم بود بجهت
 کارگذاران دارالخلافه و چه بجهت کارگذاران حرا و غیره مؤکداً صادر شد و البته تا امروز چکلی از آن
 در هیچیک از بلاد ایران نبطوحسب و اجبار و نه بعنوان کردی توقف ندارند و جمیعاً مطلق العنان و خرس
 مستند مع ذلک در ضمن این روزنامه اعلام صریح عمومی میشود که هر کس از امالی افغان با فرض تا حال در
 این دولت علیّه مانده باشد خود را مختار و مستم بدانند احدی از حکام و کارگذاران مستحقین طرق و شوارع
 سدر راه و ممانعت از آنها نخواهد کرد هر گد ام که بوطن خود یا هر جا که خواسته باشند بروند و کمال اطمینان
 و آسودگی روانه شوند از جانب یوایان ابداً مانعی نخواهند دید و هر گد ام از آنها که بین ختیا خود
 خواسته باشند درین ملک بمانند و یا نوگری دیوان نمایند باز با اختیار خودشان خواهند بود با کمال
 و اصلاح حالت اجبار و اگر ای نسبت با فاغنه نمی باشد در رفتن و ماندن اختیار تام و تمام دارند
 (عالیجاه مقررت ایخاقان محمد ابراهیم خان سرتیپ فوج ثلثه اصفهانی که بحسن صدقت و کفایت
 در خدمتگذاری معروف و کمال مرفقت و انجام امور محو و بنحو ظاهر خدمات بقعه و ایتمات او در نظم افواج
 ابواب جمعی خود در امور بت کربیرت مشهور و بکحوط خاطر اقدس هاپون شایسته ای دولت علیّه گردید
 مستوجب ظهور با طغنی تازه و جرمی مجدد آمد بقلب صیل سهام الملک طغنی و کیثوب جبه ترمه کشمیری در حق
 مشارالیه حلف مر حمت گردید) (مقررت ایخاقان نصر الله خان سرتیپ فوج کلپایکانی نیز این واقعه کا
 فیروزی نسبت حاضر و شمول التفات و عنایت خاطر اقدس هاپون و اولیای دولت قوی شکرت
 اند و بخلعت مهر طلعت هاپون شایسته مجمع و سرافراز گردید) (فوج ناصریه که احضار رکاب هاپون شده
 بودند در روز یکشنبه یازدهم شهر ذیحجه احرام عالیجان لشکرنویان عظام سان حاضری آنها را بدقت
 دیده در کمال شکوه و آراستگی مأمورستان گردیدند و بکطاف و شال ترمه از جانب سنی ایچو سب
 اقدس هاپون برسم خلعت بجالیجاه کاظم خان سرنک فوج ترمه بول التفات گردید) (در یکشنبه
 که شب عید اضحی بود و سبب حسین و سرور در حضور موفور السور و هاپون چیده بودند عالیجاه نیز این
 سررشته دار قورخانه مبارکه حسب الامر سبب شش بازی از قورخانه بحضور اقدس ملوکانه آورده
 خدمت او مقبول و محسن افتاده کیثوب جبه ترمه بجالیجاه مشارالیه خلعت مر حمت گردید و از اختلاف
 طهران کمال ایتت و انتظام در دارالخلافه الباهره حاصلست و بیچوجه خلاف قاعده از احدی نا

۲۲۴۲

و صادر نمی شود بواسطه رفتن کوچ و عیال سپاهی در عیت طبیقات شیران خانهای که داشتند کز
سپه و مقل کرده بدون سرایدار و اگداشته بودند حسب احکام نواب شاهزاده و الا بتا محمد تقی میرزا
دارالخلافه طهران بجایگاهان کلانتر و کدخدایان دارالخلافه و قدغن اگداشته که در محافظت و محاربت محلات
خانها زیاد تر از سابق اتمام داشته باشند و همه وزه درین باب تاکیدات اگیده میشود (در باب
چشم فوت مرحومه مغفوره والده شاه خلد آرمگاه نوزاد مفضو در کیکه چال حصار محله سنگلج جمع اعزّه و جمله
و اشرف دعوت شده قهوه و عیالان و شام بقاعده صرف نموده بعد از آن شام فاشه خوانده بر کسب بخانه
مراجعت کردند) (در پنجم این ماه مرحوم خسرو خان والی که از اکابر و نوکر بزرگان دولت جاوید است
قاہرہ بود بر حمت ایزدی پیوسته بر حسب امر اولیای دولت ابد مدت در سیحی سلطان مجلس ختم اگداشته
و بقانون سفره داده شده شاهزادگان عظام و علما و سادات ذوی الاحترام واجد جاگران در باب
۴۰ یون مجلس فاشه حاضر شده جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم با اعظم نوکرهای دیوانی برسم
خوانی بشه شرف آورده مجلس بزور آمدند و بعد از دور و در مجلس فاشه را بر چندند) (سه چهار نفر دزد که درین
اوقات مصدر سرقه شده بودند دستگیر گردید حسب الامر نواب شاهزاده و الا بتا محمد تقی میرزا
حکمران دارالخلافه تیسبیه و سایر ولایات) **خراسان** از قرار یک در
روزنامه خراسان نوشته کمال انتظام و وفور نعمت در آن ولایت حاصل است و رعایا بدو رو کردن و پرداخت
محمول غله و غیره مشغول اند مقرب الحاقان قوام الدوله پیشکا خراسان حکام و مباحثین خراسان را با
آند سس بجهت پرداختن حسابان خواسته و با مستوفیان آن ولایت مشغول محاسبه داد و ستد
هستند محاسبه هر کدام که تمام شد مصادق بچند دستور العمل با داده و الترام از او گرفته میشود که اگر نیاز
از مالیات معمولی چیزی از رقیب بگیرد هر چه گرفته باشد از او مسترد و بر عین عاید شود و علاوه بر آن حساب
سواخذ و ترجمان نیز باشد در عایا و امالی ولایت ازین رکهد کمال شکر گذاری و دعا کونی را دارند و
فاطر با عمرستی خود مشغولند) (دیگر نوشته اند از قرار یک مذکور بوده است ترکمانان حسن نشین که چند بار
مرتبک هرزگی و ماخت و تا ز صفت خراسان گردیده بودند این اوقات چون میدانند که عا که منصوصه
پادشاهی تیسبیه و تا دیب آنها خوانند رفت حال و اقبال خود را آنچه با ر سکنین داشته اند بدست
ریک کشیده و خود نیز مرصه اند که اگر قشون دولت علیه با نظرف برود خود را بدست ریک میکنند
سرخ ذیقعه بحرام نواب مهدیقلی میرزا از بهرات وارد ارض اقدس گردیده اند و از قرار تقریر نواب
نواب صاحب سلطه و امالی خراسان توپخانه و قورخانه را از بهرات حرکت داده منستظر حکم مجدد از اولیای دولت علیه

۲۲۴۳

قرین از فرار که در روزنامه قرین نوشته اند امور نولایت از حسن توجهات اولیای دولت قاجار
 و مراقبت نواب استقامت هزاره و آلاء عبدالصمد میرزا حکمران قرین و کفایت معرفت انخاقان حاجی حسنعلیخان
 پیشکار نولایت قرین انتظام است امور شهر و محلات منضبط و کسی قدرت حرکت خلاف و تعدی نسبت
 بدیکی ندارد و همچنین امور طرق و شوارع منظم و مستحفظ و قرا سوران در راههای آنجا مشغول حفظ
 و حراست اند و مترودین با اطمینان خاطر از منازل عبور و مرور نمایند نواب هزاره هر روز به بعد از
 فراغت از درس در عمارت کلاه فرنگی نشسته بعضی واد مردم رسیدگی می نمایند و بصلاح و بصواب
 معرفت انخاقان پیشکار امورات را مفصل میدهند در این اوقات که موسم رفع محصول است چون در
 بعضی دهات خالصه در امورات رعیتی و قرار باز دید و برداشتن خرمین لازم بود که آدمی این اراعیان
 ولایت رفقه باز بد و سرکشی مأمور دهات نموده امور عالیای آنجا منظم بدارد لکن معرفت انخاقان
 پیشکار عالیجاه میرزا اسمعیل خان را با اتفاق عالیجاه حاجی احمد آقا برادر خود فرستاده رفقه دهات
 خالصه را باز دید کردند و امور آنجا منظم کرده مراجعت نمودند (دیگر نوشته اند که درین چند روز
 باد گرمی در قرین وزیده بجاصل انکور و فالیز حرات رساند گذشته از آن حاصل انکور از اول غروب
 شدن در اکثر دهات سیاه میشود کویا خاکستری باغباری روی انکور اگر فرقه متعفن میگردد این قسم
 حال دو سال است که در انکور نولایت بهم رسیده است پیش ازین نبود و صاحبان باغات میدانند
 که سبب این علت در انکور از چه چیز است و بچه چیز رفع میتوان کرد بجاصل کندم و چونیز اگر چه
 سبب زنگ و باد گرم فی بعضی ضرر رسیده است ولی نرخ غله و قوز برود در منزل است و کمال دوزخ
 دارد و چنانچه کندم خوداری با نرزه هزاره جو خوداری مفت هزاره است ولی صیغی کاری در هر جا
 بعمل آمده است **نمایند** از فرار که در روزنامه بنام نوشته اند امور نولایت از اهتمامات
 محمد رحیم خان نسبی باشی قرین انتظام است سواره منزل که مأمور کرمان بودند و حسب الامر اولیای دولت
 از آنجا حضرت معاودت حاصل کرده درین روزها وارد نهادند و اندم معرفت انخاقان مشا رالیه
 سان سواره مزبور را در کمال خوبی و انتظام دیده هر یک را از صاحب منصب و باین فراخوار حوال
 خلعت و انعام داده با ماکن و ادا طان خودشان روانه نمود و سواره مزبور که سابقا با بودند حال
 از اهتمام معرفت انخاقان مشا رالیه در کمال آراستگی و انتظام میباشند و کمال سعی در کار سواره
 مزبور دارد که ازین هم آراسته تر و بهتر باشند و هم چنین در نظم امور ولایت و رسیدگی بعضی
 رعیت و انجام هدت و یوانی نهایت محبت را بعمل می آورد

۲۲۴۴

اجبار دول خارج

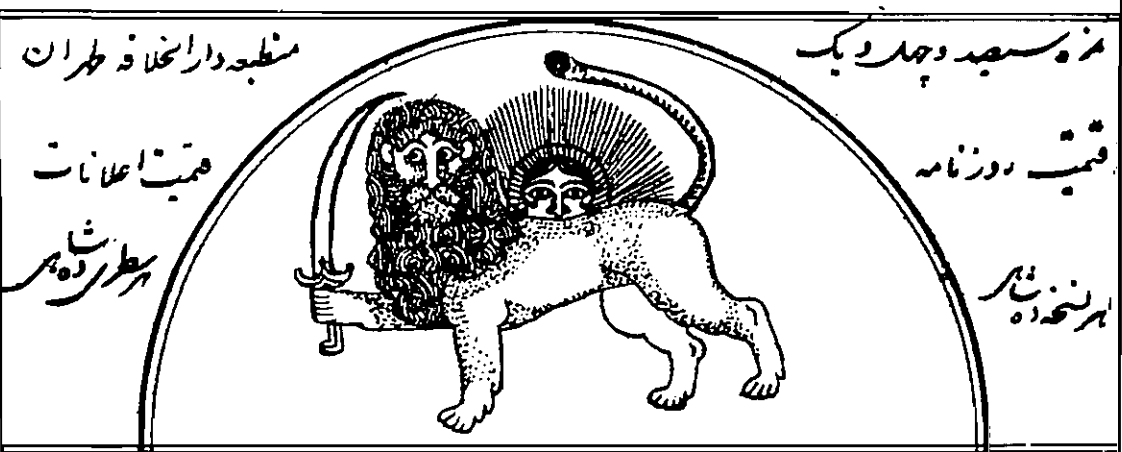
در دولت مجتهد معابد و کلیساها و سایر عمارات تخصصات خبری دارد در این اوقات از جانب دولت اراده شده است که وجوهی بجهت مصارف آنها برانداخته نماید کیفیت مجلس مشورت بیان شده و جنسی اشخاص از اجزای مجلس اظهار موافقت کردند و اکثریت آراء در خصوص نریب این وجوه ظاهر شد بعضی اشخاص که قبول این معنی کردند گفتند درآمد از میان آنها موسیوقه نام شخصی خطابا بر وکیل مجلس بزرگتره حاصل این مصارف فقراتی بر سبیل استهزا و تحقیر بیان نموده چون در مجلس فرنگستان عاونا عموم امانی جمع میشوند و در تصدیق و رد هر فقراتی اصوات بلند می کنند در اجتماع این فقره موسیوقه را نام آفرین و تحسین گفته صد بلند کردند سر و کل مجلس بزور ازین گذارش بدت متعمر و غضبناک شده گفته بود این کو کفتگوی بی ادبانه بناموس حکومت خلل میرساند و در مقام طلب ترخیص و اخراج آن اشخاص که تصدیق موسیوقه را نام صد بلند کردند بر آن اکثریت در طرف این اشخاص ظاهر گردید بر در سرای حکومت اجماع کرده با اجزای مجلس که بیرون آمدند بنای استهزا و تحقیر گذارنده رسوائی و افشاح تمام نمودند و سفیری که از جانب پاپای رومه در آنجا بود و قسماکه از مجلس بیرون آمد اشخاص مرقوم را که بسیار پیر و مجرب بود سر با پاس تصور کرده خیلی تحقیر نموده خفت دادند و آنها گذارش بواسطه سیم لغو اف بجال سایره نشر و اعلان شده روز دیگر بجهت امداد و اتفاق با آن اشخاص از هر یک از ممالک دولت مزبور دسته دسته آدم از راه آهن با آنجا آمده از جانب دولت مقدار کافی قیود بیرون آمد و قرائل دولت مزبور بجهت امانت دادن با عیال خود تنها سازنده رفته بود موافق روزنامه دیگر که بعد سید از سایر مجال زیر حکومت دولت مزبور از ممالک مون وغان و لیر و انور کل امانی آنجا در طرف چند روز چند هزار کس به پروکس که مقر حکومت اند دولت است جمع شدند قرائل دولت مزبور چون دید که منظور پیش نیرود فتح اراده خود نموده اجزای مجلس را متفرق کرد ولی نتیجه این ماده بجا انجامیده باشد بنور معلوم است (بموجب نوشته ای که چند دفعه در روزنامهها مسمور گردیده است در میت و چهار سال قبل ازین که قرائل دولت اسپانیول فوت گردید بجز یک دختر و یک برادر کسی از او مانده بود و قبل از فوت خود دخترش را و سعید کرده بعضی از اعیان دولت مزبور نیز این حسد را قبول نموده بودند چون سلطنت زن در آن ولایت موافق قرائل قدیمه آنها ممنوع است برادر قرائل مشا را بجهت دست آوردن زمام حکومت آنولایت بعضی تشبیهات اقدام ولی بجهت اثر بد بصر صائبه زوج قرائل متوفان منظورش پیش رفت و جنسی قیل و قال کون نموده بالاخره دختر مزبور بسند قرائل ممکن گردید موخر برادر قرائل متوفان بقری بلندن پای تخت دولت انگلیس عزیمت کرده و بجا آمد مزبور شد دولت انگلیس بجهت احقاق حق و قشونی با اسپانیول دستا دند ملکه اسپانیول خود بلندن آمد

۲۲۴۵

و گفتگو نموده و التی خود را ثابت کرد و دولت انگلیس تصدیق نموده عساکر خود را از اسپانیول معاودت دادند و مؤخرًا التی را الیها را بعضی دول فرنگستان و دولت فرانسه قبول و تصدیق نمودند ولی دولت روس بمقتضای نظامات قدیمه خود تصدیق این امر را ننموده و پرسو نمود و سفیر خود را از دولت اسپانیول برداشت بعد از وقوع مصاحبه دول دولت روس نیز التی را الیها را در دولت اسپانیول تصدیق کرد و برستو و اموقوف نمود در ضمن تبریک جلوس خود سفیری بجانب اسپانیول فرستاد و بالمقابل از جانب دولت اسپانیول نیز در ضمن تبریک جلوس سفیری بدولت روس ارسال شده و معقدًا در صورت اقامت در این اوقات بار از جانب دولت روس قوسن تا چین نام سفیری مبدی در پای تخت اسپانیول مأمور و روانه گردیده است (در روزنامه سابق نوشته شده بود که در حوالی جزایر که در تصرف دولت فرانسه است از آنوقت که جزایر مریور را تصرف کرده اند عشاری را قایل تا کنون به ایره اطاعت فرانسه نیامده اند علیحضرت امپراطور فرانسه بیت و پنجاه قشون بجهت حربه آنها مستحق کرده بود بموجب روزنامه که این اوقات رسیده عساکر مرقومه در منتهی ماه مارس فنی بجل تبریک افری نام رسیده و هفت روز در آنجا اقامت کرده اند و از آنجا سحر بر مریور به محل بنوراتان نام عزیمت کرده در آنجا تلافی فریقین اتفاق افتاده تا یک نفع جنگ قایم بوده اگر چه از اردوی فرانسه خیلی آدم کشته و زخمی شده اند ولی آخر عشار مریور مغلوب گردید و بدولت فرانسه و حالت نموده اند و از جانب دولت فرانسه مقصد هزار خانق با آنها توزیع شده و جنایات گذشته آنها عفو گردیده و از هر طایفه عشاری مرقومه چند نفر از معتبرین بدولت فرانسه آمده اند و از جانب دولت فرانسه قلعهائی در آنجا قرار گرفته اند ساخته شود و متخاه مصارف آنها در میان قبایل مریور توزیع و تقسیم شده و یک راه آهن نیز از دولت فرانسه قرار شده است در آنجا با زند بعضی از قبایل مریور نیز بنور بدین اوقات در نیامده اند) (سابقاً هنر نواب غاندوق قسطنطین برادر علیحضرت امپراطور روس بجزیره ویط و طایقات او با علیحضرت ملکه انگلیس و معاودتشان از آنجا نوشته شده بود بموجب اخباری که در این اوقات رسیده نواب مغزی الیه بعد از معاودت از جزیره ویط بشهر طه نام فرانسه رفته و مؤخرًا از آنجا بشهر انور که در حکومت دولت بلجیقا است عزیمت نموده اند) (مستشار وکیل حربیه دولت دینمارک با دو نفر تاجر و بعضی از ضابطان عسکریه از مسومات قشون چین و جوایز حیف و میل کرده بودند مراتب معلوم دولت گردیده همه آنها را گرفته حبس نموده اند) (انالی چین تجارت و اختلاطشان با اهل فرنگستان رای دولت چین است در این اوقات چهار نفر از اهل چین بعضی سباب بفرنگیهها فرودخته بودند اهل چین مقصد آن چهار نفر را گرفته کشته اند

۲۲۴۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۲۱ شهریور ۱۲۷۲ مطابق ۱۲۷۲ میل



اخبار دهنه ممالک محروسه پادشاهی

اردوی هایون

در روز یکشنبه بیستم که روز عید غدیر و از اعیان عظیمه قتی بود که حضرت اقدس تایون شاهنشاهی صیانت شوکت
 عن شاهی در عمارت شطانی نیاوران باسلام عام داده از انسانی دولت علیه و بر اکان عظام خونین سران و جبا
 نظام و مقربان حضرت کردن بطنه که در اردوی هایون و در بریقات شمیمانات و در دارالخلافه بودند
 اولاد عمارت نیاوران جناب جلالت کتب اشرف امجد ارفع صدر عظیم جمع گشته هر یک از خدمت باجلا
 شد نه هم عید مبارکی را بعل آورده صرف شیرینی و شربت در آن مجلس گردید و از جانب سنی ایوان سرکار
 قوی شوکت اقدس هایون اعلی بقراری که در هر یک از تمامی اعیاد سال معمول است کتوبه تزیینت خاص و تمام
 از مجلس تبرک بجناب معظم الیه اللغات شده و بهمان مجلس آورده جناب اشرف ارفع ختم صدر عظیم
 و اکرام صفت هایون را از پیشواز و غیره بعل آورده و نیز بر دوش خود نمودند تمام حضار مبارکبا و گفتند بعد از
 تها سلام حضور اقدس هایون اجنار شد و هر یک از صنوف چاکران حضرت در مرتبه و مقام خود صفوف
 منعقد ساختند و جناب اشرف امجد ارفع در مقام قرب خود قرار گرفته و سرکار اعلی حضرت اقدس هایون
 صیانت شوکت عن المتشاهی اشرف ذای تالار قصر پادشاهی شده و برار که سلطنت فرزندت افروندند و از اج
 جناب پشاهی را بجناب خسروانی محض و انالی سلام را تبریک عید نمودند و جناب معظم الیه مراسم شکر گذار
 و شاجونی را بقدیم رسانیدند و سایر ذمائیهای مملکت که دلیل کمال رحمت نسبت بخدمتگذاران دولت
 و باعث مزید امید و اری چاکران حضرت بود و بلفظ در بار جاری فرمودند و جناب صدارت پشاهی جواب
 شایسته بعضی پیشگاه هایون رسانیدند و خطبه غزالی نامی هایون خوانده شده و عالیجا میرزا محمد علیخان
 قصیده که در تهنیت عید برشته نظم کشیده بود و معروض پیشگاه هایون دانسته مورخین گردید سلام عام منقضی شد

۲۲۴۷

رای جهان آرای احمد نسها یون سرکار علیحضرت قوی شوکت شاهی خلد الله ملک و سلطان جهان
 اقتضا فرموده که نور حدت عظمت شهر باری و نور حدت خلافت و تاجداری نواب شرف والا امیر کبیر
 امیر نظام دام اقباله العالی را که در زمزه شاهزادگان عظام بر حسب شد و من مقدم و من جمع الجهات
 ار استه تر و شایسته تر از همه استند بولایت عهده سلطنت و در اشته تاج و تخت خلافت نصب و تعیین فرمایند
 و برای تقدیم این مبارک مهم عظم و عمل آوردن چنین حجت منظر را و جب الزم چنان اراده ملوکانه فرمود
 که چون ولادت با سعادت هاجون علیحضرت شاهی در ماه صفر اتفاق افتاده و آن ماه را با بنوا
 بغال میمون و مبارک گرفته اند ساعت سعدی در قرب عید مولد مبارک خواهد قبل از عید مزبور و یا بعد
 باشد تعیین شود و اجزای این مهم جلیل در آن ایام شده باشد لهذا برای چشم روشنی عموم انالی ملت و مملکت
 با اعلام این خبر خجسته اثر در ضمن این روزنامه پرداخته میشود و همچنین بهای حکام سعادت فرجام مالک محرو
 پادشاهی اعلان میشود که اطلاع ازین مقصود عاقبت محسود بهم رسانده میباید عیش و شادمانی باشند
 و نیز از اکابر و اعظم حکام مالک خاصه نسبتین خانواده سلطنت عظمی بر کدام را که فرصت و امکان حضور
 در دار الخلافه الباهره بوده باشد بجز این حضور با هر التور هاجون اقدس اعلی استعدا و درخواست اجابت
 که برای جشن سعود بیای تحت خلافت احضار شوند و هر کدام را که این فرصت و مقدرت نبوده باشد خود اگاه
 مستحضر شده منظر خبر ثانی برای تعیین روز نصب و یعهدی باشد که در آن روز مخصوص مشول اجزای رسوم
 شادمانی در محفل حکومت خود باشند (علامان طرین کاب مبارک بقرار یکم معمول است سالی یکده
 داده از حضور مهر ظهور اقدس هاجون میکند رند در این اوقات نیز حاضران گردیده با کمال ارادت
 انتظام مکتب و مسج با اسبان ذبه و اسباب تیمسان داده از نظر مهر اثر سرکار اقدس علیحضرت شاهی
 اید البیثه گذشته سگوه و نظم و آراستگی آنها مطبوع و سخن خاطر ملوکانه مورد تحسین گردیدند و
 نتیجه التور را العظام میرزا داود خان وزیر لشکر که از عهدان علامان مزبور عرض اعلی آنها در حضور مهر ظهور
 بر آمد یکتوب جبه لاک کسیری حاشیه دار از جانب نسی الحجاب هاجون طلع رحمت گردید و همچنین عالیجاه
 نتیجه الامراء العظام محمد مهدی خان پسر و نایب مقرب الخاقان امیر الامراء العظام کبیر کبیری باشی و عالیجاه
 مرتضی خان قوللراقاسی در انتظام و آراستگی علامان اتمام نموده بودند مورد التفات و نوازش ملوکانه گردید
 یکتوب کلچ ترمه عالیجاه محمد مهدی خان و یکتوب جبه ترمه مقرب الخاقان قوللراقاسی طلع رحمت فرمودند
 (چون عالیجاه میرزا حسن برادر عالیجاه میرزا حسین سرشته دار قورخانه مبارک از حسن خدمات خود
 در انتظام امور جبه خانه مبارک و خوب خلق آفتاب جدید و پاکیزه مرمت نمودن آفتاب فوج قاهره خاطر

۲۲۴۸

اولیای دولت علیه را از خود خرسند و راضی داشته در انجام خدمات تخریفات مراتب اتمامات خود را اظهار
 لهذا منای دولت علیه حسب الامرهایون اورا منصب حیل حبه دارباشیکری و مبارشری حبه خانه مبارک
 فرموده بکطافه شان ترمه و یکتوب قبای رزی بجایگاه مشارالیه از صند و قخانه مبارک هفت مرحمت شد
 (چنانکه در روزنامه های بمبئی در خلافت الباقی هم نگاشته شده در باب فقره ملک دشمن رعایای دولت
 در ایران فیما بین دولت ایران و دولتی که امر و زکات له الودا محسوب میشود عهدنامه واضح مفصل زبان داری است
 عهدنامه صریح نوشته شده است که ملک دشمن رعایای دولت خارج در ایران موقوف است بآذن سرکار علیحضرت
 اقدس بایون شاه دامت شوکت و رضای رعیت و مالک که اگر یکی ازین شرط منقود شود مشروط است
 و از رعایای دولت خارج احدی در خاک ایران مالک ملک نیست که قبل از حصول شرایط ملاحظه تحصیل ملک کرده باشد
 اعلام میشود که رعایای دولت خارج بر حسب عهدنامه ملک منی شود در ایران بدون حصول این شرط و اگر فرضاً
 بر ملک دشمن رعایای دولت خارج راضی بشود و ملک با و بفروشد عیسی که در آن ملک است راضی نشود مشروط است
 چنانچه بر فرض رعیت هم رضای منعی بداد آن و اجازه سرکار علیحضرت شاهنشاهی در ملک دشمن رعایای دولت
 که موافق عهدنامه شرط عظیم است در آن ضمن نباشد هرگز اولیای دولت نمیتوانند تصدیق و امضا بر ملک دشمن
 رعایای دولت خارج در ایران داشته باشند اگر حکام ولایات که عالم موضوع مسئله نبوده و در باب ملک دشمن رعایای
 دولت خارج قبی و حکمی سفارش نامه طور یا هر قسم باشد بیک یکی از آنها داده بایمانند است از راه عدم تحضار و یا
 به اند چون قبول و تصدیق این عمل مختص وجود اقدس بایون علیحضرت شاهنشاهی و اولیای دولت علیه است
 آن احکام و نوشتهجات ابدی محل اعتبار نخواهد بود پس منحصراً است اینک با مضای نفس نفیس بایون و قبول اولیای دولت
 بعد از عرض نجای بایون حسب الامر مضامونده با نوشتهجات حکام ولایات و پیکاران ایشان هیچوجه کافی نبوده
 نخواهد بود) (بعد از انعقاد عهدنامه دوستی فیما بین دولتین دیشوکتین ایران و انگلیس مبنی اتحاد و دوستی از طرف
 کافیه اولیای دولت علیه بوفیو ماچیان درجه حکام می پذیرد که میتوان گفت از مراتب مودت و مصافحت
 این دو دولت بالاتر و کاملتر میباشد و منظور اولیای این دولت و ایما در انجام اظهارات حقه و مطالب بی جناب
 جلالت تاج چارلس می وزیر مختار و همچنین مخصوص دولت انگلیس است چنانکه بعد از ورود سفارت انگلیس بدربار بایون
 و عمل آمدن تشریفات لازمه اول مجلسی که ما بین جناب شرف امجد ارفع و جناب جلالت تاج وزیر مختار انگلیس در باب امور
 دولتی اتفاق افتاد بقدری خوشحالت و بقاعده آن مجلس گشت و مایه حصول ضای طرفین شد که امید کلی حاصل است
 که بهین سبب اگر حرکت شود باندک مانعی بایه مودت از ازل که عبارت از عهد خاقان مغفور با تهر و بالاتر و دو علاء
 کنونات اولیای دولت علیه هم که در رعایت موالات اند دولت بجناب این الملک فرخ خان پسر دولت علیه این اتفاق و احتمال

۲۲۴۹

که از پاریس دوباره بلژن برود اگر بواسطه بیانات کافی خود با ولای دولت انگلیس واضح نماید این نیز
 بر مراتب نیکو احوالی و حسن طوبی خودشان در رسیدن اس دوستی و یکجبهی جانین خواهند افزود که پایه بکرنگی و مودت
 طرفین بد رجحان علی که داشته شود (جناب حیدر افندی شارژد فئودل عثمانی مقیم در بارها یون که
 از جانب دولت متبوع خود موقه احضار و روانه شد روزی که برای حصول شخصی شرفیاب حضور بمایون ملوکانه
 گردید احضار خود و مأموریت جناب توفیق افندی را بسمت شارژد فئودل عثمانی که در بطوریکه معمول است در
 عنایت دستگاه ملوکانه معروض داشت و پس از مخصی از حضور مرحوم طوبی یون رسماً با جناب شرفیاب
 ارفع صدر اعظم ملاقات نمود و عزیمت خود و مأموریت جناب را به رالطور مسطور اظهار کرد و بعد بمنزل جناب
 فحامت نصاب و وزیر دول خارج آمده جناب معزی المیر را از مراتب مسطوره رسماً اطلاع دادند چند روز بعد
 بنظم و تسبیح احترام بود جناب حیدر افندی روانه مقصد شد نه مناسبت اتحاد این سلام و حسن رفتار و خیر خواهی
 او از جانب اولیای دولت علیه احکام در سفارش عمل آوردن مویات اترحت و احترام جناب را اینک تمام
 راه صادر و عالیجی مرضی خان غلام باشی وزارت امور خارجیه بمانداری ایشان مأمور و با اتفاق معزی المیر روانه
 گردید که در منازل عرض راه از فرار دستور العمل اولیای دولت علیه حکام عرض راه المی سرقد آذربایجان مراسم
 اکرام و استراحت و ارجاع آوردند و جناب توفیق افندی در عنایت و موقه منصب شارژد فئودل عثمانی در دربار معدلت
 هایون اقامت کرد) (چون در داد اولیای دولت قوی شوکت علیه بر این است که در هر ولایتی از
 ولایات ممالک محروسه و کیلی از جانب رعیت بر فرامانند که حکام ملی اطلاع و صوابه بد او حواله و اطلاق
 بر رعیت نکنند و از اجافات اخبار امهون و محفوظه دارد از چند درکاشان این منصب از قدیم الایام
 و سلاله نسل از فرار از این سلاطین سلف و خلف منتهی بجایگاه محبت مسرعه خلاصه الاعیان میرزا
 و کیلی رعایا شده بود در این اوقات که اولیای دولت جاوید مدت علیه تاکید و اتهام ریاد درین باب
 داشتند از جانب سنی الجوانب ملوکانه یکثوب جبهه ترم برسم طاعت در حق مشا را لیه رحمت و عنایت
 فرمودند که منصب قدیم او تجدید یافته بر اسم مأموریت خود پردازد و از اختلاف طهران امور
 شهر دار اختلاف مبارکه که بعد التذاز بهر جهت قریب نظام است نوابک میباش نه زاده و الا بتا محمد تقی میرزا حکمران
 در متفر حکمرانی خود و سایر کارگذاران دیوانی متوقف دار اختلاف و سران و صاحب منصبان نظام هر یک
 دیوانی ارک و منازل خودشان بنظم امور محوله و انجام فرمایشات دیوانی پردازند امور حفظ و است محلات شهر
 در کمال نظم است و کسی قدرت سرقت و شرارت و خلاف حساب ندارد و نهایت فرورد کونه نعمتی بجز حاصل
 حاصل

۲۲۵۰

سایر ولایات

عربستان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند خلع مهر طلعت تا یون که از جانب شیخ با
 اقدس لوکانه با فتحی نواب استطاب هنزاده الایب حشام الدوله خان میرزا حکمران عربستان و ازین
 و پرورد بختیاری مرتضی بود در چهارم ماه ذی قعد که نواب معزی الیه در خارج شوشتر از دود
 بانجا پر تو وصول افکنده نواب معزی با خواین و سران سپاه و صاحب منصبان نظام و اعیان و اشرا
 شهر و مشایخ اعراب تا خلع بشون با استقبال شائقه لوازم توقیر و احترام خلعت تا یون را عمل آورد
 ریب برود و شرفها خود نمودند و اجرای شلیک توپ بعمل آمده بعد از ادای مراسم سکر گذاری حضرت
 شربت و شیرینی نموده روانه شهر گردیدند و هم در آن روز عالیجاهان شیخ فارس خان و میرزا ^{نعلجان}
 بیگار عربستان منحل گردیده حسب الامر نواب معزی الیه بانجام امور محوله بخود ما مور گردیدند و همچنین
 شیخ سلطان حاکم راهر نیز برای تفریح محاسبات خود آمده بود بعد از رسیدگی به محاسبات او
 از سلوک او بار عایا که معلوم شد رعایا نیز از حسن سلوک و سعولت او کمال رضامندیرا دارند و
 معزی الیه یک طاق کشمیری و یک توبه شمشیر و یک قبضه شمشیر و غلاف طلا که خلع مقرر ^{سال}
 بود با و خلع داده روانه راهر نماید دستور العمل ندیده نموند و قرار امور عالیجاه شیخ فارس خان را
 در حکومت چپ داده یک قبضه شمشیر و غلاف و کل طلا و دو طاق و شال و یک جبهه کشمیری که خلع ^{تعیین}
 هر سال عالیجاه شارا الیه بود با و خلع داده بنظم امور آن صفحات روانه نمودند فوج بیات ابو ^{مخافا}
 محمد مراد خان زرنندی را نیز رسان دیده مواجب نفی آنها را از قراریکه اولیای دولت علیه حکم کرده
 با آنها نقد تسلیم کرده و فوج منور را روانه لرستان نمودند که تا درود نواب معزی الیه بانجا ^{محل}
 خدمات لازمه اولایب باشند بانجمله امور آن صفحات را نظم کامل داده اند و حکام و مباشرین هر یک از
 مجال و حدود آن ولایت را معین و مامور نموده از اینجا غنیمت صفحات لرستان و انتظام امور پرورد
 بختیاری را داشته اند عراق از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند امور آن ولایت از ^{جانب}
 نظم و رعایا و برابری فاه حال و فراغت بال کبار و شغل و عیشتی خود و دعا کوفی ذات بهمال اقدس
 بیا یون شایستهی مشول و مقترب انخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق در نظم ولایت و رفاه حال
 رعیت و انجام خدمات دیوانی و رسیدگی بعضی دادرهای کامل مراقبت و موافقت را بعمل می آورد
 و حکام و مکذایان و مباشرین ملوکات قدغن اکیه نموده است که بار عایا بطور خوب سلوک نمایند و اگر
 کسی از مباشرین نسبت بر عیبتی نقدی و بی حسابی نماید مستوجب مواخذة و ترحمان خواهد بود ازین ^{محل}
 رعایا آسوده خاطر سرگرم عیشتی خود هستند

۲۲۵۱

فارس از فراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقب نواب مستطاب مستطاب
 حکم آن مملکت فارس در کمال انتظام است و نواب مغزی الیه بعض و داد مردم و نظم ولایت و رفاه حال
 رعیت و انجام خدمات یوانی اهتمام داشته هر روزه در مقر حکومت نشسته امور جمهور را فیصل میدهند
 و بر ایا سوده خاطر کار و کسب و عیشتی خود در عا کونی ذات قدس بی یون شایسته ای خلد الله مملکه و سلطان
 مشغولند غله و حبوبات از بزرگترین بجهت الله در کمال و فور و ارزانی است مگر چون که بجهت دو آب قشون زیاد
 میشود قدری تسخیر و ارد آن هم کمان دارند که تنزل بکنند و ارزان بشود بجهت اینکه هنوز جو و کدوم تازه از لوبو کات
 بشهر نیامده اند و خرمنها را خورده اند آنچه بفرشش میرود غله گفته است که از این راه درمی آید
 (دیگر نوشته اند که آقا سید زین العابدین ششما طفل دو ساله دارد ماری آمده بود از پیش روی او بگذرد
 طفل دست یازیده سر را بر گرفته و بدین گذشته فور جویده بود بطوریکه مار را هلاک کرد پدر و مادرش
 مشاهده این حالت مضطرب و قطع در رفع شدن طفل داشتند وقتی بیه وقت آمدند که کودک را سالم و زنده
 گشته و دیده سجده شکر الهی بجا آوردند این معنی از غریب اتفاقات و سبب مزید اعتقاد الهی فارس در حق
 پدر آن طفل گردیده احترام او را مدعی میدانند) (عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان سرتیپ فوج خرقانی
 در بیت و سیم ماه گذشته ذیقعد الحرام با فوج خود روانه دربار معدلت مدارهایون گردید چون در ایام
 توقف در فارس فوج را با کمال نظم راه برده و بانها بت معقولیت و کفایت حسن سلوک با امانی ولایت
 راه رفته بود و رعایا کمال رضامندی را از او داشتند نواب هزاره انظار التفات زیاد با او نموده و بجهت
 با و خلعت دادند و تدارکات و سیورت منازل عرض راه نیز حسب احکام ارکار گزاران دیوانی در آنها
 گرفته بفرج داده و فوج را از آنجا حرکت داد که بر رعایای منازل عرض راه بسبب سیورت از فوج مزحمت نرسد
 (عمده الامراء العظام مهر علیخان شجاع الملک از اردوی برازجان در دوازدهم ماه فروردین حرکت و در
 دار چنار راهدار سه فرسخی شیراز گردید چند روز در آنجا و باغ ارم توقف کرده در سلخ ماه ذیقعد وارد
 شد ایمن و اشرف ولایت و خوانین و ارباب مناصب و صاحب منصبان نظام لوازم استقبال را بفرمودند
 بعد از ورود بشهر حضور نواب مستطاب هزاره و الا بتا موند الله و له شرفیاب شده از آنجا بخانه خود رفت
 و عالیچان محمد قلیخان سرتیپ فوج خاصه و لطفعلی خان سرتیپ فوج ششم تومان اول که همراه او بودند با
 فوجهای خود در سپرون شهر شیراز جا و زده توقف دارند) (تو سپیان متوقف شیراز و فوج نهادی
 همه روزه در میدان توپخانه و میدان مشق حاضر شد مشغول مشق نظامی میباشند و از جانب صاحب منصبان
 نهایت اهتمام در مشق آنها بعمل می آید

۲۲۵۲

اخبار دول خارجی

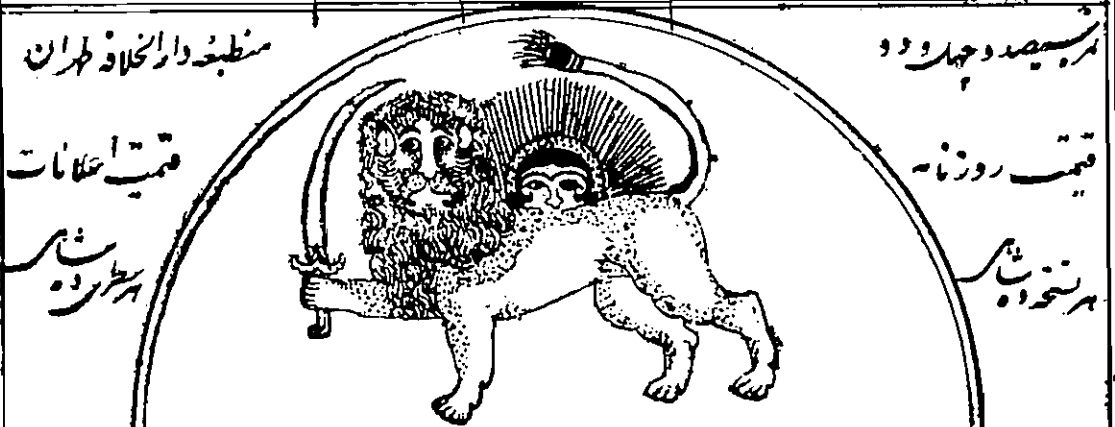
حکد اران فرنگستان سیاحتان در دول سیره رسما و غیر رسم معمول و در صورت من غیر رسم و حق
 آنها قطعا پذیرانی و محدود حکماری مرعی نبودن از اصول قدیمه فرنگستان است علیحضرت امیر طوسیان
 که در زمان اختلال چند سال پیش ازین استریه و مجاریستان از حکومت استغفا کرده و علیحضرت امیر طوسیان
 استریه را بهیچای خود نشاند و از نو اختیار فرموده و موسوم بفر دینان میباشند در سال قبل ازین آبان
 امیر طوسیان خود و غنیمت سیاحتی من غیر رسم بشهر استود غره که مقرر فرمایند دولت و از ترویج استیغاف
 و بعد دولت مزبور اعلام و خواست کردند که در روز دوشنبه ان بهماخانه انولایت ادب احترام استریه حکومتی
 بعد از آن بصورت تبدیل روانه انولایت گردیدند فرال و از ترویج نیز قبل از ورود ان فرستادند
 و خطوطی که بر سر درب مهاجرا علامت مهاجرا رسم میکنند کلا قلع و محو کردند و بر سر درسی حکومتی
 خود داد نوشتند مهاجرا امیر طوسیان علیحضرت امیر طوسیان که وارد شهر مزبور گردیدند بغیر از همان
 مهاجرا دیگر بنظرشان نیامد در اینجا کارها که فرود آمدند و داخل عمارت فرال دولت مزبور نیز خود
 بصورت صاحب مهاجرا عیال و خدم و بصورت طبخ و خدمتکار پیش آمدند و اصلا بر او عمل خود را ندادند
 بدین پنج امیر طوسیان استقبال کرده از قیمت ماکولات و اجرت منزل و غیره تقییس و بیان بعمل آمده و
 اطافی شدند علیحضرت امیر طوسیان حرکات و الطوار آنها دریافت معنی کرده ولی بدست آنها نگذاشتند و
 در اینجا بر سر در صبح و ج ماکولات و اجرت مهاجرا را بدست فرال مزبور تسلیم نموده بجا که سوار شدند
 سر و کین دولت مزبور نیز با وزیر امور خارجه دولت بهیبات ملوک و خدمتکار همراه امیر طوسیان سوار شدند
 خود آمده بودند در این اوقات فرال سقا بنه نیز من غیر رسم غنیمت خود را بعضی مقرر حکومت دولتی
 دیگر و اینکه در حق او ادب ستمه بعمل نیارند اعلام کرده است و مکان دارند که در حق او نیز بهانطور محال
 (موجب اجباری که این اوقات رسیدن نواب غراند و ق قطنین برادر علیحضرت امیر طوسیان
 شهر قلعه فرانس حرکت کرده و از راه بروکل بلجیفا و بعد از آن بفلنگک غنیمت دستند درین صحن
 علیحضرت امیر طوسیان با جناب رسم تلفراف احضار شده به پطرزبورغ روانه گردیدند) (نواب
 ناپلین عموزاده علیحضرت امیر طوسیان در این اوقات در ضمن سیاحت بانگلیس و ایرلند و از اجناس
 به پطرزبورغ باز دیدن نواب غراند و ق قطنین در روزنامه های فرانس نوشته اند) (بجهت ترویج
 امور شخصی خودش در این اوقات رفتن فرال دینارک پاریس مجموع گردید است) (در روزنامه های
 غنیمت نواب پریس مقسین برادر علیحضرت امیر طوسیان که قائم مقام لومباردی است بجهت باکشی بدن نوشته اند

۲۲۵۳

قرال دولت ر دینه تا کنون ترویج اختیار کرده است درین اوقات ترویج دختر قرال مستند راز
 کرده و کیفیت در مجلس مشورت دولت خود بیان نموده است و همچنین فرال پور تکبیر نیز دختر دوم فرال
 باوید را اراده ترویج دارد (بقانون مطومہ فرنگستان در پامی تخت و مشرف حکومت هر دولتی مجلسی
 دولت از خواتین و مجلسی از جانب ملت از وکلای رعایا انعقاد می باید و دولت تعیین و انتخاب اجزای مجلس ملت
 مطلقا داخل نمی کند بلکه بقرار و رای عموم ملت از هر شهر و مملکتی وکیل انتخاب کرده به پای تخت میفرستند در این وقت
 در پاریس پای تخت دولت فرانسه مدت ناموریت اعضای مجلس قتی نزدیک با تمام است در بات تعیین وکلای
 از جانب دولت بعضی وکلای ملت به اسم مجلس قتی تصریح شده و از جانب ملت نیز بالمعاطف بعضی اشخاص که در تمام
 جمهوری فرانسه مخالف دولت بودند و دولت بعد از آنکه استقلال یافت آنها را بتجدد و اخراج کرد و انتخاب کرد
 بموجب روزنامه دیگر که بعد رسید نوشته اند که گفتگوی مخالفت با این دولت وقت فرانسه در باب اجزای مجلس
 ملی کلا رفع گردیده بموافقت طرفین از جانب مالی دولت و شصت و دو نفر اجزای مجلس قتی انتخاب گردیده اند
 چهارده نفر از اشخاصی هستند که در زمان جمهوری فرانسه مخالف دولت بودند باقی کلا طقداران دولت
 (در شهر وین تن یکی دنیا نیز در باب انتخاب اجزای مجلس جمهوری آنولایت با این مالی مخالفتی ظاهر شده بود
 در این اوقات اکثریت آرا در یک طرف ظاهر شده و نزدیک بوده است که ناده مخالفت رفع شود و بعضی از
 مالی که مخالف طرف اکثریت بودند سبب انظار مخالفت و اجزای مدعی خود بطرف آنها توب انداخته بودند
 فی الحال عساکر جمهوری بیرون آمده توپ را از دست مخالفین گرفته محاربت نمودند درین مقدمه از آن
 مرفوعه شش نفر تلف و سی نفر مجروح شده اند بعد از آن گزارش بکجا انجامیده باشد هنوز معلوم نیست) (دیگر
 نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور آستریه که بشهر پنچ تشریف برده بودند از جمله اگر امانتی که با مالی مجارستان
 مبدول داشته اند اینکه با بچه مامورین هر سه نفر و نفرش از اهل آن مملکت باشند و اگر کسی از ارباب جانیست
 که در قلعه استیبرق مجوس بودند با مجوسین بر جایها و از عساکر مجارستان کسی که سببه جنایات است بقدر
 مستوجب قصیه بودند همه را عفو فرموده اند) (پای پای روم به مجال معلومه مملکت خود که سیاحت کرده بود
 مالی محلیه با تمید اینکه بعضی اشخاص که با قضای پولتیک در حبس خانها مجوس بودند یا آنها را عفو و
 خواهد نمود بجهت تبریک قدم او در محل جنسی اجزای شیک و احترامات بعد آوردند ولی مرضی مجوسین صورت
 گرفت باین جهت فی الحال بروتی مابین مالی و پای پای روم ظاهر شده است) (اگر کسی بخواهد بکلیس کسی که پنجاه و یک توب
 داشته پیشگاه کانتان چین بگوشته بود فی الحال دو کشتی از انگلیس و فرانسه بجا فرستادند و بر آلات و ادوات محموله او را
 بردن آوردگان و کشتی که خودی را نیز به از آنکه بسک شد بتواند حرکت بدهند

۲۲۵۴

روزنامه فایح اتفاقیه پنج پوم خسته و نسیم دستخیز مطاسا سید سلیمان ۱۲۷۳



منطقه دارالخلافه طهران

شعبه چهارم

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

پنجاه شمشیر

پنجاه شمشیر

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

اردوی هایون

اعلیحضرت اقدس هایون شاهی خداوندکده سلطانه کماکان در سیاق نیادران تشریف دارند و در دهه عاشور و مراسم تعزیه داری جناب سیدالشهدا در آنجا بر کدو رخسار فرمود چون اوقاتی که آیام عاشور را در شهر دارالخلافه تشریف داشتند تکیه ارک در جناب شرف اجداد فرخ صدر عظیم است و تعزیه داری جناب اباعبدالله حسین علیه السلام و دعا کونی ذات اقدس هایون را بعمل می آوردند اما سال که موکب هایون با قضای فصل در سیاق نیادران تشریف دارند قبل از آیام دهه عاشور جناب مستطاب صدر که از پارسل نیای تکیه و تعزیه دار برادر عمارت نیادران خودشان گذارده بودند امر و مقرره داشته اند که در تکیه را طاق نما ساخته و هر جا که تعمیر در مرت لازم داشت نموده به تکیه و تدارک تعزیه داری مشغول هستند و تعزیه داری در دهه عاشور در آنجا تکیه بسته بود از تعزیه داری و دعا کونی ذات بیهاج علیحضرت ظل اللهی مشغول خواهند بود (عمده الامراء العظام مقرب انجافان سردار علیخان که از جانب سی ایوب هایون حاکم سیستان و از خد متکذاران دولت جادید سیستان این اوقات که بتعبیل درگاه فلک شهباه شیرفانی حاصل کرده مورد مرحمت علیشاه نامه کرده بود محض مرحمت اراده خاطر اتفاقا مطایبه شاهنامه اقتضا نموده در ابصهارت نواب مستطاب شاهزاده اراده ایستاد بپوشیدن سلطنت کبری سرافراز فرموده بر حسب امر اولیای دولت علیه مقرب انجافان میرزا زمان آبروم پیروز است بجلس عقد ترتیب داده روز جمعه ۲۴ در حضور علماء ذوی الاقترام و شاهزادگان عظام و چاکران در بازار کردون ام عقد مناسبت میمنت و مبارکی منعقد گردید

۲۲۵۵

بعد از آنکه عهدنامه دوستی مابین وکلای دولتهای ایران و انگلیس در بغداد مبادله شد اولیای دولت علییه
ایران در کمال صداقت بلافاصله اقدام با اجرای فصول و شرایط آن نمودند و هر یک را در موقع خود بدو
تاخیر کا ملاحظه آوردند از دعوت جناب جلالت مابسترموره وزیر مختار انگلیس بطهران و تعیین صاحب
باشان برای دعوت و هماهنگی جناب معزی الیه و تقدیم لوازم احترامات و تشریفاتشان
و تخلیه سبیل جمیع افاغنه و اعلام صریح که هر کس در ملک ایران بوده باشد خود را در رفتن با قضا
و ماندن در ایران مختار و مطلق العنان بداند و امثال و نظایر آن در هیچیک از این مواد قصوری نگذاشته
حتی تخلیه هر ات را که خبر عظیم عهدنامه بود بطوری اقدام نمودند که قبل از انقضای مدت معینه در عهد
بین مقصود از قوه بفعول آمد و خبر صریح مکتوبی در این باب از توابع ماسلطنه و الی مملکت عثمان رسید
خلاصه از جانب این دولت علیه هیچ وجه قصوری و تقوری بظهور نیامده است و اکنون مستظرف
هستند که دولت انگلیس چگونه با اجرای تکالیف خود که در عهدنامه معترف بود اقدام خواهد کرد و بجهت تمام از عهد
ما فی الذمه خود در دوستی خواهد برآمد (چون مقترب انخافان میرزا زمان امیر دیوان در انشغال امر دیوان
مبارک مراقبات کافی بعمل آورده صورت احکام یکساله شرعی و عرفیه و مراعات و وقایع حکام شرع
شریف را بر حسب امر قدر قدر اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه در قلیل زمانی طوما متوسط
نوشته بنظر مایون رسانید لهذا مستوجب شمول مرحوم علیه شاهانه گردیده موازی یک قطعه
شیر و خورشید از مرتبه اول سیرسی بانضمام یک شیشه حاملی شرح که مخصوص همان منصب است با
یکثوب جبهه ترمه کشمیری بافتخار او مرحمت گردید و فرمان مهر لعلان شرف صدور یافت) (نظر بر
خدمتگذاری و حسن کفایت مقترب انخافان میرزا زین العابدین مستوفی در انجام مهمات موجود خود
که خاطر اقدس مایون شاهنشاهی و آری دولت علیه را فرین رضامندی و خرسندی داشته مستوجب
مرحمت آمد لهذا در این اوقات از جانب سنی انجوانب آه سس مایون یکثوب جبهه ترمه لاکلی بافتخار
مقترب انخافان مشارالیه مرحمت و عنایت گردید و دارالخلافه **طهران** هوای دارالخلافه
مبارک در این اوقات بسیار خوب شده و شدت حرارت که با بکلی رفع گردیده و نهایت طایفه
بهم رسانده است حتی شبها را بی لحاف و بالاپوش نمی توان خوابید خصوصاً و آخر شب که کمال سردی
از هوا معلوم میشود و در این اوقات که ایام دهم عاشورا و زمان تعزیه داری جناب سید الشهدا است
عموم المالی دارالخلافه بزودن چادر در تکایا و بستن طاق نماها و تدارک سبب تعزیه داری مشغول
و عموم کاران دیوانی متوقف دارالخلافه مبارک در این ایام عاشورا از نظام و غیر نظام از مشق و غیره معافند

۲۲۵۶

مرخص پباشند که روزگار را بتکایارفته استماع ذکر مصیبت نموده مشغول تغیر داری باشند امور شهر
و محلات منظم و عالیشان کلا ترو که خدایان حسب الامور نواب کامیاب هزاره والا تبار محمد تقی میرزا
حکمران دارالخلافه کمال مراقبت دارند که از کسی خلاف قاعده سرزنند و هم چنین امر فرادلی ارک مبارک
و فرادلی خانهای شهر مضبوط است و از جانب صاحب مضبان کمال اهتمام در امر فرادلی و حفظ و حراست
ارک و شهر بعمل می آید و ناکولات و میوهجات از چیزهای نهایت و فزونی را در آن فرادلی و ناخوشی
مثل سالهای گذشته که درین موسم فرادلی بود اما سال بجهت آنکه نسبت کم بندرت بعضی تب و لرز پیدا
می شود که آنهم بامساک و مراقبت جزئی رفع میگردد و عالمی و اعیان دار الخلافه الباره در عین فرعونیت
اسودکی خاطر بدعا کونی ذات اقدس بایون شاهی خلد الله ملک و سلطان و شکرانه حصول این
رطب اللسان همیشه (ابراهیم نام آتش در سال سابق در دنیا و ران دزدی کرده بود و آنوقت
دستگیر شده بکلم نواب مستطاب هزاره پنجم والا تبار رکن الدوله العلیه العالیه اردشیر میرزا حکمران
سابق دار الخلافه مجبوس شده مؤخر از محبس فرار کرده بعد از چندی باز بدار الخلافه آمده دزدی نموده بکلم
نواب معزی الیه یک دست او را قطع کرده اخراج مینمودند اما سال باز در دار الخلافه سید آه با یک دست
بریده در کتب سرق شد او را گرفته آوردند حسب حکم نواب کامیاب هزاره والا تبار محمد تقی میرزا
حکمران دار الخلافه دست دیگر او را نیز قطع کرده و چهار نموده در بازار فرار کرده اسیده از شهر دار الخلافه
اخراج کردند و همچنین حسن نامی در کار و سپهری دالان دراز بجهت شب رفته چراغ روشن نموده بعضی
جمع کرده بود که ببرد دالان دار و سکنه کار و انرا فهمیده او را گرفته خدمت نواب معزی الیه آوردند در
مقام تحقیق برآمد معلوم شد که سابقا نیز دزدی کرده بود لهذا حسب حکم نواب معزی الیه یک دست او را
نیز قطع کرده و چهار نموده در بازار فرار کرده از شهر اخراج نمودند بجهت در باب سرق و شرب
شرارت از جانب حکمران و سایر کارکنان دیوانی مقیم دار الخلافه سب رک کمال مراقبت و مواظبت
بعل می آید و کسی مطلقا قدرت حرکت خلاف تعهدی نسبت بدیکری ندارد (اما سال تباری در دار الخلافه
طهران چار جانب دیوان اعلی و چار جانب اناری دولت علیه و معتبرین چاکران در باره بایون و چار جانب
سایر خلق زیاد شده میشود و روز بروز سجد الله آبادی و جمعیت دار الخلافه مبارک در تر اید است چنانچه
زمین با بر در شهر بسیار بندرت یافت میشود اغلب باغها را که در شهر بود درین سنواة کلا قطع
کرده و عمارت نموده اند و هم چنین بیرون دروازه دولت و شمیران و دروازه نونیز خوب ساخته است

سایر ولایات

۲۲۵۷

اذربایجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند امور ولایت قرین نظام است
 در حایا و برابرا سوده خاطر بدعا کونی ذات اقدس باین شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان اشتغال
 دارند فدوی دولت ابدت نام مومن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکا مملکت اذربایجان
 غوررسی با امور جمهور نظم ولایت و انضباط کار سپاهی و رعیت و انجام مرجوعات و مهمات دوائی
 مراقبت و اتهامات وافی بعضی آورده و بحسن کفایت کرائی ولایت را تبدیل بازرانی نموده چنانچه از
 روز ورود با ولایت تا اوایل دیحجه که این روزنامه رسید روز بروز غلّه در ترابرد و خرش در منزل و از
 اطراف و ستاده غلّه آوردند و با فضل خواه غلّه و حواصا یرجونات و حیوانات در تبریز کمال و فورا در
 حاصل تازه نیز بیست آمده و تغییر اجناس را از قراریکه نوشته اند کندم بوزن هزار اشغال مقصد دینار
 نان سه عباسی گوشت شش عباسی روغن چهار هزار و پانصد دینار جو سیصد دینار و سایر اجناس
 نیز بهین نسبت معروض و افزوده است دیگر به بیکر بسکی و کدخدایان و داروغه در باب حفظ و مرابست شهر و
 محلات قدغن آید شده است که سارق و شارب انحر و ازین قبیل اشخاص را گرفته فراخو جنایت نماید
 و انضباط تمام در نظم امور شهر و محلات داده شده علاوه بر کزنده و حفظ استماری که غذای بر محله
 در سر کوهها و گذرگاهها از اهل همان کوجه و محله شناسا مستحفظ گذاشته الواط و اشهر را راهی چوچه مجال شرارت
 و هرزگی نیست و خود مومن سلطان وزیر نظام روزنامه را از صبح الی حوالی عصر در دیوانه نشسته رسید
 بعضی و داد مردم و فیصل امور پر و از دو هر کس عرض مطبوعه با بیمانی و نیم حمت در بان و قراولی رفته
 عرض نموده بامت فیه بروی قواصا جواب بشنود و وقت انخافان میرزا مصطفی قلیجان پیشکار معاملات دوائی
 همه روزه با مستوفیان ولایت نشسته مشغول رسیدگی محاسبات و معاملات دیوانی و وصول و اصال
 مالیات میسما (دیگر نوشته اند که عبدالتبیک غلام سفار سخا را در مرند کشته بودند مراتب را بمقام
 دبیر مهمام خارج بمومن سلطان وزیر نظام عرض کرده حسب الامر محصل امور کرده دید که رفته قاتل را گرفته ساورد
 دیگر یک نفر سید قیام عرض نموده که دو سه نفر الواط مرا بمیدان هفت کلان دعوت کرده و شب روغن
 نخوردم داده چپ و سه عدد امیر مال مرابرده اند حسب حکم الواط را گرفته آورده تبه کاملی نمودند ولی از
 سید چیری مستور معلوم شده است (دیگر نوشته اند که یک نفر زن در جغتو را خود را که بی عصمت
 و بنازل ارمانه و غیره رفته با کتاب خویش پرده خت بغیرت و حیثیتش گران آمد و شب خفه کرده بود
 فردا کیفیت بعضی وزیر نظام رسیده آن زن را تحسین توصیف نمود که بدنامی و بی ناموسی زاید
 خود راه نداده است

۲۲۵۸

۵

قزوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور آولایب قزوین انتظام است نو آب کامیاب است
والا تبار عبدالصمد میرزا حکمران قزوین بجهت تعمیر آب وهو در غرضه دستخیز با آب کرم قزوین رفته بوده اند
مقرب انخاقان حاجی حسنعلیان پیشکار در نظم امر ولایب و رفاه حال عیبت اهتمام کافی بعمل می آوردند
آب خیابان خوابیده بوده است و از بی آبی مردم بدینکند شده است مقرب انخاقان مشارالیه وجهی از خود
بجهت تحقیق قنات مزبور داده است علاوه بر آن تخوانی نیز داده و سی سنگام آب خرید در محلات
نموده است و مردم از عسرت بی آبی فارغ شدند (دیگر نوشته اند که مسجد جامع قزوین این روزها
خوب صورت تعمیر یافته و می یابد بجهت سببیکه هم موقوفات آنجا بنگار آب که حیف و میل میشد حال بهتر
خودش میسر شده و هم سایر مردم میل کرده بکس کجای او را تعمیر میباشند بیست سال
ساخته شده و طاق بزرگ او را نیز که خراب شده بود امسال در کار بندید زنده و سلیس صاحب گنت
هر کس بقدر نقد و در تعمیر و آبادی آنجا اقدام و اهتمام دارند) (دیگر نوشته اند که عالیه ازین العابدین
نایب اشخان مبارکه دارد قزوین شده حکم اولیای دولت علیه را در باب حمل و نقل اسباب کارخان
زلیمان باقی آورد و مقرب انخاقان پیشکار او را چند نفر تجار و تجار را اجرت و اسباب داده روانه نمود که بعضی
معا یرو پل و غیره را که خراب بود درست نمایند بعد از آن مکاریان و ریش سفیدان آنها را خواستند
چهار رس قاطر کرایه نمود که در میان خود تقسیم کرده حاضر نمودند که رفته اسباب مزبور را حمل نقل نمایند
کردستان از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولتی
و مراقبت و کفایت مقرب انخاقان امان الله خان والی کردستان امور آولایب قزوین انتظام است و رعایت
و برابری اسوده خاطر مدعا کونی ذات احدیس جا پون شاهنشاهی اشتغال دارند هموای آولایب نیز
نوشته اند امسال بسیار خوش گذشت و ناخوشی بنگارهای گذشته بسیار کم بوده و اجناس
و مالکولات نیز از هر چیزی فراوان و ارزان بوده است) (در روزنامه جوانرود نوشته اند که صیاد کجی
شکار کردن بکوتساران سرحد فیه در کربوه کوه کوننی را ببطور آوده بود که مار بسیار بزرگی بگردن او
پیچیده است تنگ را بر دست در آورده بود که کوزن را بزند ناگاه دیده بود که پلنگی بقوت تمام بر
کوزن خستن کرده مار فوراً سر از گردن کوزن راست کرده بر پلنگ زد بطوریکه از شدت اثر زهر بر زمین
افتاده برخاست و با مار در آویخت و هر یکدیگر خندان کاوش کردند که هلاک شده سنجک غلطیدند کوزن
از نکایت و اذیت آن دو خصم مستولی سالم مانده راه خویش پیش گرفت صیاد نیز بعد از مشاهده اینجالت
زدن کوزن را بر خود سکون ندانست از خیال صید او فرسوده بود

۲۲۵۹

اجبار دول خارجی

از پاریس پای تخت فرانسه تا توین پای تخت ساردینیه راه آبی در ایام قبل ساخته شده است و یکی از طرف بعضی کوهها را دور میزنند و چپکی دارد با نظری که باید زود بمقصد برسند غیر نسبت به جهت تسهیل راه مزبور از جانب دولت ساردینیه سابقاً تعیین شده در باب خمر که بزرگی که ما بین حدود باستان و سمت ساردینیه است حرکت کرده و مشخص نموده بودند که اگر آن کوچه فرسود در سمیت و چهار ساعت از پاریس تا توین مسیوان رفت متجاوز از پنجاه هزار ذرع آنجا که دوازده هزار ذرع ایران باشد از آن کوه بر آورد کرده که باست خفر شود تا راه مزبور مستقیم گردد و چهل میان فراتی که هر طبعانی دو کور و بر فراغی است و در این ایولات است مخارج کندن آنجا را دیده بودند در این اوقات که یکی از نمرندان انگلیس آلات و اسبابی که در حفرت زمین اختراع کرده است که بسیار خوب است آن با او که بسنگ کند می شود از جانب دولت ساردینیا شخص مزبور قرار داده شده است که شروع در حفرت آن کوه کرده راه آهن را درست نمایند (بعد از آنکه چند روز در روزنامهها نوشته شده است ولایت میان که تابع چین و در سمت شرقی چین واقع است نجابت نیست حاصل آورده و حاوی سی چهل میان که قریب ششاد کرد و خلق باشد هفت سالی یکدفعه و کشتی و آل فلنگ تجارت با نولات سیر و وسای آن با بیچیک از انالی سا بر دول فرنگستان احتلاط و آمیرش مگرد چنان میباشند که در فرنگستان بغیر از دولت فلنگ دولتی دیگر نیست در این اوقات که گذارش جنگ با چین اتفاق افتاده بعضی از کشتیهای جنگی و قوسون انگلیس و فرانس از مملکت میان سر بردارند حکمران میان از احوالات فرنگستان بر تبه امکان کسب اطلاع نموده حال بنا دارد که به متطد دولت فلنگ با سا بر دول فرنگستان نیز فرار معاهده تجارنی تنظیم نماید) (در شهر لیون یک پاپاس ارد کردن کندم را بدون آسباب بعضی اجزای مخصوصه حال کرده بود چون خودش پرسن بود با جرای عملیات خود موفق نشد شخصی از معلقان خود موسیو بلاغوزر نام وصیت و تعلیم کرده باشد را به نیز در پای تخت بعضی دولتها اجرای او را التماس نموده و باعث استهزا گردیده معادرت نمود در این اوقات هر طور که بوده است در مارسیلیا اثبات مدعای خود در نموده است و اعلیحضرت امپراطور فرانس او را دعوت کرده اند) (چنانچه در روزنامههای سابق نوشته شده است از بطرز بوریغ پای تخت رسدس نا شهر و ارشه راه آبی قرار شده بود که بسازند از فرار روزنامههایی که این اوقات رسیده است نوشته اند که از جانب دولت روس مجدداً حکم شده است که یکراه آهن دیگر از بطرز بوریغ تا مملکت سیربازند

۲۲۶۰

کارخانه رسمانی که سه هزار عمله در او در کار باشند در این اوقات در پیشگاه بطرز بوریغ در یکب خیره
از جانب اعلیحضرت امیرالطور روس حکم شده است باینکه قومیانیه درین خصوص تشکیل یافته است
صورت تکلیفیه قومیانیه بزبور بنور معلوم نشد است) (قبیله ریف که در سواحل فارس هستند بفرمان
تجار که از آنجا عبور و مرور میکنند خیلی ضرر و خسارت میرسانند و تا حال بدایره اطاعت هیچ دولتی
در نیامده اند و پیوسته آنچه از دستشان برآید بهر کس ازیت و آزار میرسانند در این اوقات بجهت
تأیید و رفع خسارت آنها از جانب دولت فرانسه قشونی با آنجا فرستاده میشود) (در بطرز بوریغ
تاکنون شبها را چراغ متعارف فی فانوس فزدر کوچها و محلات و غیره روشن میکردند حال اعلیحضرت
امیرالطور روس حکم کرد آن چراغها را موقوف کرده و بجای آنها مانند لندن و پاریس ششانی بکار گذاشت
بکار ببرند و بجهت ترتیب منسج و ممو و از قوه بقبول آوردن این کار بعضی اشخاص اقرار کرده اند که از
پاریس بطرز بوریغ بیاورند) (در باب حادثه ستاره دنباله دار یا بجمده المالی و کمانان خصوصاً آن
پر سیاه المانیان حبلی اشخاص اطلاق و اموال موجوده خود را صرف و تلف نموده و محتاج بیک پول شده
و بعضی از کمال خوف و حشمت کار عقل و ادراک خود را بدلال داده و برخی کلاه از سر گرفته در کوششها
انزوا کرده اند از جمله از المالی المانی شخصی صاحب ثروت و سامان بعد از نشر این حادثه اطلاق
خود را فی الحال فروخته و وجوه حاصله او را تا روز طلوع این ستاره بپوشیده تقسیم کرده تا غره جزیران
که اول طلوع ستاره و ظهور قیامت می گفته اند بوسعت و رفاه و بذل و انفاق گذرانده تا خبر آن
گذشت و از ستاره بزبور و روز قیامت اثری ظاهر نشد روز بعد از خبر آن بیک پول مذمت از دست
بی چیزی و اضطراب و حالت یوسی از روز قیامت خود را بک ساخت) (در روزهای سابقه نوشته
شده بود که عشاری قباله که در جزایر باد دولت فرانسه مخالفت داشتند دولت فرانسه قشون بر
انها فرستاده و با آنها جنگ کرده بعد از آنکه عشاری بر قوه مغلوب شد مذلل و المجازات بعضی تکالیف
باب تنظیم و مساح راهها و چیزهای دیگر بانها تحمیل شده بود بموجب روزنامه که این اوقات رسیده
مؤخر اجمع آن غوایل رفع گردیده و بساختن راه آهن از پاریس با تولایت شروع شده است) (در
دولت روس تا این اوقات عساکر موجوده خود را در تنظیم راههای آبی و این قبیل چیزها بکار
بازمیداشت مگر عکس کفایه را که آنها ازین قبیل کارها معاف بودند در این اوقات در با ساختن
راه آهنی که از بطرز بوریغ تا شهر وارش ساخته میشود از جانب اعلیحضرت امیرالطور روس حکم شده است
که عساکر خاصه نیز در آن راه کار نمایند

۲۲۶۱

کثرت مخلوق در چین معلوم و مشهور همه است و بکرات در روزهاها نوشته شده است درین
 مابین جنگ انگلیس با کانتون چین که قتل انگلیسین حکومت کانتون حمله برده و آنجا را تصرف کرده بودند
 بعضی اوراق دفاتر بدست آنها افتاده از جمله دفتر نفوس چین بود که داده اند ترجمه نموده اند بموجب آن
 چنانچه سال قبل ازین جمعیت مملکت چین سیصد و هفتاد و پنج میلیون که مقصد و چنانچه در این سال
 قبل ازین باز سرشماری کرده اند سیصد و نود و شش میلیون که مقصد و نود و دو و دو و دو و دو و دو و دو
 باین حساب باید حال خلق چین از شصت و دو و شصت و دو و شصت و دو و شصت و دو و شصت و دو و شصت و دو
 اتفاقا چنانچه شصت هزار کس و در قصبات یک میان و دو میان خلق بهم میرسد مثلاً در ایالت کان سوئی
 و غانیوی سی و چهار میان که شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت
 میان و میان که چنانچه و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت
 باشد و در چین معتقد است و باین حساب خلق چین زیاد از یک سده ای خلق کل روی زمین است و نیز
 نظایر آن در میان آن دفاتر بدست انگلیسها افتاده و ترجمه کرده اند و همش این است که چون بجهت کثرت نفوس
 در چین اهل ایالتها جنسی و چهار عمرت و اضطراب میشوند بعد ازین اخطائی که تولد میشوند اگر تا مدت چهار ساعت
 نرسیده پدر و مادرش بخواهند او را تلف نمایند از جانب حکومت مانع نخواهد شد (چنانچه سابقاً
 بیان شده بود از دولت روس که بی کفایتی که تجارت و سیاحت بحال سایر میرفتند که با پورت با
 داده می شد و وجوب پورت از آن اشخاص زیاد گرفته شد و غنیمتشان در تحت صعوبت بود علیحده است
 روس این اصول را موقوف کرده و اجرت پورت را نیز کم کرده غنیمت هر کس را درجه تسهیل داده اند
 باین جهت در ظرف مدت هفت و شصت ماه از مالک روس با پورت مالک شصت هزار کس سیاحت تجارت بیرون
 رفتند (در شهر فلورانس که محل حکومت غرانده و فوط سنان است مردم در تماشای خانه آنجا جمع شده بودند تاگاه
 تماشای آنش گرفت خلق روز آوروند که از درهای تماشای خانه بیرون بروند از کثرت ازدحام که روی چشم
 و بیکر را با ببال کردند چهل و سه نفر تلف و بعضی نیز بجز و ج شدند و موخر آورده راه در کمال سهولت خاموش کردند
 اعلی نامت کتابی در علم ادب مثل برنجه سامی فی الاسامی و سر الادب و فردق اللغه و شرح قصیده
 کعب بن زبیر و قصیده معروفه و مقصوده این درید و بعضی دیگر از اشعار و قصاید متفرقه یعنی و آنجا فضایل
 آداب ادب آریب اخوند ملا علی اصغر اصفهانی تألیف و تصحیح شده لطباع یا قه هر کس طالب و خریدار
 در مدرسه صدر در اطاق زاویه فروخته میشود هر نسخه به پنجاه و دینار

۲۶۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۳ خرداد ماه ۱۳۰۳



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

چنانچه در روزنامه هفت گذشته نوشته شد اعلیحضرت اقدس بهایون شاهی خداوند باری
 باقصای موسم و مناسبت فصل این ایام را در سیاق نیاداران تشریف دارند و مراسم
 تعزیه داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام را در آنجا برپا میدارند گنجه که پارسال حجه
 تعزیه داری حسب الاشارة العلیه در نیاداران نباشد و با تمام رسید بعضی جزئیات آن
 که نامحرمی داشت درین سال با تمام رسیده و اسباب بکثرت و طاق نماز سال و نفاس و
 قادیل و بلورالات و سایر اسباب تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحية و ان
 جناب اشرف امجد ارفع محمد صدر اعظم قبل از ایام عاشورا معزز داشتند از شهر نیاداران
 برده صنف و طاق نما را بقانونی که رسم است از تجار و غیره در کمال ایش و ضعیف استند
 و روضه خوان و شبیه خوان هر روزه بذكر مصیبت خاسر ال عبا و ثالثه هدی امام شهید مطهر
 انمای دولت علیه و شاهزادگان عظام و چاکران مکرّم کاب بهایون و اعیان و اشرف و اعیان
 و اهالی ذکورا انانما باستماع ذکر مصیبت حاضر میشوند و جمعیت کامل از تعزیه داران منعقد میگردد
 و بجهت احراز ثوابت و حصول دعای خیر حجت و ات اقدس بهایون شاهی شام و نهار طعام
 فقرا و مساکین و صبغات سایر تعزیه داران بطور اکل بعل می آید در سایر دهات شمیران نیز که بسبب
 حصول لذت درین سوره هر یک قصه مشهور و مشون بجمعیت فراوان است لوازم تعزیه داری بعل می آورند و در
 هر یک از آنها با بعد از ختم مجلس تعزیه بدعا کونی وجود فایض وجود اقدس بهایون شاهی اقدام نمایند

۲۲۶۳

از فرار شرح روزنامه ۲۲ ذیحجه اسحرام مطابق نمره ۳۴۱ نظر بدلیلی که در آنجا ذکر شده بود رعایای
 خارجه در خاک دولت علییه بدون حصول شرایط سه گانه مذکوره بق مالک کلی نمی تواند شد اما اقرار را
 مخصوص است با ملاکی که اسم قرا و مستغلات و امثال آن بر آنها صادق بود و استنادهای شاهنشاهی
 انبار کج و دغغ آمده تجاری که برای ضرورت تجارت موافق عهدنامه منعقده، بین این دولت و دولت
 کامل الوداد اجازت اقباع آن در حین لزوم داده شده است (چون عالیجاه مجد مسرا میرزا
 اسمعیل خان نیشی همام خارجه استرآباد حسب الامر الاقدس الاعلی احضارند بر بار معذرت در آنجا بودند
 عالیجاه مجد مسرا میرزا محمد که سابقاً در استرآباد بمقام منشیگری همام خارجه اقامت داشت در حین
 نیز از فرار صد و فرمان مهرلعان مبارک در عوض عالیجا پیش رالیه بمأموریت بقمضوب باقی
 مقررت انخاقان جعفرقلیخان البجانی حاکم استرآباد روان محل مأموریت خود گردید و از جانب او بیای
 دولت علییه دستور العمل با و داده شد که بصلاح دید مقررت انخاقان مشا رالیه بمورات و ایر
 فیما بین تبعه دولتین ایران و روس بر حسب مدلول عهدنامه مبارک که رسیدگی نماید و با عالیجاه
 مسرا قونسول دولت مشا رالیه موقوف استرآباد در قطع و فصل امور تبعه طرفین تقویت تجارت
 رعایای جانبین و سایر لوازم مودت و یکجندی کمال اهتمام و همدستی العمل آورد و از راه شمول حمیت
 ملوکانه باعطای یک قطعه شان شیر و خورشید از درجه دوم سمرسکی و یک شوب جبه نرمه کرمانی از
 جانب سنی ابجانب ملوکانه قرین افتخار و امتیاز آمد (چون عالیجاه حاجی موسی خان سرنک قورقا
 مبارک در خدمات مرجوعه بخود اهتمام داشته خاطر اقدسش تاپون مشا نشانی وای دولت علییه را اون
 خرسندی نموده مورد التفات و انعام ملوکانه گردیده در این اوقات یکصد و پنجاه تومان بر اسم انعام
 در حق او مرحمت فرمودند) (چون مقررت انخاقان مادی خان سرتیب که از جانب دولت علییه و سفر
 مأموریت سمرقند عراقین عرب و عجم که نزدیک عتبات عالیات است بهم رسانید و بجهت تمام لوازم
 مأموریت خودش نتوانست زیارت اماکن شریفه مشرف شود لهذا ایند فدا که خدمت محوله بخود را
 بطور خوبی و بر حسب منظور و دستور العمل اولیای دولت علییه بانجام رسانید بوسط اولیای دولت
 علییه مسند علی حضرت بارت روضات مقدسه از خاک پای مبارک سرکار اعلیحضرت اقدس تاپون
 شاهنشاهی دامت شوکه گردید بملاحظه محاسن خدمتگذاری و صدقت شعاری مقررت انخاقان را
 محض شمول مرحمت ملوکانه باعطای یک شوب جبه نرمه بر اسم خلعت مهر طلعت و مومبت انعام از جانب
 سنی ابجانب تاپون قرین امتیاز و مبالغت آمد و اجازت حضرت عتبات عالیات با و مرحمت

۲۲۶۴

و احکام سفارش از جانب دولت علیه بکام عرض راه صادر کردید که بعد از عاشورا انشاء الله تعالی
 پنجاه روز آداب و قواعد زیارت مشاهد مقدسه را بعقل آورده معاودت نماید و از احکام
 طهران در این اوقات که ایام دهر عاشورا است جمیع تکایم محلات دارالخلافه است
 و علمای اعلام و سادات ذوی العز و الاحرام و عموم انالی دارالخلافه از عالی و ادانی صغیر
 کبیر از کور اناماد در نکایا و مجالس ذکر مصیبت جناب ابا عبد الله حسین علیه السلام حاضر شده بپای
 تعزیه داری و دعا کونی دانت اقدس هاپون شاهنشاهی میسر دازند نواب کامیاب شاهزاده ابوال
 محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه و مقرب النجفان میرزا موسی وزیر دارالخلافه و سران نظام و عده
 متبسان و چاکران مقیم دارالخلافه مبارکه در عمارت دیوانی ارک مبارکه بر اسم تعزیه داری قیام
 و سایر خلق در تکایم محلات و مدارس و خاندانها و کدزها مشغول تعزیه داری میشدند چون شبها
 نیز مجالس تعزیه در نکایا برپاست عالیجاان محسودخان کلانتر و که خدایان محلات نهایت برآ
 دارند که خلاف قاعده و سرفقت و شرارتی اتفاق نیفتد (تفصیلی در روزنامه کردستان که در
 گذشته رسید نوشته اند بجهت حسن عقیدت و میندازد تعزیه داران مناسب مینماید که درین
 صحنه مسطور کردد — محمد حسن آقانا که دستمالی که از معارف و مشاییر تصنیف او بخش مرخوم
 میرزا افضل الله را اعتبار عالیات برده بود در این اوقات بکردستان معاودت کرده در نزد مقرب
 والی سایرین مذکور داشته بود که در اوایل شهر شوال زو قور زیادی از انالی بند وارد کر بلای
 گردیده و بیات اجتماع در هازور داخل حرم مطهر شدند و نفر از نوابان آنها که قریب سی و نه سال بود که
 چشم برد و از طبعه بینائی حاصل و چند نفر خادم دست آنها را گرفته بزیارت سینه حضرت سید الشهدا
 آورده بودند و باد بیزن در دست داشتند آنها را با و میزدند یکدفعه بدون رطوبت خارج قطرات
 از باد زنها بروی هر دو نابینا پاشیده بمحض ترشح قطرات هر دو نواب عمی بیدار گردیده دیدند
 ضیح مطهره و بقعه منوره روشن کرده فوراً بجاک افتادند و سجد اشکر الهی را بتقدیم رسانیدند
 آنها و سایر زوار که از نابینائی آنها مطلع بودند از مشاهده این حالت صدابولوله و هله بلند کردند و از دم جام
 زباد از غریب و بومی در بقعه در واقع منوره و صحن سرای مقدسه شده آن دو نواب که با فاند و عصا
 بچشم مطهر آمده بودند در مراجعت بدون چوب و عصا بدست خود در دم ریس و پیش میگردیدند جمیع این
 از علمای اعلام و سادات نظام و آتم ذوی الاحرام و در خلق هر روزه بیدان آنها میفرستند و اقرار میفرستند
 چنان بر آب شیر از زبان ساینده است بطوریکه در شبها یکی را یک در کوه چای چرخ و عصا بر سر و لایات

۲۲۶۵

اذربایجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند نواب مستطاب هزاره محمدنم والای تبار
 رکن الدوله العلیه العالیه اردشیر میرزا که از جانب سنی ایچوانب اقدس علیون شاهنشاهی بکمرانی
 مملکت آذربایجان سفرا فرار کرده از دربار همایون روانه آنولای شده در ورود با پنجاه مؤمن سلطان
 وزیر نظام و پیشکار کل مملکت آذربایجان بعلماء اعلام و فضیلهای ذوی الغر والاحترام و ادات و اشرف
 اخبار و سمران و صاحب منصبان نظام و خوانین و کدخدایان و عموم اهل تبریز قدغن نمود که با این احترام
 تمام استقبال نواب مغزی الیه رابعل بیاورند اهل شهر کلا و کاکین و بازارها را استبه عالی و ادانی ارسا
 در عیبت بانظام و توپخانه و تفکیچی محلات لوازم استقبال و توقیر و احترام نواب مغزی الیه رابعل آورد
 الی خلعت پوشان رفته شرفیاب حضور نواب مغزی الیه شدند و نواب مغزی الیه به یک از مستقبلیین خود
 شایسته و مرتبه انعامات نموده احوال پرسی کرده و آنها را العواطف اولیای دولت علییه امیدواری
 دادند و چون بجهت ورود شهر ساعت بعد بود بیاع شمال منزل نمودند و در روز عید اضحی نواب مستطاب
 رکن الدوله حکمران مملکت آذربایجان بقرار حکمرانان سابق در باغ شمال مجلس سلام منعقد نموده مؤمنان
 وزیر نظام خود بنظم و ترتیب سلام رسیدگی کرده سمران سپاه نصرت نواب از میر خجسته کمان
 سیرتپهان و سرسنگان و سایر صاحب منصبان عا کر منصوره بانظام استیاده علماء و فضلاء و
 واعیان و اشرف از وضع و شریف در سلام حاضر گشته اجرای شکر شده ادای خطبه بنام نام
 سرکار عالی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی و ختم تمام بدعای بقا و از ویاد دولت و شوکت مصون از
 تساهی کرده سلام عبد اضحی منقضی شد (دیگر نوشته اند چون میزان دار السلطنه تبریز کوچک و بسیار
 بود انبارهای بزرگ نداشت بارهای تجار و اخذ و خارج در فضل خریف و زمستان در زیر برف و بارش
 میماند و تجار ازین رو بکدر متضرر میشدند مؤمن سلطان وزیر نظام حسب الامر اولیای دولت علییه میزانی
 وسیع و بزرگ در قرب جبهه خانه مبارکه بسرکاری عالیجاه میرزا عبدالستوفی ساخته و انبارهای
 بسیار وسیع و بزرگ که بارهای تجار را در آنها گذاشته از برف و باران محفوظ بدارند بنا کرده اند
 و تاکنون در تبریز از برای میزان چنین بنائی نشده بود و قریب با تمام بوده و در واسط محرم قرار بوده است
 که تجار بارهای خود را بمیزان جدید بساھل و نقل نمایند (خلعت بیکریسی گری دار السلطنه تبریز که از جانب
 سنی ایچوانب اقدس علیون سفرا فراری عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان مرچمشه بود مؤمن سلطان
 وزیر نظام در نهم ماه ذیحجه خلعت مرطلعت همایون را مصحوب عالیجاه میرزا عبدالستوفی بنزد مقرب الخاقان
 مشار الیه روانه نمود در وقتیکه مجلس دیوانخانه مبارکه آراسته و مقرب الخاقان اسدالله خان سپه مؤمنان

۲۲۶۶

وزیر نظام و سایر اعیان و اشراف و لایست و کد خدایان محلات غیره حاضر بودند مقترب الخاقان
 شارالیه لوازم استقبال و توقیر و احترام خلعت و شکرانه و متناسن تققد و عواطف اولیای دولت جاو
 مدت را بعل آورده زیب برودوش عتبار و افتخار خود ساخته اهل مجلس تهنیت و مبارکباد گفته صرف
 و شیرینی نمودند (دیگر نوشته اند که عمارات دیوانی تبریز چند سال بود که تعمیر شده بود و مبرور آیم
 اکثر جایها شکسته و خراب گشته بود در این اوقات مؤمن سلطان وزیر نظام قدغن نمود که جمیع عمارات
 دیوانی خصوصاً دیوانخانه مبارک و حوالی آن را که خراب و شکسته شده بود از نو تعمیر نمودند و الا آن همه
 عمارات دیوانی آنجا آباد و مسکون است) (در باب مواجبه ماهه سر باز که باید دستی داده شود
 از وجه نظام اکثر آنها که از دستو العمل در اصلاح و طهران احکام آورده بودند برای آنها را شکر نویسان
 عظام از دفتر خانه مبارک صادر کرده مواجبه آنها را مؤمن سلطان وزیر نظام کار سازی نمود) (دیگر
 مقترب الخاقان محمود خان میرنجه عالیجاه همدیعی خان نایب اجودان باشی را فرستاده سکن
 فوج امیرتیر را دیده و تحقیق رسیدگی جیره آنها را کرد که صاحب مضمون رسانده اند یا نه پس از تحقیق
 حور رسیدگی معلوم شده بود که یک نفر سلطان قدری از جیره سر بازان را حیف و میل نموده بود و شایر
 بقاعده نظامی بقراول انداخته مراتب را مؤمن سلطان وزیر نظام عرض نموده سلطان مبرور را حاضر آورد
 در پیش روی اطاق نظام تمبیه نظامی نموده سبب خلافی که کرده بود باز بقراول انداختند) (سر بازان
 جدید که سخته کس فوج خاصه شریفه گرفته شده بود مقترب الخاقان میرنجه و عالیجاه میرزا نصر الله شکر نویسن
 در اطاق نظام در حضور مؤمن سلطان وزیر نظام سان آنها را دیده پنجاه نفر از آنها را که جوانان
 بسیار خوب بودند انتخاب و ثبت نموده صورت اسامی آنها را نوشته قرار دادند که روزها را در میدان
 مشغول مشق باشند) (دیگر نوشته اند که مقترب الخاقان میرنجه لبان توپچیان حاضر در سلطنت
 تبریز رسیدگی نموده بعد از آن قرار جیره آنها را داد که ماهه بانه عاید شود) (دیگر نوشته اند که
 پنجم ماه و پنجمه مؤمن سلطان وزیر نظام قدغن نموده داد در بازار با جا کشیدند که جنابان نان را اند
 نفروشدند چنانچه قانون جنابان است در وقت ارزان شدن نان روز بردر دکان خود چراغ روشن
 می کنند بردر دکان کین خود چراغ روشن کرده نان را بوزن هزار مثقال پدای و جنتند و اما بیایست
 این مرحله بسیار مشوف و شکر که از بودند خصوصاً عجزه و ساکین) (در روز عید سعید غدیر نیز نواب مستطاب
 رکن الدوله علییه در باغ شمال سلام عید منعقد نموده بقانون ایجاد بزرگ اجزای شیک و ادای خطبه ولور
 عید را بطور شایسته بعل آوردند

۲۲۶۷

عربستان و بر وجود از قرار که در روزنامه عربستان نوشته اند خلعت مهر طلعت هالیون
 که با فتح نواب امیرزاده ابراهیم میرزا همشده بود چون نواب مغزی الیه با فوج کرازی و سواره با
 و فیلی در حوزیه مأمور نظم آن سرحدات بود نواب مستطاب هزاره و الا با حشام الدوله خلعت هالیون را
 بجوبزه فرستاده در حین وصول با سران و صاحب منصبان نظام و سرباز و توپچی و شیخ اعراب نواب
 باستقبال شتافته لوازم توقیر و حرام را بعین آورد. خلعت هالیون را زین برودوش مہانت نمودند بعد
 اجزای شکر و شربت و شیرینی رسم شکر که از ایرتقدیم رسانیدند (دیگر نوشته اند که
 نواب امیرزاده ابراهیم میرزا بدین عهدیت مأموریت در اهواز و حوزیه انظام کامل در مهران سامان
 سرحدات داده اغلب قلمهائی که و اینها می سابق در اولات گذار شده بودند که باعث خرابی عسب بود
 همه را برداشته و موقوف کرده نظم مالیات و سبک سابق عسبی آنها را فراری تازه داده اند
 و بدین سبب تفرقه که اغلب ارتعادات دلات بق ترک آماکن و اوطان خود کرده بجاک دولت
 رفته بودند در این اوقات بسیاری از آنها مراجعت کرده بقاعده اعراب نوشته تحت حوسته اند
 و می آیند و نواب مغزی الیه بجهت ترفیه حال رعایای آنجا کتا پچه دستور العمل نوشته بولی محمد خان
 تازه آنجا که اسال بواگیری اولات برقرار گردیده است داده اند که از قرار آن دستور العمل کلف نناید
 اعراب و شیخ و سادات و رعایای اولات ازین رکذ رکال شکر که از ایر دارند) (دیگر در روزنامه عربستان
 نوشته اند که قلعه خرّم آباد و باغ سروستان علی آباد که برود دهور از ضلیه عمارت و آبادی است داده و
 چنان قلع بلند و باغ بهشت مانند با روی رونق افتاده بود نواب مستطاب هزاره و الا را حشام الدوله
 دو سال است در صد تعمیر و آبادی آنجا برآمده اند تا در این اوقات تعمیر قلعه صورت اتمام و انجام یافته
 بطوریکه بحسب شکوه و استقامت جنگی و استحکام جنسی بهتر از اول شده و هم چنین باغ سروستان اگر چه سردیای قدیم
 او از بی نظیمهای بق اغلب خشکیده و مقطوع گردیده بود ولی از سایر شجره و غیر شجره حسب حکم نواب
 مغزی الیه غرس نمودند و بالفعل باغ مزبور بسز و خرّم و اشجار منتمه او نیز بهر شش کمال حضرت و صفای
 دارد) (دیگر نوشته اند که چون صفی بزرگوار نواب مستطاب حشام الدوله نواب جلال الدین
 نایب الحکومت لرستان و اگزار نمودند بجهت تقویت کار نواب عبسری الیه عالیجاه محمد مراد خان سرب
 فوج زرندی را با فوج مأمور کرده مشار الیه با فوج در او اخذ بقعه و اردو خرّم آباد شده و در هر جا با
 نظم راه هست است چنانچه هم مالی محلیه رسم نواب جلال الدین میرزا از جنس کفایت معقولیت و سلوک
 او و صاحبان او و اہتمامشان انجام تمام کمال رضامند داشته

۲۲۶۸

دیگر نوشته اند که دستة قطاع الطریق از طوائف حسوند و غیره من جمله ایلات لرستان بزم
 عابرین و سرتو دین چند شب در دوزخم آباد گمین کرده و دو سه نفره نیز دستبرد زده بودند یکی
 بزم سرفتمیوه میان باغی رفته باغبانی خیر شده دیگران را صادر زده و بهیا بانک یکدیگر خراب
 کرده روی بدزدان و دزدان روی بفرار نهادند باغبانی یکی از دزدان رسیده او را گرفت و در
 چند نیم کاره باغبان زد بلکه او را نکند را کرد تا باغبانان دیگر رسدند و دستهای دزد را
 سبته نیز دوازده نایب انگلوم آوردند و حسب حکم نواب مغزی الیه قسبه سپاست گردید (دیگر از غزآ
 اتفاقات نوشته اند که استاد خدا داد نامی رزق بارش در بالای بام میان خجواب خوابیده
 بودند ضعیفه در خواب بوده است می بیند کسی دستی با زده گفت برخیز که طفلت از بام زین افتاد
 سر اسیمه از خواب بیدار شده نگاه کرد طفل خود را بر لب بام دید که مشرف با فادن است مضطرب
 بطرف طفل دوید که او را بگیرد خود شش بضر تمام میان حیاط افتاد از صدای فادن در فریاد
 خبردار شده سه وقت او آمده او را بر دست باطاق بردند و کیفیت را از او سئوال کردند که چه سبب
 افتاده تفصیل گذشته را بیان نمود بعد از آن جویمای طفل شدند او را در بالای بام در میان خجواب
 خفته یافتند ضعیفه بزوره بهمان صدمه بعد از سه روز فوت گردید (دیگر نوشته اند که اسال بچها
 در لرستان کمال فراوانی و ارزانی حاصل است چنانچه کندم خرداری چهار هزار دینار و جو خرداری
 سه هزار دینار و سایر جو بات و میوه بات نیز بهین نسبت نهایت وفور دارد و اهالی آن ولایت ازین بگد
 در کمال آسودگی میباشند اخبار دول خارجه در ماه ذی قعدة در شهر و سچو تو لو مبارک
 کلیانی طاقش فرود آمده و از سنوان که در آن کلیا بوده اندت نفر در زیر خرابی مانده هلاک شده
 (از کلیای بغداد نیز یک کلیا چند وقت پیش ازین طاقش سگت خورده و از راه احتیاط
 در او قویا منع شده بود در این اوقات طاق مزبور منهدم گردیده ولی چون سگوت در او سابقا ممنوع
 در اینجا نبود ضرر جانی یکی وارد نیامده است) در این اوقات در وینه پای تخت استرته از ضراب
 اینجا بقدر شصت هزار تومان وجه سرفتمیوه بود در این باب تحقیق کردند معلوم شد که یکی از نامی
 ضرابخانه حسته حسته این وجه را سرفتمیوه کرده و اوراق پیا نوق خرید و فرار کرده است) در باب
 سگوتات در پاریس و لندن که گاهی تنزل و گاهی ترقی می کند و معاملات تجار بصورت و حشرات
 می انجامد سبب اینکه رفع این اختلافات ترقی و تنزل از سگوتات است سببیک قاعده مربوط باث و اتفاقا
 مابین ضرابخانه پاریس و لندن ملحوظ شود درین اوقات اجازت پاریس اجازت لندن فرود

۲۲۶۹

از کشتیهای بخار دولت رومیک کشتی قالیاری نام بعضی سینهها بر بدن بطوس حمل کرده و بیستم
 ذیقعد از جنوه حرکت کرده و از اهل ایتالیا سی نفر از اشخاصی که در محاربات قب و دول در قشون این
 سکر دند در آن کشتی بودند وقتی که کشتی به پیشگاه جزیره بار دینه رسید جمعیتی بقدر چهار صد و پانصد
 در زور قمانتته نمودار شدند نزد یک کشتی که رسیدند آن سی نفر ایتالیائی که در کشتی بودند هر یک سلا
 بر گرفته بروی کپتان و سایر اهل کشتی حمله آورده با آنها که در زور قمانتته بودند متفق شده هر طور بود زمام
 کشتی را بدست خود گرفتند و بجهت استخلاص مفسدین ناپولی که بسبب بعضی موجبات پولتیک در جزیره پون
 مجوس بودند بدین رومیک را بلا کشیده روانه شدند وقتی که آنجا رسیدند سلسله لکرها آنجا بکشتی
 مزبور آمد که بقانون آنولایت تذکره و پاپورت اهل کشتی را ملاحظه نماید اورا گرفته کشتی بحسب نمودند و صد
 پنجاه نفر زور قمانتته نجکی در آمدند و قواولهای انجا را متفرق کرده بحسب هجوم آوردند بقدر رسیدند
 از مفسدین را که مجوس بودند خلاص کرده با خود بکشتی در آوردند و از انجا بایالت سالونیک که در تحت حکومت
 دولت سارالیه است بجل ساری نام رفته ارباب انجا در با خود متفق نموده بجهت اجرای ان در آن
 ایالت دسته دسته با طراف مهاجم شدند دولت سارالیه ازین حادثه خبر دار شده فوراً قشونی
 از راه خشکی مأمور و دو کشتی بزرگ نیز با قشون بحری از راه دریای بنگ آنهار و از نمود کشتیها آمده ان کشتی را
 از دست مفسدین گرفته و بعد از محاربات مفسدین مغلوب و متفرق گردیدند و قشونی که از راه خشکی مأمور
 بودند در ان جمعیتی از مفسدین برخورداره جنگ در پیوستند بعد از محاربات بسیار صد نفر از مفسدین کشته
 و سی نفر دستگیر و باقی متفرق گردیدند و ان سی نفر که دستگیر کرده بودند بدار کشیده معدوم گردیدند
 این حادثه در پانزدهم ماه مزبور بار از مفسدین ایتالیا از محل غارت و توسط خانه از شهر لیقوره دولت نفر
 مبصره روانه شده قواول خانه بزرگ انجا فرود گرفتند بعد از غارت خسارت بسیار بطان انجا اقل کردند
 حکومت انجا خبر دار شده درای قلعه را کف بستند و قشونی بر آنها فرستاده با هم زد و حوز و کردند از جانب
 حکومت چهارده نفر از جانب مفسدین سیزده نفر تلف گردیدند طرفین دست از جنگ کشیده مراجعت کردند
 اینها در سیزدهم ماه مزبور در شهر جنوه نیز از طایفه ایتالیا جمعیتی یک فوهالها مفسدت کرده در درون شهر بگردشند
 فوراً از جانب حکومت بقدر کفایت قشونی بر سر آنها مأمور شده چند نفر از زده رنهار کرده و باقی متفرق شدند
 پن چند عراده علف بار کرده بشهر می آوردند صلیبیه حکومت آنها را گرفته معلوم شد که لعنک طایفه بسیار در زیر
 علف پنهان کرده بودند چند هزار لعنک و طایفه آنها بصیبط حکومت انجا درآمد نظام حوز را سخت نمود و ازین
 کیفیات معلوم شد که مفسدین ایتالیا کلاً در باب شورش و با هم اتفاق کرده و هم عهد نه

۲۲۷۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم محرم مطابق ایستادگی

منطبه دارالخلافه طهران

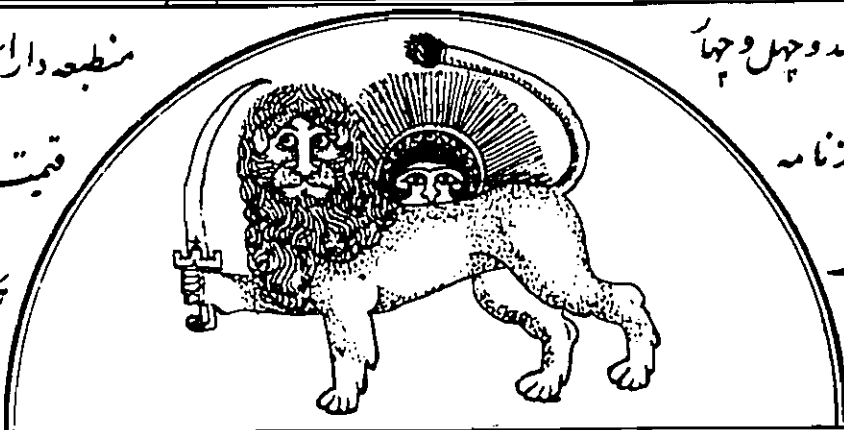
نمره سیصد و چهل و چهار

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

بر هر خط

بر هر خط



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

در این دمه عاشورا هر جمعی در هر جا که بودند تغزیه داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام اقدام داشتند جناب اشرف ارفع امجد فخرم صدر اعظم در عمارت دارالخلافه کتبه تغزیه داری سینه طاق نما و سقاخانه های بسیار خوب بهتر از سایرهای دیگر تهیه شده و هر روز بعد از انقضای مجلس تغزیه بنا صرف کرد بدین جهت حصول دعا کونی دانت آقدس بایون شاهنشاهی اطعام فقرا و مساکین از جانب جناب معظم البیعت این شبها را نیز هر شبی جمعی زعمای اعلام و اعزّه و اشراف و شایگان عظام و غیره تکیه مزبور دعوت شده بدگر مصیبت جناب سید الشهدا و دعای وجود فانی وجود اعلی حضرت و شکر شایسته متذکر بودند در شب عاشورا کرامت آقدس بایون تشریف فرمای کتبه مزبوره کرده از جانب جناب معظم البیعت لوازم پیشکش و پای اندازد قربانی بعل آمده و وضع تکیه و آسکی طاق نما و سقاخانه که مشحون بود با لوازم و قنادیل فراوان و تقایس و شایلهای سبکین بود مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده جناب صدر اعظمی را منی طب بختیبات عنایت فرمودند و روز عاشورا را نیز شبیه بنهاد و دو تن شهدای داشتند که بطاراد را آورده رفتن ریادی از برای تغزیه داران دست داده مجلس تغزیه بدعای بقیای وجود فانی بایون شاهنشاهی ختم گردید و هم چنین در شهر دارالخلافه مبارکه نیز بقانون معمول هر روز قتل را از جمیع تکابای محلات سینه زن و تغزیه خوان بیکه حال حصار آمده قتل را بر کف از خود انداختند (گذشتیم و نفر نوابان هندی که نابینا بودند و در حرم مطهر جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام پیشان پنا کردید بود و در وقت گذشتن از روزنامه که درستان نوشته شد در این وقت که روز آفتاب است که از جمیع کتبه که خود را کتبه ببری بوی برده کردیم

۲۲۷۱

چندی پیش قبل از حرکت نواب مستطاب ماسطنه والی مملکت خراسان از بهرات عالیجا حسن خان سرکرده
سواره قراپاق بادوست نفر سواره خدمت نواب مغزی الیه بدار النقره بهرت میرفت روز شنبه دهم
شهر ذیحجه الحرام فیابین خوف و غوربان بقدر دولیت نفر سواره ترکان یا زیاد تر از سمت رودخانه
پیدایشوند و یک نفر از اهالی غوربان هم در آن بن عالیجا حسن خان خبر میدهد که سواره زیاد هم در آن
دارند باز عالیجا مشارالیه باقتضای غیرت و رشادت جتلی از کثرت آنها اندیشه نگرده با سواره قراپاق
که مسراه داشت از عقب آنها اسبی اندازند تا چهار فرسخ ایفار می کنند و بقدرده پانزده نفر سواره
قراپاق با آنها میرسند آنها نیز دست بشمشیر برکنند مگر آنکه جنگ و کارزار را گرم میکنند بقدرشس نفر از سواره
ترکان بزخم کلوله می اندازند سایرین تاب مقاومت نیاورده رود بگریز یکدازند سواره قراپاق آنها را
تا هفت فرسخ تعاقب کرده سی سوار و سی و چهار سربس اسب گرفته مراجعت می کنند از قراریکه نوشته است
هوای آن روز بسیار گرم و در بین راه آب نبود و الا یک از آنها را نمیکد اشتد جان بد بریزند
رشادت و جلالت عالیجا حسن خان در خاکهای جابون اعلیحضرت شاننا بی خدا لله مکه و سلطه
سخت و مقبول افاده موازی یک قطعه شیر و خورشید از مرتبه اول سربسکی بانضمام یکرشته
حامل سفید که مخصوص آن مرتبه است در حق او رحمت و عنایت فرمودند (از قراریکه در ثانی نوشته
روز شنبه ۲۷ ذی قحچ الحرام بعد از ورود عا که منصوره بشهد مقدس نواب مستطاب ماسطنه
والی مملکت خراسان خبر میرسد که سواره زیادی از ترکانه از آق در بند عبور کرده نواب مغزی الیه هم
عالیجا ان صف علیجان سرتیب سواره سون اینانو و حسن خان سرکرده سواره قراپاق و محمد تقی خان سرکرده
سواره شاسون فشار را مانور فرموده اند که رفته در سنگ بست جلوترکان باشند و از اردو هم که در کال
یا قوتی بودند عالیجا ان لطف اللخان سرکرده سواره دوبرین و محمود خان و ذوالفقار خان سرکرده
سواره چمت را مانور میکنند و عالیجا پرویز خان سرتیب سواره چهار دلی را با سواره خراسانی مانور
عنایت آبادی نمایند صبح چهارشنبه ۲۸ پانصد سوار از ترکانه آمده طرُق را چاید قدری مال و اسب میرسند
و نفر از ان اسر استخلص شده خود را عالیجا صف علیجان سرتیب میرسانند او هم بعضی شبیدن با تعاقب سواره
قراپاق وقت رشت سرترکانان روانه میشوند در آنطرف شورکال سواره ترکانه رسید در اول
حمله آورنده جمیع اسرا و آنچه آنها گرفته سگت میدهند و سواره ترکان عرصه را بر خود تنگ دیده با
روسمت عنایت آباد فراری میکنند و ان هم پنج شش فرسخ آنها را تعاقب کرده سواره دوبرین و محمود
خرقانی که در آنجا مستعد و آماده بوده اند میرسانند آنها هم سواره قراپاق و شاسون ملحق شده مگر از

۲۷۷۲

کرم می کنند و آنها را امید دارند تا سواره چهار دولی و حشانی می رسانند اگر چه فوراً در اسیر و لشکر
 آنها مشخص نبوده صراحتاً نوشته بودند لکن از قراریکه نوشته بودند از پانصد سوار ترکان بقدری چهل نفر
 جان بدر برده باقی قبیل و دستگیرها که نصرت ما ترک دیده است انشاء الله تعالی آنها در روزنامه دیگر
 نگارش خواهد یافت (از قرار روزنامه اسلامبول که بزبان فرانس چاپ میزند و از روزنامه فرانسوی ترجمه
 شده بعرض ولیای دولت علیه رسید بعد از آنکه سفرای اربعه دول فرانس روس و پروس و روس و دنیا
 تکلیف نایز آخری خود را که عبارت از اولتیماتوم باشد با ولیای جدید دولت عثمانیه فرستادند و آنها
 انقضای شورای وزیران استعفی پاشا صدر اعظم جدید آن دولت بفر جواب دست ما ندین از وجود
 آن جواب سفر اول مذکور مجدداً کاغذی بآن دارالشورای برترک مرادوه دول اربعه فرستادند و در آنجا
 در روز چهارم و پنجم و ششم و هفتم از سفای فرانس از سفارت دولت مذکور حکم شد که بزودی در
 روبروی منزل سفارت حاضر و آماده حرکت باشد و ساعت ظهر همان روز کشتی بجل معین با کمال احتیاط
 رسیدیم عت از ظهر گذشته بحسب حکم ایچی فرانس بپرق سفارت را بشلیک بیست یک تیر توپ
 آورده در همان جن کشتی بیکبار با آواز بلند گفتند ما بطور سلامت با بعد از چند دقیقه ایچی فرانس کشتی
 سوار شده با لباس غیر رسمی بعبارت دلمه با عیجه با بقاق شرم اول سفارت بحضور سلطان رفتند اگر چه سفیر
 هیچ وجه از فرود آوردن بیرق حالت رسمیه نداشت چون در مدت توقف مغزی الیه در اسلامبول حضور
 سلطان انواع و اقسام ملاحظت و عبرتانی فرموده بود سفیر فرانس نخواست که بحضور سلطان برسیده و آن
 همتان نکرده از اسلامبول حرکت کند در ظهر همان روز سفیر ساردینیا نیز بیرق خود را فرود آورده و سفیر
 نیز بیرق خود را در همان ساعت خوابانید چون در راه تعارف کو یا یعنی روی داده بود بدین جهت در خوابانیدن
 بیرق سفارت روس یکروز تاخیر شد هر یک از این سفیر بیلاق خود که از اسلامبول مسافتی وارد شدند
 سفیر فرانس از اسلامبول کبیر بیلاق سفیر روس رفت سفای دولتین روس و فرانس که بهم رسیدند
 لوازم احترام را که عبارت از شلیک و کشیدن بیرق با مرغی داشتند آنچه علامات دولتی در سفارتخانه
 اربعه بود هر چه ممکن بود حل کنند عمل کردند و هر چه قابل حل و نقل نبود محو کردند بیرق سفارت روس را هم
 بیست و یک تیر توپ فرود آوردند رعایا و تجار و امور تجارت دول اربعه در غیبت سفرای مذکور با هم
 سایر دول از تفراسروده خواهد شد فرانس بدولت اسپانول روس بدولت هولاند روس
 بسوی دال سارو نیا معلوم نیست بکه سپرده خواهد شد کویا سفیر دولت روس یونان برود سفیر فرانس
 با عیال کبیر پارس سفیر ساردینیا نیز یونان خواهد رفت

۲۲۷۳

چون هر سال در غزه محرم که سرکار علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطان بیکه تعزیه در
 جانب سید الشهدا علیه آلاف التحية و الثناء تشریف فرما بشوند یکطافه شال ترمه که از جانب جناب شریف
 امجد ارفع صدر عظم پاندا میگردد و بعد از برخواستن سرکار اقدس سالیون از مجلس تعزیه آن طافه شال
 سبزه سگون بمقرب انجاقان حاجی علیخان حاجب الدوله رحمت بشود درین سال نیز تفرقه نمود و در غزه
 محرم که به بیکه نیاب و در آن تشریف بردند یکطافه شال ترمه از جانب جناب صدر عظمی پاندا گردیده
 بعد از برخواستن از مجلس تعزیه شال مزبور بمقرب انجاقان حاجب الدوله رحمت شد (چون مقرب انجاقان
 میرزا محمد حسین دبیر الملک در انجام خدمات محوله سجد همیشه ساعتی مسکوره مرعی داشته محاسن
 خدمت و جان نثاری او مسواره در پیشگاه حضور مهر ظهور علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی
 خلدالله ملکه و سلطان جلوه گر بود و در این ایام عاشورا که خدمت بیکه تعزیه داری و تعزیه حضور
 بعهد اتمام او محول بود مراقبات کافی بعمل آورده نوعی در تدارک طرزومات و انتظام امورات آن
 اجتهاد نمود که در خاکسای مبارک مقبول و مستحسن قناده محض رحمت موازی یکشوب کلچتین مبارک
 برسم خلعت برای مزید مفاخرت و ابد واری او عنایت فرمودند سیایر ولایات
 اوزر بایسجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته اند خلعت موهبتت هایون که بافتن
 نواب مستطاب شاهزاده مخم و الایبار رکن الدوله العلیه العالیه اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان
 رحمت شده بود در بیستم ماه دسپتج احرام پر تو وصول باسجا اکنده نواب مغزی الیه لوازم استقبال
 و توقیر و احترام خلعت هایون را بعل آورده بقرار معمولی حکام آذربایجان باا عاظم و اشرف اعیان
 تبریز و سران و صاحب مضبان نظام و خوانین و غیره سخلعت پوشان حاضر آمد خلعت هایون
 شاهنشاهی را زین برد و شش اعتبار و افتخار خود ساختند و اهل شهر انروز کلا بازار را و دو کاکین را
 سته اهل تمام محلات برای تمیبت از صغیر و کبیر و صنیع و شریف سخلعت پوشان رفته مراسم
 مبارکباد را بعل آوردند و مورد التفات نواب مغزی الیه گردیده بعد از اجرای لوازم خلعت پوشان
 مراجعت بمنزل خود نمودند) (دیگر نوشته اند که در روز و روز نواب مستطاب شاهزاده مخم
 و الایبار رکن الدوله العلیه العالیه بدار سلطنه تبریز التفات سرکار اقدس سالیون شاهنشاهی
 دولت علییه را بجمیع اهل مملکت آذربایجان خصوصاً اهل دار سلطنه تبریز گوش زد و خاطر نشان نمود
 بکلی اهل مملکت آذربایجان ازین عنایت و التفات الطهارت انان و شکر گذاری نموده صد ابگراند و
 دانت بهال اقدس سالیون شاهنشاهی بلند کردند

۲۲۷۴

قسم از قراریکه در روزنامه خسته نوشته اند مقرب الخاقان چراغعلی خان حاکم نولایت
 بجهت رفع نزاع شاهسون قشار خست سلطانیه رفته عالیجاه میرزا و لنجان را بنیابت خود خست
 گذاشته است و عالیجاه شارا الیه در نظم ولایت و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت و اهتمام
 بعمل می آورد و همه روزه باستوفیان نولایت در دیوانخانه نشسته بانو محاسبات و فیصل مهمات
 پیردازد و بعضی و داور عایا عوزرسی کامل بنماید و هم چنین در نظم شهر و محلات قدغن اکید مداره
 و غیره نموده است که شبها در حفظ و حراست محلات لازمه مراقبت را بعمل بیاورد بعد از سه ساعت
 شب هر کس در کوچی فانیوس ترود نماید گرفته تا صبح نگاه میدارند و از وقتی که این قرار داده شده
 سرقت و شرارت کمتر اتفاق می افتد (دیگر نوشته اند قبل از رفتن مقرب الخاقان چراغعلی خان
 سلطانیه خانه آقا حبیب تاج خسته را شب دزد زده قریب چهار صد تومان اموال او را برده بود
 خود عالیجاه شارا الیه در مقام تفحص و تحقیق برآمده بود چیزی معلوم نشده بعالیجاه میرزا و لنجان
 سپرد که اموال مسروقه را پیدا نماید شارا الیه نیز بدروازه دجا های دیگر سپرده و در جزو اموال
 بود تا شبی کما شتکان خبر آوردند که اموال مسروقه در امشب دو نفر از دزدان بار کرده بخا غفلی خان
 پسر نصر الله خان میبرند فوراً همان شب چند نفر سوار با اتفاق محمد رضا بیک نایب توپخانه در قسم بیک
 بعقب آنها فرستاده در نزدیکی از دهان تو که یکفرسخی شهر است بدزدان رسیده دزدان مالها را باها
 گذاشته خود فراری و در تاریکی شب متواری شده مأمورین بجهت طلب لیس نوشته بودند دزدان را پیدا
 کنند اموال مسروقه را با همان دواب که بار کرده بودند برگردانند بنزد عالیجاه میرزا و لنجان آوردند
 شبانه آقا حبیب صاحب مال را اجبار و صبح در حضور جمعی از علما و اعیان اموال مسروقه را تمام بدون کسر
 نقصان تسلیم او کرده و بعد فرستاده دزدان را نیز گرفته آورده اند و محبوس شدند تا حکم آنها بشود
قزوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور نولایت قزوین نظام است نولایت
 کامیاب بنزاده والا تبار عبدالصمد میرزا حکمران قزوین که بجهت تعمیر آب وهو آب که کم رفته بود در آن
 شهر کرده اند مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان پیکار قزوین بجهت رسیدگی امور دعات خالصه و قرار
 نظم و نسق آنجا چندین بار به بلوکات رفته عالیجاهان میرزا اسمعیل خان و عبدالباقی خان و بعضی
 دیگر را نیز همراه برده در هر قریه و محل بارزید محصولات را بدقت نموده و قرار مابین مباشر
 ضابط را بار عایا بطوری داده است که هر کس عمل خود را بداند و از ضابط و مباشرین نسبت بر عایا
 احواف و زیادتین نشود و بکسان خود نیز قدغن کرده است که هیچ قسم و رسم از عایا حقه و دینار

۲۲۷۵

سلطان بکنند و حیره و علق را قبضه ایات و مقاطعه دیوانی بر عاید داده دریافت می کنند و زیاده
 بر آن هر قسم لوگر با ب باشد حبه و دیناری از رعایا نیست و آنچه بگیرد و قرار بدهی و مقاطعه برقر
 و محل را با اطلاع که خدایان در عاید داده کب شب یاد و شب در آن محل توقف کرده و از آنجا بخت
 دیگر رفته از قرار بکه نوشته اند کتل دلات خالصه را بهین نقس سرکشی نموده و قرار امور رعایا را بطور
 دلخواه آنها داده است که ضابطه و مباشر دیناری بر عاید زیادتی نمی تواند بکنند و رعایا ازین بگذر
 کمال آسنان و شکر گذار بر دارنده عالیجاه تقی خان نیز در عجب معرت آنخاقان مشایه در نظم شهر
 و محلات و انجام خدمات و محلات دیوانی و مراقبت خدمت نوابکامیاب شده هراده کمال استقامت را
 داشته شبهار آنچه نظم شهر و محلات و سعادت و نیم از شب رفته با چند نفر از که خدایان و فرزند
 و سرگرمه الی نصف شب در محلات گردش کرده بگرمه و فرادل هر جا رسیدگی کرده کسی قدرت
 سرقت و شرارت و حرکت خلاف ندارد و روزمار نیز بعد از مراجعت نواب شهر از آب گرم
 با عیار و مثال و که خدایان در عمارت باغ سلام نواب مغزی ایبه حاضر شده با انجام خدمات
 و فرمایشات دیوانی و فیصل امور موجوده بخوبی سپردارند (دیگر نوشته اند که از پنجم ماه ذیحجه الی دوازدهم
 ماه مزبور در قزوین و بلوکات آن خصوصاً بلوک قاقران باده شدت و متصل و زیده هوادار
 سردی شد بقتی که در راه ذغال یک نفر آدم و دوسه رسس لایع از شدت برودت هوادو زید
 باده بملک شدند ولی از دو ازمس بعد هوا اعتدال بهم رسانده باده موقوف گردید
گروستان از فراری که در روزنامه کردستان نوشته اند در شیخان اورامان که
 از معتقات کردستان است مراد علی نامی از مرده شیخ رسول خانقاهی در خانه شخصی همان شد چیزی
 در آنجا بسر برده تعلق خاطر بر وسس آنخانه بهم رسانده و با عروس ممتد شده و مواضع کرده بود
 که اهل خانه را مسموم نموده عروس را برشته فرار نماید بیستباری عروس سم در میان مطبوع رنجت
 اهل آنخانه خورده کلام برض مسلک گرفتار شده بفاصله یکروز چهار مرد و زن از آن خانه هلاک گردیدند
 مراد علی نام بعد از وقوع این حادثه از شدت خوف و واهمه رسس را بجا که استه فرای نمود اما
 قریه جمع شده در مقام تقص و تحقیق این قضیه بر آمدند کیفیت ماجرا کجای بزبان عروس جاری کرده
 او را گرفته حبس نمودند و از بقیه همان ستم که مراد علی نام با داده و در نزد او موجود بود در میان مطبوع
 کرده بخورداد و اند فرحاش بهم خورده بعد از یکروز قدم در پی رفکان گذاشته راه چدم گرفت
 ولی مراد علی نام مقود است و هنوز بدست نیامده است

۲۲۷۶

اخبار دول خارجه

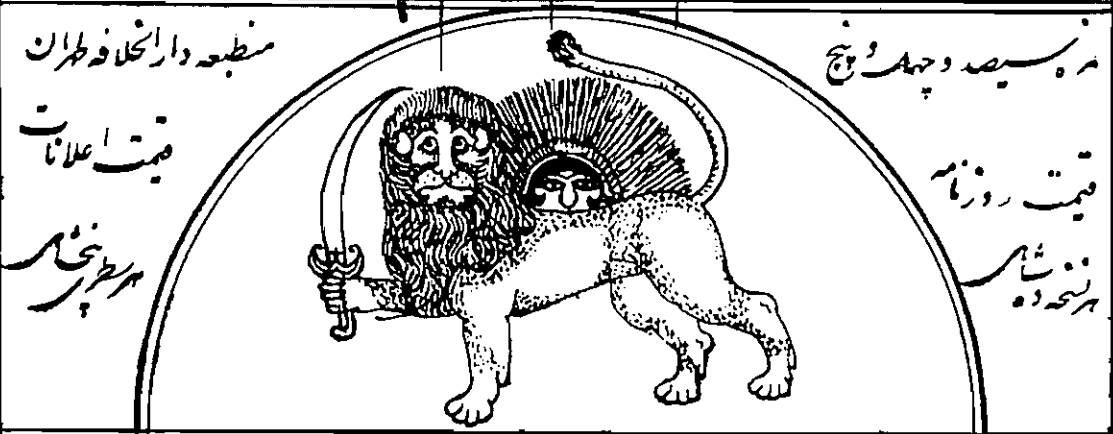
گذارش مفیدین ایتالیا و فساد آنها در خاک ساردینیا و ناپولی در روزنامه هفته گذشته نوشته شد بموجب
روزنامه دیگر در این اوقات بیت دیک نفر از آن مفیدین در پاریس پای تخت فرانسه دستگیر شده
در ضمن تحقیق و تکشاف احوال آنها معلوم شده است که اصل اذنه فتاها آنها بوده اند و منظور از آن
خودشان پاریس قصد علیحضرت امیرالطور فرانسه بوده است و موصوفه اند که هر که ام در هر و لا
که مستند بنای شورش و اغتشاش را بگذارند (سجده رفع اینکویف دات که حبه حبه در ایجا
ظهور میکند مقدماتی فرو گشتی در تحت فرمانده جنرال لانیزار جانب دولت انگلیس ایتالیا ارسا
شده بود که مدتی در سواحل آنجا گردش نمایند از قرار که نوشته اند کشتیهای مزبور در این اوقات
داخل لنکرگاه فالپاری شده اند و نیز در باب وقوعات مذکور مفیدین ایتالیا شرحی که در روزنامه
رسی ناپولی مندرج و از آن روزنامه ترجمه شده این است که در ۷م خرداد در ساعت نه یکشتی
بشار با بیدق روئیه بوسیده سقط شد کی بلنکرگاه حوضون داخل شده رئیس لنکرگاه بمقتضای نامه
خود بکشتی مزبور رفت و او را گرفته در آنجا حبس و توقیف و در این اثنا بعضی اشخاص مسلح با زور قهار از
مزبور سوا شده و اول کمرک رازده و سواهی این بعضی اشخاص مضره از برای خود بیدق مخصوصی کشاده
بروی سایر قراولان هجوم آورده اند سببه اینکه فوه عسکریه حوضون کم بود ما بین جنگ با آنها یکی
ضابطان مقول و دیگری مجروح شده اما معلومست در عا که آنجا محوط گردید از باب جرایم که در آنجا
بودند بامفیدین متفق گردیدند اموال امانی انولابت را غصب و عارت کردند و اموال تجار را که در
بودن آنها بودند و بیرون شهرش انداختند و متخرا از آنجا حرکت کردند سببه اندفاع این مقدمه فی الحال
از جانب حکومت دو قطعه جنگی و فوج هشتم و یازدهم ششجبه و از راه خشکی نیز مقدار کافی
ارضا کرد و لتی با آنجا فرستاده کشتیهای مأمورین کشتی مخالفین را با اسباب و اسلحه موجوده که در
میان او بود ضبط حکومت کرده با مخالفین بعد از زرد و خور بسیار مخالفین را متفرق و پراشان
کردند و عا که مرقومه شعبیای مزبوره را تعاقب کرده و عا که خشکی نیز متعاقب مفیدین حرکت کرده
قریباً رفع و ازاله این حادثه بحسن صورت مأمول است (جنرال کوبناک که در ایام جمهوری فرانسه
بر پاست جمهوری آنجا ب شده بود بعد از استقلال سلطنت در فرانسه را لیه چون مخالف قانون
دولتی بود از فرانسه تبعید و اخراج گردید و از آنوقت تا حال با دو نفر دیگر که هم عهد او بودند در دولت
اعامت داشتند در این اوقات از طرف امانی فرانسه با انتخاب داخل اعضای مجلس ملی فرانسه

و نیز ازین قبیل اشخاصی که از جانب مالی انتخاب شده اند موسیو پارس نام است که درین اوقات بواسطه روزنامه‌های پاریس خودش بصفته اعضا بودن مجلس انتخاب تعین شده با مالی اظهار تشکر نمود که بجهت طرفداری جمهوری در این عرصه خود را تلف کرده بود و یکی از رفقای خود را نیز از مالی التماس نمود که داخل اعضای مجلس ملی نمایند و آن شخص نیز بر حسب التماس و از جمله اعضای مجلس ملی شده است (پسر دویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ضمن سیاحت و تحصیل فنون و معرفت مقدما با بلاد خود بممالک المانیان غنیمت کرده بودند در این اوقات پسر اول پادشاه انگلیس که ولیعهد است با خدمتکار خود ^{تخصیص} بمالک مرقوم غنیمت کرده اند) (اعلیحضرت امپراطور روس باز و بجهت رهن بجاتهای معدنی که عبارت از آب گرم باشد غنیمت المانیان کرده بودند بموجب اخباری که این اوقات رسیده است اعلیحضرت امپراطور مقدما از پترزبورغ حرکت کرده و در پانزدهم ذی القعدة بشهر باد موصلت نمودند و بجهت تبریک سیاحت ایشان از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسهم امور مخصوصی با آنها فرستاده شده است) (سابقا نوشته شده بود که اعلیحضرت امپراطور آستریه باز و بجهت سیاحت مجارستان کرده بودند در شای راه خبر فوت دختر اعلیحضرت امپراطور رسید باین سبب فتح آن غنیمت نموده باینه معاودت کرده و از اقربای خود شخصی را و کالته مأمور مجارستان کرده بودند بموجب اخباری که این اوقات رسیده است در استوس آینه خود اعلیحضرت امپراطور غنیمت مجارستان را دارند و بجا و کیلی که فرستاده بودند حکم کرده اند) (اعلیحضرت امپراطور روس درین سیاحت توابع ارض قسطنطنین برادر خود را در پترزبورغ قائم مقام تعیین نموده و جناب قوت لوندوف را نیز نشانی رخصت کرده اند) (در پاریس در این اوقات شخصی با یک شخص کل منازعه کرده در بین منازعه کچل بودن او را بر پیش زده آن شخص کچل فی الحال بمرقت پوسیس که عبارت از کلماتی باشد او را بنزد ضابطی مثل خود کچل کشیده و گذارد منازعه را با بنار سوز و کداز بیان کرده ضابط از آن شخص پرسید که تو باین مرد کچل گفته بلی بعد از آن ضابط حکم کرد که مشارالیه پانزده روز در حبس باشد آن شخص گفت حالتی که در کسی باشد اگر کوبیده کنی بشود تو خودت هم کچلی ضابط مر بوزارین حرف متعتر شده پانزده روز دیگر در حبس او علاوه کرده آن شخص گفته بود شکر خدا را که ده کچل بیشتر در اینجا نیست اگر چند نفر کچل دیگر در اینجا بودند البته حبس بی تا می کشید حال بد و کچل گفتن و بیکاه در حبس بودن راضی هستم و ممنوناً داخل محبس شده بود) (بجهت تحصیل زبان و فنون و ویدین مصارفات واقعه خود در این اوقات مأمورین مکرر به دولت روس از جانب

۲۲۷۸

وکیل حربیه دولت منور رخصت غنیمت پاریس داده شده است

روزنامه و کاپی اخبار پنجشنبه ۱۲۷۴
 روزنامه و کاپی اخبار پنجشنبه ۱۲۷۴



اخبار و احداثه ممالک محروسه پادشاهی

اردوی هایون

اعلیحضرت اقدس شاهای خلدالله ملکه و سلطانها مکان در سلیاق بیادان سیرت
 و هوای شیرانات این اوقات در کمال خوبی و اعتدال است امنای دولت علیه و مفر بان حضرت
 کردون بطت سینه و سا بر چاکران در بارهایون از خوین و ارباب سلم و عموم اهل سلام
 سلام سلطانی حاضر شده و با انجام خدات و مهمات موجود استحال دارند (چون
 بر حسب امر اولیای دولت علیه حرم مبارک حضرت امام ثامن علیه و علی ابایه الف العجیه و پشتمار
 آینه کاری بنمایند از فرار یک نوشته اند این اوقات دو معجزه در حرم مطهر بطور چوسته یکی آنکه
 پنج انبی بوزن دو من تبریز از بالای قبه منوره از دست بتائی رو شده سراریر می آمد همیشه کرد
 پاپین رسید لوک پنج که و پاپین بود بر کشته طرف دیگرش که تیر نبودش از رواری خورد
 هیچ آسبی باور رسید هر گاه همان طور که می آمد لوکش بشانه زوار میجو و از لوکش بیرون رفت
 دیگر یکی از بتایان در بالای چوب بست کاری کردند از بالا افتاد نیم ذرع بشروانی ضریح مطهر بنا
 بود که در میان زمین و آسمان بیکر بسته ریمانی که برای او سخن قنادیل بسته شده بودند
 شد و سلامت پاپین آمد خدام و زوارانش به این معجزه صد بکبیر و صلوات بلند کردند
 (مقت الخاقان میرزا حسین خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه معین تغلب که بر حسب
 احضار اولیای دولت علیه برای سرکشی امورات خانی خود موقه در انجمنه الباهره آمد بود
 حسن مراقبت و اهتمام و صداقت و قاعده دانی عالیجاه مشارالیه در لوازم سرپرستی تجمه دولت

علیه متوفیق اولاد انجام مهمات محوله بخود و رعایت رسوم مودت حاصله مابین دولتین بتوسط اولاد
دولت محروض میگاه رحمت دستگاه اقدس علیحضرت هایون شاهنشاهی دامت شوکتها
و سر او ارشومل مرحوم خاطر اقدس هایون کردید این روزها که حسب الامر اقدس الاعلی عالیجاه
شارالیه بجل مأموریت خود در وانه است محض شمول الطاف ملوکانه در حق ادب اعطای یک توبه خیر
ترمه کشمیری از صند و قحانه مبارکه برسم خلق عنایت طلعت سرفراز آمد (جناب جلالت و
ایالت رضاب کنیاز الکندر بار اتسکی که از جانب علیحضرت امپراطور دولت برهمن
بجانشینی مملکت قفقاز و سه سالاری جنود قفقاز به مأمور شده است بمسببت روابط اتحاد
و دوستی دولتین ایران در روس مقرت الخاقان سیو جان داد و خان سیرتپ مترجم اول دولت
علیه از جانب سنی الجوانب هایون سرکار علیحضرت اقدس شاهنشاهی دامت شوکتها مأمور شد
که بتطبیق جناب معزی الیه رفته لازمه تبریک را بعین آورد و بقطعه نشان شمال هایون تکمیل
مالناس از درجه اول با تحویل آبی که بایشان موافق فرمان هایون از جانب سنی الجوانب اقدس علی
اعطاشده است ابلاغ نماید و دلایل تفقدات ملوکانه نسبت بایشان ظاهر سازد و از جانب
جناب اشرف ارفع امجد صدر اعظم انجم نیز حاصل مرسله مودت علامه نجاب معزی الیه میباشد
و در آن ضمن بکر بساب سواری خاص خودشان را که محض دوستی و یادگاری برای ایشان
میفرستند برساند و علامت دوستی و دوادار او واضح و هوید نماید سایر ولایات
(اذربایجان از فراریکه از تبریز نوشته بودند بکنفر مکاری که از تبریز بکرمانشاهان میرفت
در نزدیکی باسبج با چند نفر سرباز تراغ میکند سربازان خورجین او را بر میدارند در همین نزاع و کین
سواره فراسوران جنود ارشود مکاری میکوید با و که متصدد امپریال در میان خورجین دهم
سربازان برداشته اند وکیل باشتی مژبور مکاری و سربازان را برداشته نزد مقرت الخاقان محمود
میرنجه میر و بعد از تحقیق مراتب مژبور معلوم میشود که مکاری دروغ گفته و حرف آخر او این شد که
آن وجه مال تاجر بود مقرت الخاقان شارالیه تاجر حاضر کرده غوررسی نموده تاجر گفته بود که تاجر
عد امپریال از مال تاجر دولت عثمانی نزد این مکاری بوده مقرت الخاقان میرنجه در منزل مکار
دیر همام خارج بعد از تحقیق مراتب فرامیدهند دستک تاجر صاحب پول را حاضر کرده پیش
حاضر کردن دستک و ملاحظه کردن آن معلوم میشود که سید امپریال پول بوده است نه تاجر
و بهم چنین آن مکاری هم سید امپریال را پیش از خودش با قافله فرستاده بوده است بجهت

۲۲۸۰

کذب و افزای مکاری میجو استند اورا تنبیه نمایند مکاری میگوید که وجه را تا جرعه کور داده لیکن نمیدانم
در میان خورجین بوده است یا بر ادرم با قافله قبل ازین برده بعد تحقیق معلوم میشود که در میان خورجین که
سر باران برداشته بودند بجزرمان چیزی نبوده است اگر چه سر باران نیز بر آنچه خلاف نظامی که از آنها
سر زده بود معرت انخاقان میرنچه مقابل اطاق نظام در حضور مؤتمن سلطان و وزیر نظام تباریایه بسته
تنبیه نظامی نمود لکن سسید امیر پال تا جرعه برده راهم از مکاری گرفته بصاحبش تسلیم کردند اما ازین طو
افرا معلوم میشود اکثر آدمها باینطور میجو ایند شتاق نمایند در آذربایجان و طرف کرمانشاهان و سایر
جاها ادعای مال مسروقه می کنند و ازین قبیل زیاد اتفاق افتاده است اولیای دولت علی بنی تو استند
اعتماد و باور نمایند ولی سبب از آنچه مردم متعرض شوند اصغفهان از قراریکه در روزنامه
اصغفهان نوشته اند خلعت مرطلعتها بون که از جانب سنی انجوانب ملوکانه با فخر نواب است
شاهزاده والا تبار حمت الدوله حکمران اصغفهان مصحوب عالیجاه میرزا آقای پیشخدمت حرم شده
بود در حین وصول بانجانوات مغزی الیه با سران و صاحب مضبان نظام و سایر عا کر نصرت
فرجام و امانی و اعیان و مستوفیان آتولایت باستقبال شتافه لوازم توقیر و احترام خلعتها بون
بعمل آورده در باغ قوشخانه که در خارج شهر و محل خلعت پوشان است زیب برود و شش مفاخر
و مباحات نموده فرمان هر لمان مبارک را که لبر افزای نوات مغزی الیه شرف صدور یافته بود
خطیب در ملا عام خوانده شرح مشورتهای بون را که مبنی بر اظهار امر ملوکانه در حق نوات مغزی الیه بود
گو شرد خاطر عام نموده بعد از ادای مراسم نهیت و شکر گذاری و صرف شربت و شیرینی شربت
نمودند (دیگر نوشته اند که نوات مغزی الیه در نظم ولایت دعوض و داد رعیت و وصول و ایصال با
و انجام مهمات دیوانی مراقبت تام بعل می آورند و همه روزه یک ساعت از روز با لآمده تا دو ساعت است
گذشته در عمارت چهل ستون نشسته بعبایض مردم و انجام مهمات دیوانی پیر دارند و مستوفیان
دعالم و مباشرین حسب الحکم نوات مغزی الیه بمجاسبات و معاملات دداد و ستند دیوانی سید
بنمایند و سجد الله کمال اینست و فرادانی و ارزانی در اتولایت حاصل و رعایا و بر امان اسوده خاطر و مرف
بدعای از ویاد دولت و شوکت ابد اتصال اشتغال دارند در باب بنائی و تعمیر عمارات دیوانی اصغفهان
خصوصاً میدان چهار حوض و میدان نقش جهان که اطافهای محل ششمین سر باز و توسی انجام خرابی بهم
رسانده بود و سایر جاها که تعمیر لازم داشت حسب الحکم نوات مغزی الیه بنا و عمده در کار و مشغول تعمیر و
بنائی میباشند

۲۲۸۱

کسلان از فرار یک در روزنامه رشت نوشته اند ضلع اقباب شعاع هایون شایقی
 که با فتح ر امیر الامرا العظام عمید الملک سوارعیان و اهل کیلان رحمت شده بود با بنجار تو
 وصول افکنده امیر الامرا العظام مش رالیه با اتفاق رسا و اعیان و تجار بنجارج شهر تا محل خلعت
 شتافته و در حین وصول خلعت هایون پیاده شده و لوازم استقبال و توقیر و احترام بعمل
 آورده خلعت مبارک رازب برودش مخاضت و مباحث نموده و برین نیز مخلص بخلع مهر
 شعاع گردیده و زمان مهرلعان که مبنی برانها عواطف ملوکانه در حق امیر الامرا العظام عمید الملک
 شرف صد دریافتی بود خوانده و مضامین آن را گوشه اهل مجلس نموده بعد از آن ادای خطبه بنام
 نامی سرکار اوس هایون و اختتام بدعای بقا و از دیاد دولت و شوکت ابد مقرون گردید
 بعد از ادای مراسم تهنیت و صرف شربت و شیرینی بشهر مراجعت نمودند (دیگر نوشته است
 که نهم موسوم به بندود که شتوک کاری زیاد از آب آومی شدش مقطوع گردیده و علاوه بر آن
 در سوال و ذیقعه نیز بارندگی شد زراعت کاران ازین معنی زیاد و در تئوس بود بدواز
 زراعت شتوک تئوس شده بود و امیر الامرا العظام عمید الملک دو تقریب فرانشان را
 با جمعی فرانش سجه ایجاری نامور نموده جمیع زیاد از بلوکات فرامس آورده بستن سد و قنات
 و جاری نمودن آب بنهر مزبور مشغول شدند چون مجرای آب سفید رود مهال تغییر یافته از طرف
 که بهرل جریان داشت منحرف شده بود بعضی زیاد و زحمت بسیار در استبانه آب را
 بنهر مزبور جاری کردند و قرار و مزارع را سیراب نمودند درین بین از تقضلات الهی ازین مقام
 ذیقعه تا چهارم و پنجمه بارندگیهای زیاد شد بطوریکه از جمیع رودخانه سبیل جاری گردیده
 تا چند روز راه عبور و مرور متروکین بسته بود و از قرار تقریر پیران معتر تا کنون اینطور بارندگی
 آنولایشا دیده شده بود با بحد جمع مزارع و قرارگاه مشروب و زراعت کاران از تئوس بی
 فایع گردیدند) (دیگر نوشته اند که غلام سبای از حاجی سید باقرنا جرشتی یکصد تومان وجه نقد از
 حجیشا رالیه سرفقت کرده بود مشا رالیه پس از اطلاع مراتب را بعرض عمید الملک رسانید بچند نفر که
 سرفقت داشت بعضی را گرفته محبوس نمودند و بعضی از خوف بخت رفتند و صاحب نخواه میسج کجان
 غلام خود داشت بعد از آنکه داروغه و که فدایان حسب الحکم در مقام جستجو برآمدند معلوم شد که غلام مزبور
 چند عدد اشرفی پیش صرافی قزوینی برده و پول سفید گرفته است صرف غلام را حاضر کردند بخرنی تبدیل
 غلام مزبور سرفقت خود اقرار نموده قدری از خواه را خرج کرده بود مابقی که موجود بود گرفته صاحبش تسلیم کردند

۲۲۸۲

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند در مرزهای آباد ترشیر مفتی بچاه
 قنات انجاریقه بود که سقیه نماید محشی در میان چاه دیده بود که طنابی بگردن او بسته و ده تومان پول
 نقد هم در کمر بسته دارد چند نفر را خبر کرده بسر غش مزبور رفته رخوت او را جستجو کرده هر علی صخره
 در میان رخوت او یافته کمان کرده بودند که پول زیادی داشته است او را کشته و پوش را برده
 با بچه غش مزبور را برده و دفن کردند و قاتل او تا کنون معلوم نشده است (دیگر نوشته اند که دراز
 اقدس مفتی است ارباب رفته دکان زندانی اش گرفته کزنده و سایرین خبر دارند منوچهر
 گردون اش شنید اگر چه زود خبر شدند و زود آتش را خاموش کردند ولی در باب دکان دیگر
 سوخته بود و نیم ساعت طول کشید تا آتش را خاموش کردند و نگذاشتند بدکاکین دیگر آتش
 کردستان از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند امور ولایت اخصر
 مقرب انخاقان امان الدخان والی قرین انظام و انضباط است در نظم ولایت و حصول مروت
 رفاه و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی کمال اهتمام را بعمل می آورد و بجهت نهایت ارزانی
 و فراوانی در آن ولایت حاصل و انالی بغایت خاطر بدعا کوئی ذات اقدس کل یون شاهشاهی خلد
 بلکه در سلطانه اشتغال دارند) (دیگر نوشته اند در این اوقات حسنی از قاضی هدایت در سرحد
 گوگردستان ریفین زده بچاه شصت ریس بل باری آنها را برده و یک نفر هم از انالی قریه قرباطع کرد
 که مسراه قافل بود مقتول کرده بودند صاحبان مال بنزد مقرب انخاقان والی آمده مذکور داشتند که
 در دهالهای ما از انالی سقرنی باشند چند روز از آنها جهت خواست که تخمین نماید اگر این سقرن تکب این
 عمل شده باشند از آنها سزا نماید بعد آدم فرستاده معلوم شد که مرکب این کلهر جاف
 بوده اند و اموال مسروق را بسان ایل جاف برده اند مقرب انخاقان شارالیه بنزد سر ایل جاف
 فرستاده مطالبه اموال مسروق و دیت مقبول نمود بزرگ ایل مزبور مخمدی فرستاده و جواب
 بود که این عمل از دستة قاور بیک اتفاق افتاده بحصول اکامی محمد و س نام سر دستة آنها
 گرفته و الان مجبور است صاحبان مال بیایند تا مال آنها تسلیم شود مقرب انخاقان صاحبان
 مال را با رسم سلطان نامی که از جانب مباشر کرده و س سجهه مقدمه مقبول مزبور آمده بود مصحوب دستا
 سر ایل جاف نموده آدمی هم از خود بر آنها کاشت که رفته مال هدا انهارا تمام و کمال گرفته با تخفیم
 نماید و مقبول این بقصاص بادی برضای و در مقبول موافق حکم شرع مطاع بگذراند و بر ایل مزبور نوشت
 که مرکب این بتبیه بر نموده هزار بیست و هشتاد و سه نفر است که کسی نتواند مرکب این بگوید ثبات بشود

۲۲۸۳

احبار دول خارجه

در مدت چهل سال قبل ازین که ناپلیان بزرگ اسبجریه سلطن فرستادند اشخاصی که همراه ناپلیان قیام و خدمت او را اختیار کرده بودند قبل از فوت خود بعضی املاک و وجوه نقد و وصیت کرده بودند بانها بدست دولی تاکنون بن و مجری شده است در این اوقات علیحضرت امپراطور فرانس در ضمن اجرای وصایای ناپلیان بزرگ درین خصوص مخصوصا توسیونی بیکل داده و قرار گذاشته اند بان اشخاص هر کدام در حیات مستند موافق وصیت نامند ناپلیان از املاک و نقود مرقومه بخود آنها بدست و هر کدام مرده اند در جمیع آنها مجری بداند (درین اوقات در پاریس شخصی سئو میفرستد بجهت رواج متاع خودش در برصد دانه باسلن بکده لبرای فرانس که تخمینا بیست و دو هزار دینار پول ایران باشد در میان یک باسلن گذاشته و بسترها اعلان کرده بود و مؤخران مدعا نموده خلق زیاد بجهت خریدن باطل از دحام کرده اند بطوریکه مشارالیه در در دکان خود قرار دل گذاشته و منافع کلی ازین عمل حاصل کرده است) تاکنون در ضمن ادخال حسری بجهت سهولت در فرنگستان حسریها احداث شده است از جمله بجهت سهولت امر زراعت مقدما اسبابی مثل چرخ بخار بجهت شیار کردن زمین احداث کرده بودند ولی بوجه مطلوب مجری نشد و است در این اوقات علیحضرت امپراطور فرانس اصحاب این کار را همه پاریس دعوت کرده و قرار داده اند که هر کدام از ان اشخاص که این کار را سهولت است بر او بیندازد با و از جانب دولت اعتبار مخصوص داده شود) (درین اوقات لیات سنوی جمهوری روسی دنیا بیست و میان پاریس که فریب بر پنج کرو و تومان پول ایران با از سالهای دیگر زیاد تر آمد است در مجلس مشورت درین باب گفتگو کرده اند که این وجه را بچه مصرف باید کرد بعضی در مقابل این تخفیف رسوایت که در این باب دیدند و بعضی صرف این فاضل را پاریس در ترسند راههای این و کشتیها مناسب دیده اند) (در یونانستان در جزیره سنسورین در شرط و لغانه نام آبی که مست حکم و تاثیرش این است که هر کسی که داخل کجا میشود آلات و ادواتی که در زیر آب است پاک گشته و در کجا میگیرد در ضمن تحقیق این کیفیت بجهت خطراتی که از زیر دول خارجه یونان ظاهر شده بود چند وقت پیش ازین یکی از کشتیهای غریب ضبط مزبور فرقه بعد از ساعت از هر دو کشتی مزبور بانجا آلات زیر کشتی کلاه سیاه شده مؤخران کمال سهولت رفع کرده بود در این اثنا کشتیها چکنی فرانس و انگلیس که در پیشگاه آتن پای تحت یونان بودند بطمزور ارسال شدند و کشتیها بهمانطور زیر آب سیاه شده بود در باب اینکه از چه سبب زیر کشتیها سیاه باشد بواسطه بعضی آلات و ادوات مزبور وقت کرده در سبب کی بودند معلوم شد که آنها ای مسرخ در آن زیر جریان دارد و بعضی منسجم در اینجا مشاهده کرده بودند

۲۲۸۴

۷

از قرار یک نوشته اند درین اوقات بجهت اختلافی که در سمت بنکاله و بعضی جاهای دیگر هندوستان
 بهم رسیده است فرمانفرمای هندوستان امکان یافت و مکدر بنجاه در گذشته این گذارش بجانب
 دولت انگلیس عرض بیان شد در حال دولت مشارالیه جنرال کیس را که در اوقات محاسبه بقول دولت
 از جانب وکیل جریتیه دولت انگلیس سر قوماندان قشون اند دولت در قمرم بود احضار و تقابیم مقامی هندو
 انتخاب نمودند و مستفاد کردند که چند روز مهیست روانه از لندن حرکت بکنند گفته بود که همین وقت مأمور
 و بیچ حالت معطلی ندارم لهذا اورا تقابیم مقامی هندوستان منصوب و دو ساعت دیگر از لندن حرکت کرد
 از طریق مصر و اسکندریه روانه مقصد کردید (دیگر نوشته اند که قشون انگلیس که در هند باقیست
 قوانین موضوعه مدت معتبه آنها ختام پذیر شده مفارن این اختلافات حاضره هند معاودت
 با انگلیس تصدیق یافته لهذا بجای آنها چهارده هزار قشون که چهار هزار آنها در محبت قومسایند هند باشند
 از لندن هندوستان مأمور روانه شدند و چون دو فرقه قشون انگلیس که هر یک شش هفت هزار بودند
 مقدما از انگلیس بچین مأمور روانه شده بودند بجهت لزوم قشون در احوال حاضره هند یکی از آن دو قشون
 از بین راه سبت هندوستان برگردانده اند و چون بجهت مراجعت دادن بعضی قشون مأمور چین
 هندوستان قشون مأمور چین جزئی می شد و محاربه با ولایت چین بر وجه دلخواه صورت پذیرد
 از جانب دولت انگلیس حکم توقیف محاربه چین گردیده و مقرر شده است که قشون انگلیس کانتان
 یا هر جای آن جواری که به استیلا گرفته باشند علی الحساب در همانجا توقف کرده امر محاربه چین
 تا رفع اختلافات هندوستان موقوف دارند) (دیگر نوشته اند که بقدر مقصد و نیجاه نگران
 صاحب منصبان قشون انگلیس که در هند بودند و قبل از حدوث اغتشاش هند به کثی عمال خود بلندن
 رفته بودند درین اوقات معاودتشان سر لغا هندوستان از جانب دولت انگلیس حکم شده
 (دیگر نوشته اند که اعلیحضرت قرال دولت بروکس عنایت ملاقات اعلیحضرت امپراطور
 اسپریرانموده چند وقت پیش ازین از برلین پای تخت دولت خود حرکت کرده بودند در این اوقات
 بوینه پای تخت دولت اسپریران وارد شده اند و بجهت عنایت قرال پروس بوینه از جانب دولت پروس
 غورچاقوف وکیل امور خارجه دولت مزبور با مأموریت خفیه بوینه عنایت و قبل از ورود قرال دولت
 پروس بانجا وارد شده بود) (در سال قبل ازین امالی شهر آینه پای تخت یونان و سکنه لنگرگاه
 آنجا را سر شماری کرده بودند سی و هفت هزار نفر ذکر انانما بقلم آمده بود در این اوقات که مجدداً
 سر شماری کرده اند جمعیت آنجا پنجاه هزار تن برآید است

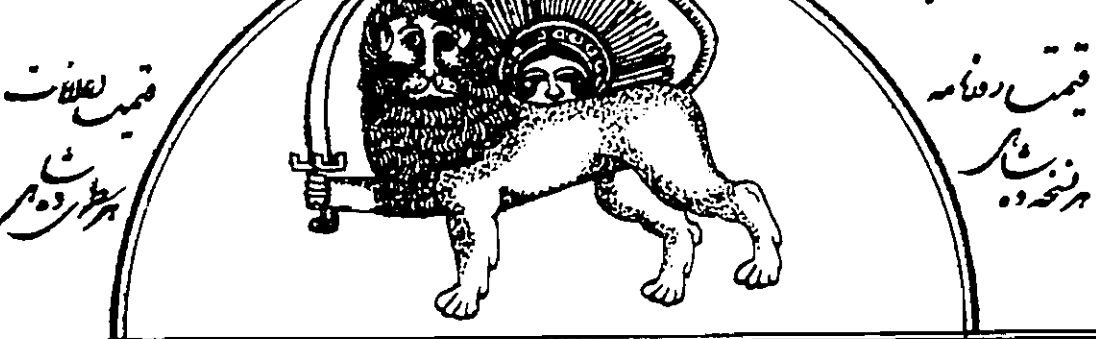
۲۲۸۵

شخصی یوکاری نام از امانی شهر سویل که از ولایات اسپانیول است در ضمن اظهار یاری در این وقت
 از کسانی که از سکسکریه اسپانیول خارج شده اند صبی را در خفته با خود متفق کرده و تبه ای که اراده اش
 بر وزن کند تا اسباب کار فراهم سازد و دهکی آنها را قسم داده در پانزدهم ماه ذی قعدة بیاعتنایی
 تا شهر سخت عسافت داشت جمع شدند را الیه اسلحه و مهمات و وجه نقد با آنها داده و تحت حکم خود
 بشهر او ترمیال که نزدیک آنجا بود غنیمت نمودند از امانی آنجا و محبوبین جمعی دیگر با خود متفق کرده بر
 قایم مقام آنجا و عمارت دیوانی را کلاً آتش زده و اموال دیوانی را غصب عارت نمودند آنچه
 و غیره در آنجا یافت میشد برای سواری خودشان گرفته چند هزار کس مرتب و بیری مخصوصی برای
 کتوده رفع لوازم عصیان نمودند در آن جوار با بچه قرار و قصبات را بغنا و عارت کردند و تبه سحر یک
 سایر مستدین اسپانیول بعضی اوراق بولایات منتشر کردند دولت اسپانیول بعد از وقوع بر این حادثه
 فی الحال قشونی از سوار سپاه پرستار آنها فرستاد بموجب روزنامه دیگر که نوشته اند قشون
 در محل سیره نام با غیاب مقابل شده در نهم ذی قعدة فیما بین خیمی محاربه اتفاق افتاده آخر الام
 با غیاب مغلوب شده راه فرار پیش گرفتند مأمورین آنها را تعاقب کرده ولی همه را نتوانستند بگیرند
 و سبکی کرده بشهر سویل فرستادند و در آنجا حسب حکم دولت همه را هدفت کلوا لغناک نمودند دولت
 اسپانیول تبه کشف و تحقیق این فدا که از کدام طرف شده باشد در پای تخت در دست خود
 داده و نیز بوی کس حربه حکم شده است که سرعاً پنجاه هزار قشون در زیر سلاح حرب حاضر و مهیا داشته
 (از شعبه فواتی که در ایالتیا ظهور کرده بود در این اوقات در ایالت قلابریاکه وزیر حکومت دولت
 ناپولی است و بعضی مجال اثر اختلال ظهور کرده دولت را ایها قشونی بدفع مفیدین فرستاده از فراری که خبر رسید
 ای باب اختلال با سر کرده آنها نیز اقران نام کلاً دستگیر شده قلع بند کردیدند سایر مفیدین آن ولایت نیز از اسامع
 این گزارش متفرق شدند) (سبب این فوات ایالتیا از فراری که نوشته اند فرنی نام بوده است که در ایام
 جمهوری روم رئیس جمهور بود بعد از برسم خوردن وضع جمهوری بلند رفته در این اوقات متخی بروم آمده مفیدین
 ایالتیا را تحریک کرده دولت خواست او را بگیرد فرار کرده مدبر این فرنی شخصی است بزرگ مفیدین آنجا
 فراری است و چند وقت یک دفعه در یکی ظاهر میشود و فراری بر پامی کند وقتی که در صد و کفرتن او بر می آید
 فراری کند در تدریس و تغییر ثبات و چابکی در فرار مهارت تام دارد بلکه در شیوه خود عدیل نظر
 ندارد و چنانچه تاکنون بکرات به تبدیل لباس و تغییر قبا و برومه و ایالتیا و سایر جاها رفته و رفتن
 نموده و هر چه خواسته اند او را بگیرند غلن شده است

۲۲۸۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم ماه محرم مطابق سیلان میل ۱۲۷۲

نرسیده چهارشنبه



اجبار و احسانه مالک محرم و شاه پادشاهی

اردوی مایون

روز سه شنبه پنجم ماه محرم محرام که بقاعده معموله ایام معته عقد سلام عام در پیکاه اقدس مایون
 اعلیحضرت شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطان سته شده و هر یک از شاهزادگان عظام و ائمه و اعیان
 و وجوه خدم در مقام مخصوص خود ایستاده بودند فرمایشاتی که مناسب حال و دلیل کمال حمیت و تقاضای
 نسبت تمامی اهل مملکت از سپاهی و رعیت بود بلفظ در برابر مبارک جاری بنممودند و از جمله فرما
 مویکانه که در آن روز که شرف اهلای سلام شدن بود که دول دوست همه در تمهید سبب مودت مایون
 فراهم داشتن احترامات و مهربانیه نسبت بسفره و مأمورین مایون چه فرود گذار کرده اند سفری از
 که بهر یک از ممالک دول محتاجه مأمور شده و بشود چنانکه در خورد دوستی است از آنها احترام و اگر
 نمایند مجالس مغانی و ضیافت برای ایشان فراهم می آورند و نیز بسیار خوش دوستیم که در خاک دول
 نیز نسبت بسفرای دول دوست و همه که در حقیقت مغان و وارد این ملک مستند لوازم محبت و مودت
 بعلل آید با این احوال چنان بعضی ما رسید که ارجحی مذکور شده است که کویا معاشرت چاکران حضرت
 با سفارت دولت انگلیس که امروز دوست خیر خواه دولت علییه است خلاف دلخواه اولیای دول
 ماست بسیار عزیز و عجب است که چنین اسنای شهرت بدند با وجود انعقاد عهد دوستی
 مابین دولتین ایران و انگلیس و کمال میل خاطر ما بر از دیاد و استقرار این مودت چکوی بشود که بجز
 صدق داشته باشد معاشرت با دوسه نفر اهلای ایران که ما بعین داریم با طبع و حکامه طلب و این با
 بستند و با قطع مایه بر دوست مابین دولتین هم سعادت آنها شد اگر محض حفظ دوستی دولتین مایون

۲۲۸۷

منظور و مأمول اولیای دولت باشد لازم نموده است چاکران در بار کردن و قار و رعایای دولت
علیه ما آمد و شد دوستی و مهربانی با آن سفارت نمایند و یا میل و رفت خاطرهایون مانست بنجاب
جلالت ناک چارس مور و وزیر مختار انگلیس و بر صاحب مضبان سفارت از ایالتی انگلیس کمال
نباشد و نیز از جمله الفاظ در بار بلوکانه بود که از استماع ظهور مقدمات برودت مابین دولت دوست
همچنین و کیفیت افتادن بید قهای سفارتی آنها در اسلامبول کمال تأثیف داشتیم و از اینکه میاد احد
بار منجر بسبب دما، بندگان خدا شود دلگیر بودیم ولی بعد از آنکه شنیدیم غانله مابین دولت مرفوع شد
و دوستی سبالت خود عود کرد نهایت خوشوقتی را حاصل فرمودیم و امید داریم که من بعد این دوستی
مابین آنها و دولت ما و امنیت بندگان خدا و رواج تجارت ممالک وائی و ابدی باشد (چون تذکره
مور و ممبر دین تمام ممالک داخله و سنجارج از ممالک محروسه در بعضی از ولایات مقدما داده
و بعد تذکره ممبر دین داخله ممالک حسب الامر اولیای دولت علیه موقوف و تذکره دادن منجر شد
کردید که متر دین ولایات خارجه را در سرحدات تذکره میدهند نظر باینکه بعضی از نوکرهای دیوان
که تنخواه دیوان در نزد آنهاست و یا محاسبه که با دیوان دارند پرداخته بدون اذن و رضت اولیای
دولت علیه و بنجر بعزم زیارت عبات عالیات از دار الخلافه بیرون رفته و در کراچان تذکره
مرد میگیرند لهند درین روز نامه حسب الامر اولیای دولت علیه اشعار و اعلان میگردد که هر کس از نوکرهای
دیوانی خواه محاسبه دیوانی داشته باشد و یا نداشته باشد و عزیمت زیارت عبات عالیات
نمایند یا باید از جناب اشرف امجد محمد صمد علیهم تعلیفه اذن و اجازت بگیرند و همان تعلیفه را در
کراچان نشان داده در طبق آن تذکره گرفته باشند یا در دار الخلافه موافق قاعده و قانون
مقرره تذکره از برای خود گرفته عازم زیارت شوند مباشرت تذکره کراچان اذن ندارد بکنایه
تعلیفه مرحض در دست ندارند یا تذکره از دار الخلافه گرفته اند تذکره در کراچان بده باید اینگونه
اشخاص را که نوکر دیوان استند و تعلیفه یا تذکره دار الخلافه را ندارند بچاکم کراچان اذن ندارند
که حاکم آنها را بر گردانده روانه دار الخلافه نماید و اگر از سایر ممالک محروسه سواى دار الخلافه از نوکرهای
دیوانی عزم بیرون رفتن میکنند مباشرت تذکره آن سرحد باید ضامن معتبر از آنها گرفته تذکره در
به به (طایفه نکه ترکمان که بشرارت و هرزگی و قطاع الطریق معروف و سواره مشغول نیست و عادت
بودند سال گذشته مقرب الخاقان جعفر طلیحان ایلیخانی بیکر سکی استر اباد آنها را کوشمال داده
کرده بود پس از آنکه مقرب الخاقان مشارالیه بدر بارهایون احضار کردید و مدتی در کراچان

۲۳۸۸

بود طایفه ضالک طایفه باغچه از معاد دست مقرب الخاقان را لایحه مقرر حکومت خودش با بوس شده دوباره از در
هرزگی و بقام تلافی صدقات ایام گذشته که از اینجانی بایشان رسیده بود در آمده آق محمد سردار ^{شاهنشاهی}
چهار قدر زنها را نزد روی آن طایفه فرستاده و آنها را ترغیب و تحریص بقتله و فساد و زرقین بسبب
بجنورد کرده زیاده از چهار سزار جمعیت کرده بسبب بجنورد رفتند از قرار که خبر اجالی بعرض اولیا
دولت علیه رسید عالیجاه سجاد نقلی خان نایب الحکوم و برادر مقرب الخاقان بعد از آنکه از حرکت ^{بنجانی}
طایفه ترکمانیه خبر وار شده جمعیت قلیلی که حاضر داشت سید و پنجاه سواره و یکصد نفر سنجاقی بودند
بمقابل ترکمانیه پرداخت پس از تلافی ذیقین و وقوع مجادله و محاربه فیما بین ترکمانیه سگت حوزده راه
پیش گرفتند عالیجاه سجاد نقلی خان آنها را تعاقب کرده یکصد و پنجاه سوار یکصد اسیر از آنها زنده گرفته
اسب و سیاه زیادی بدست آورده مرخص نمودند (عالیجاه مقرب حضرت الخاقان نیز از عبده
طبری نشی حاصله دیوان عالی که سالها در خدمت ایشان تاجر زو این و ارقام و مناشیر و امثال منقول حسن تقریر و لطف
موصوف است چند وقت قبل کتاب شرح قاموس فارسی بعبصی که در روزنامه آن وقت اعلان مالیه ترتیب
در این کتاب به صورت تمام یافته بادیار پنج رنج الوز که تبرک و فتنی احوال در ایام آزادم ما این ایام توفیق
و موسوم بمأثر الوز است خدمت جناب اشرف امجد ارفع محسن صدر اعظم برده در خدمت جناب معظم الیه زاید الوصف
قبول و سخنان فیه از خاصه خود بکلامه شال کشیری باو حجت نمودند و مرتب استعداده و مشکلاتی در امر عرض بنگاه
لوکانه داشته باد و جلد کتاب شرح قاموس مخصوص بپیش حضور بهر النور بود ثمرات خاک پای مبارک کرد و کتاب
منظوم اثر مایون بسند تحسین و توصیف فرموده و بکتاب جبهه ترمه در حق مشار الیه حلت رحمت کردید حکم شاهانه
نفاذ یافت که کتاب بمأثر الوز را نیز زود تمام نماید **دار الخلافه طهران**

دار الخلافه طهران

کمال انتظام و امنیت و دوزیر هر کوزه نعمت در دار الخلافه طهران حاصل است نواب کامیاب
شاهزاده و الاثبات محمد تقی میرزا حکمران دار الخلافه طهران و توابع در معتمد حکمرانی و سایر
کارگذاران و چاکران دیوانی بمقیم دار الخلافه در سر خدمات مرجوعات محوله بنحود و نظم و لایحه
امور سپاهی و رعیت کمال مراقبت را بعمل می آورند امر محلات با نهایت نظم و قو اول و کز مه سبب
حفظ و حراست اند سرقت و خلاف حساب از کسی ظاهر نمی شود و اگر احیاناً بندرت مرتقی
اتفاق بقیقه با تمام عالیجاهان کلا نتر و که خدا بان سارق و سگیر و در مقام تنبیه و سیاست
در آمده لبرای خود میرسد و اموال مسروقه بصاحبش تسلیم میشود هوای شهر نیز در همین خوبی و عند
اگر چه باقتضای فضل و دوزیر مرجوعات ناخوشی تب و لرزه در میان مردم است ولی مملکت نیست اغلب

بمداوای جزئی بلکه باساک و پر نیز از بعضی میوجات رفع شود سایر ولایات
 (اصغمان از قراریکه در روزنامه اصغمان نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت
 نواب مستطاب هزاره والا تبار حثمت الدوله حکمران اصغمان در نهایت انتظام است و امور
 ولایت و عرض و داد رعیت خود بوقت و وقت و رسیدگی می نمایند معرفت انخاقان میرزا محمد
 مستوفی پیکار اصغمان و سایر ستوفیان حسب حکم نواب مغزی الیه همه روزه در دفتر نشسته
 با انجام خدمات و مهمات دیوانی میگردانند و بحسابات و معاملات عمال و مباحثین و داد و
 انحاء و وصول و ابصال مالیات دیوانی رسیدگی می نمایند) (دیگر نوشته اند که نواب حثمت الدوله
 بعزم زیارت بقعه تبر که شاه رضا علیه السلام و سرکشی بجایین قشبه و بمیرم با بخار فقه چند روز
 توقف داشتند در قریه دهقان که یکی از دعات سمرقند است خبر رسیده بود که چند نفر سوار از
 الواجبتیساری بر سر راه فارس و یزد در قریه اموال زیاد از عابرین و تجار سیرت برده اند
 سیرم عبور نمایند نواب مغزی الیه بعضی استماع پارتوه سواران غلامان اصغمانی که همراه بود
 بگفتن سارقین روانه نمودند غلامان بعد از طی شش هفت فرسخ مسافت بدزدان رسیده بودند
 غروب بود جنگ در پیوستند بعد یک ساعت مجادله نموده دزدان تائب متعاقبت متنازعه و متنازعه
 سر و قد را بجا گذاشته خود را به بالای کوهی که در اینجا بود کشیده در تاریکی شب فراری و متواری
 شدند اموال سر و قد با سه راس بدزدان بدست غلامان مزبور افتاده خدمت نواب
 آوردند نواب مغزی الیه اسبها را بچو غلامان بخشیده اموال را در همانجا سپردند و معترضان
 که بصاحبان اموال که آمدند تسلیم نمایند و بعد از فراغت از امور آن محال نواب مغزی الیه با اصغمان
 معاودت نمودند و عالیجاه میرزا محمد خان تلعک دارباشی خود را با سبسی نفر سوار سینه نظم طرق و سه
 راه فارس روانه نمودند و هم چنین عالیجاه حسنعلی خان یوزباشی که با یکصد پنجاه نفر سواره ابوابی
 از ور بار معدلت مدارهایون نامور توقف اصغمان بود و او را آنجا گردیده پنجاه نفر سواره را
 نیز نامور محافظت طرق و شوارع نموده بجل ناموریت و قراول خانها رفتند) (عالیجاه ابوالفتح خان
 سرمنک فوج سربندی با فوج ابوالجمع خود همه روزه از سه ساعت از روز بالا آمد در میدان نقش جهان
 اصغمان مشغول مشق میباشند و عالیجاه مشا را الیه نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها دارد قراول
 خانههای شهر محول بفرج مزبور است و در حفظ و حراست شهر کمال مراقبت را دارند و مالی انولایت
 رضامندی احسن سلوک و رفتار آنها دارند

۲۲۹۰

اجبار دول خارج

از آنکه در روزنامه جریده احکامات اسلامبول مورخه بناج بیستم ذیحجه نوشته اند در وقوع این
 عمومی از نامورین دول معلومه در پاریس مجلس قونفرانس عقد و تشکیل یافته بود که باقتضای تنظیم
 عمومی از طرف دولت عثمانیه بجهت ملکتین افلاق و بغداد حق نظاماتی که احداث و اجرا میشود قرار
 شد که در ضمن مذاکره دایره تعلیمات مجلسی تشکیل بیاید و درین مجالس برای اتحاد عموم امانی نصیب
 اعضا و اجرائی مقرر گردد و درین خصوص بطلب عمومی در ضمن حسن اجرا سابقا از جانب دولت عثمانیه
 منقحه معلومه نامورین ملکتین فرورلقین شدند و موافق درخواست امانی آنجا در بغداد مجلسی منعقد گردیده از
 امانی آنجا در باب آزادی ملکتین که در عهد نامه مقرر شده بود استمراج گردید امانی ملکتین مسئله آزادی را
 نموده بجهت دولت عثمانیه را کما فی السابق اختیار کردند این مطلب از جانب دولت عثمانیه بدو
 انگلیس و آریه اظهار شده دولتین فرور نیز تصدیق کردند که در صورتیکه امانی ملکتین قبول آزادی نکردند
 باید کماکان در تحت حکومت دولت عثمانیه باشند بعد از آنکه این گزارش بفرای دول فرانسه
 روس و پروس و آریه معین اسلامبول اظهار شده آنها باقتضای بعضی اسباب پشتیبانی
 معنوی به پاره عذر با قبول و تصدیق نموده در زمانی اجرای عهدنامه اول را بر حسب ما ذویت از دول
 خودشان بطرف دولت عثمانیه تبلیغات نمودند و کلای دولت عثمانیه مجالس متعدد تشکیل داده
 درین باب مذاکرات و مابل نموده چون دولتین انگلیس و آریه تصدیق کردند پس افلاق و بغداد
 نموده بودند دیگر جای حرف نبود لکن بر حسب اراده اعلیحضرت سلطان از جانب وزیر دول خارج
 دولت عثمانیه باز کرده رسمیه بفرای فرور جواب داده شده تکلیفات آنها قبول دولت عثمانیه
 نمودید آنها نیز بطرف دولت عثمانیه پروتست نموده بر حسب اذن از دولتهای خودشان روز
 چهارشنبه چهاردهم شهر ذیحجه بفرای فرانسه و پروس و آریه بیرفهای خود را خوا بمانده
 قطع مخاربه با دولت عثمانیه نمودند و روز شنبه سفیر دولت روس نیز بفرای خود را خوا بمانده
 با سفرای فرور موافقت نمود (دیگر نوشته اند که کشتیهای حربیه و تجار تیه دولتین انگلیس و
 فرانسه و سایر دول فوکتان که سمت بندوستان و آن اطراف مبر و ند حسب الموضع از
 امیه گذشته و قطعه فریقا کرده شش نموده بصوبت دمشق بسیار در عرض سه چهار ماه
 بمقصد میرسند و درین صورت باقتضای پولیتیکه دولت و تجارت تاخیر در وصول مقصد
 می یابد بجهت تهلیل و تقریب یافتن دو سال قبل ازین دولت فرانسه که از سحر بگذرد بر آه سویس

۲۲۹۱

سجده نهدی بکنند که گشتی از سحر اسرار با سکنه ریه تردد نماید آنوقت رفتن سفایق دولتی و تجاری
 فرنگستان نسبت هندوستان بسیار نزدیک و آن میشود در باب لوازم اسباب این کار
 از جانب دولت فرانسه بقونول خودش که در اسکندریه بود حکم شده و معرفت شارلیه
 خدی قبل قومپایه در پاریس ترتیب دادند و مقرر بود که جنبی اشخاص از انجمن و فرانسه
 خود را در قومپایه مزبور نوشته و در حفز نهم مزبور شرکت نمایند در این اوقات که خواستند
 نهم مزبور شروع نمایند در مجلس پارلمنت و انجمن شخصی از اعضای مجلس خطا با جناب لار پارلمنت
 دولت مزبور گفتگو کرده است که در کردن این نهم صرفه و تنوع دولت انجمن خواهد بود حال دولت
 انجمن هندوستان از هر دولتی نزدیکتر است و باین جهت با آنجا رابطه تجارت و مناسبتش از هر
 بیشتر است بعد از آنکه این نهم از سحر اسکندریه سحر الاحمر کند شود آنوقت راه انجمن هندوستان
 شرقی از اغلب دول فرنگستان دور تر میشود و گذشته از آن جهت زیادتای حاصل مصر و اسکندریه
 که آنوقت سایر دول و آنجا داخله و مکن یافته آنولایت از تصرف دولت عثمانیه بیرون برود
 درین حال دولت انجمن هیچوجه پولیتیه حاضر خود دست نخواهد یافت سروکیل نیز تصدیق
 این ایراد را نموده از جانب دولت انجمن جواب با لها مخالفت و مخالفت در حفز نهم مزبور داده شده است
 (عزمت علیحضرت امپراطور فرانسه بجهت مذاکره بعضی مواد مهمه بلندن در دوازدهم ماه دسامبر تصدیق
 بود مبنی بر بعضی اسباب تاخیری در عزمت افتاده بواسطه تعارف خبر عزمت ایشان در ۱۳ دسامبر
 رسیده بود) (علیحضرت امپراطور روس که باز توجه خودشان بجهت مذاو اجتماعهای معدنی که
 از آب گرم باشد رفته بودند بموجب روزنامه که بعد رسید بجهت ملاقات با علیحضرت قرائل دولت
 پروسیه از آب گرم سمب برلین پایتخت دولت پروسیه حرکت کرده اند) (سفایق حرمیه
 دولت انجمن که در پیشگاه جزیره ساردینیه تکرار امتیاز اخذ بودند بجهت اسباب معلومه از آنجا
 حرکت کرده بگشتی سازخانه طلون رفته اند و سفیر دولت انجمن تعیم پاریس نیز بجهت ملاقات امیرال
 لایر فرمائید ان کشتیهای مزبور از پاریس سمب طلون حرکت کرده است) (بجهت تاخیر رابطه
 و موالات علیحضرت امپراطور فرانسه ماموری مخصوصا بطرز بوع فرستاده اند که مثال علیحضرت
 امپراطور روس را ترسیم نموده پاریس بیاید که در دایره امپراطوری خود نصب نمایند) (از
 از معتمدین ایتالیا که در لندن اقامت داشتند نظر بقصد علیحضرت امپراطور فرانسه پاریس
 آمده بودند معرفت پاریس و سیکر شده در ضمن تحقیق معلوم شده بود که طبعیت نفر از این اشخاص در
 با هم همشور و هم قسم شده بودند که پاریس آمده علیحضرت امپراطور فرانسه را بگشتند آن نفر اگر رفته
 جنس کردند

۲۲۹۲

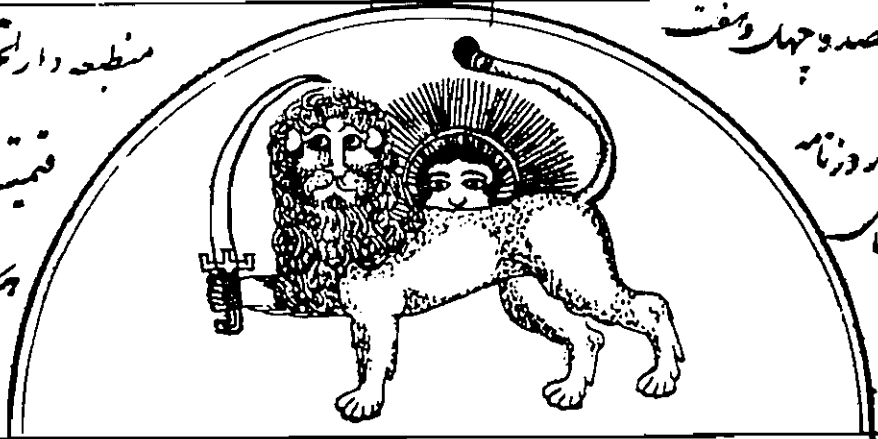
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور مظاہر مطابقت سلیمان

نه بیصد و چهار وقت

منطقه دارتکلا و گلران

قیمت اعلام

هر طرد



قیمت روزنامه
هر نسخه

احبار و ائمه ممالک محروسه پادشاهی

ار دوی هایون

چون فوج خلیج حبشی عالیجاه جانمخدر خان سرمنگ در اوقات امورت عثمان با سرمنگ
 تخریب بعضی از منصفین سورش نموده بودند و بدون اذن و اجازت اولیای دولت علییه
 برکات مستطاب آمده بودند لهذا در روز شنبه ۲۹ شهریور محرم احرام حسب الامر اقدس هایون
 شاهنشاهی عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان صاحب منصبانی که در شهر توقف داشتند کلاً
 در بالای رسم آباد در زیر قصر و عمارت سلطانی نیوران از هر فوجی دولت نفر سر باز و بالابا
 حاضر کرده سر بازان مقصر را حاضر نمودند و هر یک را فر اخور تقصیر و اندازه جرمی که داشتند
 نظامی نمودند و تازیانه زدند در آن روز سه نفر از توپچیان را نیز که در امورت عثمان
 کرده بودند حاضر کرده در حضور کل صاحب منصبان تلبیه نظامی نمودند و در روز یکشنبه غره شهر
 صف مقرب الخاقان ابن لشکر عالیجاه جانمخدر خان سرمنگ فوج نر بور را بحضور مهر ظهور هایون
 مورد القات و عنایت ملوکانه گردید (مقرب الخاقان حسنعلی خان سر تیپ فوج گرویس
 جزال اجودان خاصه حضور مبارک اقدس اعلی که همیشه در خدمات معمره آثار حسن کفایت و صیقل
 ظاهر و باهر نموده این دفعه هم که از جانب سنی ایوان هایون مأمور بغداد شده بود در رسم
 و مراقبت را در انجام خدمت نحو که بجزو بطور و طرز خوب بطور آورده مورد الطاف خدیوانه آمد
 با عظمای پانصد تومان نقد بر رسم انعام قرین افتخار و مبالغات گردید) عالیجاه عنایت و جناب
 مسوولان عبد اللہ بیک باور فوج گرویس بر حسب تصدیق نوابش نزاوده والا بتیاسام استظنه و

۲۲۹۳

حسان و سایر رو و سران قشون ظفر نمون در اوقات تنجیر قلع و غوریان و محاصره شهر هرات
 نمایان کرده علایم خلوص عقیدت و جوهر ذاتی خود را در و ظایف جان نثاری و خدمتگذاری دولت
 علییه تقدیم رسانیده مشمول مراحم شاهانه آمد سابقا با عطا ی نشان مرحمت آیت و شال زرگانه
 برسم خلعت مهر طغی سرافراز گردیده این روزنامه بوقت حسن خالواری کافی برسم مستمری سپرد
 و بسای گشت (نظر بملاحظه خدمتگذاری و صدقت عالیجا به مرتب انحضرة انخافانیه میرزا علی
 و ظهور مرحمت و عنایت لوکانه در باره او در این روزنامه یکتوب جنبه تر برسم خلعت از جانب
 سنی جوانب اقدس ایون شاهنشاهی عالیجا به مشارالیه القای شد که سبب مزین مفاخرت
 و مباحثات او بوده با کمال امیدواری مشغول خدمتگذاری شود (نظر بخدمت عالیجا میرزا
 لشکر نوبس که در روز سان غلام شجاعت و غلام بطور خوب از عهد برآمده بود حسب الامر یکتوب
 جنبه گرانانی برسم خلعت با و مرحمت شد) (جنبه قبل در امانزاده قاسم طفل سیدی
 کادشاخ زده شکم او را دریده بود بطوریکه روزه او مفتوق گردیده عالیشان میرزا رضاقلی دوا
 که سابقا در نزد مرحوم میرزا بابای حکیم باشی بود در اینجا حضور بهم رسانده خواسته بود روزه مفتوق
 بجای خود معاددت دهد بجهت صنیق مجرای جراحت اقلع داشت لهند پوست شکم را که دریده بود
 بیشتر شکافه وسیع نمود و روزه مفتوق را بجای خود گذاشته بعد از آن جراحت را نجیه نموده و تم
 لازمه بکار برده در عرض چند روز طفل مزبور صحت یافت و او را نیز در مرتب انخافان حکیم پولاک حکیم با
 خاصه سرکار اقدس ایون شاهنشاهی برده محل جراحت را دیده و معالجه او را استحضار بهم
 میرزا رضاقلی را درین عمل تصدیق و تحسین نمود که خوب از عهد برآمده است و تصدیق نامه مبرک
 بود و لهند آنچه اشتهار مشارالیه و استحضار سایرین این گذارش در روزنامه نوشته

اعلانات

تقریر تفصیل ذیل اسباب نقره از صنایع خوب ساخته لندن مال کارخانه اعلی فرخنت میشود
 قاشق چای خوری ۱۸ عدد قاشق قهوه و شربت خوری ۸ عدد کار و چکال غیره چند عدد
 اسباب نیز در یک صندوق سفری ساخته خوب ۶۷ عدد اسباب نقره نما ۳۷ عدد کار و چکال
 میوه خوری همه نقره در یک صندوق است ۳۶ عدد شمعدان نقره زوج شمعدان نقره نما در
 شمعدان دستی عدد ادویه دان معشش ششم و یک کلج کیر و غیره ساعت طلا از کارخانه اعلی
 تازه رسیده و نگاه ساعت نقره کارخانه اعلی نگاه یک دست صورت کتی بسیار خوب برای سفر

۲۲۹۲

هم شکل آدم و هم تصویر عمارت و شهر گرفته میشود که او را پو تو کرافیک مینامند یک دست صورتی
 با بروی تکالفتش گرفته میشود که او را دیکر تایپ مینامند هر کس طالب خرید این سیاهها
 باشد و رطلنگ در نزد عالیجاه مانگی صاحب و در شهر در سرای امنیهها نیز دلاستهم ولید
 رفته خریداری نماید **سایر ولایات** (**آذربایجان**)
 از قرائن نوشتجاتی که در بیت و دویم محرم از تبریز نوشته بودند بجهت کمال فراوانی و از
 در آن ولایت حاصل است و هر چیزی و فور دارد خصوصاً غله که روز بروز ترش در منزل است
 و در همه دکا کین جباران نان فراوان است فقر و ضعف که سابقاً عبرت و شفقت نان است
 می آوردند بجهت حصول ارزانی درین اوقات کمال دعا کونی و شکر گذاری را دارند (دیگر
 نوشته بودند که از غره محرم الحرام الی پانزدهم ماه منور در تبریز چند دفعه زلزله شده
 در روز پانزدهم زلزله شدت کرد و ولی خرابی رساند مگر در طسوج شدت کرده در درج
 خرابی کرده بقدریست نفر تلف شدند اما بعد از پانزدهم دیگر زلزله وقوع نیافت امید
 که انشاء الله تعالی از فضل الهی و برکت ائمه اطهار صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین رفع گردند
 و من بعد وقوع نیاید **اصغمان** از قرائن که در روزنامه اصغمان نوشته اند عالیجاه
 حاجی میرزا حسین ممیزی که از جانب اولیای دولت علیه با موبممیزی و باز دید قرائن اصغمان
 بود بلوکات رومشین و بر آن و چی و کراج رفته با نهایت وقت و عوزرسی جمع هر جا را
 نموده بت هر جا را آباد و خراب باز دیده کرده و صورت آنرا بد فر خانه مبارک سپرده و
 امانت و صداقت را در باز دیده و ممیزی قرار منور به عمل آورده بعد از فراغت از امور بلوکات
 منور روانه ممیزی نظر شد و نوات مستطابش بر اوده و الا بتا رحمت الدوله حکمران اصغمان
 مقرر داشتند که عالیجاه مشارالیه بعد از اتمام ممیزی نظر بنجال اردستان برود و اختدانی
 که در امر معنی فیما بین رعایا حاصل شده مرتفع نماید (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل در خایه کفر از
 سجا عوسی بود چند نفر از سنون که با بنجا آمده بودند حلی و زیور خود را بجاریه داده بودند که محفوظ بدارد جا
 اسباب منور را که بعد چهار صد تومان بود در طایقی گذاشته درش اقل نموده بود ضعیفه رقه در آنجا
 اسباب منور را گرفته کرده بود مرتب بر توالت بر اوده سید چند روز دار و غیره حسب حکم جمیع محلات را
 بردش کرده اثری از او نیافتند بعد از چند روز خبر رسید که ضعیفه رقه از شهر سر و ن رفته توالت بر اوده سوز یا طراف
 فرستاده دیکلایکان او را با نیتها بر سر و تیرا گرفتند ولی خود ضعیفه از خاک آلود رفته خود را بر سر نیت

۲۲۹۵

مرو حسد و از قراریکه در روزنامه برود نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده و امیر
احتمالاً دولت حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری که حسب الامر اولیای دولت
مقرر بود از محل توقف حرکت نمایند در واسط و تپچه اسحرام از دزفول باد و فوج کرانی و توپخانه
حرکت نموده در پست هشتم ماه منور بود و وارد بروجرد گردید و بجای که اردوی نواب جلال الدین میرزا
بود تزلزل نمودند و در منازل عرض راه تمام نوشمالان و کوه حذایان دسته بدسته از سلسله
دلفان دسکوند و برونوند هر یک در محل خود لوازم استقبال را بعل آورده مورد التفات
نواب مغزی الیه گردید و معترض شد که بسرا راه باشند تا در توقف بروجرد با موران بخار رسید
شود و بعد از ورود به بروجرد بهر طایفه علیحدگی رسیدگی نمودند و معترض شدند که نواب امیرزاده
جلال الدین میرزا نایب الحکومه لرستان روانه خاوه و اشتر شوند که مالیات طوائف انجاری
حواله و وصول نموده از انجارید به بارجا یون شاهشاهی روانه شوند و نواب حشام الدوله در روز
بهرو بعضی اشخاص را که مصدر افتاد و هرزگی و شرارت شده مقصد دیوان بودند گرفته بنمودند
تا بعد اجرای تنبیه و تادیب آنها بشود و در اوقات توقف در عربستان امور انولاست را از
هر باب و هر مواد انتظام کامل داده حکام و مباشرین انجارید در سر شغل و کارشان مستقل گرد
و نواب امیرزاده امیراسیم میرزا را بحکومت عربستان بفرار نموده و دستور العمل نواب مغزی الیه
داده اند که امور انولاست را بر حسب درخواه منظم در عایار امر فو کمال و آسوده خاطر داشته باشند
(دیگر نوشته اند که فوج ناصریه که مأمور لرستان بودند در سیم ماه محرم با شکوه و آراستگی
وارد شدند و بیک روز توقف کرده نواب حشام الدوله بمیان فوج منور آمده صاحب مضبان و
احاد و افراد آنها را نوازشات نموده در روز پنجم محرم اسحرام با نواب جلال الدین میرزا نایب الحکومه
لرستان حسب الحکم روانه اشتر گردیدند و عالیجاه محمد کاظم خان سمرهنگ فوج منور
از قراریکه نوشته اند فوج بسیار با نظم و قاعده حرکت داده و در منازل بروجرد و
و غیره با کمال معقولیت رفتار نموده و امانی انجارید از حسن سلوک عالیجاه شاه را الیه نهایت
رضامندی داشته اند) (دیگر نوشته اند که فوج زرندی را نواب مستطاب امیرالدین
سان دیده و موافقتشان را تمام و کمال عاید نموده در دوازدهم ماه محرم اسحرام حسب الحکم
مغزی الیه مرخص خانه گردیده روانه اماکن و اطراف خود شدند که در خانه های خود آسوده باشند
تا وقتی که مأمور شوند

۲۲۹۶

۵

قسم از قرار یک در روزنامه قم نوشته اند امور آولایت ازین توجهات اولیای دولت
 قاهره و حسن اہتمامات مقترب انخاقان ذوالفقار خان حاکم قم و ساوہ در کمال اہتمام
 و وفور نعمت و ارزانی حاصل و فضلا و سادات و اعیان و اشرف و رعایا و بریایا اسود
 خاطر و مرقہ اشکال بیکوئی دانت اقدس پہمال شہنشاہی خلد اللہ ملکہ و سلطانہ اشتغال در
 و مقترب انخاقان مشارایہ تمامی اوقات خود را شب و روز مصرف انجام خدمات
 دیوانی و عرض دداد رعایا میدارد و در امور بنیانہا و تعمیرات نہایت اہتمام را بعمل می آورد
 و نیز در نظم شہر و محلات کارگذاران و مباشرین و خطین موجب قدغنہای اکیدہ نہایت
 دارند و از احدی خلاف حساب ناشی و صادر نمیشود و کسی نسبت بدیکری تعدی نمی تواند
 و اگر بدرت سرق یا شہرتی اتفاق بیفتد دزد و سربر دستگیر کردیدہ تہنیت و سیاست
 (دیکر نوشته اند کہ چندی قبل ازین دو نفر عرب قول رباطی تہجد دولت عثمانیہ را در ساوہ
 چند نفر قطع الطریق بریشان ریختہ آنہا را برہنہ کردہ بودند شہر الیہا بدر بار معدلہ از اہل
 عارض شدہ تعلیمہ از جناب شہر فامجد ارفع صدراعظم بحضرت مکتفہ نایب فرانسہ بعدہ مقترب انخاقان
 ذوالفقار خان صادر شدہ بود کہ مال مسروقہ اہلک باید پیدا کردہ بصاحب مال عاید از لہجہ
 حصول آگاہی مقترب انخاقان مشارایہ آدم بمبتساوہ و اطراف فرستادہ در مقام جستجو
 در بین تفحص میکردیان دیکر بس الاغ از اموال مسروقہ در شہر قم در دست دو نفر پیدا
 دیدند آنہا را گرفتہ نزد مقترب انخاقان مشارایہ آوردند و از ان دو نفر تحقیق مراتب شدہ
 معلوم گردید کہ دزدان دہ نفر اسد آبادی بودہ اند و ہمہ بشہر قسم آمدہ بودند بعد از دیکر
 این دو نفر شہر نفر دیکر معقود الاثر شدند چند نفر سوار بطلب آنہا با طرف فرستادہ
 و فی خبری از آنہا معلوم نکردید گویا از بیراہہ بولایت خود رفتہ بودند با سجدہ مادیان و الاغ
 بمحصلہ بنور دادہ قبض از او دریافت و دو نفر سارق را حبس نمودہ سیاہہ اموال مسروقہ و اسامی
 دزدان را از ان دو نفر سارق گرفتہ باسم و رسم بجالیجا خانبا باخان حاکم اسد آباد
 نوشت کہ دزدان و اموال مسروقہ را بشخصہ بچینند گرفتہ بقم بفرستند کہ بعضی اموال دیکر نیز در
 ساوہ برودہ اند از آنہا مطالبہ شود صاحبان مال را با بمحصل دیوان و آدمی از خود سجدہ انجام
 مراتب مسطورہ باسد آباد روانہ نمود کہ بقیہ اموال مسروقہ را با دزدان گرفتہ بیاورند
 ہنوز خبری از آنہا نرسیدہ است

۲۲۹۷

اخبار دول خارجه

بقراریکه در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند بجهت مسایل معلومه چین بقادر روزنامه
می نوشتند که از جانب دولت فرانسه سفاین حربیه بجهت امداد و معاونت دولت انگلیس چین
فرستاده شده است از قرار روزنامه که این اوقات رسید این کیفیت اصلاحت نوشته است بلکه
امپراطور فرانسه هیچ درین خیال نبوده است و مطلقا کشتی جنگی دولت فرانسه با نصحیات گرفته است
(دیکر نوشته اند که در ماه ذیقعد در شهر جنوه ارباب عصبیان دوباره رفع لوای یا بمبگری نمود
شبانه مستحق بعضی بروج را ضبط کرده و ببدنه شهر هجوم آورنده بودند حکومت آنجا خبر دارد
فی الحال عساکر بسیار مقابل آنها فرستاده طرفین محاربه در پیوستند و چند ساعت جنگ طول
از هر دو طرف خیلی کشته و زخمی شدند عاقبت آنها رضعف و قوت در طرف باغبان ظاهر گردیده
متفرق شدند ولی کسی از آنها زنده و سقیم نماند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته
شده بود از مشایخ شعرای فرانسه بر اثره نام فوت شده ائالی پاریس بسیار اظهار
و طال کرده اند و برای مصارف جنازه او از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه خیلی وجه
شده چون متوفای مشایخ ارضحای سلم عهد خود بیکه متقدمین شعرای فرانسه هم بحسب فصاحت و
کمال قدرت رجمان داشت ائالی پاریس خصوصا اعلیحضرت امپراطور از فوت او زیاده طول
مناظر شدند بجهت بقای نام او و آنجمله را که ممکن او بود بحکم اعلیحضرت امپراطور فرانسه با
او موسوم نموده محله بر اثره نام میدند و نیز حکم نمودند که صورت او را رسم کرده در دایره امپراطوری
خود نصب نمایند) (قرال دولت یونان اولادی که بولجیدی خود نصب نماید ندارد و برادرش
که قرال باویر است خود و عیال و اولادش در مذبح کتولیک عیسوی شدند و تغییر مذبح
دادن غیر محتمل است و با قضای قوانین موضوعه یونانستان هر کس بعد از قرال یونان
بقرالتیت یونان بنشیند باید مذبح روم باشد بخصوص این مقدمه برای تکلیف تبدیل مذبح درین
اوقات زوجة قرال یونان از راه وینه عنیت ملاقات برادرش را که قرال قراند و اولاد نیز
نموده که قرال مشایخ مذبح روم را اختیار و بولجیدی قرال یونان برقرار شود) (عمیرت
اعلیحضرت امپراطور فرانسه بلندن در روزنامه های سابقه نوشته شده بود بموجب اخباری
در این اوقات بواسطه سیم تلغراف باسلامبول رسیده است چونکه اعلیحضرت پادشاه
بجهت تبدیل آب و هوامقدما بخل استورغ نام که در جزیره ویط واقع است رفته بود اعلیحضرت امپراطور

۲۲۹۸

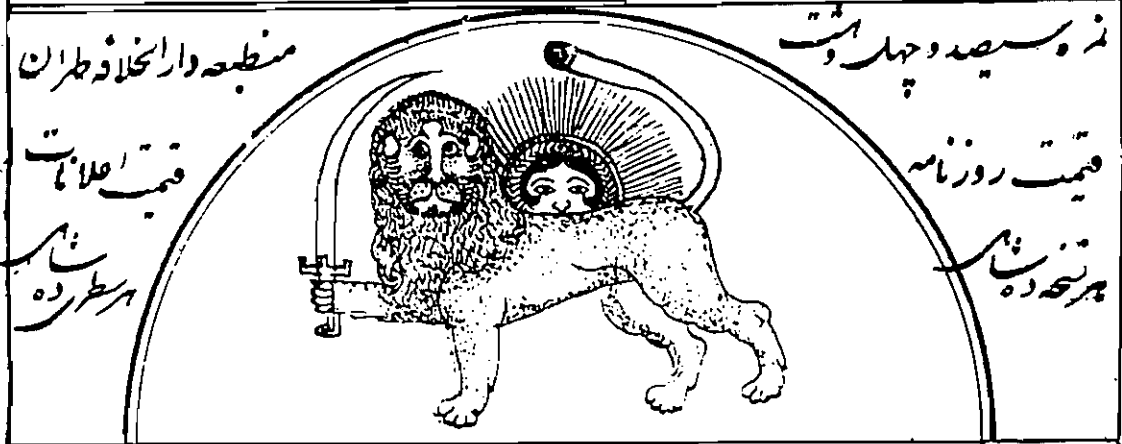
نیز در شهر پنجم محل مزبور رفته در وقتی که سر و کبل دولت انگلیس و وزیر امور خارجه دولت مزبور حضور
داشتند با پادشاه انگلیس ملاقات نموده اند (جناب قونت نسلرود وزیر امور خارجه سابق دولت
روس با صورتی خفیه از جانب دولت مزبور پاریس غیبت کرده بود در این اوقات وارد پاریس
گردیده است) (اعلیحضرت امپراطور روس غیبتشان از آب گرم المانیا نسبت پروس سخته
ملاقات اعلیحضرت فرال پرستیه در روزنامه های سابق نوشته شده بود بموجب روزنامه
که این اوقات رسید در پنجم ماه ذیحجه برلین پای تخت دولت پرستیه وارد شده اند و
تبریک قدم ایشان از جانب فرال دولت پرستیه در هفتم ماه مزبورش با بزی سکین اجرا شده است
(در سخته ملاقات دور باره با اعلیحضرت امپراطور فرانسه در این اوقات فرال ورتنورج بمحل
بیارچ نام که در سواحل فرانسه واقع است غیبت نموده است که از آنجا پاریس برود) (تاکنون
عساکری که از جانب دولت انگلیس در کشتیهای تجاری به بندر هندوستان ارسال می شد بهر غیر
چهل و چهار لیرا که تخمیناً قریب بصد تومان پول این ولایت باشد از جانب دولت انگلیس گرایه بصاحبان
کشتی داده می شد در این اوقات سخته احوال حاضره هند این گرایه ترقی کرده است و بهر نفری پنجاه
لیرا که قریب بصد و چهل تومان باشد رسیده است) (دو فرقه قشون انگلیس که نسبت همین
ارسال شده و در روزنامه سابق نوشته شد که سخته احوال حاضره هند یکفرقه آن قشون نسبت
هند برگرداندند بموجب روزنامه بعد چون احتمال هندوستان غلیظ شد فرقه دیگر آن قشون را نیز
نسبت هندوستان برگرداندند) (در جزایر تپیل که در زیر اداره دولت فنلند است در چند
جزیره بیع و شرای اسرا معمول و مجری است سخته رفع و ازاله آن از جانب دولت مزبور در از دست
فلورین که هفت کرد و پول این ولایت با تخصیص یافته است که به قیمت اسیران داده در دست کشت
اسیر باشد بخزند) (دولت بلجیقا مقدّمات مبنی بر بعضی سیاحت مقتضیات از کثیر قوه سخته خود صرف نظر
نموده بود چنانچه دولت پروس نیز سخته عدم لزوم ساختن کشتی جنگی را موقوف کرده بود سخته
کیفیت در مجلس پارلمنت بلجیقا تاکنون جنبی گفتگو شده در این اوقات با کثرت آرا قرار شده است
که بعد ازین دولت مشرالیه به کثیر قوه سخته خود اقدام نماید) (از جانب حکومت بیان که
جته شرقی چین واقع است تاکنون بفرنگستان و سایر ولایات اصلا سفره با مقرر قرار نموده که
شود در این اوقات فرستادن سفرا و مأمورین به ول فرنگستان و غیره از جانب
حکومت مزبور مقرر گردیده است

۲۲۹۹

در مکتبهای دولتی بطرز بویغ اطفال فقرا و اصناف را داخل میکردند فقط اطفال و کلا و مأمورین
 در آن مکتبها تحصیل می نمودند بجهت تغییر این قاعده سابقاً از جانب مالی استعدا شده بود که اطفال
 فقرا نیز اذن تحصیل در مکتبهای دولتی داشته باشند این استعدا در حضرت امیر اطور سابق روس
 موقع قبول نیافتن بود درین اوقات اعلیحضرت امیر اطور روس درین خصوص قانون قدیم را مبروک
 داشته و اذن عمومی داده اند که اطفال فقرا و اصناف نیز داخل مکتبهای دولتی شده تحصیل علوم
 و فنون نمایند (بجهت آجاره دادن بفقرا و مساکین از جانب اعلیحضرت امیر اطور فرانس سابقاً
 دو باب کار و انرا حکم شده بود که در پارسیس خسته شود در این اوقات آن دو باب با ما می
 و حجرشان بگریه داده شده حجره خالی نماند لهذا مجدداً حکم نمودند که سه باب کار و انرای دیگر باز
 بجهت فترت ساخته شود) (تبرار یک چند دفعه بیان شده بود مقدماً قومپانیه لیکن یافت که از این
 ولایت انگلیس از درون بحر محیط الملئیک تا یکی دینا سیم ملغراف کشیده شود در این اوقات
 اسباب آن از طرف دولت انگلیس و جمهوری سکی دینا فرانس آمده و بجهت وضع سیمها در محل خود
 از جانب جمهوری سکی دینا یک قطعه کشتی با آلات و ادوات این کار با انگلیس ارسال شده و از
 جانب دولت انگلیس نیز چند قطعه کشتی بجهت این کار تخصیص یافته است و نیز سابقاً نوشته بود
 که از اسکندرون برای اسکندریه تا مالطه از جانب دولت انگلیس و از بصره تا مندوستان از
 جانب قومپانیه مندر قرار شده بود که سیم ملغراف کشیده شود و اسباب آن را در لندن
 فرانس می آوردند در این اوقات بعضی از اسباب آن صورت انجام یافته و بجهت وضع سیمها
 از جانب دولت انگلیس با اسکندرون ارسال گردیده است و سواهی اینهم از جانب دولت انگلیس
 بجهت برخوردن بجزیره سچیلیا تا مالطه یک راه ملغراف منقرض شده است که سیم کشیده شود) (بجهت
 در بطرز بویغ از سفاین تجار خارج شخصی با یک کشتیان روسیه بیک سبب جزئی نزاع کرده بود
 و این نزاع رفته رفته کسب غلظت جهات نموده اهل چهل و یک کشتی تجار قی خارجی با کشتیهای تجاری
 روسیه محاربه نموده و از طرفین حتی تلف و مروح شده اند بجهت اجرای محاکمه آنها از جانب دولت
 روس امر توقیف کل کشتیهای تجاری خارجی گردیده است) (شده و پایتخت استریه بالذات
 از بلاد خار است درین حال که در شهر مرموز یاد شدت کرده حتی اطفال تا شیر لوبان از شخصی که در کوه را
 میرفته پنج نفر کبار افتاده و تلف شده چون وقوع این گونه هلاکت در آن ولایت نامسوق بود لهذا
 آن چغ نفر از بجهت تشریح بکتاب طبیعت بردند

۲۳۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ۱۲۷۴



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

در شب دوشنبه ششم ماه صفر المنظر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت قدس بایون
 شاهنشاهی ادام الله سلطنته بود حسب الامر اسباب جشن و تشریف بازی در عمارت سلطانی نیاوران
 در حضور مبارک فرام آورده بودند بعضی از شاهزادگان عظام و سایر خواص و مقربان حضرت
 که در آن سبط سینه شرفیاب حضور بایون بودند شب را بعیس و دمانی گذرانده و زوای
 آن شب که روز عید مولود مسعود بود اعلیحضرت قدس بایون شاهنشاهی صیانت شوکت عنایت
 در عمارت سلطانی نیاوران با سلام عام داد و سفرای دول متحابه مقیمین در آنخلاقه الباهره بقاعده
 مذاوله هر یک در ساعتی معین با اجزای سفارت و با لباس رسمی برای تبریک عید مولود
 مسعود بایون شرفیاب حضور ملوکانه شده مورد تفقدات و عواطف حسروانی گردیدند و تعالی
 اعیان بزرگ انسانی دولت علیه و شاهزادگان عظام و رؤسای نظام و سایر اهل سلام از خواص
 دستوفان و غیره که در اردوی بهایون و سایر سلاطات شمرانات و در دار الخلاقه بودند
 اولاد عمارت نیاوران جناب جلالت تابش شرف امجدار رفع صدر اعظم محترم جمع گشته
 هر یک از خدمت باجلالت استعفیض شدند مراسم عید مبارکی را بجا آورده صرف شربت و
 شیرینی در آن مجلس گردید و از جانب سنی اجوائب سرکار اعلیحضرت قوی شوکت اقدس بایون
 اعلی بقرانیکه در هر یک از اعیان تمامی سال معمول است یکتوب جنبه ترمه خاص مناسبت
 از مجلس مبارک بجناب معظم الیه التفات شده بهان مجلس آوردند جناب معظم الیه لوازم

۲۳۰۱

احترام و اکرام خلعت هایون را از پیشوار و غیره بعل آورده زیب برودش خود نمودند خصا
 مجلس همه مبارکباد گفتند بعد از صرف نهار سلام حضور اقدس هایون اخبار شریف سلام
 شرفیاب گردیده هر یک درجا و مقام خود ایستاده اجرای شکر و توب و در نورک تکرار نمودند
 بعد از آن عالیجا خطیب باشی ادای خطبه طبع بنام نامی اقدس هایون و اختتام بدعا بقای
 عمر و دولت ابد مقرون نموده و عالیجا بمیرزا محمد علیخان شمس الشعرا قصیده عزرا که برشته نظم
 بود معروض پیشگاه هایون داشته مورد تحسین و التفات گردید حضرت اقدس هایون
 شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم را مخاطب بخطبات حمیمه
 فرموده از خوبی هوا و اعیان ولایات و طرق و شوارع و ارزانی و فراوانی فرمایش و فصلی بر
 اظهار رضامندی زیاد ارفع کرد منصوره عموما و از بعضی سران و صاحب مضبان خصوصاً
 فرمودند و تکرار معمول هر سال از جانب جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم و سایر مقرران حضرت
 و دکلاهی حکام و ولایات سجده تبریک عبید سعید تقدیم پیش در حضور هایون شده موقع قبول
 و استحسان یافته سلام عام منقضی گردید (از اتفاقات حسنه در همان سلام عبید معروض عالیجا
 مبارک گردید که عمده الامراء العظام مقرب الخاقان جعفر فلجان المغانی پیکر سکی استرآباد که از
 رکاب مبارک مرخص و روانه استرآباد شده بودند چون برای تأمین طرق و شوارع تمهید طوما
 ترکمان را در نظر داشته با فوج و سواری که مسرا داشت بانضمام سواره ایل شادلو بعد از
 فرسخ راه بطور ایفکار رفته خود را با او بی جعفر نامی که مصدر شرارت و هرزگی بودند میرسانند
 بعضی وزو و جمیع آن خانوار را را بعضی نهب و غارت در آورده بعد از شصت نفر اسیر و دو
 نیره سر با غنیمت فراوان گرفته بر میگردد و منتهای جلالت و رشادت را بعل آورده اند
 (نظر بطهور کفالت و کفایت امیر الامراء العظام محمد ناصر خان ایشیک قاسی باشی در نظم و
 سلام در روز عبید سعید مولود و کتب و جبهه ترمه مخصوصی بر رسم خلعت در حق او مرحمت و عنایت
 گردید) (چون نواب مستطاب هزاره و الاستب ختمشام الدوله خاند میرزا حکمران
 عربستان و لرستان و بروجرد و نخب تباری سواره اوقات در انجام خطات و خط
 دیوانی و نظم ولایات و سرحدات ابویحیی خود و وصول و ایصال مالیات خاطر اقدس هایون
 شاهنشاهی و امنای دولت علیه را قرین رضامندی و خرسندی داشته مستوجب قبول
 مرحمت ملوکانه آمد لهذا محض ظهور عنایت خسروانی در این اوقات کعبه کل که متکفل با ناسر

۲۳۰۲

یکتوب کلبه ترمه از لبوس بن مبارک از جانب سنی اجواب تالیون در حق نواب مغزی
 التفات و مصحوب مقرت انخافان میرزا ربیع مستوفی دیوان اعلی الفادشه و همچنین
 نظر خدمات نواب ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان که در نظم ولایت و انجام خدمات
 مرجوعه خود بعمل آورده و مراتب مراقبت و اهتمام او در انجام مهمات دیوانی نواب بنام
 احتشام الدوله اظهار رضامندی نموده بودند از جانب سنی اجواب ملوکانه یکتوب جنبه
 مرحمت و ذمان مهرلعان سنی بر ظهور مرحسم خاطر تالیون در باره او شرف صدور یافت
 ارسال گردید و همچنین عالیجاه محبت و بخت استسماه میرزا ابوالکلام بیگار بر وجود و
 لرستان و عربستان که در امور محاسبات و معاملات ولایت و انجام مهمات مرجوعه
 آثار کفایت و کمالات و محاسن صداقت و خدمتگذاری ظهور رسانده بود و سر او را التعمان
 آمد یکتوب جنبه ترمه ارض نمود و قحاره مبارکه خلعت با و مرحمت گردید (چون عالیجاه
 حاجی جابر خان در خدمتگذاری این دولت جاوید نیسان بر کل مشایخ اعراب صفی است
 چپ و ان سامان سبقت گرفتن و با کمال خلوص عقیدت و حسن ارادت خود و در
 در خدمات مرجوعه و امور محوله پیش از امثال و اقوان سعی و اهتمام داشته اند لهذا خدمات
 مشا را الیه قبول و مستحق خاطر اقدس تالیون شایسته و امنای دولت علیه اقدوده در
 اوقات منصب علیل میرنجکی سر او را و باضافه با نقد تومان مواجب مباحی گردید خلعت
 مهر طلعت تالیون در حق او مرحمت گشته ارسال شد) (چون مراتب کفایت و رسالتی
 و صداقت مقرت انخافان میرزا ربیع مستوفی در محاسبات دیوانی ملحوظ و مشهود خاطر
 اقدس تالیون شایسته و اولیای دولت علیه گردید لهذا محض مرحمت یکتوب جنبه ترمه
 حق او بر رسم خلعت از جانب سنی اجواب ملوکانه غایت سایر ولایات
 اذربایجان بقرا یکله از دار السلطنه تبریز نوشته اند در کشته زلزله ای فی ذری و متعدد در انخافان
 افتاده ولی خرابی بهم رسانده بود چون بعضی زمینچشم حکم زلزله در او اخر محترم و او ایل صفر که مقارن کسوف
 باشد کرده بودند اما لی بهر از وقوع زلزله در ماه قبل حکم منجین زیاد متوجه شده اکثری چند در بیانات
 و در بر و نهما سیر برده بودند ولی بقرا یکله از منضم ماه صفر کاسید نوشته بودند که از تفصیلات حضرت سجانی
 بعد از کسوف دیگر زلزله اتفاق نیفتاده توشی که مردم ازین بگذر دستند رفع گردید آنها که سر و ن
 بودند بشهر مراجعت کرده هر کس بطن و کار خود مشغول و بدعی دولت قومی کنت اقدام دار

۲۳۰۳

کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند امور ایالات از حسن مراقبت نواب مستطاب
 شاهزاده آخند و الایب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان قرین انتظام و انضباط است و در انجام
 خدمات و جهات دیوانی و عرایض رعایا و برابری رسیدگی کامل مینمایند و رعایا و برابری بحال
 بدعای دوام دولت و شوکت ابد انصاف اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که در ایام عاشورا
 بقدرسی گیمه تجبه تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحته و الشنا در کرمانشاهان بسته
 شده و عموم اهل ایالات بلوازم تعزیه داری قیام و اقدام داشتند نواب عمادالدوله بجهت حصول
 دعا کونی وجود فانی وجودها یون شاهشاهی ایام و دیالی عاشورا را اطعام فقرا و مساکین نمودند و
 مخصوصاً شب عاشورا یکصد تومان مصارف تکایا دادند و در حسیب تکایا بعد از قضای تعزیه
 صدای دعای وجود مبارک شاهشاهی و از یاد دولت و شوکت مصون از تنهای بلند میباشند
) (دیگر نوشته اند که نواب عمادالدوله فوج ملک نیازخان سرمنگ کردند و ایدارالدوله کرمانشاهان
 خواسته عالیجاه امیرزاعلی اکبر لشکر نویسی و میرزا محمدخان غلام شیخ متسان آنها را بقت
 دیدند و هر روزه در پیرون دروازه مشغول مشق میباشند و از جانب معلم و صاحب مضبان
 نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بعمل می آید فوج رنگه که فوادل شهر و روزها مشغول مشق
 بودند بعد از ورود فوج کردند حسب الحکم نواب شاهزاده عمادالدوله مرضی گردیده با بکن
 و اوطان خود رفتند و بجهت فوادل در ب خانه دو دسته از فوج مقرب انخافان اسدالدوله
 سر تیب شهر آمده بخدمت فوادلی معین گردیدند) (دیگر نوشته اند که جناب آقا سید احمد
 دکه که مدت بکجا بود در دارالدوله کرمانشاهان توقف داشت در بیت و بچشم محرم الحرام نواب
 عمادالدوله او را مرضی نمودند که رفته سواره ناسخی ابو کجی خود را حاضر کرده آورده در کرمانشاهان
 سان به مدت بخدمتی که مأمور شوند اقدام نمایند و هم چنین مقرب انخافان اسدالدوله سر تیب
 مدت بکجا در دارالدوله توقف بود در بیت و یکم ماه محرم حسب الحکم نواب عمادالدوله مأمور
 زتاب کردید که مراقبت عبور و مرور در و قوافل را نموده در حفظ و حراست طرق دشوار ان
 سرحد لازمه اهتمام را بعمل می آورد) (دیگر تعبیر اجناس دارالدوله کرمانشاهان را از قرار یک
 نوشته اند که مخرج داری شست نیز در دینار و جوهر داری پنجهار دینار و نمان یکین و شاهنیم
 در دین یکین و در بال و کورث یکین بنصرد دینار و سرنج یکین ده شاهنیم و بر اجناس نیز باین منظره است

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت قاهره امیر
الولایت قرین انتظام کامل و کمال امانت و آسودگی برای رعایا و برابری از هر جهت حاصل
هرگونه نعمت نهایت و فوز را دارد و تعیر اجناس ناکولات و غیره را از قراریکه نوشته اند
کندم کنج و اربو قمر مازندان شش هزار دینار جو یکج و ارب چهار هزار و دویست ششای شش و یکج و
شش هزار و دویست و بیست و پنج سه من تبریر یک هزار دینار گوشت یک من و عباسی نان یکین دیشای
روغن یکین چهار هزار و دویست ششای شکر یکین هزار دینار بر شش یکین شش تومان سایر اجناس نیز با
منظومه معاست اگر چه نسبت بسواست ای بعضی اجناس تجریم رسانده است ولی دوز
دارد) (دیگر نوشته اند در باب تعمیر خیابان که حسب الامر اولیای دولت علیه معترض شده بود
که ساخته و تعمیر شود که عابری در مشقت و صعوبت نباشند معرب انخافان محمد حسن خان
وزیر و در چهار دهم ماه محرم احرام با اتفاق عالیجان حاجی مصطفی خان و میرزا مسیح غنیمت
مجال سواد که نموده همه آن راه را ملاحظه و رسیدگی کرده بود و آن هر محل قدغن نمود که هر کس
سامان و رسد خود را تعمیر نماید و آدم کاشت که اهتمام نموده بزودی و استحکام با تمام رسانند
و هم چنین در باب انتظام کارخانه شکر ریزی از جانب نواب کامیاب پسرده و الالباب لطف
حکمران مازندران و معرب انخافان محمد حسن خان وزیر کمال مراقبت و اهتمام بعمل می آید و
یعقوب باشکر کارخانه مزبور را آنچه بایحتاج و لوازم کارخانه که اتفاق می افتد بعض اظهار مدار
و انجام داده و بسجوه او را معطل ننیکند ازند و کارخانه مزبور خوب دایر شده و عملیات انجام
همیشه در کارند و قسم چنین کار و انشای شاهی که بسبب بی عتستانی حکام سلف خراب
و بد و غیر مسکون و بایر شده از کار افتاده بود و معرب انخافان محمد حسن خان و تعمیر و
ابادی آن لازمه است تمام را بعمل آورده در این اوقات چند مجرّه آن تمام گردیده و سرفال پخته
شده سایر حجرات دیگر آنهم قریب با تمام است و این روزها در کمال استحکام با انجام و
اتمام رسیده دایر خواهد گردید) (دیگر نوشته اند که امسال محرم را در ساری تبر از
سالهای دیگر آیام عاشوراء لوازم تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحیه و الثنار عمل
آورند و بجهت حصول دعا کوئی ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان الطعام
فقرو ما کین وقت تعزیه داران از جانب نواب و اربو عمل آید

۲۳۰۵

تبریز

کتابخانه

اخبار دول خارجه

عزیزت علیحضرت امپراطور فرانس با زوج خود بخبریزه و بطبعه طاقت علیحضرت پادشاه انگلیس
روزنامه های سابق نوشته شده بود بموجب روزنامه که در ششم محرم نوشته بودند در شانزدهم
ماه دیحج سوای آن کشتی که علیحضرت امپراطور سوار بودند یک کشتی دیگر نیز در معیت ایشان وارد خبریزه
مربو کردیدند از جانب علیحضرت پادشاه انگلیس لوازم استقبالیه بعمل آمده بمقت قطره کشتی
استقبال فرستاده و تحفه احترام علیحضرت امپراطور فرانس صد و یک تبر توشه شکر کرد
و از لنگرگاه استقبال نموده اثب مخصوصه حاجتی سفین که دهانی بال مینامند نمودند و عزیمت
امپراطور فرانس محض استحکام مبانی محاربت و دوستی با ملکه انگلیس است بموجب روزنامه
دیگر که نوشته بودند علیحضرت امپراطور مفت روز در خبریزه مربو بود وقت نموده بعد از آن بمرا
پاریس کرده اند و نیز نوشته اند که علیحضرت امپراطور فرانس علیحضرت پادشاه انگلیس را
باشوهرش پرنس البرط پاریس دعوت کرده اند و تحفه احترام ملکه در نزدیکی پاریس در محل لاون
از عمارت موجوده فرانس پنجاه هزار قشون جمع کرده جرای تعلیمات و شلیک خواهند نمود و علیحضرت
ملکه نیز دعوت ایشان را قبول کرده پاریس خواهند رفت (دیگر بموجب خبری که از سیم
تعارف با سلامبول رسیده بوده است جناب لار دپارلمنتن صدر اعظم دولت انگلیس
سبب ملاقات علیحضرت امپراطور فرانس با پادشاه انگلیس را و اینکه مابین دولتین باعث
تأمین مبانی و داده و مخارفت است بیان نموده ولی افادات و تلغفات واقعه هنوز معلوم
(دولت اسپانیول قشون دائمی که در زیر سلاح حرب وارد شد و هزار است تخته اختلال
که در آن ولایت روی داده و در روزنامه ها نوشته شد این اوقات اراده کرده است که چهل
هزار قشون دیگر علاوه نماید که کلاً یکصد و بیست هزار قشون همیشه در زیر سلاح حرب باشد) (دولت
انگلیس که موجوده خود در بعضی بچین و بعضی هندوستان و بعضی برتس امید و محال سایر
فرستاده اند و سخته شدت اختلال هند و چین باز هم قشون باخجا فرستادن از جمله فرانس
و بجای آنها گرفتن قشون جدید در خود ولایت انگلیس لازم است لهذا بجای عساکری که بند
شده مشاد هزار قشون ملتی منظور شده است که گرفته شود از جانب وکلای انگلیس در مجلس بار
اظهار این مطلب شده و بعد از قیل و قال بسیار بنا بر اکثریت آراء در گرفتن این قشون جدید
موافقت گردیده است) (این اوقات فرانس با دینیه سخته تصحیح نظامات مملکتیست حال زیر حکومت خود عزم کرده

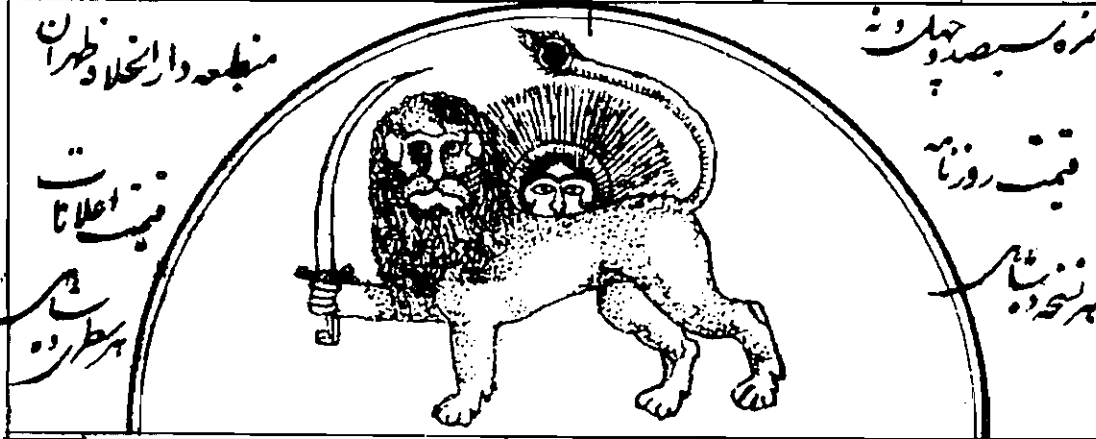
۲۳۰۶

االی چین مهارت و در ایشان در هر چیز مستلم است ولی در شمال توپ و تفنگ مستهوجان بود
 که ربط و مهارت کامل ندارند در این اوقات از فرار تجرات رستیه قوماندهان کشتیهای جنگی
 دولت انگلیس در چین درین فن نیز مهارت کامل کسب کرده اند اگر چه توپشان قرار
 نشان و منزل و میدان ندارد ولی هر وقت که کشتیهای جنگی انگلیس نزدیک کشتی می شود
 باران کلوله بکشتیها می پخشند (در این اوقات بموجب اعلانی که از جانب وکالت عمومی
 فرانس نشر شده است بیشتر کارخانهای روزنامه روز بروز و بعضی بنقه بهنقه و بعضی ده روز
 به روز روزنامه میزنند و مجموع این روزنامهها بیکبار و نود و هفت نسخه رسیده است و این
 روزنامهها در هزار وسی و هفت کارخانه الطباع می یابند (ممالک سودان سخته اینکه هر طرف
 منبع تجارت و منفعت است با ممالک منوره تجارت و با االی آنجا آبرزش نمودن است که
 منظور دولت انگلیس است و سخته از قوه بفعال آوردن این کار تاکنون از جانب دولت انگلیس
 از راه طرابلس عرب و مصر و فاس و تونس با آنجا چند دفعه مأمورین متعدد فرستاده شده
 حتی یک دفعه سخته حکمدار سودان بعضی بدایای لغیه مصحوب یک سفیری که بیت و خجف همراه داشت
 فرستاده شده چون آنجا وسط قطعه افریقیه است زیاده از حد بلکه مدیحه که تحمل نمیتوان کرد
 گراشتت دارد این مأمورین که با آنجا بدفاهت رفته اند اکثرشان در آنجا تلف شده اند از
 پنجاه نفر یکتیم اگر معاودت کرده باشند نظر بانحال در آنجا توسیع دایره تجارت دادن
 از برای االی فرنگستان از چیز امکان بیرون است و تجارت با آنولایت معوق مانده
 در این اوقات فکر کردند از نهری که از میان سودان میگذرد و به بحر محیط اهلنبتیک میریزد
 کشتی با آنولایت فرستادن سهلتر و سخته خواهد بود سخته این کار مخصوصاً یک کشتی بخار کوچک ساخته
 و چون پنجاه نفر در آن کشتی گذاشته با آنولایت فرستادند در این اوقات کشتی منور معاودت
 کرده در مدت دولت و بیت و پنچاعت از انگلیس آنجا رفته است و تردد ازین نهر را راههای
 دیگر فرسخ فرسخ تفاوت دارد و سهلتر عبور و مرور میشود و نیز آنطور که از ان راهها از پنجاه نفر یکتیم
 بر می کشت اشخاصی که ازین نهر رفته اند تاکنون نصفشان از فرار خبری که بقعودان کشتیها رسیده است
 تلف شده اند در حال از جانب دولت انگلیس دو قطعه کشتی بخار دیگر حکم شد ساخته شود سخته
 نهر منور و برای تحقیق و تعقیب احوال سودان بعضی مأمورین از دولت انگلیس فرار شده است که
 در کشتیهای منور با آنولایت بودند

در این اوقات یک کشتی تجارتی فرانسه از ازمیر سبت مارسیلیا حرکت کرده بود در اثنای
راه در فراخای ماطه از دور سیاهی در روی آب دید بود کشتی را با نظر فربده دیده بود زود
غرق شده و شخصی خود را بان کوشه زورق که از آب بیرون است سبت است فی الحال
زورقی پانین آورده و مشارالیه را کثوده بگشتی در آوردند بعد از آنکه بحال و شعور آمد از او تحقیق
نمودند معلوم شد که مشارالیه با سه برادر خود بجهت ماهی گیری زورق سوار شده از ماطه
بفراخای دریا رفته بودند درین بین دریا طوفانی شده زورق را بموجهای پی در پی گرفته با
کرده بود و مشارالیه هر طور بوده است خود را بکوشه زورق سبت سلامت مانده بود و برادرانش
غرق شده بودند بیکله او را بناظر فرستادند در وقتی که عیال او سیاه پوش شده تقریباً
داشتند وارد خانه خود کردند (در شهر وارثه که در استان واقع و در زیر حکومت دولت
روس است) که در آن مکتب طبیئه آنجا مبنی بر بعضی اسباب متفرق شده بودند و از انوقت
تا حال چند سال است که تعطیل شده و دایریت در این اوقات بر حسب استدعای امالی آنجا
اعلیحضرت امپراطور روس حکم کرده است که مکتب طبیئه آنجا مفتوح و دایر شود (بجهت ترفیحه حال
سباحان چنانچه اعلیحضرت امپراطور فرانس سابقاً حکم کرده بود که چند چاه بدر منازل و طرق
صحرا بکنند که عابرین از آب تنگستی نکشند در این اوقات نیز در سمت جزایر در بعضی صحرا
چول حکم کرده اند که بیت و چهار چاه دیگر حفز نمایند) در این اوقات یک نوع نعل بجهت اسب
غیره در لندن اختراع کرده اند که منج ندارد و مثل کفش قاطبانه پای اسب را فرو میکشد بجهت آنکه
نخسات آن را مانده کرده اند در این اوقات در لندن از نعلهای سابق که به اسب و قاطر
و غیره می بستند بکلی صرف نظر کرده و این نعلهای تازه را متداول نموده اند) در ایلول آینده
اعلیحضرت امپراطور روس در ضمن تداوی سکا همای آب گرم المانیا که در محل دیانام واقع است
عزیمت کرده اند و محل مذکور چون بجد و دهنه نزدیک است بجهت ملاقات با اعلیحضرت امپراطور
روس اعلیحضرت امپراطور فرانس نیز عزیمتشان بان محل تقصیم یافته است) در این اوقات
از جانب طاقان چین اعلان نامه نشر شده است باین مضمون که چون عساکر انگلیس که در
چین عرب می نمایند نظر بجا کر موجوده چین از قبیل خرنیات می باشند لهذا از سایر
چین قشون باین جنگ خواسته نمی شود فقط همان قشون ایالت کانتان کفایت جنگ

با انگلیس را می کند

روزنامه و قایق اتقاویہ سیاحتی پویم خوشبخت روز دهم شهر مظاہر نظامی استیلان



اجبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روزنامه ۲۲ شه ذیحجه الحرام نمره ۱۴۳۱ تفصیلی کیفیت و لیعمدی نوزده و عفت و شیرازی
 و نوزده یقه خلافت و تاجداری نواب اشرف ارفع و الا امیر کبیر با اقسام امیر نظام و ام قبا
 نکار شس یافته بود چون روز نوبت و لیعمدی تعیین شده بود در روزنامه مزبور و بعد داده
 شده بود که بعد از تعیین روز مراتب باز مجددا در ضمن روزنامه بکافه ناس از نوکر و غیر نوکر
 اعلام شود لهذا نگاشته میشود که روز ۱۴ شهر ربیع الاول بعبادت و فرخندگی اجرای این مهم
 جلیل خواهد شد و مجلس عیش و جشن بزرگ در روز مزبور در شهر خواهد آمد سفرای دول متجا معین
 دربار دولت علیه و اجله جاگران دربارها یونعموما حضور بهم خواهند رسانید و عیش و شادمانی
 اشتغال خواهند در زید پس از حکام مالک محروسه و جاگران عقبه علیه اشخاصی که امکان
 حضور در دارالخلافه را نداشته باشند روز مزبور را اجرای رسوم عیش و عشرت در محل حکومت
 خود خواهند شد (چون در این اوقات هوای دارالخلافه طهران بسیار خوش شده و با تعدال
 آمده و یلاقات شمیران نیز درین روزها که میزان داخل کرده و هوای آنجا ناسروده است
 زیاد و مطلوب بنود لند اسر کار اقدس همایون شاهشاهی خداوند مطلق و سلطان در روز دوشنبه ۱۶
 این ماه از ییلاق نیاداران بفرمیت دارالخلافه حرکت فرمودند جناب اشرف ارفع محترم صدراعظم
 و سایر خواص و مقربان حضرت کردون ببطت سینه نیز در موکب همایون بودند افواج قاهر
 نظام متوقف دارالخلافه مبارکه از زیر قصر قاجار الی بالای نگارستان که معبر موکب فیروزی

۲۳۰۹

گو کب بود صف نظامی کشیده شرفیاب حضور مهر ظهور خسروانی گردیدند نواب کامیاب شایسته هرزه
 والا تبار محمد تقی میرزا حکم ان دار الخلفه طهران دسیر جا کران دکا رکذاران وصاحب مضبان
 متوقف دار الخلفه مبارکه باستقبال شتافه شرفیابی حاصل نمودند و موکب هایون پنجت عمت
 از روز بالا آمد به بالسوکه والاقبال در باغ نکارستان نزول اجلال فرمودند و تقدیم قربانها
 وغیره لعل آمد و چون عمارات مبارکه ارک را تعمیر می نمایند چند روزی در باغ نکارستان تصرف
 خواهند داشت تا عمارات مبارکه ارک زیب و این یافته در ساعت سعد وارد ارک مبارکه سلطانی
 شوند (بعد از آنکه رای رفت برای اولیای دولت علیه بر احضار جناب نبالت مسرا اقا
 میرزا ششم از کرمانشاهان به دار الخلفه الباهره قرار گرفت لازم بود برای مزید افتخار و امیدواری
 او از الطاف خاطر اقدس هایون طوکانه اقامه دلیلی بشود و برابر است تشکر و امتنان مغزی الیه
 بفرماید لهذا در جامه خاص خسروانی کیشوب حبه ترمه کشمیری اعلا برسم خلعت آقا طلعت
 مغزی الیه جمت شد و متخلفا شرفیاب حضور محنت ظهور سرکار اعلیحضرت اقدس هایون
 شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه کشته مورد نوازش و عواطف ضد بوانه گردید) (در روزنامه
 سابق نوشته شده بود که مقرب انخاقان سیوجان داود خان سیرتپ مترجم اول دولت
 علیه از جانب سنی الجوانب هایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دامت شوکته مأمور تغلیس نزد
 جناب جلالت نواب جانشین مملکت قفقاز است در روز جمعه ششم شهر صفر المنظر از پنجاه مرتبه
 دستگاه هایون اقدس اعلی مرضی گرفته مجل مأموریت خود روایه کشته) (و هم چنین سابقا در
 روزنامه نگاشته شده بود که مقرب انخاقان میرزا حسین خان کارپرداز اول و مخصوص دولت
 علیه مقیم تغلیس برای سرکشی امور خانگی خود موقفا به دار الخلفه الباهره احضار شده بود این روزها در
 حاصل کرده اولیای دولت علیه اجازت رحمت دادند که روز مجل مأموریت شود لهذا در حضور
 عنایت ظهور سرکار اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه مرضی گرفته در روز ششم
 شهر صفر المنظر عازم مقرر مأموریت خود گردید) (چون نواب مستطاب شایسته هرزه محترم والا تبار
 اردشیر میرزا در انتظام امور مملکت اذربایجان و تنفیذ احکام دیوان و تحصیل موقوفات اقیبت و آبسودگی
 رعیت خدمات نمایان کرده بود از جانب سنی الجوانب هایون باعطای کیشوب قبا از طوکانه
 بدن مبارک سرفراز گردیدند) (چون مؤتمن السلطان مقرب انخاقان وزیر نظام در انتظام ممالک
 مملکت اذربایجان خاصه در رفع احتلال و انقلاب ایجاد در ایام کرانی غله برای ترفیه حال سکان انجاها

۲۳۱۰

کافی کرده از ولایات بعید غله بآنجا آورده و خدمات نمایان کرده بود از جانب سنی بجانب سنی احوال
 با عطای یکقطه شان مثال بمثال هایون سرفراز کردید (دین عالیجاه مقرب الخاقان
 میرزا مصطفی قلی مستوفی رئیس محاسبات ازربایجان در وصول و ایصال بقایا و تنقیح محاسبات
 اهتمامات کافی بعمل آورده بود خدمات او در خاکپای هایون مقبول افتاده یکتوب جبه ترمه شریف
 مرحمت شد) (امیر الامراء العظام مقرب الخاقان علام حسین خان سپهدار حکمران کرمان که در انتظام
 عوام مملکتی و انجام خدمات دولتی و تنقیح احکام دیوانی مساعی مشکوره مرعی داشته خدمات شایسته
 کرده بود مواری یک قطه شان بمثال مهر مثال هایون برای مزید امیدواری و افتخار او از جانب
 سنی احوال قدس طوکانه مرحمت شد) (چون عالیجاه مقرب الحضره العلیه میرزا محمد مستوفی وزیر
 کرمان در تنقیح محاسبات و وصول و ایصال مالیات و بقایای سنواتی خدمات نمایان کرده بود
 یکتوب جبه ترمه شریف او مرحمت شد) (چون عالیجاه مقرب الخاقان یوسف خان سپهدار
 حاکم یزد و میرزا شفیع مستوفی وزیر یزد در نظم ولایت و وصول و ایصال مالیات تقدیم خدمات
 شایسته کرده بودند لهذا از جانب سنی احوال اقدس هایون یکتوب قبا از طلبوس تن مبارک در حق
 مقرب الخاقان محمد یوسف خان و یکتوب جبه ترمه در وجه عالیجاه میرزا شیخ برسم خلعت مرحمت
 چون عالیجاه مقرب الحضره العلیه میرزا زکی مستوفی وزیر اصفهان در تنقیح محاسبات و وصول
 مالیات و بقایای سنواتی اصفهان تقدیم خدمات شایسته کرده علاوه بر آن قریه کوسک که از
 دولت محسب اصفهان بود مدتی خراب و مسلوب المنفعه افتاده بود فنوات آنجا را تعمیر نموده بکلیه آبادی
 در آورده بود خدمات او در خاکپای مبارک مقبول افتاده یکتوب جبه ترمه با افتخار او مرحمت کردید امور
 قشونی چون این روزها بسیار خوشه کمالی نظام حسب الامر از توپچی و زنبورکی سواره
 نظام و افواج قاهره همه روزه در میدان مشق خارج شهر مشغول مشق نظامی میباشند و عموم صاحبان
 در تعلیم قواعد نظامی کمال مراقبت را دارند) (عالیجاه جامنجه خان سرسنگ فوج خلج ساده که هنوز
 کرمات شاهان و از انجاء مورعستان بود در این اوقات که بدر بار هایون احضار گردیده و
 شرفیات حضور مهر ظهور اقدس هایون شایسته کردید نظر بخدمات مشارالیه در اموریت
 کرمات شاهان و عرستان که مقبول و مستحسن خاطر مبرکار آه سس شهر باری دامای دولت علییه
 افتاده بود یک طاقه شال با خلعت مرحمت کردید

سایر ولایات

حضرت از قراریکه در روزنامه حضرت نوشته اند در شب جمعه شهر صفر المنظر که شب عید مولود
 مسعود اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی بود کاکین و بازار ماراحب بحکم مقترب الخاقان چراغی
 حاکم خمس این بندی و چراغان کرده بلوارم جشن و سرور پرده خند و فریاد آن شب که روز عید مولود
 بایون بود مقترب الخاقان مشارالیه در دیوانخانه انجمن مجلس عبدالقادر داد علم و فضلا و اعیان و
 اشرف شهر و محلات خمس حضور بهم رسانده بعد از اجرای شیک توب ادا می خطبه بنام اقدس بایون
 و احتتام بدعای تعالی سه و دوازده دولت و شوکت ابد مقرون گردیده حضار مجلس صرف شربت
 و شیرینی نموده لوازم تهیئت و مبارکباد عید مولود مسعود را بعل آوردند و این جشن و سرور شبانه روز
 امتداد داشت شبها هم بازار چراغان بود و مقترب الخاقان مشارالیه خود در بازار ماراگردش کرده
 و درین شب همه فضیلهای عظام و علمای اعلام و سادات کرام و اعیان و اشرف در پیش سفیدان
 اصناف و غیره مجلس صیافت دعوت شدند و نیز روزها را مخصوصا بجهت حصول دعای خیر و سلامتی
 وجود فالین ایچو و بایون جمع فقره وضع را جمع کرده اطعام و بکنه م و آرد و لباس سعادت نموده لوازم
 جشن و شادمانی عید سعید مولود را از هرجهت بطور شایسته تقدیم نمود (دیگر نوشته اند که بجهت رفاه
 حال عابرین و متردین و حصول دعا کونی در سر نهر زرخان رود در قریه نیما در مقترب الخاقان
 پیش حکم مضبوطی بنا کرده بود در این روزها عالیجاه میرزا ولینجان نایب الحکومه بجهت اتمام کارین مریز
 با بنجارفته چند روز در آنجا توقف نموده و اتمام کرده پیش را در کمال خوبی و استحکام با تمام رسانده بر
 نمود و بالنصل روز و قوافل از آنجا با کمال آسودگی عبور و مرور می نمایند و این را بگذر کمال آسودگی و بیکر
 گذاری برادارند) (دیگر نوشته اند که سر بازی فزاری از خراسان بیکلان رفته بنگری یا کب تقدیر
 بیت تومان پول پیدا کرده بود وقت مراجعت آمده در یکی از دماست خمس منزل کرده و مسکن نمود
 در میان کهنه لحاف صاحب منزل بجا گذاشته فراموش کرده بود بعد که نتواند خود را مضقود دیده
 نه ایستاده بود که در کجا گذاشته است وارد زرخان شده و مقترب الخاقان چراغی انهار داشته
 بود که در فلان قریه بیت تومان پول بر اگر مقترب الخاقان مشارالیه محتلی شخص نمود که رفته حضار
 را بیاورد و قبل از ورود محصل با بنجاره صاحب خانه رفته لحاف را حرکت داده بود دیده بود سینه
 از میان لحاف پرده افتاد پول را برشته با اتفاق شوهرش نزد مقترب الخاقان مشارالیه آورد
 پول را بر بار مریز تسلیم نمود ولی چون مریز داری خراسان بود او را با اتفاق آدمی از خود روانه نمود
 که برده بدست یا در فوج گردس بسیار

۲۳۱۲

۱۰۰

اخبار دول خارجی

سابقاً نوشته شد بود که اعلیحضرت امیر اطور شیرجه بجهت اطلاع احوال دختیه مالک خود چنانکه ایالات
 لو مبار دیا ووند یک فرستند غنمت مجارستان را بر تقسیم داده بود و در آشنای راه خبر فرست
 دخترشان رسید از مجارستان صرف نظر نموده بویسه معاودت کردند اما لی مجارستان
 بجهت ورود امیر اطور با نولات که سیاحت دوم امیر اطور با نجاب بود مدارکات لازم بکلیت
 اول دیده بودند که تبریک ورود امیر اطور شایسته بعضی ساورند بعد که این غنمت تجویق افتاد
 از جانب امالی مرقومه آنها خزن و طلال گردید اعلیحضرت امیر اطور نیز بجهت رضاجونی خاطر انخفا
 مکرر سیاحت مجارستان را نشر و اعلان کرده بودند موجب روزنامه که این اوقات رسیده
 و در بهم اعتسوس از وینیه با بعضی از وکلای مورین بعبثت مجارستان حرکت کرده اند (اندر
 جانب دولت روس سابقاً آنها که رضا بطان و ما مورین و ارباب مناصب داده می شد
 بعد از فوت آنها آن ثنها را دولت سترد نموده ضبط میکرد درین اوقات اعلیحضرت امیر
 روس حکم کرده اند که هر کس از جانب دولتشان داده میشود بعد از فوت او آن ثنها
 با دلا و وارث او و اگر باشد) (درین اوقات اعلیحضرت امیر اطور فرانس مخصوص
 کافی که در ایام ناپلین بزرگ در سلک قشون فرانس منسلک بودند و آنان در حیات
 هستند خواه از اهل خود فرانس باشند یا از اهل سایر فرنگستان بکشان مدالیه تقسیم کرده اند که
 با آنها اعطای نمایند) (از وجوهاتی که بکارخانه های روسیه قرض داده می شد در صد چهار
 دریافت میکرد درین اوقات بجهت سهولت امور صنعت و تجارت این نفع را تبریل داده
 صد تومان سه تومان قرار داده اند) (از جمله وقایع غریبه در جوار شهر برکسل در تقصیر نام
 بعضی اراضی از تابستان به بعد بنای گرم شدن گذاشته بر تبه که تا کنون در جهل و رجه که با ریه
 چنین چیزی تا حال در انولات دیده نشده بمان کردند که کوه سوزنده در اینجا ظاهر خواهد
 شد کل امالی اینجا ازین مرحله خائف شده و بجهت تحقیق این از هر طرف اعتنا و اهتمام بعمل آمده معلوم
 شد که در همه محل قبضه مذکور این گرمیست بلکه در بعضی جاها مثل جای خرمن و غیره این گرمی ظهور کرده
 بود آن جاها را کند و دوزخ که گنده شد دیگر حالت حرارت بود کل امالی اینجا ازین کیفیت
 گردیده و ارباب حکمت نیز در حکمت این کار متعجبند و بجهت تحقیق این کیفیت که آیا سبب چه باشد اینجا
 دولت بجهت قومی سبونی عقد و تکلیف باقی است

۲۳۱۳

بقرایکه در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند از جانب حکم در دلی اعلان نامه خطاب
 بکل ایالتی هندوستان نشر شده و ترجمه آن ازین قرار است دولت انگلیس در تبدیل دادن نام
 کل ایالتی هندوستان بندهب خستیان که مذنب عیسوی باشد عزم و التزام نموده و بجهت اجرا
 این مرام و مقصود سابقا بنشنگهای تفنگها روغن کادور و روغن بعضی حیوانات بد طلا کرده و زرده بود
 بنا بر مذکور که ستی شده عا کرندیه اینگونه نشنگها را استعمال نموده مازید دولت مزبور از چهار طاعت
 کرده بودند با این حالت ده هزار کس از عا کرندیه را اراده کردند که سر یاعاهد ف کلولا نمک نمایند
 و مضمون این کار شدند هند بسیار عا کرندیه سر از اطاعت اندولت باز زرده و پادشاه
 دلی را تحت جلوس دادند و باو بیعت کردند پاید دیگران نیز علی الخصوص عا کر اسلامیه عصیان
 بدولت انگلیس نمایند و بان را بی که پیشینان رفته اند باقی دیگر هم بروند آنچه از دولت انگلیس
 بالمضاعف آن عطا خواهد شد الان حکومت دلی توپ زیاد و قوه مالیه بسیار دولت وادان وار
 در مقابل و مخاصمه با دولت انگلیس عسرت کشیده نخواهد شد در هر جا که از عا کرندیه باشند
 آنچه از ایالتی اروپا در آنجا پیدا شوند باید کاملاً معدوم کرده و قتل برسازند (بعد از ظهور عصیان
 هندی در دلی در کل روزنامهائی که در هندوستان انطباق می یابد بعضی فقرات مؤثره که سنی بر سر
 آن عا کر بود می نوشتند بلاخط محاذیر آینه آن از جانب قائم مقام هندوستان نشر و اعلان
 شده است که بعد ازین در روزنامهائی هندوستان فقراتی که مورت کینه و عداوت باشد
 (سابقاً نوشته شده بود که در ظهور احتمال هند از فوجهای که مدخلیت یابند اندیشندگان
 ایکه شاید با مفیدین اتفاق نماید احتیاطی و شت فوج از عا کر اندر از سلاح حرب عاری نموده
 اسباب ب آنها را گرفته و اخر چنان موقوفه موقوف مانده در این اوقات از جانب قومیته
 هندوستان معارن اطعای نایره فدا و ولایت باز سلاح حرب آنها را پس دادن و درین
 مدت بیکاری آنها مواجب و مرستات را از دولت دادن و آنها را کافی است بق در سلک کشید
 نشر و اعلان شده است) (بجهت محاصره یامغان دلی و انداختن کلیمس جنرال قور له نام از جانب دولت
 مزبور با چهار فوج انگلیس و سصد نفر سواره سلام و دو فوج از عا کر هندی که همه بجز جمعیت بودند
 رفته بانجا که نزدیک شده بودند بیست فوج از یامغان بمقابل آنها بیرون آمده بقدر یک ساعت و نیم
 نمودند از جانب یامغان خیلی آدم تلف زخم دار شده و دولت نفر زنده دستگیر کرده فوراً بدار کشید
 نمودند و از قشون انگلیس فقط صد و شصت نفر کشته گردیده و بعضی نیز زخم دار شده بودند

۲۳۱۴

روزنامه قایم اتقا و تبایح یوم جمعه ۲۶ شمس صفر مطابق سال سیلان ۱۲۷۴

نزد سیصد و پنجاه

منطبعه دار انخلاق طهران

قیمت روزنامه
نیم شمشیر
بر سوره

قیمت اعلانات
هر خط شش



احبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار انخلاق طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه در عمارت بخاراستان
 شرف دارند امنای دولت علیه و مقربان حضرت کردون بسطن سینه و چاکران
 در بارهایون دستوفیان و شکر نوین عظام و سران و صاحب منصبان نظام و
 سایر اهل سلام هر یک در منزل معین خود مشغول انجام خدمات و مهمات موجود بخود
 بوده در لوازم امور محول قیام و اقدام دارند و در وقت سلام هر روزه شرفیاب حضور هر ظهور
 اقدس بایون شاهنشاهی میشوند در روز پنجشنبه نوزدهم که شب اربعین و از ایام مستبرکه بود
 اعلیحضرت شاهنشاهی عزیمت زیارت امامزاده واجب التعظیم حضرت شاهزاده عبدالمعظم
 تقسیم داده سوار شدند جناب شرف ارفع مخم صدر اعظم و بعضی از خواص و مقربان
 خدمت هم در موکب بایون زیارت بقعه منوره فایز آمدند و مسکام عصر موکب بایون
 بخاراستان معاودت فرمودند (چون سال ایام دبه عاشورا بعضی از چاکران
 در بارهایون که در شهر کتبه می بستند و تعزیه داری می نمودند در موکب بایون در نیاد
 بودند درین اوقات که اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی از نیادوران بخاراستان
 شریف فرما شدند هر یک بقرار دبه عاشورا تکابای خود را سببه و لوازم سباب تعزیه داری
 فراهم آوردند مشغول تعزیه داری میباشند و سایر خلق نیز از کتبه و عتبت تکابا مشغول
 تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والودعاکونی ذات اقدس شاهنشاهی

۲۳۱۵

چون عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان میر بیچ از ابتدای چاکری مسواره نشاء خدمات کلمه
 دو فورصدقت و کفایت و محاسن خدمتگذاری و کاردانی او مشهود و ملحوظ خاطر اقدیس پادشاه
 شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده لہذا بموجب فرمان مہرلعان مبارک منصب اجدان باسکی
 کل عساکر منصورہ از نظام و غیر نظام اعم از سوارہ و پیادہ سرفراز شد کہ بمقتضای حسن کفایت
 و کاردانی مشغول اسظام امور قشون و انضباط بیوتات متعلق بنظام اقبیل تورخانہ و قورخانہ
 وجبہ خانہ و اطاق نظام بودہ بکارهای صاحب منصبان نظامی و قراول مبارکہ و غیرہ و یولام
 شغل و منصب خود رسیدگی کامل نماید و در ازای منصب فروریکیثوب جبہ ترمہ از جامہ خانہ
 بمقرب الخاقان شہ رالیہ رحمت گردید (مقرب الخاقان فضلعلی خان امیر تومان و جعفر قلخان
 قاجار میر بیچ حسن خان سرتیپ فوج قراجه داعی و عالیجاہان احمد خان و عباس آقانیسا
 اجدان باشی کہ مأمور فارس بودند اذن مرخصی حاصل کردہ درین روزگار وارد دربار
 شدہ شرفیاب حضور مہر ظهور ہالون و مورد التفات و نوازشات ملوکانہ گردیدند) (چون
 فوج قدر سکی ابو اجمعی عالیجاہ میر علیتقی خان سرتیپ مدتی بود در کار بضررت اشغال
 خدمتگذاری و جان نثاری بودند حسب الامر اولیای دولت قاہرہ در ۱۴ شہر صفر قریب
 اجدان باشی و این لشکر سان آنها را دیدہ و چون رادادہ مرخص گردیدند کہ رفقہ در استراحت
 در نزد مقرب الخاقان جعفر قلخان الیچانی بیکر سکی استراحت نمودند خدمتگذاری باشند) (چون
 چہار نفر قورچاچی از قورچاچیان متوقف شیرازہ باینکہ ایام خدمتشان در آنجا منتهی شد بود
 و حکم احضارشان صادر کردید کہ از آنجا پس از رسیدن دستور العمل ایشان را سہ ماہہ مرخص
 دادہ و مرخص سازند طاقت رسیدن حکم احضار خود را نیاوردہ و بدون اذن غفار سلطان
 صاحب منصب قورخانہ آنجا روانہ شدہ و بدار الخلاف آمدند محض این تقصیر و بی نظامی کہ از شاہ
 صادر شدہ بود حسب الامر اولیای دولت قاہرہ عالیجاہ میرزا حسین سررشتہ دار قورخانہ
 پس از تہنیه کامل ایشان را بموجب بایکفر صاحب منصب قورخانہ بشیر از فرستاد کہ در ازای
 این تقصیر کہ از آنها صادر شدہ یکال دیگر در آنجا ساخلو و متوقف باشند) (و ہم چنین
 اسمعیل سلطان قورچاچی کہ از صاحب منصبان قدیم قورخانہ است چون در ماہ شعبان از
 از بایجان احضار شدہ بود کہ بقورخانہ مبارکہ دار الخلاف بیاید حال کہ ماہ صفر است حاضر
 شدہ است محض این تقصیر کہ مسامحہ و اہمال درآمدن کردہ است حسب الامر اولیای دولت
 قاہرہ اورا ہم پس از تہنیه کامل در قورخانہ مبارکہ بقراول گذارندہ و دو ماہ تمام باید در قراول
 کہ عبرت جمیع صاحب منصبان قورخانہ مبارکہ شود

۲۳۱۶

چون مراتب شایستگی عالیجاہ زمان یکسختی یا در خارج از فوج مشہود و ملحوظ انمای دولت
علیہ کمر دید لہذا در این اوقات اور انصبیب باوری فوج بہادران سر اوزار فرمودند ()
افواج قاہرہ حاضر دار الخلاۃ مبارکہ ہر روزہ در میدان مشق خارج دروازہ دولت با
کمال شکوہ نظامی و آراستگی تمام مشغول مشق و مقرت الخاقان جووان باشی ہر روزہ
مشق افواج حاضر شدہ نہایت مراقبت و اہتمام در مشق و انتظام امر افواج و صاحب
نمایند و شہار ائیرتبر اولی و کتبک دورہ عمارت سلطانی حاضر کشتہ مواظبت نام بعجل می آورد
و ہمچنین توپچیان حاضر رکاب نیز ہر روزہ در میدان ارک مشغول مشق میباشند و از جانب
صاحب منصبان اہتمام در مشق آنها میشود (در این اوقات ہوای دار الخلاۃ طہران در کمال
خوبی و اعتدال است در این روزہ چند دفعہ بارندگی جزئی شد تا در شب سہ شنبہ بارندگی
کامل کہ زیادہ مطلوب دہ قین و زراعت کاران بود کردید یک دو دفعہ در شب مزبور
باران ہشت تہی سر کرد کہ اگر تا یک ساعت امتداد می یافت ثبوتش سیل زیاد و خرابی بسیار داشت
اگرچہ از اطراف و بلوکات نمود خبر می نرسید است ولی گمانست کہ ازین بارندگی
در سیلابات و کورہ پایجات سیل برآہ افتادہ باشد و امید کلی است کہ بعد ازین بارندگی
فی الجملہ ناخوشی تب و لرز کہ در میان مردم مست بکلی انشاء اللہ رفع بشود و سجد اللہ کمال فراد
و ارزانی در غلہ و میوہ و غیرہ از بہر خبری حاصل است و امانی دار الخلاۃ از اعلی و ادانی ہر
داسودہ خاطر و از حصول ارزانی و فراوانی با کمال تشکر و خرسندی بدعا کوئی ذات اقدس
عالیون علی حضرت شایستہی خلد اللہ ملک و سلطانیہ اشغال دارند امور شہر و محلات و کزنہ
و قراول در نہایت انتظام است و کسی قدرت تہرت و شرارت و حرکت خلافت ندارد
و عالیجاہان کلانتر و کدخدایان حسب الحکم توابع کامیاب ہر ادہ حکمران دار الخلاۃ و مقرت الخاقان
و زیر نہایت مراقبت در نظم شہر و محلات دارند و ہم چنین امور قورخانہ و جتہ خانہ مبارکہ
نظم تمام دارد و اصناف و عملجات کارخانہا ہر روزہ در کارند و از جانب مباشرت
تجویدار و غیرہ کمال رسیدگی در کار آنها میشود و لغتک ساز و چھاق ساز و قدآر ساز
و سایر اصناف جتہ خانہا و قورخانہا ہر روزہ سلاح و ادوات لازمہ را در نہایت
خوبی و اہتمام ساختہ و پرداختہ تجویل انبارینمایند

سایر ولایات

۲۳۱۷

تزوین

از قرار یک در روزنامه قزوین نوشته اند در شب جمعه ششم ماه صفر المنطقه که شب عید مولود مسعود
 سرکار علی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی ابدالعینه بود نواب کامیاب بنزاده والای تبریز
 حکمران قزوین سباب جشن عیش و شباری فریسم آورده در مقر حکومت خود مشغول عیش و
 و شادمانی شدند و کل بازارها و کاروانسراها را این بندی و چراغان نموده عموم اهالی قزوین
 از اعیان و اعظم و تجار و کسبه و اصناف بلو از م سباب جشن و سرور اقدام نمودند و بنزاده
 عظام با مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان پیشکار قزوین خدمت نواب بنزاده حکمران قزوین
 شرفیاب شده شب را جشن و سرور بر سر بردند و فرمای آن روز را نیز مجلس سلام عید انعقاد
 یافته اجرای مراسم عید بطور شایسته بعمل آمده بعد از ادای خطبه بنام اقدس خلیفان
 و اختتام بدعای دوام سر و دولت و از دیاد شوکت و خیمت مصون از تناسی صرف شربت
 و شیرینی کرده و تنیبت و مبارکباد عید سعید را کفیه مجلس سلام منقضی گردید و شب دویم نیز
 نواب کامیاب حکمران قزوین با سایر شایزادگان و اعیان و ولایت منزل مقرب الخاقان
 حاجی حسنعلی خان شریف فرما گردید بلو از م جشن و سرور پرورد (دیگر نوشته اند که نواب
 کامیاب والای حکمران قزوین همه روزه بعد از فراغت از درس بدو انجازه نشسته بفرایض و مطالب
 مردم رسیدگی کامل مینماید و در هر هفته یکروز به نیت نزد یک شهر که یک فرسخ دور و فرسخ
 مسافت دارند برسم تفریح میروند و مقرب الخاقان پیشکار قزوین نیز همه روزه از طلوع آفتاب
 الی عصر در عمارت خود نشسته با سنجح مطالب و غرایض رعایا و برآیا و انجام مهات و مرجوعات
 دیوانی می پردازد) (دیگر نوشته اند درین روزها که طایفه شاهسون قورت بیکو معاودت
 بقسلاق می نمودند در خاک قزوین دست اندازی بعضی از عابرین کرده بودند از جمله و نفر از بکای
 که بر تبریز مرفتنند در دو فرسخی شهر قزوین برهنه کرده اموال و اسباب آنها را هر چه داشتند
 بودند مشارالیهما بقزوین مراجعت کرده مراتب را مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان اظهار داشتند
 فوراً علی بیک تفکدار شاهی را که متوقف قزوین است مأمور نمود که رفته اموال و اسباب آن
 دو نفر را از طایفه مزبور مسترد و مرکبین را نیز گرفته بساورد مشارالیه نیز رفته اموال مسروقه را
 کلاً استرداد کرده و دو نفر را نیز که مرکب این سرقت بودند گرفته بقزوین آورد اموال بجا جشن
 تسلیم و ساریقین چند روز خجسته بودند تا ضامن و الترام دادند که بعد ازین مرکب سرقت نشوند و خبر گردید

۲۳۱۸

همدان

از قراریکه در روزنامه همدان نوشته اند کمال احتیاط و ارزانی و وفور نعمت در آن ولایت حاصل است و هوای آنجا نیز به سال در نهایت خوبی و اعتدال بوده است چنانچه نوشته اند بهر سال در تابستان و پاییز ناخوشی متب و لرزه و امراض دیگر در میان مردم شیوع بود اما سال گذشته بهرگونه ناخوشی در آن ولایت ظهور و بروز نداشت است و غله و حاصل نیز بی افت و علت از هر قسم خوب بچل آمده و محصول غله را برداشت کرده اند و هم چنین بجهت امنیت طرق و شوارع سایر حاجت نیز از لرستان و کرمانشاهان زیاد با بخامی آید و الهی التو لایب از حصول ارزانی و امنیت کمال شکر گزارند و مقرب الخاقان محمد الملک حکمران همدان در نظم و ولایت و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی مراقبت تام بعمل می آورد (دیگر نوشته اند که چند نفر دزد سه چهار سال بود که اموال زیاد از مردم سیرقت برده بودند و از اموال مسروقه و سارقین هر قدر تخصص می شد چیزی بروز نمیکرد و اشخاصی که مرتکب این دزدیها میشدند کسی بجان دزدی با نمانی بردنا در این اوقات که مقرب الخاقان محمد الملک در باب پیدا کردن و بدست آوردن سارقین تاکید اکیده و قدغن طبع نموده کار گزاران بجد و جهد تمام در مقام جستجو برآمدند و عمل سارقین بروز کرده و سیرقت شدند از جمله شکور نامی سر باز طبل مس نقاره خانه راجا سال قبل ازین دزدیده و یهودی فروخته بود بعد از او را خود مشارالیه فرستاده یهودی را آوردند او هم قرار با این عمل کرده در مقام تمسبه و مواخذه برآمد و سایر سارقین نیز اموال مسروقه را که بتدریج دزدیده بودند بدو ریش علی نامی دلال فروخته بودند مشارالیه را نیز حاضر آورده تحقیق کردند چون مجال انکار نداشت بخردن اشیا مسروقه اقرار و مورد تمسبه گردیده رفقین حسب احکام مجبوس شدند تا بعد از استرداد اموال مردم حکم آنها بشود) (دیگر نوشته اند از جمله غایب کوسفندی را دج کرده بودند برآه از میان سگم او بیرون آمد که یک سرداشت و دو بدن و چهار دست و چهار پا و ولی بود و نمونداشت فقط گوشت و استخوان بود بجهت تماشا نیز محمد الملک آوردند و چند روز نگاه داشتند که مردم می آمدند و تماشا میکردند) (و نیز از غایب کوسفندی در جبین آمدن همدا در فرقه شاه بدایق خدیویه مرغ گرفته بود که غذا برای خود ترتیب دهد وقتی که تخم مار انگشته بود و پستان یکی از آنها بعد از تخم کنجک تخم دیگر دیده بود که آن هم مثل سایر تخمها پرده و سفیده درز داشت و پوستش نیز مانند پوست تخمهای دیگر سخت بود

۲۳۱۹

اخبار دول خارجه

شهر دلی که از شهرهای معظم هندوستان و شاه جهان آباد نیز موسوم است بتصرف دولت ^{نخل}س
 در آمده بود خدی قبل امالی انجاء عصیان ورزیده پادشاهی در انجا تحت جلوس دادند در روز
 دول خارجه از کیفیت محاربه کرد دولت انجلس با قشون پادشاه دلی تفصیل زیاد مینویسند
 بعضی از آنها درین روزنامه نوشته میشود چون اصل بنای انجاء انعمورای قدیم دیاست در لوار
 مشرق و جانوشته اند این اوقات در روزنامه های خارجه نیز از بناد کیفیت آن عبور مینویسند از حقه
 اطلاع و استحضار جمالی از ترجمه روزنامه های خارجه درین روزنامه نگاشته میشود شهر مذکور ^{نخل}س
 و ممر ایران و افغانستان و عربستان و لاهور و کشمیر و برمالک است چهار هزار و نهصد و پنجاه ^{سال}
 قبل ازین با و ستره نام پادشاه ملت مجوسی که در هندوستان بود آن مکان را ملتی کرده ^{حصار}
 بغایت متین و مستحکم دوران کشیده و در وازه در دوران حصار قرار داده انجا
 شهر معظم معتبری نمود و شهر مذکور با اینجالت تا چند هزار سال روز بروز متمورش بشیر میشد ^{مشهد}
 سال قبل ازین از حکام اهلستان محمود نام از طایفه افریدی با عا کر بسیار رفته ان شهر را ^{صنط}
 و تصرف نمود و پس از فوت او زمان جنسار انجا نسل بعد نسل در دست اولاد و اعقاب او بود ^{و در}
 صد سال در انجا حکومت داشتند بچند نیز حکومت انجا از تصرف آن سلسله بیرون شد باز از ^{سلطه}
 حکومت انجا محمد نام ستم رسید چون آب و هوای انجا با اوسا کار نیامد امالی انجا را مجبور ^{انجا}
 در نزدیکی انجا در محلی که دوست کیر نام داشت بنای آبادی گذاشت تا آنصدا قبل ازین از ^{انجا}
 ایران فردر شاه نام انجا را فتح و تصرف نموده امالی انجا را باز بجان و جای ادلی کوچانید و ^{بعمریت}
 و آبادی انجا را زیاد تر از سابق کرد و چهل سال در انجا حکومت نمود چون شهرت شهرت و معموریت ^{انجا}
 و ثروت و دولت امالی انجا عالم گیر گردید در شکامی که امیر تمور کور کانی غم تنجیر هندوستان ^{نمود}
 تنجیر انجا را الزم و اهم دانسته با قوه کامله و کافره غرمت شهر مذکور را کرده بعد از مدتی که ^{انجا}
 عظیمه و جنگهای جسمه اتفاق افتاد شهر را بقهر و غلبه مفتوح و با جنود نامعدود داخل شده قتل عام ^و
 تمام نموده بیرون آمد بعد از آن تا مدت میت و شش سال انجا بدون حاکم ماند تا چهار صد ^{سال}
 پنجال قبل ازین از پادشاهان مغول با بر شاه نام آمده انجا را تصرف کرده با عقل و درایت قرار ^{قرار}
 حکومت و بنای آبادی در انجا گذاشت چون شهر مذکور از حقه بند ریت و موقع استعداد معموریت ^{معموریت}
 داشت در اندک زمانی باز بجالت اولی و اصلی خود آمد نظم آبادی و تعمیر یافت بعد از وفات ^{پادشاه}

۲۳۲۰

حکومت به پیش با یون شاه انتقال یافت آنهم تاسی به خود کرده خدی حکومت نمود و بعد از فوت او عنان حکومت آنجا بدست اخبار نام شخصی از سنده به بر شاه افتاده مشا را لیه سانی معضی ملاحظات در آن شهر اقامت نموده شهر اگره را که در آن حوالی واقع است از برای خود متصرف حکومت قرار داد و در آن اشا یعنی دولت قبل این بازار برای تسخیر آنجا از پادشاهان ایران شاه جهان نام به لشکر و افزایران حرکت کرده و شهر مزبور را مدتی محاصره نمود پس از محاربات متعدده آن شهر را تصرف در آورد و از مهاجرات عدیده و ترهکات شدید که آن شهر و سخرالی گذشتند بسیار متأسف گردیده در عهد آبادی آنجا درآمد اکثر علما و کبرای هند را بان شهر احضار کرده در لوازم اسباب محو ریت آن شهر با هر یک از صاحبان تدبیر و تجربه یگان یگان مشورت کرده اسم قدیم شهر را تغییر داده باسم خود شاه جهان آباد موسوم نمود مساجد و مدارس و نهجیه زیاد در آنجا بنا نهاد و در تبدیل وضع شهر از وضع اول اقدام نموده و از یکصد و ده فرسخ آنجا از شهر جمعه ابهای بسیار با آنجا جاری ساخت و عمارتی هم برای خودش بنا نمود و در آن عمارت مخصوص خودش اطاعتی که اطرافش از فروزه باشد ساخته در آن اطلاق تختی که مثل آن در دیده شده است از طلا مرصع بالماس و زرد بشل طلا و مس ساخت و در سرها و مس زردی که از امیر تیمور کورگان و مشهور افاق است نصب نمودت مدیدی با این احوال در کمال اقدار در آنجا حکومت کرد بعد از فوت او پیش او رنگ زین شاه تخت حکومت جلوس کرده بعد از فوت او همیشه تخت حکومت نشست بعد از آنکه مدتی حکومت کرد از پادشاهان ایران مادر شاه سپهر با عی که موفور از ایران حرکت کرده در نزدیکی آنجا با محمد شاه جنگ کرده و غالب آمده داخل شهر گردید عمارت حکومتی را بنیاد و عمارت نموده و از صاحبان ثروت و سامان بدی و مالیات سنگین مطالبه کرد و نظر بز دیات بعضی تواریخ مادر شاه اموالی که از آنجا عارت کرد قریب هزار کرد و بود و بعد از ورود بشهر مزبور چنانچه در تواریخ نوشته اند بعضی او با شش شهرش کرده بغیل خانه و غیره هجوم آورده بعضی از قشون مادر شاه را بقتل آوردند لهذا شش ختم او زبانه کشیده حکم بقتل عام نمود و بقدر صد هزار کس عرصه شمر کرده آن شهر را آتش زد و برای حمل و نقل جواهر و طلا آلات نفیست یکجا تمام مشغول شمش کردن طلای مسکوک و هزار نفر تا یکجا مشغول ساختن صندوق کهنه حمل و نقل آنها بود و بعد از آنکه مادر شاه از آنجا حرکت کرد پس از شش سال باز شهر مزبور صورت عمارت و آبادی گرفته مؤخرآباد بکرافاغنه آنجا عارت کردند و سال پیش ازین انغش بر نمیدید

۲۳۲۱

ما هر دو آنجا رانید و غارت کرده خراب نمودند بعد از اینها که شهر مذکور متصرف دولت انگلیس درآمد
 در دور حصار یک در اطراف شهر بود در شکل قلعه متحد و امر جبار بنا نموده اند و در هر برجی زعماده بود
 گذاشته اند و غارت حکومتی را هم تعمیر کرده اند شهر مذکور چهار سوئی دارد و مشهور است و شوق
 بسیار نفس یک مسجد جامع دارد که کعبه او کلام مر سبذ است و در وسط آن سنگها خطوط بسیار
 بنیات الف سجالت طبیعی خود رسم است و سوای آن از مر سیاه مصنوعی عجیب که دیده است
 یک مسجد دیگر سوای اینها چهل مسجد جامع دیگر دارد اما لی آنجا شصت و هفت هزار مسلمان ^{مقتدا}
 هزارت پرست و بیت و دو هزار ملل سائر هستند که جمله صد و شصت هزار نفوس و کورستان
 و شهر مذکور با نظر که منبج تجارت است فقط در سال گذشته صد و شصت و هزار بار حیوانی و شصت
 هزار عا به بار کرده اقمه و اجناس وارد شهر مذکور گردید است علما در آنجا زیادند یک روزنامه
 بزبان عربی و دو روزنامه بزبان فارسی و پنج روزنامه بلبان بند که جمله شصت کارخانه روزنامه
 در آنجا در کار است نظربان جنات و کثرت علما در آن شهر اما لی نمد زیاده از اطراف تحصیل
 علوم دانا با آنجا میروند (دیگر نوشته اند نظر با جاری که این روزنامه میرسد شهر و ملی الان
 محصور قشون انگلیس است تا و از دم خیزان در خارج شهر مذکور منف دفعه محاربه شد بد اتفاق افتاد
 حتی در و از دم خیزان محاربه طرفین کمال شدت یافته از باب عصبان بسنگرانی که قشون
 انگلیس ساخته بودند داخل شده اند درین محاربه فوج نمعاد و پنجم انگلیس کمال شجاعت را اظهار ساخته
 و سنگرانی که باغبان گرفته بودند از آنها پس گرفتند و بعد از آن در ۲۳ خیزان محاربه دیگر و کوه
 یافته درین محاربه از باغبان هزار نفر تلف شده اند و از طرف قشون انگلیس نیز شصت و هفت
 تلف کرده اند موخر آنچه کمال حرارت آنجا خیزال بر لار نام سر کرده قشون انگلیس فوت شده
 بجای او خیزال رید بسر کرده کی نصب و تعین گردیده نظر کمال شدت حرارت و گرمای آنجا از قشون
 انگلیس که در کوه چهار راه میرفتند بعضی افتاده فوت شده اند باین ملاحظات محاربه قشون انگلیس در
 آنجا بر وجه مطلوب صورت گرفته بوده است (بجهت تحصیل قشون بجزیره هر سال دولت روس
 از سفاین حربیه که در قراستاد و بعضی را بسواحل بحر بالستیک میفرستد و چون سواحل مذکور
 اغلب سنگستان است و در هر سال نصف این کشتها سگته و تلف می شوند بعد ازین دولت روس
 قرار گذاشته اند که سفاین مرقوم بطرف هند و چین بگردش بر دند و باین جهت دولت و معاهد
 ضابط با پنجاه نفر سایر تخصیص یافته است

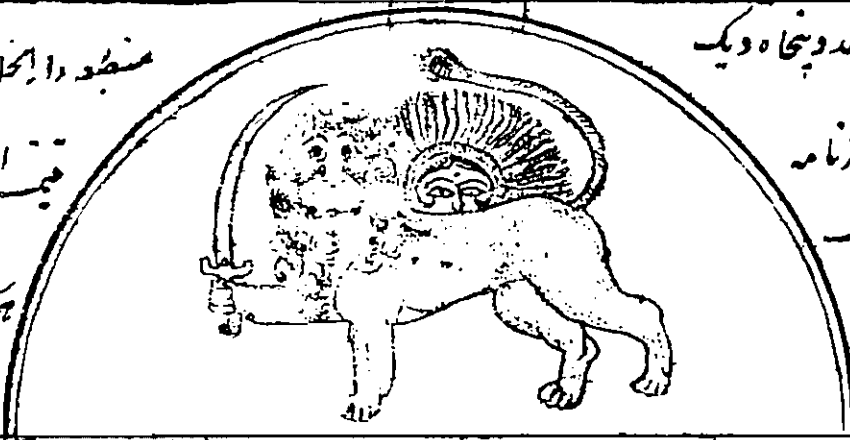
۲۳۲۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم بیستم شهر ربیع الاول مطابق سی و یکم سنه ۱۲۷۳

نزهت سید و پنجاه و یک

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه
هر نسخه شش
هر طبعی
هر طبعی



اجبار و احسان مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت اقدس طابون شایسته ای حکامان در بخارستان تشریف دارند و چهارگان در بار معدلت در هر یک کجا
شغل خود مشغول و در وقت سلام میرزا حضور با بهر نور و کانه می شود (چون عالیجاه محمدتقی میرزا محمد اسمعیل خان
چاپارچی باشی در انجام خدمات محوله خود و در رساندن احکام دیوانی ولایات و اجار و ولایات بدو طابون انار
کفایت ظاهر شده و خاطر اقدس طابون و امنای دولت علیه از حسن منتهکداری خود خوشنود و آشته لند در این اوقات
بلقب جلیل شیرالدوله کی که مخصوص این منصب است از قرار فرمان مبارک سرافراز و یکشوب جتبه ترمه نیز در حق او بر
مرحمت گردید) عالیجاه میرزا محمد علی میرزا در توپخانه مبارکه مراتب صدقت و اتهامات خود را در انجام خدمات محوله
ظاهر شده بود و یکطایف کرامانی بنابر این از صندوقه مبارکه حلف مرحمت گردید (و هم چنین عالیجاه میرزا علی اکبر
اجودان باشی توپخانه مبارکه در انجام خدمات محوله خود در دست از عهد برآمده بکلیت و شال کرامانی با و ظف
(و نیز عالیجاه اصلاخان میرزا توپخانه مبارکه از عهد خدمات محوله خود خوب برآمد بود و یکطایف و شال کرامانی
با و ظف مرحمت گردید) (و هم چنین عالیجاه عبداللہ سلطان نظر خیر خدمات و شایستگی منصب یاوری توپخانه مبارکه
سرافراز گردید) (و هم چنین عالیجاه معصوم علی بیگ و میرزا رضا نابان توپخانه مبارکه در انجام خدمات محوله
مراتب اتهامات خود را ظاهر ساخته بودند و منصب سلطانی توپخانه مبارکه سرافراز گردیدند) (نظر
عالیجاه میرزا اسد محمد پیر مرحوم میرزا صادق لشکر نویس نوری در این اوقات از قرار فرمان
مهر لعلان مبارک منصب لشکر نویس سرافراز و در لزامی منصب مزبور یکشوب جتبه ترمه کرامانی
از صندوقه مبارکه با و ظف مرحمت گردید

۲۳۲۳

اوزباچان

از فراری که در روزنامه خوی نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب شاهزاده محمد رحیم مهرور
 انتظام و انضباط است و نواب معزی الیه در نظم ولایت و رفاه حال رعیت و انتظام حد
 و انجام خدمات و مرجعات دیوانی کمال مراقبت را بعمل می آورد از جمله نامهای قلعه و خندق خوی
 که از جانب اولیای دولت علیه حکم با تمام آن شده بود نواب معزی الیه تاکیدات اکیده درین
 باب بعمل آورده بنا و عمل زیاد بکار انداخته و خود بنفسه همه روزه در هر جا که کاری شود مفصل
 و رسیدگی می نماید و بحسن مراقبت و اهتمام ایشان عنقریب در کمال استحکام صورت تمام خواهد یافت
 (دیگر نوشته اند که در شب ششم صفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت اقدس شاهان
 شاهنشاهی بود بفراری که کل حکام و صاحب اختیاران مالک محروسه لوازم جشن و سرور در مراسم
 تهنیت مبارکبادی این عید را مانند اعیان بزرگ بعمل آورده اند نواب معزی الیه نیز حکم نمودند که کل
 شهر و بازارها دکا و انرا را این بندگی و چهرانگان کرده عموم اهل انجا از اعیان و اشراف و
 و کسبه و غیره بعیش و شادمانی مشغول بوده اسباب جشن و آتشبازی در حضور نواب معزی الیه
 در آرگ فراهم آورده انشب را برورد کامرانی ببر برزند و فرودای آن شب هم که روز عید مولود
 شاهان بود انعقاد سلام عید داده چاکران دیوانی و اعظم و اعیان ولایت حاضر آمدند بعد از اجراء
 شکر توپ و آوای خطبه بنام نامی سرکار اعلیحضرت اقدس شاهان جشن تمام بدعا
 بقای دولت و شوکت مصون از تهاجمی بوده صرف شربت و شیرینی نمودند و مجلس سلام منقذی گردید
 (دیگر نوشته اند که نهایت امانت و ارزانی و فراوانی هر کوزه نعمت در آن ولایت حاصل است
 و نرخ اجناس و ماکولات روز بروز تنزل می کند رعایا در برابر این جبهه فرین خرسندی و شکر
 گذاری پیشند) (از دار السلطنه تبریز اگر چه روزنامه نرسیده است ولی از فرار مکاتیب تجار
 و غیره امور انجا نیز از حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده محسنم و الاتبار رکن الدوله اعلیه
 اردشیر میرزا حکمران مملکت اوزباچان و موتمن سلطان وزیر نظام و پیشکار اوزباچان قرین انتظام
 و نرخ غله و سایر اجناس و ماکولات در انجا نیز روز بروز در تنزل است و هر چیزی کمال وفور
 بهم برسانده اهل و اعیان این مرعه نهایت دعاگوئی و شکر گذاری را دارند و زلزله که در ماه
 ذی حجه و محرم لاری تبریز و اطراف کماهی اتفاق می افتاد و مردم در تشویش بودند بعد از ام محرم که
 سجد الله اتفاق نیفتاده و بکلی موقوف گردیده است

۲۳۲۴

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند در شب ششم ماه صفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت
 قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله تله و سلطان بود امیرالامرا العظام سپهبد ار حکمران کرمان قدغن نمود
 که کل بازار را آیین بندی و چراغان نموده و در آنک سبب جشن و آسبازی فراهم آورد بطوارم غلش
 و سرور و دستاورد اقدام نموده و در روز ششم بقبر اجداد بزرگ افتخار سلام داده اعظم و اشرف واعیان
 و چاکران دیوان حاضر آمدند و اجرای شتیک توپ گردیده ادای خطبه بنام آقدس بنایون و آستین
 بدعای بقای عسرو دولت ابد مقرون گردیده صرف شربت شیرینی نمودند و ادای تهنیت و مبارکباد
 کردند و اوضاع آیین بندی و چراغان تا شب برقرار بود اعالی و ادانی بحسن و در ماهی مشغول بودند
 (دیگر نوشته اند که کمال اغیت و انتظام در آن ولایت حاصل است امیرالامرا العظام سپهبد ار
 نظم ولایت در فاد حال عیث و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت و رسیدگی را بعمل آید
 و مقرب انخاقان میرزا محمد مستوفی پیشکار کرمان همه روزه با مستوفیان در دفتر نشسته بیفیع محاسبات
 و معاملات دیوانی و وصول و ایصال مالیات و رساندن تخوا به برآه داران دیوان مشغول است
 و همچنین امور شهر و محلات و طرق دشوار از حسن مراقبت حکمران و پیشکار منظم و مضبوط است
 و سرقت و سرزرت و خلاف حساب از احدی ناشی و صادر نمی شود و زوار و قوافل با سودگی
 اطمینان عبور و مرور نمایند و تحفظ و قراول در همه راهها مشغول حفظ و حراست عابرین میگردند
 میباشند) (عالیجاه مقرب انخاقان امامعلی خان سیرتیب فوج اول کرمانی که با فوج و نوکر رریف و
 توپخانه و قورخانه مأمور بلوچستان بود بحسن کفایت و کار دانی امور آن صفحات را انظم کامل داده
 در این اوقات مقضی المرام به بیم مراجعت نموده است ولی سبب گرمی هوای آن صفحات و امتداد
 سفر و عدم بارندگی مأمورین مشقت بسیار کشیده بودند بعد از ورود به بیم امیرالامرا العظام سپهبد ار
 آدم فرستاده آن آنها را دیده نشانهای مرشعاع که از دربار بلایون بجهت آنها حجت شده بود
 هر یک از صاحب منصب قاپین را فراخو حال مورد نوازش و التفات نموده مرخص اماکن و اوطان خود
 گردیدند) (عالیجاه مقرب انخاقان شیخعلی خان سیرتیب که با فوج خلیج مأمور خلکو کرمان بودند در این اوقات
 که از دربار بلایون حکم احضار آنها صادر شده بود حسب احکم موجب سیوریات آنها پرداخته
 شده و مطالباتی که داشتند وصول و ایصال گردیده و امورشان بهم جهت انتظام یافته و از دربار
 معدلت مدار بلایون گردیدند

۲۳۲۵

کردستان

از فرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند کمال انتظام و انضباط و ارزانی و دادانی در آن ولایت حاصل است و بیکو ر نعمتی نهایت و فور را دارد مگر کوشش و روغن که نسبت ب لهای سابق قدری گران است مقرب انخاقان امان الله خان والی کردستان در نظم ولایت و رفاه حال رعیت و خدمات و مهات دیوانی و وصول و ایصال مالیات و روانه کردن قسط دیوانی بدار انخاقان نهایت اهتمام را بعمل می آورد در سرپرستی رعایا و اجابت تمام وارد و عموم ایلی آنجا آسوده خاطر به عای دوام دولت ابد اتصال اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که بیسال دهه عاشورا در آن بطوری که در سایر ممالک محدود سه تغزیه داری می شود یعنی شد مگر سلسله ولات و رعایای خود همان دهه عاشورا را تغزیه داری می کردند ولی امسال جمیع ایلی آنجا از غره محترم تا سطح مشغول تغزیه داری بودند و در همه کار و اسرار و خانها مجلس صحبت چیده و بنبرنا گذاشته تغزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحية و الشنا اقام داشتند و مقرب انخاقان والی برای حصول دعای خیر حبه ذات اقدس بایون شایبایی روزها و شبها فقرا و مساکین و اهل استحقاق را اطعام می نمود و در هر مجلس بعد از انقضای تغزیه مردم دست برداشته بدعای وجود فانی خود اقدس بایون را زیاد دولت و شوکت ابد مقررند صد البته میگردند) (دیگر از فرار یک در روزنامه جو از نوشته اند ایام عاشورا و قریه دشنه که از مصافات آنجا سبب خانه آتش گرفته اهل خانها از مردوزن سر اسیم بیرون دویده و صد نفر با دلبند کرده بودند زنی در میان یکی از خانها طفل شیر خواره در کهوره بجا گذاشته بود سجه و را آوردن آن طفل دوباره با خانه در آتش آتش آن زن را فزود گرفت اهل قریه از سوختن خانها خیر وار شده با بنج جمعیت کرده مشغول خاموش کردن آتش شدند بعد از آنکه آتش را خاموش کردند بنجانها در آمده کل اسباب هر سه خانه را سوخته یافتند و آن ضعیفه را نیز که باستخلاف طفل خود رفته بود دیدند سوخته و هلاک شده است در چرخه در آن خانه بود نیز بالمره سوخته و بعرصه طف آمده است که آن طفل که از قدرت الهی آتش پر امون کهوره او نگشته حتی حرارت آتش نیز باو تا ثیر نگرفته است آن طفل را سلامت از میان آن خانه بیرون آوردند ولی مادرش که سلامت بیرون آمده بود هوای بیرون آوردن طفل از آن محله مخدّر بود است که دوباره خور را به تنگ انداخته تلف شود مردم از وقوع این قضیه عجب کمال حیرت و تعجب را داشتند

۲۳۲۶

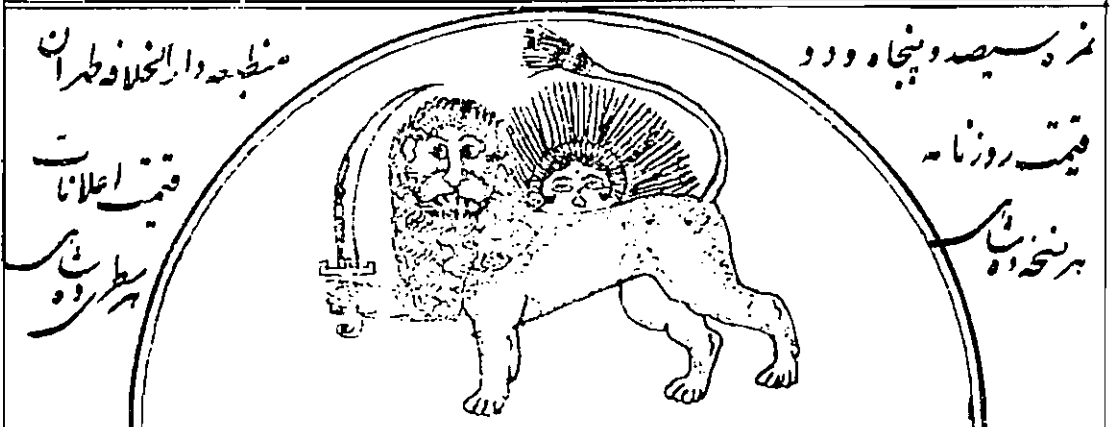
دیگر نوشته اند که بچه واقعات معلومند از جانب دولت انگلیس کشتی بخار ترانسیه نام که در بعضی
 بعضی اشیاء و مهمات و یکبار نیز قشون بود در سواحل بند بکل نشسته و غرق گردید ولی
 اشخاص و اشیاء او را سلامت بکلی بیرون آوردند و نیز از کشتیهای انگلیس کشتی سالیه نام از قشون
 انگلیس که در بند را بوشه نوزده قدری پیاده و یکده ستمه نوب حمل کرده بود و بند دستان فرست
 در اثنای راه بکل نشسته غرق و سگشته شد و از عاگری که در او بودند ده نفر با یک ده باقی
 سلامت درآمدند و باقی تلف شدند (در این اوقات از جانب اعلیحضرت پادشاه پروسیه
 بموت قونول دولت مزبور که در مصر مقیم است نشان اکل رد نام از مرتبه اول دولت مزبور که مشهور
 و متبحر کل در مکتان است بجهت جناب عمده الولاة والی والا نشان مصر سعید پاشا ارسال شد
 و قونول مزبور با این و ادضاع حسن آن نشان را بحضور جناب والی مغری الیه برده و تسلیم نمود
) (دیگر نوشته اند که از معتبرین صرافان انگلیس سه نفر موسیو پرس و موسیو لارکین و موسیو کونام
 از صامون از جاوه امانیه و قوادتا سیواس که دولت و بجا میل مسافت را در راه آهنی از
 کرده اند که بازند و درین باب بجهت استحصال حصص از دولت علی عثمانیه چند وقت پیش ازین
 با سلامبول آمده و عرض حال نموده و از برای از قوه بفعول آوردن متحد شده اند که بطریق
 در مدت شش ماه بیت و پنجاه لیر که هر لیر الی تکیه شایسته دو هزار دینار است بخرنیه عثمانیه تسلیم
 نمایند و از دولت عثمانیه نیز مستدعی شده اند که کفالت نماید که لصاحبان بخواند که درین قوسیه
 شراکت می کنند در هر صد تومان بهمت تومان منفعت سیایانه عاید سازد) (منصب قوماندانی
 قشون بحریه فرانسه هر چهار سال چهار سال از جانب دولت فرانسه بعهده یکی محول میشود درین
 اوقات که مدت قوماندانی جناب جنرال ویلو فر تمام شده است از جانب دولت فرانسه جناب
 جنرال فلاور بقوماندانی قشون بحریه و سفین حربیه اند و دولت معین و منصوب گردیده است) (بجهت
 دیدن جاهای عمیق و کودی دریا تا کنون از نهر مندان فرنگستان فرغانوسی اختراع کرده اند که در
 زیر آب مشتمل میگردد و در بادیده می شود ولی سوختن آن فانوسها تا هفت شت دقیقه بیشتر طول
 نمی کشد و زود خاموش می شد در این اوقات یکی از نهر مندان فرانسه با بعضی اجزاء یک فانوس
 اختراع کرده است که تا مدتی در نهر آب روشنی میدهد و از جانب دولت فرانسه این فانوس
 بمقام بحریه در آورده و امتحان کرده اند و مشارالیه اثبات نهر مندی خود را نموده است) (دیگر نوشته اند که در این اوقات از
 جانب دولت روسی امرال پوین نام کشتی حبسکی با نامورتیه مخصوصه بجانب چین غرمتب کرده است

۲۳۲۷

اخبار دول خاجه

نظر با احتلال بند در محل قاون پور نام مابین دلی و لاهور جنرال دیلر نام صاحب منصب امیر تومانی با
تفاز قشون انگلیس وقت داشت اغشا یرنده و باغیان خاصا جناب مباده هزار قشون لیسر
رفه اقدام بجار به نمود چون قشون انگلیس در مقابل این صفت زیاد باغیان جزئی بودند لاهور و در محله
شدند و باغیان اطراف آنها گرفته باشه حرب کردند و بجهت عدم آذوقه محصور شد مشقت افتاد
صاحب منصب مرلور باهم آن ششصد و پنجاه نفر چه در جنگ و چه بجهت بی آذوقه کی کلام عرض
در آمدند و باغیان شهر را متصرف کردند بدین حادثه در ال آباد مسموع جنرال جوہ لون شده فوراً
بعسا کر موجوده خود بان سمت حرکت کرده پس از رسیدن نزدیکی آن شهر باغیان بمقابلہ شتافته
و فیما بین سه نوبت جنگ سخت اتفاق افتاد و در نوبت سیم جنرال جوہ لون غالب آمد و آنچه
اسیر از باغیان بدست آورد همه را بدین نوبت گذاشته بود (دیگر نوشته اند که تیرا بد
قشون انگلیس که در دلی با باغیان مجار میگردند از قشون انگلیس که در کلکتہ بودند پنجاه نفر بطرف دلی
روان شدند در اشای راه در محل نموش نام که در اکره واقع است دوازده هزار قشون بمتدیه کلو
نهاد درآمد طرفین بینات نظام مدتی مجار به نمودند از قشون انگلیس بقدر هزار نفر کشته و زخمی
گردیدند و از طرف باغیان چند کشته و زخمی شده باشند بنور معلوم شده است) (دیگر
نوشته اند که این اختلافات دلی بهر جای مملکت بند سرایت کرده است از جمله درین اوقات در محل
لقتوا ام داخل مملکت خود مسلمانان از مذبح شیعه ناکاه در درون شهر آغاز شورش نمودند و قشون انگلیس
که در قلعہ آنجا متحصن داشتند حمله آورده بعد از چند دفعه مجار به دزد و خورد قوماندهان قشون انگلیس جنرال لور
نام که در مرتبه امیر تومانی بود زخمی گردید و دلی نور قشون انگلیس محصورند و قلعہ بقرف باغیان در نیامد
بعد ازین اغشاش بقو در ایالت دقمان در محل حیدر آباد نام نیز بعضی فتنه و فساد ظهور کرده از
جانب حکمران آنجا که لقب امیر نظامی دارد بروی باغیان معذورانی قشون مأمور و بعد از مجازیه
از باغیان وسکیه و مجوس گردیدند و هر طور بوده است علی الحساب احتلال در آنولایت خاموش
شده است) (سابقایان شده بود که در روزنامه های هندوستان بعضی فقرات که دلیل بر شد
و عداوت باغیان هندوستان بود درج میشد و از جانب حکومت بروزنامه نویسان قدغن شد بود
که بعد ازین انکوز فقرات را که موجب عداوت این مختص میشود ننویسند بجز آنکه این اوقات رسید چون
در روزنامه ازین فقرات برجسته لهند و روزنامه بزبان روسی سلطان اخبار و درین نام داشتند درین روز موقوف
گردید

۲۳۲۸



منطقه دارالخلافه طهران
 قیام اعلی
 بر سر دروازه

نزد سید و پنجاه و دو
 قیام روزنامه
 بر سر دروازه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت اقدس پادشاهی ابد العیش که در بخاراستان تشریف داشتند در شب شنبه
 عزیمت ارک مبارک فرموده سوار شدند خواص و مقربان در بارهای یون و سمران و صاحب مضیبان
 و سایر خدام در بار کردند و در حاشام در موکب های یون بوده نیم ساعت از مغرب گذشته که ساعت
 خوب بود با آنکه و الاقبال مبرک سلطنت عظمی نزل اجمالی فرمودند (نظر بجا حسن مستکذاری نوا
 محسن میرزا و ظهور غایت ملوکانه در باره نواب معزی الیه در روز و موکب های یون بدار الخلافه کتب کلمه تشریحی
 لاکي بطایفه جناب از طبوس خاصین مبارک باد و رحمت و عنایت فرمودند) (مقرب الخاقان عین الملک
 که مراسم مراقبت را در خدمتگذاری مشهود خاطر اقدس ملوکانه داشته توجیب حمت شده بود در روز
 و در بدار الخلافه کتب کلمه ترمه زمره زمره زمره از طبوس تن مبارک در حق او رحمت گردید) (نظر بخدا
 مقرب الخاقان حاجب الدوله در سفر سیلاقات و شبک شهاب و لطیفات عمارات مبارک و سایر خدام
 که بنظر مبارک جلوه کر آمد کتب کلمه ترمه زمره زمره از طبوس تن مبارک باد و رحمت فرمودند
 (لا و هم چنین مقرب الخاقان مرتضی قلیخان قوللر افا سی که خاطر اقدس یون از خدمات مشهود خود
 داشته بود در روز و موکب های یون بدار الخلافه کتب کلمه ترمه زمره از طبوس تن مبارک باد و عنایت فرمودند
 چون هر ساله در شب بیت و معتم صفر که نواب شهباده و الا تبار بهار الدوله مجلس تعزیه داری برپا شده است جناب
 مستطاب به شرف ارفع چشم سید اعظم سجدت استماع ذکر مصیبت جناب سید الشهدا بانجام قیام
 نیز در شب بیت هفتم ماه صفر مجلس تعزیه داری نواب معزی الیه تشریف برده استماع ذکر مصیبت نمودند

۲۳۲۹

چون در ضمن اوضاع حاضره مملکت دلی هندوستان که مشهور است جهان آباد است اصل بنای
آن دسواج ایام گذشته و انفلاباتی که آنجا روی داده بود از ترجمه روزنامه های خارجی در روزنامه
گذشته نوشته شد بعضی وقایع که در ایام هایون شاه ابن بابری شاه کورکانی مغول اتفاق افتاد و
شاه رالیه التجا پادشاه وقت ایران شاه طهماسب صفوی انار الله برمانه آورد در روزنامه
خارجی نوشته شده بود درین روزنامه بوجه اختصار روح میشود هایون شاه پادشاه ممالک
هندوستان از قندهار و کابل و خشان تا اقصای بخارا بود و شهر دلی پای تخت او بود شیرخان نامی
افغان که از غم ملازمان او بود با او یاری شده در کنار آب کنگ جنک کرده هایون شاه را شکست داد
و هایون شاه بدارالملک کرده آمد و سب زکرو استعداد نموده مستعد قال شد درین نوبت برادر
سیرز کامران تمارض نموده بلاهوت و بسیاری از قوتش متفرق شدند بار دیگر هایون شاه با سیرخان
در کنار آب کنگ جنک در پیوسته ایند فوج نیز مغلوب و پیشانی از بار اول شده در آنکه مجال یافت
نیافت بطرف لاهور رفت در لاهور نیز سجد رفتن کامران سیرز کابل و جهات دیگر مجال توقف نیافت
بملکت سند رفت اولاد امیر ذوالنون از غم که در آنجا بقلب مالک شده بودند روی موافقت نمودند
با مخالفت کشوند از آنجا بطرف قندهار روانه شدند چون بولایت شال و شیک سید برادر کشته شمری
که حاکم قندهار بود از پیشانی و استیصال او اکاهی یافته بزم رفتن و بی دخل کردن هایون شاه با قوت
نیاد از قندهار بیرون آمد روانه اردوی هایون شاه گردید هایون شاه از کیه و مکر برادر خبردار شد
چاره در التجا آوردن بدولت ایران دید احوال انغال را در آنجا که اشته باشد بفقار و فقر از خواص و
امرای موافق از راه چول بستان درآمد حاکم بستان که از جانب شاه طهماسب در آنجا بود او را ۶۰
و اکرام نموده خدمات شایسته تقدیم ساند و هایون شاه بستان نامه خدمت شاه طهماسب
برجوادتی که با و روی داده و روی التجا بدولت ایران آورده قلمی در ارسال نموده از جانب طهماسب
نامه او بطور دلخواه بخط خود شاه طهماسب قلمی شده این شعر نیز در ضمن جواب نامه آمده بود
بیا ما افتد ترا از کزری بر مقام ما افتد و فرمان پادشاهی بجهت محمدخان شرف الدین او غلی که بکاشان
و در خدمت شاه بزاوه سلطان محمد میرزا در بهرت بود صادر شد که در استقبال و اغاز و احترام و مهادت
هایون شاه دقیقه نامری گذارد و مقدم او را معزز و کرامی دارد هایون شاه بهرت آمد شاه بزاوه و بکاشان
آداب و رسوم مهربانی را بطور شایسته بعمل آوردند و از آنجا روانه عراق گردید در هر شهری از شهرهای ایران
که محل عبور بود حکام آنجا را بر حسب فرموده شاه طهماسب خدمتها نمودند و پیشکشها کشیدند تا بقزوین

۲۳۰

آمده چندی در آنجا اقامت نموده نامه دیگری مبنی بر اظهار اشتیاق طلاق شاه لهما سب که در حدود سیستان
از او داشتند قلمی نموده چون صاحب طبع بود و کاهی شعر می گفت این قطعه را نیز در ضمن مطلب گفته و در
مندیج کرده بود خسرو عسکریست ناغضای عالی همت قله قاف قناعت را شین کرده است روزگار
سقطه کند مغمای جویش طوطی طبع مافانع بارزن کرده است التماس از شاه ان دارم که با
آنچه با سلمان علی در دست ارزن کرده است بعد از رسیدن جواب بطریق صواب باز نویسی شاه لهما
روان شده شاهزادگان عظام سام میرزا و بهرام میرزا و عیان و مقربان دولت شاه و عموم خدمت و
حسب احکام شاه لهما سب او را استقبال نموده وقتی که در اردو پیاده شد خود شاه لهما سب از حرکت سرون
آمده او را استقبال نمود دست او را گرفته با هم نجیده درآمدند و از جانب شاه لهما سب اعزاز و اکرام و احترام
تمام یافته از جمله هدایائی که همایون شاه بحضور شاه لهما سب که از چند قطعه لعل بدخشی و یک قطعه الماس
کراشها بود که وزن آن الماس را چهار مثقال چهار دانگ نوشته اند با جمله صنایعهای
و طویلهای بزرگ برای همایون شاه لهما سب آمده و شکارچر که در آن اوقات طرح انداخته از چند روز
راه جانوران شکار برارنده در یورلق چر که صهم دست داده اول حسب التکلیف شاه لهما سب
همایون شاه و شاهزادگان سام میرزا و بهرام میرزا تیر اندازی نمودند و بعد از آن خود شاه لهما
کمان پشک در آورد و چند شکار را به تیر انداختند و چند کور فری سرن را نیز شمشیر کشیدند و شکار
بسیار در آن چر که گرفتار آمدند بعد از صنایعها و جشهای عدیده شاه لهما سب تدارک همایون
را دیده تاج و کمر مرصع و جواهرات دیگر با دوادند و نفود دخمه و حرکاه و نقاره خانه و طبل علم
و کارخانجات با همه اسباب و اسبان تازی و استران و استران با کفش و اسلحه حرب و سایر
اسباب سلطنت او را مقید و مرتب داشته همرازان او را نیز فراخورشان و رتبت خلایع فاخره و حو
انعام مرحمت نمودند و شاه لهما سب پس خود سلطان مراد میرزا را با چند نفر از امرای معتبره در وازده هزار
نفر لباس مجاونت و امداد همایون مامور نمود که حکم او را مطیع بوده ولایات او را از دست یا عیان
و او را در سلطنت خود مستقل سازند و قشون مامور از اردو حرکت کرده چون همایون خواهش دیدن تبریز
وز بارت بعهده صحنی و سایر اولیای کرام را کرده بود شاه لهما سب هممانه همراه او کرده در وازده هزار
انالی آنجا استقبال کرده و قصریه و میدان صاحب الزمان را با سباحتین مرتب داشته شهر این بندگی نمود
لوازم هممانه را لعل آوردند و از آنجا بار پس فیه شاه صغیر را بارت کرده مرخص بار نویسی که در این
نموده و حصت با فقه در حرات ان قشون مامور پیوسته و کلن لایات خود را بجات ان قشون بتصرف در آورد

۲۳۳۱

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب
 شاهزاده والا تبار حمت الدوله حکمران اصفهان قریب النظام و انضباط است و بعضی
 رعایا و نظم ولایت و انجام خدمات دیوانی رسیدگی تمام دارند و اعمال و مباشرین شهر
 و بلوکات حسب احکام نواب معزی الیه بنظم امور رعایا و اصناف و وصول و البصا و توجهات
 دیوانی مشغول اند و کسی قدرت تعدی و زیادتی بر رعایا ندارد و رعایا آسوده خاطر و مرفه الحال
 با مورعیتی خود و دعا کوئی دانت آمدس پنهان شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطان استغفار
 (دیگر نوشته اند که صنف صباغ اصفهان مدتی مذکور میشدند که هر شب مال یکی از مالداران
 و سارق معلوم نشدست حفظین مراقب این کار بودند تا یکی از آنها دیده بود که صبح بسیار زود شاگرد صباغ
 آمده در یک خم بزرگ صباغی که خالی بود پنهان شده و چند توب قدک در دست او بود مستحفظ
 مذکور پرسیده بود که این قدکها را از کجا آورده گفته بود از دزدیکهای بازار است جی کز زانده ام
 و قدکها را بر داشته و از کرده بود مقارن آن مشهدی علی صفر نام صباغ دکان خود را کسوده چند توب
 قدک از دکان مفقود یافت که پنهان دزدیکهای بازار صباغی را گرفته بود مستحفظ بپوشان شاگرد صباغ
 داده و پنهان شدن او و چند توب قدک که در دست داشت پنهان کرده بود شاگردیه با پیش رفتن
 شاگرد صباغ را از محله باب آذین و اقرار بربقت خود کرده صباغان دیگر نیز مدعی اموال سرده
 خود گردیده شب او را مستحفظ سپرده صبح آمدند که مطالبه اموال خود را نمایند پس نوبتی در عقب انبار قدک بود
 شاگرد بپوشان رفته و در از عقب سببه با چاقو کلوی خود را برید و بعد از ساعتی که صدی ناکه شنیدند
 بسر وقت اورفته دیدند خود را مذبح کرده و قریب هلاکت است زخم اورانجه کرد ولی فایده نکرد و در گذشت
 حسب احکام نواب حمت الدوله مراجعه رجوع شده بطریق مصالحه چهل تومان وارشده مشهدی علی صفر صباغ بپوشان
 بدو عسراقی از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند در شب ششم ماه صفر که شب عید مولود حضرت
 شاهنشاهی بود چون مقررت انجمن میرزا حسن خان حاکم عراق در ستانه تبرکه امامزاده سهل بن علی بود در آنجا
 جشن و شبنامی فراهم آورده آئینهای دعات آن اطراف چراغان بود و روز عید را هم در آنجا
 عید منعقد شده سادات و اشراف و اعیان و چاکران دیوانی حاضر آمده صرف شربت و شیرینی
 نموده ادای خطبه بنام سرکار اقدس عالیجناب شاهنشاهی و احتتام بدعای بقا و از یاد دولت
 شوکت مصون ارتنای شده مجلس عید معقنی گردید

۵

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان میرزا حسن خان دعات خالصه کرازو شراه را بدقت رسید
 کرده در هر جا که لازم بود وجه نقد و غله بر عیایای دعات فرزبور ساعده داده آنها را دلگرم و عیبت
 و عیبتی نمود (دیگر نوشته اند که نرخ غله اسال در تمامی عراق نسبت بسایه های گذشته از
 چنانچه خوارای هفت هزار شتری ندارد و در همه جا نهایت و فور را دارد و رعایا و امانی از
 جهت مرقه الحال و آسوده خاطر میباشند) (دیگر نوشته اند که ولدان آقار فیج استان که
 که بهر زکی و شرارت در کراز معروف و همیشه با جاره کردن خالصات انجام دادند و جاره
 و حوزدن مال دیوان جبری و معاد بودند در رهنه سینه هم قدری از خالصات در بند بالای
 کراز را جاره کرده بودند این روزها که وقت تحویل دادن جنس دیوان بود عالجه قاسم
 نایب کراز مطالبه وجه اجاره نموده بود بنای سرکشی و افت دکن داشته چند نفر از که خدیبان
 در بند بالا از قبیل حاجی رستم و سعیدی و اقا علی قلعه آقا حمیدی و خسر و سلطان را تحریک
 کرده و با خود همستان نموده قاسم آقار اجواب کرده بودند مشا رالیه از عمده کار آنها بر
 مراتب اخود آمده مقرب الخاقان میرزا حسن خان اظهار داشت آدمی دستارده کاغذ با آنها نوشت که اگر
 در اجاره حرفی دارند یا از قاسم آقا شکایت دارند بنزد من بیایند قاسم آقا نیز در اینجا
 بکعلوی طرفین رسیدگی شود آنها در آمدن بجای پذیرا موجه متمسک شده و حشمتی بخود راه داده
 بنای جمعیت و قلعه داری گذاشته از اثر رنجتاری جاپلق که با آنها منسوب در شرارت همدا
 بودند استمداد نموده سی چهل سوار مابدا آنها آمد و ولدان آقار فیج سابق الذاکر ابراهیم خان
 و عباس خان که شاخص مفیدین و متبجحان دلبوند بر عیایای اطراف و بلوکات نوشتجات فرستاد
 سحر یک کردند که حاکم و مباشر اجواب بگویند بعضی رعایا از راه عاقبت چینی آنها را جواب گفته و نوشتجات
 بنزد مقرب الخاقان میرزا حسن خان آوردند بچکله شرا فرزبور بنا را بپسینه بندی و قلعه داری و از دست مردم
 عالجه علی بنی خان سیرت بنا نوشته مقرب الخاقان رالیه در مقام استمالت و رفع فتا آنها بر آمده مفید فایده
 تا اینکه خود مقرب الخاقان مشا رالیه خیر با صفت معناد سوار بر سر آنها ابلغار و مفیدین خواهی بخوانی گرفتار
 که دیدند ولی شفاعت بعضی علمای از اذیت جانی آنها گذشته و در نزد مقرب الخاقان مشا رالیه استند تا
 محاسبات دیوانی خود را بر او دارند (دیگر نوشته اند که این اوقا در سلطان آباد در محله و ضعیفانه وضع
 نموده سه دختر یک شکم آورده بود دختر سیم که متولد شده بود شوهرش گفته بود که چراغ را بردار
 که قد ما راست گفته اند تا چراغ روشن باشد دختر از پی دختر خواهد آمد و بالفعل هر سه دختر موجودند

۲۳۳۳

اجتبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه جریده التجار است اسامبول نوشته اند در باب راه آهن تاکنون بنشینان
 فرنگستان صرف افکار نموده اند و محسنات عدیده آن مشهود گردیده است و باین جهت آقای
 نیکلای و شهباز نموده اند آنچه در راه آهن ردینه بجهت چند مصارف زیاد ملحوظ شد و مثلاً در
 سرازیر و سربالا مانند راه هموار چون کالسکه کار میکند در آنجا کوه کوه با سرب شیب و سرب بالا پیدا
 میشود مصارفات علاحده نموده و راههای علیتجه درست کرده اند و درین صورت گذشته از
 مصارف بسیار احتمال خطر زیاد نیز میبرد و تاکنون از نمرندان فرنگستان چند آنکه فکر و تدبیر
 کرده اند طریق سهولتی در او پیدا نموده اند در این اوقات از شترهای جریده خانه اسامبول
 شخصی مکتوب کالسکه مانند کشتی بخار اختراع نموده است که مانند کالسکه راه آهن مخصوص ساخته
 میت بلکه در هر بای روی زمین حرکت میکند و راه میبرد و همچنین در سرب شیب و سرب بالا از
 حرکت باز میماند و مثل اینکه در زیر هموار حرکت می کند و دست و بلند نیز همان قسم حرکت دارد
 و از کالسکهای راه آهن تیز در سرعت حرکت کم میت و عقب میماند چونکه آن کالسکهای راه
 آهن اگر هزار تومان با ساختن راه خرج دارد این کالسکه احتیاج ب ساختن راه ندارد و میتوبان
 تمام میشود و محسنات عدیده آن بعد از آنکه رونق و رواج بیابد بکل دنیا فایده خواهد بخشید این جهت
 مرده و وعده این گزارش را در روزنامه جریده التجار است اسامبول نشر و اعلان کرده اند که شخص
 مزبور را هر کس بخواند شناسد باید از جریده خانه سوال نماید (بقراریکه بکرات نوشته اند
 راه آهنی که از ساردینه بفرانسه کار میکند در جلو آن کوه مشهور استس واقع است و بسبب ضرورت
 راه مزبور در اطراف کوه گردش می کند و باین جهت عبور و مرور کالسکه و و میشود بجهت تسهیل این
 عسرت دولت ساردینه قرارداد داده بود که هر کس از نمرندان فرنگستان آلتی اختراع نماید که
 کوه مزبور را سوراخ بکند و راه آهن از آنجا درست بشود نشان امتیاز مخصوص با و اعطا بشود
 اشخاص درین باب آلات عدیده اختراع کرده اند از جمله یکی از نمرندان کلیس آلتی اختراع
 نموده که بالآلت سیرین راج آمد و بآلت مزبور قرار سوراخ کردن کوه داده شد و در واز و مهم
 قرال ساردینه با بعضی و کلا و مانورین با بخار قوه سوراخ کردن کوه رخصت داده اند و سافتی
 که از کوه مزبور باید سوراخ شود نمیل که عبارت از سه ساعت مسافت باشد معین شده و این
 راه در صورتیکه مروج و نخواه سوراخ شود شخصی که این آلت را اختراع کرده بجهت نشان امتیاز بزرگ خواهد داشت

در آشنای سوراخ کردن کوه مزبور رفتن قرال سار دینه که با بنجامین شده است نوات
 پرنس ناپلیان عموزاده اعلیحضرت امیرالطور فرانسه نیز با بنجامین است کرده اند (اعلیحضرت پادشاه
 انگلستان در اوایل محرم از جزیره ویط که با اعلیحضرت امیرالطور فرانسه طلاقات کرده بودند بجهت
 سیاحت کشتی بخار سوار شده بکشتی سارخازن شاربورغ عزیمت نموده دسی و شش ساعت در
 آنجا توقف کرده اند و مراجعت بجزیره ویط نموده اند و در مدت اقامت در آن کشتی با زغنه
 بجهت تبریک قدم ایشان از قبیل چراغانی شب و انداختن توپ بعضی شبها اجری شده
) (بموجب روزنامه که در این اوقات از لندن رسیده است چنانچه هر سال درین موسم
 مجلس مشورت با ملتوختام پذیر شده مرچیده میشود و از دهم محرم مجلس مزبور برپا شده
 و یک روز قبل از برپا شدن مجلس مزبور اعلیحضرت پادشاه انگلستان از جانب خود ناموز
 مخصوص با بنجامین فرستاده از خدمات مسبوقة اعضای مجلس اظهار رضامندی و ملاحظت کرده
 و از استراحت کل فرنگستان که مشهود میشود اظهار امتنان نموده اند و معاهده عمرتیه که
 در پاریس تنظیم شده کما اجر اگر دیده بعضی فقرات آن نیز که بنور مجری شده است عنقریب
 حسن سویه آنها هم مامول است و احتمالی که در هندوستان خصوصاً در ایالت بنکاله ظهور کرده
 و از طرف امانی آنجا در حق انگلیسها معاملات غدرتیه که مغایر طریق انانیت است بعل آمده الهام
 شائف نموده اند و درین خصوص رایید الوصف غیرتمندی مامورین هندوستان مشهود شد
 و بجهت حسن اندفاع و قعه مذکوره تدابیر حسنه که لازم است سرعاً اجرا بشود و تزویج دختر
 خودشان را به پرنس کوم پیر و لیهد دولت پروس مذاکره و بیان نموده اند) (بقرار که
 چند دفعه بیان گردیده در محفل الکسندرام که سرحد استریه و در زیر حکومت دولت سار دینه
 برای قعه که در آنجا ساخته شده است از جانب دولت مزبور اراده شده بود که یکصد عراده توپ
 در آنجا گذاشته شود و مقدار کافی وجه نقد بجهت آن توپها جمع شده بود در ثانی از جانب امانی
 فرانسه و انگلستان نیز وجه اعانه داده شده بود درین اوقات محض استحکام مبانی و داد و بخاد
 از جانب جمهورتیه یمنی و نیانچاه عراده توپ بجهت گذاشتن در قعه مزبور مصوب مامورین
 با بنجامین فرستاده شده و مامور مزبور با توپها مقدماتاً به جنبه پای تخت سار دینه رسیده و
 امانی جنبه بجهت تماشای توپها بیرون آمده از جانب دولت سار دینه استقبال مامورین
 با این تمام بعل آمده توپها را بان قعه فرستاده و در آنجا گذاشته اند

۲۳۳۵

احتمال هندوستان بقراریکه بکرات نوشته بودند در هر طرف هندوستان نبود فقط در ایالات
 بنگاله و مبنی و مدیس ظهور داشت و از باب فساد عبارت از شتاد و مهفت فوج بودند در این
 اوقات بموجب تخریرات روزنامه‌های لندن مقارن ظهور این ناپره اختلال کرده یا عیان به
 مقرر شده الان همه جای هندوستان اغتشاش دارد و بحساب تریج چهارصد هزار ساعت
 اراضی اینجا مشوش است و یا عیان که در اینجا مسکنی دارند شصت بیان نفوس که صد بیست
 گزور باشند از جهت شمالی تا بکوهستان همایا و از جنوب بمالک عمود تا صحرای کیر هندوستان
 و از شرق بکوهستان برمه و از غرب تا حد و افغانستان انقلاب و اغتشاش است و قشون
 موجوده انگلیس که الان در هندوستان هستند بیست هزار نفر میباشند (در این اوقات
 از حکومت برزیل یک کشتی که هیجده توپ دارد بالعوضی شاکردان بخریه بجهت تحصیل سمت
 غنیمت کرده است که چندی در بحر سفید گردش کرده بعد از آن بپاریس و لندن برود
 مملکت برزیل چون در سمت جنوبی یکی دنیا و چندان مناسبتی با این اطراف نداشت تاکنون
 کشتی آن دولت بحر سفید نیامده بود) (دوم چنین پرنس دو رانر نام پسر قوال فلک بجهت گردش
 کردن در بحر سفید در این اوقات با یک کشتی از فلک حرکت کرده است) (بجهت میتا بودن سفر
 و حرکت از عا کرد دولت فرانسه میت و یک هزار و دوست و پنجاه نفر که چهارده هزار آن پیاده و
 مابقی سواره اند در سمت شرقی پاریس در محل شالون نام جمع گردیده و با اجرای تعلیمات آنها
 شده بجهت سهولت حمل و نقل آنها پاریس از پاریس تا اینجا یک راه آهن ساخته اند بطور عاریه
 و بجهت رسیدگی و تماشای آن قشون اعلیحضرت امپراطور فرانسه از راه فرورد در محرم بانجا رفته است
 در اینجا بوده اند روز دیگر پاریس معاودت کرده اند) (از همین سال یک دو نوبت بمالک روس
 بعضی اشیاء با قیمت با دو کاروان می آید بجهت اینکه چندان منفعتی ندارد و دولت روس اراده کرده است
 که یک باب بزرگ تجارت بانولایت مفتوح نماید که شامل منافع کثیره و محسنات عدیده باشد
 لهذا در این اوقات یک قوم پانیه تجارت در بطرز لوبز و لیکیل داده و چند قطعه کشتی بخارج راه
 داده اند بازند که از هند امور مملکت سیر بچین و هند و سمرقند و کشمیر بجهت تجارت آمد و
 نمایند و درین قوم پانیه از جانب دولت روس حکم شده است که از بخار فرانسه و
 انگلیس نیز هر کس بخواهد شرکت نماید بدون خواهد بود

روزنامه و تاریخ اتفاقیه سیاحتی و غیره

منطقه دارالخلافه طهران

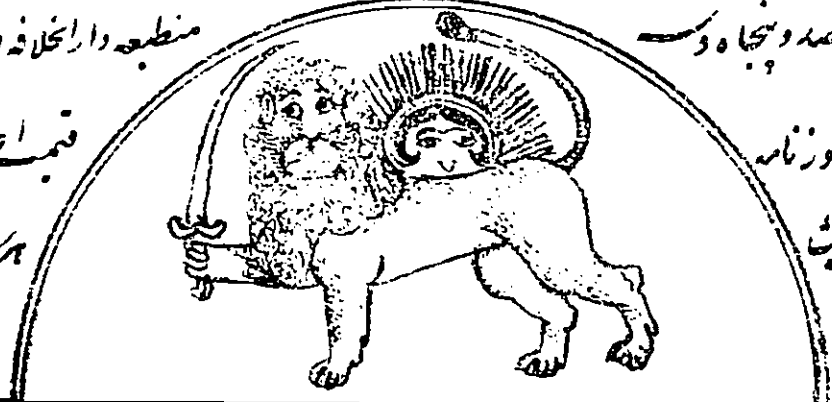
نمونه سیصد و پنجاه و دو

قیمت روزنامه

هر نسخه دیش

قیمت اعلانات

هر سطر در هر خط



اخبار واحد مالک محروپادشاهی

دارالخلافه طهران

هوای دارالخلافه طهران در این اوقات بسیار خوب است اگرچه باقتضای فصل قدری برودت دارد ولی خیلی با اعتدال است و از قریب که از روزنامه های سایر ممالک محروم معلوم میشود هوای دارالخلافه طهران در این اوقات بهتر از جاهای دیگر است چند و پیش ازین بارندگی کامل کرد حال چند روز است بارندگی بیشتر ولی هوا تر و تازه است و نظر خوبی هوا در روز نشیند که شسته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی آید الله عنایتهم تفریح و گردش اطراف دارالخلافه را فرموده سوار شد و تا عصر تفریح و سیاحت اطراف و نواحی را فرموده هنگام عصر بمقرتسلطنه عظمی معاودت فرمودند (بعد از آنکه رفقای موکبتایان و نیکوایان در آنجا حین رسیدن استقام امر نظامی مشورتان غلامان خراسان که در کابلیک هستند بفرستند و توجیه نتیجه لوزر العظام مقرب الخاقان میرزا علیخان محمول فرموده بودند در بخارستان که انباران در آنجا حضور یابون که شسته بقدری خوب و با کزوه و اسباب بودند که فوق الغای مطبوع و مقبول حضور یابون کردند و محض محبت در میانجا یکوب کلین پوش مبارک آمدند با بوابه مقرب الخاقان را لیه حمت فرمودند در حقیقت این حمت حال در حق هیچک از جاگران بزرگ مبدول نیفتاده بود (اخبار بلوا و شورش سهند و انچه تا امروز در روزنامه جات دارالخلافه الباهر سیمت بخارستان گفته شد از روی روزنامه جات یورپ و جریده الحوادث اسلامبول ترجمه و اخذ شده است چنان که خبر مخصوصی از هندوستان بیامد که در روزنامه دارالخلافه رسیده با که محل اعتماد بوده با و بدین وسیله مطلبی با خبری را جزو روزنامه نماید حال متواتر خبر رسیده که خبر روزنامه گذشته که در ضعف قشون دولت فخریه نوشته بودند آن روزنامه ترجمه گشته و در روزنامه دارالخلافه طهران چاپ شده چنانچه ان اصلی بدین محل اعتماد بنمود

۲۳۳۷

سایر ولایات

(تبریز از قرائیکه در روزنامه تبریز نوشته اند کمال ایتد و انتظام و قوا
 بر کوه نعمت دران ولایت حاصل است و انالی آنجا در عین فراغت و آسودگی بدعا کونی ذات
 اقدس تایون شاهی اشتغال دارند و نواب استیطاق بنزاده محترم و الامتبار رکن الدوله
 اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان مؤتمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیکار آذربایجان
 در نظم ولایت و رفاه حال رعیت و امنیت طرق و شوارع و انجام مرجوعات و مهمات دیوانی قیامت
 وافی و اهتمامات کافی بعمل می آورند و مؤتمن سلطان وزیر نظام همه روزه در اطاق نظام و مقر بونخاقان
 میرزا مصطفی قلی خان باستوفیان در دفتر خانه و حاجی میرزا محمد خان دبیر مهمام خارجه در اطاق در
 خانه و علیصی خان بیکر سکی باکد خدایان در دیوانخانه مبارک نشسته هر یک در انجام خدمات محوله
 مواظبت مراقب میباشند و کسی مصدر خلاف حساب سرقه و شرارت متوجه نباشد) (دیگر نوشته
 که در شب ششم ماه صفر که شب عید مولود معود سرکار اقدس تایون شاهی بود حسب حکم نویسی
 مستطاب رکن الدوله العلیه کل بازارها و کاروانسراها و حجرات و دکاکین را زین و زین و این
 کرده چراغان نمودند و اسباب جشن و آشنایی سنگین در حضور نواب مغزی الیه فرسب آمد
 لوازم عیش و شادمانی برداشتند و بعد از انقضای آشنایی نواب معنی الیه با صاحب مضبان و
 دیوان بجهت تماشا و گردش بازارها آمده آنتب را تا صبح بازاره چراغان بود و اهل شهر از وی
 و شریف مشغول عشرت بودند در روز ششم که روز عید مولود معود بود نواب مغزی الیه اتفاقا سلام
 دادند مؤتمن سلطان وزیر نظام با میرنجهکان و سران و صاحب مضبان نظام و خوین عظام
 و استوفیان و سایر اهل سلام حاضر گشته اجرائی شیک توپ بعمل آمد و ادای خطبه بنام اقدس
 تایون شاهی و احتتام بجای از دیبا عسرد دولت مصون از تنهای شده صرف شربت و شیرینی
 نمودند و سلام عید منقضی گردید) (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان میوداد و خان سیرت تبریز
 اول دولت علییه که از دربارهایون تأملیست شده بود در روز و روز و دشار الیه به تبریز نواب
 مستطاب رکن الدوله و مؤتمن سلطان وزیر نظام چند نفر از سرسنگان و صاحب مضبان را با
 فرستاده و را با اغزاز و احترام تمام وارد نموده در باغ شمال منزل دادند و بعد از ورود شیرینی
 او فرستاده لوازم تو قیر و کیریم از او بعل آوردند و روز حرکت از آنجا حسب حکم اولیای دولت علییه
 چند نفر از صاحب مضبان امور خارجه و عالیچانان محرقلیجان و فتحعلی خان و ساطورخان همراهمی

۲۳۳۸

مقرت انخافان مشا را الیه بفرستد تا مور کردیدند و توأب شایسته هراده او را با اب یک و تدارکات شایسته
روانه مقصد نمودند (دیگر نوشته اند که فوج جدید میریزه و فوج منقسم شتاقی که مستحفظ و اول خانها
شده مستند هم روزه در میدان مشق حاضر شد مشق نظامی می نمایند و مقرن انخافان محمود خان
میرنجه هر روزه خود در میدان مشق آمد تعلیمات نظامی آنها رسیدگی کرده تا ساعت از روز بالا
مشق میکنند و بعد از آن با مرقاولی و او را خانها میریزند و فوج منقسم شتاقی را در این اوقات بقت
سان دید همنتهای استقام را در امورات نظامی می آورد و تخمین توپچیان تیرمه روزه در میدان
توپچان مشغول مشق میباشند و امورشان به مرتبه منظم است و محصلین گرفتن سربازان غایب
که بساوک و محاللات روانه شده بودند علی التوالی سربازان غایب و فراری را حاضر می کنند (دیگر
نوشته اند که چند نفر ننگ دارد در شهر پیدا شده بودند که بنده ای جنس ناکولات را کرده اجناس را انبار کرد
و بدخواه خود را در آن میفرودند مقرر شد که محمد صادق یک دارد و در حین جنگی آنها بوده در هر جا پیدا
کنند تنبیه و تادیب کند که دیگر مرتکب این گونه کارها نشوند) (دیگر نوشته اند که شاکر در صرافی مسکن
از دکان صرافی سرفت کرده در صورت لباس زمانه چادر شب سبک کرده و تنخواه را در بر برده
با تمام داروغه شاکر در صراف بست آمده تنخواه منور از او ستود و تسلیم صرف کرد دیده شاکر
منور مور همیشه شاکر خوی از فرار یک در روزنامه خوی نوشته اند چتو اتای یزیدی که از هم
بایل و قبیل خود لوگر این دولت علیه و از خاقان معفور میر و فرمان موجب در دست وارد
سبب بعضی جهات و مواعین چندی رفته در خاک دولت عثمانی میبود پنج شش روز بعد از
دیده عاشورا با پنجاه شصت خانوار از ایل خود روی امید باستانه این دولت علیه آورده بودند
اصلی خود را محبت کرده شرفیاب خدمت توأب کامیاب شایسته هراده و الا تبار محمد حیم میرزا حاکم خوی
و سلاطین شده نواب مغزی الیه بنحو دش را الیه و برادران و پسران او و کده خدایان ایل خلعت
و قشلاق آنها را در مجلسکون آباد معین نموده آنها را با کمال امید واری و دلگرمی بواطف اولیای دولت
علیه در انجا سکنی دادند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه عباسقلیخان سرکرده سوان سیستانی با
ابو اجماع خود و یکده ستمه سرباز از جانب نواب محمد حیم میرزا مورقراینی و چالدران است
بودن مشا را الیه دران سرحد راه بسیار امن است و قافله و کاروان از انجا به سنجاطر جمعی عبور
نمایند و این روزها چند نفر دزد از ظایفه جلالی بقرانی آمده و مال مردم را برقت برده بودند
مشا را الیه خبر شده دزدان را تعاقب کرده اموال سرود را گرفته دو نفر از دزدان را نیز دستگیر کرده و بخواه

۲۳۳۹

فرستاده بود) دیگر نوشته بودند که طایفه نام سلماسی مدتی بوده است که سجده و طرزی مال
 مردم را بوقت میسرده است حتی چند وقت قبل ازین در تبریز مال چند نفر را بوقت برده بود درین
 روزها بخوی رفته در کاروانسرای امیر اصلاص حجره گرفته در آن کاروانسرا نیز پول نقد و اموال
 از تجار بوقت کرده بود چون ظاهر اصلاح و لکری در بس مشرب بود کسی بجان دزدی با دستگیر
 بوقت رفتن اموالی خود را بعضی نواب محمد رحیم میرزا رسانند نواب معنی الیه نیز در خبر و آدم کاشته
 مراقب بودند تا اینکه عمل مشارالیه بروز کرده دستگیر گردید و مال تجار و سایر مردم بعینه از حجره او
 بیرون آمد و در میان اسباب و دسته کلیدی بقدر نصف و پنج عدد بهر یک نقشی پیدا شد
 که هر دری را که میخواست است بان کلید میگشود و اسباب بوقت میگرداند و با نفیض مشارالیه
 محبوب است تا بعد از استرداد اموال مردم حکم آن بشود **حمزه** از فراری که در روزنامه
 نوشته اند مقرب انخاقان چراغعلینان حاکم حمزه در نظم امور انولایت و رفاه حال عتیت و بخت
 خدمات دیوانی اتهامات کافی بعمل می آورد و عموم مالی شهر بخان و محالات و لوازمی خسته مردم
 و اسوده خاطر و از حسن مراقبت و رسیدگی مقرب انخاقان مشارالیه بعراض و امور عالی کمال
 اطمینان و شکر گواری دارند و بجهت حصول دعای خیر برای وجود مبارک اعلیحضرت شاهای قضا
 ولایت سرامقرب انخاقان مشارالیه اغلب اوقات اطعام و انفاق مینماید و هم چنین از رعایا هر
 پذیر با قوه خفت راه انداختن ندارد و بجز در مصالح الاطلاق بانها مساعدت مینماید و رعایا هر
 زراعت و عیسی خود میباشند) (دیگر نوشته اند که مدتی بود کیفیت شرب و بعضی افعال مشروع
 در بخان موقوف بود در این روزها جواد یک نام پسر خانمش یک ستارک خسته چند نفر از الواط مجلس شرب
 داشتند و در پیشستی با پسر مشارالیه و نوز علی نام گفتگو شده نوز علی زخم کاری با وزده خدیو
 جواد یک بهمان زخم بستری بود و هر کس عبارت او میرفت در کمان این قضیه بجهت پاس خاطر نوز علی
 میگوشتند و سفارش میکرد که روز این مطلب را مدید مبارک حاکم خبر داشته نوز علی را از دست
 حتی برود ان جواد یک نیز مطلع نبودند تا اینکه بهمان زخم در که است برادرش مطلع شده مر
 بمقرب انخاقان چراغعلینان اظهار داشتند و نوز علی نیز فرزند مقرب انخاقان مشارالیه بنایب شهر
 دار و عدل غیرتیا و مود که چرا آنوقت را خبر نگریده حالاکه مقتول مرده و قابل گریخته است از کجا او را
 آورد با بچه فرستاده همان الواط را که در آن مجلس شرب بودند آورده بقیه کامل نمود و آدم کاشته کاشته
 پیدا کنند نوز بدست نیامده است

۲۳۴۰

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت علیه و کمال مراقبت
 کامیاب شده و الا بتبار لطف الله میسر از حکمران مازندران امور ولایت قرین انتظام و امنیت کامل در آنجا
 حاصل و عموم اهالی آن ولایت آسوده خاطر و مرتد کمال بدعای دولت از اتصال اشتغال دارند
 و امور طرق و سرحد و ثغور منسب و در صورتی در آن متصرفند (دیگر نوشته اند که خلعت
 بایون که از جانب شیخ ابوبکر ملوکانه با قیام نواب لطف الله میسر از مرتضی شده بود در ۲۶ شهریور
 پرتو وصول با آنجا فکند نواب مغزی الیه با اعیان و اهالی ولایت و چاکران دیوانی با استقبال
 شتافته لوازم توقیر و احترام خلعت بایون را بعل آورده در باغ بهارستان بلده ساری رس
 برود و شش مناخرت و مباحات خود نموده بعد از صرف شربت و شیرینی دو ساعت از روز با
 آمده وارد بلده ساری گردیدند) (دیگر نوشته اند مقرب انخاقان نور محمد خان سیرکان
 مراقبت را در انتظام نوکر ابواب جمع خود دارد و سواره کرد و ترک را یکمده دیده هر قدر از اسباب
 و اسلحه آنها که نامی داشت قدغن نمود که تمام کرده و در حالی کل سواره ابوابی خود را با کمال شکوه
 از استنکی با یراق و اسلحه تمام در حضور نواب بزرگوار لطف الله میسر از اسان داده و بموجب
 آنها را از قرار دستور العمل دیوان اعلیٰ بهر یک هر یک رسانده سواره مزبور را در کمال انتظام و در
 خدمات محوله بخود نهایت استقامت را دارد) (دیگر نوشته اند که در باب تعمیر خیابان که بر روز خرابی
 یافته و در اغلب جاهای آنجا عابرین و متردین صعوبت میدیدند مقرب انخاقان محمد حسن خان
 مازندران حسب الامر اولیای دولت علیه تمهید کافی بعل آورده و اگر خیابان عرض راه مازندران
 تعمیر شده و هر جا نیز که نامی دارد بنا و عمل در کارند و غنیمت در کمال خوبی و استحکام صورت
 خواهد یافت و وجهی نیز که از جانب اولیای دولت علیه جهت مخارج و صرف تعمیر خیابان مرتضی
 بود موجب مرید امید واری و دعا کوی اهالی آن ولایت گردید) (دیگر نوشته اند که با لجه علیجان
 از دارالخلافه الباقی وارد شده نواب بزرگوار حسب الامر اولیای دولت علیه و انجام خدمات محوله با
 نهایت تاکید و اهتمام را بعل آورده مقرب انخاقان محمد حسن خان وجه نقد از بابت مخارج ساختن
 بروج و قلعبات کناره فیضیه جهت سکای ابن عبدالملکی ثاب را الیه داده و عمل مصالح و انساب
 کارها و راهجه جهت فرسهم آورده اورا بخل مزبور روانه نمود که رفقه در انجام اشغال ساختن بروج
 و قلعبات و انجام مقامات محوله بجا شد

۲۳۴۱

احبار دول خارجیه

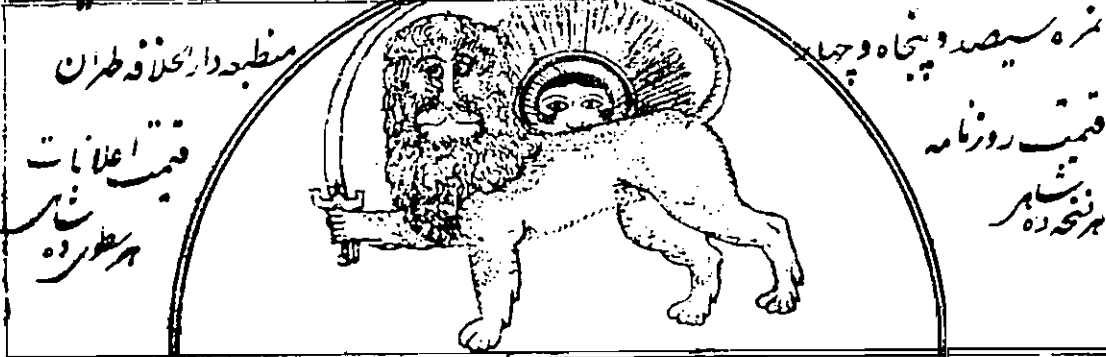
از قرار یک در روزنامه جریده انجودا اسلامبول نوشته اند در روز یکشنبه چهارم صفر
 اعلیحضرت سلطانی از سرای مخصوص خود بیابعلی که در آنجا نه دولتی است ^{تشریف} شده بعد از قدری
 اقامت در آنجا عمارت مجلس مشورت تشریف آورده در حالتیکه عموم وکلای فحام و سایر
 نامورین حاضر بودند در حضور اعلیحضرت سلطانی عقد انجمن مشورت نموده در بعضی امور مهمه ^{مذاکره}
 و بیانات کرده و مشارالیه هم سوردالقات سلطانی گردیده و از آنجا معاودت بمصر سلطنت
 فرموده اند و بجهت تشکر تشریف فرمائی اعلیحضرت سلطان روز دیگر بعضی وکلای فحام بحضور اعلی
 حضرت سلطان شرفیاب شده بغنایات سلطانی سرافراز گردیده مراجعت نمودند (دیگر
 دیگر نوشته اند که در این اوقات از جانب اعلیحضرت سلطانی بجناب پرنس قورچاقوف وزیر
 امور خارجه دولت روس یکقطعه نشان مجیدیه از مرتبه اول ارسال شده است) (دیگر
 نوشته اند که در چهارم ماه صفر در هوای اسلامبول بحسب خوردگی ظاهر شده مگرک زیاد و بغای
 باریده اغلب پنجرهای شیشه را شکسته و از قرار مذکور هر دانه او از گرد و بزرگتر بوده است و
 بجهت شدت باد و کثرت بارندگی مگرک در پیشگاه طراپه یک قایق بزرگ غرق و دو نفر تلف شد
 اند و زیاده از این مضرتی نرسیده است) (چنانچه در روزنامه های پاریس نوشته شده
 بود که از عساکر موجوده دولت فرانسه بجهت تعلیمات جنگ و مهینا بودن مفروض حرکت در نزدیکی
 پاریس در محل شالون نام واردونی مرکب از پیست و پنجره ارکس تشکیل یافته و از برای سهولت
 حمل و نقل آنها راه آهنی از پاریس تا آنجا برسم عاریه در دست کرده بودند بموجب روزنامه
 و دیگر که بعد رسیدن درین نزدیکیها بجهت اجرای تعلیمات عساکر مرقومه در هنگام اجرای تعلیمات
 اعلیحضرت امپراطور فرانسه بانوآب پرنس البر شوهر اعلیحضرت پادشاه انگلیس و باجگله سفیری
 دولت دیگر مقیم پاریس با آنجا رفته اند و بعد از اجرای تعلیمات اعلیحضرت امپراطور فرانسه عزیمت
 نمانیاریا فرمایش کرده بود و این عزیمت ایشان با آلمانیا باز دید قرال در تمبورق منظور بوده چون
 اعلیحضرت امپراطور روس بعد از رفتن باب کرم شهر دار شده که در لهستان و در تحت حکومت
 دولت روس است رفته و از آنجا عزیمت برلین پای تخت پروسیه نمود و از آنجا بانوآب
 پادشاه پروسیه عزیمتشان بورتنبورق نوشته شده بود در رفتن اعلیحضرت امپراطور
 فرانسه نیز بورتنبورق مراد ملاقات با اعلیحضرت امپراطور روس است

دیگر نوشته اند که عسا کر انگلیس که بهندوستان فرستاده می شوند اغلب در کشتیهای
 بادبانی حمل و نقل میگردند و بجهت عدم مساعدت هوا بعضی اوقات در یک محل مدت مدیدی
 توقف میکنند و بعضی اوقات هم دریا طوفانی شده و دچار اضطراب میگردند و کشتیهای
 فرانسه که باین کشتیها برسیجورد چون از دولت خود ماذون نشده معطل است خلاص امداد
 آنها نمیشوند درین اوقات از جانب علمحضرت امپراطور فرانسه نشردا اعلان شده است که
 که کشتیهای فرانسه در هر جا که بکشتی انگلیس که معطل مانده است برسیجورد بقدر مقدور در
 امداد و استخلاص آنها اقدام نمایند (بقراریکه چند دفعه در روز تا آنها نوشته شده بود
 حکومت سیام که در هندوستان واقع است بجهت عقد مرسته مودت با دولت انگلیس
 و نظریاتی با سفارت مخصوصه بجانب انگلیس فرستاده بود و بجهت رساندن آنها بلندن
 از جانب دولت انگلیس کشتی بخار قره دوق نام با اسکندریه فرستاده شده بود و خوب
 روزنامه که این اوقات رسیده است ایچپهای مزبور از هندوستان بسوی فرانسوا
 از راه آبن با اسکندریه رسیده اند اسم یکی از آنها فراد خراج سنیدج و دیگری فراد قوم
 خلوانع و از اقربای حکمران سیام میباشند) و چنانچه در هر دولتی سرشماری میکنند
 در دولت اسپانیول نیز قرار سرشماری گذاشته بود در این اوقات سرشماری با تمام
 رسیده سی و دو کور و سیصد و چهل هزار نفوس موجوده در دولت مزبور بقرآمد است
 از قراریکه در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند در این ایام در یونان
 دولیه فرنگستان چیزی بوجه دلخواه نشده است و باین جهت روزنامههای کاغذ فرنگستان
 از ایتالیا و المانیا و غیره از مسائل حاضره هند و ملاقات امپراطور روس امپراطور
 فرانسه با یکدیگر و ملاحظه بعضی خیالات که بخاطر برکن میرسد می نوشتند بقراریکه تازه روز
 نامه آمده ملاقات امپراطور فرانسه و امپراطور روس در ورتبوق در اوایل ماه صفر با هم اتفاق
 افتاده است دیگر نوشته اند که درین ملاقات روزنامههای روس و فرانسه اظهار ممنونیت نمایند
 ولی نظریه بعضی روایات درین ملاقات قرار بود که امپراطور استریه و پادشاه روسیه نیز حاضر باشند
 بعد از حاضر شدن آنها استفهام کردید قرال باوید را از جانب آنها سقر شد که با قرال و تفریق
 اجرای و کالت نموده مواد مهمه را مذکر نماید آنهم مجهول الحال مانده است باین جهت روزنامه المانیا اظهار
 تاسف نمایند

در این اوقات در پاریس شخصی موری نام از اهل یکی دینا بجهت فرض مجوس شده و مشا رانیه بجهت
رفع دلشنگی در جلوسه مجوس خائنه شده بوده است قراول مجوسخانه بزبان فرانسسه و
ما بگفته بود که برخیز و میان جس خانه برو آن شخص چون زبان فرانسسه بدانت حرف قراول را
تفهیمه و قراول حمل بر قتل او نموده با تلکی که در دست داشت زده او را بلاک کرده بود متعلقان او
دعوی نموده و بی تقصیر بودن او را بجهت ندانستن زبان فرانسسه ثابت کرده بودند لهذا از جانب
فرانسسه سه هزار لیر پول آنولایت که هر لیر آبی شانزده هزار دینار متجاوز است متعلقان آن شخص
خون بهاداده شد (دولت پروس چنانچه هر سال عا که موجوده دولت خود را در یکجا جمع کرده
باجرای تعلیمات بزرگ پیر و از ددرین سال نیز در او اواخر ابلول اجرای تعلیمات عا که خود را
معین نموده و اعلیحضرت امپراطور روس نیز بعد از رفتن بجا تمامی آب گرم المانی بجهت ملاقات
پروستیه برلین پای تخت پروس غنیمت کرده و بعد از ملاقات با تفاق پادشاه پروسیه
تماشای قشون پروسن و ملاحظه اجرای تعلیمات و حرکات آنها رفتند لهذا در روزنامه های
غزیت اعلیحضرت امپراطور استریه را نیز با تبحر بعد از سیاحت مجارستان بجهت ملاقات امپراطور
روس و پادشاه پروس و تماشای قشون آنجا نوشته بودند) (دیگر نوشته اند که چون قضیه
بند و ستان روز بروز کسب شدت و غلبت نماید لهذا دولت انگلیس قرار گذاشته است که تا
نیز قشون از انگلیس بند و ستان روانه نماید فذری از آن قشون را روانه کرده و بجهت اجتماع با
آن مأمورهای متحد و مجال معلوم فرستاده و قرار گذاشته است که مأمورین از عا کری که جمع کنند
هر کس تا صد نفر جمع نماید بخود او یا اولاد او از جانب دولت مضب بویز با شیکری داده شود) (دیگر
نوشته اند که از حکم داران قب سندم ادفان نام که چند وقت پیش این بجهت سیاحت مدین
رفته بود در این اوقات داد طلب سبب کردن قشون بجهت انگلیس شده از قراریکه در روزنامه
نوشته بودند با دو نفر صاحب مضب انگلیس از لندن حرکت کرده است) (چند وقت پیش ازین
شده بود که بجهت ربط کردن این بجهت صورت و دفع مناره معلومه از جانب دولت انگلیس سفیری با چهار شتی
مأمور شده بود در خیزران گذشته بشهر مانگان چین رسیده و از آنجا بیکرگاه نزدیک پکن پای تخت چین
قرار مجاهده نامه داده نموده اند که در ضمن آن ترصیه و دولت انگلیس بعلی آمده باشد و آنچه تجارت انگلیس
درین جنگ و برهسم حوزو کی خرت و زبان کشیده اند از جانب دولت چین تدارک شده
معاهده نام تنظیم باید

۲۳۴۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۲۲ ربیع الاول مطابق سیل سیلان



اجبار و احکام ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از آنجا که در هر دولتی تعیین و لیعهد علاوه از آنکه تاسی بسن سینه نبیا، مرسلین صلوات الله علیهم موجب اطمینان قلب عسرت و آسایش و آرامش مملکت و حفظ امنیت خواهد بود بر ذمت همهت جمیع ملوک و سلاطین لازم و فرض است که در بدایت سلطت تعیین و لیعهد دولت را مقدم و ابرم و انرم بر همه امری بدانند لهذا رای و اراده جهان رای اقدس شاه ایون شاهنشاهی صان الله تعالی ایام شوکت و عین تقویت که فرزند سعادت و تمدن سپهال خود نواب استطا بشرف ارفع و الا امیر محمد قاسم خان را که از حیثیت رشد و قابلیت و فطانت مقدم بر سایر اولاد و نوایا و کان سلطت است بولایت عهد سلطنتیه و دولت علیته سرفراز و باعطای این موهبت از جمیع شاهزادگان عظام مخصوص و ممتاز فرمایند تا در شب دوشنبه چهارم شهر ربیع الاول ۱۲۷۴ مطابق سیل هایون فال نیلان نین ترکی آن کوهر سلطنت و تاجد و جوهر شرف خلافت و جهاننداری غرض غرضین شجره طیبته خلافت صلها ثابت و فرعمانی بها و در همین دریای جلالت و اتقویین ولایت عهد قریب اختصاص و ابرم فرموده یکقطه حقیقه مکمل بالیاس و یکدوره کمر مرصع با نظام یکثوب جبهه دوره مراد مرصع و یکثوب قبای دوره مراد مرصع بر رسم خلعت با فرمان هایون رحمت فرمودند و نشانی ستاره و از درجه اول مخصوص خانواد سلطنت وضع شد که تمثال هایون در درامه وسط آن مرتب شده است و حامل آن هم آبی است جناب جلالت تاب اشرف امجد اکرم صدر عظم افخم آن شاهزادگان مکمل بالیاس هم از حیثیت زرگری و هم از خوبی الماس کمال داشت حتی پیشکش حضور هایون نمودند و سرکار اقدس هایون شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطنت همان شاهزادگان تاب اشرف معظم رحمت فرمودند و حکم هایون شرف تقاضا مقرون گردید که در عین

۲۳۴۵

خلف خلافت و شرف شرافت مهیب موهب منسیج مکرمت اهل دار اختلافه باقیام از خاص و عام ملایم
عیش و سرور قیام نمایند کافه انام باوارم عیش و عشرت قیام و اقدام نمودند و درین سوره بر سر و از نزهت
و دور مردم مخالف و موالف هر کس از هر صنف و طبقات مردم که در استان رستان نواز بود قانون
نشاط عیش و انبساط راهمدستان آمدند و مردم با این بندی شهر و چراغان و آتش بازی عیش و سرور
کردیدند چمن را آغاز خریف بود ولی انجمن ساز و برک ظریف بلبلان خاموش بودند و مطربان در
در میدان ارک مبارک در برابر طالار سردر میدان بدستور العمل مقررت بخاقان حاجب الدوله
عریض و وسیع سببه ستونها منصوب و طاقهای مرتفع از چوب استوار نموده گنگره و مد اخلها بر
آورده جمیع ستونها و طاقهای دور تحت را آینه نصب کرده بودند و کل اطراف از طبقه بطبقه
و کیلاکس و نتر و قنادیل الوان و شموع و چراغهای متحد ذفرون از شمار زیب و زینت داده چنانکه
در سطح میدان که از فرونی چراغ رشک سپهر بود آن تحت منبرله برج میزان می نمود و مسواره
ارباب طب حضور بایون بود و دور تحت وسط میدان را که توپ مروارید و خند عاده توپ
مشهور دولت در روی آن تحت است عالیجا میرزا حسین میررشته دار قورخانه مبارک که این بندی کرده
اطراف آن راهمد جانباصله و ذرع ستون زده بطریقی خوب طاق بندی و گنگره و مد اخل بر
آورده جمیع ستونها و گنگره و طاقها را آینه بندی کرده با جامهای آینه الوان مزین نموده و اطراف از چراغ
کرده نتر و کیلاکس و چند چراغ و قنادیل الوان و شموع فراوان گذاشته بودند که در همان اطراف تحت
و بالای آن که دوران قریب صفت ذرع بود متجا و زازنه نهر چراغ در بر شستی افروخته میشد و اصل
میدان را بدستور العمل و فرمایش نواب والا محمد تقی میرزا حاکم دار اختلافه مبارک و مقررت بخاقان
موسی وزیر عالیجا محمود خان کلانتر چهار چایان و هشت قسمت مساوی تقسیم نموده بکده خدایان محلات
محوال داشته هر کده خدائی داد و طلب شده اطراف هر قسمتی را از چوب سرو و ناصب کرده فرش آنها
بقاعده درست بطرز ما و اشکال مختلفه چراغ چیده بودند و بر کل چوبها و سروهای اطراف نیز کیلاکس و
و قنادیل الوان زده بودند جمیع آن میدان از فرونی چراغ در نظر نختی آتش سوزان مینمود ولی در
سبان تشکله خلیل رحمن بود و برج نقاره خانه چون عین الثور نزدیک و دور را روشنی می نمود
چنانکه تعداد کواکب از حوصله قیاس و حدس و تخمین بیرون است چراغان آن میدان نیز از آن
متصور اید افزون بود ولی از مباشترین آن که مسموع شد بعضی بنقاد و پار هشتاد و بعضی تا صد
چراغانی میدان را مذکور ساختند و باین قسم از شب چهاردهم نجابت شب مفید هم که خید سعید نمودند

۲۳۴۶

جناب خاتم النبیین صلی اللہ علیہ وآلہ اجمعین بود همه شب این اوضاع چراغانی فرہم بود و دید
 شبها از اول شب تا ساعت پنج از شب گذشته بعبور و مرور و تماشا چنان قریب پنجاه هزار مخلوق
 آمد و شد میکرد و از حسن مراقبت و اهتمام مقررت انجاقان علیقلی خان میرنجه که تازه منصب اجودان
 عساکر منصوره سرافراز شده است چنان اعیانیت و آسودگی بود که احدی زبان طعن و لغت شنیدن
 خود نکند و دشمنان کهن اگر بودند چون یاران نورسیده بهم پیوستند و دوستان نوگزیده در کمال
 بی با و تمسختند در کمال اعیانیت و آسودگی با نهایت ذاعت آمد و رفت میکردند و از نیروی طالع
 فیروزی مطالع عالیون اعدال هوادرین چند شب سجده بود که با دریا بوجراع دست نظام اول نبود
 و شغل چراغی رسم منظمی نمود با کمال اعدال و سلامت و خوشی و استقامت گذشت در شبها
 نامورین دول متحابه که در دارالخلافه مستند تماشای چراغان و تشریفات می آمدند جمیع اهل شهر
 بازار را آئین بسته شبها بطوری با کمال شرف و سرور چراغانی میکردند که بهر بازار و کاروان
 کسی برای تماشا میرفت و بسیار در نظرش خوش می آمد بجای دیگر که میرفت بدین جهت
 از آن راه می نمود جنابان سفرای دول خارجه که معین دارالخلافه مستند محض باس مودت و
 اتحاد با این دولت جاوید نهادند و نیز در این ایلی بطوری در خانهای خود چراغانی و تشریفات
 کردند که فانی هیچک از اعیان و اشراف بان خوبی چراغان و تشریفات نکرده بودند و در شب
 آخر که شب عید مولد بود جناب جلالت اب صد اعظم خشم بکار و اسناد بازارمانی که
 خوب چراغان کردند که از سایر جاها امتیازی داشتند از قبیل سبز میدان جلوارک و تیمچه
 مقررت انجاقان حاجب الدوله و کاروانسرای امیر که حجره عالیجاه ملک التجار و اغلب از تجار
 ترک است و تیمچه عالیجاه حاجی علی کرک یراق و بازار تشریف برده بحسب کسب و صنایف
 و تجارتها رفعت و ملاحظه بسیار فرمودند و نظر باینکه در شب خانه نوات والا احتضاد سلطنت
 علیقلی میرزا در میان بازار است و آنجا نیز خوب چراغان کرده بودند بخانه نوات مغزی ایلی
 تشریف بردند و درین چهار شب در شب چهارم عالیجاه موسیو کریش معلم توپخانه
 و در شب پانزدهم عالیجاه میرزا حسن سر رشته دارفور خانه و در شب شانزدهم عالیجاه
 میرزا بابا مباشر فورخانه و در شب مقدم عالیجاهان میرزا بابا و میرزا حسن شترگا تشریفات
 خوب و بسیار آورده در حضور عالیون در میدان بزرگ که چراغان بودند آتش زدند و این سرفراز
 از تشریف طلعت طوکانه منقح و سرافراز گردیدند و همچنین قورخانچی بانی که درین جشن در تشریفات

۲۳۴۷

کردند مورد الطاف و انعام و خلعت گردیدند و درین چهار شبانه روز در نقاره خانه همیشه نقاره و کرنا می نواختند و تا
 گوید و بدین این چراغانی و تشریفاتی در شبها بود و آن در روزها روز اول که چهارم بود حسب الامر الاقدس بدستور
 جناب جلالت تاج قوام الشوک البهیة نظام اللدوله السیة اعتماد الدوله العلیه جل امجد اکرم صدر ام عظیم فخر و معرفت متعجب
 حاجب الدوله و جمیع علماء و فضلاء معروف شهر با امر و انامی دولت علیه و سفرائ دول متحابه حاضر در دارالخلافه در
 چاکران و دربار سپهر مدارج ایون پادشاهی و تجار و معارف و اعیان شهر و کسب را کلاً و عده خواسته و عمارت مشهور
 بطبانی که از عمارت وسیع مشهور و معروف پادشاهی است بالباسهای رسمی درباری حاضر شدند و رطالار بزرگ
 که طالاری است بسیار عریض و وسیع و محل نشین دولت نفاذ است که در مجلس بقاعده و نظام بنشینند جناب
 جلالت معتبری الیه و جناب جلالت نصاب نظام الملک و علما و شاهزادگان عظام و امر و اعیان و ارکان دولت
 در مقابل آن طالار طالار دیگر است که جناب وزیر امور خارجه و جنابان سفرائ خارجه نشسته و در جنبین آن نیز
 اطاق بسیار بزرگ در یکی نتیجه الوزر العظام معترب انخافان وزیر لشکر باروس می عاکر نصرت تأثر و لشکر نوین
 و در اطاق دیگر معترب انخافان سیر زاموسی وزیر دارالخلافه با تجار و اعیان و اشرف شهر و کسب نشسته بودند
 انعقاد مجلس جناب جلالت تاج شرف امجد صدر ام عظیم فخر از مجلس علما و شاهزادگان و امر و اعیان و اعیان و اعیان
 دول متحابه بطالار یک نشسته بودند تشریف بردند چون کثرت جمعیت بحدی بود که در جمیع این طالار
 اطراف محتاجی بالا خانها کنجیدند و خواستهای حلیات را در حیاط چیدند و حیاط را مفروش ساختند جمعی کثیر در حیاط
 بودند و شیرینی و شربت و آوان بقدری آماده و جیتا خند که علاوه از آنچه در آن مجلس صرف شد بعد از انقضای
 مجلس برای کل نوکرهای معروف هر یک یک خواجه حلیات ممتاز سخاهاشان و دستاوند همچنین توپچی و سواره فوج
 که در کباب حاضر بودند کلاً و طراد میدان ارک حاضر بودند و حوضهای متعدده پر از شربت کردند که جمیع مالی قسود
 سهل است که معادل آن قسود هم از مردم متفرقه عبت و بری سبیل فقیر و غیره شربت خوردند و بکل قسود حاضر
 رکاب مبارک حتی آنها که در دروازه یا جابای دیگر و اول بودند یا مریض در مریض خانها بودند که نتوانستند
 میدان شوند بهی انعام مرحمت شد بعد از اجتماع مالی مجلس صرف شربت و شیرینی صدلی گذاشتند و اعیان
 ارفع و الا و بعد تشریف فرمای مجلس گردیده و در وسط عمارت در روی صدلی استیادند جناب جلالت تاج
 اشرف امجد صدر عظیم فخر هم با سایر مردم از شاهزادگان عظام و امر و انامی دولت و سفرائ خارجه و محترمین
 و اعیان و اشرف که متجا و زار پانصد نفر بودند علاوه بر نوکر مردم و متفرقه اطراف استیادند غیر از علما که تجبه حرام
 مسطره در میان طالار طبانی در پناهی نشسته بودند سایر حضار مجلس کلاً در میان حیاط در سر پاستیاده سفرائ خارجه
 محض رعایت احترام نواب مستطاب اشرف والا و جناب معزی الیه حضور بهم رسانیده استیاده فرمان مبارک را که سوادا

۲۳۴۸

از قراری که در ذیل نوشته شده جایگاه مقرب اخاقان میرزا قاسم مستوفی لسان الملک متخلص به سهر بصورت
 جلی بختی خوانند که جمیع مردم که در آن عمارت بان وسعت حضور داشتند شنیدند و همگی باو از بند مبارکبا و گفتند و
 اشرف ابجد صدر اعظم بعد از بوسیدن دست و پای مبارک سرکار اشرف رفیع والا و لیعهد از شدت وجد و سرور
 الفاظ و در مجلس رایت داده پیشه دمانی فرمودند که بت الله در زیر سایه پناه سرکار نواب اشرف والا و لیعهد
 خوانند رسید و خدات عمده در دین و دولت و کباب مبارک پادشاه خوانند کرد و بعد مردم باو از بند عظمی تقابلی
 مسعود هالیون بسگزار این موبت بان کشوند (سواد دستخط هالیون که در بالای فرمان و لیعهدی نوشته شده
 این است) (بهو العالی الغالب فرزند گرامی امیر محمد قاسم خان میر نظام که از اول طوالتی الی حال
 یافته و تربیت کرده دست هالیون مات و هماره از ناصیه طاعت او امانا و علامات جباری و در جنبه اطاعت فرمان
 ظاهر و پدید آمده و نیز میل طبیعت بر این بود که او را از جمیع اولاد خود مان برتری داده پایه فتنه را از همه بالاتر برقرار فرمایم
 لهذا در ده اسفند نیلان ۱۲۷۴ هجری فرزند ارشد از جنده در انصب و ولایت عهد که از اعظم مناصب این دولت علیه
 فرمودیم اولاد آن فرزند عزرا بخداوند لایزال سپرده امید داریم که در حال معین آن فرزند باشد تا جمیع اهل برتری
 صغیر او کبیر که خداوند تعالی با سپرد دست بان فرزند پسریم که در حق ایشان برافت و عدالت رفتار کند و در
 شتاب جناب صدر اعظم که چاکر این قدیم محرم مات در رعایت و تقصد حرف شوی از غفلت نماید)
 سوا فرمان و لیعهدی این است آنکه سلطان ممالک امکان و سلطنت بخشای ملوک جهان مقدر از من و عنود
 منصور اعیان وجود و انامی بخان و آشکار بنیای خیمات اسرار الهی بعد فلایری و قرب فشهد النجوی تبارک و تعالی
 با قضای حکمت باله سبحانی و نعمت به ربانی در هر عهدی از عهد و ماضیه و هر قرنی از قرون خالیه نظام امور ارضین را
 سلاطین عدل این منوط فرمود و در راه انام و عباد و امان امصار و بلاد را در ضمن این تقدیر و ولایت که است
 جلکم ظالیف فی الارض و رفع لعنکم فوق بعض درجات درین عهد فرخنده همون و زمان پانیده هالیون ما هم که
 خیم شوکتش با داد خلود بسته باد و دوام شستن با جلال او پیوسته تیرا عظم ذات کلی صفات را برای شایسته
 عدلت و بطاضوا کرمت از مطلع جاه و جلال فرزند و دطالع و از شرق عز و اقبال درخشنده و لامع فرمود
 بتایدات کامله ایزدی ممالک فیجه ایران که عدل تبعاع جهان و تحکام ملوک کیان است آقا صبا کسرتیم و هر ذره
 ندانم فصل ربی لیسلونی و اشکرام کفر بگزاره چندین نعم والا و حمد اینها افضال والا که قیاسش توانیم و سپاس
 ندانیم بر ذمت همه خندوی فرض کردیم که چند آنکه منرا در نصف شانه و در خور رفت ملوکانه باشد در اقامه
 انصاف و دادمانه مواید الطاف در رفع آمار اعتساف و دفع الطوار اختلاف و تشید بنای عدل و داد و اعلا
 لوی صلاح و سداد جهد موفور و سعی نامحصور منبذول فرماییم تا سپاس حق جل و عزاکر یکی از هزاران رسید

۲۳۴۹

نشود لاجرم کلی از بهاران چیده آید که المیسور لالیقظ بالمعسور و چون جزو اعظم و مشروط عمده و اهم در سلوک این
منهج قویم و رعایت این طریق مستقیم حفظ کوه برین سلطنت از ضیقت و زوال است و حیانت این امانت مخدوم
از طریق اختلال و جعلها کلمه باقیه فی عقبه لعلم بر چون تا خلق خدا بعد از هدایت مبتلا لغوایت نشوند و عیب الاثن
و الرفاه فرسوده و تباه نکرند دین بدولت قوی گردد و ریاضت شاداب در روی آید حصن حصین محکم مصون
از فت و اجانب شود سما علیای دولت بمصدق لایستون الی الملا الاعلی و یقذفون من کل جانب اگر چه
تعالی و منه العظیم دیده امانی ملت پاک و متقدین شریعت تا بناک علی الصادع بها اسلام ما دارت
عموما بقدر وجود ما بون ماروشن است و در غرار آمل آنها از شرح امطار حسان مارشک باغ و
آسوده از باک و بیمد و غنوده در عهد عیش و نعیم ولی خواستیم عیون طمع را بنجاک یا بسیم
و اعناق حرص و آرزو با تیغ باس بر انگشیم دست غضب و عدوان را در آستین حرمان
گذاریم و پای نبی و طفیان را در دامن خستمان بدریم سلسله دولت چون عقود صلوات مار
انصال شود و شمع شوکت چون مصباح اقبال ما و رملعان و اشتعال چشم فتنه بخواب
رود و بنای شهر و فساد خراب شود لهند درین زمان سعادت ضمان که سعود
بحرام عسکریه مستولی و نحو س از مظالم ساقط است حشره و بسیار کان بحسن
و میامن این بیت حسنه شاخوان است و مشتری بدعای حسن احتشام این اوارده سینه
فخر از فخر آسمان نماید الواح بشروار تباح را مشور دارد و زهره عقود رو اهر
کو اکب را مشور مینماید تبارک و تعالی قره با صره خلافت و هشتاد یاری و غمزه
ناصر سلطنت و تاجداری عضن لطیب دوحه جلالت و آیه رحمت لوحه ایالت
نور حدقه اهدت و اجلال نور حدیق شوکت و اقبال سلیل بی بدیل و نس نبی فزید
ار حمنه کرامی نور چشم اعز نامی قاسم خان امیر نظام را که امارات لاسج است و
احتشام از جنبه جلالتش چون قرص ماه در شب و یجور تا بان و مانند رایت فتح در
میان شکر مضور نمایان است و رسم در زمانیکه صبی مهد بود و سزای آن است
که و لبعده شود ولی بلا خط مصباح چند آن نور چشم را منصب جلیل امارت نظام
که عمده و نخبه رایت عظام است سرافراز فرموده طور ابعده طور منظور
نظر تربیت و اصطناع و وجه قبول و استیحسان فرمودیم و این مقام
محمود را مبعود و آئینه احکام صیفا در حق او اعطاه بدرجه اعتبارش فرودیم

۲۳۵۰

حکم ارباب الهی و ملهون بفرات غزم با یون و اسحاق متامی هسل مملکت از
 نقبان سلطنت و مقربان حضرت و هواخواهان دولت و علمی دین
 مبین و روسای شرع متین منصب جلیل و مقام نبیل و لایق عهد
 سلطنت و رتبه رفیع و درجه منیع وراثت تاج تخت خلافت که منح
 مقامند و رفع درجات اعتدال مبارکی و میمنت و فخر خدکی و
 سعادت سرفراز و مفتخر و این و دلچسب به لیب و در مکنون دست
 محزون را بر ای کلمه دولت و ادلای تمام حجت مدخر فرموده
 او را از متامی زادگان سلطنت و نو با دکان خلافت برگزیدیم
 میان او و یکین دولت حدی فاصل گذاشتیم و ما بین او و سایر
 حشمت سدی حایل گذاشتیم و جناب جلالت مآب نظام
 الهی و والد و الاقبال قواما للعز و العظمة و الاحبال
 اعتماد والد و له علیه اعراض الشوکه بسینه اشرف امجد
 ارفع صدر اعظم فخر میرزا آقاخان را که با صواب
 رای ثاقب اد دولت قایمیر ایران را حمال و بهجتی
 رسا به وعدتی لاسخصی حاصل است ممالک محروسه را
 پایه اعتبار و عزت بالا رفته و ما به شوکت رونق و نما
 گرفت است همچنانکه در سباط هبت و سلطنت با یون ما
 بپای بلند و مقام از جنبد و کالت مطلقه مفتخر است بکفالت
 و زنده معزی الیه نیز سرفراز و مبره و فرمودیم و بدین طراز جلی که مکل
 هر زیور و حسنی است جمال و اقبال فرزند معزی الیه را از ایشان افزودیم
 تا نال دولتش در جو یبار تربیت ملوکا نال شو و نما یا بد و پایه حشمت
 قصدی ارتقا کرد و سن سنیه ما را مقتنی شود آثار علیته ما را مقتدی
 آید به آنچه مرضای الهی را جالب است اعتبار جوید و از هر چه نه بود
 رضای اوست احترام نماید تقسیم کلام در امینگونه مقام برای جمع
 و سلب ذنایم و سیاست ملک و حر است خلق و طبش سجا و رفق بسزا

و قبول پورشش و عفو لغزشش و عقوبت ظالم و اعانت مظلوم و دیگر آداب حسب اندازی و رسوم
شهریاری کافی است و نقد از احوال جاگران بزرگ محترم که حقوق خدمات ایشان همواره در نظر
همایون با صلاح و مراتب محاشان در مراتب ضمیر اقدس اعلیٰ نمودار و واضح است و کذلت پهلوی
خدمات کل عزم و حق گذاری از فاطمه حشم و رعایت عموم رعایا و برابری و ادب حضرت کردگار
قدیر و صنایع قلم نقد بر نوازا عظم مقاصد است همایون پادشاهی و اقدام موجبات مرضات
الهی و مایه فوز و صلاح و باعث رشد و صلاح خواهد بود ولی در دو خصیصت بزرگ از تقصیر بیجا
ماعت نشاید و از الزام با همال کفایت نباید کی تو غیر جانب علما و سادات و فضلا
ذوی الاحرام که حیات شریعت اسلامند در رعایت تمت حضرت سید الانام علیه وآله
الصلوة و السلام و دیگر حفظ رسوم مسلم و صفا با ذوال دست کامل الولا که موالیان معاظه
و دوستان موافق و در ولایت عهد نفس زنده بهمال با نواب همایون ما هم رای و
موافقت و در ام و استمرار این منظور مبارک را بیل و شایق لاجرم زلال بودت
ایشان را از غبار کدورت صافی باید داشت و مواثیق و عهد و پیمان را پیوسته
مراعی و موافق باید بود تا از زمره الذین یفقدون تعهد من بعد میآ فهم خارج و بمصدق
و الموفون بعد هم اذا عاهدوا و اخل شونند چرا که از آن بکت اعلام دین را فرشته و از این بکت
غبار کین برداشته خواهد بود با بد بدلول بدانکه تنبنا بملوک علیکم بالحق کل اعلام و احوال
گرام و مکتبسان دولت ابد فرجام و وزیرای فحام و امراء عظام در بار کردون چشم
و خواص حضرت خدام آستان معدلت آیت و رؤسای شکر و حکام و ولات کشور و کافه
خدم و فاطمه حشم و جمیع امالی مملکت از دور و نزدیک و نزدیک و تا حکمت فرزند معتمدی الیه را این
بالاستحقاق سلطنت و وارث گاه و در هم خلافت و ولیعهد دولت ابد آیت دانسته
ادامه و احکام او را نالی و امر پادشاهی و خلف عدول اعظم کباب و مناهی داشته در عهد
شاهسند تجرانی شهر ریح الاقل شده در ازاء رحمت مقرب انجانان میرزا قاسم توفی
سان الملک که در مجلس فرمان همایون را خواند موازی یکیش جبهه زمره از جانب
ستی انجوانب همایون برسم خلعت در حق مشار الیه مرحمت کردید و همچنین مقرب انجانان
میرزا عباس خان نایب اموردول خارجه که فرمان همایون را نوشته بود و بعایت و عطای یکیش
جبهه زمره و یکصد تومان انعام نقد مقرر آمد و در این ضمن چون وزارت نواب شرف مزی الیه سبحان

۲۳۵۲

جلالت نصاب نظام الملک رحمت شده بود مشرکان همایون بدین موجب قرین اصدار کرده و
آن بدست مبارک توشیح کردید که همان مجلس عام دستخط مبارک کوشش زد و موافق عوام کردید
سواد دستخط همایون میرزا کاظم خان نظام الملک از نوکران فاضل تربیت با سخنان مخصوص است
همیشه در حق او و الشاهنهای بزرگ شکر موده ایم و لازماً سیرافرا نشنمتان و مستحود شکریم اکنون که دولت
عظمی را بوجود امیر محمد قاسم خان فرزند ارشد کرام خود مقرر فرمودیم اورا نیز وزارت و پیشکاری
آن فرزند سرشهر از فرموده از همگانش برتری شکر مودیم البته در خدمات فرزند ارجمند ما و بجهت خود داری
سواد فرمان وزارت پیشکاری جناب جلالت نصاب نظام الملک از استقرار است
الکة بعد از تعلق رای جهان آرای قدس همایون که گمانه بغویض ولایت عهد سلطنت و در اشتیاق
و محبت خلافت بپندده استحقاق و ذمه استیصال نوح چشم انوار جند جهان صبح شکوه روح مصباح ابواب
مشحون قره باصره سلطنت جهان داری غره ناصیه خلافت و شیربازی بکانه فرزند والا کرامت قاسم خان
امیر عساکر منظومه نظام و سپس از فراخ از تهنه مژگانات این مهم فرخنده آغاز محبت انجام عزم همایون
و نیت سعادت مفرون تعلق ثانوی بر آن گرفت که همچنانکه فرزند اسعد کرم مغزی ایله را در سنگ شادمان
حقانم در زره فرزند ان کرام بر کردیم و بچنین نوموت عظمی و عظمت کبری مخصوص شکر مودیم کی از اجله جا کران
در بار و افخم بندگان حضرت عظمت مدار را هم که قامت قدر و اعتبارش بزبور قبول آرزویش پایه عزت
و افتخارش با لطف خاطر قدس زنی فرایش آفته باشد برای وزارت و پیشکاری فرزند اسعد مغزی ایله
شعب فرمایم تا بدین واسطه مرام شما نه نسبت با فرزند کامل و عواطف طوکانه را بدرجه قضوی متوصل فرمود
باشیم در احوال کار عهده عهده خلافت اعظم شده سینه جلالت بک نظر فرمودیم ذات صداقت سمات
بشخص جلالت صفات جناب قامت نصاب بنا کردیم و شامت کتاب آیت مناعت مشایخ فدی زاده
خاص دولت جاوید و ارفیق جبار کردون مدار شخص و قوم دولت نیه میرزا کاظم خان نظام الملک
سرافراز این پایگاه منبغ و شایسته چنین جایگاه رفیع آمد زیرا که علاوه بر ارادت فطری صدقت
جلی و کرامت حسب شرافت نسب که در هر کدام از این کمال حاضر فصاحت سبانی و در هر یک از این اوصاف
بکانه و طاق است از بد و جوانی و عقول ان شایب نیز نهال چو دشت از تابش آفتاب رحمت نشود و غایب
در رس جدانت و عهده بی در محافل کسب علوم در ملک مغربان مانظوم و در میهن افتخار او آیت طرف خطاب
ما بوده است و نیز بواسطه ملازمت حضرت که همیشه رسوم بندگی را مراقب شرایط خدمت ما موطب بوده است
پشتر از سایر جا کران آستان سلطنت همایون ما را تجربت کرده و بر دقایق مضمرات صغیر نیز موفق رسیده است

۲۲۵۲

تقدیر عبادت از بونه امتحان خالص دستگیر ارادتن از محک تجزیت سره و صاف بر آید هست و از عبادی سلطنت
 روز افزون هم که مصدر عمام عظیمه و منشا امور خطبه شده و امر حبل وزارت لایات و ریاست و فر معالمت
 کل ممالک محروسه بگه بعهده او محمول بوده نظم و انی در ربط کامل و کافی داده و فضلا علی ذلک از کثرت
 مهارت بهام مملکت چنان جزئی بمهر از دقایق و رموز دولت بهر ساینده که دیگری را با او مقام
 مسامت و پاریت باقی نمائده است لهذا با تقضای لایات و کفایت جناب بشار الیه بصمیمه حساب
 عقبه و بدایع منسجمه که اکنون در دولت ابد قرار در عهده دارد منصب وزارت و پیشگاری فرزند
 اعزاز محمد معزنی الیه را نیز با و محمول فرمودیم و چنانکه فرزند معزنی الیه از سگت فرزندان کرام برگزیده
 شد جناب بشار الیه را هم از زمره چاکران در بارهای یون باین استیاز جلی فرین افتخار چشم
 که در نظم و نسق امور در رفیق و مشق عمام فرزند معزنی الیه لوازم اینهام و مجاهد ماکلام بعمل آورده بدینجه
 شایسته ارادت و سزاوار صداقت بدانند عمل نماید مقرر آنکه کل اعمام و احوال کرام و متبسان
 دولت ابد فرجام و وزیرای فحام و امانی در بار کردون چشم و خواص حضرت خدام آستان
 معدلت و رؤسای لشکر و حکام و ولات کشور و کافه خدم و قاطبه چشم و جمع االی مملکت
 از دور و نزدیک جناب بشار الیه را وزیر و پیشکار بلا استقلال فرزند معزنی الیه
 دانسته در عهده شناسند بخیر لطف چهاردهم شهر ربیع الاول سنه

و بعد از آن سفر ای دولت منجابه خدمت نواب شرف معظم الیه آمده مبارکباد و کلمه خدا حافظ کردند
 از آنجا با اتفاق جناب جلالتنا ب شرف امجد اکرم صدر عظیم الفخیم و جناب زبیر امور خارجیه شرف
 حاجکای همایون کرده مبارکباد کلمه مخص شدند و این مجلس باین جمعیت و کثرت سجد می نمودند و چنان
 عالی از همه بود که در عمارت بان وسعت فرمان مبارک که فراشت شد کل مردم از دور و نزدیک شدند
 و بعد از آن علمای و فضلا از زیارت حضور همایون بهره ور گردیده مبارکباد و کلمه معاودت نمودند از آنها
 پس سرکار علیحضرت اقدس همایون شایسته هی خلد الله لکه بسلطان بدو انخانه بزرگ در ردی تخت بر
 بیلام عام نشسته سلامی در نهایت سکوه آرسته شد جمع اعیان و ارکان دولت و چاکران حضرت
 یا با سهامی رسمی در باری در سلام حاضر شدند بعد از فرمایشانی که در لزوم این امر خطیر تعیین بعبیدی
 سرکار علیحضرت همایون شایسته هی ابد الله علیه و ابد الله علیه بجناب شرف امجد صدر عظیم الفخیم فرمودند
 و جناب جلالتنا ب معزنی الیه جوابهای شایسته بعرض رسانیدند بعد از آن سرکار علیحضرت اقدس همایون در
 مقام اظهار رحمت بجناب جلالت لصاب نظام الملک بر آمده فرمودند که خوب تربیت شده و از عهده

خدمات مرجوع بطور ثابت بر می آید جناب معزنی البتة عرض کردند که اگر چه خدمات این بنده فاضل عرض حضور
 مبارک نیست لکن حالاکه محض مرحمت معقول خاکبای مبارک افتاده است فلذا او بسم باید ناسی کند و البتة در خدمت
 بنو انداز عمده بر آید و من نشاید ابداً فاطمه در ثانی سه کار اقدس بجا یون نیز اظهار حال مرحمت بجناب
 معزنی البتة و جناب نظام الملک فرمودند بعد خطیب خطبه خوانده عالجاه شمس الثرا نیز نصیحه در توبت عرض
 کرده بود خوانده سلام نگه شد وقت عصر آن روز را ساعت بغروب نمانده سه کار اقدس بجا یون بطا
 سه در میدان ارک تشریف فرما گردیده اهل طرب بجا عده اعجاب بزرگ بلکه تمبر و پیشتر بجا اوزم طرب مکتب
 و عشرت مهادرت چشمه بود دیگر که روز پانزدهم ماه بود بغدیر بکصد و پنجاه نفر از اعیان و اربکان و امرا
 و اعیان و رجال دولت را جناب جلالتاب اجل امجد اکرم صدر اعظم انجم وعده خویش در عمارت طناب مینا
 دعوت نموده بعد از حضور اهل مجلس ارباب طرب مخصوص نیز احضار کرده بلازم عشرت و شادمانی
 مشغول گردیدند و در همان مجلس کتوب تیرم نام بود که دوره نشد و در ششمه مرضع خلعت وزارت جناب
 جلالت لصاب نظام الملک از جانب ستی بجا یون مرحمت شده در آن مجلس بجناب جلالتاب معزنی
 آورده زب برودش خود نمود و وزیرت مجلس عیش از زود بعد از آن نصیحه فرآ در کمال فصاحت عالجاه
 میرزا مهدیخان فشی باشی نظام گفته بود در مدح جناب شرف امجد و این عیش مبارک چون بسیار خوب
 و مطبوع بود بعضی خاکبای بجا یون نیز رسیده سخن و معقول افتاد لهذا آن نصیحه در اینجا نوشته شود و آن است

۲۳۵۵

جان نثار و جلال بصر محمد جلال
 طراز سند اقبال صدر زینت خصال
 جهان کسک عید کار این اهل
 نایب خرد جهان و خط خصال
 بیگاه ناسوده ماندا می زین
 بدست ملک استند در اقبال
 زب می زینت کرمی که می کند
 را بکرد و شیر زبانت از خصال
 کشته فرستند از این مقام فرج
 در کشته او جا که نصیحت خصال
 کمان دست زب می خصل
 کند او است به خصل خصل
 کشته مطوت بکش قلم بختنا
 کرد ز عین شمس سبز بخت خصال
 که تبت او عین است فروری
 که روز و شب پیش سید و با
 ز حسن صورت خصل او است و در ک
 چنانکه ز بهار اشیم باد خصال

ایستوده خصال که تمام بکمال
 ز صاف باوه جان است خصال

خیال کردم زوری که در جهان آرم
 مکار می که زار است از بجزم و درم
 شنیدم از خود شکوه آن که بکند
 ازین تصور باطل زین خیال
 غم زنت بجا بگشاید که درین
 و حال غمی که در خیال
 ملک بستی آیین زنت بیست
 درین فضیله که بد است بیست
 غم ز باغ زین بکنه بوی آن بر
 شوره است زاندا از در خیال
 زنگ زین بجان غم است کونیا
 باید بایر کردن آن
 که در وجود تو فایده است از ضایع
 که جزو های او این زین خیال
 بزرده و گل و فکر آرزوی تو
 بجز اطاعت تو فایده در خیال

سزای آنکه بگذرد ز تو که کس
 گشت خدیو جهان ز جوید خیال
 زمین را می غمی که فضل کرم
 خود بودت دوازده درین خیال
 چه ماندیم از غمت جان که درین
 بجز نظر زنت از در خیال
 کجا که گشته بد رضای قدم
 کجا گشته بد صلاح کمال
 نه گمانت بجا غمت در بویست
 که دیده ملک و ملک بودن خیال
 زینت تو خیال با چهره کین
 جانیکه بود بر از تو بیست خیال
 کنون با خلاف کرفت است کام
 چون احمد ز نفسی کرفت خیال
 هنوز که در کمال کسرت کرد
 زانرا موی نظرت در خیال

هنوز که در پیش تو چه کجایی
 بچین ز تو چون با در خیال
 هنوز که در کشتی باغ درین
 در عهدی کس آن بخت بیست خیال
 هنوز که در کشتی باغ درین
 نماند محو کند کس آن بخت خیال
 هنوز که با بارکان ملک ختم
 زین نقد که ازین او در خیال
 هنوز که بود بویست شوره کردین
 کشته هست در آن خیال
 هنوز که جهان کس بر کردین
 بعد سعادت خست در با بون خیال
 جهان با با صد کس بکشت زین
 بخت جوان بخت مرا می بخت خیال
 اگر موی دولت تو بود کس
 کسی نخواهد دیدن زنت کرد خیال

چون کز کورن بنان کت خواب بود
ببینی خاوند ایندم و درم زوال

بباید و کجای علی بن زینب
بزار بار این بخت کفتم زوال

بپوشد دارد درین بنای حرام
چه نور خشنه درین خرابی زوال

نصد هزار تو صد یکی صد چو او سب
نصد هزار تو زن یکی چو چوای

نایب است کسی فعل صادم از سبکین
نسخه است کسی کار منفرار خندان

ببشر تو بکشت حریف چون بزر
بدین دلیل که خون بجنگد از خندان

از آن زمان که نومی اجماع علی
نشسته بر بزرجا بجا و در خندان

نخوان ذوالکرام و سخن دوست
نبردیم احسان خود بیکدیگر

با بر همه جا ای سجاد فضل کرم
که در شربت این خابین و نوال

بناده بر نور روش از ابر کرم
ز دوده بود تو از روی غم زوال

بنام دولت اجابت کلک قدر
نوشتی بر همه بگردون شکل خندان

با غایت اعدای نیست بیضا
بیده بر همه کسنی ای بس ای بیضا

بعبود نشد سحر ما بعبود
که شایخ طحیم که بود بچوای

مقصود زطلان نشد سخن که بیدانم
بیخ ذات ز باغ غدو و الاصل

دلی بر مع که لام که در شایخ
را یکب معانی غیبی در خندان

و کز پیشین من این با عرض فضل
چنان بدان که خود را ما بود خندان

الا چه است صد در زان از شرف روز
الا چه است سخن در میان از دوسال

بمبدا اضر جاه تو باد و عرش
بپاره که کسب خضم تو باد و در خندان

و مبلغ یکصد و پنجاه تومان نفیسه تصدیه را در دو جا با نعام مرحمت فرمودند پس چهار روز آنجا حاضر
نموده تا عصر مشغول عیش و عشرت بودند و عصر سه ساعت بغروب مانده که سر کار اقدس پها یون
شاهنشاهی ابد الله همیشه بطالار سرد میدان ارگ شریف میردند همگی حاضر شده در سلام سرد در نظر بودند
و بعد از آن مرضی شدند و در روز شام نزد هم جناب جلالت رضایت نظام الملک جنابان سفیرای خارج
و اتباع و صاحبان آنها را در عمارت شایخ که عمارتی است وسیع و درارک مبارک واقع است مشغول
جناب جلالتاب اشرف امجد صدر اعظم الفخیم دعوت بضيافت نمودند و همگی محض ملاحظه آنجا

با این دولت از روی کمال شوق اجابت دعوت نموده با لباسهای رسمی مجلس صیانت خمیشتند
 حتی جنابش اردو فرودس با اینکه فرجا اندک لغات و کمتری داشتند باز از همه زودتر حاضر
 شدند و همچنین سایرین بنسبهای مهربانی را کردند در اول ورود در طاق سمت جنوبی نشستند و
 از باب طرب مخصوص آمده قدری بتغنی مشغول گشته ساز و آواز طرب نواختند و در اینجا جای وقوف
 صرف کرده بعد از ساعتی از آنجا برخاسته بطالارد روی بزرگ که میزنهار گذاشته شده
 نشستند جناب جلالت نصاب وزیر مختار انگلیس در سر میز نوعی باش خاطر و مهربانی خود
 بقاعه صیانتهای فرنگستان در آنجا دوولتین ظاهر ساختند که تقدیم بر همه بستند و جناب
 شارژدفر فرانسه و شارژدفر عثمانی نیز وجود و انبساط خاطر را با علی مدارج ظاهر ساختند
 علاوه از جنابان سفرای خارجه جناب وزیر امور خارجه و سایر نوکرهای معتبر دولت نیز
 جمعی بودند در سر میز موزیکه چنان مشغول نواختن موزیکه و اهل طرب مشغول ساز و آواز طرب
 بودند تا چهار ساعت بغروب ماند و تشریف داشتند و کمال مهربانی را نموده وضع
 و طرز مجلس و ماکولات همه چیز مطبوع خاطرشان افتاده بسیار تحسین نمودند و وقت عصر
 سرکار اقدس هایون تشریف فرمای طالار سردر شده قریب یکساعت را از باب
 طرب در حضور هایون مشغول عیش و طرب بودند روز دیگر که روز مقدم و روز عید مولد
 حضرت خاتم المرسلین صلوات الله علیه و آله اجمعین بودند نیز خاتمه آن عیش قرار
 داده اول صبح را جناب جلالت مآب معظم الیه در طالار باغ عمارت خودشان
 نشسته مردم بیدین عید دست و دست نخدیشان رسیدند و شرافت صابدی که
 داشتند عرض کردند بعد از آن خلعت مبارک که بجهت جناب معزّی الیه رحمت
 شده بود پوشیده بسلام حضور هایون که در دیوانخانه طالار تخت مردم انعقاد یافته بود
 شرفیاب شدند و در سلام سرکار اقدس هایون بجناب معظم الیه از میمنت و
 بزرگی این عید فرمایش میفرمودند جناب جلالت مآب معظم الیه عرض کردند که چه
 خاتمه این عیش جشن میمون و بعهدهی چنین عید سعید بزرگی واقع شد امیدوارم
 که خداوند عالمیان اصل خاتمه عمل و بعهدهی رام در زیر سایه شاه مبارک و میمون
 بگرداند و چنانکه این شریعت مطهره عظمی استوار و استقامت و استقامت یافت
 و الی یوم القیام بر دوام خواهد ماند این دولت و سلطنت نیز تا انقراض عالم درین

۲۳۵۸

خانواده سلطنت مؤید و مستقر بماند و دولت و ملت با یکدیگر موافق و مطابق باشند
و این عرض را سرکار اقدس هایون و کل اهل اسلام بغال میمون گرفتند و پشاه الله
میمون خواهد بود و عصر آن روز را نیز سرکار اقدس شاهنشاهی بطالار سردار
آوردند و لوازم عیش و طرب در حضور مبارک بعل آمد. این جشن هایون بعبادت
مختموم گردید و بعد از اتمام عیش و جمیع خدمتگذاران که درین جشن میمون خدمت
کردند خلف شایسته رحمت شد و نیز سه نفر سلطان از فوج بهادران که در محضر
مصدر خلاف و خیانت گردیده بودند و مقرب الخاقان وزیر نظام آنها را عقیداً
مجوساً بدار معدلت دار فرستاده بود و حکم هایون این بود که سیاست
درین جشن بزرگ از سیاست آنها گذشت فرموده اخراج و مطلق العنان فرمودند
(بعد ازین جشن میمون اسبان سو قانی رسیده بود در روز سه شنبه ۲۲
بقانون بر سال سرکار اقدس هایون شاهنشاهی ابد العبد غنیمت تفریح است
فرموده چون اینهمه کنوع اسباب عیش و انبساط بود منضم بان جشن فرموده تشریف فرما
میدان اسب دوانی گردیدند و بقرار معهود در حرکت موکب هایون و وسط راه و در
بهارت میدان اسب دوانی شلیک زنبورک شده بید قها و کیههای پول گذاشته
شده بود از اسبان اصطلب خاصه مبارک و سایر امر او امانا که سو قانی کرده بودند
و سه ترتیب داده چاکب سواران در حضور مبارک شروع بتاختن نموده اسبانی که
خوب دویدند و پیش آمدند جلوداران و چاکب سواران آنها انعام و حسان گرفتند و بعد
تفریح و تماشای اسب دوانی موکب هایون بهان ترتیب شلیک مبارک مبارک سلطانی
معاودت فرمودند) (اشرفیهای دور بریده سومان خورده و چیده شده که از وزن
کمتر کرده اند و در دست مردم داد و ستد میشود میگویند این اشرفیها را و نفر صرف
دو چینی میکنند و سومان میزنند و میسبند و باعث ضرر مردم میشوند یکی صرافانی که داد
عالیجا و محبت مسرا و میرزا ماشم خان با او دست یکی دیگر صرافانی که داد و ستد
محبت مسرا و اسمعیل خان تحویلدار حراته نظام با او است چون این طور تقبل باعث ظهور
فنا روی نظمی در مملکت و خلاف منظور نظر عدالت کتر اولیای دولت علیه است و
هرگز راضی نیستند بر عبت و لوگران پادشاهی ضرر حرات برسد برای اعلام کل مردم

۲۳۵۹

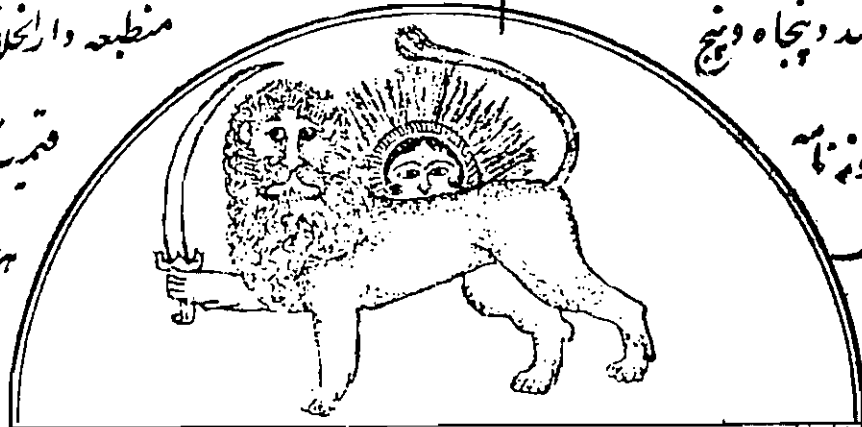
در این روزنامه نوشته میشود ازین دو نفر صرف هر کس پول تجویل میگیرد و همچنین
 اشرفی دورچیده و سوهان خورده و بریده هر یک ازین دو نفر صرف هر کس بدیند
 همان ساعت مازون و محض است که دوسه نفر همسایه دکان آنها را شاپد گرفته
 اشرفی ناقص کم وزن را خدمت جناب اشرف ارفع امجد صدر اعظم بی ماقت احدی
 بیاورد که بعضی او رسیده بعد از ثبوت آن صرف را مورد مواخذه و تنبیه خواهند
 فرمود که برای سایرین عبرت شود که دیگر چنین کار خلاف را مرتکب نشوند (در
 عاجله تراخان نایب اجدان باشی در این اوقات بموجب فرمان مهملان مبارک
 بمنصب سرمنسکی سواره نظام سرفراز شده و در ازای منصب مزبور یکمطابق مثال
 کرمانی از جانب سنی الجوانب ملوکانه با و خلعت مرحمت گردید) (در روز یکشنبه هفت
 گذشته جناب جلالت آتاشرف امجد صدر اعظم محترم میدان مشق تشریف بردند
 و همه افواج دارالخلافه البابره را پیش واداشتند هر کدام که خوب مشق کردند مورد تهنات
 شدند هر کدام بدمشق کردند مواخذه فرمودند بعد از اتمام مشق سربازهای بیرون
 شهر و مریض خانه تشریف بردند از فرط اهتمام مقرب الخاقان علیقلی خان اجدان باشی سجد
 سربازخانه و مریض خانه را پاکیزه و با صفا نگاه داشته بودند که جناب معزی الیه در
 سربازخانه بیرون دروازه دولت نشستند و هتاه صرف فرمودند و بمقرب الخاقان
 اظهار تهنات فرمودند و در مریض خانه هم برضای افواج سرکشی کردند و آنها را انعام دادند
 مراجعت فرمودند) (عاجله رفیع جایگاه میرزا حسن قشی که آدم قابل و نجیب و مدتی در
 وزارت امور خارجه سجدت تحریر و پست مشغول بود اوقاتی که مقرب الخاقان سیدخان
 سرپوشترجم اول دولت علیه از جانب سنی الجوانب همایون مأمور تعلیس و نزد جناب
 جلالت آتاش جانشین فقهار بود عاجله مشارالیه سمت مشی گیری مأمور و همراه او در
 تبریز شده در آنجا سرکشی سجان خود کرده با صاحب مضبان سراه مقرب الخاقان
 مشارالیه روانه محل مأموریت شده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم خسته شه ربيع الثانی مطابق سیان نیلان ۱۲۷۴

منطبه دارالخلافه طهران

نزه سید و پنجاه و پنج

قیمت اعلامات
هر سطر در شهر



قیمت روزنامه
هر نسخه در شهر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون آویای دولت علیه ملاحظه صرف و غبطه دولت و رعیت سابق بر این توغن کردند که تجار شال کشیری
 تا خلقهای دولتی و بیوس محرمین که سابقاً ترمه کشیری بود رفته رفته متبدل شال کرمانی و مشهدی
 باین واسطه آوردن شال کشیری را تجارت موقوف کردند و ازین بگذر شال کشیری نایاب و بطلان
 قیمت رسید لکن آویای دولت علیه باطن این عمل بسیار خشنود مستند و از تجارت خودشان رضامندی
 دارند که آوردن شال کشیری را کم کرده اند که شاید بیوس شال کشیری موقوف و بکرمانی و مشهدی
 شود اگر چه این عمل تجارت برای دولت و رعیت نافع و مفید فایده کلی است لکن بیسبب که مردمان خلعت بکسر
 بعضی هستند که خلعت را محض منفعت و فخرند که شال ترمه میخوانند و تحصیل آن مایه خمت است از جهت قرار داد
 بعد ازین اخصند و قفانه مبارکه بکسر شال خلعت مرحمت میشود از سرداقات حرم جلالت و نیز اداکان عظام
 و امنای کرام ویرین بر کس شال کرمانی و مشهدی خلعت مرحمت شود و مطلقاً شال ترمه با جدی خلعت داد
 نخواهد شد منتها این است شال کرمانی هم در قیمت از شال کرمان تا بهشت تومان متشکل بر کس بالاتر باشد
 در قیمت شال عاریت میشود و تفاوت ملاحظه میکرد و همچنین حکام و لایات هم باید همین قرار را رعایت و ملحوظ دارند
 چیه هم بر کس خلعت داده شود همین حالت را خواهد داشت که در عرض سال که بعضی اشخاص از قبیل جناب جلالت
 اشرف امجد صدر اعظم محترم و جناب نظام الملک و نیز اداکان بزرگ و حکام سرحدت و بعضی انجمنین و اکابر
 و امنای امر و رجال دولت چیه ترمه داده شود منتها این است که در عرض سال اگر صد ها شال ترمه ضرورتاً لازم
 تحصیل آن صورتی نخواهد داشت لکن بر پیکاران مشهد و کرمان لازم است که اهتمام نمایند شال مشهد و کرمان زیاد ترند

۲۳۶۱

شود و ترقی کند که بجای این چند ثوب جبه هم موقوف شود و همه کرمانهای سنگین باشد چنانکه اول اندوختن سال
کرمانی قابل بوس میچاکس نبود اوقاتی که مرحوم خانبا با خان سردار حاکم کرمان شد اهتمام در ترقی این صیحت سالانی کرد
بحدیکه قیمت سال کرمان بطا و یکصد و پنجاه تومان رسید اما از آنجا دیگر ترقی نگردیده است و اگر حاکم و پیشکار اهتمام در
ترقی آن میکردند البته حالا بهتر و زیاد تر شده بود که مردم بالطبع طالب سال کشمیری می شدند و حتی آن کشمیری نبود
و حقیقت تمامی بی انصافی است از حاکم و پیشکار نسبت بدولت و کافور عیبت که حال در کار سال میکنند و
سال کرمان بهین منوال مابذکال بی عرضگی و بی کفایتی میخواهد که حاکم و پیشکار نتوانند از عهد متقیع سال و نظم عمل
سالبانی برآیند (در روز یکشنبه بیست و نهم ریح الاول ساعت بغروب بانه کاه حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله علیه و آله
تشریف فرمائی تو نایب مبارک که روید و جناب جلالت آب شرف امجد صدر اعظم مرم حضور مبارک بود و درین تشریف فرمائی
بجذات معمول سابق کسی مباشرین قورخانه اطلاع نداده بود مخصوصا آنکه علی الغله بکارخانها ملاحظه فرموده باشد و از اینکه عمارت قورخانه
بسیار با کیره و با صفا بود و قورخانه چنان و صیفا جمیع قورخانه و کارخانها حاضر مشغول کار بودند اهتمام علیه قورخانه مبارک و
نظم عالیجا میرزا حسین سررشته وارد نظر مبارک جلوه ظهور یافت و توجیه تمام جمیع کارخانها و انبارهای قورخانه بسیار
تماشا فرمودند و از هر یک بدیکری تشریف فرمائی از زیادتی و خوبی سبب ضرورت قورخانه که از قرار دستور العن جناب
جلالت آب شرف امجد صدر اعظم ساخته و با انواع و اقسام مختلف تحمت بندی و نقشه ری کرده و چیده بودند فرید برتر خاطر
مبارک میگرد و پس از تعجب و تماشا و کارخانها و انبارهای یکی از عمارت قورخانه مبارک که توقف فرموده و از قدره و مهتاب
طوق و داسور و شور و شنگ و سایر اشیا لازم قورخانه را بقاعده که کمولت امتحان فرمود و چیزی علاوه بر بقدر معمول میباشد
معلوم در نظر مبارک جلوه و از هر جناب عالیجا میرزا حسین سررشته وارد نظر امورات قورخانه و اهتمام و مویب او در خوب
اشیا ضرورت قورخانه در خاکهای مبارک سخن معقول قاده موردیت القات خردا کرده و از آنجا تشریف فرمائی قورخانه مبارک
گردیدند و جمیع کارخانهای تفک سازی و چاق سازی و سیریزه ری و قذاق سازی و دیگر کارخانها را تماشا فرموده و کلیک اسبابی که
ساخته بودند پسند خاطر مبارک کرد و تفکهای جدیدی که در نزد پسران قرار دستور العن جناب جلالت آب شرف امجد صدر اعظم عالیجا میرزا
حسین مباشر جناب مبارک ساخته بود زیاد در نظر مبارک جلوه نمود و سیم نت بغروب بانه از جناب معادوت بجا مبارک فرمود
(عنده الخواین العظام مقرب الخاقان سردار علیخان حاکم سیستان که بدربارهایون آمده جرس امر قدر قدره هایون مصابرت لوبان
شاهزاده و آلا برام میرزا سر فرار شده بود این اوقات با اذن سرکار علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله علیه و آله
جشن و سی در کمال متبیا فرام آورد مجموع مراد اعیان در مجلس غیش و خنده و بیباکی انجام سید اجانبی اجواب یازن موزی کتوب
چشمه بخیره بار متبیا یکتوبی زری طاس برسم طقت در حق او حمت شد و یکقطعه الماس هم با میرزا معتمد او غلبت که بدجناب
شرف امجد صدر اعظم چشمه نیر کتوبی حیه نیر برای مقرب الخاقان را به دستا و ایر و لایات

۲۳۶۲

استرآباد

از قرار یک در روزنامه استرآباد نوشته اند در روز چهارم ماه ربیع الثانی که روز فرزند
تفویض و بعد می سلطنتی بنوایستطاب شرف ارفع فخرم شاهزاده عظم و الا تبار
امیر کبیر نظام با چشم بود و قبل از وقت بحکام ممالک محروسه اعلام و اجبار شده بود
عمده الامار العظام جعفر قلیخان المغانی بیکر یکی استرآباد و مجلس حشین بزرگ انعقاد داده علی علم
و خوانین و سرکردگان و صاحب منصبان و امانی و اعیان ولایت کلا حاضر آمد بقانون ایجاد
اجرای شلیک بعمل آمده اهل مجلس مراسم تهنیت و مبارکباد تقدیم نمودند و صرف شربت و شیرینی
کرده تقارن شد و یانه نوشتند و اهل بنده و طوک بلوازم جشن و سرور برداشتند و شهر را این بسته
در شب هم کل بازارها چراغان بود و تا صبح مردم عبور و مرور و مشغول جشن و سرور بودند
و بطور شایسته اسباب این جشن مهیون مبارک را فراهم آورده بخرمی و خرسندی بانجام
رسانیدند (دیگر نوشته اند که از حسن مراقبت مقرب الخاقان المغانی کمال اهمیت و تنظیم
در آن ولایت حاصل است و رعایا و برابرا این رکبذ را سوده خاطرند طرق و شوارع در نهایت
اهمیت و عابرین و مترددین باطمینان خاطر عبور و مرور می نمایند لطوایف ترکمانیه کوکلان و
میوت و غیره که بعضی از آنها و غیب مقرب الخاقان مشارالیه سرکشی کرده مصدر هرزگی
شده بودند کلا در مقام ایت و اطاعت و انقیادند از جمله طایفه جعفر بای ترکمان که در ازای
انها مقرب الخاقان مشارالیه آنها را تاخته و کوشمال بتر داده بود در این اوقات با استدعای
مرخصی ساری خود بزدایلیانی آمدند و محاج زیاد کردند در جواب گفت که آنچه اسیر و مال که از
وقت مأموریت من به از اخلافه الباهره تا منکام مراجعت از دربار جایون از استرآباد برده اید را
آورده تسلیم نمایند الوقت قراری در کار شما میگذارد آنها نیز معاودت نمودند و فرستاد که اسرا و جموع
که در میان خود دارند جمع آوری نموده بیاورند و در باب وصول مالیات کوکلان مقرب الخاقان
مشارالیه یا محمدخان برادرزاده خود را فرستاده در کار وصول و رساندن براه داران
درمانی نوشته بودند که ریش سفیدان ترکمان طایفه جعفر بای بر حسب تعهد خودشان سی چهل نفر بای
قاضی چهل نفر اسیر از استرآبادی و ما زنده رانی آورند مقرب الخاقان المغانی اسرار ابا ما کن و اولی
خودشان روانه نمود و بقدر نیجاه صفت نفر دیگر باقی است که و ارشد که رفته آنها را هم بیاورند تا اسیران
خود را مستخلص نمایند (دیگر نوشته اند که سواره فرستادند و کرمانی را که مأمور استرآبادند

۲۳۶۳

مقرب انخاقان ایلیجانی آنها را بسکر کبود جامه که جای بسیار خوب و پر آب و علف است فرستاد که
چندی در آنجا توقف کرده آن خود را فرزند نمایند و متبادر باشند که اگر لزوم بهم برسد هر طرف
که ما موشوند حرکت نمایند **کاشان** از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند
در آن ولایت نیز مقرب انخاقان محمد حسن خان حاکم کاشان در روز چهارم ۱۰۰۰ بیع الاول چهلین
میمون و عیش تا یون و لیعهدی دولت جاوید مدت هفتاد مجلس جشن مانند اعیاد بزرگ فریاد آورد
علما و اشراف و اعیان ولایت مجلس نور آمده شربت و شیرینی صرف کرده تهنیت و مبارکباد
و نهد بازارها و کوچه ها را زینت و آرایش داده چراغانی خوب نمودند و دو شبانه روز عوم خلق آنجا
از صغیر و کبیر و برنا و پیر بلوار عیش و سرور و جشن و طرب قیام و اقدام داشتند و با نهایت
وجد و نشاط خاطر این جشن فیروز را با انجام رسانیدند **کیلان** از قراریکه در روزنامه کیلان
نوشته اند در محال کسکر کیلان سید چاوشی بوده زن و مادرش بکنفر عیسی را چتر خوبی
داده فریب میداد که سید را بقتل برساند شخص هم شب تفنگ را با چارپاره و کلکوله پر کرده
بیا لیس سید آمده تفنگ را خالی کرده او را میزند بعد از آن زن سید باد و نظر اطفاش انفراد
آمد و کرده با قهقهه کار سید چاره را تمام می کنند مراتب با ستحضار امیر الامراء العظام عمید الملک
امیر اصلاخان والی کیلان رسیده فرستاده شخص قاتل و زن سید را گرفته حاضر آوردند
و قاتل در حضور علما اقرار کرد که بلی زن مرا فریب داده بقتل سید اقدام کردم و ضعیفه نیز اقرار
نماید که مادر مرا فریب داد و مقرب انخاقان مشارالیه قاتل را پیرا در مقول تسلیم کرده حکم
و لکم فی العصاص حیات بقصاص رسانیده و ضعیفه را هم مقرب انخاقان مشارالیه داده
در جوال انداخته چوب زیاد زده و در شهر گردانیدند **قزوین** از قراریکه در روزنامه قزوین
نوشته اند امور آن ولایت اخسن مراقبت اولیای دولت علیه قرین انتظام است و نوآکاریات
والا تبار عبد القصد میرزا حکم ان قزوین در سینه نعلین و مطالب مردم اهتمام کامل دارند (دیگر نوشته اند
که در راه رودبار یکی راه رشک و دیگری راه پل کتکان سنگ دنا هموار و پر نگاه بود همه ای خاصه در
مال مردم پرت شد و تلف میگردید و عبور و مرور بصوت دست میداد در این اوقات مقرب انخاقان
 حاجی حسنعلی خان پیشکار قزوین محض حصول دعای خیر جهت ذاتقدسها یون شاهنشاهی تنخواه نقدی از
خود داده و سنگتراشی و عهد انداخته راهها را تراشیده و منسج و مسوار کردند حال عابری
و مترودین با ستراحت از هر دو راه عبور میکنند کمال شکر که ارباب دارند

۲۳۶۴

اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجه ترجمه شده است

در این اوقات در سالنامه کل روی زمین که در ویند پای تخت دولت استریه طبع شده است
 موجوده کل روی زمین را پنج قسمت کرده اند قطعه اشیا شصت و شش میان که بر ملیانی عبارت از
 دو کرد است و قطعه یورپ که فرنگستان باشد و دویست و شصت و میان و قطعه از بقاصد و شصت
 میان و قطعه استرالیایا و توابع آن دو میان و نیم که کل آنها هزار و شصت و پنج میان و نیم که دو هزار و
 سی و یک کرد و باشد مستند و قطعه سیکی دنیا که امریکامینا مندر بزرگترین قطعات است درین حساب
 از قلم افتاده است زیرا که پنج قسمت معین کرده و چهار قسمت از نوشته اند (دیگر نوشته اند
 که درین سال در اکثر جاهای روی زمین که بیشتر از سالهای دیگر شده است و درین باب مبحثی فرستاد
 در پاریس در این اوقات بعضی علامات نجومیه مشاهده کرده است که تا چند سال دیگر تا ستارگانها
 شدت خواهد داشت حتی سحر اطلنیک و از ان قبیل دریای بزرگ حرکات و جریانات تغییر یافته
 بطرف دیگر جاری خواهند شد و با ثبات مدعیای خود دلایل قاطعه نموده است) (از وقوعات غریبه
 در این اوقات شخصی دکتر بلوق نام از اهل سیکی دنیا به بعضی تجربیات مشغول شده است که قبل از
 هر کس کیفیتی که در فروشش می آید صورت آن پیش مردک دیده او محسوس می شود این گذارش را
 اول بجمهور سیکی دنیا اظهار کرده و بعد از ان بلند آمد مجلس معارف عمومی اظهار نمود چون این گذارش
 در بادی نظر چیزی نبود که باورتوان نمود و کبل مجلس مزبور بجهت تجربه فرستاد نفس کسی را که مقبول شوی بود
 حاضر کردند بزره بین در پیش مردک دیده او صورت شخصی برنگ و از جنه پوشیده و چوبی در دست
 ظاهر کردید بعد از تحقیق شخص بان هیات قائل او بود و بدست آوردند و این گذارش را در لندن در رساله فتون
 مندرج نمودند) (سابقا نوشته شده بود که در نزدیکی پاریس در محل شالون نام قنونی جمع شده در
 تحت فرماندانی اعلیحضرت امپراطور فرانس و بجهت تماشای اجرای تعلیمات آنها با بجهت سفرای دول دیگر
 در پاریس مستند غریبتان با جماعتی شده بود در این اوقات موجب روزنامه که مجددا رسید از
 اقربای اعلیحضرت پادشاه انگلیس دوک دکمبریج نیز با بعضی از صاحب مضبان مجلس غریبتان بجهت تماشای
 حرکات قنون مزبور منظور بوده است) (نواب پرس نام پیمان عموزاده اعلیحضرت امپراطور فرانس
 مقدما بعضی مجال فرنگستان رسیده و ساحت نموده درین روزنامه از فراریکه در روزنامه اندیاس
 نواب سیرتی الیه سمت مصر غمت کرده اند) (از فرار روزنامه فلک که بجهت رفع علت آبله کل قنون موجود
 دولت مزبور را وکیل جریده اند دولت در یک محل جمع نموده صف زدند و اطبا حاضر شدند همه را آبله کوبیدند

۲۳۶۵

تقراری که در روزنامه‌های سابق نوشته شده بود جمهوری یعنی دنیا بنا داشتند سفیری مخصوص چین بفرستند
 چون اهل چین کل اهل فرنگستان را بنظر انجمن نگاه می‌کنند گمان میرفت که در حق سفیر مزبور نیز معاطبات
 بعمل بی‌آورند لهذا از ارسال او صرف نظر نموده و موقوف داشتند (تقراری که سابقاً نوشته شده بود
 قرار اسوج و نور و جیاجند و پیش ازین هر شش علیل شده بجهت تبدیل آب و هوا بعضی جاها رفته
 و باز بمقر حکومت خود معاودت نموده بود مؤخراباز ما خوشی او شدت کرده و از قرار افاضات اطباء
 از حیات خود مأیوس گردیده باز عزیمت جائی نموده مقام حکومت خود را با اتفاق و رای بعضی از وکلای
 حواله کرده بعد از آن پسر بزرگ خود را که ولیعهد او بود موقتاً قائم مقام تعیین نموده و درین باب باین
 مخصوص تطبیق کرده مجلس ملی و خوانین و شتا چون در دولت اسوج در مقر حکومت ولیعهد نباید بقیام
 منصوب بشد باو این قانون از اصول قدیم آنهاست قائم مقامی مشا را لیه از جانب اعضای موجوده مجلس مزبور
 قبول نشد از قرار روزنامه فرانسفور در تقریر ال مشا را لیه جواب گفته بودند (در احتیاج نعت سال
 پیش ازین ایتالیا بجهت رفع احتیاج چنانچه با کثر مجال ایطالیاتشون فرستاده شد در بعضی نگرگاهها
 آنجا نیز که هم حد و دستریه اند از جانب دولت استریه قشون که استند مصارفات واقعه آنجا تاکنون
 در عهده حکومت پاپا بود بقرار روزنامه رسمی و ندیک بعد ازین مصارفات آنها را اعلیحضرت امپراتور
 استریه بعهده خود گرفته اند) (دیگر نوشته اند که در نیم اکتوس روزنامه‌هایی که در پاریس زده میشود
 عدد مقدار آنها را تحریر کرده بودند که با دقات مختلفه زده میشوند آنها در خود پاریس سیصد و ده کارخانه
 است که روزنامه زده میشود چهل روزنامه در امرولیک و نود و پنج روزنامه در فن کتابت چهل و هفت
 روزنامه در تنظیم لیبته انالی و چهل و پنج در امور تجارت و چهل و پنج در فنون متنوعه و سی و نه در امور
 دعاوی و بیت و پنج در فنون طبیعه و هفده در اداره ملکیه و چهارده در امور زراعت و چهارده در
 تاکیف و ایجا و کتب تازه زده میشود و اکثر این روزنامه‌ها درین زمانهای نزدیک حدیب شده
 فقط دو روزنامه یکی در فنون و دیگری در بولسک بصد سال رسیده است) (حکمران مملکت
 که در سمت شرقی چین واقع است دو سال است که با دول فرنگستان خلطه و ارتباط منطوق کرده
 چند وقت پیش ازین یک کشتی بخارا از دولت فلانک خریده بود در این اوقات عجب کمبود
 خود را خواسته است بجهت نظام در بناورد و این جهت صاحب منضمان دولت فلانک چند نفر بجهت
 تعلیم قشون خود طلب داشته است که در مملکت بیان نیز مانند فرنگستان و غیره قشون
 نظام براه بیاورند

۲۳۶۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم شهریور ماه سی و یکم ۱۲۷۴

نمره سیصد و پنجاه و شش

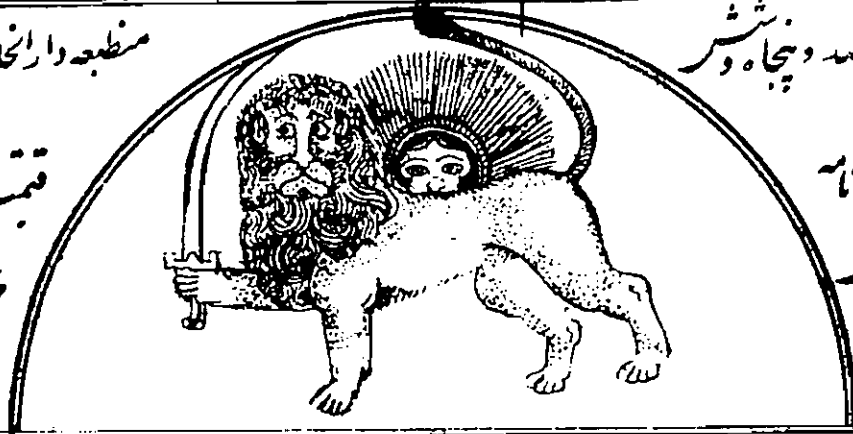
منطبه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

هر نسخه شش

قیمت اعلانات

هر خط در هر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از مدت یکصد و ششاد سال باین طرف از معدن جدیدی بفریوزده که در رنگ و قطع و صفا و جلا هستیاری
 داشته باشد بیرون نیامده بود اگر فریوزده درشت هم بیرون می آمد یا لکه بزرگ یا در رنگ بود یا
 و بد ترکیب می نمود تا این اوقات یک قطعه فریوزده درشت خوب تمناز بیرون آمده بدست میخان
 آنجا افتاده بود لکن بواسطه محتملی بودن در میان سگ چندان برخورد بجات و قیمت آن ننموده بجا
 آقا سید میرزا حاکم نیشابور شهنشاهی و در اینم معدوده که عبارت از یکصد و ششاد تومان باشد فریوزده
 بودند و او هم بهمان قیمت معترب انخاقان قوام الدوله پیکار رخشان فروخت بعد از آن قوام الدوله از آنرا
 واد تراشیدند بعد از تراشیدن خالص بی عیب آن بقطر و ترکیب یک عدد با دام با پوست باقی ماند
 که بان رنگ و قطر و صفا و خوبی الی حال هیچ فریوزده دیده نشده است خالی از جمیع معایب و مزین بجمیع
 صفا و صفات و محسنات است که جمیع جواهر شناسان با سیرشته آنرا مثل یکی از فریوزهای خوب شده اند
 دانستند این فقره بعرض جناب جلالت تاج شرف امجد اکرم صدر عظیم محترم رسیده آن فریوزده را
 از مقررت انخاقان قوام الدوله خواستند که بقیمت بفرود شد معترب انخاقان مشارالیه محض صداقت و
 اخلاص حسین جواهر کرانههار محقق و مکتوم ندانسته با کمال رضا و خوشنودی آن را تحاف و اهدای حضور
 جناب جلالت تاج معظم نمود بعد از آنکه فریوزده را خدمت جناب معظم آوردند ملاحظه فرموده دیدند که
 وضع کوه نور و دریای نور که از الماسهای بی شبه و مثال مشهورند تصدق کل جواهر شناسان از آنرا
 جواهرات و الماس و یواقیت خزانه عامه از جهت خوبی و صفا و ندانستن عییل و شبیه برتری دار دلته

۲۳۶۷

از شایسته پیشکش حضور مایون سرکار اعلی حضرت شایسته خلد الله فکله و سلطانه داشته پیشکش حضور
مایون نمودند و نظر بخوبی فیروزه مزبور خاطر مبارک بقبول آن پیشکش من فرمود و از بس خوب و متن
بود در میان جواهرات بار و بندهای الماس پادشاهی که بهترین جواهرات است نصیب فرمودند و در
حقیقت این فیروزه بی شبهه و عدیل زینت و بهای آن جواهر خزانة پادشاهی افزود و سگک آن جواهر
مربین و منگول نمود (از قراریکه نوشته بودند مقتت انخاقان میرزا محمد حسین عضد الملک مشولی با
سرکار فیض آنا حضرت امام ثامن علیه و علی آباءه آلف التحیه و سلام سجدت انتظام انوارت کلمیه سرکار
فیض آنا قرار داده است هر روزی یک طوماری بسطور روزنامه آن روز از انصارف و مخارج بیوتات
و حاضر و غایب خدام و عملجات و امورات اتفاقیه و وقایعات آوردن اشیاء موقوفه و نذورات خیری
که اتفاق افتد مشرفنمای بیوتات نوشته زوسای هر یک مکرر کرده شب بشب بنظر متولی باشی برسان
و در این عمل فواید بسیار مرتبت گشته روز بروز نظم و شکوه استانه مقتت در ترا پاد است)
چون بعضی از علما و معارف فارسی زبانان هرات بواسطه سباب چند میل آمدن بدار انخلاقه الباهر کرده
رو باستان مایون پادشاهی آورده در این اوقات وارد دار انخلاقه شدند در شب شنبه ع ماه
جناب فحامت نصاب نظام الملک تجده توقیر و احترام ایشان علما و اعیان و اکابر آنها را بمجلس خاص خود
و عوت ضیافت نموده لازمه اسباب ممانی را برای آنها چیده بودند جناب جلالت آت شرف
ارفع صدر عظیم محترم نیز در آن مجلس شرف حضور داشتند بعد از تقه از احوال هر یک از علما و اکابر
ایشان و لازمه بذل رفقت نسبت بهکی معلوم فرمودند که علما کتبی و سباب تحصیل از اینجا بخود
و اگر خواسته باشند رجوع بمبانی علمیه نمایند از تقه و اصول تغیر و احادیث و لغات و غیره از
نداشتن کتاب مقدورشان نخواهد بود محض انت و عطف در حق ایشان همان مجلس مخفی
علما را بهر یک وجه معتد بهی غایت فرمودند که برای خودشان اگر کتب لازمه آنچه خواسته باشند
ایضاً نمایند و معطل نمایند (سایر ولایات در باب جشن مایون و لبعدهی
نواب مستطاب شرف ارفع و ایشا هزاره عظیم میر محمد قاسم خان امیر کبیر نظام با چشم
که قبل از وقت حکام ولایات اجبار و اعلام شده بود بقراریکه از اغلب ممالک محروسه روزنامه رسید
از شب چهارم ماه ربیع الاول کل شایسته از کان عظام و حکام و صاحب جنسها در آن ممالک محروسه
تاسه شبانه روز در شهر و ایالتی بر حسب اجبار و اعلام اولیای دولت علیه سباب جشن و چراغانی و
شکست و این بندی بهتر از اجبار و بزرگ فرهم آورده اند خصوصاً در مملکت اذربایجان گذشته از

۲۳۶۸

شهر تبریز در شهرهای دیگر نیز از قبیل خوی و غیره و دیات و بلوکات آنجا همه جا اسباب حسن و آسایش
بندی و چراغانی را بطور خوب داشته تقدیم نموده اند اگر چه از بعضی ممالک بعد از قبیل خراسان
و کرمان و فارس و غیره هنوز روزنامه نرسیده است ولی از سایر ولایات که روزنامه آمده است
نوشته اند که چنین جشنی در هیچک از اعیان ذکر نشده بود و کل مردم شغف و خرسندی تمام با
جشن میمون عیش هایون اقدام نموده اند و بشکر از این نعمت عظمی و موهبت کبری اغلب حکام و صاحبان
و مشمولین ولایات بفقرا و ضعفا و ارباب مستحقان انعام و اطعام نموده اند و قسم از قورقو
در روزنامه قسم نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت علیه و کمال مراقبت مقرب انخاقان
ذوالفقار خان حاکم قم و سواد امور ولایات قریب انظام کامل و نهایت امانت و ارزانی و خود
هر گونه نعمت در ولایات حاصل است و عموم انالی آنجا از علما و سادات و خدام و ذوی الاحترام
استانه مقدسه و اعیان و اشراف و رعایا و بریاد برتر امن و استراحت آرمیده در کمال آسودگی
و آسودگی بلوازم کسب و عیبتی خود و دعا گوئی دوام دولت جاویدت علیه اشتغال دارند و
احدی مرکب حرکت خلاف فاعده نمی تواند بشود و هیچ وجه عیب و نقصی در امورات ولایات
و قوع و ظهور ندارد و همچنین طرق و شوارع قم و سواد که محل عبور و مرور قوافل و زواراگر ممالک
محموده است بسیار مضبوط و منظم است بطوریکه ابداسرقت در این راهها نمی شود و غلامان
قواسوران و مستحظین راهها شب و روز گردش میکنند و زوار و قوافل را بمنزل میرسانند و
قدرت سرقت ندارد و در منازل عرض راه هم برب قذغن مقرب انخاقان مشارالیه در
و ماحتاج عابرین و متردقین را زیاد از نرخ معمول نمی توانند بفرودشند و کم فروشی هم نمیتوانند
کنند این رکب زعموم عابرین و متردقین کمال شکر که از ایراد اندایل زر که سابق بر این
در راهها دزدی و هرزگی میکردند از وقتی که حسب الامر اولیای دولت علیه سپرده بمقرب انخاقان
ذوالفقار خان شده اند مقرب انخاقان مشارالیه نیز آنها را بجایگاه ابراهیمخان ایل بسکی شاه
بغدادی سپرده و قذغن نموده آنها را آورده در میان طوائف شاهسون سکنه داده و در
انها بستند ابدامرکب سرقت و بدعملی نمی شوند و با تلمه خیال سرقت از سر آنها بدر رفته بجز عیبتی
افتاده اند و دیگر درین مدت کسی از آنها سرقت و بدعملی ندیده است بلکه هرگاه دیگری از خارج
بخواهد دران راهها مصدر سرقت بشود ایل مزبور در مقام ممانعت و دفع و رفع آنها بر می آید
که خودشان متهم نبوده باشند

۲۳۶۹

حتم

از قراریکه در روزنامه حتمه نوشته اند در باب جشن های یون و لیبیدی این دولت قوی شوکت
مقدون که قبل از وقت بحکام و صاحب خستهاران ممالک محروسه اخبار و اعلام شده بود متعجب
چراغعلی خان حکمران حتمه بجهت حصول آگاهی فرستاد و علماء و اشرف و اعاظم و اعیان و رسوم
شهر اخبار نموده تهیه و تدارک این بنی و چراغانی دیده و در شب چهارم کُل بازارها و
کاروانسراها و غیره را این بنی و چراغانی خوب نموده بودند و مقربان خان مشا را لیه در مقر حکومت
خود سباحتین و شبازی و صیافت و اہم آورد و بعضی شب و زمانی بسر برده در روز چهارم رسم
ایجاد بزرگ مجلس جشن و سرور انعقاد داده علماء و سادات و اعیان و اہالی و معارف و غیره در
مجلس حاضرند اجرای شکر توپ بقانون ایجاد بزرگ بعمل آمده اہل مجلس تہنیت و مبارکباد گفته صرف
شربت و شیرینی نموده صد بہلایمتی وجود سعود ہالیون علی حضرت قوی شوکت شہنشاہی خداوند ملکہ و
سلطانہ و نواب ستار شرف ارفع الاشہزادہ عظیم و لیبیدی دولت جاودیت علیہ علیہ فرمودند
و تا شبانہ روز بدستور روزنامہ مجلس سرور فرہم آورده اجرای شکر توپ در سہر روز بعلی
و شبہا تا صبح کُل بازارها و دکانین این بنی و چراغان بود و اصحاب طرب در سہر ہر یک از
اسباب طرب فرہم آورده صدای ساز و آواز مشہود و مسوع عالی و ادانی بود و شبہا
بعد از صرف شام مقربان خان مشا را لیه با جمعی از اعیان و ولایات تہنات شہنشاہی این بنی و چراغان
بازارها و کاروانسرا آمدہ بجوم اہل بازار چشم روشنی و مبارکباد میگفت و ہر کس حجرہ و دکان جزا
خوب زینت داده و چراغان کرده بود قدری در آنجا زینت کرده و بصاحب آن حجرہ و دکان انعام
میداد و نیز درین شبانہ روز بفقرا و ضغفا و اہل استحقاق محض سلامتی وجود فالیف بوجود ہالیون انعام
و اطعام نموده این جشن مہمون عین تالیون را با بکمال شرف و سرور انجام رسانیدند (دیگر نوشته اند کہ
نامی کہ جو ادبیک نامی را کشتہ و خود متواری شدہ بود و چنانچہ در روزنامہ کشتہ نوشته شد مقربان خان
چراغعلی خان چند سوارہ پرہون شہر متحصر و فرستادہ بود و در شہر ہم دار و فتح بحکم در جشن بود
مشا را لیه چون درین بدت دوسہ روز کہ در شہر مخفی و متواری بود راہ فرار از ہر طرف بستہ و
ینیم شبی خود را بہ طریقی مقربان خان مشا را لیه انداختہ لب نشستی بحکم خبر دادند گفت او را زنجیر کردند
و چون مقول چند نفر صغیر و اہل علم با بر سر و صغیر بعضی قاتل قوی پیدا دند و نمہ مایملک قاتل سر عین از صد توہان
بود احرار بصلاح و صوابید مقربان خان مشا را لیه و علی آنجا بدست توہان دیت قرار گرفت کہ مایملک قاتل را

۲۳۷۰

صد تومان بر او رد کردند و سی تومان هم مقررت انجاقان مشارالیه از خود و متقا و تومان دیگر را
اقوام و منوبان قائل نفی دو تومان و سه تومان در میان خود تقسیم کرده دوست تومان را نقد
جنتا سرانجام کرده پورته مقبول دادند **عمرستان** و پروجر و از قراریکه در روزنامه **مرد**
نوشته اند بوجب اخبار و اعلامی که قبل از وقت در باب جشن فیروز لیبیدی دولت جاوید **نیش**
علیه بکام و صاحب اخباران مالک محروسه شده بود نواب مستطاب شاهزاده محترم و الایات
احشام الدوله حکمران پروجر و بخشاری و عثمان و لرستان در شب چهاردهم ماه ربیع الاول
در پروجر در سبب جشن و شبازی فراسم آورده تمام بازارها دکار و الزام و محلات را
این بندی و چراغان خوب نموده عموم اعلی و ادانی بعیش و عشرت و شادمانی قیام و اقدام
نمودند و در روز چهاردهم نواب مغزی الیه مانند اعیان بزرگ انعقاد سلام جشن داده اعیان
و اشراف و ولایت و چاکران دیوانی از خو این عظام و صاحب مضبان نظام و غیره در آن سلام
حاضر آمدند بعد از اجرای شکر توپ صرف شربت و شیرینی کرده تهنیت مبارکباد گفتند و تقاضا
شادمانه زده بلوازیم جشن و سرور قیام و اقدام نمودند و نیز نواب احشام الدوله با میرزا دکان
که در لرستان و عربستان نایب الحکومه پیشه قبل از وقت فرستاده اخبار نمودند که در روز
مربور اسباب جشن و سرور و این بندی و چراغانی را بطور شایسته هر یک در مقر حکمرانی خود
تقدیم نمایند (دیگر نوشته اند که کل که مرصع با کلبه طوس بدن مبارک که از جانب سنی لاجواب
اقدس هالیون شاهنشاهی با فتخار نواب مستطاب احشام الدوله مرحمت و مصحوب مقررت انجاقان
میرزا محمد ربیع مستوفی دیوان اعلی انعقاد شده بود در حین وصول با انجاقان مغزی الیه با محترم
اعیان و ولایت و خوانین و صاحب مضبان تا باغ شاه با استقبال شتاقه لوازم توپ و **مرد**
صلحت هالیون را بعمل آورده در عمارت باغ شاه ریب برو کر مفاخرت نموده از انجاقان
آمده در چمن باغ شاه که خمیه زده بودند انعقاد سلام داده اجرای شکر توپ نمودند و در
جهان مطاع مبارک که با فتخار نواب مغزی الیه شرف صدور یافته بود در آن سلام خطیب با و از
بلند کوشش و خاص عام نموده بعد از ادای خطبه بنام نامی سرکار اقدس هالیون و جهت تمام **مرد**
تجاووز و یاد دولت و شوکت ابد مقرون صرف شربت و شیرینی کرده سلام منقسی کردید و در روز
دیگر حلقه مهر شعاع که با فتخار نواب برهیم میرزا حکمران عربستان و مقررت انجاقان حاجی جابر **مرد**
میرزا محمد شمشاد بود بعربستان روانه نمودند

۲۳۷۱

اخبار دول خارج که از روزنامه‌های خارج ترجمه شده نوشته شود
 از قراریکه در روزنامه‌ها نوشته اند در لندن سابقا کشتی بزرگی که مینت و پنجاه طنو بارگیری داشت
 که بر طنوی سه خروار بوزن این ولایت و جمعا هفتاد و پنج هزار خردار میبود قرار داده بودند
 و بمباشرت او اقدام نموده بودند در این اوقات قریب با تمام است و در ماه ربیع الاول قرار
 بوده است که بدریا بینه از بند در این اوقات بجهت آمد و رفت از انگلیس با ستر الیا کشتی که
 پنجاه رددوست طنو که پانزده هزار و شصت خروار باشد حمل و میشود با تمام رسانده و بدریا انداختند
 در میان کشتیهای تجاری تاکنون کشتی باین بزرگی دیده نشده است درین صورت آن کشتی که
 هفتاد و پنجاه خروار بارگیری دارد درجه و شصت و هفت فرامی عقول و اذنان است و بطوری ساخته
 که دریا هر قدر ملاحظم امواج و انقلاب داشته باشد عرق نمی شود زیرا که هنگام ملاحظم امواج در روی
 سه موج پاینی قرار دارد و چون به قسمت ساخته شده است اگر اجناس میکطرف او از امواج خلل نیابد
 اطراف دیگرش مصون خواهد بود و بحسب مت مانند کوه سیاه پوش بزرگی بنظری آید چون بدریا
 انداختن این کشتی تماشای بزرگیت لهذا صاحبان کارخانهای کشتی سازی اغلب مالک فرنگستان
 بجهت تماشای این کشتی غنیمت لندن کرده اند حتی در روزنامه‌های لندن غنیمت نواب برنسان
 عموزاده اعلیحضرت امپراطور فرانس را از پاریس بلند بجهت تماشای بدریا انداختن کشتی مزبور
 نوشته بودند (دیگر در روزنامه رسمی دولت پوریکه نوشته اند که حاصل عموم دریکال
 دران دولت یک میان که دو کرو را باشد بعلی آمده است و حساب کرد که اولایت دریکال تجار
 یک میان و نیم که سه کرو را باشد عموم از اولایت بخارج برده اند این یک کرو را تفاوت را
 دولت مزبور در صد و تحقیق برآید که از کجا بهم رسیده است در روزنامه جنوه که در دولت اردنیه
 بطباع میشود در باب شکونه نقلیات ارباب تجارت نوشته اند که در محل پیودن نام سارنته
 از یک معدنی سنگی سفید و بسیار نرم پیشه است با اینکه این سنگ هیچ مصرفی مصورت
 هر یک من اور تخمینا هفتای و نیم داد و دستد مینمایند در عرض سال ارباب تجارت یک میان
 متجاوز که بیشتر از دو کرو را باشد ازین سنگ داد و دستد کرده اند بعد که معلوم شد است این
 سنگ را ارد کرده و از راه قلب با آرد مزوج کرده مردم میفروشند و روزنامه‌های فرنگستان
 در این اوقات ازین قبیل نقلیات ارباب تجارت بسیار مینویسند که بانگب چیزه از کولا
 و مشروبات و حیوانات چیزه‌ی دیگر داخل کرده میفروشند

۷

در روزهای سابق نوشته شده بود که علیحضرت امیرالطور فرانس و علیحضرت امیرالطور روس
 در وقت بروز یکدیگر قرار بود که ملاقات نمایند از قرار روزنامه که تازه رسیده است ملاقات
 در جمعه واسطه ماه صفر در وقت بروز اتفاق افتاد و روز شنبه شب بازی بسیار سنگین و اجرایی شنگلی
 بزرگ نمودند و تماشا خانها و سایر جاها را با بوارم جشن آراسته شنگلی کونا کون اجرا کردند
 ولی بجهت فوت یکی از اقربای قوال و رتنبوع سیر و تماشای علیحضرت امیرالطورین قری تماشای
 بود بعد از ملاقات با یکدیگر علیحضرت امیرالطور فرانس و علیحضرت امیرالطور روس
 خود معاودت نمودند و بموجب روزنامه بعد علیحضرت امیرالطور روس از وقت بروز معاودت
 نموده و در شهر الیمان با علیحضرت امیرالطور استر به نیز ملاقات کرده از آنجا ستم مستوع غنیمت فرموده
 (در فرانس بعضی از ارباب فتدک بود ای جمهویت عقل خود را بر ایشان کرده و بطرف
 دولت پاره حرکات نالایقه میکردند بعضی از آنها دستگیر شده بسزای خود رسیدند و بعضی
 و متواری گردیده بودند سال پیش ازین باز از آن مفسدین مجلسی منعقد نمودند بجهت اعنیکری با
 و در میان خودشان سرتیب و سرهنگ دیوزباشی و ملازم و چاوش و تابین قرار دادند و
 نظامی قرار دادند که باید یکدیگر را شناسند و شبها در آن مجلس بار و بجهای ستم جمع میشوند و
 یکی از آنها بر و مطلب را میدارند فحاشی او را می کشند و هر کس در دست خود فقط چاوش و ده با
 و تابین را می شناخت و سایرین را نمی شناخت و اگر کسی میخواست داخل آنها بشود بکفالت و
 انتخاب دو نفر از اعضای مجلس او را راه میدادند در این اوقات کار این اشخاص بر آور نموده
 از آنها ملازم و چاوش و ده باشی و تابین سی و پنج نفر دستگیر شده تحقیق سایرین را از آنها
 کردند چون میدانشند جهان فزاری داشتند جواب گفتند و هر قدر آنها را بکنند احد کسی
 سایر مفسدین را بروز بدند کسی را نمی شناختند که قلند نمایند معلوم دیوانیان شد که
 مفسدین فی تحقیق سایر رفقای خود را بنا بقانون موضوعه خودشان که روی بسهم مجلس
 نمی شناسند بعد الحاکم علی حساب آن سی و پنج نفر را محبوس کردند (تابین حدود و نام
 اسپانول بعضی مجال متنازع فیه بود که معلوم نبود از کدام طرف باشد و سالها این گفتگو با بین دولتین بود
 وقت پیش ازین قوسیولی مرکب از مأمورین طرفین تشکیل یافته در این اوقات بموجب قرار داد قوسیولی
 در نوبور جزیره و بعضی مجال متنازع فیه تابین دولتین مرنوز با المناصفه تقسیم شده و رفع
 نزاع طرفین گردیده است

۲۳۷۳

در روزنامه سابق نوشته بود که قزاق دولت اسبج و نور و جینا مرخس طبل شده و بموجب افاد است
 اطلب از صحت خود با پوست گردید پس خود را که ولعهد او بود بجای خود بقایم مقامی حکمرانی نصب کرده و درین
 صحیفه تعلیم آورد و مجلس کلاهی دولت و ملت ارسال داشته بود چون نصب ولعهد حکمرانی در مرقه الیه در حیات
 قزاق مغایر قانون آن دولت بود از جانب و کلا قبول این معنی شده گفته بودند که حکمرانی یکی از و کلا باید محمول
 بموجب روزنامه که این اوقات رسیده است در بین ملاقات علیحضرتین امیر طور روس و امیر طور روس
 در تبویغ با یکدیگر درین باب نیز مذاکره شده و ولعهد نور بجرب و نحوه قزاق اسبج و نور و جینا بقایم مقامی
 و حکمرانی آن دولت برقرار گردید (دیگر نوشته اند که از انالی اسبج و دیگر نام شخصی که در علم حساب مهارت کامل
 دارد در این اوقات بدن اذقوه حافظ خود را پان و اعلام نموده است که چند هزار عدد مختلفه راجع و در خانه رقم کنند
 یکدفعه که برای او بخواند حفظ میکند بطوریکه یکی یکی از او پرسند مطابق نوشته میگوید و گذشته از این به زبان که باشد صفحها
 که بیست سی سطر با یکدفعه که برای او بخواند حفظ مینماید که بروقت بخواند بعینه ادا می کند چون این کیفیت در اول و حل
 خارج از قوه حافظ بشر نظری آید چینی اشخاص این کیفیت را ملاحظه کرده بعد از آنکه او را ملاقات نمودند لاجرای او دعای او را
 تکلیف کرده بعضی با رقم حساب و برخی به شجاعت او در تجربه کرده و شایسته است مدتی خود را نمود و گذشته از آن در علم
 حساب یکی را که مرکب از پانزده خانه مرقوم بودند بن خود در چهار دقیقه تقسیم نموده صورت از زبان کرد که با حساب
 علم هیچ تفاوت نداشت و فی الحقیقه این نمرندی از آن شخص حیرت افزای عقول کرده از کیفیات غریبه و بجزیره و تماشای
 اینگونه کارهای شایسته از فرار روزنامه لندن بسیاری از انالی لندن محلی که منزل اوست میرود و او ابقام تجربه درمی آورد
 (دیگر نوشته اند که در ملاقات علیحضرتین امیر طورین روس و نور و جینا بقایم مقامی حکمرانی انالی انجام دوشسته سراسر
 که از ویست و پنجاه سال حال نگار داشته بود برسم تحفه تقدیم نمود نظر روایات روزنامه های المانی این شراب از انکو رایج
 سترنق نام بوده تجده سکه بجمه اران المانی که بطریق قوت یا سیر پخت با سما برود یک شیشه از آن شراب با آنها تحفه دادند
 دولت و پنجاه سال قبل این المانی شهر برسم از شراب مذکور چهار چلیک بزرگ خریداری نموده و در محلی صنبط و محاسب
 کرده بودند و این چلیکها بر و ایام منزل کرده و کم شده نا این ایام بیست شیشه از آن مانده است و این
 ده بیت و پنجاه سکه پیمصارف و کرایه محل و منافش را که حساب کرده اند دوشسته که بجهت علیحضرتین امیر
 برسم تحفه آورند هر شیشه یازده میان فزانی که تخمینا بیست و دو کرد و در صاحبقران که و کرد و در اشرفی متجاوز
 پول این ولایت باشد با تمام رسیده است و باین حساب هر قطره او را هزار رسید و بیست و چهار
 بر او وقت کرده اند و العمد علی الراوی

۲۳۷۴

ترجمہ روزنامہ برسن دوریان اسلامول

اخبارات بند باگڑھی کی از بمبئی رسید خبر صبح و یقین تسلیم و تخریر شہر دہلی را آورد و مختصر
 آن خبر از قرار روزنامہا و نوشتجات مخصوص از ایف آراست کہ بگذرستہ تو پنجانہ در چہار ماہ
 سپتامبر وارد دہلی شدہ تو پچہا را بدون تاخیر در مقابل با سبناکھامی مور و میر در سیوا
 پنجانہ زرعی دیوار قلعہ قرار دادند کارہای محاصرہ و عمل تعلق با نزا انگلیسہا در ماہ آو مستحکم مضبوط
 کردہ با تمام رساندہ بودند در شب ۲۹ شہر فوق خط متواری جدیدی بدون اینکہ از معاینہ
 ممانعتی روی دہد در مقابل سمت یمن الی درزہ کہ نزدیک قلعہ دہلی است ساختہ شد در
 ۳۰ شہر فوق اشرا فرمیدند کہ خط مذکور خالی از رحمت و ضرر نخواہد بود جمیع تپش خانہ خود شانرا
 با آن طرف بردند درین بین باران شدید بارید و نگذاشت کہ خط متواری با انجام برسد
 بہت روز بعد از ایستادن باران با تمام رسانیدند در میان شہر ما بین اشرا رفاق و
 دادہ بود اکثری از انہا از دہلی بیرون رفتہ بودند انہا بیک ماندہ بودند رسولان بارز دوی انگلیسہا
 فرستادند و تکلیف کردند کہ اشرا بیکہ مصدر قتل و غیرہ شدہ بودند بسزای خود برسانند
 ولی انگلیسہا آن تکلیف را قبول نکردند درین بین نورجاج شاہ پادشاہ دہلی نزد سردار
 انگلیس آدمی روانہ داشتہ و تکالیفی چہ کردہ بود بالآخرہ جادادن تو پچہا برحمت تمام د
 داد شکیک مصحورین سجدی بود کہ در قرار دادن چند عرادیہ توب دو صاحب منصب و چہا نفر
 از انگلیسہا کشیدہ درین بین جنرال نیکولسون با سہ ہزار نفر قشون آمدی کہ در شہر خلو بودند پنجانہ
 بخی شدہ جمیع قشون از ہمہ با سبت دہ ہزار نفر بودند یورش در چہار دہم ماہ اکتوبر بر بردہ
 و انگلیسہا داخل شہر شدند در همان شب سوارہ کہ در شہر بودند با چیل ارسپا بیان بیرون
 آمدہ بعضی بہت برواری و برخی بطرف شہر افر فستند در ۲ شہر اکتوبر شہر دہلی با تمام
 بدست انگلیسہا افتاد در اول خبر رسید کہ پادشاہ دہلی با عیالش کریمتہ و فرار کردہ بود
 لکن در ثانی خبر رسید کہ در شش فرسخی شہر پادشاہ را باد و پشش د با مقامی عیال گرفتہ
 الان مجبوس کار گزاران کلین ستند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۵ شهریور سال ۱۲۷۴

نزد سبده و پنجاه هفت

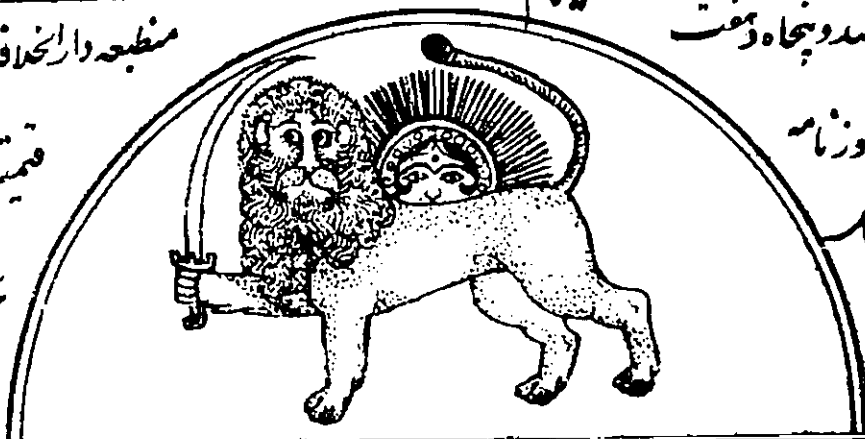
منطبعة دارالخداة طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر خط در روز

هر نسخه یک شکر



اجبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

دارالخداة طهران

در این اوقات باقتضای فصل بارانهای متوالی آمد و چند باران از میت چهار ساعت تا سی ساعت
 اگر چه بعضی بنای عریضی که از پشت وکل بود جزئی خرابی رسید ولی بجهت زراعت آینده زیاده
 خوب و مطلوب بود و از بارندگیهای سپایی که در جلگه باران و در کوها برف آمد هوا بسیار صاف و
 ملایم گردید نظر بملاکت هوا که مقتضی شکار بود سرکار اقدس تایون شاهنشاهی عزیمت شکار جا
 و آن اطراف و تفرج جلگه و شکار کا بهار فرموده در روز چهارشنبه ۱۴ موکب فیروزی کوکب از دار
 مبارکه حرکت فرمودند جناب جلالت آبا شرف امجد ارفع صدر اعظم فخم و جناب فحمت نصاب
 نظام الملک و بعضی از شاهزادگان عظام با برخی از معتزین چاکران حضرت ظفرم رکاب تایون
 و چند روز اعلیحضرت اقدس تایون شاهنشاهی خلد الله ملکه لشکار و تفرج آن صناعات مشغول خواهند
 بود در روز پنجشنبه ششم اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی نظر بفرموده رسم ملوکانه در حق جناب
 اشرف امجد ارفع صدر اعظم فخم سجده ایشان تشریف فرما گردیدند از جانب جناب معظّم آبه
 و جناب فحمت نصاب نظام الملک تقدیم قربانیا و پیشکش و پای انداز بطورش نسبت به عمل آمده
 و متعلقان ایشان در لوازم تدارک اسباب صیانت و شرایط خدمتگذاری مراتب اهتمامات خود را
 ظاهر ساخته مورد کتین و التفات گردیدند اعلیحضرت شاهنشاهی بهار را در آنجا صرف فرموده بر خود
 مبارک بسیار خوش گذشت و تا عصر در آنجا تشریف داشتند بعد از صرف عصرانه و جای
 نزدیکی عروب قباب مبارک مبارکه سلطانی و ممر سلطت عظمی بایشوکه و الا جلال مبارک

۲۳۷۷

فرمودند و در انجا اشخاص مفصله بجهت شریف فرمانی اعلی حضرت پادشاهی هر یک بفرخواست خود

| | | | |
|------------------------------|-------------------------|--------------------------------|--------------------------|
| از جانب نواب عماد الدوله | از جانب معرت نجف قان | عیبه الوزرا اعطای معرت نجف قان | معرت نجف قان میرزا احمدی |
| حکمران کرمانشاهان | مؤتمن سلطان وزیر نظام | میرزا دادخان وزیر لشکر | مستوفی |
| عمده الامراء اعطای سیف الملک | معرت نجف قان امیر دیوان | معرت نجف قان میرزا | عبد اللہ خان مستوفی |

پیکش از حضور بایون گذرا میدند و همگی مورد التفات و عنایت ملوکانه گردیدند (تظن بظهور
 و فوز مراحم ملوکانه در باره نواب کامیاب هزاره و الا تبار محمد تقی میرزا حکمران دار انجلا و طهران
 در این اوقات یک جلد قرآن بسیار خوش خط خوب ممتاز از کتاب خانه مبارکه نواب معرت
 عنایت فرموده و یک ثوب گلجه ترمه از ملبوس تن مبارک در حق ایشان خلعت مرحمت فرمود
 (پارسال سعیر غله و حبوبات در آذربایجان بقدری امارت و ادوة طریکی کم یاب شد
 که مردم تبریز و سایر بلاد و بلوک آذربایجان به تنگنا افتادند و فقر و ضعف بملای عسرت شدند
 امسال اگر چه بجهت اللہ تعالی از توجهات اولیای دولت علییه نرخ غله و حبوبات در آن مملکت نازل
 شد و نوع رفاهی برای مردم حاصل آمد لکن چون هنوز محصول آنجا کفایت پریشانی سال گذشته و
 محاشش ساله را نمیدد و بیم آنست که باز خدا نکرده با مالی آنجا تنگی و عسرت روی دهد لهذا اولیای
 دولت علییه قرار دادند که ساله حص و نقل غله و حبوبات و گاو و گوسفند تجارح موقوف شود که کفایت
 آذربایجان در اجرای این حکم اهتمام خواهند کرد و آنست که بیکر اقلیل کمشش و شیرین بار ازین حکم
 مستثنی است محض ملاحظه رواج تجارت فرار دادند که ممانعت ازین تجارت نشود و گذارند تجارت
 داخله و خارج کشش امثال آنرا تجارح حمل نمایند) (خون معرت نجف قان میرزا احسان حاکم
 عراق در انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت و تحصیل موجبات امنیت و آسودگی رعیت
 اهتمامات کافیه بعمل آورده بود و در سینه صمیمه مقام مأمورت قشون نصرت نمون افواج عراقی ترا
 در اندک زمانی در کمال ابراستکی بر آه انداخته خدمات شایسته و نمایان کرده بود خدمات او در
 خاکپای بایون مقبول و مستحسن افتاده از جانب سنی البواب بایون با عطای یک قطعه نشان از مرتبه
 میر بختی و بکر شده حامل سرج و سفید که مخصوص آن مرتبه است سرافراز گردید) (ز چون محاسبان
 مباشرین و انبار دارهای قورخانه وجهه خانه مبارکات را از ابتدای دولت جاوید مدت الی آخر
 سال لوی نیل عالیجا میرزا حسین میرز شسته دار قورخانه مبارکه نوشته و کتابچه کرده بود در این اوقات

۲۳۷۸

بجهت گذشتن کتابچه با از دفتر خان مبارک حسب الامر جناب جلالت بای نظام الملک با عالیجنابان مغربی ایالتان
 میرزا ابوالقاسم مستوفی و میرزا نصر الله مستوفی و میرزا شفیع سرشته دار جناب جلالت بای شرف
 صدراعظم پنجم و میرزا حسین سرشته دار و دفتر خان قریب دو ماه بحاسبات مذکور رسیدگی نموده و
 خرج آن محاسبات را تحویل گرفته و با تمام رسانیدند و بعد از آنکه جناب جلالت بای شرف
 صدراعظم محاسبات را با تمام ملاحظه فرمودند محاسبات را برده در حضور مبارک عرض نمودند
 در تمام این محاسبات فورخانه حسن خدمت خود را طایر ساخته و خوب از عهد برآمده و با تمام
 بودند محض رحمت چهار ثوب جبهه بدین موجب در حق هر یک از آنها خلعت مرحمت گردید

مقرت ایالتان میرزا ابوالقاسم مستوفی ایالتان میرزا نصر الله مستوفی ایالتان میرزا شفیع سرشته دار ایالتان میرزا حسین سرشته دار
 مستوفی
 مستوفی
 مستوفی
 مستوفی

سایر ولایات

ادریبایجان از فرایک در روزنامه خوی نوشته بودند امور بلده و بلوکات و سرحدات
 انولایت از حسن ایتمات نواب کامیاب و انا محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس نهایت انتظام
 و انضباط را دارد و قوانین و مترددین با سرتراحت و نیت عبور و مرور میسایند و حجت محافظت شهر و محلات
 کزنده و قوایل گذشته و خود نواب معینی الیه جز دفعه مراتب احوال ایشان میوند از جمله کسی
 در میان دو قبله چند نفر مجلس شرب داشتند همگی آنها را گرفته چند نفر را تلبیه نمودند و اگر نام
 فوج ما کوئی را که برفت معروف و مادیست بود محسوس نموده لازم مقبیه در حق محضرتین بعمل آوردند
 (ملا ابراهیم تاجر پسر مرحوم حاجی ملا عبدالعزیز کتبخان یک نفوسال بیک نفر شاکرد چایار و او
 بود که در نرسه قد اداجی اورا کشته نهادار برده بودند مقرت ایالتان مؤمن سلطان وزیر نظام مرا
 بنواب محمد رحیم میرزا اظهار داشته نواب مغربی الیه نیز ایتمام نموده عالیجاه خلیفه قلیجان را امور کرده
 بدست آوردند محمد قزاق نام باد و نفر دیگر بودند آنها را محبوست مدار سلطه تبریز نیز مؤمن سلطان
 وزیر نظام روانه نمودند) دیگر نوشته اند که یکقطه نشان از مرتبه اول سیرسی با انضمام یکرشته
 حایل شرح که مخصوص آن نشان است از جانب سنی ایوانب اقدس ایوان شایسته ای با افتخار لوا
 کامیاب محمد رحیم میرزا رحمت شده بود با تاجار تو و وصول فکند نواب مغربی الیه با علما و اعیان
 و اعیان ولایت تاد و زنجی شهر با استقبال شفافه لوازم توقیر و احترام نشان ایشان را عمل آوردند

۲۳۷۹

در کنی رود قطور آینه پیکر افتخار و عاقل کردن اعتبار نموده بعد از صرف شربت شیرینی و پادشاه
 مراسم تهیت شهر را جهت نمودند **اصفهان** از فرار که در روزنامه اصفهان نوشته اند
 امور انولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده و الا بتا حثمت الدوله حکمران اصفهان
 قرین استقام کامل و کمال اسودگی و ایت از برای عموم مالی انولایت حاصل است و متوجه انجمن
 میرزا محمد زکی و وزیر اصفهان همه روز حسب احکم نواب معزی الیه با مستوفیان انجام در دفتر
 مشغول رسیدگی معاملات و محاسبات ولایتی و نظم امور داد و ستد دیوانی و انجام خدمات
 مرجوعه پیش و امور شهر و محلات منظم و منجسوط است و سرف و شرارت بندرت اتفاق
 می افتد و سایر رجال و مباشرین شهر و بلوکات هر یک در انجام خدمات مرجوعه بخود کمال مراقبت
 بعمل می آورند و همچنین امور طرق و شوارع منجسوط و قراول دستخط و قراوران در راهها حفظ
 و حرارت مشغول و عابرین و ستره دین با سودگی و اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند (دیگر نوشته
 که فوج عالیجاه ابوالفتح خان و توپچیان متوقف اصفهان همه روز مشغول مشق مستند و صیقل
 کمال اهتمام در مشق و انتظام امر آنها دارند و میدان نقش جهان اصفهان را که حسب احکم نواب
 شاهزاده تعمیر نمودند تا کنون بیشتر از نصف آن تعمیر شده و اغلب انجرات آن راتازه
 ساخته اند و آنچه ساخته و تعمیر شده در کمال خوبی و عفا می باشد و باقی تعمیرات از اهم بنا و عله
 در کارند که تعمیر نموده تمام سازند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه عبدالحسین خان خزانه دار اصفهان
 علاوه بر شغل خزانه داری امر مباشرتی معیار را نیز تعبد کفایت و اهتمام خود گرفته و کارزار و کمال
 نظم کامل داده است و رباط انجمن نیز که خرابی با و راه یافته بود در کمال استحکام تعمیر می نماید و خود نیز
 در این اوقات سجه رسیدگی با مزارع و تعمیر رباط مرز با انجمن رفقه خیز روز توقف داشته
 امور انجمن را از جهت منظم کرده بشهر را جهت نمود) (دیگر نوشته اند مقرب انجمن خان سهام
 ۲۵ شهر ربیع الاول با اعزاز و اکرام تمام با یک فوج از افواج ثلاثه ابوالجهمی خود وارد اصفهان
 و در عمارت صدر مرحوم منزل نموده و افواج ابوالجهمی مقرب انجمن مشارالیه نیز با کمال نظم و
 وارد شدند با اینکه ناخوشی در فارس و کمرسرات انجام داده است بجهت الله افواج مرز و صحرا
 وارد اصفهان شدند و بسیار کم از آنها تلف شده بودند) (دیگر از قرار که تعمیر انجمن اصفهان را
 نوشته بودند که مخرورای دو تومان و جو خرواری دوازده هزار و گاه خرواری هفت هزار
 و گوشت یک شانه دو هزار وینار و روغن یک شانه شش هزار و دو و عیبسی و سایر مالکولالت بهین منظمه مانع است

۲۳۸۰

بروجرد و عربستان

از فرآر که در روزنامه بروجرد و عربستان نوشته اند امور انولایت از حسن مراقبت در
نواب مستطاب مراده افخم و الالباب احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروجرد
بختیاری قرین انتظام و ضبط کامل است در عیایا و برابیا آسوده خاطر بدعا کونی ذاب آفس
شاهشاهی اشتغال دارند مقرب انخاقان میرزا محمد ریح مستوفی دیوان اعلی که حامل ضلع مهر
نواب معزی الیه و امیرزاده ابراهیم میرزا و غیره و از جانب دولت علیه مأمور بر رسیدگی محاسبات
انولایت بود بعد از ورود بانجا نواب معزی الیه قدغن اکیه نمودند که مقرب انخاقان میرزا ابوطالب
وزیر و سایر کارگذاران و مباشرین نشسته معاطات و محاسبات دیوانی و مهمات لازم که
صورت اتمام و انجام بدهند که مشار الیه زود در بارها یون شاهی معاودت نماید (دیگر
نوشته اند که از دهمه آخر ماه صفرالی دوازدهم ماه ربیع الاول بانجا اتصال با زندگی کرد اگر چه
بجهت زراعت آینه بسیار نافع و موقوف بود و زراعت کاران و صاحبان اطلاق زیاد ازین محسنت
مشغول بودند ولی چون اغلب غزمنهای غله سیلا خور و بختیاری و جماعی در صحرا بود ازین بار
فی الجمله ضرر صاحبان آن غزمنها رسید) (دیگر نوشته اند که نواب جلال الدین میرزا جاکم
لرستان چندی بود که در لشتر مشغول انتظام مهمام ملکی و وصول و ایصال مالیات دیوانه
بودند فوج ناصریه از روزیکه وارد و اشتر شدند چون عالیجاه محمد کاظم خان سرهنگ فوج مزبور
از نواب مستطاب احتشام الدوله خواهرش نموده بود که معنی برای مشق فوج روانه نمایند لهذا
عالیجاه میرزا علی صفر مختم را که از مدرسه مبارکه دارالفنون مأمور خدمت انولایت بود روانه
کرده هر روز در لشتر مشغول مشق فوج مزبور است و چون ملبوس و لنگت و سایر اسباب این
فوج تمام و باشکوه است در نظر الوارزاده جلوه می و نواب جلال الدین میرزا خود نیز هر روز
بیان فوج مزبور آمد مشغول مشق میباشند و کمال رضامندی از حسن سلوک فوج مزبور و نظم عالی
محمد کاظم خان سرهنگ دارند و در روز بیستم ماه ربیع الاول قرار بود است که نواب
جلال الدین میرزا اردوی خود را از لشتر سمب خاوه بجهت نظم طایفه دلفان و کاکا دند و خود
مالیات دیوانی آنجا حرکت بدهند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا جعفر خان سرهنگ توپخانه مبارکه
که از دارالخلافه مبارکه با توپچیان و چهار عراده توپ مأمور بود و در آنجا گردیده و موردا
نواب احتشام الدوله شده مراقبت خدمت محوله بخود میباشند

۲۳۸۱

دیگر نوشته اند که در منزل مادیان رود آبی بود که هر سال در وقت طغیان آب بابل آرد و
 و غیره در وقت عبور ضرر کلی می رسید و عبور از آن آب بصورت دست میداد درین سال در شب
 شاهزاده و اکابر حشام الدوله بجایگاه فتح الله خان یا در فوج امرانی حکم نمودند که بل مضبوط
 سر رود در نورسباز دنیا و عله و مصالح کار را بنهار آفریده آورده درین اوقات پلی در کالی مشا
 و استحکام که مثل بر چهار طاق بزرگ است در مجبور و در نورسباز با تمام رسیده و عابرین با سود
 عبوری کنند چون اغلب طوائف که از آن صفیات عبور میکردند بجهت نبودن معبر راه خود را این
 دور میکردند تا معبری پیدا کرده بصورت میکشیدند ساختن این پلی باعث رفاه طوائف نورسباز
 و سبب میزد دعا کونی آنها و سایر عابرین شد است (دیگر از قراریکه نوشته اند سر حد ششم کمال
 انشام را دارد و تفکیکی عرب و بلوچ مشغول استخفی در اقب خدمات محوله بخود میباشند) دیگر
 نوشته اند که چون بنامین شوشر و در فلول مسفتی دارد در تابستان که هر اگر میشد اغلب مردم
 در آن بیابان از بی آبی تلف میکردند سال قبل ازین نواب حشام الدوله محض رفاه حال
 عابرین و حصول دعای خیر جهت ذات اقدس عالیون شاهنشاهی مقور داشتند و جاه آستان
 رود فرسخ و س فرسخ بیرون آورده در وی چاه ساخته بجهت مقرر دادند که عابرین سهولت یابند
 باین رفاه آب بردارند و از آنوقت عابرین و متر دین این رهگذرگان آسودگی روی داده
 نهایت شکر گذاری و دعا کونی را دارند و همچنین از در فلول بحسینه که مسفتی بعد است در تابستان
 بجهت نبودن آب و گرمی هوا پیا دکان چهار حشرت و صوبت شده بعضی از شدت عطش مملکت
 درین سال نواب شاهزاده حشام الدوله بجایگاه میرزا عیاض الدنایب در فلول حکم نمودند که چاه
 مابین آن راه جو نماید که عابرین در تابستان از بی آبی در مسفتی نباشند جایگاه مشا را یعنی
 و عله و بنا فرستاده بقدری شتا و ذرع زمین را حفر نموده تا باب رسیده و طاق زده بملک
 درست کردند و مبالغی مخارج آن شده اکنون عابرین و متر دین از بابت آب آسوده خاطر
 و شاکر و دعا کوی دولت جاویدت میباشند و نیز بل زالی و دوزخلی در فلول را که سابقا
 حشام الدوله ساخته بودند و سال در طغیان سیلاب خراب شده بود مجدداً نواب مشا
 حکم نمود در این اوقات در کمال خوبی و استحکام ساخته شده و با تمام رسیده (دیگر نوشته اند
 که نواب سلطان ابراهیم میرزا که مأمور نظم صفیات راهبر و حجب و ایوار و آن صفیات بودند
 با کمال کار و نظم کامل آن صفیات داده و پنج مرتبه محققان سلیمان خان میرزا که در بهمان تو صیف ازین نوشته بود

۲۳۸۲

۷

انبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده نوشته میشود
از فرار یک در روزنامه های سابق نوشته شده بود در سوک در سیل امبول کرکی بارید بود که هر یک بعد
که در کان بود روز بعد از آن در شهر سینه که در جزیره سیل واقع است کرکی بارید که تا کنون باقی
در شتی مکرک دیده شده است حتی در روزنامه های نوشته اند که از یورنوفال خلی در شت زور کوز
و در میان آنها مکرکی که بعد نیم من وزن داشته است دیده بودند بعضی از اهل آنجا ازین مکرک
شده بودند و بزراعات و باغات آنجا نیز خیلی ضرر رسانده است (دیگر نوشته اند که بعد از این
عمومی پاریس مین تجارت و صرافان امنیت کامل حاصل شد و خیلی از فقر امان اطلاق جمع نمودند در این
در یکی دینا صاحبان دو کارخانه اظهار افلاس نمودند و ازین اظهار افلاس آنها مالی شبهه افتاده
انگشتان از یکدیگر سلب کردند و این حادثه بدون مملکت سرایت کرده باطله اصحاب اموال
انامات که بکارخانه داده بودند بجز مطالبه بکارخانه هجوم آورده بعد از آن از فرار روزنامه ها
یکی دینا خیلی از تجارت و صرافان یکی دینا اظهار افلاس کرده اند) (دیگر نوشته اند که دولت ناپولی
از معرکه حکومت خود به بعضی مالک ناپولی سیم مغراف کشیده و در اکثر مجال هنوز سیم مغراف
نکشیده بود برای سهولت مخابرات از جهت شرقی مالک مرقوم مغربی و از جنوب تا شمال در آن
گذاشته است راه مغراف درست نماید در این اوقات سیمهای مغراف درست شد
و بجای خود وضع کرده و در اوایل ربیع الاول و آل دولت ناپولی با وکلای و مأمورین از فرار
روزنامه ماطه بطل مغراف آمد مخابرات را اجرا نموده اند) (چند وقت پیش ازین در کشتی سار
اسلامبول بنای ساختن یک کشتی بخارد و وقتی گذاشته بودند در این اوقات با تمام رسید
و در روز جمعه در وقتی که اکثر وکلای و مأمورین دولت حاضر بودند اعلیحضرت سلطانی خود شرف
فرمای عمارت سلطانی آنجا گردیده و کشتی را از کشتی سازخانه بدریا انداخته و همش را از کلی
گذاشته اند) (دیگر نوشته اند که در عیت و یک ماه صفر در بحر سیاه طوفانی ظهور کرده از جهل و شش
کشتی که بجهت زفقن طوز در یکجا رسیده لنگر اقامت انداخته بودند مت قطع کشتی را شکست و غرق
نموده است ازین شت کشتی که غرق شده اند کشتی از دولت عثمانی و در کشتی از یونان
کشتی از اسپریت و یک کشتی از انگلیس و یک کشتی نیز علامت برق اطلاق بداشت) (چند وقت پیش
در لندن نفع پول در صد تومان نفع تومان محمول بود درین اوقات بموجب خبر مغراف که با سلام رسید
که در یکی دینا مین تجارت و صرافان دو صاحب کارخانه سیم و بعضی اظهار افلاس کرده و در لندن نیز نفع پول
رسیده است)

۲۳۸۲

دیگر نوشته اند که از امانی بیک او غنی بسپول شخصی مدعی سرش را بقمر و فاقه که زانده و با کمال
 بی بضاعتی که زان می نمود حتی در این او آخر شدت فقر و اضطراب او بر تبه رسیده که بقوت بومیته
 قادر نبود در این اوقات یکی از اقربای او که صاحب ثروت و کثرت بود فوت شده و از اموال
 او بجز ارش پنجاه هزار تومان باین شخص فقیر رسید این خبر سرت اثر که با دو داده شد تا مدتی با
 میگرد و آنها که خبر انتقال این وجه کزاف را با و میدادند کان میگرد که او را استهزا و تمسخر میکنند
 تا اینکه وجه مزبور را کمالا با و تسلیم کردند از نهایت حیرت قدرت بیچگونه گفتگو داشت و از کمال
 عقل از سرش زایل گردیده و مجنون شده بچکات دیوانگی اقدام نمود از جمله در بازار کر بپوش میگرد
 یک عرابه گزیده دید از صاحب عرابه اقباع آن را خواش کرد و صاحب عرابه به بر چه قیمت بر این
 بدون گفتگو تسلیم کرد و میان عرابه مزبور از بعضی شبها بمصرف که لزوم نداشت مال مال نزد
 یک ماده کا و نیز بهین قسم خرید عمال او دیدند که باین مال و افزای که در تنجید او خطور میکرد و بدست
 افتاده عطفش زایل گردیده و دست اتلاف و اسراف کشوده در اندک مدت این مال را تلف خواهد کرد
 لهذا وجه مزبور را از دست او گرفته و پیش ازین دو فقره مذکور است تلف کاری بکند و او را در یک
 اطاق حبس کرده اطباء را معالجه او حاضر آوردند که او را ازین جنون بحالت صحت سیانید (دیگر نوشته اند
 که در شهر نیور فرانس شخصی از ارباب ثروت که کمال خست و دمانت را داشت بجهت بعضی مصارف که زان که با
 شاق می آمد خود را از ریسمانی او بخته بود که بپاک بشود درین بین یکی از نوکرهای او رسیده آهای خود را بان حالت
 بدکت دیده ریسمان را بریده و او را از هلاکت نجات داده و ختیس مشارالیه اظهار ممنونیت کرده بعد از چند
 که آن نوکر بخواست مرخص بشود حساب هر چه با و داده بود کرده قیمت آن ریسمان را هم که بریده بود و بخت
 ششای پول این ولایت میدپای موجب حساب کرد که ریسمان را بریده ضایع کرده من ضرر زده باید
 بیای حساب شود آن نوکر هم قبول این معنی کرده و آن ریسمان را که تا و آن داده و مال او شده بود
 برداشته بازارها و کوچهها افتاده با عالی و ادانی نشان داده و کیفیت ماجرا بنا کرد بیان نمود
 که فلان کس که آهای من بود بجهت مصارف لازمه خود که دشمنی آمخرج کند خود را ازین ریسمان بخته
 بود که بپاک نماید درین بین من سیم ریسمان را بریدم و او را از هلاکت نجات دادم امروز که حساب
 کرده و از نوگری او مرخص شده ام قیمت این ریسمان را که وجه خبری و ناقابل است پای من
 حساب کرده و تا و آن من نموده است بجله این که آرش را بر دم حکایت میگرد و مردم آخست
 دانست آهای او بخت سیمو دند

۲۳۸۴


روزنامه وقایع القایب تاریخ یوم شنبه بیستم مهر بیست و نهم سال سلیمان ۱۳۱۴

منطقه دارالخلافه طهران

نمونه سید و پناه بخت

قیمت روزنامه

هر نسخه شش



قیمت اعلامات

شش

هر صفحه

اجبار داخله مالک محروست پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی ایامه ابدیه و ابداً تعیش که چند روز است تشریف فرمای شکارگاه
 جاجرو شده اند تا انون و رسم معموله سال از شکار بگ و غیره که فرموده اند بجهت علمای اعلام و بعضی
 از شاهزادگان عظام و مسراوقات حرم بهالت که متوقف دارالخلافه مبارکه بودند در محنت فرموده القایب
 داشتند و همچنین بجهت سفرای دول متحاجه بهر یک فستی از شکار بگ و غیره محنت فرموده نیز در جناب
 فحاشت لصاب و وزیر امور خارجه فرستادند و جنابش را الیه بهر یک از آنها رقعہ نویسته شکار محمی
 اقدس علیون را بجهت آنها فرستاده و آنها نیز در جواب رقعہ اظهار تشکر و شغف خاطر از محرم طوکا
 نمودند و از قرار مذکور موکب فیروزی لوکب تا یون تا چند روز دیگر در آن صحنه تفریح و شکار
 فرمودند (عالیجاه محبت و بخت سمره میرزا بزرگ کار پرداز دولت علیه مقیم ارزنة الروم که در
 سرپرستی بجهت این دولت و مراقبت امر آنها اتمام و سدقت بطور آورده در انجام خدمات متقره
 شواهد قاعده دانی و کفایت را طایفه ساخته مراتب خدمتگذاری و سعی و مواظبت او بنسبت اولیای
 دولت علیه بعضی خاکپای ها یون اقدس اعلیحضرت شاهی دامت شوکتہ رسیده مورد الطاف
 طوکانه آمد و بقیه جلیل خانی بر حسب فرمان عنایت تو انان به موجب یکثوب جتیه ترمه بر حسب
 اقباب طلعت سمرقزار و قرین مبانات آمد) (عالیجاه ابو القاسم بیک ترجمان کار پرداز خانه
 علیه مقیم ارزنة الروم که بچاپای بدر بارها یون آمده بود مراتب رضامندی عالیجاه محبت و بخت
 همراه میرزا بزرگ نمان کار پرداز از صدق خدمت او در رجوعات کار پرداز خانه بعضی اولیای

دولت علیه رسیده مورد توجهات گردید، با علمای یک قطعه نشان درجه سلطانی موجب حکم نظامی
سربند و قرین افتخار آمد (نظر بچو اسن خدمتگذاری و مراقبت نواب کامیاب میرزاده کامکار محسن میرزا
میرا خور در لوازم امور منطقه بخود در این اوقات مورد عیادت ملوکانه آمد بکوش کعبه دولای لاکه کرمانی
از طبوس بدن مبارک بنواب مغزی ایلیه حجت گردید) (چون عالیجاه مقرب انخاقان نورمحمد خان
سربند طازم کرد و ترک نازد ران در نظم امور لوکر ابو ایجمعی خود مراتب کفایت و سیکو بندگی ظاهر
ساخته مراتب اهتمامات و در انضباط امور محوله بخود مقبول و سخن خاطر اقدس تالیون شاهنشاهی
و امنای دولت علیه افتاده در این اوقات بکوش کعبه ترمه کرمانی سکین خوب از جانب
سنی ابجواب ملوکانه برسم خلعت در حق مقرب انخاقان مشارالیه حجت گردید) (محض
ظهور التفات خاطر مرمضا ملوکانه در باره عالیجاه عیادت و تسرا راه حاجی مبارک خان کوش
جبه ترمه کرمانی ارضند و قحانه مبارکه برسم خلعت با و حجت گردید) (عالیجاه خواججه زیدی مشهدی
که در میان اهل صنایع و هنرمندان از همگان ممتاز و درین دولت علیه انواع صنایع بدیعه را
مخترع و بدکاوت و درایت ذاتی اقامت عثمایی مختلف متعه دار موسیقی ایرانی و سازهای دیگر
اختراع نموده و بدایع اختراعاتش مقبول و متحن خاطر اقدس تالیون شاهنشاهی و ادلیای دولت علیه
افتاده و اغلب عثمایی با ساز و مجالس و تصاویر او که کمال هنرمندی در آنها بکار برده و با تمام
ریب بزم حضور مرحمت ظهور تالیون و مجالس جناب جلالت نواب شرف امجد ارفع صدر عظمی
و جناب فحمت نصاب نظام الملک است و در سایر فرمایشات دیوان اعلی از اسباب نظام
از قبیل اپالیت و ویسلی بند و بند شمشیر نشان و سایر زرگریها حسن سلیقه و مراتب اهتمامات او
مشهود و مخطوطات او مشایسته ظهور عاطفی ملوکانه آمده درین اوقات یک قطعه نشان طلا در
اول اهل صنعت که در وسط آن ساعت قرار داده شده که علامت شغل اوست از جانب سنی ابجواب
اقدس تالیون بافتخار عالیجاه مشارالیه حجت شد که ریب پیکر افتخار خود ساخته سبب مزید
و گهری او در ایجاد و اختراع صنایع بدیعه و بدایع غریبه کرد) (در این اوقات که موکب فری
گوکب تالیون در شکارگاه جاجر و دتشر لعل دارند نواب کامیاب میرزاده و الا تبار محمد تقی میرزا
حکمران دارالخلافه طهران و توابع در مقر حکمرانی خود و مقرب انخاقان میرزا لمرسی وزیر دارالخلافه
و مضافات در منزل در ب خانه خدمت نواب مغزی ایلیه با عالیجاهان کلاته و که فدایان همه دوز
بظم امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی مشغولند و عمده الامراء الوطام محمد خان بیکر یکی امیر تومان و

۲۳۸۶

سران و صاحب مضبان نظامی بانظام امور متعلقه بنظام و حرمت دوره عمارت سلطانی و لوازم
 امور متعلقه بخوار اشتغال دارند و هر روز که بارندگی نیست و هوا ملایم است افواج قاهره نظام از یون
 و سرباز در میدان مشق حاضرند مشغول مشق میباشند و هوانیز باقتضای فصل بارندگی می کند و کمال
 دارد و درین روزها یک برف خیزی آمده و ایوم پنجشنبه نیز از طلوع صبح باز برف شروع بارندگی نمود
 تا کنون برف و بایاضای بمتوالی در شهر و بلوکات برجب دلخواه صاحبان املاک و اهل زراعت
 و نهایت امیدواری را بزایدتی حاصل آید دارند و کمال وفور و فراوانی هر چیزی است و نظام
 کامل در امور دارالخلافه الباهره از هر جهت حاصل است عموم مالی را عیان با عین سودگی مدعا کونی
 ذات اقدس عالیون شاهی خلد الله ملکه و سلطانه اشتغال دارند (مرحوم آقا محمد حسن مهر دار
 که از جمله قدیمی چاکران و معتبرین رجال در بارهای یون بود و علاوه بر منصب مهر داری مناصب عالی
 از قبیل صاحب جمعی صندوق و قیام مبارکه و رئیس سفیدی عمل ضلوت و باشیکری تفنگداران خاصه
 بود در شب چهارشنبه ۲۱ این ماه باجل موعود داعی حق را بیک اجابت کفتمه علمای اعلام و عموم
 عمده و در بارهای یون که در دارالخلافه توقف داشتند تجنیر و کفین تشییع جنازه او حاضر آمده با کمال
 اعزاز و احترام نفس او را برداشته و مجلس فاتحه در خانه مرحوم فرمود فرهم آورد و الهی و عیان
 نجاسته خوانی اقدام نمودند **سایر ولایات** (آذربایجان) بقبر اریکه ایزدین ولایت
 نوشته اند از حسن مراقبت تو استتباب هراده مجسم و الایبار رکن الدوله العلیه العالیه از سوی
 حکمران مملکت آذربایجان و کمال مواظبت و کفایت مقرب الحاقان مؤمن سلطان وزیر نظام و شکار کل
 آذربایجان امور انجا قرین انتظام کامل و کمال فراغت و آسودگی و نهایت بجهت عموم الهی انولایت حاصل است
 امور شهر تبریز و بلوکات دور و نزدیک و طرق و شوارع در نهایت انضباط است مؤمن سلطان وزیر
 نظام بجهت سرکشی و نظم امور مرانده و آن صفی این رفقه و مقرب الحاقان میرزا مصطفی قلی بیگلر عباس است
 و معاطات آذربایجان همه روزه باستوفیان انولایت در دفتر خانه نشسته با بنجامهات دیوانی و معی
 و معاطات لایق کمال وقت و رسیدگی را مینمایند در اوایل این ماه در تبریز چند روزی بعضی اشخاص بنحی
 فوت شده بودند الهی تبریز نشو داشتند که خدا نخواسته اما ناخوشی و با باشد انهم بجهت الله رفع
 شده و حال به گونه ناخوشی در انولایت ظهور ندارد و هرگونه نعمتی کمال وفور را دارد که دم بوزن هر اشتغال
 و دعباسی جو سبید دینار ریج غیر لوشت عباسی رد عن پنجهزار و سبید دینار کوبت شش عبا
 همه ده ریال ذغال سبید دینار گاه یکتومان سایر اجناس و حبوبات نیز با منظم مسرت

۲۳۸۷

اصفهان

از فرار یک روز نامه اصفهان نوشته اند مقرب الخاقان محمد بر اسپهان سهام الملک که با
 وارد اصفهان گردید بعد از دو روز که فوج جدید اصفهانی و فوج قدیم فریبی او ایچی مقرب الخاقان
 مشارالیه در میدان نقش جهان اصفهان حاضر گشته صف نظامی کشید و نواب مستطاب هزاره
 حثمت الدوله حکمران اصفهان میدان مزبور آمد مشق آنها را تماشا و با مورتشان باز دید و رسید
 نموده آنها را مخص کردند و در محبت از میدان علی العظمی با صطبل توپخانه تشریف برده ابو الفتح بیک
 نایب اصطلیل توپخانه مبارک را بحضور خواسته ملاحظه اسباب توپخانه و اسباب آنها را نمودند پس از
 تحقیق و رسیدگی معلوم شده بود که مشارالیه در وجه تدارک جنس و نقد و غیره اسباب توپخانه و غیره کفایت
 بود و حیف و میل کرده و گذشته از آن اسباب توپخانه نیز بسیار لاغر و مفلوک بودند معلوم گردید
 حو اسباب را نیز در هر سببی یکبار که کم میداده است بجهت تعلقات مشارالیه ظاهراً هرگز دیده نواب
 معزی الیه اورا تادیب و تنبیه کامل نموده و وجهی که از بابت تدارک جنس و نقد گرفته و بان کار مصرف
 نموده بود از او مسترد داشته مقرر فرمود که بجهت اسباب جنس و نقد بکند و بکفایت عالیه الخاقان
 یا در توپخانه مبارک که مقرر گردید بعد از این خود مراقبت و رسیدگی نماید که اینگونه تعلقات اتفاق
 نیفتد مجدداً ابو الفتح بیک بنیابت اصطلیل توپخانه برقرار گردید و قد عن اید شد که اسباب توپخانه
 همیشه چاق و فربه و با جنس و نقد و اسباب تمام داشته باشند (دیکر نوشته اند که چند وقت قبل از این
 که عالیجاه حاجی کاظمخان حبه دار اصفهان حسب الامر اولیای دولت علیه احضار بدر بار معدلت مداری
 شده بود در جنس حرکت او نواب مستطاب هزاره و الا با حثمت الدوله میرزا فوج القدر را رستما و ند
 بجهت خانه رفته اسباب موجوده حبه خانه را از لعلک تمام اسباب دوله لعلک و سر نیزه چاق
 لعلک و فالسقه و قداره و طبل و غیره تفصیل باز دید کرده و در انبارهای حبه خانه کد گشته در
 انبارها را مقرر نمودند در این اوقات که عالیجاه ابو الحسن خان پسر مشارالیه از دارالخلافه مبارک
 آمد حسب الامر نواب معزی الیه خود را اخذ در امور حبه خانه بنیاید و مراقبت انجام حبه خانه مبارک
 و کارهای صنایع مشهور و همچنین سایر فریاد موجودی انبار اصفهان را که ابو ایچ عالیجاه فتح الله بیک
 وکیل توپخانه بود و دست حسب الامر نواب مستطاب هزاره حثمت الدوله ملاحظه و باز دید
 نموده صورت اسباب موجوده آنرا در دفتر اصفهان ثبت و ضبط نموده باز ابو ایچ را
 نمودند

۲۳۸۸

۱۵

و همچنین فوج فریدی ابوالکحی مقرر بخاقان سهام الملک که وارد اصفهان شدند حسب حکم
نواب نیرد جهتم الدوله بعد از سه روز در میدان نقش جهان اصفهان حاضر آمد و صف نظم
کشیده نواب معزنی الیه برکشی و ملاحظه مشق و حرکات آنها میدان فرور آمدند و بدقت با
نهار رسیدگی نمودند و کمال نوازش را در حق عالیجاتان میرزا عبدالوهاب خان سرمنگ و
حاجی باقرخان و سایر صاحب منصبان بعل آورده مقرر داشتند که مواجب فوج مزبور از قرار
دستور العمل دیوانیان عظام داده شود و در بیت و سیمه ربيع الاول مواجب آنها تکلیف
در حضور نواب معزنی الیه هر یک هر یک تمام و کمال تسلیم شده مرخص او طمان و اماکن خود
دیدند (دیگر نوشته اند فوج سربندی ابوالکحی عالیجاه ابو الفتح خان سرمنگ ساخوی
اصفهان همه روزه از دعوت از روز بالا آمده تا قریب بطریق باهم صاحب مفضلان مشغول
مشق میباشند و بعد از آن مشغول قراولی قراول خانهای شهر و غیره بوده کمال اهتمام با
در حفظ و حراست بعل می آورند و با نهایت نظم حرکت مینمایند و عالیجاه مشار الیه مراجعت تمام
در نظم امور آنها دارد و جیره آنها نیز از قرار دستور العمل دیوانیان عظام رسیده امور
همه چه نظم است) (دیگر نوشته اند که عالیجاه آقاخان یاور توپخانه مبارکه بعد از ورود با
موافق دستور العمل دیوانیان عظام آنچه از توپچان متوقف اصفهان که ابوالکحی عالیجاه پاشا
یاوز توپخانه شده بودند که بکرمان روند بحضور نواب نیرد جهتم الدوله عرض کرده و تهیه و تدارک
انها حسب حکم نواب معزنی الیه دیده شده بعد از آنکه پاشا بیک مزبور وارد شد موافق احکام موصی
توپچان مأمور کرمان با نهایت تسلیم شده با تفاق مشار الیه روانه محل مأموریت گردیدند و عالیجاه
آقاخان یاور با توپچان متوقف اصفهان همه روزه مشغول مشق میباشند و مواجب و جیره آنها نیز
موافق دستور العمل دیوانیان عظام با آنها عاید شده عباس میرزای صوبه دار و معتمد لازمه جتد
و اهتمام را در مشق آنها بعل می آورد) (دیگر نوشته اند که در سبب قاطر شخصی مکاری شیرازی در کار و اینها
سار و تقی شب برقت برده بودند مراتب بعض نواب نیرد جهتم الدوله رسیده بداروغه
درین بات قدغن نمودند که تفحص کرده قاطرای مکاری برپا کرده با تسلیم نماید مشار الیه
او هم فرستاده در شهر و بیرون شهر چند روز هر قدر جو یا شدد اثری محسوم نگردیدند
معزنی الیه محض رعایت احوال فقرا و ضعفا در سبب قاطر خوب از قاطر خانه خود بان مکاری داده و
بداروغه قدغن کردند که در تفحص قاطرای سرود باشد

۲۳۸۹

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند امور انولایت اخسن مراقب مقرت الخاقان میر حسن خان
قرین انتظام است و کمال ائیت داسودکی برای رعایا و برابا حاصل و بدعا کونی دات قدس جان
شاهی مشول بشند و مقرت الخاقان مشا رایه در نظم ولایت و تحصیل موجبات رفاه حال یر
و انجام خدمات و ذمایات دیوانی کمال مواظبت و اهتمام را دارد (دیکر نوشته اند که بده
سلطان آباد نسبت لهامی سابق خلی معمر و دایر گردیده است چون بعت قلات آب کسب و تجارت اطراف
چندان ممکن در آنجا نیک گردند بطوری که باید دایر باشد بود درین دو ساله مقرت الخاقان میر حسن خان
اهتمام زیاد در باب آب بنوده و آب قنات و قنای را بیرون آورده شهر جاری نمود و مردم در صده
آبادی درآمد عمارات خوب و کاروانسرای مطبوع و مرغوب از آجر بنا کرده اند و کسب و تجارت از
اطراف آمده در آنجا سکنا گرفته مشول کسب و داد و ستد پیش شد حتی از تجارت معتبره آذربایجان
چند نفر آمده در کاروانسرای آنجا ساکن شده بارهای تجارتی آمد و رفت مینماید و بازار داد و
رواج خوب بهم رسانده اغلب اهالی بلوکات نایل توطن آنجا گردیده عمارات برای خود میسازند و
اهتمام مقرت الخاقان مشا رایه عنقریب شهر سلطان آباد کمال سموریت و یدیت بهم خواهد رساند
قروین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور انولایت اخسن توجهات اولیا
دولت علیه قرین انتظام و انضباط است و کمال ائیت داسودکی بجهت اهالی در عابا حاصل و شکر
حصول ائیت و اهتمام مقرت الخاقان حاجی حسنخان پیکار در سموریت و آبادی ولایت علمای
اعلام و اهالی و تجارت در تعمیر مساجد و مدارس و بقاع متبرکه اقدام دارند از جمله جناب شریف مدار
حاجی میرزا مفید شیخ الاسلام بعد از مراجعت از دربار معدلت مدارها یون بنای تعمیر بقعه متبرکه
الامزاده واجب التعظیم الامزاده اسمعیل ابن امام حفر الصاوق علیه و علی آباءه و انبائه الف الف تحنه
گذاشته و از بنیان تجدید نموده در کمال استحکام و خوبی میسازند و از قرار بر آوردیم هار ان شیخ
شش هزار تومان مخارج آنجا بشود و چون بقعه متبرکه در جوار عمارات دولتی واقع است و خوش
و با صفا ساخته میشود سبب مزید سکو عمارات مزبور میگردد و همچنین سایر اشخاص در بناهای الهامی
و حصول یکنامی اقدام دارند (دیکر نوشته اند که مقرت الخاقان حاجی حسنخان در ستم ماه
ملاقاتی بعضی از اعیان اهالی ولایت بجهت حرکت دادن اسباب کارخانه ربان روانه قم تحصیل کرد
و عمده دهر آبه بارکش تهیه نمود که اسباب کارخانه مزبور را از قم بجهت قزوین و طهران حرکت بدهد

۲۳۹۰

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده نوشته میشود

از قراریکه در روزنامه پاریس نوشته اند بقانون معمول ساله اعلیحضرت امپراطور فرانس در اوایل ماه صفر غریب تصید و شکار فرموده بجل قلمین نام که در نزدیکی پاریس است تشریف فرما شده اند و یک هفته در آنجا اقامت نموده در آن شکارگاه سه دفعه و کلاً و مأمورین دولت خود و سفرای دول متجا به را دعوت و صیاف نموده اند (دیگر نوشته اند که عساکر فرانس در محلی که اقامت میکنند زیاده از حال و تحمل خود از اصناف قرض میگردند و در ادای آن دچار صعوبت میشوند این اوقات دولت فرانس حکم عمومی در باب صیاف کرده اند که هر صیافی که خواهد باشد اگر زیاده از یکبار شکار و عت عساکر فرانس قرض بدهد اگر بجهت اخذ طلب خود دچار صعوبت شود و بدو این عرض نماید دیوان اصلا دعوی او را حواله سمح اعتبار نخواهد کرد و هر چه داده است از کیسه اس رفته خواهد بود) (نظر بطور استراحت کامله و مثبت عمومیه فرنگستان دولتهای فرنگستان در مقام تعلیل عساکر خود خود پیاشند از جمله اعلیحضرت امپراطورین فرانس و روس بعد از طاقات با یکدیگر که در باب تعلیل عساکر موجوده خود هم مذاکره کرده بودند در معاودت بقر حکمانی خود عساکر زیاده از لزوم که در زیر سلاح داشتند و وقت تبدیل آنها نزد یک بود مرض کرده و با وظایفشان معاودت کردند و بهم چنین اعلیحضرت امپراطور استریه نیز این قرار را در دولت خود مجری داشته عساکر موجوده خود کم نمود در این روزها دولت پروس نیز بموجب روزنامه های المانیها شازده هر از نزار عساکر خود را که زیاده از لزوم بود از مسلک عسکریه اخراج و مرضی کرده است و نیز بقراریکه در ثانی خبر رسید از عساکر دولت فرانس که در خبر ایر بودند و وقت تبدیل آنها هنوز نرسیده بودند و در نزار از مسلک عسکریه مرضی کرده و بجهت آوردن آنها برسبیل او قطع گشتی با آنجا فرستاده اند که در بقراریکه سابقاً بیان شده بود سک پول مانند اکثر محال در دولتها و حکومت های المانیها عساکر مسکوکاتشان چون صورتی نداشت فی الحقیقه ضرر دزبان بدولت و رعایا میرسد بجهت رفع این اختلاف و اینکه مسکوکات متداوله یک عیار باشند از جانب دولت استریه و پروس سیه و بجهت حکومت های المانیها و آرداده شده بود دولت پروس سیه و قرا لهاد حکومت های المانیها این قرار را در حکومت های خود مجری داشتند دولت استریه نیز در این اوقات با بحاب این قرار داد مبادرت نمود و حکم کرده است که وجهه قدیم در مالک استریه است نام شش ماه مهلت است که برواج متداوله تحویل و تحویل پول مکتوب بکنند و بعد از این مدت اگر مسکوکات قدیم پیدا بشود بقیمت در و اج متداوله مسکوک قبول نخواهند شد

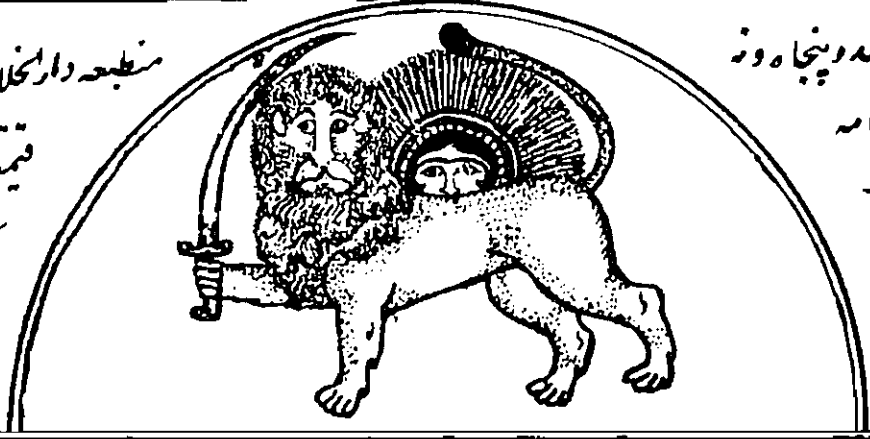
۲۳۹۱

قیمت زرگری گرفته خواهد شد) درین اوقات از ترجمه حالات امپراطور سابق روس کتفه
 در روزنامه های دولت روس نوشته بودند و آن این است که در اوایل سلطنت امپراطور شارلیه
 محاربه که مابین ولتین روس و عثمانی اتفاق افتاد امپراطور شارلیه بجهت بودن یوم مولود خود در
 و ملاقات با عیال خود عزیمت بطرز بوریغ کرده خود در یک کشتی و سایر و کلا و مأمورین او در کشتی دیگر
 از محلی از جوار وارند حرکت کردند چند میل مسافت طی نمودند طوفانی ظهور نموده و رفته رفته شدت گرفت
 بود بجدی که مسرانان امپراطور از زندگانی خود مأیوس شده مستغرق لجه اضطراب گردیده بودند
 امپراطور قبودان کشتی را خواسته و نتیجه آن مخالفت هوایار که بغیا یا خلاصی خواهد کشید سوال کرد
 بود و قبودان مزبور گفته بود که شدت طوفان بکمال است و اگر باین حال امتداد بیاید بگردان خطرات
 خواهند افتاد امپراطور را تحمل صبر و آرام ننمانده بالای کشتی آمده و زمان کشتی را بید خیمتار خود گرفته
 یک مدت خود قبودانی کرد کشتی را رانده بود قبودان مزبور سیر و حرکت کشتی را پسند نکرد بهر حال
 داشته بود که کشتی مجهول بحال حرکت میکند در ثانی امپراطور زمان حرکت کشتی را بید اختیار قوماندان مزبور
 داده و قوماندان بامید وصول باطل بخانی کشتی را حرکت داده آب کرفتار لطافات امواج و صدای طوفان
 بودند تا صبح که هوای روشن اطراف نمایان گردید خود را در فراخای فنار نزدیک بنغاز اسلامبول دیدند و در
 حالتی بودند که تا داخل بنغاز نمی شدند امید خلاصی از غرق شدن داشتند و اگر داخل بنغاز میشدند
 حین جنگ و لبتین بود دستگیر دولت عثمانی می شدند امپراطور با قبودان را احضار و از تدبیر امپراطور
 و از غرق رهایی یافتن استفسار نمود قبودان عرض کرد که بجز مساعدت روزگار روی دیگر درین کار
 بنحاطم نمیرسد ولی در جزو انبارهای بار و کشتی را تهیه دید درین بین هوای مساعدت کرده و ظالم
 کشتی براه خود افتاده بخواجه بیک که مأمور امپراطور بود رسیدند در آنجا از قبودان استفسار نمودند
 که اگر هوای مساعدت نمیکرد در آن حین که قیقن بجزق شدن یا دستگیر سپهر گردیدن بودیم چه تدبیر
 بودی قبودان گفته بود وقتی که داخل بنغازی شدیم چاره جز اینکه بنای بار و کشتی را از
 روزه خود را هلاک نمایم بنظر نمی آمد امپراطور این رای را پسندیده فرموده بودند که اگر کشتی در
 بنغاز میشد چاره جز بالا کردن بقرق مکالمات صلح نبود و ازین گذارش از آن ایام تا حال
 که چندین سال است کسی مطلع نبود در این اوقات که شرح احوال امپراطور شارلیه را بعد از
 فوت او ترجمه کرده و بعضی از آنها را در روزنامه ها درج کرده اند این فقره بموجب روزنامه
 بطرز بوریغ به طرف نشر و اعلان شد

۲۳۹۲

روزنامه وایع انقاییه بیخ یوم شنبه ۲۹ شوال مطابق اسفند ۱۲۷۴

منطقه دارالخلافه طهران
قیمت طلاجات
بهر روز



بهر سیصد و پنجاه و نه
قیمت روزنامه
بر نسخه ده

احزاب و احسنه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه که بشکارگاه جاجرد و تشریف فرما شده بودند
روز یکشنبه گذشته معاودت فرموده بهنگام عصر با لشکر و الاقبال مبارک که سلطانی نزول اجلال فرمود
(بهوای دارالخلافه طهران در این اوقات بمقتضی فصل برودتی بهم رسانده یک دو دفعه برف آمد
در روزنامه های سابق نوشته شد بعد از آن هوا سرد شده و منبهاج بسته است و در یکجا لهایخ
میکیند اگرچه هوا صاف و روزها آفتاب است ولی برودت هوا بچکال است) (در این روزها دو نفر
قصاب از شهر بدعات رفته بودند که کوسفند خریداری نمایند چون رسم است که از آدمهای سکا
نیز یک دو نفر با جرت گرفته همراه میتر که بعد از خریداری کوسفند با آنها آمد کرده کوسفند را برانند و بر
برسانند در چادرهای صادق بیک بسون کوسفند قیمت کرده پول داده بودند که بگیرند در کم و زیاد
قیمت معاملت شده قمبر نام قصاب با استاد حاجی قصاب کویید میرویم جای دیگر کوسفند میخریم از چادر
صادق بیک بیرون آمده قدری که دور میزند قمبر نام بدست می آید آن دو نفر نزد استاد حاجی را خیم
زده مقول کرده بنش او را در کودالی انداخته وجه او را که بکصد تومان بوده است در میان خود تقسیم
و قمبر قصاب بشهر رحبت کرده آن استاد حاجی جویم او میزند میگوید او رفت بشهر قم کوسفند بخرد و من
کردم بعد از دو سه روز دارنده دارالخلافه یا بوی سواری استاد حاجی را در بازار دیده و گرفته معلوم کرده بود
که او را تلف کرده اند که ارش بعضی استصانرا و آب کایا شب هزاره محمد تقی میرزا حکمران و مقرب الخاقان میرزا
موسی و زبرد دارالخلافه رسید فوراً قمبر قصاب را گرفته فرستاده آن دو نفر نزد او راهم پیدا کرده او زند میرزا
افرا بکشن مقول کرد و یکصد تومان مقول از آنها مسترد و بوزیر او تسلیم کردید آن سه نفر مجوس اند تا حکم سیات آنها

۲۳۹۳

چاه مقرب الخاقان سیون داودان تیر و تیر جم اول دولت علیه که ما مقولین بنو جناب طالت با حائین اعلی حضرت امیر الطور
 روس در عکلت قفقازیه بود و گذارش مأموریت او در روزهای گذشته نوشته شد از قراریکه در روزنامه نوشته بودند بعد
 گذشتن از سرحد دولتی ایران و ورود به حدود و بهیته روس در همه منازل عرض را نهایت توقیر و احترام و پذیرائی از کار گذاران
 اندونست متعجب الخاقان را لیه و اسیران اول آمد در روز دوشنبه دوازدهم شهر ربیع الاول که وارد قفقاز شد و خود
 فی الجمله استراحت در بنم فرسخی قفقاز در باغ میرزا یوسف توقف نموده بود فرقی جناب طالت با حائین بکعبه آه انکار تها می نمود
 با چند نفر سواره را اندام بنزد مأمورین و ستاده خود مقرب الخاقان را لیه در آن کار نشسته صاحب منصبان در دور ششم علی قدر
 نسبتاً اتفاق مقرب الخاقان جنرال قونسول دولت علیه عالیجات و نجابت جنرال تالی کار گذار امور رجه قفقازیه پیدین جناب
 رفتند نزدیک به چند نفر جوانان جاسین با استقبال آمدند مگر الی الطاق صاحب منصبان مگر غیره صحبت استاده بودند
 بالای پده حاکم شهر و کوماندات با استقبال آمد وقتی که داخل الطاق اول شد مأمورین زدن از الطاق اولی الی چهارم بقدر دولت
 نفر صاحب منصب نظام و اهل قلم حاضر بودند مثال ایوان در جعبه جداگانه چینی خوب و فرمان ایوان و سر جناب شرف احمد ارفع
 عظیم انجم در میان سنی نقره در دست عالیجات فخری خان ناب جووان باشی بود پیش سر فحین قلاب با جناب طالت با حائین
 اولاً مأمور خود را اظهار رسم تهیت تبریک ابل آورد بعد مثال ایوان را با فرمان مبارک که کار علی حضرت امیر سیون
 شافعی از دست عالیجات را لیه گرفته ابلاغ کرد در همان مجلس مثال ایوان را آویزه پیکر افتخار خود نموده و کرسی نشین جناب
 جاسین مقرب الخاقان را لیه عمده الکبر ایچیه کینا زبید و بود مابقی کلام استاده بودند بعد از صرف قهوه همان ترتیب معارف
 نمودند بعد یک ربع قلم متوسط عالیجات مستر جنرال تالی کار گذار امور رجه جناب طالت با حائین دو طبع نشان استان سلاسی کی خارج کردن
 و دیگر استاده او برای مقرب الخاقان را لیه نشاندند بعد از نیم ساعت جناب طالت با حائین چند صاحب منصبان مبارزه آمد در روز بعد
 شما خانه دعوت کرده یکبار آدرت شخصی خود را فرستاد با لباس نظامی تماشا خانه رفته در اطراف جناب طالت با حائین صاحب منصبان و اطراف
 نشستند و در شب منبر جناب جاسین دعوت نموده مقرب الخاقان را لیه اتفاق مقرب الخاقان جنرال قونسول دولت علیه و جنرال تالی کار گذار
 امور رجه و صاحب منصبان منبر جناب جاسین که یکصد و پنجاه نفر از اهل نظام و ارباب علم در سفره حاضر بودند و دعوت نامه نموده مراسم موالات
 اتحاد و دوستی علین را از طرفین معنی داشته منبرل معاودت نمود و بعد از آن عیان آنولایت نبوت مقرب الخاقان را لیه و اسیران
 او را ضیافتهای سنگین خوب میکرده اند (نظر ملاحظه رسوم و یکانی فیما بین دولتین مجتهدین ایران در روس و با قاعده معمول دول
 که چاکران و حاکمان آن بجا نشستی به و ملاحظه مغایرت قرین مغایرت و بیانات فیما بین گذارین اوقات از جناب اعلی حضرت امیر الطور
 روس قطعاً نسیب است اما از مرتبه دوم باقی عالیجات مجدست استراحت می فرمایند وزارت امور رجه دولت علیه و اجدان مخصوص جناب
 عظمی حضرت شد و جناب رز و قوروسان منبر لیه با نوشته رسمیه فرمان آن منبر جناب خاتمه نصاب وزیر امور رجه و ستاده
 عالیجات را لیه تسلیم و از جانب سنی ایوان امیران عالیجات را لیه نظر بدستی دولتین اعطای شد

۲۳۹۴

سایر ولایات) (آذربایجان

از فراری که در روزنامه تبریز نوشته اند امور انولایت اخسن مراقبت و کفایت نواب مستطاب شاهزاده افخم والاتب رکن الدوله العلیه اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان و مقرب دربار کردون آقا مومنین سلطان وزیر نظام و پیشکار کل آذربایجان از برجیست انتظام کامل دارد و کمال امنیت و آسایش از برای عموم اهالی انولایت حاصل است و کسی با رای سرقت و شرارت و حرکت خلاف نسبت امر شهر و محلات و قراونجاها مضبوط و مستحفظ و قراون شنبها و حراست مشغولند) (دیگر نوشته اند چون پارسال همین اوقات ارباب احکار و سایرین کندی میخریدند و بقصد کران فروختن انبار میگرداند اما سال نیز بنا گذاشته بود بخیر کردن و انبار کردن محض سدر راه خیال آن اشخاص در رفع و حث ضعیفا و فقرای ولایت و حصول یو عا خیرجهت دات قدس هابون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان نواب مستطاب شاهزاده افخم رکن الدوله العلیه العالمیه و مقرب الخاقان مومنین سلطان وزیر نظام درین خصوص اهتمام و اذیه و مراقبات کافیه نموده بقدرت بهار خردار کندی بقرار خرداری چهار تومان بجماعت جناب دادند و وجه دیوانی آنها را نیز تحیف دادند و علاوه بر اینها مومنین سلطان وزیر نظام مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر عمام خارج و میرزا مصطفی قلی پیشکار محاسبات و معالما دیوانی آذربایجان از خود بقدرده باب دکان خبازی برآه انداخته اند و قدغن کرده اند که احد از نانوا دکان خود را نه بندد و از نیمه فقر و وضعفا آسوده خاطرند و نان در همه دکانین خردان و عموم خلق کمال شکر گزارند و نیز مومنین سلطان وزیر نظام بعالیجا آقا میرزا محمد کد خدا محله امیر خیر قدغن کرده است که در محلات تبریز هر کجا انبار فله باشد اولابصاحبان انبار اخبار نمایند که برضای خود انبار کثوده کندی از انبجماز و غیره بفروشند و اگر اجمال نمایند عالیجا شاه ان انبار را شکسته کندی او را از فراریکن دو عباسی بفروشد از جمله انباری از یک فقر تا حیرتانی که بقدر مقصد خردار کندی داشت کثوده هر روز بقدرت خردار کندی آورده در میدان صا بفقرا و وضعفا و پیره مرد و بیوه زن هر یک بقدرت من و سی من بفروشند) (دیگر نوشته اند چون فوج مفتق شقای جمعی عالیجا میرزا صادق خان سر بنک حسب الامر اویای دولت علیه احصا دار الخلافه مبارک شده روانه دربار هابون شدند لهذا فوج قهرمانیه بجای آنها به تبریز احصا و بقراولی و اول خانهای شهر و غیره برقرار گردیدند

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب میسر شده
 و طماست میرزا حکمران مملکت فارس درین نظام کامل است و امانی و اعیان در عین فراغت و اطمینان
 به عاکوئی ذات اقدس تالیون شاهی اشتغال دارند و نواب معزی الیه همه روزه خود منقسم
 و داد مردم و انجام دعوات و مرجعات دیوانی دقت و رسیدگی تمام بعمل می آورند و سایر چاکران
 دیوانی هر یک با انجام خدمات متجمله خود اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که در باب حسن
 و سعیدی این دولت جاوید مدت علیه نواب مرید الدوله کجسول آگاهی از حکم اولیای دولت
 جاوید مدت علیه از شب چهارم شهر ربیع الاول شهر آیین بندی و چراغانی فرمود و در
 مقابل کاخ هایون در حضور نواب معزی الیه که امیر الامراء العظام کشیکچی باشی دربار هایون و سایر
 و صاحب مضبان نظام و کارکنان دیوانی و اعیان ولایت فارس بدعوت ضیافت نمود
 بودند اسباب جشن و تشریفاتی و مهم آورده بطوار عیش و سرور و شادمانی بسر بردند
 و روز چهارم نواب معزی الیه در باغ نظمانند ایجاد بزرگ انعقاد سلام عام داده و
 امیر الامراء العظام کشیکچی باشی و سران و صاحب مضبان نظام و خونین و سرکردگان عساکر
 منصوره و اعظم و اشرف و اعیان ولایت فارس در آن سلام و مجمع عیش و سرور حاضر اند
 بعد از اجرای شیلک و ادای خطبه اهل سلام صدایه تهنیت و مبارکبادی بلند کرده صرف مشرب و
 شیرینی نمودند و سلام منقضی گردید و بازارهای وکیل و غیره را چراغانی خوب نموده و این بندگی
 شایسته کرده تا شبانه روز عموم خلق عیش و شادمانی مشغول بودند) (دیگر نوشته اند که ناخوشی
 و با که چند وقت پیش ازین فی بجمه در فارس بروز و ظهور داشت درین اوقات سجدت بکلی
 رفع شده و در هیچ جای مملکت فارس اثری ازین ناخوشی نیست و مردم آن ولایت ازین بگذرند
 کمال خرسندی را دارند و هرگونه نعمتی سجدت کمال و فوراً دارد و رعایا و زراعت کار این
 با نهایت امید واری مشغول زراعت و امور عمرتی خود میباشند) (دیگر نوشته اند که در این دولت
 نیات از یسلاق مراحت تعلقات می کنند و از اتهامات مقرب انخافان محمدقلی بن ابی
 طرق و شوارع در نهایت اهمیت است و احدی از ایلات قدرت تقدی بمال و زراعت
 ندارد و با کمال حسن سلوک با رعایا و مترددین رفتار می نمایند و همه چه امور ایلات فارس
 با نهایت نظام است

۲۳۹۶

اخبار ذول خارجه که روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته شود
 از فرار یک نوشته اند از سفین تجار تی یکی دینا کشتی امریکان نام در ششم المول گذشته با نفع
 سیاح و بعضی بسیار حمل کرده بنزیت ولایت نوبروق از حوازه حرکت کرده بودند بقدر روز که
 طی مسافت کردند کشتی بر نوبر خلی یافته آب میان آن شروع کرد آمدن رفته رفته آب زیاد قیودا
 کشتی و سیاحان که اینجالت شده کرده خود را با قطع در مقام غرق شدن و هلاکت دیده چاره
 که بخاطر شان ^{این بود که} باخظوف و او انی متفقا کشتی را بیرون بریزند و باین کار شروع کردند
 کشتی را خیلی سبک کرده بودند تا گاه درین بین طوفانی ظهور کرده و باین واسطه متوالتند آب را
 بیرون میرنجتند بریزند و در اندک مدت کشتی زیاد تر از اول پراشید و آتش دیک سجا کشتی را
 خاموش کرد و چارگان در آنوقت بجز فضل خداوند یکانه امید استمداد از هیچ طرفی نداشتند
 اشنا کشتی تجار تی دیگر از یکی وینا در ان حوالی ظاهر شده بود بموجب علامات و اشاراتی که از ان
 کشتی ملاحظه کرده بودند نزدیک آمده سجات آنها مطلع شده فی الحال زور قها فرستاد که قیودان و
 سیاحان را کشتی خود در آورد آنها نیز اول اطفال و زنان خود را باین زور قها نشاندند فرستادند
 و مستطرمعا و دت زور قها بودند درین بین طوفان دریا شدت کرده زور قها که اطفال و زنان
 سلامت بکشتی دیگر رسانده معاودت میکردند ملاحظم امواج آن زور قها را شکسته و غرق نمود قیودان
 و سیاحان بکلی گرفتار خوف و تلاش کرده بان کشتی دیگر میان حال نموده قیودان آن کشتی گفته بود
 که بجهت شدت امواج نمیتوانم کشتی خود را نزدیک کشتی شما بیارم و از یک طرف آب کشتی در تریه
 بود چارگان بکلی از حیات خود قطع رشته امید نموده شمع ها که در کشتی داشتند دوخته و پر باد
 کرده و بر کمر خود بسته متر صد این شدند که هر وقت کشتی بنای فرود رفتن بگذارد خود را بریا بریزند
 و مثبت بان شمع ها باشند تا چه پیش آید و قرار دادند که بقدر رمقه در کشتی راهبوی آن کشتی دیگر
 مذبوجی بدهند که آن کشتی از نظر شان غایب نشود در این اثنا شام شد و هوای تاریک گردید
 و در کشتی از یکدیگر غایب گردیدند و کشتی نوبر پر آب شده و زور ق سیاحان و قیودان
 خود را با آب ریختند و صدا با فغان و زاری بلند کردند و بعضی از آنها مشتعلان سوراخ شده
 غریق لجه فنا گردیدند و بعضی سجات مات تا صبح در روی دریا ماندند تا یک کشتی دیگر صبح از آنجا
 عبور میکرد آنها را بان حالت دیده هر چه غرق شده بودند بکشتی در آورده به یکی دنیا رساند و
 گذارش را در روزنامه یکی دیبا مع الناسف نوشته بود

۲۳۹۷

در پاریس بجهت تجارت و تبعه دولت روس و هر کس که در مذنب آنها باشد بجهت اجرای این
 آنها از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانس در یک محل پاریس ساختن یک کلیت مساعدت شده
 و جمع کردن وجه اعانت بجهت ساختن کلیتای مزبور از جانب اعلیحضرت امپراطور روس اعلان
 گردیده است (در صندوقخانه قتی لندن در هر هفته وارد و خارج و مصارف او یکدفعه حساب میشود
 در این اوقات موجودات آن صندوقخانه را که حساب کرده اند صد لیر که هر لیرانی عبارت
 از بیست و سه هزار دینار پول این ولایت است که آمده بود از صندوقدار سوال کرده بود
 که این صد لیر ایجا مصرف شده است و نیز بجهت آن گفته بود که احتمال میرود به پولی که به هندوستان
 فرستاده شده و دور و ز قبل این روانه گردیده سهوا داخل شده باشد فی الحال از نسیم
 بخلی که کشتی آن سخاوه از انجا عبور میکرد خبر دادند که در انجا رسیدگی نمایند قبل از ورود با
 خبر تلگراف رسیده در ورودی بسته های پول را وزن کردند یک بسته سنگین تر از وزن سایرین
 درآمد و آن سنگینی بحسب وزن بقدر صد لیر بود این فقره معلوم و جوش از طرف رسیدگی
 صندوقدار از مطالبه و مواخذة خلاصی یافت انهم کی از محضات عده تلگراف محسوب میشود مع تشکر
 در روزنامه لندن نوشته بودند (سابقا نوشته شده بود که اگر کشتی سازخانه قرانتا در
 شش قطعه کشتی بجهت سیاحت سمت چین حرکت کرده بودند در این اوقات نیز بجهت مرافقت با
 کشتیهای مزبور دو قطعه کشتی دیگر در کشتی سازخانه قرانتا تهیه میدیدند) (چنانچه سابقا بیان
 شده بود از جانب دولت استریه مدت پنج سال معین کشتی از ترس حرکت کرده و چند نفر از
 صاحب مضبان دولت مزبور در آن نوشته سیاحت سواحل هندو چین حرکت کرده بودند در این اوقات
 میکراگای ریو جنر پو که در تحت حکومت برازیل و در جهت جنوبی یکی دنیا واقع است وارد شده اند و حتما
 آنها از جانب امپراطور برازیل خیلی اکرام در عایشده و صاحب مضبان مزبور را دعوت و ضیافت
 شایسته نموده اند) (دیگر نوشته اند که در برلین پای تحت پروسیه بعضی فقره مردمان بی بضاعت
 در خانهای گرایه بکرایه فاحش سکنی داشتند و با انواع محن و مشقت و چارمی شدند بجهت رفع اضطراب
 اشخاص در برلین پای تحت پروسیه یک قوم پانیه ترتیب داده اند که مخصوص فقره اجائی عمارت خانه شود
 بهای نازل با آنها اجاره میدهند و هر یک از آنها نیز طالب خریداری یکی از آنها با بقسط معلومه بنای تمام
 پنجاه سال ادای قیمت آن خانه را بکنند و در محلی مناسب حق آن خانه مبادرت نموده اند و تقویا
 مزبور خیلی اشخاص مع الممنونیت شرکت نموده اند

۲۳۹۸

در دولت فلنگ از اصحات تجارت یک نفر از ماجر می دیگر بعد هزار و پانصد تومان پول
 کافدی که اسکناس میماند با مانگ گرفته و برده در دولا کذاشته بود صبح که رفتند
 اوراق اسکناس را بردار دیده بود که موشها همه در بازاره پاره کرده اند کافدی پاره را
 برداشته بنزد صاحبش برده نشان داده و ماجر اربابان نموده بود صاحب اسکناس گفته
 من اسکناس درست صحیح بوداده ام دستخی و جانستم کذاشس بگومت رجوع شده حکم
 که مثالیه از عهد تنخواه صاحب اسکناس بر آید ان پیچاره تنخواه را داده و هفتس این
 که در یک شب هزار و پانصد تومان او صرف مهانی موشها شده بود (دیگر نوشته اند که از آن
 لندن شخصی است یکسال را که عجارت ارسید و شصت و پنج روز باشد اراده کرده که هر
 شبی را بصیافت گذرانده و بعد و ایام فرور شتری پیدا نماید و اعلام نموده است که هر کس
 عرض یکسال کیب تعهد صیافت نماید آمده بیان حال بکند با وجه اعطا خواهد شد
 (دیگر نوشته اند که نواب پرس ده ژوانویل پهلوی فلیپ پادشاه سابق فرانس
 سابقا بجهت سیاحت با سلامبول آمده و از آنجا باز می رفته بود بموجب روزنامه که این اوقات
 رسیده است از آنجا سمت ناپولی غمیت نموده است) (سابقا نوشته شده بود که
 اعلیحضرت پادشاه دولت پروس چند وقت پیش ازین قدری نامراج کرده و بجهت کسر
 مزاج اجزای امورات مهمه دولتی را پر وجه دلخواه مقدر شده در برلین که مقر حکومت است
 و بعد خود را قائم مقام نموده بود بموجب خبر تلگراف که این اوقات با سلامبول رسیده است
 قرال مشارالیه قدری مجلس بصحت پوسته بجهت تبدیل آب و هوا بختی دیگر غمیت کرده است
 (دیگر نوشته اند که شهر جیوتیه و که در تحت حکومت پاپای رومه است اطرافش سوخته
 و بجهت اینکه روز بروز حیث آنجا زیاد و مدیت او بیشتر میشود و درون شهر دیگر کنجایش نماند
 در بیرون شهر عمارات زیاد ساخته شده و از اطراف کسبه و تجارت آمده و در آنجا با ساکن شده
 و رفته رفته آبادی اطراف شهر زیاد میشود اما لی شهر خویش کرده بودند که حصار از میان
 برداشته شده درون و بیرون حصار با هم متصل و یکی بشود و در این اوقات جناب پاپائی
 بنا بخواهش امالی شهر مزبور با آنجا رفته و بعد م حصار مزبور حکم نموده اند و نیز از شهر مزبور
 اراده نموده اند که راه آهنی تا شهر رومه که مقر حکومت ایشان است بسازند و درین باب
 گفتگو کرده اند که بعد ازین راه مزبور ساخته شود

۲۳۹۹

کوه سوزنده و زون نام درناپولی و کوه اشه در جزیره سیدیا سابقاً شش از آنها مشغله می کشید
 بعد از آن چندی منقطع شده بود در این اوقات بموجب خبر کشتی پوسته فرانس که از مرسید باقی
 آمده بود کوههای مزبور در بیست و چهارم ایلول گذشته ناکا کشتی نشان گردیده و این دفعه
 افشانی آنها از سابق بیشتر بود حتی از بیست سی ذرع بالاتر شش آنها نمایان بود و این کشتی پوسته
 شب از آن حوالی عبور کرده امانی کشتی مزبور اطراف آن کوه بهار امانند روز روشن مشاهده کرده
 بودند (موجب روزنامه های سابق که نوشته شده بود اعلیحضرت امپراطور روس بعد از طاق
 با اعلیحضرت امپراطور فرانسه در شهر استو غار و در مجموع بشهر مستوفیت کرده بودند بموجب
 این اوقات رسیده است اعلیحضرت امپراطور قبل از رفتن به پترزبورگ اولاً بهستان غرمتی نمود
 و بعد از وفات پدر خود ایتالیائی که بابل بهستان داده بودند در این اوقات که بهستان وارد
 شده اند بجهت تبریک قدم ایشان از جانب امانی اجرای خیلی شیکها شده و اظهار عرض نمودند
 کرده اند و امپراطور نیز با تیارا تانها قدیمی افزوده است و کوچک نام از شعرای مشهور بهستان که
 نسبت بدولت روس بعضی شعرها گفته در آنوقت شعری او ابطال و خود او از بهستان انج
 شده و با اسلابول آمده دو سال قبل ازین در اسلابول فوت شده بود درین اوقات شعرها
 او را نیز اعلیحضرت امپراطور روس از فرار روزنامه وینه اذن خواندن و ترویج داده اند
 (دیگر نوشته اند که بموجب اخباری که این اوقات رسیده است در اواسط ماه صفر در جهت
 شمالی فرانکستان طوفان شدیدی ظهور کرده در این اثنا کشتیهای تجاری عثمانیه پنج کشتی
 و از سفاین تجاری دول مختلفه چهل کشتی سگسته و غرق شدند و درین هنگام از سفاین
 حربیه دولت عثمانیه کشتی فحیه نام که بطرف لندن ارسال شده بود در فراخای پورنگر
 گرفتار لطات امواج شده گذارش بشارت لندن اجباراً بدولت انگلیس اعلام شده فی الحال
 کشتی بخارا از جانب دولت انگلیس با بخا فرستاده شده بعد از قدری جستجو کشتی مزبور رسیده
 و کشتی را سالم از امواج دریا خلاصی داده اند) (درین اوقات در بعضی محال فرانسه خصوصاً
 در حوالی لیون بارندگیهای شدید زیاده شده و نهر رمان طغیان نموده بعضی محال را سیلاب
 فرو گرفته و امانی انولایت گرفتار ضرر خسارت گردیده اند بموجب روزنامه های پاریس
 امانی فرانسه در میان خود وجه اعانت بجهت امانی محل مزبور که ضرر خسارت کشیده اند

جمع می نمایند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم بسمه چهارم جمادی اول مطابق اسفند سنه ۱۳۳۴

نهمه سید و شمت

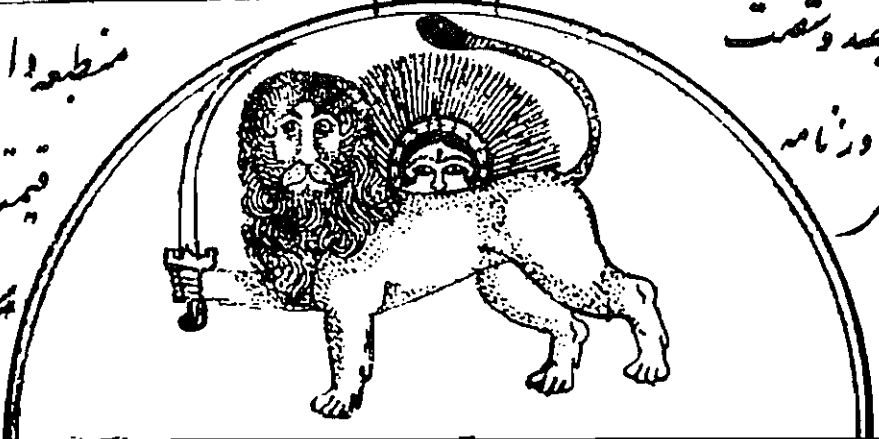
قیمت روزنامه

هر نسخه ده

منطبعة دار الخلافه طهران

قیمت اعلامات

هر مطر ۱۰۰



اخبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در روز یکشنبه سیم این ماه علیحضرت اقدس ملایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه عزیمت شکار کردن
 سولقان فرموده هنگام طلوع آفتاب سوار شدند و تا حوالی عصر در آن صحرات قمرچ و شکار فرموده
 نزدیک بغروب آفتاب مبارک مبارکه سلطانی و متم سلطنت عظمی مراجعت فرمودند (چون محرم)
 موسی خان پسر جناب جلالتاب شرف امجد ششم صدر اعظم که بفریت عبادت عالیات رخصت کرده
 بود شوق روحش برای زیارت آن ارواح کرم بر شتای جسم زیارت مراقد منوره غالب آمد
 در خاک ملایر روحش بجاوردت خدمت آن حضرت شتافت بعد از معاودت موکب ملایون از
 شکارگاه جاجرد عصر روز دوشنبه ۳ ربیع الثانی این خبر ملالت اثرت با مع جناب معظمت رسید
 در ملایر مقرب انخانان علی خان بکریکی حاکم ملایر و تولییرکان در مسجد ملایر سه روز ختم گذاشته
 مجلس فاتحه خوانی بزرگ بر پا کرده بود که از جمیع ولایات به و هجوار از قبیل همدان و برود جرد و عا
 از اعیان و اشرف بفاطمه خوانی رفته بود لکن جناب معظمت هم در روز سه شنبه نام مجلس ختم و
 فاتحه خوانی گذاشتند لکن از آنجا که سرکار اقدس ملایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه بیچوت
 بگتد و کتر خاطر جناب معظمت راضی نیستند خاطر ملایون راضی نشد که زیاده از بیکر و جناب معظمت
 مجلس ختم و فاتحه خوانی گذاشته باشد لکن عصر همان روز سرکار نواب مستطاب اشرف ارفع والا
 و لیعهد ادم الله اقباله را برای تلبیت مجلس ختم فرستادند که مجلس را بر چیده جناب معظمت را
 بردند و در حضور مبارک نیز آنچه لازمه رفت و عطف است برای تلبیت جناب معظمت فرستادند

در روز دیگر نیز محض سرکار نواب مهد علیا دستگیری دامت شوکها برای دلجویی ایشان باندرون
 جناب معظم شریف بردند و لازمه التفات و دلجویی از جناب معظم فرمودند (وقتیکه خبر وفات مرحوم
 معقول موسی خان را بعضی جناب عالی کتاب اشرف اجداد فرمودند رسانیدند و مجلس ختم و سوگواری آن مرحوم
 برپا شد عالیجاه مقرب الخاقان دو الفقار خان حاکم قم و سایر برادر مادری آن مرحوم در دارالخلافه
 مخصوص معزی الیه را بجهت ابلاغ این خبر محوش که بطرز خوشی اظهار شود حسب احکام جناب صدر اعظم
 بدار الخلاقه استند بعد از آنکه وارد شد و از عزاداری برادر محوش فراموش حاصل نمود از جانب
 اقدس عالیون برای تسلیت خاطر مقرب الخاقان مشایخه عالیجاه محبت فراموشی عینی خان
 کوچکتر و عالیجاه محبت سراه ابوالقاسم خان پسرش بجهت هر یک بکثوب جبهه ترمه از جامه خانه خاص
 عالیون مرحمت و عنایت گردید (چون مرحوم آقا محمد حسن مهر دار در این روزها چنانچه در روزنامه
 نوشته فونت گردید نظر بخدمت خدمت مشایخه و ظهور شایستگی مقرب الخاقان آقا عبداللہ در بار
 میرا و در این اوقات عنایت ملوکانه شامل حال او گردید و مناصب مہرداری و غیره آنچه بر مرحوم فرود
 محول بود بمقرب الخاقان مشایخه مرحمت گردید و مقرب فرمودند که بعد از این او را باسم پدرش
 آقا محمد حسن خطاب نمایند و در فرامین و غیره باین اسم موسوم دارند و در ازای مناصب فرود
 اقباب طلعت عالیون با و مرحمت و عنایت گردید و منصب رخت دارباشیکبری را که بمقرب الخاقان
 مفوض بود بعالیجاه مقرب الخضره العلیا آقا ابراهیم برادر زاده مرحوم آقا محمد حسن محول فرموده بشایخه
 عالیجان قاسم آقا میر آقا عبداللہ و جیدر شیخان داماد مرحوم آقا محمد حسن سرک حلفت عالیون
 مرحمت گردید که بدگر می و امیدواری تمام هر یک با انجام خدمات محوله بخود مشغول باشند (بطور
 و مواظبت مقرب الخاقان عین الملک در سکارگاه جبرود در انجام خدمات محوله بخود که خاطر اقدس
 عالیون شایسته ای از حسن خدمتگداری خرسند و سرور داشته بود و لهذا موازی بکثوب قیای ترمه لمبونی
 استر و ست بخارا از طلبوس بدن مبارک با و عنایت گردید **سارولایا** است)
آذربایجان از فرار روزها نجات و اجار آذربایجان که بدار الخلاقه البابره رسید جناب
 جلالت نایب وزیر مختار فرانس که مأمور اقامت در بار بعدلت مدار عالیون اعلیحضرت قوی شوکت
 شاهنشاهی خلد اللہ ملکہ و سلطانیہ پناه از سرحد و ولایت علیستین ایران و عثمانی که وارد خاک این
 دولت علیہ شد تا ورود دار السلطنه تبریز در همه جا از جانب نواب مستطاب و الارکن الدوله
 حکمران آذربایجان و سایر کارگذاران دیوانی لازمه پذیرائی و احترام از جناب معزی الیه شده

۲۴۰۲

و در روز دهم برزیم زیاده از همه جام اسم دوستی و مودت از جانب این دولت علیه نسبت و
 نغمه مسبوغه جناب مستری الیه و مهربانی و احترام نسبت بخودشان بعل آمده است و بیت و یک
 تیر توپ برای احترام درویشان در تبریز شیک شده است مقرب انخاقان حسن خان سیرتیب که تا پیش
 از جانب حکمران آذربایجان مأمور هماننداری بود مأموریت خود را در کمال خوبی بانتهار رسانده
 و از تبریز تا دارالخلافه رسم که مقرب انخاقان نتیجه الاموال عظام علیه سنی خان سیرتیب فاش از جانب
 سنی انجواب هایون مأموریت برای هماننداری داشت حاضر و مشغول لازمه مأموریت خود میباشد
 و مجدداً از جانب اولیای دولت علیه سفارش لازم بعل آمد که جناب معزی الیه را بطور ماموریت
 وارد دارالخلافه نمایند (از فراریکه در روزنامه خوی نوشته بودند در اوایل ماه ربیع الثانی
 ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در آنجا وقوع یافت و لکن سجد الخیرانی بجائی و اودیت
 کبسی نرسید و در روز نهم نیز دو مرتبه زلزله جزئی وقوع یافت و از غره شهر مزبور شبانه روز
 باران و برف آمده بعد از آن هوای انولایت شدت سرد کردید) (دیگر در روزنامه خوی
 بودند که جناب جلالت آف وزیر مختار فرانسه که از جانب دولت بهیته فرانسه مأمور در باره
 علیه ایران شده بود نوات کلمیاب والا محمد حسین میرزا حکمران خوی و سلاطین عالیجاه عباسقلینان
 سیستانی را با جمعی سواره مأمور فرمودند تا محال قرعینی استقبال نموده در روز یازدهم شهر
 مزبور حسب حکم نوات معزی الیه در رس سبیدک با اعیان و اشرف و کسان محترم استقبال
 جناب وزیر مختار فرستاده استقبال سکین نموده با کمال عزاز و احترام وارد شهر کردند و چند
 روزی که در خوی توقف داشتند آنچه لازمه احترامات و پذیرائی جناب معزی الیه بود از هر جهت
 بطور شایسته بعل آمد) (دیگر نوشته اند که سه چهار نفر از تجار خوی مبلغ دو هزار تومان خبری
 زیاده در حجره حاجی ابراهیم تاجر گذاشته بودند صبح آمده عارض شدند که در صندوق رکشود
 و سخاوه مارا برفت برده اند نوات والا محمد حسین میرزا خود بخبر مزبور ترغیب برده و آنچه لازمه وقت
 بود بعل آوردند دردی که از خارج بانجا آمده باشد مشخص شد زیرا که نه نقل در حجره شکسته بود و نه
 پانی از بام حجره باجای دیگر ظاهر بود از قراین معلوم بود که از اهل حجره و کاروانسرا که بلد بوده اند این
 کار را کرده اند صاحبان سخاوه چون گمان داشتند که داروغه و فرشتاشی این عمل بی اطلاع نیستند نوات
 معزی الیه حکم بجس داروغه و فرشتاشی نموده و اتهام زیاد در پیدا کردن مال مسروق دارندگی
 تاکنون چیزی ظاهر نشده است

۲۴۰۳

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند جناب سید ثوینی امام مستطاب ترکی برادر خود که محارر ادریس ضبط
 دارد و اطاعت او را نمی کند این روزها منازعه دارد و چند جهاز تفنگچی و جمعیت ترتیب داده که محال
 مزبور را ازید تصرف ترکی انتراع نماید (دیگر نوشته اند که در این اوقات حمل و نقل متاع تجاری تنید
 عباسی زیاده تر از سایر بنا در فارس میشود و شیخ سعید بندر مزبور و توابع آنرا در کمال نظم دارد و در سینه
 نظم امور بندر مزبور و انجام خدمات و مرجوعات دیوانی و محتمات محوله بنجد نهایت اهتمام را بعمل آورده
 و مترددین با سودگی و اطمینان عبور و مرور نمایند) (دیگر نوشته اند عالیجا مقرب انخاقان علی بن قاسم
 سر قیپ فوج قره کورلو که مأمور نظم صفحات لارستان بود امودان صفحات را نظم کامل داده و امانت
 انولایت نهایت رضامندی از حسن سلوک مشرالیه دارد بعضی از رعایای آنجا که در سینه ماضیه متصرف
 شده بودند درین اوقات با وطن دامن خود مراجعت کرده با دلگرمی و اطمینان مسول کارزار
 رعیتی خود میباشند و سرعت بخلاف سنوات این در انولایت بسیار کم گردیده بلکه بجای موقوف شده
 چنانچه خانهای چند نفر پید و رو غیره را که در سال قبل سابقین بریده و اموال و اسباب آنها را بر
 برده بودند در این اوقات عالیجاه مشرالیه سابقین را بدست آورده و اموال مسروق را تمام کمال
 از آنها مسترد و بصاحبان عاید ساخته است و هم چنین در نظم امور فوج خود و توپچیان متوقف لار
 و رساندن مواجب و سیورسات آنها و وصول و ایصال مالیات انولایت رساندن در وجه برادر
 دیوانی و ارباب حاجات مراقبات کافی بعمل آورده امور انولایت را از هر حیثیت منظم دارد) (دیگر
 نوشته اند که مقرب انخاقان سلیمانخان هشتاد و سه ساله که نظم امور بهبهان و کوه کسلویه را بعد
 کفایت و اهتمام خود گرفته بود امور انولایت را نظم کامل داده و در رفاه حال رعایا و وصول
 ایصال مالیات دیوانی مراقبات کافی بعمل آورده مالی انولایت عموما از حسن سلوک و رفتار مقرب
 مشرالیه نهایت رضامندی و تشکر دارند و همچنین عالیجا جعفر قلیخان سرسنگ توپخانه مبارکه در اوقات
 مأموریت خود در صفحات کله دار و لارستان در انجام خدمات مرجوعه بنجد و نظم توپچیان انولایت
 و انتظام امور ولایت نهایت اهتمام و مراقبت را بعمل آورده و حدیثش مستحسن و مقبول خاطر لوار
 مستطاب بمؤید الدوله طهماسب میرزا حکمران مملکت فارس افتاده مورد نوازش و التفات لوار
 معزنی الیه گردیده است و سایر عمال و مباشرین بلوکات فارس نیز هر یک در انجام خدمات محوله
 بنجد و نهایت اهتمام را دارند

کرامات نامان

از فرایک در روزنامه کرامات نامان نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت و رعیت داری بود
 مستطاب عمادالدوله حکمران انولایت قرین انتظام و تضبط است و امور سعادت و طرق و شوارع
 مضبوط است و زوار و عابرین با نهایت اطمینان و آسودگی عبور و مرور مینمایند و هم چنین امر شهر
 محلات منقطع است و اگر بندرت سرفت و شتراتی اتفاق بیفتد در مقام رفع آن دقت و اهتمام
 بعمل می آید (دیگر نوشته اند که بجهت عانت حال زوار که از ممالک محروسه بزبارت عسکرات عالی
 میروند نواب شایزاده عمادالدوله بجایگاه میرزا محمد ویرمباشین کرک کرامات نامان قدغن کرده اند
 مزاحم حال آنها نشود اگر چه با رجارتی داشته باشند همین قدر که زوارند کسی از مباحثین کرک فرست
 آنها بیچوجه نشود که آسوده خاطر مقصد بروند و محمود زوار این یکذکر کمال شکر گذاری و دعا گویی را
 دارند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا محمد خان علامت پیچیدمت که از دربار معدلت مدارها یون بر
 حکم اوبای دولت علیه مانور دیدن آن افواج و سواره کرامات نامان بود نواب عمادالدوله بجایگاه عالیجاه
 و که حکم نمودند که سواره ابواجیمی خود را مانا در قریه سته حاضر آورده عالیجاه ایشان را بدقت
 و بموجب آنها رسیدگی کرده و سی نفر از آنها را حسب حکم نواب معری الیه مامور کرد که بید سرخ نمودند که بجای
 آنجا پرداخته زوار و عابرین بصون از مخافت در دو قطاع الطریق باسودگی و اطمینان از آنجا عبور و
 نمایند و مابقی سواره نیز بمرخص اوطان و اماکن خود گردیدند و همچنین سببه محافظت طرق و شوارع زبانه
 الی خانیقین مقرب الخاقان سید الدخان سرتیب فوج کوران قلعه بخیری دو دسته از سرباز ابواجیمی خود
 حسب حکم نواب شایزاده عمادالدوله در زهاب گذاشته است که زوار را از زهاب تا خانیقین و از خانیقین
 تا زهاب در زهاب و ایاب باسودگی و اطمینان عبور و مرور بد دست تطاول شرار و قطاع الطریق ایلات
 آن صفحات را الزمال حال زوار و عابرین کوتاه دارند) (دیگر نوشته اند که امیر کرک کرامات نامان را نواب
 عمادالدوله در این روزها بجایگاه محسود خان که مردی خیر و بخش سلوک معروف است و آنکه از نمودند و عالیجاه
 مشار الیه با عموم متروقه دین کمال خوش رفتار بر سلوک میدار و خصوصاً با زوار که اگر در میان آنها شیخان خیر
 و بی چیز باشند از خود با آنها خرجی راه داده شاکر و دعا گو و او مقصد شوند) (دیگر نوشته اند که حسن نامی کلاه
 که در بیرون شهر معاملات داشته بجهت اخذ مطالبی که از مردم در بیرون رفته بود در تنگه دنیا و اورا شال کرد
 انداخته و بدستی در جنگل بسته چند زخم باورده و او را مقبول ساخته بود بعد از چند روز در آن شیخان خیر
 بان بیسات مقبول دیده بودند مراتب بعض نواب عمادالدوله رسیده حکم نمودند که که خدایان و ریش سفیدان آن

۲۴۰۵

و خوش را حاضر آورده حکما مکتبین را بدست بیاورند که بخجای عمل خود برسانند ولی تاکنون قایلین
معلوم نشده و بدست نیامده بوده اند) (دیگر نوشته اند که چون بعضی الواط و اشرا را مرکب شرب شراب
نشدند لهذا آب شرب هزاده مجله بود بیافرستاده حکم عمومی نموده و قدغن اید فرمودند که بعد ازین احدی
از مسلمان و یهودی اگر مرکب شراب فرودشی بشوند مورد تنبیه و مواخذة دیوانیان عظام باشند و از آن
دیگر کسی مرکب شرب و شراب نمیشود میسر و از قراریکه در روزنامه دارالعباده نیز نوشته اند
امور آلولایت حسن مراقبت مقرب انخافان محمد یوسف خان سرتیب و حاکم یزد و مقرب انخافان میرزا
محمد شعیب پیکار آلولایت در عین انتظام و انضباط است و بعراض و مطالب رعایا و رفع تعدی و
اجحاف از آنها کمال دقت و رسیدگی می نمایند از جمله سابقا معمول محصلین مالیات و مباشرین بلوکات
این بوده است که علاوه بر مخارجی که محصلین از رعایا می گرفتند تومانی ده سی از رعایا باسم رسوم و خدشات
در یاقب می کردند اگر محصل روزی پنجاه مخارج میکرد مباشر روزی یکتومان باسم مخارج او نیز
میکرفت و در آخر سال که حساب میکردند رعیت بیچاره آنچه مالیات دیوانی داده بود تا نقد رسم ازین
قبیل عوارضات مستتر شده بود و علاوه بر آن خوانین و بزرگان ولایت که صاحبان املاک و مالیات
بده بودند با حکام مباشرین در ساخته بدی خود را شکن رعایای ضعیف میکردند و ازین جهات رعایا زیاده
مستقر و پریشان می شدند لهذا در دهه گذشته و بعد ازین حاکم و پیشکار رفیع این بدعتهای مذمومه را نموده
اولا از کدخدایان و رئیس سفیدان هر قریه و بلوک بدی آنجا را امسک گرفتند که قسط قبسط خود آورده
تحویل کرده قبض با زیافت نمایند و اگر بجهت امور دیگر رفتن محصل به بلوک و محلی لازم بشود باید از خود خرج
حبه و دیناری از اهل آن بلوک و محل مطالبه نمایند تا بیا به بزرگان و اربابان عمده نیز قدغن کردند که
هر یک بدی دیوانی خود را خود بدیوانان کارسازی کرده بر رعایای ضعیف تعدی و اجحاف نمایند
و ازین مرحله عموم رعایا بمرحوم اولیای دولت علیه امیدوار و سکرگذار و دعاگوی دولت جاوید
گردیده رایب الوصف شاکر و دعاگو شدند) (دیگر نوشته اند که ارک دارالعباده یزد که بعضی جاها
او خرابی نیم رسانده و تعمیر لازم داشت در این اوقات حسب احکام حاکم و پیشکار مرچای ارک که با
تعمیر شود بنا و عمه بکار افتاده در کمال خوبی و استحکام تعمیر نمودند و برج و حصار از اغلب جاها
نوساختند و سربازخانه آنجا را نیز تعمیر خوب کرده و دو باب قورخانه بسیار خوب نیز در مرتبه اول
ساخته با کمال استحکام با تمام رسانیده اند بطوریکه از سراسر تش زیاد مصون و محفوظ است
در مرتبه فوقانی آنها را بناهای بار و نموده اند

۲۴۰۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور ماه اول مطابق سال سی و یکم

نه سید و شفت و یک

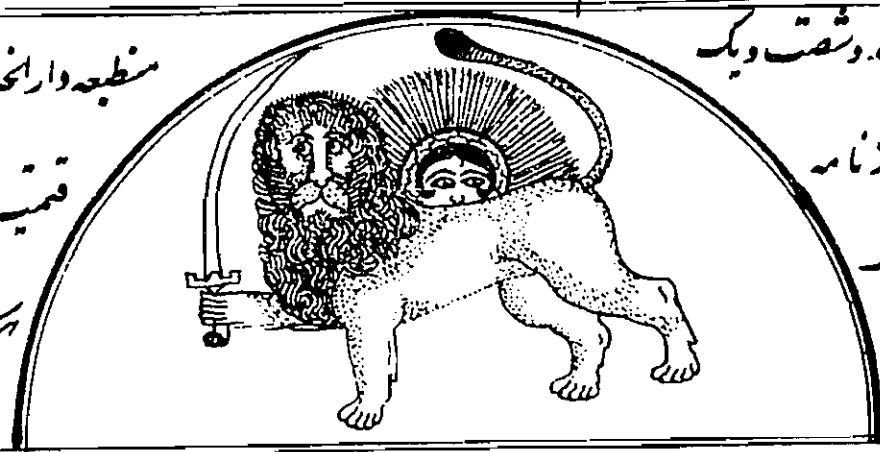
قیمت روزنامه

هر نسخه

منطبه دارانخلاف طهران

قیمت اعلانات

بر سطر



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارانخلاف طهران

هوای دارانخلاف طهران در این اوقات نسبت بگذیوم قبل ملایمت و اعتدال بهم رسانده است در ماه گذشته چند روز بارندگی زیاد شد و هوا بشدت سرد شد بطوریکه تردد از خارج کمتر شد و در نزع آذوقه و تاکولات تفاوت حاصل شده فی الجمله ترتقی در تبریز بهم رسیده بود در این ماه چند بارندگی نشد و شدت سرما تخفیف یافته بالفعل هوا خوب با اعتدال و کمال ملایمت را دارد و اطراف و جوانب مترق دین آمد و رفت مینمایند و بجهت الله اجناس و تاکولات از هر گونه تنزل نمود و فور یافت و نهایت فراوانی و ارزانی حاصل است امنای دولت علیه و جا کران حضرت کردون سینه روزها در دربار با یون مجتمع و بانجام خدات تجو و مشغول بوده در وقت سلام شرفیاب حضور ظهور شاهنشاهی بشیوه افواج فایز نظام نیز از توپچی و سرباز و سوار نظام همه روزه در میدان مشق حاضر شده از جانب و محلین اتمام در مشق و انتظام آنها بعمل می آید (مرحوم سید علی خان سرنک فوج عجم در ماه محرم فوت شده بود و در این اوقات لجه محمد علیخان ولد ارشد مرحوم بوز حب فرمان هایون منصب سرنکی فوج عجم سرافراز و مهر طلعت ملوکانه مخلص گردید) (قبر نام قصاب که بستیزی و دوفر و بیکر قصابی را مقتول کرده و هر سه نفر و سیکر شده مجوس بودند و کذا ارشاد آنها در روزنامه گذشته نوشته شد بعد از تحقیق معلوم گردید که قبر نام فقط مباشر قتل آن قصاب بوده است لهذا او را بدست و ریه مقتول داد و تقصیر شرعی رسانیدند و آن دوفر و بیکر را در جلودیوانخانه دولتی بتبیه و سیاست بفرستاده و مهار کرده بازارها گردانده اخراج بلد کردند

۲۴۰۷

آذربایجان

از فراری که در روزنامه تبریز نوشته اند امور نولات قرین انتظام و انضباط است و کمال اهمیت است
 بجهت انالی نولات حاصل و با عین آسودگی و فراغت بدعا کونی ذات اقدس تعالیون شایسته
 ملکه و سلطان استغال دارند و عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان بیکر سکی دار السلطه تبریز بحکم
 نواب مستطاب رکن الدوله علیه حکمران مملکت آذربایجان با تفاق عالیجاه همیرانضیر که خدا باشی
 و سایر که خدایان در شهر و محلات هر شب گردش می کنند مشغول حفظ و حراست میباشند
 و امور و اول خانها مضبوط است و کسی قدرت حرکت خلاف حساب ندارد و باینکه هوای آبولاست
 در این روزها بدت سرد شده و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف
 ماکولات تفاوتی بهم نرسیده و بکجه الله هر خیزی و اوان و ارزانت و رعایا و بر اما ازین
 کمال تشکر را دارند (دیگر نوشته اند که از جمله اشعار و منتهین مشهور تبریز بود
 چند وقت قبل ازین سببه شرارت و فساد از نولات اخراج شده بود این روزها در تبریز شده
 و چند نفر از الواط را بر سر خود جمع نموده با چند نفر از سربازان فوج بهادران در محله هما و همین
 دعوا کرده یکدیگر را زخم زده بودند مقرب الخاقان علیقلی خان بیکر سکی ازین کیفیت خبردار شده آدم
 و ستاده نظر را با سربازان گرفته بحضور نواب مستطاب رکن الدوله آورده بعد از تحقیق و غوررسی
 نظر را بانه تقصیری که سابقا و لاحقا داشت مورد تنبیه و بازخواست کرده اخراج بگردند و سبب
 سربازان نیز در دیوانخانه تنبیه نظامی نمودند (دیگر نوشته اند که این اوقات بجهت کمال مراب
 بیکر سکی و که خدایان در حفظ و حراست شهر و محلات سرفت بسیار کم اتفاق می افتد چنانچه کیش سبب
 و کان کلاه و زنی در بازار امیر با مانده بود صاحبان آنها صبح آمده دکا کین خود را باز دیده با
 دکا نهایی خود واری کرده و اسباب خود را همه برقرار دیدند که هیچ چیز از آنها عیب و نقص نکرده
 بود و عموم تجارت و کسب از حصول این امنیت کمال شکر گذاریدارند و اگر بذر سرفتی بود اموال
 پیدا شده بصاحبش تسلیم و سارق مورد تنبیه میشود از جمله حجه حاجی عبدالعظیم تاجر و سرف
 سبب بریده بودند مراب بعض نواب مستطاب رکن الدوله رسیده محمد صادق بیک در این
 خواسته دفعی ایکه نمودند که حکما مال مسروقه را پیدا نماید شالیه نیز در مقام تفحص و جستجو
 معلوم شد که دالان دار همان کاروانسرا این سرفت را کرده بود اموال مسروقه از او سرتوب و صاحب
 تسلیم و او را تنبیه نیز نمودند

۲۴۰۸

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند امور نو نایب احسن مرآت مقترب الخاقان جعفر قلی خان
ایلیخان بیگلربیگی استرآباد در کمال انتظام است و اسیرانکه ترکمانان در غیاب مقترب الخاقان مشارالیه
برده بودند درین روزها متوالیا آورده و در میانه از جمله ترکمانان آتابای و جعفر بای درین اوقات
دوازده نفر استرآبادی و غیره نیز و مقترب الخاقان مشارالیه آوردند آنها را بخانه و اماکن خود
روان نمود و ترکمانان مستدعی شدند که عوض این اسیران از اسیری ترکمانان منبرور که در استرآباد محبوس
بانهار دنیا در جواب گفت که تا تمامی اسیرانی که در میان شماست نیاید یک نفر از اسیری ترکمانان
معرض نخورم کرد آنها نیز رفتند که هر چه اسیران از استرآبادی و غیره دارند بیاد رند تا اسیرای خود را
و همچنین پنج نفر سوله وی را که از روی دریا برده بودند ترکمانان حسب تقاضای حکم نمود که ده روزه در
هر کجا باشند بست آورده با استرآباد بیاورند آنها نیز حسب حکم در عرض سه روز چهار نفر از آن
آوردند و یکم دیگر را ندکور داشتند که بخجوق برده اند و پانصد تومان مقبل شدند که عوض او بدست
ایلیخان قبول کرد و قدغن نمود که ده روزه حکما او را نیز آورده تسلیم نمایند (دیگر نوشته اند که عیال
مجتهد سمره دریا یکی در نهم ماه ربیع الثانی بدین مقترب الخاقان ایلیخان آمده و در روز در استرآباد
توقف نموده دید و باز دید و لازم مهربانی در حق او بطور تشریف عمل آمده و دو نفر اسیر هم که ترکمانان از
دریا برده بودند و از آنها گرفته بود تسلیم ایلیخان کرده بعد از دو روز معاودت بجا شوراده نمود) (دیگر نوشته
که چون بجهت بودن جمعیت سرباز و سواره در استرآباد نزع شلوک و غله قدری ترقی کرده بود مقترب الخاقان ایلیخان
بترکمانان قدغن نمود که غله با استرآباد آورده بشود بعد ازین حکم انقدر جو و گندم با استرآباد آوردند که از اول هم از آن
و خادان ترکر دید) (دیگر نوشته اند که ترکمانانی که سال قبل از خوارزم آمده و در قاری قلعه کئی گرفته بودند چون بودند
در آن سرحد مواقیص صحت مگداری نبود مقترب الخاقان ایلیخان در این اوقات بانها اعلام نمود که از آنجا کوچیده بامیان
ولایت اقبیل کاپوش و غیره آمده ایل و عیت باشند یا بخوارزم معاودت کنند آنها درین باب هیچ درزیده بودند
لذا مقترب الخاقان مشارالیه از اطراف قشون خبر کرده در پانزدهم ربیع الثانی از استرآباد بجهت کوچانیدن آنها
بسمت قاری قلعه حرکت نمود و مقترب الخاقان صاهم الدوله را با فوج و عیال بامیان رضایخان و محمد قلیخان
با سواره ابو الجمی آنها و جمعیت استرآباد و بخجور و از سواره و پیاده با خود حرکت داده و آدم فرستاد که سه
سوار هم از بیوت و کولخان حاضر بوده در حین ورود مقترب الخاقان مشارالیه بار دو می آمد می شوند
که ترکمانان قاری قلعه را با باین طریق بابت خوارزم کوچانند

۲۴۰۹

عراق

از فرار بکه در روزنامه عراق نوشته اند مقرب الخاقان میرزا حسن خان در نظم امور انولایت
 در حصول امنیت و رفاه حال عیبت و انجام خدمات و مهمات دیوانی نهایت مراقبت و اهتمام را
 بعمل آورده و نهایت فراوانی و ارزانی در آن ولایت حاصل است با اینکه مهال از کثرت بارندگی
 بعضی خرمینها در صحرا مانده ضایع گردیده و زراعت آینده را نیز زار عین از بارندگی فرصت مجال مگردند که
 بطوریکه بامیت زرع نمایند مع دلک غله کمال و فور را دارد و از سالهای دیگر از اثر است چنانچه
 گندم جزواری شش هزار دینار و هفت هزار دینار بیشتر بفروش میرود (دیگر نوشته اند که بیرون
 ویت آن میر چکه کی و حامل مخصوص آن که از جانب سنی احوال اقدس بجایون شاهاهی با
 مقرب الخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق مرحمت شده بود در عین وصول بانجا لوازم استقبال
 و توقیر و احترام نشان ایشان و فرمان مهملعان را بجهل آورده در عمارت باغ جدید لیسبا
 خود او بیره پیکر افتخار و حمایل کردن اعتبار خود نموده در وقتی که اعظم و اشرف واعیان و اولاد
 حضور داشتند فرمان مهملعان مبارک را خوانده داد ای خطبه بنام اقدس بجایون و اهتمام بدعا
 دولت و از وی و شوکت روز افزون شده بعد از صرف شربت و شیرینی مجلس منقضی گردید

۲۴۱۰

قزوین

از فرار بکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت و اهتمام نوابکامیاب
 و اهباب عبدالصمد میرزا حکمران قزوین و مترب الخاقان حاجی حسن علی خان پشکار انولایت قزوین
 و در سرپرستی رعایا و نظم ولایت و انجام خدمات و مهمات دیوانی لازمه اهتمام را بعمل می آورند
 از فرار بکه نوشته اند در ماه گذشته بارندگی زیاد در قزوین شده مدت بیت روز متصّل
 می آمده است خیلی دکاکین بازار و خانههای مردم ازین بارندگی خراب شده و تالار عمارت
 کهنه که عمارت دیوانی آنجاست سقفش فرو آمده اگر چه ازین خرابها چندان اذیت کسی نرسیده
 مگر در فرو آمدن سقف تالار و ختری شش هفتاد در زیر آبار مانده تلف شده است و دو نفر سربدار
 که بالای بام تالار بوده اند بزین افتاده مجروح شده اند ولی ضرر زیاد با مالی بازار و صاحبان
 خراب شده اند رسیده و هم چنین بدعات خالصه و غیره که اغلب خرمینهای آنها در صحرا بود خسار
 رسانده حتی آنچه غله نیز که انبار کرده بودند ازین بارندگی بعضی بناها خراب و غله آنها ضایع شده
 باغات اطراف شهر که بر آن کهای آنها را بر خاک میکردند مهال بارندگی فرصت داد که بر خاک نمایند

میرد

از قراریکه در روزنامه دارالعباده بزد نوشته اند امور انولایت احسن توجهات اولیای دولت مضمون
و منظم است و معربی انخاقان محمد یوسف خان سرتیپ حاکم بزد و میرزا محمد شفیع پیکار انولایت در قاره
حال عیبت و انتظام و هموری ولایت و انجام خدمات و مهات دیوانی اتمامات کافی دارند تعمیرات
ارک بزد و قورخانه انجا در غننه گذشته نوشته شد توپخانه انجا نیز از قراریکه نوشته اند خندان
مضبوط نبود بعضی خرج و قدقشان شکسته و اسبابان از هم فروریخته بود و هم چنین اسباب
توپخانه و آلات توپ کشتی مندرس شده تعمیر و تجدید لازم داشت درین باب اهتمام نموده توپها
که افتاده بودند چرخ و مکر و قذاق آنها را ساخته کلا سوار کرده کردند و اسباب توپ کشتی و زین و
براق اسبان توپخانه را آنچه تجدید لازم داشت از نو ساخته و پرداخته و آنچه تعمیر بایست بشود
تعمیر نموده امر توپخانه انجا را کمالاً از هر حیثیت استحکام داده لوازم انرا آماده نمودند بطوریکه هر یک از
توپهای سنگین را هر وقت بهر جا بخواهند حرکت بدهند حالت معطلی در هیچ اسبابی ندارند
(دیگر نوشته اند که حاجی قدیر نامی در محال میر میرود نام عمارتی میساخت درین حفر زمین خمی بود
پیدا شده بود و در میان خودشان تقسیم کرده بودند این کیفیت از میان خودشان برود
کرد بهر کس هر چه رسیده بود برداشته همگی فراموده اند هنوز معلوم نیست بکجا رفته باشند
و همچنین در عراباد شخصی چند شمش طلا یافته بود و یکی از مینوان خود نیز داده بود با بکله این مطلب
بروز کرده معرت انخاقان میرزا محمد شفیع پیکار فرستاده آن شخص را آوردند و چند روز است
محبوس در نزد خود دارد و هنوز قدر و مقدار آنچه پیدا کرده است صورت تحقیق نیافته است) (دیگر
نوشته اند که آقا میرزا احمد نامی تاجر در خانه خود بنائاتی میکرد پله را سوراخ کرده بودند که در ب
در انجا بجا بگذارند ناکاه عمارت منهدم گردید هشت رالیه بایک پسر در وجه اش و سه نفر بنا و علم
در زیر خرابی مانده بودند که خدای مجله خبر داشته فوراً عمل زیاد با انجا برده آنها را از زیر بار برود
اوردند سه نفر بنا و علمه و پسر صاحب خانه هلاک شده خود و زوجه اش زنده بودند) (دیگر نوشته
که مرده اجنار جشن و لیجندی دولت جاویدت علیته که بدارالعباده بزد رسید لوازم اسباب
این جشن میمون و عید همایون را مانند اعیاد بزرگ معظم از شکر توپ و نفازه شاد و یاه و غیره
بطور شایسته بعل آورده شبانه روز ایام معهود را مانند سایر مالک محروس بازار کاه و کاه
و کچه و خانها این سندی و چراغان بود

۲۲۱۱

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده نوشته می شود

سابقاً نوشته شده بود که بجهت گذر از مرزهای انگلیس و چین از جانب دولتین انگلیس و فرانسه دو سفیر با سفارت مخصوصه سمت چین ارسال شده بود و آنها مقدماتها نگاهبان رسیده بودند و قرار بود که از جانب دولت جمهوری سیکلی دنیا نیز سفیری با نولایت فرستاده شود سفری مزبور که بهاینگان رسیده بود و در آنجا حرو را به دولت چین اخبار کرده و از جانب خاقان چین جواب آمده و مأموریت آنها قبول شده بود

لنذار روزنامه نویسان فرنگستان گمان می برند که بعد ازین از دولتین فرانسه و جمهوری سیکلی دنیا نیز سفیران حربیه و قون سمت چین ارسال بشود (در روزنامه های سابق نوشته بودند که اعلیحضرت امپراتور فرانسه بجهت کسانی که در ایام ناپلیان بزرگ در سلک قشون فرانسه منگک بوده و تاکنون در قید حیات میباشند نشانهای مدالیه ساخته بودند و این مطلب را انتشار داده هر کس از آن اشخاص می آید یکی از آنها با و اعطا می نمودند در این اوقات پیره مردی بپاریس آمد مذکور داشته بود که در بدایت احوال ناپلیان بزرگ او و ناپلیان در یک دسته چندی در رتبه ملازمی منگک و در جنبی از محاربات حاضر بوده اند اعلیحضرت امپراتور فرانسه را لیه را بحضور خواسته بعد از چندی مصاحبت و تحقیق احوالات آن نامی بشار لیه مادام الحیوات سالی ششصد و اثنی و وجه معاشش تخصیص داده اند که بفرانسیس تخمیناً یک صد و پنجاه پوند است که شصت تومان میشود (در لندن کسی همسر او ستایان شش خاموش کن که طوبه میماند بهاراتی که شش میگرفت و بجای آنی که طوبه چی نامی تو استند بروند میرفت و اشخاصی را که در آن عمارت در خواب بودند و خبر از شش گرفتن عمارت نداشتند بیدار کرده و از فحاشی شش که نجات میداد در این اوقات طوبه چی با حساب کرده اند که آن سگ تاکنون ششاند نفر را باین طرز باک خلاصی داده است لهذا بر خود لازم داشتند که در ازای این خدمات او از امثال خودش اظهار بدمند در میان خود وجه فراسم آورده یک قلابه طلا و یک نشان مدالیه ساخته و مجلس عیشی مخصوصاً داده در وقتی که همه جمع بودند آن سگ را آورده قلابه طلا و نشان مدالیه را تعلیق کردن افتخار او نمودند (دیگر نوشته اند که بجهت سهولت که در راه آهن برای عابریین دست داوه سیاحتان که از لندن بپاریس رفت و آمد میکردند با مسافتی که از دریا طی می نمودند با کاسکه بخار در خشکی و کشتی بخار دریا در مدت چهارده یا نوزده ساعت بمقصد میرسیدند و چنانچه بکرات در روزنامه ها نوشته شده است مسافت باین از خشکی و دریا تخمیناً هفتاد فرسخ است در این اوقات یکی از انگلیس که از لندن بنزدستان پوسن حمل و نقل میکرد مسافت از لندن تا پاریس را بهشت عتی طی کرده و در روزنامه های پاریس نوشته اند که بپاریس عتی که تاکنون

۲۴۱۲

۷

سابقاً نوشته شده بود که در کشتی سزخانه لندن یک کشتی بزرگ که ششصد و نود و دو قدم طول داشت
سه قدم عرض و بیت و پنجاه رطل که عبارت از مقدار و پنجاه رطل و از جنس باشد بارگیری اوست می افتند
در این اوقات کشتی مزبور با تمام رسید و خواسته اند بدریا بنید از ند بجهت تماشا می نزول کشتی مزبور
خیلی اشخاص اظهار رغبت کرده اند و بجهت تماشا چنان در جاهائی که بنشینند و تماشا نمایند هر نفری سه هزار
قار گذاشته اند که اجرت مکان و پول تماشا دهند و هر روزی چهل پنجاه هزار کس تماشا می آیند و جنسی داد
و تجارت در آنجا رواج و رونق یافته است و قار گذاشته اند که تا یکماه بالای کمر و عراد متصل بدریا
برپایند و چون کشتی مزبور زاید الوصف و وسیع است پانزده هزار کس معین است که در او جا بگیرند
و بجهت این اشخاص یک کارخانه روزنامه نیز در درون کشتی مزبور بر راه انداخته اند (دیگر نوشته اند که از
انلی پاریس درین اوقات پنج میلیون خود در عرا پشته بیاحت باغستان خارج شهر میرفت درین راه از
عرا ده پانین آمده بیک جنگلی رفته بود درین بین دزدی با او برخورد و وجه نقد و ساعت و انگشتر و اسباب
قیمتی او را گرفته در جیب بالا پوش خود گذاشته بود بعد از آن طمع بر تبدیل جبهه او که از جبهه خودش تهر بود
کرده جبهه او را کنده و وجه خود را با داده او را را کرده بود آن شخص بعد از آن معاودت کرده چون اسبابی که
از او برقت رفته بود بسیار کراهنها و با قیمت و او سه هزار تا شصت خوردند و در حالت تاشفت بست
بجیب بالا پوش سارق که با او عوض کرده بود نموده دید سباحتش کلا در آنجا است و علاوه بر اسباب خودش یک
قوطی انقعه مرصع بجا بر با یک ساعت نفیس بسیار خوب نیز از خود سارق بجا مانده است معلوم شده بود که دزد مزبور
در همین سرف از شدت عجله با تلویش رسیدن آدم خیالش معشوش شده و منتقل باین شده بود که اسبابها
از جیب بالا پوش خود در آورد و وقت بالا پوش را عوض نماید با بجهتش را لیه از اینکه اسبابش باین
سهولت بست خودش رسید زاید الوصف اظهار ممنونیت کرده و در روزنامه منتشر نمود که هر کس صاحب
انقعه مرصع و ساعت مزبور است بیاید آنها را دریافت بکند معلوم است دزد مزبور هم از اینکه اگر غلش بزود
معتقر حبس دولت خواهد شد ازین نرس مطالبه انقعه دان و ساعت را نمیتواند نمود و از کلبه اش رفته است
(دیگر نوشته اند که بجهت عدم امنیت باین صرافان و تجار فرنگستان در این اوقات شخصی صراف طلبه نام
درو بنه پای تخت استریه که سی میان فرائق مایه داشت اظهار افلاس کرده است) (دویمین از اشخاصیکه
درینکی دنیا اظهار افلاس کرده اند بوجوب روزنامه های سینکی وینا عدد آنها از هزده نفر صرف و تجار
تجار و زنگوده است و از اینکه این جمله کثرت کرده است امید دارند که روز بروز تنزل کرده و رفع
کر دیده امنیت مطلوبه رفته رفته استحکام یابد

۲۴۱۳

باقتن گنان از قراریکه نوشته اند مانند بافتن پیمان نمیه پان نیت و با شکل و تعدادی ایام عمل می آید
 درین خصوص ناپلیان بزرگ در ایام خود قرار گذاشته بود که هرکس آلتی احدث و اختراع نماید
 که گنان را مانند چینه با سانی نسج نماید باو یک پیمان فزونی که عبارت از صد هزار تومان باشد اعطا شود
 در آنوقت کل صاحبان کارخانجات درین خصوص اقدام کرده هر یک بقدر فهم و نوکادت خود آلتی
 اختراع کردند از میان همه آنها شخصی قلب رزای نام آلتی اختراع کرد که بسیار مستحسن و مطبوع افتاده قرار
 شد که درجه برور با او العام نمایند ولی بسبب بعضی غمازان اعطای این وجه در تأخیر افتاده و سایر
 در حالت مایوسی در گوشه فوت شده بود در این اوقات که منرشا رالیه رواج یافته و استحقاق
 آن وجه در حق او معلوم گردیده است علیحضرت امپراطور فرانسه قرار داده اند که ازین وجه بنا بر تقاضای
 مر نور بیاد کاری اوسکی در فرانسه در محل اونیون نام بر آید نصب نمایند (سابقا نوشته
 شده بود که بجهت تحقیق و تعیین احوال سودان چند وقت پیش ازین چند نفر صاحب منصب مجلس
 جمعی از امانی آنجا سمت سودان رفقه بودند از اوقات تا کنون خبری از آنها نیامده بود موجب حجاب
 که این اوقات رسیده است مشا رالیه سودان که وارد شده اند در چین ورود آنها بوی آنجا
 منتقل شدت سرد گردیده است امانی آنجا این حرسه را از شامت آنها بسته همه را بقتل رسانیده
 (در مملکت سیرروس سابقا ندان فیل که منجر شده بود پیدا کرده بودند چون اولادین از اولاد
 سرد و از بلاد باروست بردن فیل در اولادیت حیرت افزای عقول و اذمان بود در این اوقات
 در راه آهنی که حب الحکم علیحضرت امپراطور روس از شهر مسکو تا بارسلونا درست میکردند درین
 حفر زمین خیلی دندانه های فیل منجر شده پیدا کرده اند معلوم شده است که در زمینها بون
 طور بوده است فیل با آنجا برده بوده اند) (در دولت فلنک از جمله قوانین موضوعه آن دولت است
 که از یک پدر و یک مادر ده نفر اولاد که تولد نماید بار و همی آنها معاشش و گذریش بجمده دولت
 در این اوقات شخصی از اصناف در دولت فرور آمده و عرض حال نموده است که از او یک نفر
 زوجه اش سی و یک اولاد متولد شده و از آنها بیت و شش نفر آن در قید حیات هستند
 آنها را بحضور قوال دولت فلنک آورده و باقتضای قانون موضوعه آن دولت وجه اعطای طلب
 نموده است و در روزنامه های فلتنان نوشته اند که تا کنون امثال این فقره مشاهده نشده بود
 و اینم حله را از نوادرات اتفاقا شمرده اند

۲۴۱۴

روزنامه فایح نقایب تاریخ یوم خمینیت و کما جماد می بون مطالبان سلطان

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
هر سطر در
هر روز



نزهت و شادمانی

قیمت روزنامه
هر نسخه در
هر روز

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

فوج جدید شقایق جمعی عالیجاه میرزا صادق خان سرننگ که از آذربایجان احضار رکاب بجاوشده بودند در ۵ شهریور وارد دارالخلافه مبارکه شدند بطوس و بر تدارکات آنها از دیوان علمیه مرحمت گردیده روز سه شنبه ۱۸ مقرری انخاقان امین شکر و اجودان باشی سان نفری آنها را در سر بازار خانه خارج شهر که منزل دارند دیده و بدقت رسیدگی نمودند (مقرری انخاقان محمد ابراهیم خان سهام الملک سرتیب افواج ثلاثه اصفهان که بعد از مراجعت از فارس چندی در اصفهان بجهت انجام امور افواج جمعی خود توقف داشت بعد از انجام امور آنها در یوم نهم آنها را شرفیاب در بارهایون گردید) (مقرری انخاقان حاجی یوسف خان سرتیب که از قدیمی کارکنان در بارهایون بود منحصر صدقت و خدمتگذاری او فوج امیرتیر را بمبارالیه مرحمت فرموده و تکلیف جبهه زمره کرمانی از صند و قحانه مبارکه در حق او خلعت مرحمت گردید) (نظر بقابلیت شایستگی عالیجاه شیخعلی خان باکوئی سرننگ خارج از فوج اولیای دولت علیه فوج خلخال را بمبارالیه مرحمت فرموده و تکلیف و مثال زمره کرمانی از صند و قحانه مبارکه با خلعت مرحمت گردید) (نظر بقابلیت شایستگی انخاقان حبیب الله خان سرتیب بکابلی موجب فرمان بجاوشدن منصب سرننگی فوج بکابلی با و مرحمت و تکلیف و مثال کرمانی اعلی نیز از صند و قحانه مبارکه با و عنایت گردید) (چون مقرری انخاقان میرزا علی پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام بدرمان معدلت در بارهایون آمده بود سرکار اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه

۲۲۱۵

بملاحظه حقوق خدمات مرحوم میرزا بزرگ قائم مقام که جداست و استعداد خودش مخصوص حجت
 اورا منصب استیفای دیوان عالی سرافراز فرمودند و بکثرت ترمه هم خلعت رحمت شده حسب
 قدر قدر جناب جلالت مآب نظام الملک مقرب الخاقان مشارالیه را بحضور مبارک برده مورد رحمت
 شایسته گردید (چون رای ممالک آرای اقدس تلویح علی حضرت شایسته خلد الله سلطانه بر تربیت
 و ترقی دولت عالیّه خاصه ترویج فنون دانشا علوم علاقه گرفته است لهذا در تمهید اسباب تربیت
 هر یک از اجزای دولت و امالی مملکت از جانب سنی انجانب اقدس طوکانه بذل توجهات شایسته
 بطور میرسد از جمله مدرسه دارالفنون دولتی و از آنجمله که نظر با اهمیت این کار غالباً مطمح نظر هایون
 حضرت شاهانه تاجدار است اگرچه در نظم امور و مهام این مدرسه از بدو بنیای آن بهر وقت
 بطوری و بهر زمانی نبوغی اهتمام شده و از رئیس و ناظم خالی نمانده است و عمده الامر العظام
 امیرتومان که در کار دانی و کفایت معروف و عالیچایه زبده انجوانین رضاقلینجان که بعقل و رویت
 شناسی موصوفه همیشه مراقب طرزوات مدرسه بوده اند ولی چون اراده علیّه پادشاهی
 بر این است که این مدرسه مجمع علوم شود و دانشمندان کافی از بهر فنی و بهر علمی در آنجا تربیت شده
 بکار خدمات دولت برآیند و با این اراده هایون هر چه دراز دیداد نظم و نسق آنجا بذل توجه میشد
 بجا و شایسته بود با نیت دستخط هایون خطاب بنجباب شرفش امجدایع صدر اعظم صادر و معترف
 شد که چون نواب اعضاد السلطنه عیقلی میرزا در کتب علوم کمال جهد و سعی کرده و از بهر فنی و بهر
 کمال بافته است و بخصوص در علم هندس مهارت تمام پیدا کرد لهذا با بودن رسو و ناظمین سابق
 ریاست کلیه مدرسه شایسته نواب اعضاد السلطنه باشد باید از اب معزی الیه رئیس کل بوده احتیاج
 نظم کل امور دارالفنون را در دست داشته و از روزی علم و آگاهی و ارسای مدرس شاگردان و
 ترقی ایشان و انتظام جمیع امور مدرسه نماید و همه له از شاگردان با استعداد فارغ التحصیل و
 مشغول خدمات مرجوعه شوند و در آرای این رحمت و رجوع خدمت بکثرت ترمه از طوبس
 تن مبارک بنواب معزی الیه رحمت فرمودند و اکنون اجتناب کل مدرسه دارالفنون بکفایت نواب
 معزی الیه است) (چون مقرب الخاقان میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان در انتظام امور
 مملکتی و انجام خدمات دولتی و رسیدن سیورسات عساکر منصوصه نامور و مرد و جنس
 مساعی مشکوره بعضی آورده و میسکن کفایت و خدمتگاری خود را ظاهر کرده بود و یک قطعه فرودگاه
 که در روزنامه پیشین تفصیل نگاشته شده سابقاً برسم پیشکش فرستاده بود لهذا از جانب

۲۴۱۶

سنی انجانب هایون اعلی حضرت شایسته خلد الله ملک و سلطانه موازی بکتوب خرقه ترمه علی
 بطانه خرقه رسم خلعت باد مروت و انقاد کردید (هر چند در از منته سابقه و عهد ما ضمیمه
 کار گذاران دیوانی کمتر ملاحظه میکردند که مال از داخل حق و وجوب بخراجه عاید شود و در تحصیل
 آن سیرت عدل و مساوات که ناظم احوال ملک است رعایت رود و بکفر رعیت شکی که مایه ربود
 بن دیوار کند و بام اندود الله سبحانه و لم یست در این عهد فرخنده هم عالیله اعلی حضرت قدر قدرت
 قضایب شایسته خلد الله ملک و سلطانه و اولیای دولت علییه همیشه تمهید بساط معالمت ^{تمهید}
 ارکان نصفت و رافت مصروف و قواعد جور و اعتداف بکلی متروک و موقوف است خیا ^{کنه}
 در تقسیم و توزیع یازده هزار تومان وجه اعانه سلطانی یزد شرایط عدل و انصاف رعایت
 شده مبلغ هشت هزار تومان از یک نفر رعیت حاجی احمد نام قشادر دریافت شده بدار ^{البا}
 آورده بودند اولیای دولت علییه بحسب امر قدر قدره هایون مبلغ کیهزار تومان آن را از بابت
 سهم و حصه حاج مشاریف صیبت نموده مبلغ هفت هزار تومان دیگر ^{العینه} مصحوب عالیجه
 ابو الفتح خان پیشخدمت یزد فرستادند که مبلغ مزبور را برده بی کسر و نقصان بخود حاجی ^{محمد}
 تحویل داده قبض رسید گرفته بیاورد

سایر ولایات

افور با ایچان از قرار بکه در روزنامه خوی نوشته اند چون مقرب انخاقان مؤتمن ^{السلطان}
 وزیر نظام و پیشکار کل آذربایجان که بغزم سرکشی و نظم امور سمت مرافقه و آن صفت رقبه بود
 بعد از انجام امور ان سامان در این اوقات از راه سلس مس معاودت بدار سلطه تبریزی نمود
 نواب کامیاب محمد رحیم میرزا حکمران خوی و سلس مس تجبه ملاقات با مؤتمن السلطان معزی ^{آب}
 عزیمت سلس مس نموده نواب داراب میرزا اناب الحکومه خوی نموده و عالیجه محمد حنفی خان
 به پیشکار معزی او مضروب کردند که در غیاب نواب معزی الیه بنظم امور ان ولایت پروازند در روزنامه
 سابق نوشته بودند که مبلغ دو هزار و پنجاه تومان از مال چهار نفر تجار خوی در حجره حاجی ^{ابراهیم}
 تاجر که نوشته بودند و از میان صندوق مفقود شده بود نواب کامیاب محمد رحیم میرزا در پیدا
 کردن وجه مسروق تا کیدات اکیده نموده و قدغن کرده بودند که کار گذاران سهام نموده در
 تفحص و جستجو باشند تا سارق را بدست بیاورند در این اوقات که نواب معزی الیه بطرف سلس مس
 نواب داراب میرزا و عالیجه محمد حنفی خان حکم آدم کرده شده در جستجو بودند معلوم شد که شاگرد حاجی ابراهیم
 صاحب آن حجره مرتکب این سرقت شده و وجه مزبور تمام کمال از او مسترد و صاحبش تسلیم ورق مورد تبیه شده

۲۴۱۷

اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته شود
 از فرار یک نوشته اند بجهت عدم اطمینان که باین تجارت و صرافان یکی دنیا ظهور کرده است چنانچه کفر
 فقر و اضطرار گردیده اند و با بکل ارباب تجارت در دوازه خوف و تلاش افتاده اند از جمله بیست
 قبل این شخصی در پاریس بسیار مقروض و مستغرق شده بتدارک وقت بومیه عاجز مانده بود بجهت
 دفع ضرورت الوقت از پاریس به برازیل رفته و در آنجا بنای تجارت گذاشته و بختش هم
 مساعدت نموده رفته رفته با وسعت روی داده صاحب ثروت و سامان گردیده و از جانب
 پادشاه برازیل مجرب و معمولیت اقلیت اذن داده شد که متجانا از اراضی آنجا هر کس هر قدر سخاوت
 عمارت و زراعت کند با و واگذار شود مشا را الیه اراضی بسیار در آنجا تصرف در آورده مالک گردید
 و منافع بسیار حاصل نموده صاحب چند هزار تومان بایه و عثمنا ر شد بعد از آن قدری از آن
 اراضی بعلامی که با و صداقت و ورزیده بود بخشیده و با بقی را فروخته پاریس معاودت نمود
 و تنخواهی که در دست داشت بخریدن حصه قومانیه راه آهن و این قبیل معاملات بکار انداخت
 در این اوقات که در شکستگی تجارت و صرافان یکی دنیا و فرنگستان ظاهر گردید مشا را الیه نیز تنخوا
 از دستش بیرون رفته محتاج بیک پول شد و علام خود را که در برازیل بود از این حادثه اعلام
 کرد بعد از آن از شدت تنگدستی و اضطرار بیک اطافی ذغال سسکی گذاشته و درون
 رفته منافذ آن را مسدود نمود که از دو ذغال خود را هلاک نماید بعضی از احتبای او از این حالت
 واقف گردیده آمده او را از آن ورطه هلاکت بیرون آورده انظار نصیحت کردند در این بین
 علام او که در برازیل بود بموجب اعلام او وارد پاریس گردیده بقدر جهل بجاه هزار تومان که
 در سید دولت او تحصیل کرده بود آورده بمنار الیه تسلیم کرده او را از ورطه افلاس و
 هلاکت رهایی بخشید (دیگر در روزنامه های سابق نوشته شده بود که عدد تجارت و صرافان
 که در یکی دنیا و شکسته و مغلس شده اند به قصد نفر رسیده است بموجب روزنامه که بعد
 حساب تنخواهی که از این اشخاص منوحت کرده است نموده اند بود بیان ریال فرانسیسی
 (دیگر نوشته اند که بجهت حلول ایام شتا علیحضرت امیر اطور روس کسی را که در
 دولت روس از اهل فقر و ضرورت مستند ما به وجه معاش آنها را برسم مساعدت
 پیش اعطا کرده است) (در این اوقات در بلجیایکی از ارباب مهربان و دخت با اجرائی که حسد
 نقش درست کرده است در روزی بهراخت این نقش سازد و دوام با سایر کتشمایا و در پ
 قلمت از

۲۴۱۸

تقریباً چند دفعه در روزنامهها نوشته شده است در یکی دنیا بجهت عدم امنیت که باین بنابر حاصل شده است
اغلب تجار اظهار افلاس کرده اند و این که ارزش بفرنگستان سربت کرده و جو ناتی که صاحبان
کارخانها در لندن و غیره قرض میگردند نفع او در صد تومان شش تومان بود رفته رفته بعد و نرسید
موجب خبر مغزاف که این اوقات با سلامبول رسیده است در یکی دنیا این که ارزش رفته رفته شد
گرفته است بطوریکه حال در اینجا نفع پول در صد تومان مالی بی و شش تومان رسیده است و این حادثه
بفرنگستان متشده و باین جهت نفع پول در کارخانهای لندن در صد تومان بیارزده تومان ترقی کرد
و کارخانه لورپول او را ق موجوده خود را که در دست مردم بود تا دوروز با عطای بدل مقدر شده در
کارخانه خود را بست بعد از آن مجدداً در کارخانه بزرگ چهار کرد در استعراض نموده کارخانه خود را کشود
و ازین قبیل کارخانه استوفیجا بادن دو طیان و نیم لیر مقدر شده و همچنین تاجری در پنجه یک کرد
و از تجار ساکن پاریس یکی سه طیان و دیگری دو طیان لیر و در وینه صرافی ده طیان فرانسوی
شده اظهار افلاس کرده اند و این کیفیت بدرج کسب است کرده مضرت عمومی آن گمان میرود
روزنامههای فرنگستان درین اوقات بجهت وقوع این حادثه که از چه سبب باشد سبب
دلایل متعدده شرح میدهند از جمله اینکه الهی فرنگستان همگی در مکر متع یافتن و بهر کاری مدخله
کردن میباشد مثلاً چند نفر صراف مشهور ثروت و سامان در ضمن کار و متع خودشان از
لندن هندوستان راه آنتی خواستند بازند و درین باب باین جزو قومیانیه تریب داو
و بهر کس نشر و اعلان نمودند و بحضه های قومیانیه اعتبار داده بعد از آن بهر حضه که صد لیر بود
مقداری ضم نموده بخلق فرجستند و بعضی سبک مغزاف باصل و اس این قومیانیه اعلان کرده
شده بهمان شهرت ثروت و سامان صرافان فرور اکتفا کرده و حضه های قومیانیه کاملاً بفرود
رسید و صرافان مرقوم بهولت خود را از میان این قومیانیه بیرون بردند بعد از اختتام
یافتن راه آهن اصحاب شرکت نفع که منظور داشتند عاید آنها نشد و حساب از پولی هم که مایه
گذاشته بودند ضرر کردند و این فقره بک سبب حثت باین مردم گردید دیگر اینکه زمین و
باغات و املاک سیره در اکثر محال فرنگستان بهای گران خرید و فروش شده و
آن اراضی و املاک که معتبر شده شده رزعی ده تومان داد و ستد کرده اند بعضی بعضی
اسباس آن محال نامعتبر شده همیشه تنزل کرده و ازین رکذ ر نیز ضرر بخلق رسیده است

۲۴۱۹

و نیم چنین شخصی حصه از قومیانیه بفتح صد و پنج میخورد بعد از آن حاصلات قومیانیه ازین حساب نیاید
می آید و باین جهت حصه که در دست دارد از استخواه اصل آن زیاد شده در صد و ده نفع بنمایند مثلاً
حصه پنجاه تومان را صد تومان بحساب نفع ظاهر می کند و بهوای نفع این حصه بوجه زیاد از
اصل و او دست می شود و بالطبع حصه قومیانیه از اعتباری افتد و اینهم یک سبب ناامنی میان
اصحاب تجارت می شود دیگر اینکه نصف تجارت در گنتان سمت مند و چین تجارت می کنند و بجهت
واقعات مند و چین مال التجاره در موعده بفرودش نرسیده و با یکب احوال غیر مطلوبه باقیم
دیگر نموده در هر صورت اصحاب تجارت با دای وجه مال التجاره در موعده آن قاور نشدند و باین
جهت ناامنی در میان تجار بهم رسیده هر کس در فکر حفظ استخواه خود افتاده طلبی که از تجارت
صرفان و صاحبان کارخانه دارند در صد و مطالبه و اخذ استخواه خود بر آید و اینها باعث ترس
نفع پول و سبب ورشکستگی و الهل و افلاس تجار و صرفان و صاحبان کارخانه گردیده است
(دیگر نوشته اند که چند سال قبل ازین چهل و شش نفر از این بلجیقا هر یک چهل تومان
از نفع پول خود بیان گذاشته قرار دادند که ازین وجه سالی یک صنیافت مابین خود
ترتیب بدهند که بجز خودشان که وجه داده اند کسی دیگر در آن صنیافت نباشد و باین
هر سال صنیافتی میگردند در این چند سال اغلب آنها بر و رفوت شدند چنانکه در سال گذشته
در محل صنیافت سه نفر از آن اشخاص باقی مانده بودند اما سال یک نفر باقی مانده بود که بصل
آمده از غایت تاسف صرف طعام کرده بمنزل خود معاودت نمود) (دیگر نوشته اند که چیزی
گوینا که در ایام جمهوری فرانسه رئیس جمهور بود بعد از آنکه قانون جمهوری در آن ولایت موقوف
و لغو گردیده و قاعده سلطنت کمانی سابق قرار گرفت مشارالیه بجهت اینکه طالب جمهوریت و محاکم
و دولت بود چند سال از فرانسه تبعید و اخراج شده بود تا در این سال بر حسب استعدای اهل
فرانسه اعلیحضرت امپراطور فرانسه مشارالیه را داخل اجزای مجلس دولتی کرده بود در این وقت
باجل موعود در گذشته است) (سابقاً از اهل دولت روس کس غیرت سیاحت مالک خارج میگرد و چون
پا پورت زیاد از جانب دولت از او گرفته میشد مثلاً از یک نفر دولت قارولون که تخمیناً صد تومان پول
این ولایت میبرد میگرفتند و باین جهت سیاحت اهل آنجا بخرج بصعوبت دست میداد اعلیحضرت امپراطور
روس چند وقت است این قاعده را موقوف کرده است لهذا بسیاری از اهل روس سیاحت ولایات
دیگر میروند از جمله در روزنامه پاریس نوشته اند که زیاده از پانصد نفر از اهل روس بحال در پاریس هستند

۲۴۲۰

که بعضی و اطلاع جناب اشرف امجدار رفع صدر اعظم محترم رسید این حرکت جاهلان را اگر چه
 از مدوعای بازاری اتفاق افتاده بود بسیار قبیح و ناپسندیده و آنکه شخص بجهت دینی که متدین باشد
 چون تابع اسلام و رعیت اعلی حضرت اقدس بادشاهی است نباید مورد اذیت و بی احترامی شود
 و آنکه نسبت متب و کسان میت چه جای آزار و اضرار است مگر کس را فوراً احضار و حکم بکشد
 آنها فرمودند و گوشمال ببرد باره آنها داده شد که بعد اعدای جرت چنین حرکات لغو و سهو کرده
 عموم نامسئوس بوده و امیدوار شوند (بملاحظه جناب جامعه اسلامی و مراسم مواعیدت و کجاستی
 علیتین ایران و عثمانی و بنا بقانون متداوله دول محتاجه که چاکران و خدمتکاران دولت
 دوست و متحد را بنا سستی بدلائل اقبارات نایل کرده وی کنند و بدون تفاوت قرین افتخار
 بنمایند لهذا در این اوقات از جانب اعلی حضرت سلطان ممالک عثمانی چهار قطعه نشان مجیدیه
 با افتخار اشخاص مفضل و بیل اعطا و عنایت شده و جنابش رز و فرد دولت عثمانی نشانها

| | | | |
|-------|-------|-------|-------|
| مقررت | مقررت | مقررت | مقررت |
| مقررت | مقررت | مقررت | مقررت |
| مقررت | مقررت | مقررت | مقررت |
| مقررت | مقررت | مقررت | مقررت |

۲۴۲۲

مزبور را با فراین آنها نیز جناب وزیر امور خارجه فرستادند و از جانب سنی ایجاب شد
 تا یون شاهی و امت شوکه اذن او نیز نشانها با اشخاص مزبور اعطاشد (عالیجاه مقررت
 میرزا عبد الله مستوفی میزان که سابقاً نامور اذربایجان بود بعد برکاب مبارک احضار شد چون
 از محاسن خدمات و صدق شجاری او برای کار گزاران دیوان اعلی رضامندی حاصل
 لهذا با رجب الامر قدره با یون نامور اذربایجان گردیده از قرار فرمان قضا جریان مبارک
 طبع نامظم میزان ممالک محروسه مطب و بکثوب جتیه ترجمه کرمانی هم برسم خلعت در حق او
 مرحمت و از رکاب مبارک مخص و روانه اذربایجان شد) (افواج فابره نظام از توپچی
 و سرباز و سواره نظام متوقف دار اختلافه الباهره سجدی هو احب الامراء لیای دولت
 فابره از مشق تعاف و مخص میباید و در سر خدمت قراولی و غیره اقدام دارند) (مقررت ایجاب
 میرزا ابراهیم خان سرتیپ افواج خسته که نامور جریان و کلمات بود برخصی و لیای دولت فابره
 در ۴ شهر جادی الاول با افواج جمعی خود وارد دار اختلافه گردیده خود مشارالیه با صاحب منصبان

بنجاکپی مبارک شرفیاب شده مورد التفات و تفضلات ملوکانه گردیدند (مقرب الخاقان
 شیخی خان سرفیاب فوج خلیج که مأمور کرمان بود زمان مأموریت تمام شده فوج او مرخص شد
 بودند لهذا فوج مرزبور را مرخص خانه نموده خود مقرب الخاقان مشارالیه شرفیاب در مازندران
 شده مورد التفات و نوازش ملوکانه گردید) (افواج سمنانی در امانی جمعی مقرب الخاقان
 مصطفی قلینان سرفیاب که مدتی است مقرریم کاب حضرت آفتاب مستند در یوم چهارشنبه
 بیت و پنجم زرمیدان ارک مبارک که حاضر گشته معربی الخاقان این لشکر و اجودان با شاهی
 سالن اینها را بدقت دیده و رسیدگی نمودند **سایر ولایات**)
 کردستان از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند از توجهات کوی
 دولت علیه حسن مراقبت مقرب الخاقان امان الله خان والی کردستان امور اولاد
 قرین انتظام و تضابط است و مقرب الخاقان مشارالیه در نظم ولایت در فاعه حال رعایت
 و انجام عداوت و مهمات دیوانی کمال اهتمام و مواظبت را بعمل می آورد و شرارت و عداوت
 حساب بسیار کم اتفاق می افتد و اگر بدرت سرقت و شرارتی اتفاق بیفتد در مقام رفع
 بر می آید و همه روزها از طلوع آفتاب تا نزدیک غروب خود نشسته بعرض و داد رعایا رسیدگی
 نماید و رعایا و مالانی سوده خاطر بدعا کونی ذات اقدس تعالیون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان
 اشغال دارند) (دیگر نوشته اند که هر ساله هنگام کوچیدن ایل جاف از سرحد کردستان
 بعضی تعذیبات و حیثاتی از آنها ظاهر میشد اما سال سجده اینکه خلاف حسابی از آنها ظهور نیافت
 خود مقرب الخاقان مشارالیه در آن ایام بنیای کردش سرحدات را گذاشته قریب
 بسجده روز در آن سرحدات در کردش بود و امور آن سرحدات را کمال انتظام داد
 و بجهت بودن مقرب الخاقان مشارالیه در آن سرحدات پوشی از رعایا عیب کرد و احد
 از ایل مرزبور نتوانست دست اندازی بمال و حال رعایا بکند و مالی آن سرحدات این
 محصله کمال شکر گذار بر او دارند) (دیگر نوشته اند که اسد تا و تسخیر اخل شده بود
 هوای کردستان کمال طمایت و اعتدال را داشت ولی از اول قوس بنیای باران
 و برفت گذاشته و هوا بدت سرد کرد بد بطوریکه بعضی طرق و شوارع بسته گردیده و
 قراریکه مالی آن ولایت میگذشت اندرین سنوا که کثیر هوای کردستان باین سردی شده
 بود

۲۴۲۲

اخبار دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شد و نوشته شود
 ناخوشی جمعی زرد در یکی دنیا در جزایر اقیانوس کاه کاه برود داشت و سه شش نفر کستان تا
 کنون مشاهده شد و بود در این اوقات در شهر لزبون پای تخت دولت پوریکر از یک خانین
 ناخوشی بروز کرده بعد از آن سیرات با طرف کرده چند هزار کس بن ناخوشی تلف شدند
 و باین جهت امانی شهر مزبور کلاً ترک انجا را کرده بلکه کاهها ریخته بودند که سوار کشته شده بجا
 دیگر بودند قرال دولت مزبور بجهت رفع تشویش خلق خود شش به بیمار خانها رفته و بخیل اعلا
 کرده بود که این ناخوشی جمعی زرد نیست و فی الحقیقه مردم را آرام داده بود (در سالنامه که
 که در شهر عوطه واقع در المانیا چاپ کرده اند عدد پادشاهان فرنگستان و مدت حکومت و
 تاریخ جلوسشان را نوشته اند جل پادشاهان فرنگستان چهل هفت نفرند از اینها همه
 مسن تر لیب پرنس است که از جل جلوه اران المانیا است تاریخ جلوسش هفتاد سال رسیده
 و قرال در تورغ و قراندوقه ملکینو رقی نیز بهین نزدیکیها سن دارند و جوانتر از همه اینها
 قراندوقه یارمه و قرال پوریکر میباشند) (دیگر نوشته اند که حاصل در مالک روس
 امسال خوب لعل آمده است ولی بجهت خرابی راهها حمل و نقل اجناس از محلی دیگر مشکل
 و باین جهت امانی گرفتار صعوبت شده بودند لهذا از جانب امیر اطور روس حکم شد که
 ذخایری که بجهت قشون در محال متعددا بنا کرده اند و موجود است بخلق بقیبت وقت ببردند
 (در سال گذشته در پاریس بای تخت فرانسه آنچه در مدت یکسال فوت شده و
 آنچه متولد گردیده نوشته اند عدد اشخاصی که در یکسال فوت شده اند بیست و نه هزار
 هفتصد و پنجاه نفر بوده اند و آنچه متولد شده اند سی و هفت هزار و هفتصد و هشت نفرند
 و از اینها که متولد شده اند متجاوز از دوازده هزار کس پسران معلوم نیست و بعضی هم مادر
 آنها معلوم نیست که همان وقت که زائیده اند آورده بکوچها انداخته اند) (در دولت آستریه
 چون مصارف و مخارج هم موافق می آمد و مخارج آن دولت زیاده از مالیات بود بجهت
 تسویه این جمع و خرج چند فقره در دولت مزبور قرار داده اند از جمله بکریه سفاین آن لایت که سیاحت
 و اشیا حمل و نقل میکنند معنی افزوده اند) (در این اوقات از جانب دولت روس حکم شده است
 که از پطرزبورغ تا شهر بردی و از کیف تا استان و از آنجا تا شهر ریگا که در بحر بáltیک واقع است
 سه خط تلفاز بکشند

۲۴۲۴

در روزنامه های سابق نوشته شده بود که حکمران مملکت سیام که از ممالک هندوستان و در سمت جنوبی چین واقع است بجهت عقد رشته مناسب با دولت انگلیس سه نفر سفیر بفرستاد این فرستاده بود و بجهت رساندن آنها بندن از جانب دولت انگلیس کشتی قره دوق نام با سکنه ارسال شده بود از قرار روزنامه که تازه رسید الیه م وارد لندن شده اند و در روزنامه های لندن از بیانات حاضر و اصول متخذة آنها نوشته اند حکومت سیام در زیر فرمان و حکمران این افراد و نفر از جانب یک حکمران و یک نفر از جانب حکمران دیگر است و در محبت آنها هر یک جهت تقدیم هدایا و نفر مأمور و یک نفر ترجمان و مخصوص آنها سوا سواتر همانها و بازار چین با یک نفر سرکاتب سه نفر سرکاتب سفارت همراه اند اینها همه سی و پنج نفر می شوند و کلابت پرست است و نان و گوشت حیوانات چهار بار اینچونند فقط گوشت حیوانات دو پار قبیل طیور و ماهی خوراک آنهاست و این طبوخت را به سیر شرح ریاد و سایر ادویه جات می آید و می خورد و در شبانه بکرات چای زیاد می شیرینی صرف می کنند و سفرای مذکور از جانب حکمداران خود بجهت هدایا انگلیس بعضی هدایای مخصوص آورده اند از جمله سبابه مرغ مرصع بر و اید و زر و الماس و کلسندلی طلا مضع و اشیا دیگر و هدایای آنها شایسته و مطبوع خاطر اعلیحضرت پادشاه انگلیس افتاده و از سفرای مذکور آنکه در مرتبه ستم است بجهت تحصیل زبان چندی در لندن خواهد بود و از غرایب ایشان اینکه بخلاف کل المل عالم که دندان خود را سفید و شفاف نگاه میدارند اینها خود را سیاه می کنند و هر چه دندان سیاه تر باشد بهتر میدانند (در تمام چهار صد سال قبل ازین در وقتی که دولت فرانس منقسم بدو قسم شده بود و یکطرف بدولت فلنک منتهی شده و طرف دیگر با فلنک بجنگ برخاسته در جنگ مشهور بوون دستگیر دولت فلنک کردید چون در آن هنگام یک آدم که اهل ثروت بود گرفتار دشمنی که بشد قانون این بود که با مملکت خود را وقایه جان کرده خلاص میشد مشا را لیه نیز بان صورت که گرفتار کردید اموال خود که داشت با بعضی اراضی از فرانس بدولت فلنک واگذار کرده عهدنامه نامیه این شرط نوشته که اراضی مذکور بعد از انقضای چهار صد سال با اولاد مالک رد شود و در صورت سلب او منقرض شده و از اولاد او کسی باقی نمانده باشد بقرال دولت فرانس واگذار کرد و این اراضی مشتمل است بر شش قلعه و سی و چهار باغچه و دویست هزار زرع محل زرع است

۲۴۲۵

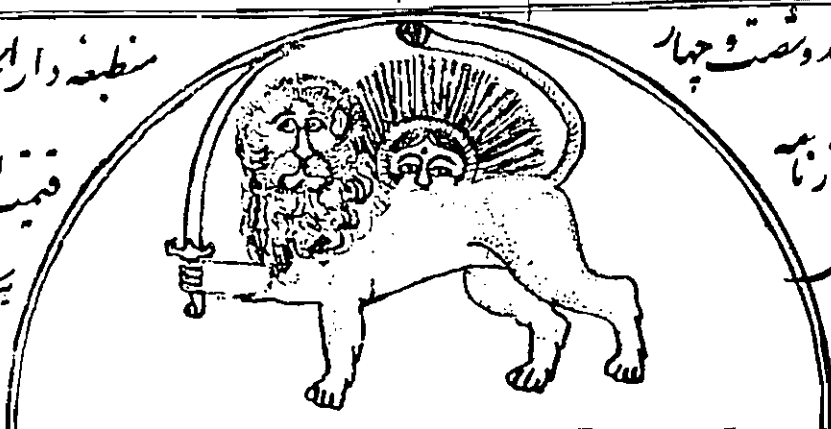
و چرا که هزار حیوان و صد هزار شکار و اولاد او سال بسال حساب و در قراین اراضی را
 نگاه داشته اند حتی در شصت سال قبل ازین از متصرفین آن اراضی شخصی تقصیری کرده و فرار
 نموده بود دولت فرانسه محل متصرفه او را ضبط و مصادره نمود از اولاد مالک آن
 اراضی شخصی آمده بدولت عارض گردید که موافق قراریکه در باب این اراضی داده شده است
 بعد از انقضای شصت سال دیگر با اولاد من میرسد دولت فرانسه باید ارض ضبط و مصادره
 این محل صرف نظر نماید بحد و در هفتم ماه ربیع الاول سال مدت چهار صد سال با تمام
 رسیده و درین خصوص در پاریس مراجعه بزرگی برپا شده است (هر ساله بجهت دفع
 ضرورت از فلکستان بقدر چهار پنج هزار کس بیسکی دنیا میفرستند و در کارخانه های آنجا اجیر
 و عمل شد مشغول کار میکردیدند در این اوقات بجهت نا امنی که مابین تجار و صاحبان کارخانه
 بروز کرد اغلب کارخانه های بیسکی دنیا بسته شده و این اشخاص بی کار و گرفتار فقر و اضطراب
 شده اند و از جانب قونسولهای فلکستان که در بیسکی دنیا مستند با مالی دول مشبوهه
 خودشان اعلام شده است که بعد ازین بیسکی دنیا نروند زیرا که کارخانه های بسته شده
 و از برای آنها شغل و متاعی نخواهد بود) (از فلکستان سفاین تجار به سانره که سمت بند پین
 و محال واقعه ان صفا ششها حمل و نقل می نمایند در مابین بیسکی دنیا جنوبی و شمالی در جزیره و عزرا نام که در
 تحت حکومت جمهوری بیسکی دنیا است باریکه پانامه بین بحر کبیر معتدل و بحر محیط اطلنیک واقع است و
 کشتی در آنجا دوره زده بقدر دو ماه رهش دور میشود اگر چه درین باریکه پانامه که یکس بحر معتدل و
 یکس بحر اطلنیک است راه آهنی درست کردند ولی بجهت کثرت اشیاء نگار بروج و نخواب خوردن
 حال بعضی دولت های فلکستان قرار گذاشته اند که درین باریکه پانامه که مفاصل و میل مسافت
 بخر بزرگی حفر نمایند که از دریا بدریا کشتی می رود و یکصد مسافت بعیده دور ترند و درین خصوص
 وجهی فراهم آرد و آنکه زمین منور را از جمهوری بیسکی دنیا خرید و قومیانیه و رانجا قرار
 داده بخر منور مباشرت نمایند و این نیز که حفر بشود راه کشتیها را که بان صفا حرکت
 بنمایند بسیار نزدیک می کند بطوریکه دو ماه رود و تر از حالاکه دور میزند مقصد میرسد) (در
 شهر مانیس که در تحت حکومت دولت روس است بار و ط خانه در مقدم ربیع الاول تاسیس گرفته
 بعد رسید نفر سوخته و هلاک شده اند و متجاوزان رسیدند از نو مان هم ضرر بدولت
 منور رسید است

روزنامه فایده ایستادگی پویم پنجمین سهردی التمان طاسال سلیمان ۱۲۷۴

نمره سیصد و شصت و چهار

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
بهر هر خط



قیمت روزنامه
بهر نسخه

اخبار دهنده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

عالیجاه مقرب انخاقان میرزا ابراهیم خان سرتیپ افواج خسته که با افواج از کلمات حرا
احضار دربار جهاندار شاهنشاهی گردیده و درود او با افواج ابو اجمعی خود بدار الخلافه الباقی
در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود در روز شنبه گذشته افواج مزبور را در میدان
ارک مبارک که سلطانی حاضر کرده صف نظامی کشیدند اعلیحضرت قدس بعلیون شاهنشاهی
ایدا همیشه سخته ملاحظه آنها میدان مزبور نشرف و نما گردید جناب اشرف امجدار فرغ صدر اعظم
نیز در حضور مبارک بودند احاد و افراد افواج مزبور بنظر اقدس بعلیون شاهنشاهی سیده از اینکه در
کمال شکوه و نظم و ارستکی بودند و در زمان ماموریت خراسان هم با نهایت معقولت و حسن
سلوک با امانی انولایت رفتار کرده و خدمات فحوله خود را بخوبی با انجام رسانده بودند و عموماً بخوبی
و نوازش حسروانی گردیدند خصوصاً مقرب انخاقان مشارالیه و صاحب مضبان زاید الوصف
مورد توجه و التفات شدند و انعام ملوکانه در حق آنها مبذول آمد (چون خاطر اقدس بعلیون
شاهنشاهی تعلق بر این گرفت که شاگردان مدرسه دارالفنون از اولاد شاهزادگان عظام و
این دولت علیه و با خط و سواد و استعداد با که روز ترقی کرده مصدر خدمات کلمه و قابل مبالغه
عالیه از قبیل سفارت خارجه و غیره شوند و بهین سبب نواب مستطاب هزاره و سایر اعضا در
علیهی سیرازا که با انواع علوم و فنون ارسته اند بر بابت کل مدرسه دارالفنون چنانچه در روز
گذشته مسطور گردید بکاشتند و بجهت حسن مراقبت نواب معزی الیه بعد ازین کمال دقت و تمام

۲۴۲۷

در درسی کردن خواهد شد لهذا به عموم نژادگان عظام و اسناد امر او رجال در بارها یون بر حسب
 امر اولیای دولت علیه اعلام شد که هر یک او را با استعداد دارند بعد رسد در القون بهر
 که بهر فنی از فنون که مستعد و شایق باشد مشغول تحصیل آن بشود که بکار خدمت دولت بیاید
 (چون مقرب الخاقان میرزا ذوالفقار خان مستوفی حاکم قم و ساوه در نظام مهام ولایتی و حاکم
 خدمات دولتی و تحصیل موجبات امنیت و آسودگی رعیت مراقبات کافی بطور رسانیده بودند
 محض مرحمت از جانب سستی انجوائب بایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه با عطای بکثوب کلج
 از طبوس بن مبارک سرافراز گردید) (چون نظام و انضباط امور چهارخانهای ممالک محروسه
 اولیای دولت علیه عن مهات دولت میدانند که از مجاری حالات سرحد و غور نزدیک و
 دور از خبرنی و کلی یوما مطلق و مستخرج و احتلال اتفاقیه امورات را مراقبات کافی در دست
 شایسته تدارک و اصلاح نمایند لهذا عالیجاه مقرب انجوائب شاهنشاهی سرست شایسون را که
 بوقور صداقت و کفایت و کاروانی موصوف و معروفست برای نظم چهارخانها مقرر نمودند که جناب
 و علامان چهارم و چهارخانها علاوه بر برابو اجمعی که داشت ابو اجمعی او با دیگر جبهه کرمانی چون
 نیز از ضد و فحانه مبارک با و خلعت مرحمت گردید) (چون مقرب الخاقان علیخان سرست افواج افغان
 در ناموریت فارس مصدر خدمات عمده و نمایان شده بخصوصه در مقدمه جنگ کلین با فوج
 ابو اجمعی خود غنهای رشادت و جلالت را کرده کوی سبقت از همگان ربوده از بازو زخم
 قداره برداشته بود خدمات جان نثار بجای او و خویش در خاک پای هالیون اعلیحضرت شایسته
 خلد الله ملکه سلطانه و در نظر اولیای دولت علیه درجه قبول و استخانت یافته بمنصب
 سرسختگی سرافراز و بکثوب جبهه برسم خلعت در حق او مرحمت گردید و صاحب مضبان وانی
 و جنگ جلالت نموده و ثبات قدم و وزید بودند در حوز خدمات بهر یکت این جلالت
 مرحمت شده بوفج مقرب الخاقان مشارالیه نیز لقب فوج منصور عنایت گردید و لقب فوج
 منصور شدند **سایر ولایات (فارس)**
 از قراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند عالیجاه محبت و سجدت اکتناه مقرب الخاقان
 احمدخان در بابیکی و حاکم بندر ابوشهر و دشتی و دشتان و مضافات که از دربار سعادت
 هالیون شاهنشاهی مأمور بحکومت نظم آن صفحات شده بود بعد از گذشتن از شیراز در هر یک از منازل عرض راه
 الی بندر ابوشهر از جانب حکام و مباشرین لوازم استقبال و توقیر و احترام مقرب الخاقان مشارالیه بعمل

۲۴۲۸

در ورود بهر از جان مالی آنجا از نوکر و رعیت کثرت استقبال شایسته نموده لازم آنرا عترت و اکرام را
 بعمل آوردند و عالیجاه باقرخان تنگستانی تا کازران و عالیجاه میرزا اسد ضابط بر از جان تاهت
 و عالیجاه حسن خان پسر عالیجاه باقرخان تنگستانی تا داکلی و سایر صیباط دشتستانی و مضافات
 تا بر از جان استقبال نمودند و عالیجاه رستم خان یوزباشی افشار میرزا عالیجاه نفوسواره نظام افشار
 از بهبهان آمده در عرض راه ملحق گردید و یکصد نفر سرباز شهبازی نیز از شیراز بهر ای مقرب الخاقان
 مشارالیه ناموز بودند با بجهت با کوه و چشم تمام در یوم چهارشنبه صبح شهر بیج الاول وارد
 اوشهر گردید و روز درو و تمامی صاحب مضرت تا من اجل نظام از توپچی و سرباز با توپخانه و
 طبل و شیپور بقالون نظام تاریخ فرسخ پیشواز نموده توپ سلام انداختند و همچنین آقا محمد علی
 ملک التجار اوشهر با تمامی تجارتا ریشهر که دو فرسخی بند را بوشهر است استقبال نمودند و مالی
 ملد از اعیان و کسبه و غیره بهر ای عالیجاه میرزا حسن این تذکره تا خارج شهر استقبال مبادرت
 نموده چهار ساعت و نیم بجزوب آفتاب ماند با کمال توقیر و احترام وارد بند را بوشهر گردید
 و در وقت ورود پرده بیرق شیر و خورشید دولت علییه ابران را برابر افراشته و بجهت تسلیت
 بر افراشتن بیرق شیر و خورشید بیت و یک تیر توپ از توپخانه مبارک شلیک شده و از
 جهازات دولت انگلیس نیز بنا بر مصافحت و موالات دولتین بیت و یک تیر توپ شلیک گردید
 و در ثانی در جواب آنها از توپخانه مبارک که باز بیت و یک تیر توپ شلیک کردند و از اجل نظام
 توپچی و سرباز که حضور داشتند صرف ثمرت و شیرینی نمودند و سایر حضار مجلس نیز صرف سیر
 و شیرینی و ادای تهنیت و مبارکباد نموده صد ابد عاکونی ذات اقدس علویون شاهنشاهی خلد الله
 ملکه و سلطانه بلند کردند (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان مشارالیه بعد از ورود به بند را بوشهر
 در روز سوم توپچی و سرباز را بوشهر را بدقت دیده و رسیدگی نموده و او را
 و طومار سان آنها و اصنبط کرد که مدبر با رجحالت دارهایون انفا دارد) (دیگر نوشته اند)
 که در روز پنجم وارد مقرب الخاقان مشارالیه که مرده جشن میمون و عیش هایون و سعیدگی
 این دولت جاوید مدت علییه با آنجا رسید حسب الحکم مقرب الخاقان مشارالیه صد
 یک تیر توپ شلیک کرده و پرده بیرق شیر و خورشید را برابر افراشته فوج اخلاص فرستاد
 با لباس سی حاضر کشته طبل و بالابان شادمانه زدند و چهار سبانه روز بازار او خانه ها
 این بندی و چراغان بود و بپوارم عیش و سرور بردا و در بهر ای صنعتی از نوکر و اعیان و در نصیافت مقرب الخاقان مشارالیه

۲۴۲۹

میدند و نیز از جانب بالیورد دولت بهینگیس بلاخط مراسم موالات و یکجندی دولتین لوازم شادمانی
 و اجرایی شکیک لوت شادمانه از جهازات محل آمده و نایب خود را با دای تهیت و مبارکبادی از
 جانب خود و سایر صاحب منصبان کنیس نیز در مقرب انخاقان مشارالیه فرستاده اظهار سرود
 و انبساط خاطر نموده بر قهای جهازات را به پردنای الوان زینت و آرایش دادند و از توپخانه
 مبارک که نیز جواب شکیک شادمانه انجما بیت و یک تیر توپ شکیک شد و از جانب مقرب انخاقان
 مشارالیه نسبت فرستاده نیز بوجوه محبت محل آمده از طرفین رسم موالات ملحوظ شده صحبتها
 دوستانه داشتند (دیگر نوشته اند که چون مدتی بود باران که مطلوب اهالی و زراعت کاران
 نولایت بود یعنی آمد و زراعت دبی که اغلب و عمده زراعت آنجا است بجهت عدم بارندگی تاخیر افتاد
 مردم توشیح حساسی و کرانی داشتند لهذا در روز جمعه اربعه لسانی بعد از ادای نماز علمی اعلام
 از قبیل جناب سید محمد طاهر و شیخ عبد العلی حلف مرحوم شیخ خلف و شیخ علی دستانی در منابر
 موعظه نمودند و چهار چوی انداخته عبادت را بدعای باران اخبار کردند و سه روز عموم مسلمین روزی در
 در روز سیم با اتفاق علمای سابق الذکر جمع کثیری از علما و سادات ذوی الاحترام و سایر خلق از
 خاص و عام بخارج شهر مجتمع گشته بشرایط دعای باران اقدام نمودند و جناب شیخ عبد العلی بن
 دعای باران خوانده و خلائق صدای آهین بلند کردند و از تعضلات باری تعالی نزدیک است
 سحاب رحمت ظاهر گردیده بارندگی کامل نمود بطوری که صحاری و انزال کلا سیراب گردید و بعد
 نیز بارندگیهای متوالی بکرات شده زراعت کاران در نهایت خوشوقتی و امیدواری و
 مشغول زراعت و بذرافشانی شدند و در امر زراعت خصوصاً در تیم کاری نقضی باقی مانده بوقت
 مردم رفع گردید (دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان حاکم بوشهر و دشستان و مضافات و دریا
 عالیجاه شیخ نصر خان را بنظم امور مضافات مأمور نموده و چهار نفر تویچی و بیت نفر اعلام همراه
 مشارالیه روانه کرد که در نظم آن صفحات و انجام خدمات دیوانی و سرپرستی رعایا مرقبت نام
 بعمل میآورد و سایر جاها مأمورین و مباشرین انجمن استوار العمل داده و مجتمع نموده روانه کرده است
 و امور طرق و سواران را نیز منظم و مضبوط نموده در هر منزل مستحفظ و تعظیم گذاشته است که عیار
 و مشرفین صحیحاً و سلباً بمنزل برسانند بجهت از قراریکه در روزنامه شیراز روزنامه بند را بوشهر
 نوشته اند مقرب انخاقان مشارالیه امور آن صفحات را از هر جهت و جهت نظم کامل داده است
 اخبار دول خارجیه که از روزنامههای خارجیه ترجمه شده نوشته میشود

۲۴۳۰

از قراریکه نوشته اند مجلس پانزدهم انگلیس در لندن بتاریخ هفتم ماه بریح الثانی کسوده شده است
پادشاه انگلیس خود بمجلس مزبور تشریف فرما گردیده در باب پول و ناامنی که مابین تجار و صرافان
و کسان آن بان ظهور میکند فرمایش کرده است که صندوقخانه بزرگ تجار تی دولتی لندن با عی
امیت کل انگلیس است و باستمال ما بیزم آن و گذشته از آن بدفع اضطرار هر کس
اهل اید و لت که گرفتار عسرت بشود اهتمام خواهد شد و بعد از مصاحبه عمومی در هر محل روز بروز
استراحت کامله مستلزم شکر است عوایل مندیستان نیز از یکطرف کسب سهولت کرده و
سابقه اتولایب مبدل بلامیت و امیت شده جای شکر است و مابین دوینس انگلیس و ایران
بارده که ظهور کرده بود بجهت دفع آن از طرفین موافقت روی داده معا بده که مابین دوینس
احکام آن تمامه مجری گردیده فقط مسئله بهرات که در معا بده نامه مندرج بود کاملاً اجری نشد
بود در این اوقات از جانب دولت ایران برای تحیل آن مسئله باخراج عا کر ایران از بهرات
حکم شده است که مقضی خسودیت و سوای این فقرات نیز بعضی فرمایشات دیگر در آن مجلس
بودند (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که قشون انگلیس که شهر دلی را محاصره کرده
بودند بعد از استیلا پادشاه یا عیان را با سه نفر سپه او گرفته خود او را برای محاکمه بنگلکه فرستاد
و سپه های او را بقل رساندند در این اوقات از فرار روزنامه لندن که تعییل این مقدمه را نوشته
بعد از آنکه عا کر انگلیس داخل شهر دلی شدند بجهت گرفتن اصحاب قشون او دو دسته ترتیب دادند
از اینها یک یوزباشی با صد نفر که اطراف شهر را گردش میکردند جمعیتی از یا عیان بر خورد
انها را تعاقب نمودند یا عیان بهرت شده فقط بقدر چهار صد نفر از آنها اطراف یک عا کر
داشته و آنجا مجتمع بودند یوزباشی مزبور خرم کرده بود که پادشاه یا عیان در میان آن عا کر
که این جمعیت اطراف او را دارند با جمعیت خود حمله بر سر آنها برده و آنها را متفرق کرده عا کر را
بهت آورد و پادشاه یا عیان دلی و میان آن بود او را بشهر دلی فرستاد و معلوم کردید که این
پادشاه بجهت بسیار پیرستن بودنش خود در انقشاش یا عیان چندان خلیفتی نداشته است باعث
ظنی این انقشاش سپه های او و یک نفر داماد او بوده است و از مشارایه تحقیق جا و مکان آنها را
فرستادند سه سپه دیک داماد او را گرفته آوردند بعد از محاکمه دو نفر آنها را به فشتیک سپه باز
کرده و دو نفر دیگر را هم بقل رساند

۲۴۳۱

تقراریکه از روزنامه بمبئی نوشته اند در ضبطه اسپتای قشون پنجم شهر دلی را از خاک کبریا
 که همراه قشون پنجم بودند اموال شبانی که از یاعیان غارت کرده بودند از جانب سردار
 پنجم حکم شده بود که همه غنایم را در یکجا جمع کرده بعد از آن باین قشون موافق رتبت هر کس توزیع و
 تقسیم نمایند عا کرم قومیچیک این حکم را مسموع ندانستند هر کس هر چه بدش افتاده بود مخفی نمود
 بقیمت بسیار نازل فروخت بطوریکه از سال و نغایس خفیه که هزار لیر قیمت داشت به با چای
 فروختند و گذشته از آن یاعیان وقتی که شهر را ترک و تخلیه کرده فرار نمودند مسکراتی که در
 شهر بود همه را زهر آلود کرده بودند عا کرم قومه که بشهر داخل شدند هر کس از آن مسکرات
 کرد جان ببرد و باین جهت خیلی بعرضه هلاکت افتادند (دیکر نوشته بودند که از ضابطان دولت
 فردان که بعضی مجال نفی و اخراج شده بودند در این اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانس ازین
 معادلت انکارانفرستند و اسپانول داده اند) (تقراریکه چند دفعه در روزنامه نوشته شده
 دولت انگلیس با حکومت سیام که در هندوستان واقع است بجهت عقد رشته تجارت سفیری سیام
 مخصوصا فرستاده و از جانب حکومت سیام نیز سفیر تقراریکه در روزنامه گذشته نوشته شد
 بندن ارسال گردیده و بعضی بدایا آورده بودند در این اوقات دولت فرانسه نیز اراده نمود
 که با حکومت انعام که در جهت شرقی سیام و سمت جنوبی چین واقع است معا بد تجارتی قرار بگذارد
 و مأمور محض و صی در یک گشتی با بعضی بدایا قرار داده است که بکومت انعام ارسال نمایند) (چنانچه
 بگرات در روزنامه مسطور شده است بجهت حصول استراحت کامله فرنگستان اغلب دول فرنگستان
 عا کرم زیاده از لزوم را تقلیل میکنند و عدد نفرات هر دسته و فوج را تنزل مینمایند چنانچه دولت
 استرلیه نیز این فرار را مجرب داشت در این اوقات ایالت نوبار دیانیر که در انیا لیا واقع
 اند دو دسته قشون که مأمور محافظت آنجا بودند چهار هزار و پانصد نفر آنها را استبدالا از سکا
 عسکره اخراج کرده و از گرفتن عوض آنها صرف نظر نمودند) (مقدما چند در میان شد بود که قرال ناپولی
 نظر بعضی حرکات که نتیجه دولت خود کرده بود بوجه نوبار از اوله و ناراضی بود و از میان آنها بعضی قصد استیصال نوبار
 نمودند بعضی در میان مملکت بفرقه و فدا بودند و این که خواستند منظم خود را اجرا نمایند قرال ناپولی مستخضر شد
 مقدار کافی قشون بفرستاده جمعیت آنها متفرق کرده بود در این اوقات مجددا بصد نوبار از آن اشخاص
 در درون شهر نگاه رضع لوای عصیان نمودند حکومت ازین گذارش مطلع شده فی الحال قشون گرفتن آنها
 مأمور کرده و همه را گرفته بجهت بند خلتند

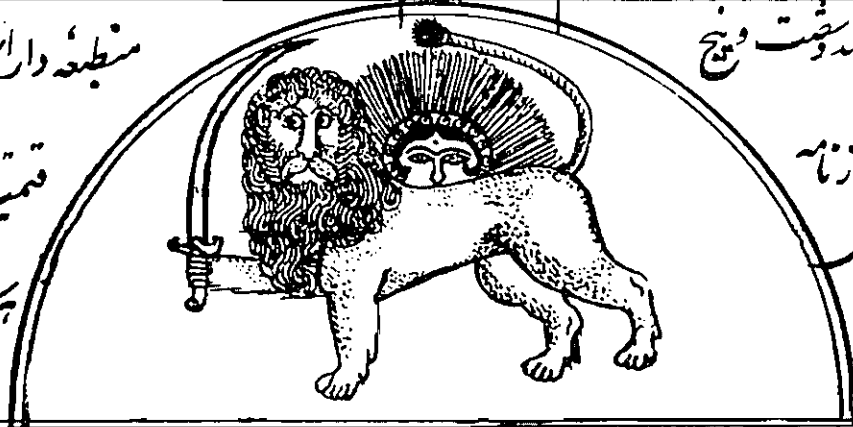
۲۴۳۲

روزنامه قایم نقایبه پنج یوم بیستم شهر جمادی الثانی سن ۱۲۷۴

منطقه دارالخلافه طهران

نزه سید شخت و پنج

قیمت اعلانات
هر سطر در هر روز



قیمت روزنامه
هر نسخه ده

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

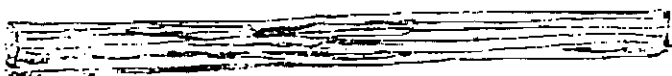
از فراریه مقرب الخاقان میرزا محمد حسین عضد الملک متولی باشی سرکار فیض آثار امام ثامن علی امینی
علیه و علی آباءه و ابناؤه آلاف التحية و الثناء نوشته بود مرحوم حاج میرزا موسی خان متولی باشی سابق
سرکار فیض آثار برای خدام آستانه مقدسه علاوه بر شام زوار قرار شامی داده بود که در کارگاه
سرکار فیض آثار طبع شده خدام آستانه مبارکه در شب کشیک از خدمت بازماندند اما روز
اعلیٰ بیانه صرف نه روز از خدمت باز میمانند با کسنه بر سر پرندند مقرب الخاقان مشارک
برای رفاه حال آنها و شکوه آستان ملاکیک سببان و حصول دعای دولت جاویدین
از پانزدهم شهر جمادی الاولی روزی پنجاه مجموعه نماز خدام آستانه تبرک و سه خواجه
که هر یک مشتمل بر دو آرد و پاره طردف باشد برای امالی دفترخانه تبرک برقرار کرده است
و از این جهت جنلی بر شکوه آستانه مقدسه افزوده است و همه خدام صبح و شام در سر خدمت
خود هستند دیگر مزرعه چار طاقی مخروبه که فیما بین املاک موقوفه سرکار فیض آثار واقع بود
از اہم مقرب الخاقان مشارک الیہ اتباع کرده وقف و مستحقین آباد نموده که محصول آن در
روز عاشورا و روز شهادت حضرت علیہ السلام در بحرم صرف تعزیه داری شود و در یک
شام و نهار بعد چهار شمع هم در بالای ضریح مطهر بهر شب تا صبح بسوزانند و هر چه علاوه
بر اینها باشد در روز عید غدیر برسم انعام بفقرا و سادات خدام قسمت نمایند و چون
در مشهد مقدس در تابستانها پنج کیاب بوده و برای عامه مردم تشکی دست میداد چهار

پنجال هم که بوده و بواسطه شرکاء ناموافق با بر افتاده بوده است مغرب الخاقان مشا را لیه چهار صد
 تومان داده و دو سهم از آن چهار پنجال را خرید و تعمیر کرده است که همه ساله پنج آنرا بقا خانهای
 صحن مقدس بیاورند و بعامه خلق برسد و در شام و نهار خدام ذوی الاحترام صرف شود ()
 مغرب الخاقان امیر الامراء العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی در بارهای یون که از مأموریت فارس
 بر حسب اجازت وزارت علییه معاودت نموده در روز نیت و هفتم شهر جمادی الاول وارد آنجا
 گردیده شرفیاب حضور مظهر اقدس هایون شاهی و مورد مرحمت و عنایات ملوکانه آمد
 چون کمال کفایت و صداقت امیر الامراء العظام معزی الیه در مأموریت فارس در نظام امر قیون
 و تحمل مشقت کرمای کرمیات فارس مشهود و ملحوظ خاطر اقدس هایون شاهی و امنای
 علییه گردید لهذا در روز هفتم شهر جمادی الثانی که در سلام عام شرفیاب حضور مظهر خردی نشد
 از راه و فور مرحمت لباده زمه شتر خنثی مرصع سنگین که طپوس بن مبارک بود ایشا را
 جبار خان پیشی مت فرمودند که از دوش مهر کار اقدس هایون برداشته پیراه برود و ش افشار
 و مباحات معزی الیه نموده و بعد اظهار رضامندی خاطر از خدمات او فرموده و نواب شاهی
 حاجی محمد ولی میرزا را مخاطب ساخته فرمودند که کشیکچی باشی درین سفر بقستی از عهده خدمات بر آنکه
 بسیار از اراضی شدیم کئی آنکه اسکام مأموریت محض حکم بی تاثر و درنگ روانه گردید و در
 سفر هم با آن هوای گرم کرم کرم چنان از دور اطمینان داشته و سیورات و مواجب که منصوص
 رسانید که همه مردم خوشوقت و آسوده بودند و پس از ورود بهم از باب تجاوه خزانه عامه و حوائج
 در فارس ناخود کرده بود محاسبه صحیح و درست داد که موافق قاعده و فائز استیفاء و شکر بود
 و نیز مبالغ خطیری از خود درین سفر علاوه بر مخارجی که خود داشته بصیغه انعام بنو کرمای و نواب
 داده انصافاً از عهده خدمات ماموریت و شایسته برآمد (چون عهده الامراء العظام مغرب الخاقان
 جعفر قلیخان المغانی پیکری استر اباد و در تنبیه اشرا در ترکمانیه و تاخت او به جعفر بای ترکان که سابقاً
 او کارش یافته تقدیم خدمات شایسته و نمایان کرده این اوقات از جانب سنی احوال هایون
 شاهی خلد الله ملکه و سلطانه یکفیه شمشیر مکتل بالماس در حق او رحمت و انعام گردید)
 سابقاً جناب فادت و افاضت تصاب عهده العلماء و المتبحرین زیدة الفضلاء و المجتهدین شیخ عبدین
 زیدت فضایله در سفر زیارت عتبات عالیات عرش درجات علی شرفها آلاف السلام التحیات
 از جانب سنی احوال سرکار اعلی حضرت اقدس هایون شاهی خلد الله ملکه و سلطانه و از قبل جناب

۲۴۳۴

حالات تاب اشرف امجدارفع صدرعظم فخرم دام مجده تکلف شده بودند که در زمان استعاده
 باقامت اماکن مشرفه مذوراتی را که از قبیل تعمیرات مشاهد مقدسه بر وقت والا نهایت بادشا
 و از قبیل احداث مدرسه در نجف اشرف و مسجد و مقبره در کرکلابی مختلی بر عهد کفالت جناب
 صدارت پناهی قرار یافته بود ایشان مباشرت کرده ایفا و ادا نمایند چنان اتفاق افتاد
 که بعد از آنکه جناب شیخ فخر القاب شروع تعمیر و توسیع صحن مقدس حضرت سید الشهداء
 ابو عبد الله حسین صلوات الله و آلامه علیه منوال کمال توسیع آن منوط بحصول اجازت و رضایت
 از طرف قرین الشرف اعلیحضرت لطانی گردید اولیای دولت علیه مراتب را با اولیای دولت
 عثمانی اظهار و انهداشتند نظر بکمال مودت و بکجهتی که مابین دوین علیتین سلامتین مبارکی
 و مینت برقرار و پایدار است فرمان لازم الاذعان از جانب آن اعلیحضرت بعهد جناب
 تائب سردار اکرم سرپا و الی ایالت بغداد شرف صدور یافت که در باب همان طرح و
 که جناب شیخ و در توسیع صحن مقدس و بنای مسجد و سایر تعمیرات متعلقه بان حضرت شروع
 کرده بودند مساعدت و موافقت لازمه را بعل آورند که با تمام و اکمال برسد و جناب
 رشید پاشا صدر عظم دولت عثمانی هم که مراسم حسن نیت و خیرخواهی ایشان نسبت به
 دولت قومی شوکت اسلامی مستغنی از بیان است مرسله مودت علامه در جواب کتوب
 جناب اشرف امجدارفع دام مجده تسلی داشته لوازم مرافقت را در اکمال این بنای مبارک
 بتقدیم رسانده بودند بحق از جانب دولت دوستی آیت عثمانی مابین وسط میهنه مستحبه
 پاس شریط بکجهتی مرعی و ملحوظ آمد (چون امر تعمیر و مرمت توپها بعهد مرحوم بابا بیک
 سرهنگ توپخانه مبارک محول بود و او فوت گردید و رجوع این خدمت بعهد یکی از صاحب
 مسنجان توپخانه مبارک لازم بود لهذا نظر باینکی و صداقت عالیجاه میرزا فرج الله پادشاه
 توپخانه مبارک خدمت مباشری مرمت و تعمیر توپها بعهد امفوض و از جانب سنی الحوائج
 بمایون بک طاقت شال کرمانی خوب برسم خلعت با و مرمت گردید) اعلان (ر
 مدت بکاه قبل ازین یک عدد انبر آهنی جراحی تبرکب ذیل در کوچه عزیز بیان کم شده است
 هر کس پیدا کرده باشد با طاق و فرخان این روزنامهها آورده از مباشرین روزنامه
 بکیتومان مردگان بکیر و

۲۴۳۵



اذربایجان

از قرار یک در روزنامه خونی نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب کامیاب محمدحسین
حاکم خوی و سلاطین در کمال انتظام است و در نظم ولایت در فاه حال رعیت و انجام خدمات
و مهات دیوانی و انتظام و امنیت سرحدات و طرق و شوارع نهایت مواظبت را بعمل می
و طرق و شوارع سرحدات در کمال امنیت است و امور شهر خوی نیز انتظام و انضباط تام
دارد و چون امور قلعه سبکی گری خوی را مقرب انخاقان مؤتمن سلطان وزیر نظام و پیشکار کل
مملکت اذربایجان حسب احکام اولیای دولت علیه نواب معزئی الیه نوشته بود که لعیده پناه
مهر علیخان دبنلی و اکدار نمایند نواب معزئی الیه نیز مثل مزبور بحسب المقرر لعیده او محمول در
و عالیجا پش ر الیه نیز در لو ارم امور محوله بنحو کمال دقت و اهتمام را بعمل می آورد و لیلانها
مراقبت تام دارد و بهر دروازه چند نفر دروازه مان علاوه بر قراول و مستحفظ استمراری
گذاشته در حفظ و پاسبانی لازم اهتمام را بعمل می آورند باین واسطه سرقت و شرارت نسبت
التفاق می آید) (سابقاً در روزنامه خوی نوشته بودند که شاکر دجاجی ابراهیم نام تاجر از حجره او
تخوابی که امانت سه چهار نفر تاجر دیگر بود بسرقت برده بعد از معلوم شدن وجه مزبور مسترد و صاحبان
مال تسلیم سارق نشا ر الیه را با یک نفر عموزاده شاکر که محرک این سرقت بوده و پدر سارق
نایب الحکومه محبوب شسته تا بعد از مراجعت نواب محمدحسین میرزا از سلاطین مراتب بعضی نواب معزئی الیه
رسیده حکم بسیار رقیق نمودند چون طفل بود و جمعی از اغرّه و اهل علماء و سادات ولایت شفاعت
برخواستند که طفل است و اول جنایتی است که بتحریک دیگری از او سرزده نواب معزئی الیه نظر بقبر و تعظیم
علماء و سادات ارباب است و گذشته ولی حکم نمودند که اخراج بلد باشد و اگر بعد از این او را در خوی ببینند
نمانند دارالعباد و سر و از قرار یک در روزنامه میزد نوشته اند جمعی از اشراف و بختیاری
سجالی قلعه نمیش آمده بنای راهزنی و هرزگی گذاشته بودند مقرب انخاقان محمد یوسف خان سپه
حاکم یزد و عالیجا محمد رضا خان عقدانی را بدفع و تنبیه آنها فرستاده طایفه بختیاری از امور تیرتاری
سختگیر شده فرار کردند و مشار الیه نامه فرسخی شیراز آنها را تعاقب کرده هر چه اموال مردم را برده
بودند تمام و کمال گرفته بصاحبش رد نموده قبض رسید گرفته و از ریش سعیدان بختیاری نیز
الترام گرفته مرتب نموده و بچنین حجره حاجی سید علی جبر را در برید بپسند تو مان نقد برده بود سارقین
سه روز بست آمد مال مسروق از آنها دریافت و بصاحبش تسلیم و رقیق بجهت بروز دیهای قدیم محبوب شدند

۲۴۳۶

فارس

از فراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور اولایات از حسن مراقبت نواب مستطاب مؤید الله
 حکم ان مملکت فارس در نهایت انتظام است و کمال فراوانی و ارزانی در خود شیراز و دیگر
 از بلوکات مملکت فارس حاصل است از او این جمادی الاولی الی نیمه ماه منور بر فربارین
 در اولایات آمده بارندگی کامل شده خصوصاً در کرسپات اگر چه سبب کثرت بارندگی
 ابله عیسی و قنات و غیره فی الجمله خرابی رسیده است ولی بجهت زراعت بسیار مطلوب
 نافع بوده است چنانچه نرخ غله در هر جا که تسبیح داشت تنزل نموده و فوراً بهم رسانند و با
 غله در همه جای اولایات فراوان و ارزانت و اغلب کرمیرات در نهایت ملایمت مواد صحرا
 سبز و خرم و زراعت کامل شده است (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین نواب مستطاب
 مؤید الله و له عالیجاه امامعلی خان قاجار بشیک آقاسی حوذر با اتفاق خبر حاجی عبد الله
 فرستاده مرحوم امام مسقط سابق که حامل نشان هایون مرتضی سرکار اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی
 بود از راه ابوشهر با مؤسقط نمودند و یک قبضه ممشیرت غلاف طلای کل مرصع منازیر از خود
 جبهت حضرت نصاب عمده الولا تصید ثوبی امام مسقط فرستادند در حین و تردد و مشایخ
 جناب امام مسقط در محل صحار که از علاقه جات عمان است بوده و عالیجاه تصید محمد ابراهیم که فی
 مقام او و در مسقط متوقف بوده لوازم استقبال و مکرمات را ایما را بعل آورد و بجهت وصول
 نشان نشان هایون بیت و یک تیرنوب شکک کرده و خود امام مسقط نیز حصول اطلاق
 قسوی که برای استیصال صید ترکی برادر کوچک خود جمع کرده بود در صحار عمان که ایستاده
 بتجیل مسقط آمده بلوارم جشن و توقیر و احترام نشان مهرلعان هایون پرداخته آویزه بکرا
 خود نمود و مزایع و مخالفتی هم که مابین جناب مشایخ تصید ترکی بود از فرار رقم نواب
 مستطاب مؤید الله و له باصلاح انجامیده ترک منازعه نمودند (دیگر نوشته اند که نواب
 مستطاب مؤید الله و له در ماه جمادی الاولی نواب کامیاب میرزاده عبدالباقی میرزاد
 امور لارستان و تنبیه سرکشان آن مان نموده و عالیجاه هبلول آقا سرمنک فوج خوی و جمعی از
 سواره نیز همراه نواب منزی الیه ما مور شدند و معترب انخافان رضاقلینان سرسبب فوج عرب
 و غیره نیز چندست که با کمال ارادتگی با فوج ابو اجمع خود و جمعیت اعراب فارسی و سایر اهل
 که با او نزدیک مستند قبل از حرکت نواب میرزاده امور لارستان کشته در دانه شده است و فوج

۲۴۳۷

قره کوز لوجی مقرّب انخاقان علی بنی خان سرسنگ نیز که ساخلولارستان بودند در آنجا متوقف
بعد از ورود نواب امیرزاده و پیوستگی افواج و سواره و تفکیکی و توپخانه فتنه و فساد ولایت بجای بیخ
خواهد شد و معتدین را چاره جز اطاعت و انقیاد نخواهد بود (دیگر نوشته اند که شخصی قزوینی
که سابقاً بحرم سمرقند یک دست او قطع شده و از عل سمرقند توبه کرده بود درین اوقات با قضا
خجاست فطری بادت بریده باز مرگ سمرقند شده و سبک کرده و در آنجا حضور نواب میاید الدوله در
بعد از آنکه بزبان ملاطبت از او اقرار کشید و معترف سمرقند کرده و بحکم نواب مغزی او را بعضی سیاه
آورده دو انگشت او را قطع نموده و اخراج کردند) (دیگر نوشته اند که خدی قبل ازین شخصی کواری
کینفر کواری دیگر را بقتل رسانده بود و بابت بعضی نواب میاید الدوله رسیده فرستادند قاتل را
گرفته حضور آوردند و مقول بجز یک مادر سردار می نداشت کسان قاتل هر چه خواستند آن
ضعیفه را با خذدیت راضی نمایند و علاوه بر آن متقبل پیش هم بنواب میاید الدوله شدند ولی
مربوره راضی بدیت نشد لهذا نواب مغزی الیه حکم بقصاص قاتل نمودند و آن عجزه خود آمده
چاقونی بدیت آورده بدست خود و بجز قاتل را بریده قدری از خون او شامیده و قدری
هم غازه خستار و خضاب دست کرده از پی کار خود رفت **کاشان** از قریه
در روزنامه کاشان نوشته اند امور آنولایت احسن مراقبت و اتمام مقرّب انخاقان
محمد حسن خان حاکم کاشان قرین انظام است و با امور ولایت و رفاه حال رعیت و انجام حدمات
و مهمات دیوانی نهایت دقت و رسیدگی می نماید و عموم رعیت از عالی و ادانی آسوده
خاطر بکار و کسب و عمرستی خود دد عاکونی ذات اقدس سها بون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطنت
اشتغال دارند و از قرار بیکه نوشته اند فدوانی و ارزانی هر گونه نعمت امسال بشیر از سایر
سابق است) (دیگر نوشته اند که در این اوقات که مقرّب انخاقان مش رالیه مباحثین
دعوات و بلوکات را خواسته سباب معاملات دیوانی آنها رسیدگی می نماید بعوارض و مخارج
هر محل نیز واری کرده مخارج حبلی کمتر از سایر سابق شده مثلاً دهی که بیسال ده تومان مخارج
و عوارض از رعایای انجا دریافت بشده است امسال پنج تومان دریافت کرده اند و رعایا
ازین رهگذر کمال و عاکونی مسرگزار بر دارند و در باب باقی قضا لیات که در دعوات و
بلوکات مانده است التزام از مباحثین گرفته که درین روزها وصول و ایصال نمایند و آنها نیز در
کار میباشند که بی دیوان را زود بپردازند

۲۴۳۸

اجبار و دل خارجه که از روزنامه‌های خارجه ترجمه شده و نوشته میشود

گذارش نامنی که مابین تجار و صرافان و صاحبان کارخانها در سبکی دنیا ظهور کرده و از اجبار
 بدولت و کمستان سرایت کرده بود در این اوقات چهار نفر تجار فرنگستان نیز که در سلاهیول
 ساکن و بازمیردادوستد دارند سرایت کرده آنها را فلاسس نموده اند (کیفیت ستاره
 و بناله دار که چند وقت قبل ازین در روزنامه‌های فرنگستان بکرات نوشته میشد در نزد بعضی
 اشخاص ظهور قیامت مقارن طلوع آن ستاره بدرجه ثبوت رسیده بود و اینکه احدی در
 این حادثه در روی زمین باقی نخواهد ماند یعنی بعضی شده و پاره اصحاب مزاج و مردمان سخی
 طبع آنچه بناظرشان رسیده بود مجری داشته بودند از جمله یکی از آن اشخاص تجمه استحصا
 کانی که بعد ازین قیامت بعرضه ظهور خواهند آمد چند صندوق این ساخته و بعضی کتب و ارجح
 احوالات این ایام را در میان آن صندوقها گذاشته و منافذ آنها را مسدود و مضبوط ساخته
 بچند جای دریا انداخته بود که بعد از قیامت خلق جدید که بدینا خواهند آمد اگر خود
 باشند از احوالات گذشته خبردار بشوند آن کتابها را بجا خواهند و این گذارش در این اوقات
 معلوم گردیده و در روزنامه‌های فرنگستان نوشته اند) (سابقا نوشته شده بود که در
 شهر لیر که در بلجیقا واقع است در محلی چهارصد ذرع طول و پنج ذرع عرض حرارتی ظهور کرده
 و روز بروز تشدد داشت بموجب اجباری که در این اوقات رسیده است این حرارت
 در محل مذکور روز بروز اشتداد یافته تاکنون به پنجاه و هشت درجه گرما رسیده حتی بعضی
 اوقات از درون آن سجد نمایان میشود اگرچنین حرارت باطراف سرات مکرده است
 ولی سکنه اطراف از کمال خوف و خشیت خانه‌های خود را ترک کرده اند و دیگران نمانده
 بودند که در شهر انور واقع در بلجیقا سال قبل ازین شخصی صندوقی مهور که معادل صد ذریع
 هزار تومان پول کاغذی اسکنا س نکلیس داشت بدوش حملی داده بیک محانخانه نوشته
 بود که خود نیز از عقب باید بعد خودش نیامده بود و صندوق مذکور همش باستحصار صاحبان
 محانخانه برداشته و آنقدر اوراق پول کاغذی نکلیس در او نگاهر شده بود کیفیت سباب
 حکومت اجبار و بعد از آن بواسطه ای نکلیس که مقیم آنجا بود گذارش بدولت متبوعه خودش
 بیان گردیده بود در این اوقات که این پولهای کاغذی را معاینه و ملاحظه نموده اند همه
 ساختگی و قلب درآمده است

از شهر آتن پای تخت یونان الی لنگرگاه کنر در بیاد و ساعت مسافت دارد از جانب قوال
دولت یونان اراده شده بود که این مسافت را بجهت آسانی حمل و نقل اشیاء عبور و مرور مقرر
راه آهسته بسازند و قرار داده بود که هر قومپایه که تعهد ساختن راه مزبور را نماید با مقدار
مناسب از جانب دولت امتیاز عطا شود در این اوقات یک قومپایه ساختن راه مزبور
تعهد گرفته و قدری وجه نقد نیز بدولت یونان داده است باین شرط و قرار که در مدت
دو سال راه مزبور را با تمام برساند و تا مدت پنجاه و چهار سال امتیاز به آن راه بقومپایه
مزبور واکدار باشد و قوال دولت یونان باین قرار داد ساختن آن راه را بعهده آن قومپایه
محول نموده است (در این اوقات در بکرش یک شخصی که سابقاً در خدمات عسکریه دولت
روس بود از چهل پنجاه نفر مرکب یک قومپایه مرتب و آه بود حکومت آنجا ازین کداز
مطلع شده فوراً بقدر کفایت قشون بان محلی که قومپایه سارقین مجتمع بودند فرستاده و بجهت
دستگیر کرده اند) (اما لی فرنگستان چون بچوادمات عالم از قبیل حکایات و تواریخ و کمال
بسیار راغب میباشند و باین جهت روزنامه های موجوده را که در فرنگستان چاپ میگردانند
میخوانند درین روزنامه شخصی روزنامه منشی بر تواریخ و امثال حکایات بحسن خط و خوبی عبارت
براه انداخته است و تا مدتی این روزنامه که از آن کارخانه بیرون آمد است مشتری آن
بپانصد هزار کس رسیده است) (چنانچه در فرانسه و انگلیس رسم است در این اوقات
در دولت استریه نیز قرار شده است که هر کس زیاده از لزوم سک نگاه بدارد هر کسی را
در سال تخمیناً نومان مالیات بدیوان بدهد) (در روزنامه سابق نوشته شده بود که چهار صد
سال قبل ازین دولت فریب و وفور شده فرق بدولت فلنک بلجی کشته و فرود دیگر با فلنک جنگ کرده و گرفتار
دولت فلنک گردید باینجا نون موضوع آن ایام ملاک خود را بتفصیلی در روزنامه سابق نوشته شد بجهت خلاص و بدولت
فلنک تا مدت چهار صد سال واکدار کرد باین شرط که بعد از چهار صد سال با اولاد او واکدار شود و اگر اولاد او
منقرض شده باشد با اولاد قوال واکدار شود در این اوقات تاریخ ۲ ربیع الثانی مدت چهار صد سال باقیام
و در پاریس نشر و اعلان کردند که از اولاد و مالک این اراضی و املاک هر کس است باید تا مدت یکصد سال
بشود چینی اشخاص اوقای در اشت کرده اند و از جانب صرافان چهل لیان فرانک که تخمیناً است که در نومان این وقت
قیمت املاک مزبور بقره تکلیف شد و چون ورثه صاحب این املاک در مالک نیستند و استریه و اسویچر و دیگر جاها لایحه
نخور کرده اند نوشته اند که نظر بکثرت این اشخاص مبلغ مزبور از قبیل جزئیات است و بهر س وجه جزئی خواهد رسید

۲۴۴۰

روزنامه قایم اتقا و تبایح یوم شنبه و بهمه شهری لی بوق ان ایلان سیر

نزهت و شادمانی

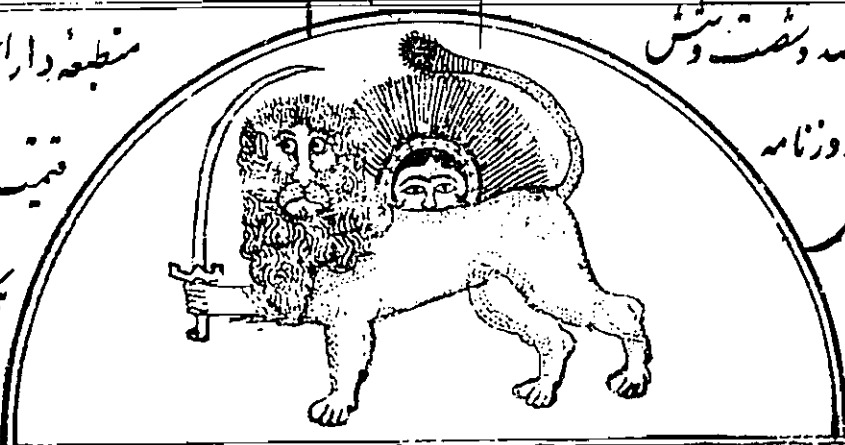
منطقه دار اخلایه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شمشیر

بهر روز



اخبار و احداثیه ممالک محروسه پادشاهی

دار اخلایه طهران

حضرت خاقان مغفرت پناه فتحعلی شاه طاب ثوابه که آداب بسیاری و رسوم فرمان کناری
 آنحضرت مستثنی از توصیف بیان است باقتضای مصلحت مملکتاری و حکمت حکروائی عادت دولت را
 بران جاری ساخته بودند که حکام هر یک از ممالک محروسه را در محل حکومت خود باقی و برود
 گذارند و بموجبی عمل و جهتی بزرگ ظم عزل بر مشورایات ایشان نرسانند و اسحق ازین تدبیر و رای
 ملوکانه هر روز دلسوزی و سرپرستی حکام نسبت بر عتق و امید واری و دلگرمی رعیت نسبت
 بحکام در تراید بود و مملکت روز بروز رو با آبادی میکشید و چون حاکم هر مملکت آن محل حکومت
 خانه و مسکن خود میدانت همچنانکه در آن ملک سبزه صاحب خانگی نگاه میکرد امانی و رعایای آنجا را
 نیز چشم عیال پرستی میدید این حالت کیفیت بطوری دوام و استمرار بهم رسانید که مردمان
 اولاد هر یک از آن حکام نسبت بان ملک میدهند مثلاً اولاد مرحوم نایب السلطنه را آذربایجان
 و اولاد مرحوم فرزند افشاری و اولاد مرحوم ملک آرا را از ندرانی میخوانند و همچنین حکام دیگر از
 انبای ملوک و خانواده سلطنت که آنها هم همین حالت را داشتند و این معنی باعث شده بود که
 حکام ممالک مثل کسی که خانه و عیال خود را متوجه باشد مملکت و رعیت را متوجه میشدند در عهد
 دولت شاه مغفور محمد شاه استبداد جلالت نور چون مزاج مبارک پادشاه طویل بود و کار بد
 وزیر عاری از رسوم و آداب مملکتاری افتاد ازین نکته عمده نیز مثل سایر نکات و رموز کار گذارند
 خافل ماندند در تشخیص حکام غور و تأمل کرد که اشیا ص قابل و سینه را چگونه نمایند و نه هم بعد از آنکه

۲۴۴۱

هر کس را بگومت هر مملکت کین ما اتفق منصوب داشت لامحاله در دوام عمل او کوشید بلکه
 یکی را که در سمرقند حاکم کرد و دیگری را در وسط سال بجای او فرستاد و بالاخره کار حکام بجائی
 رسید که میان مردم معروف شد که حکام باید مال و دواب را بمقام غزبت بجل حکومت
 و وسره گرایه نمایند این کیفیت باعث شد که حکام خود را پیش از نشاء و بیک سال حاکم نمیدانستند و در
 هیچ چیز نبودند مگر اینکه اندک فرصت را غنیمت دانسته میخواستند ملک را تا آنجا که خود را بپرکشند
 و بیخیال بر گردند و دولت قوی شوکت هاپون اعلی حضرت شایسته خلد الله ملکه و سلطانه که از
 وجود مبارک او در دولت بنظام آمد و کار مملکت توأم گرفت اولیای دولت علیه و از حکومتها
 ممالک محروسه را نیز باین دول که استند و سر حاکمی را که بهر جا منصوب و نامور داشتند با
 حالی و خاطر نشان کردند که اوضاع زمان و وزارت مرحوم حاجی میرزا آقاسی را بجای از خیال برود
 کرده خود را حاکم دانستند مثلاً حاکم اصفهان خود را اصفهانی و حاکم فارس خود را فارسی
 و حاکم آذربایجان خود را آذربایجانی بدانند و قس علی هذا و یقین نمانند که مادام از آنها خلاف
 بیست و تقصیر نگار بروز کرده است از سبب حکومت غل نخواهد شد این بصیحت در دل بعضی از
 که قلب صاف و اعتقاد پاک و عقل و کفایت رسا داشتند رسوخ کرده و رفتار و کردار خود را
 بران عقیده و نیت قرار دادند که هنوز در سر حکومت باقی و محقق توجهات خاطر اقدس هاپون
 و وثوق اولیای دولت روز افزون هستند و بعضی که نیت ایشان فاسد و خود بی کفایت و
 بی عرضه بودند نتوانستند که بنیای عمل خود را بدین اساس محکم که از ندهر چه از جانب اولیای
 دولت در حق آنها لازم نبود و بصیحت مبدول شد و در تعمیر سلوک و اصلاح احوال آنها کوشیدند
 مفیدت این بود که بناچار با از حکومت غل شدند و با بطوری اظهار بی کفایتی کردند که از مقام
 و وثوق و اعتماد خاطر هاپون پایین آمدند که لامحاله آنها را بجزل چنین حکام خواهند فرمود اکنون باید
 دانست که اگر حاکم مملکت قدر حقان و انقیات دولت را بداند و طالب عزت و احترام شود و در
 خدمات دولت را بقدم صداقت پیامید و از رعیت پادشاه که در ریعه حضرت باری جن و ملا
 بطور شایسته پرستاری نماید و باوصاف عدل و داد حسن نیت و اعتقاد معروف شود
 و خود را در حضرت هاپون پادشاهی بیغرض و بی طمع و بادبانت و باعرضه و کافی بشناسد
 و رعیت را آسوده و دعا گو و ولایت را آباد نماید بدیهی است که قدر چنین شخص در نظر حق شایسته
 هاپون چه قدر بلند و ارجمند خواهد بود و بجه پایمخت طوکانه را بردوام و استمرار و عزت و افتخار

۲۴۴۲

اد خواهند کماست چنانکه میتوانند نظیر این را در بعضی از امثال و اقوال خودشان مشاهده
 نمایند و اگر برخلاف اینها باشد ولایت ویران و ناامن و رعیت خراب و شکست خوردنی باشد
 بهیچوجه چشم التفات و اعتنا و دوام و بقا داشته باشد بلکه نفس خود را طاعت نماید که در
 زمان فرصت نوانت تحصیل اعتبار دائمی در پیشگاه همایون نماید تا علی الدوله مورد انعام و اکرام
 باشد (مأموریت جناب فحامت نصاب مسیور و میمون در زیر مختار دولت بهیچوجه از دست
 علیته ایران در روزنامه های سابق مخطور گردید بعد از آنکه وارد سرحد آذربایجان گردیدند علیچاه
 مقرب الخاقان حسن خان سرپن از جانب نواب مستطاب نهاده و اکتابار رکن الدوله از جانب
 اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان تاسرحد مأمور بهماننداری شد و لازمه آداب دانی در
 تقدیم رسانید و از سرحد تا ورود در استطنه تبریز از جانب حکام و مباحثین ولایات عرض
 خاصه نواب محمد رحیم میرزا حاکم خوی لوازم احترامات بعمل آید چون لازم بود که از جانب نواب
 همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه نیز شخصی معتبر و کافی بهماننداری جناب معزی الیه مأمور
 لهذا علیچاه محبت و سجدت سمره مقرب الخاقان علیستی خان سرپن از فرزانان همایون
 و احکام دربار دولت علیته باین خدمت مأموریت یافت و کمال توقیر و احترام و لوازم آن
 شایسته در هر یک از منازل بعمل آورده و از جانب حکام و صاحب اختیاران ممالک محروسه
 و آذربایجان حمزه و قزوین پذیرائی و احترامات شایسته که سر او اردوستی و بکجهت مابین
 دولتیست فخرمستین بود و عمل آوردند و جناب معزی الیه و اجزای سفارت کمال دلجوئی و خوشنویسی
 از احترامات دولتی و اینکه ملاحظات دوستانه دولت علیته حسن رفتار مقرب الخاقان
 علیستی خان سرپن حاصل نمودند و روز و شبان بدار الخلفه براقبت مقرب الخاقان
 حاجی علیجان حاجب الدوله که امور شرفیات سفرا حسب الامر الاقدس با و مفوض و مجرب
 یکجا بچادر پوشش دارانی در طرقت بر پا و سایر لوازمات از قبیل میز و صندلی و شیرینی و
 مسبو و قهوه و چای جنبه پذیرائی و توقیر سفارت میباشد مستقیلین بریاست عمده الامر العظام
 عباسقلی خان سیف الملک میرنجه از فرزانان مقرب الخاقان استقبال نمودند بعد از طاقات در چادر دولت

۲۴۴۳

علیچاه مقرب الخاقان نصرالله خان علی مقرب الخاقان محمود خان سر مقرب الخاقان میرزا عبدالغفار خان
 سرپن
 مؤتمن سلطان وزیر نظام از جانب نایب الوزاره امور خارجه از جانب
 جناب بیطرف امجد ارفع صدر اعظم جناب وزیر امور دول خارجه

مقرب المحضرة العلية ^{میرزا علی} خان کلاستر عالیجاه مصطفی قلیخان یوزباشی
 نایب صلیب هالیون باسه روس
 با یکصد نفر سواره نظام و غلام پادشاهی خاصه براق طلا
 سواری جناب وزیر میرزا میک

عمده الامراء العظام سیف الملک از جانب سنی اجواب علیحضرت اقدس هالیون شاهی
 الطهارت نقدهات ملوکانه و همچنین از قول جناب شرف امجد رفیع الختم صدر عظمی ابلان رسوخت
 و موت بطریق بیجا مع سزای الیه بود پس از تقدیم مراسم احترام و صرف شربت شیرینی
 باتفاق هم سوار شده تا مسافتی که شهر آمدند مکام عبور جناب معزی الیه که از جلو دروازه دولت
 میگذشتند یکفر صاحب منصب نظامی با پنجاه نفر سرباز بالباس پاکیزه و رسمی حاضر بودند احترام
 عسکریه بعمل آوردند نزدیک بدروازه شهر نایب شایط پادشاهی پادشاهی و نایب و آستانه پاد
 بابت نفرواشن نامرل سفارتخانه پیش جناب معزی الیه بودند و در دم دروازه شمیران
 که داخل شهر شدند یکفر باور باد و لبست نفر سرباز احترامات عسکریه بعمل آوردند قبل از ورود جناب
 وزیر مختار نایب ناظر علیحضرت هالیونی ده خواججه شیرینی از قبیل قند و نقل از جانب سنی اجواب
 در اطاق سفارتخانه حاضر نموده بودند و بعد از ورود و چای مجرب شیرینی و حلویات نیز از جانب جناب
 مستطاب صدرت عظمی برای تهنیت آوردند قبل از ورود جناب معزی الیه از مستوفیان عظام
 بدین موجب بالباس درباری در سفارتخانه حاضر بودند مکام ورود جناب وزیر مختار از جانب

مقرب الخاقان میرزا علی مقرب الخاقان میرزا عبدالعزیز مقرب الخاقان میرزا زین العابدین مقرب الخاقان میرزا مادی مستوفیان
 مستوفیان خاصه مستوفیان خاصه مستوفیان خاصه

سنی اجواب هالیون رسم مبارک بعمل آوردند و هم چنین ده نفر سرباز با یک نفر نایب در درخت
 سفارت پرسم فراولی احترام مقرر کرد که وای در آنجا باشند استقبال و غیره هم پس از آرام و استراحت
 جناب وزیر مختار در منزل و صرف شربت و شیرینی و انبای لوازمات خوش آمد و احوال پرسشی معاود
 کرده بنهارل خودشان رفتند روز دیگر عالیجاه مقرب الخاقان عبدالعلی خان ادیب الملک و شجره
 خاصه بزم هالیون از جانب سنی اجواب اقدس ملوکانه و عالیجاه مقرب المحضرة العلیه میرزا شفیع شیرازی
 مالک محروس از جانب جناب شرف امجد رفیع صدر عظمی الختم برای نقدهات ملوکانه و الطهارت
 از طرف اولیای دولت علیه متعاقب هم بدین جناب وزیر مختار رفتند و عصر آن روز جناب نصاب
 وزیر امور دول خارج ملاقات و رسوم و دستوری را با جناب معزی الیه بعمل آوردند ()

در مکام ورود جناب وزیر مختار منزل سفارتخانه مبارک با یک نفر سرباز و دو نفر سوار با یک نفر سرباز و دو نفر سوار
 بود در احترامات عسکریه بعمل آوردند

۲۴۴۴

نظر بدوستی و موافقی که فیما بین دولت علیه ایران با دول محتاجه موافق عهد مجت برقرار است نکام
 غنیمت سفیر و مأموز از جانب هر یک از دول محتاجه در تشریفات و لوازم احترام ایشان مضایقه
 شده و نخواهد شد و اولیای دولت علیه در سبب و سبب از اوقات از تقدیم چنین رسوم موافق
 نخواهند نمود اما اگر غنیمت یکی از ایشان بر حسب اتفاق مقارن شود با ایامی که مالی ملت تقاضا
 و قانون دین حسین اسلام مشغول عبادات و تحصیل برضات الهی هستند از تقدیم این آداب و رسوم
 لا علاج معذور خواهند بود زیرا که در این ایام مخصوصه اشتغال خلق بکار دیگر از خیر قدرت خارج است
 و این دو وقت یکی ایام صیام است که شخص با حالت روزه قادر بر چیزی جز ادای فرائض دین
 دیگری ایام عاشورا است که مشغول تغریه داری حضرت فاسد الیها علیه آلاف التحية و الثناء
 بود پس در این ایام یا باید اولیای دولت را از تقدیم این رسوم معذور داشت و یا سفرای
 دوست معتمد قرار و در خودشان را طوری خواهند داد که با این دو وقت مخصوص مقارن
 (چون مقرب الخاقان عین الملک در خدمات مرجعه بخود نهایت استقامت معمول داشته و در
 شام و نهار اقدس هایون لیلاد نهارا با وجود برودت هوا مواظبت تام بعمل آورده لهذا محض
 ظهور رحمت ملوکانه و اظهار رضامندی خاطر از خدمات مقرب الخاقان مشارا لیه در این اوقات
 یکموب خمره ابره ترمه کرمانی اعلاهی لظانه پوست نجارا از طبرس بدن مبارک برسم خلعت
 مشارا لیه مرحمت فرمودند) (چون جناب سبوقبوشا روفرد دولت بته و این در مدت
 در دربار این دولت علیه بدستی و خوبی رفتار کرده و در خیر خواهی دولین فخرتین کوشیده
 اولیای دولت علیه از طرز رفتار و سلوک اراضی خوشبودند و از جانب سنی احوال
 ملوکانه یک قطعه شان نشان مثال هایون مکمل با ایمن باد رحمت شده بود در این اوقات
 که بر حسب احضار دولت متبوعه خودش اذن مرخصی از حضور ملوکانه حاصل برده و خدمت
 جناب اشرف امجد ارفع صدر عظم سیده و با جناب جلالت آب نظام الملک و جناب
 نصاب وزیر امور خارجه و سایر رجال دولت علیه و واع نموده بجا پاری عازم پاریس بود
 مقارن رفتن هم کقطعه شان از درجه اول خارجه با جمیل سبب با یک قطعه شال رضائی اعلاهی
 جانب سنی احوال هایون نجاب مغزی الیه مرحمت کردید) (علی بیک سپهر مرحوم سپهر
 طیب که از جانب عالیجاه مجد سمره حافظ اقامت طرا بزودن بدر بار دولت علیه آمده بعضی
 قاری و غیره بجهت باغ هایون پادشاهی حسب الامر آورده بود چون چون قابل دستبردت

۲۴۴۵

منظر آمد لهند ایسکام مرضی او موجب از دیوان اعلی درخش برقرار و وجهی برسم انعام التفات شد
و یکقطعه میدان مطلقا بجهت افتخار رش مروت و غنایت و معتز گردید که در نزد عالیجاهاست رایسه
مشغول خدمات بوده روز بروز تربیت بیند و ترقی در نوکری دیوان اعلی نماید اصفهان
از فراری که در روزنامه اصفهان نوشته اند امور ولایت احسن مراقبت و آب مستطابش از
والا تبار ختم الدوله حکمران اصفهان قرین انتظام و انضباط است و نواب مغزی ایله در نظم
ولایت و رفاه حال رعیت و رسیدگی بعرض و داد رعایا و انجام مهمات دیوانی نهایت مویلت را
بعلی آورند (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین چند قبضه تفنگ سربازی سبک دست
خزانه دار بسیار خوب پنج مقال و نیم حرج کار ختبه خانه اصفهان برسم نمونه انقاد در بار معدن
کایون شده بود که هرگاه موافق سلیقه اولیای دولت علیه شود فرمایش دهند که در ختبه خانه اصفهان
ساخته شود پس از حصول اذن درین روز نامه حساب الامر نواب ختم الدوله معتز شد که امراری
بشخص قبضه از همان نمونه در مدت چهار ماه ساخته در هر ماهی دو سیت قبضه با تمام سازه تحویل
نمایند و وجه از آنخواه ابو اجمعی عالیجاه حاجی کاظم خان حبه دار باشی اصفهان حواله نمودند و
مغزی ایله خود بجهت خانه رفته با مورستان ان حبه خانه رسیدگی نمودند و آنچه از تفنگهای مزبور که
با همه اسباب با تمام رسیده بود با فالسقه که فرمایش شده ساخته بودند بدقت ملاحظه نمودند
و باستاندان فرزند او را در باب خوب و مستحکم ساختن تفنگهای مزبور تا کید و سفارش نمودند
و بعد از فراغت از آن امور چون آن بویچیان متوقف اصفهان که از فارس مراجعت کرده بودند
شده بود علی العقلم بن آنها رسیدگی نمودند چون غایت فراری نیستند و همه حاضران بودند عموماً از
صاحب منصب ناپین مورد التفات گردیدند که سیلان از فرار بعضی نوسختجات که از رشت رسیده
اجناس ماکولات در این اوقات در اینجا تعمیر هم رسانده هر چیزی که ان شده بود و فقر او
از نیمه حله و عسرت بودند تا اینکه جناب فیضایلی آب فخر المجدین حاجی ملا فریح سلمه الله تعالی که
ساختن بل مجیس رفته بودند بعد از فراغت از اینجا بشه معاودت نمودند لغاوت کلی در نرخ
اجناس از ادوقه ماکولات و غیره دادند بعد رسد هزار تومان از خود متک داده از
تجار و غیره قرص کرده و با طراف فرستاده برنج و آرد فراوان خریدیه آورده در میدان
ریختند و همان قیمت که خریدیه بودند بخلق فروختند حتی لغاوت ریال را هم قدغن کرد و کثیرند
و باین حبه اجناس و غیره رسیده و در نرخ متزل کفی نموده باعث مزید گرانیه و دعا کونی فلان

۲۴۴۶

اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده و نوشته میشود

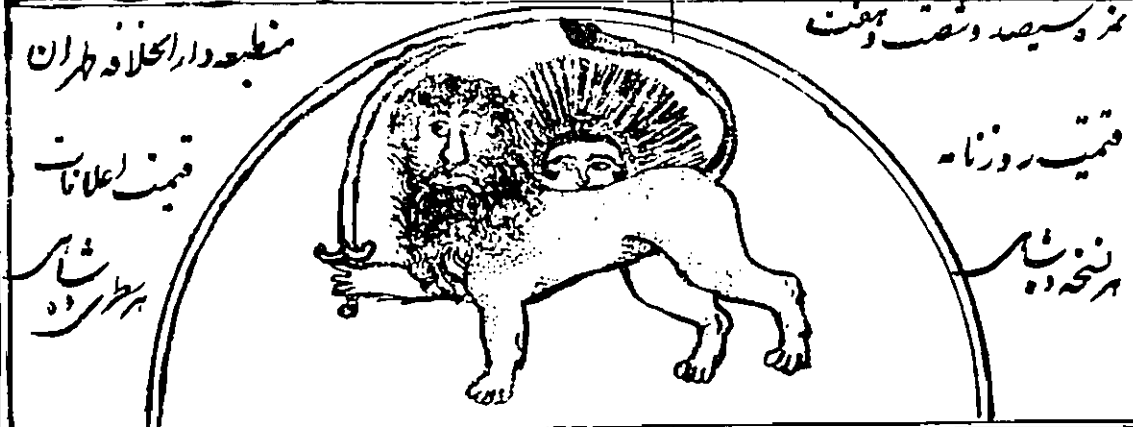
در روزنامه رسمی فرانس نوشته اند در خصوص پول ازینکی بنا عدم اقیب تجارت بدول فرانس
 سرات کرده و اکثره آقان دارباب تجارت گرفتار ورطه افلاس گردیده اند و باحکام مالی فرانس
 نیز دچار اضطراب واضطرار شده اند و درین نزدیکها درمالک فرانس نیز این جنبه مابین تجارت فرانس
 خیلی اختلال روی داده بجهت حصول اعاده امانت و دفع این اختلال ازجانب دولت فرانس از
 فرانسویه موسیو فولد نام بابامورثت مخصوصه بلندن ارسال شده است و این عدم اقیب مالک
 پروستیه نیز سرات کرده و چنانچه در سایر محال روی داده دران دولت نیز ضرر آتیه آن
 مقدمه درحق مالی و تجارتگان میرفت دراین خصوص چاره که باعث امانت مالی انولات باشد
 ازجانب نواب پرنس قایم مقام پادشاه پر دستب شده که تجارت و تبعه دولت مزبور پرنس با
 پول کاغذی دولت که در دست دارند و باارخصه های راه آهن و سایر قومها بنها سندان که در
 دست آنهاست بطریق رهن بصدد قیامهای دولتی پر دستب آورده در هر صد تومان بیست تومان
 نفع و اگر اسباب رهن کنند در هر صد تومان هفت تومان نفع وجه نقد با آنها داده میشود
 و این قرار و ادرا در آن دولت نشر و اعلان کرده اند (در روزنامه جریده الحوادث از
 روزنامه های انگلیس نوشته اند که چنانچه دختر اول علیحضرت پادشاه انگلیس به پرنس نواب
 پرنس قایم مقام دولت پروستیه عقد و تزویج شده در این اوقات دختر دوم ایشان را
 نیز که بس سیزده ساله میباشد و لعید فرال دولت فلنک اراده نموده که به پسر خود تزویج
 نماید و باین خصوص ماموری را بابامورثت خاصه بانگلس ارسال نموده و مامورثت را لیدر
 این روزنامه وارد لندن کرده است) (دیگر در روزنامه سوئیچر نوشته اند که چنانچه درینکی
 قانون جمهوری است در سوئیچر نیز این قانون از اصول قدیمه آنهاست و در هر سال یک دفعه
 جمهوری آنجا بنا بر اکثریت هواخواهان عزل و تبدیل میشود در این اوقات مدت ریاست پرنس
 سوئیچر به انتها رسیده و بجای او بنا بر اکثریت آرا شخصی دو فتور فور نام بر ریاست جمهوری سوئیچر
 انتخاب و بسند ریاست انقاد نموده است) (دیگر در روزنامه جریده الحوادث از روزنامه سوئیچر
 لندن نوشته اند که چنانچه از دولت پیام هندستان بجهت عقد رشته موقت و مولات رفته بود
 باجمعی چنانچه در روزنامه های سابق نوشته بطرف لندن ارسال شده بود در این اوقات نیز از خطبه
 میانه از جانب شیخ موفاک باصطلاح اهل نولایت نبرکشان است یک مامور مخصوص بطرف لندن ارسال شد

۲۴۴۷

از قراریکه در روزنامه جریده اموات اسلامبول از روزنامه رسمی لندن نقل کرده اند مجلس پارلمنتو
 که در لندن گشوده شده بود در بین مذاکرات یکی از اعضای مجلس خطاب با تجار و پارلمنتس سرود
 دولت مبرور مدکور داشت که اتحاد دوستی حاضره مابین دولتین انگلیس و فرانسه در چه مرتبه
 بود و در غایت حسیمند و مستمان بر وجه مطلوب انالی انگلیس از جانب دولت انگلیس نظر اهمیت اعتبار
 می شود از چه سبب است جناب بشار الیه در جواب او گفته است که دولت انگلیس با دول موجوده
 دولت فرانسه دوستی و محادنت قویه اش بر کمال است حتی علیحضرت امیرالمؤمنین فرانسه تجده ملاقات
 نمودن با علیحضرت پادشاه انگلیس عزیمت خود را باین دولت و اینکه قشون انگلیس که بسند وستان
 میروند از راه فرانسه روانه شوند مابین دولت تکلیف و بیان کرده است بر اثبات این مدعا
 واضح است و غوایل نمند وستان نیز چون روز بروز کسب ملایمت می کند زیاده ازین ملاحظه
 نیست در اولاد لازم نیست و نیز در روزنامه بعد نوشته اند که جناب لاردر پارلمنتس در خصوص
 گذارش نمند وستان با اعضای مجلس پارلمنت خطاب کرده است که فرستادن قشون
 از راه رتس امید مناسب نماید اگر چه از طرف دولت فرانسه ارسال قشون از راه فرانسه
 تکلیف و تبلیغ شده است و در صورت ایجاب آن حرکت این قشون را از راه مصر از جانب
 دولت عثمانیه نیز روی مساعدت و موافقت ظاهر گردید است و چنانکه از حرکت قشون از راه
 فرانسه صرف نظر شده از طریق مصر نیز بعضی مشکلات ملاحظه می شود لکن ایها ان قرار سابق ارسال
 قشون از راه رتس امید نمند وستان واضح است فقط از راه فرانسه وستان سبب یا با
 نظر منظور است که فرستاده شود (دیگر در روزنامه جریده اموات نوشته اند بقراریکه
 معلوم هر کس است تاکنون از جانب دولت انگلیس مالک نمند وستان بنام قومانیه اداره
 و اخلاق می شود ولی بعد ازین اداره ان مملکت با اسم دولت انگلیس مسطور و مذکور خواهد
 گردید و در مجلس پارلمنتو این فقره را در ضمن مذاکرات مجلس قرار داده اند) (دیگر نوشته اند
 که از دولت یونان در این اوقات دو نفر بکتابت زراعت فرانسه پاریس فرستاده اند که
 چند می در آنجا تحصیل فنون خراشت نموده و در معاودت بعضی آلات و ادوات این کار هم
 بیاورند و هم چنین سبب کاد کردن در معادن کو کرد یونانستان از جانب فرانسه دولت یونان
 چند نفر کارگران معادن کو کردنا پولی احضار شده اند که بیونان آمد و در معادن کو کرد یونان
 کار میکنند

۲۲۲۸

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم جمادی الثانی مطابق سال سیلان



اخبار و اسامی ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

گنجینه و رود جناب جلالت نصاب وزیر مختار دولت بهبه فرانسه در منطقه دارالخلافه طهران و تسرعانی که در
جناب معتمدی الیه اجری و ممول کشته بود در روزنامه هفته گذشته سمت نگارشی یافت در روز چهارشنبه
بهیچم علیچا مقرب انخافان شهبازخان قریب اول باشی با یک نفر نایب معتمد دیگر و یک نفر از نایبان جزای
و یک نفر از نایبان طرباشی باده نفر اول و دوه نفر فرانسوی و دوه نفر شاطربا با سهای درباری
بمنزل سفارت رفته مقرب انخافان شهبازخان از جانب سنی اجوابن هایون جناب معتمدی الیه را پیش
حضور هایون دعوت کرده و نایب اصطفی علیحضرت پادشاهی بکر ساسب از اسبهای خاصه پادشاهی
مرتب برای سواری جناب وزیر مختار باده و ساسب دیگر سفارت خانه برده جناب وزیر مختار با
مقرب انخافان شهبازخان و صاحب مضبان سفارتخانه سوار شده بعزم شرفیابی حضور هایون سراسر
اعلیحضرت قوشوکت شاهی خلد التذکله و سلطانه روانه گردیدند و دوه نفر فرانسوی و دوه نفر شاطربا
و دوه نفر اول با ایسان که بودند پیش افتادند در عبور جناب وزیر مختار از قراولخانه که در خارج
بودند احترامات نظامیه بعمل می آوردند در دم دروازه ارک مبارک پادشاهی مشرف بسیر میدان چناب
نفر سرباز با یکفر صاحب منصب با کس نظام با کیزه حاضر بودند در عبور احترامات عسکریه بعمل آوردند در
میدان بزرگ در باعلی چهارصد نفر سرباز که دوست نواز آنها در سمت اطاق نظام و دولت نفر
دیگر در سمت دیوانخانه عدالت باده و نفر باور با سهای نظام صف کشیده بودند و پنجاه نفر توپچی نیز در
پیش روی توپهای بزرگ حاضر بودند کلاً احترامات نظامیه عسکریه بعمل آوردند توپچیان قراول توپهای

۲۴۴۹

میدان ارک محرم صفت نظام کشیده استاده بودند مقرب الخاقان شهباز خان جناب معنی الیه راد اعلیٰ الهی کشیکچی نمود
دو بدین تفصیل از امر ای دربار تالیون در کشیکخانه حاضر بودند و لازم پذیرانی را از جناب معنی الیه لعل آوردند قوی سرکاری

امیر الامراء العظام محمد ناصر خان امیر الامراء العظام علی خان و امیر عمده الامراء العظام عباس قلی خان سیف الملک
ایشیک قاسی باشی

عمده الامراء العظام فضلعلی خان عالیجاه محمدت مسرا مقرب الخاقان مقرب الخاقان میرزا عباس خان نایب
امیر تومان علیقلی خان اچودان باشی وزارت امور خارجه

در آنجا قوه و علیان آورده بعد از صرف قوه و علیان و چنانچه مقرب الخاقان شهباز خان نویسد و باشی
بخاکپای تالیون شرفیاب کشته حاضر بودند جناب وزیر مختار راعضه داشت و برکنه از جانب سنی ارجو است
شرفیابی حضور مبارک دعوت نمود امیر الامراء العظام محمد ناصر خان شیک قاسی باشی دربار تالیون جناب وزیر مختار
و صاحب منصبان سفارت را بقاعده معهوده و معموله بحضور مبارک شرف ساخته عرض نمود که جناب سیف الملک
وزیر مختار دولت بهیه فرانس از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانس با نامه مودت ختامه شرف اندوز حضور تالیون
اعلیحضرت نشانی شده اند اعلیحضرت اقدس تالیون شاهی جناب وزیر مختار و صاحب منصبان سفارت را
باطفاق تالیون دعوت فرمودند در حسین پلهای طاق دو نفر از معتبرین نمایان اچودان باشی استیاد بودند
در عین بالارفتن جناب معنی الیه از طاقه کوازم احترام را لعل آوردند بعد از دخول جناب وزیر مختار با طاق در
یعنی که بدینجوب از شاهزادگان عظام که هر یک حامل یکی از شیرهای مکتل بالماکس خلیفه پادشاهی بودند و از اهل
شاهزادگان عظام

۲۴۵۰

اعلیه چاکران درباری
نواب پاپ الایاله فرما میرزا نواب نصره الدوله فرزند میرزا جناب جلالت با نظام الملک جناب جلالت نصاب وزیر امور خارجه
نواب میرزا احمد میرزا مقرب الخاقان میرزا محمد الوزیر العظام میرزا مقرب الخاقان حاجی علیخان
داودخان وزیر پرشکر حاجب الدوله

چاکران و دربار سپهر ام بالباس درباری و شایان و حامل در محفل تالیون شرف حضور داشتند و در پیکاه
در پای تالار مبارک مسم امیر الامراء العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی با چهل نفر از علمایان شیخیه خواجه بابایه
درباری صف سلام خاص منعقد ساخته بودند جناب وزیر مختار را مؤثریت خود و کثرت خاطر اعلیحضرت امپراطور
مالک فرانسه ولی نعمت خود را در حسن دوستی و مودت نسبت بسرکار اعلیحضرت اقدس شاهی بر پیکاه
دستگاه اعلیٰ عرض نمود سرکار اعلیحضرت اقدس تالیون شاهی خلد الله ملک بعضی فرمایشهای طوکانه متعلق
استحکام مسم دوستی ما بین دولتین فحشترین حسن نیت طوکانه نسبت بان دولت بهیه با لفاظی دربار
ادا و نقضات طوکانه در حق جناب وزیر مختار مبدول فرمودند و از سلامت احوال اعلیحضرت امپراطور فرانس
نواب والا و ولید آن دولت جو یا شد جناب وزیر مختار نامه مودت ختامه اعلیحضرت پادشاه فرانس را که در دست

۳

حاجب منصب و در میان سینی طلبا بود گرفته سخن و بجا یون برده عرضه داشت سرکار اقدس علی هم نامه تودیه علامه را
 بلا واسطه از دست جناب وزیر مختار گرفته جناب وزیر امور دول خارج دادند جناب وزیر مختار بعد از مرخصی از حضور
 با صاحب منصبان بخارک بملاقات جناب اشرف ارفع محترم صدر اعظم در عمارت مختصی جناب معظّم الیه که در ارک مبارک
 دتصنّحات پادشاهی دارند آمدند صرف چائی و شربت و قهوه و غلیان گشته و لازم احترام و مودت بعمل آمد و بیاناتی که از
 رای جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم در جهان مجلس سوسی سفیر و ایچی دولت دست سر او را بود مقرر آمد و بعد از
 انقضاء مجلس ملاقات جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم جناب وزیر مختار با صاحب منصبان خدمت نواب استطاب اشرف
 ارفع و الا ولیعهد دولت ابدایت علیه رسیده در یکی از اطرافهای دیوانخانه ولیعهدی میرد شیرینی چیده در
 چائی و قهوه مهیا نموده بودند جناب جلالت تائب وزیر مختار در حالتی که جناب جلالت تائب نظام الملک و جناب
 وزیر امور خارج و امیر الامار العظام کشیکچی باشی و مقرب انجان حاجب الدوله حاضر بودند با مقرب انجان
 شهبازخان با طاق مزبور وارد شده بعد از ادا ای تعارف و صرف شیرینی و چائی نواب اشرف و
 ولیعهد بیرون تشریف آوردند و جناب نظام الملک خود با استقبال شتافته نواب والا را با عو
 گرفته داخل طاق کردند و جناب وزیر مختار و حضار مجلس برخواستند شرف خدمت نواب و
 رسیده به انطور سپر با قدری مکث شد و جناب وزیر مختار اظهار خوشحالی و مسرت نموده جناب نظام الملک
 عذر خواسته نواب ولیعهد را محبت دادند و با حضار نامی شده بعد از صحبتهای دوستانه جناب وزیر مختار تشریف
 آمده بودند محبت منزل سفارت نمودند فردای آن روز جناب استطاب اشرف امجد اعظم از جناب وزیر مختار
 باز دید کردند و جناب جلالت تائب نظام الملک نیز بفاصله ملاقات ایشان رسیدند و در روز
 دیگر که روز سیم بود جناب وزیر مختار آمدید جناب اشرف امجد ارفع آمدند و از جناب جلالت تائب نظام الملک
 و جناب وزیر امور دول خارج هم باز دید نموده بیکر سب از اصطلح خاصه یون که در روز ورود دارالخلافه و
 در روز شرفیابی حضور بجا یون سواری جناب وزیر مختار بود از جانب سنی اجواب حسروانی با یکرشته رسته طلا و نقره
 ریخته و دهنه نقره با جمل زرین بجناب مغزی الیه حضرت شد (در این اوقات امیر رسد مبارک که دارالفنون از انجا
 اولیای دولت علیه حسن اوقات نواب استطاب هرزه دالاتبار اعضاء و اهل طایفه علیقلی میرزا کمال نظام دار و جمیع
 مدرسه از صبح تا حوالی غروب مشغول تعلیم و تعلم و تجمل عمل خود گشته سجدت سجدت سجدت سجدت سجدت سجدت سجدت
 و آداب مذہب نیز عاری نمانند هر روزه عالیجناب قدسی خطاب شیخ صالح امام مدرسه که بزور فضل و صلاح است
 مشغول تدریس علوم ادبیه و مسائل شرعی است و هر روزه وقت ادای صلوة ظهر و عصر نماز را اقد العالیجناب مشایخ
 میکنند و هر یک ساله از جناب قدسی خطاب فرید العصر و حیدالد هر قهر الجندین شیخ الشیخ العظام

۲۴۵۱

شیخ مرتضی دام الله ایام افادته و متع الله لیلین بطول بقائه با خود دارند که در اخذ مسائل و آداب به
هم کمال مواظبت و اهتمام دارند و ایشان تقدیس از آنکه در عمل خود کامل شده اند در سرفرازی یافتند
بر یک عالم مبانی شرع و آداب دین و قوانین مذہب نیز خوانند بود (بعد از وقوع قصه وفات حرم
میرزا عبد الرحیم قاضی نظر برای یک منصب قضای در خانواده و سلسله ایشان چیده برد و ام بود و آبا عن جد
از سوا خوانان خاص دولت ابد مدت علیه بوده اند مستند لهذا بقضای رای مالک آرای اقدس تاجون
سرکار علیحضرت شاهنشاهی خلد الله سلطانه و صوابید اولیای دولت ابد مدت علیه منصب
جلیل قضای و در سلطنت تیریز از فرامان اقدس تاجون بجناب فضایل نصیب لاله القضا العظام
نتیجه الفضلاء الفقیه میرزا مهدی برادر کوچکتر حرم رالیه مفوض و یکتوب چبه ترمه کرمانی بشرف
جناب معزی الیه مقرر گردید و احکام متعده در سفارش امور و مراقبت احوال ایشان از جانب
اولیای دولت علیه بنوای مستطاب بفراده و الالباب رکن الدوله صاحب اختیار و مقرب الحاقان
فدوی دولت ابد مدت ام وزیر نظام و پیشکار مملکت آذربایجان مرقوم و صادر گردید و از جانب
اقدس تاجون سرکار علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی و از طرف فرین الشرف جناب شرف امجد
ارفع صدر عظیم محترم لوازم التفات و تققد و مرسم رانند و بهائی در حق جناب فضایل با قاضی
میرزا ماشم که این عاونه بایشان وارد و بصیبت چنان فرزند جوان و کامل و فضل گرفتار شده بود
مبذول آمد و از زمین توجهات خاطر تاجون و مراقبتهای اولیای دولت روز افزون امید واری تمام
حاصل است که جناب میرزا مهدی قاضی از رفیقان و کدشنگان آن سلسله جانشین و عوض باشد
(عالیجاه محبت و عزت سر راه میرزا عبد الوهاب خان شیرازی چون در تخصیص انواع کمالات و
علوم کوشیده و از هر یک بهره کامل یافته و بزویق ام نمره آراسته است و علاوه بر اینها باوصاف
و صداقت و مدت ذهن و ذکا القاف دارد و استعدادی که از عالیجاه مشا را به مشا شده
لائق و در خور بود که اولیای دولت علیه نظر توجه بر تربیت او گذارند لهذا او را در دیوان وزارت امور
خارج و داخل خدمت فرموده و موجب در وجهش برقرار داشتند و از جانب سنی اجواب اقدس تاجون
علیحضرت شاهنشاهی خلد الله سلطانه با عطا یکتوب چبه ترمه کرمانی سرفراز شد و جناب وزیر
خارج عالیجاه مشا رالیه را بحضور اقدس تاجون برده بشرف خاکبوس علی شرف و مورد توجه
و التفات خاطر اقدس تاجون گردید و جناب معزی الیه از مراتب کمالات و استعداد و صداقت
و تقصیر معنی و رض خاکی بایشان داشت باعث مزید التفات آمد و مقرر گردید که همیشه مواظب خدمت باشد

۲۴۵۲

تأیید اله تعالی سدرجا تبریقات کثیره نایل کرد (نظر بر اقبال وقت و بشکی عالیجا عزت و
سعادت سر راه میرزا غلامحسین قند هاری در این اوقات اولیای دولت علیه موجب فرمان مهر لعل
سارک اور انصب تنفای نواب مستطاب شرف رفیع والا شاهزاده عظیم و لمیهد دولت جاوید
سرافراز و یکثوب چه ترمه کرمانی در حق او خلف حجت گردید **فارس** از قراریکه در روز
فارس نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مویده الله ولی
انظام کامل است و کارگذاران امور دیوانی حسب الامور نواب مغزنی ابله بر یک در انجام خدمت
و مهمات مروجه بنحو مشغول و در نظم ولایت و الضبهاط امور نوگردد رعیت آثار کار دانی و کفایت
بظهور میسرانند و بجهت بارند کبهای متوالی کمال فراوانی در انولایت حاصل است و هرگاه
انبار کرده بود بیرون آورده بفروش میسرانند و نرخ غله در تمامی ولایت فارس نازل گلی کرد
عموم خلق خصوصاً فقرا و صغفا از این جمله کمال سکر گذاری را دارند و اهل زراعت و صاحبان اموال با
نهایت خوشوقتی با مورر رعیت پرداخته نقضی در کار زراعت باقی نماند و سجد الشکر چگونگی ناخوشی در
ولایت ظهور و بروز دارد و در بند رعیت با نیر ناخوشی که بوده بکلی رفع گردیده است) (دیگر از قراریکه
از بندر بوشهر نوشته بودند عالیجاه مجد مشهور مقتدای الخاقان احمد خان در باب یکی و حاکم بندر
بوشهر و دشتی و دشتان و مضافات در معرکه کرانی خود با کمال استقلال مشغول نظم ولایت انجام
خدمت و مهمات دیوانی میباشد و عموم اهل انولایت از تجارت و کسبه و رعیت نهایت رضایندگی
از حسن سلوک و معقولیت و سرپرستی مقتدای الخاقان شاهزاده و سر باماز و توپچی مرفق
بندر مزبور هر روزه سوای ایام تعطیل مشغول مشق میباشند و از جانب صاحب منصبان نهایت محبت
و اهتمام در مشق و انظام امر آنها میشود) (دیگر از بندر عباس نوشته اند که بعد از رفع ناخوشی
از آنجا سکنه و اهالی که فرار کرده بودند معاودت با ماکن و اوطان خود نمودند مشغول کسب و تجارت
و داد و ستد خود گردیدند و جهازات زیاد اشیا و متاع تجاری حمل و نقل میسازند و مکار با
سبب عبور و مرور می نمایند و نهایت انظام در امور انولایت حاصل و طرق و شوارع با نهایت
انفیت است عابرین و مترودین با اطمینان خاطر آمد و رفت می نمایند) (دیگر از صفحی حاجت
جویم بد شهر و خج افروز و قیر و کارزین و دار ایچ و نیریز ابوابی مقتدای الخاقان میرزا نعیم کز
نوشته اند که امور ان صفحات و در نهایت انظام است و عالیجاه میرزا علی محمد خان که مأمور نظم امور
آن صفت و اخذ مالیات آنجا بود امور انولایات را نظم کامل داده و در دیوانی را بجهت وصول رسیده

۲۴۵۲

اخبار دول خارج که از روزنامه‌های خارج ترجمه شده و نوشته می‌شود
 در روزنامه المانی نوشته اند که حادثه در شکستن تجار و صرافان مالک اسوج نیز سرایت کرد
 و باین جهت با بجهت تجارت در وقت ادای قروض مقتدر شده اند که دیون خود را او ایما
 باین ملاحظه صنایع بیره نیز در داد و ستد و معاملاتشان اختلال بهم رسیده است بجهت فرسخ
 این خسارت در این اوقات از جانب دولت اسوج فرار داده شده است که شش کرد
 ما مالی استجا وجه نقد اعطای نمایند و همچنین در روزنامه دینه نیز نوشته اند که این گذارش نامی
 تجار و صرافان بینه نیز سرایت کرده و اکثر تجار بوجه افلاس دچار شده اند و با بجهت حساب
 کارخانه‌های دینه ایشیای معموله خود را با صنایع بوجه فروخته و بجهت این گذارش نامی
 در مورد بطلوب خود مقتدر شده اند و تمامی صاحبان کارخانه‌جات در بکارخانه‌های خود
 بسته و کارهای خود را تعطیل انداخته اند و جنبی عمل که در آن کارخانه‌ها کار میکردند حال
 بیکار و بجهت تحصیل اقوات بومیه خود معطل مانده اند بنا علی هذا دولت استریه نیز مانند دولت
 اسوج کان بست که بعضی امور اصلاحیه این فقره اقدام نماید که رفع پریشانی و عسرت عیالت
 و صاحبان کارخانه‌ها بشود و نیز از روزنامه دینه نوشته اند که چنانچه در سایر محال
 یک آدم که اظهار افلاس نماید اسم او از جانب حکومت ضبط و تخریب شده بخلق اعلا
 میگرد که از افلاس او خبردار بشوند در وینه از این اشخاص آنچه تا بحال ثبت دفتر حکومت
 کرده اند و آنها بصد و پنجاه و هفت نفر رسیده است (دیگر در روزنامه پاریس
 نوشته اند که در پاریس بجهت طول ایام شمار و زده کوتاه می‌شود و مردم سخن اینیه و عمارات را متوقف
 میدادند و در تابستان بکار ساختن عمارات می‌پردازند باین جهت بسیاری از فقره که گذشتن
 از مزدوری می‌شود و در زمستان بیکار مانده گرفتار عسرت و اضطرار میگردند محض رفع پریشانی
 این اشخاص که در زمستان بی‌گذران نباشند از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانس یک
 میان فرانس اعطای شده است که در تعمیر بعضی عمارات دیوانی و تسویه بعضی راهها صرف کرد
 این اشخاص را در استجا بکار عمده کی بدارند (هم در روزنامه رسمی پاریس نوشته اند که چون بزبان لغت
 در زمی و لطف از سایر کور که از زمانه دار و خند بحد دولت انگلیس سابقا ازین بزرگانه فقره خبریده و در پس
 تربیت کردند دولت فرانس نیز در این اوقات از آن بزرگانه فقره و بجهت مناسب از فرانس آورده اند و خند
 هم برسم بجهت قرال و در تبرع فرستاده اند

۲۴۵۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم خرداد ماه سنه ۱۲۷۴

نمره سیصد و هشتاد و شش

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات
بر هر خط



هر نسخه و پنجاه

اخبار واحساند ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه غزینت تفریح و شکار صفحات کن و سوهفتاد
فرموده در روز چهارشنبه که شنبه است حسب الامر الاقدس خیام و سمر ابرده و پیشخانه جایون بد نظر
روانه گردیده و روز پنجشنبه الیوم یکم صبح موکب فیروزی کوکب جایون در حرکت آمده جناب
اشرف امجد رفیع صدر اعظم فخرم و بقدر لزوم از خواص مقربان ویر خدم و حشم مقرر گانصر انسانی بود
چند روزی در اینجا تفریح و شکار مستولی خواهند فرمود (مقرب الخاقان دادخان سرتیپ مرتبه اول دولت علیه
از جانب نسی ایجاب اقدس مواکاز برای تهنیت منصف خانبختی تضاکنیاز با مسکنی تاجین جدید ملک فقاریه و اطلاع نسی
ایون و فرمان ع مبارک تفریق شده و مدت موجود خود را بطور نسی انجام داده از جهت بدبار معدلت مدایون کرده بود روز
۲۱ شهریاری الشانیه دارد در الخلافه بعدی که در منزل جناب منصف از بردول خارج فرود آمد و لازمه احترام و استقبال و غیره از دور
موراجه در حق مقرب الخاقان امیرالاعلی و درین روز روزی که جناب اشرف امجد رفیع صدر اعظم دام محده العالی سیده در و در بعد از
خود با اتفاق وزیر دول خارج تفریق حضور مراسم ظهور کاشیده و عریضه خانبختی را مدو من یکا عیاشیه و کاشیده و استه مشمول
عاطف پادشاهی گردید) چون عالیجناب مقرب الخضره اعلیه میرزا عبد الله مستوفی و ناظم کرک جرس امرا و بیای دولت علیه نامور
وروانه نولات گردید لهذا نظر بیکی عالیجاه میرزا سید رضی سخن سرشته واری کرک خانهای مالک محروسه
با و مفوض بود بیانت عالیجاه میرزا عبد الله نیز موجب فرمان در لعلان مبارک با و محول گردید که هر جواز دولتی را کجا
در عیاب او مشغول انجام لازم این خدمت باشد و مبلغ یکصد تومان هم بر مواجبتی او علاوه فرمودند که با
کمال اسید واری با انجام خدمات محوله بخود پردازد

۲۴۵۵

آذربایجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند امور آن ولایت از حسن اهتمامات دایه و مراقبات
 کافیه نواب مستطاب شاهزاده والا بنار رکن الدوله بعینه صاحب شهباز و مقرب الخاقان مؤمن است
 وزیر نظام مکار کل مملکت آذربایجان قریب نظام است و اما بی در عابا می دار استلطنه تبریز در کمال
 اعینت و آسایش مزید دعا کوئی ذات احدس سرکار عیضت شاهنشاهی خدا الله ملکه و سلطنته
 اشغال اند و نواب مغز می لیه هر روز در دیوانخانه مبارکه می نشینند و بعضی مطالب ایامی
 مملکت آذربایجان بدقت و اهتمام تمام غوررسی بنمایند و هم چنین مؤمن استلطان وزیر نظام
 هر روز از اول روز الی غروب در اطاق نظام نشسته با مورات نظامی خدمات دیوانی و مهمات
 دلایلی از روی دقت اهتمام و ایفای رسیده که غوررسی بنماید (این اوقات که از دست سرباز
 رنسان بسیار بی فواید و مفع العیوب بود فافله و کاروان نرود و منسکر و از اهتمام
 دایه نواب شاهزاده و مؤمن استلطان وزیر نظام همه چیز و فرودارد از جمله کدم و نان و گوشت
 و برنج و سایر نکولات بسیار و ارزان است و مردم از همه جنبه آسوده و مزه احوال پیا شدند
 مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان در پهمام خارجه هر روز در بستانخانه می آید و الی غروب مشغول خدمات
 و مهمات خارجه باشد و سعی اهتمام تمام در انجام خدمات محوله بخود دارد (و همچنین مقرب الخاقان
 میرزا مصطفی فیض پیشکار معاملات محاسب حساب ایالت دیوان اعلا و وصول بقایای ایالت ولایت
 آذربایجان است و همچو قتی از اوقات از خدمات دیوان عفت ندارد و مراقبت تمام بعمل می آورد
 دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان مؤمن استلطان وزیر نظام در این اوقات مقرب الخاقان حسن خان
 میرنجه برابر ای وصول بقایای قزاقه داغ نامور کرده است که سحظه وصول ایصال برسانند
 عالیجاه میرزا عبد الله مستوفی که از دربار معدلت مدارم محض شده بود روز یکشنبه پانزدهم ماه
 جمادی الثانی وارد دار استلطنه تبریز شد (عالیجاه میرزا مسعود نایب عالیجاه میرزا نصیر که خدا شاهی
 در گردش شب دو چار و نفر شرابی کشته خواسته بود آنها را دستگیر نماید آنها پناه پناه عالی نموده و نفر
 فرار کرده بیک نفر دیگر را دستگیر نموده مراتب اخذت مؤمن استلطان وزیر نظام عرض کرده مقرب
 الخاقان مشارالیه آن بیک نفر را بخص نواب رکن الدوله رسانده موافق عدالت شیع و تاؤب فرمود
 بعد از آمدن مقرب الخاقان محمد خان میرنجه از اردوبه حسب حکم مؤمن استلطان وزیر نظام در طرف
 نظام می نشیند و بحساب چهره و موجب سربازان و توپچیان در کمال دقت رسیدگی بنمایند و در می از
 چهره سربازان نوح امرتیه افراط و تفریط شده بود مقرب الخاقان مشارالیه مشرفه اجدان و جنسها

۲۴۵۶

فوج زبور را خواسته معلوم نمود که در پیش که باقی مانده است کوفه در اطاق نظام سبر بازان داد
 و حال رفت و نظرم را در امور افواج دارد (و نیز مقرّب انجان خان مشا را بیه بعد از مرّحبت از اردو
 حب الحکم مؤمن است سلطان وزیر نظام در اطاق نظام سان فوجیان حاضر می آید و موجب حیره آنها را
 موافق فاعده رسید که نمود (و بگو نوشته اند که عالجه میرزا نصیر که خدا باستی مبارک که خدایان بر شب
 در محله خودشان حب الحکم کردش میکنند و کشیکی شان بسیار مضبوط است و عالجه نوروز خان بر شب و دست
 محله کردش میکند و مقرّب انجان خان علیخان بیکر یک دار است لطنه نیز بر شب سرکشی محلات شهر میکند
 احمد الله سرف و شاد است بیس قتم نیست

خراسان از فرار که در روزنامه خراسان نوشته اند خلعت مهر طلعت هائون که از جانب شیخ
 موکانه با فخر مقرّب انجان خان قوام الدوله بشکار مملکت خراسان رحمت و مصوب چاراقا شده بود و با
 بر فو وصول افکنده مقرّب انجان خان مشا را بیه بصورت آگاهی طرف که دو فرسخی ارض اقدس است با اعیان
 و ایالت ولایت و عمده چاکران دیوانی با استقبال شناسه لوازم توقیر و احترام خلعت مهر طلعت هائون را
 بعمل آورده و معاودت با رض اقدس کرده در نالار بزرگ دیوانی زیب و دوش افشار و عیار خود نموده
 تمامی عاظم و عیان و چاکران دیوانی در آنجا حاضر شده صرف شربت و شیرینی و ادای مبارک نموده و
 محض احترام خلعت هائون مقرّب انجان خان میرزا محمد حسین متولی با شی سرکار فیض آمار با خدام دومی الاحرام
 حاضر کرده ادای نینت مبارک و نموده و توقیر و احترام خلعت هائون را بطور شایسته بعمل آورده
 مقرّب انجان خان میرزا محمد حسین متولی با شی سرکار فیض آمار در امورات استانه مقدّمه نهایت اهتمام
 و مساعی جسد را بعمل می آورد و فرار و نظمی تازه که موجب دلن آسمان امام بهام علیه السلام است و او
 ای زباید خوش آیند است هزار کثیر الانوار خواهد بود صلت بر دمی که از بزرگ مشایخ اصحاب جلیل القدر است
 بر حسب امر ادبای دولت جاوید عدت فایره عمارتی مرغوب و صحن دور کنند بنا نهاده اند که به نام رسیده محل
 عبور و ورود عموم مردم است و قلعه نیز در جنب آنجا نباشد چند جا نوار هم اینجا جا داد است و از آب و دو خاطر
 پنج رنج آب ارصی آن جاری کرده و آنجا از زراعت نموده جای با صفا و بجا کن و هوای خوبی خواهد شد
 و بگر از فرار که تعبیر اجناس ارض اقدس نوشته اند که م اعلی خرداری سه تومان و گندم پست هزار
 خرداری دو تومان و هشت هزار و جو خرداری دو تومان و گاه خرداری هشت هزار و برنج غبر و بکن
 بکیال و برنج رسمی بکن هزار دینار و همی خرداری هشت هزار و گوشت بکن هزار دینار و قنداری
 بکن بک تومان و قنداری بکن هشت هزار دینار و شمع بکن دو ربال و سایر جنس هم باین نظرها مست

۲۴۵۷

دیگر نوشته اند شخصی بطین مهر جناب امام جمعه مهربی ساحتش بوده و تحت فلان مبلغ سخاوه باسم شخص دیگر
برای خود ساخته بعد از آن شخص ادعای طلب نموده در آن مخصوص سازه کرده و برافه خدمت امام جمعه فرستاد
نظر بانیکه جناب امام جمعه در امورات مرافعه جات زیاد وقت مینمایند بر حجتی و بر قبایله را قبل از مهر
نمودن بجز رزقش بیکدازند بعد مهر مینمایند آن شخص تحت جعلی خود را بدست امام جمعه که میدهد
همینکه ملاحظه مینماید میبذارد آن نشان خط مرز را ندارد امام جمعه با مهر خود مقابل مینماید میبندد
در خود فات معاوت کلی دارد مشخص میشود که این حجت ساحت کی است آن شخص امام جمعه حکم
تقدیر شرعی میکنند پس از بیست و سه مان مهر ساحت کی را گرفته سانسند که دیگران متنبه شوند در
امورات شرع مطاع عمل خلاف واقع نموده (دیگر نوشته اند حاجی حسن نامی بود در ویش
در طاهر کبکس فروروشیده ولی مثل دیشیه او اکثر اوقات سرفتن نمودن اموال مردم بود چند مرتبه که
اموال مردم اسرفت نمود و دروغه اطلاع بهم میرسانند اموال مردم را استرداد میکرد چون در کبکس فروروشید
او را نوبه میدادند و مرخص میشد تا اینکه در این اوقات بارشبی میبود قدری اسباب از منزل شخصی سرفتن
بردهشته که بر دورین راه للاحسن نامی هراتی از جمله علمه میرتب که شهارا گرفته میرفته از فضا آن شب
در آن مرکز عبور مینماید حاجی حسن هم اسباب سرفتن برده را همراه خود داشته بیکدیگر میرساند چنانکه للاحسن
را دیده خوف مینماید بزخم کار دل للاحسن را بهلاکت میرساند سایر کزنده با جبردار شده او را پهای شخت دروغ
میسرند چون صبح میشود اینجکایت را بمقرب انخافان قوام الدوله میرساند مقرب انخافان
معرفی آیه در صد و تحقیق صدق کذب این طره برآمده معلوم میکرد که سرفتن قتل نفس او بیان
واقع است لهذا قدغن نمود که او را آورده در پای تخت در لرحم که محل عبور و مرور عامه است قصاص
نموده بسزای خود رساندند) (دیگر نوشته اند دو قبضه شمشیر از عا لپناه پشه الامراء اعظام
شاه دوله خان افغان سرفتن میسر دو آدمهای شارالیه بفقیره را بمقرب انخافان قوام الدوله
گهشنه مقرب انخافان معرفی آیه در صد و تحقیق این امر برآمده بداد غوغا ارض اقدس قدغن
بلغ نمود بعد از آن شخص معلوم شد که ملک سلطان نام دیکت نفر دیگر سرباز فوج فودین
دو قبضه شمشیر را برده اند فرساده آنها را آوردند و باشی رمضان نائب رئیس خان
خود را محصل نموده که حتما شمشیر را با فضام طلا آلات گرفته بیچاره شارالیه تسلیم نمود (شخصی تویلیان
قوام الدوله عرض کرد که مراد عرض راه از منزل سرفتن آباد آتشهد تحت نمودند و هانکسایک مرا تحت نموده است
سرفتن انخافان شارالیه فرساده آنها را آوردند که یک نفر تویلیان دو نفر چاود و شخص مشهور که شخص تویلیان که دست او را شسته سرفتن نمود

۲۴۵۸

فارس از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از حسن استقامت او بسای دولت
 علیه و مراقبت نواب شرف الامتیدالدوله حکمران مملکت فارس در نهایت نظام است و بانمود
 رعایا و براباد انجام خدمات دیوان کمال رسیدگی مینمایند و اما آن ولایت در نهایت آسوده و کی
 بدعا کوفی ذات اقدس هائون شاهنشاهی اشتغال دارند و مکر نوشته اند که در اواخر جهادی لاول
 در راه زد و کشت چنان برنی بارید و سرمانی شد که خلق از خانه و مرغ از شبانه مجال حرکت
 نداشتند در پاره جاها فریب بر نیم ذرع و در پاره اکثرا نصف در نیم ذرع نشسته بنهال مرکبات صد
 زباد زده و لیکن آب چشمه سارها و کار بزه ها همه بایه گرفت و کشت مایه سبزی بافت
 و مکر نوشته اند در این اوقات عمده الامراء اعظام معترب انجان بنیاع الملک سردار عا که منصوره
 جدید طبع در انجام خدمات محوله بخود دارند و استر ارا صبح و عصر در دو اتخانه نظام نشسته بانور یکتیه و جزینه
 نظام و نورخانه و غیره رسیدگی دارند خاصه در باب اخذ سرمانه که با وجود پیش فی عموم مردم عالی انکال
 نیست چنان بفرزانی و بر داری بنای این کار را گذشته اند که هر کس سرمانه خود را بخوشی و خوبی داده
 و میدهد و در تقسیم سرمانه هم احدی را بر تقسیم خود ترجیح نداده اند و عا فریب نامانمی فوج از
 جوانان کار آمد معتبر تمام خواهند

۲۴۵۹

دیگر نوشته اند در این ایام شب سخام ما دبا فی از خانه عالیشان میرزا محمد حسین باجو ابو شهری
 سرفتن کرده بودند و مشا را به هر چه نفیض نموده اثری از دزد و ما دبا فی نیافت از اتفاقات حسنه
 خود و ز در سر انصاف آمده بعد از چند شب نیمه شبی دبا فی را آورده بدرب خانیش را بست
 و از پی کار خود رفت دیگر نوشته اند فاطران معترب انجان عمده الامراء اعظام شجاع الملک
 در مرتبت از دایه با و یزد باری از بخار و دهشته بک فاطر از آن جمله که بارش مبلغ کلی ریال بوده
 و بر دو مترلی شیر از معفو شده بود و بعد از یکروز بدلات شخصی پیدا شده و اما ش بخت ر
 نند احمد بدون عیب و نقص بصاحبش رسید

دیگر نوشته اند از سواره نظام جمعی معترب انجان سلیمان خان میرنجانی عالی فریب چهار صد نفر و اردو برآ
 شده و بقیه در بهمان در نزد معترب الیه بر سر خدمت اند و قرار سرکار فواضلا بمویدالدود بر این است
 که با نصف نفر از سر باز فوج قشائی که از اوضاع بهمان بلدیت دارند نامر رسا خا آنجا بفرستند
 معترب انجان سبزیخ را احضار نمایند

خمس از قرار که در روزنامه غمه نوشته اند امور آذربایجان استقامت ادبای دولت عتبه و فرست
مقرب انخان چرخ غمسی خان حکم غمه در نهایت اشقام است و با مؤرر عابا و برابا و نجسام خدمت
دیوان کمال رسیدگی نماید و ایلی آذربایجان در نهایت آسودگی بدعا کوفی ذات اقدس مبارک
ش اینها هم اشغال دارند و دیگر نوشته اند که مقرب انخان مشارالیه وقت طلوع آفتاب از اندرون
پردن آمده دید یکفر ضعیفه پیر شکسته و باران خورده با نهایت ضعف و شایسته با یکفر نرد در میان
عمارت دیوانخانه استاده اند از آن ضعیفه پرسیدند از کی می آیند و کجای هستند و چه مطلب دارید
ضعیفه عرض کرد این مرد پس من است از اهل بیرونان هستیم آیدیم بار دیشل از آنجا بعزم زیارت عتبه
از یکفر مکاری از نگاریان هدایای دورش مال الیه بدان گرا به کرده دیروز دست ساحت بغروب
آفتاب نده در سپردن شهر نجان در کار و نهسرالی منزل کردیم شب الی صبح برف باران بارید
بکاری انماس کرده و لکشم بره زن هستیم طاقت ندارم فردا در اینجا بان خرج خودت هالت را بیدیم
قبول بخزه نزد بکت صبح بار کرده ازین شهر پردن ریشتم در بنم فرسخی مرا و پس بر ابرض چاق از مال
اندخت هر چه خورد در بزدل شستم با نضام ده عدد امپر بال که خرجی داشتم بر دپرم مراب و دش خود کرده
افغان و غیران آمده داد خود را بشمار رساندیم مقرب انخان مشارالیه خانه سا کردید اما تورا نمود که این
ضعیفه را بر نجان چاقی گرم و غذای خوب ببند قوت گیرد که بسیار ز حال شده است در همان عتبه
و نفر از علما مان سوار کرده فرستاد و علما مان رفته در فریه بولاجی در نخونخی شهر که در سر راه بودند
سکار بر اگر فر بر نجان آوردند اول کار بر افش کرد بعد از آن ده عدد امپر بال خوبی آنها با سار خورد بر نجان
سفر که داشتم نام و کمال گرفته رو کردند از مکاری یک دو دش مال گرا به کرده روانه ساحه

در باب مال سر و نه مشدی با جو سپهر حاجی علی خونی حکم حکم از ادبای دیوان عدالت بنان صادر شده بود
صاحب بیمار و لایست سارقین را جستجو کرده مشخص نمود که سارقین مال مشدی با جو مشدی جمیع فرجهی از
ایلی ابرسران جدر و جاطه نامان کاگاند جمعی از سارطوایف کاگاند و ماننی سهند که با کوچ و بنه
رفته در فریه کتله حصا کله فرامرزخان و در فریه کاگایس کله محمد بکت نام ساکن شده اند عا نچاه صفر علیان
خدمت بدو را مامور کرد مشارالیه رفته مال سر و نه ^{مشدی} اهل قصبه ابر و مشدی جمیع را بعینه گرفته رد کرد و خواست
سارقین را بهم گرفته پاورد فرامرزخان محمد بکت منع شده نداند چون مشدی نام کاگاند فریق دزد های مزبور
و سکر است از جمله دزد های نامی الان در حبس است بکرات در میان جمعی در حضور مشدی با جو اوار کرده است بر کله
است و دو نفر سواره هستیم در کتله حصا و کاگایس که از اینجا بغرا بلاع که تا ابرو و دشش فرسخ باشد سوار شده

۲۴۶۰

آمدیم در آن صفحات مال مردم را میپریدم از جمله مال شهدای و پسر حاجی علی بود و بعضی از سهامی سارقتین مذکور بود پس از آنکه بر دزدان پسران جید و جاهل و سایرین بتوهم یک مبادا کیفیت را بعضی ادبای دولت دیوان عدالت بنیسان برسانند کج بنه خودشانرا از زمین منور زمین برده داشته رفته در قریه مالوچه من قراء اسفند آباد کردستان ساکن شده اند

در باب سنگت معاطه ولایت بنم نزع برآزی کوبا در خفا مغرب انکا فان چرخ غسلی خان رسایند ه بودند که که نقلت میکنند با اینکه خود نیز چیزی فهمیده بوده است یک روز شناسا دیوار طست نغز از غیر و صغیر از شهر زنجان جمع کردند بمارت دیوانخانه زنجان آوردند هر یک یک هزار دینار پول داده هر یک را یک تان جازمی و شناساده یکین دو من نان گرفته بدیوانخانه آوردند و بعضی را هم رساند در دکانهای نقالی میان بازار و سرکه چهار هر یکی چیزی گرفته بدیوانخانه آوردند در اوقات حکومت صفهان یکی از قرائن صفهان گرفت و موجود بوده است سنگت همه اصناف را با آن سنگت موازنه کرد و سنگت هر یکی که درست بود او را نوارش کرده و دهقات نموده روانه نمود آنانکه از نصف جاز و نقال علف جزه سنگتان کسر آمد آنها را پسته کرده و دشان پنجاه دینار خدما نه گرفته نیز انرا می از آنها گرفت که اگر من بعد را یکمقال از سنگت فروش کسرا بناید با اینکه سنگتی که از مردم چیز میخرند زیاد باشد مسلط بخوبان بدیوان اعلی دادنی باشند و همچنین در باب معاطه برآزی بنم نزع درستی کار است و بضر نام ژوینی را گرفته با بنم نزع برآزان و کربس نغوشان بر آورد نموده بنم نزع هر کسی که کسر شد مورد محبت نوارش شدند و الامور دشته کشته از آنها نیز انرا هم گرفتند که اگر در وقت جنس خرمین بنزع بریز وقت فردن بنزع سایر ولایت بفرستند هر یک بخوبان بدیوان اعلی دادنی باشند خرید و فروش ساد می باشد و در قیمت هم بی انصافی نمایند و در انخصوص همه عینسیا و قرا و ساکنین ساکنین ولایت خسته عموماً با عا کونی دولت قویوکت قاهره شغال داشته و میدارند دیگر نوشته اند هوای خسته شدنی سرد است که مردمان شصت و هفتاد ساله خسته و طارم میگویند در وقت عمر خودمان ای ولایت را با این طرفین ندیده بودیم از فراری که از اطراف جوانب جزیره بر روز در گذرند و سایر عرض راه از هر طرف و در نغز نغز از شدت سرما و کولکت از بسیاری برف باران تلف میشوند و آب سفید رود مشهور بغزل اوزن آنچنان طبعان کرد که عبور مردم با لزه مسدود شده بود و بعد از آن بطوری بیخ کرد که هب فاطر باردار میگذاشت و بیخ نمی سنگت مگر کجوتی نگشته بود و نغز آدم دست چهار رهنس فاطر باردار بر پنج رفته آب برده بود

۲۴۶۱

اجبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده و نوشته شود
از قراریکه در روزنامه بر دسته بکرات نوشته بودند اعلیحضرت قوال پروردگار بجهت اینکه برخاستن
عیلی بود در ضمن تبدیل آب به نواب پرنس و بعد خود را موقوفه نامت سه ماه بجا
خود بقایم مقامی نصب نموده بودند در این اوقات بموجب روزنامه‌های برلین پامی تحت
پرستیه چون سن قوال پروردگار بسیار است و کمال ضعف مزاج او غلبه دارد لهذا بعد
این زمان حکومت دولت پرستیه صالته نواب پرنس محول خواهد بود

بجوب روزنامه‌های ناپولی در سیم شهر جمادی الاقل در ناپولی خصوصاً در امانت اسپلیعانه
که در جهت جنوبی ناپولی واقع است در شهرهای صالرنه و قوزنسه و قرامی آنجا زلزله شد بدین
واقع شده و اهالی آنجا از کمال خوف و حشمت بعضی کشتیها فرار کرده و بعضی پابانی شده اند
و جنسی خرابی باجه و عمارات آنجا رسیده است و بقدرت و تخریب آن کس تلف شده اند و
بعضی نیز که سلامت مانده اند جا و منزل گذران ندارند بجهت تدارک خسارت آنها از جانب
دولت ناپولی چادرها ارسال شده و جمعی عمده بجهت ساختن بنا اجرا کرده است و آذوقه بجهت آنها
و ستاده است از قراریکه نوشته اند از بهشت سال قبل از این تا کنون اینطور زلزله در ایالت
و قوع یافته بود دیگر نوشته اند که در بین این زلزله در دولت پوریکه نیز متعاقباً چند زلزله
اتفاق افتاده است بطوریکه در آنجا نیز مدهتهاست که اینطور زلزله وقوع یافته بود
از قراریکه در روزنامه جریده اسواوت سلامت بمول از روزنامه لندن نقل نموده اند از جمله
سه کردگان باغیان همدانته صاحب نام که با انگلیسهای آنجا با انواع فصاحت مختار کرده
و عساکر انگلیس را که در فاق و ون پور که بکنا و مشهور است بودند با عجال آنها با انواع بی رحمی
بقتل رسانده و این حرکات متشیق او بواسطه روزنامه‌ها در کل فرنگستان مشهور گردیده در
این اوقات صورت او را در لندن کشیده و چاپ کرده اند و هر عددی سه هزار دینار
بفروش رسانده و شجواه آنرا در حق عساکر و سپه که در فرم در احوال سابقه زخمی شده اند اعطا
نموده اند (دیگر نوشته اند که بجهت زیاد کردن راه آهن در مملکت اسوچ در این اوقات از دولت
مزبور نامورین بلژن و پاریس ارسال شده است که تحقیق نماید که آلات ساختن راه آهن
کدام بکند از دولسین برنج بودیکری است که با آن آلات شروع بساختن راه آهن نمایند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچم بیستم ترم المرحوم مطا سید علی سلطان پهلوی

نمره سیصد و شصت و نه

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
هر سطر ده شاهی



قیمت روزنامه
هر نسخه ده شاهی

اخبار و حمله مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

سرکار عالی حضرت آقدس ایلیون شاهنشاهی ابد العیث و اید العیش چنانچه در روزنامه منقده گذشته
 مسطور گردید در کن و سولقان تشریف دارند و هوا مانیر بسیار خوب و با اعتدال است و روز ما را
 سوار شده در شکارگاههای آن اطراف تفریح و شکار مشغول میگردند و بر وجود فانی وجود آقدس ایلیون
 بسیار خوش گذسته و جناب اشرف امجد ارفع محشم صدر اعظم و مقربان حضرت سایر خدم و حشم که
 مقربم کاتب سرداری انساب است بسیار خوشوقت میباشند و از فرزند کورموک ایلیون بجهت عید مولود حاج
 امیرالمومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام محاورت بدار الخلافه الباهره و مقرب سلطنت عظمی خوانند فرمودند
 هوای دارالخلافه طهران در کمال خوبی و اعتدال است و درین چند روزه دوسه دفعه برف خوب آمده
 ولی چون صولت برودت هوا سگسته است در جگه صحرا و امی نمود و باران غالب روز ما می آید
 و هر وقت هم که بارندگی نمی شود هوا باز تر شرج جزوی دارد و بجهت مراقبت نواب مستطاب اشرف و
 محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه طهران و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر و سران و صاحب منصبان نظام
 و سایر چاکران دیوانی نهایت اظمت در دارالخلافه طهران حاصل است (چون هر ساله کام غریب محتاج
 بطواف بیت الله الحرام عالیجناب خیر الحاج حاج میرزا بهاء الدین چاوشی بازاری آمده مردم را زیاده
 بیت الله الحرام اخبار و اعلام نماید در این اوقات نیز بقانون مقرر هر ساله عالیجناب اشرف را به محل و کجا
 و زینت و آرایش بطور خاص که باعث ازدیاد شوق حاج بود داده بازارها و محلات برآمد مردم را زیاده
 مکه معظمه اجبار نمود که از راه بیریز از رسته الزوم عازم زیارت باشند و درین چند روز محتاج از دارالخلافه
 حرکت نمایند

۲۴۶۳

در این اوقات از جانب مأمورین دولت علییه که در ولایات خارجیه عریض و مستحیات سیده
 کیفیت فوت رشید مصطفی پاشا صدر عظیم دولت علییه عثمانیه را نوشته بودند نظر بر اینکه مرحوم نور
 در مکارم اخلاق و محامد اوصاف سجد کمال و در هر حال خیر خواه دین و دولت بود از ایای دولت علییه
 کمال حزن و تاسف از فوت آن مرحوم حاصل آمد و در روزنامه جریده اتحادیه منطبقه اسلامبول
 کیفیت حالات او را بتفصیل نوشته اند از ترجمه آن درین روزنامه اختصاراً نوشته میشود مرحوم
 مشارالیه از صلب مرحوم مصطفی افندی روزنامه چی جنت مکان غازی سلطان پایزید خان و در شهر شوال
 ۱۲۱۴^{هـ} پالعه وجود نهاد در عنقوان شبایش با مرحوم علی پاشا صدر عظیم سابق که قرابت قریبه داشت
 بعضی ایالات را کردش نموده و بعد از آن در مقدمه یونان که علی پاشا عسکر بود مشارالیه منصب
 در سبت او بود بعد از معاودت اسلامبول در دفتر مکاتب صدارت مأمور گردید با قضای ذکاوت و فطانت
 فخری خود در اندک زمانی بین الاقرا ن مشارالینان گردید و متوجه ترقیات از برای او حاصل شد
 تا در ۱۲۴۶^{هـ} در مأموریت مرحوم پرتو پاشا یاراده سینه بهر ایی او مأمور مقرر گردید و در ۱۲۵۰^{هـ} بعنوان
 وسط پاریس مأمور شد بعد از چندی موقه معاودت با اسلامبول نمود و در ۱۲۵۱^{هـ} بعنوان المچی کبری کبیر
 معاودت نمود و در ۱۲۵۲^{هـ} با سفارت از پاریس مأمور مبلدن گردید و در ۱۲۵۳^{هـ} بر تیه وزارت امور خارجه
 و پاشائی سرفراز شده باز مأمور پاریس گردید و باز در ۱۲۵۴^{هـ} در حالتی که منصب نظارت سرفراز بود
 موقه سفارت لندن مأمور شد و در ۱۲۵۵^{هـ} متعاقب مجلس اعلی حضرت طمانی با اسلامبول معاودت کرد
 و در ۱۲۵۷^{هـ} در صورتیکه منصب نظارت خارجه را داشت نوبت چهارم سفارت پاریس مأمور گردید و در ۱۲۵۸^{هـ}
 که از سفارت پاریس معاودت کرده بود در ۱۲۵۹^{هـ} بوالیکری ادرنه مأمور شد چون در اینجا اختراجه
 بهم رسانید نوبت پنجم سفارت پاریس مأمور شد و در ۱۲۶۰^{هـ} ثانیاً بمنصب نظارت خارجه سرفراز شد
 و در همان سال در ۷ شهر شوال بمقام والای وکالت مطلقه رسید و در جمادی الاول ۱۲۶۱^{هـ} از صدا
 مفارقت و بریاست مجالس عالییه مأموریت بهم رساند و باز در سنه مزبوره در ماه رمضان ثانیاً بمقام وکالت
 کبری سرفراز شد و در ۱۲۶۱^{هـ} بفاصله دو روز که از صدارت منقض شده بود بریاست مجلس والای مأموریت
 بهم رسانید و بعد بفاصله چهل روز ثانیاً بر تیه وکالت مطلقه رسید و در شهر شوال همان سال از ان مقام
 بهم رسانید چندی در خانه خود مأمور آرام و اقامت نمود و در شهر شوال ۱۲۶۹^{هـ} ثانیاً بمقام نظارت خارجه
 و متعاقب آن در مرتبه چهارم باز بمنصب والای صدارت ممکن گردید و مؤخرآ در وقوع انفصال از آن مرتبه
 چندی باز مأموراً در خانه خود اقامت کرده و فیه پنجم مقام والای مذکور سرفراز شد و بعد از انفصال

۲۴۶۴

آن مقام چندی بریاست مجلس تنظیمات نامور گشته متعاقباً و هفتم مقام وکالت گیری شرفیاب شد
 در ۲۱ ماه جمادی الاول ۱۲۷۴ در روز پنجشنبه با خوشی که چند روز قبل داشت و البته مشغول مجلس
 او بودند این جهان در گذشت و جنازه او را بعد از تعقیب و تکفین با کمال اعزاز و احترام در روز
 جمعه برداشته در مسجد جامع سلطان بایزید بعد از ادای مسئله جمعه در حالتی که امنا و اعیان
 دولت علیه عثمانیه حاضر بودند نماز او را گذارده بعد از آن در محل مخصوصی که برای مدفن خود
 معین کرده بود او را دفن نمودند و از اینکه در زمان زندگانی خیرات و مبرات و احسان بفرمود
 از او بسیار ظهور یافته و در دولت و ملت مساعی جمیده عمل آورده بود فقیر و غنی از فواید
 اظهار کمال خزن و ثبات ینمودند او را با یحسان از قرار که در روزنامه خوی نوشته
 نواب کامیاب محمد حسین میرزا حاکم خوی و سلاست سجه انتظام امور محلات و بلوکات
 انولایت مجال چای پاره رفته و نواب در اب میرزا را در خوی نایب الحکومه گذاشتند
 و نواب مغزی الیه در نظم امر شهر و محلات و امنیت شهر و انتظام کز مه و قراول و عمن و
 رعایا و براب و رفاه حال آنها و انجام خدمات و بهات دیوانی کمال مراقبت و اهتمام را
 بعمل می آورد و سجه کمال مراقبت نواب مغزی الیه سرعت و شجارت بسیار کم اتفاق
 می افتد و اگر بندرت عذوبی و هرزگی اتفاق بیفتد در مقام رفع آن بر می آیند و همچنین
 نواب کامیاب محمد حسین میرزا که سجه نظم بلوکات و سرحدات رفته اند امور آن سرحدات
 بسیار منظم نموده اند و کمال امنیت در طرق و شوارع بهم رسیده قواصل و متروکین
 با نهایت اطمینان و خاطر جمعی عبور و مرور نمایند و دست نظا و دزد و قطاع الطریق
 بجلی از آن راهها کوتاه است و کسی قدرت هرزگی و دست اندازی بمال قواصل و متروکین
 ندارد و در هر یک از راهها سواره مستحفظ گذاشته اند و مستحظین حسب حکم نواب مغزی الیه
 کمال محافظت و مراقبت را بعمل می آورند (دیگر نوشته اند که در فریه نوانی یک نفر رعیت زن
 تنبیه و تاویب نموده بود برادرش سجایت خواهر خود برآمده آن شخص را بضر چوب مقبول
 نموده بود مراتب بعض نواب نایب الحکومه رسیده فرستاده قاتل را باورنه مقبول حاضر نمودند
 چون در نه مقبول بقصاص قاتل راضی نشدند نواب مغزی الیه طرفین را بمحضرت جناب
 آقا میرصادق سلمه الله تعالی فرستاده بصوابه جناب مشار الیه دیت مقبول یکصد پنجاه
 تومان قرار یافت که از قاتل گرفته بفرستد مقبول تسلیم نمایند

۲۴۶۵

دو نفر شاگرد مکاری که با برتجارتی از ارزنه الرزم می آوردند در راه با تاجر را کشود هفت سکن
 ساعت و قدری بجزیره مرتقت کرده بودند صاحب مال مراتب را بنویسید کامیاب محمد جیم میرزا عرض نمود
 نواب معزی اویه محصل فرستادند ساعتها را که در نزد یک نفر شاگرد مکاری که در فرتیه ترمن مجال
 سلمی ساکن بود بعینهماسترد و بصاحبش تسلیم نمود و بجزیره مارا شاگرد مکاری و دیگر که ساکن مجال اردون
 برده بود بعلاجه فتحعلی خان حاکم اردون و از اب نوشتند که گرفته بصاحبش تسلیم نماید (دیگر نوشته
 که شاطر ابراهیم نام عارض شد که شب دزد بخانه من آمده و آنچه دهمته ام برده است نواب معزی اویه
 مبارغه قدغن اکید نمود که اموال مسروقه را پیدا نماید مشا را لیه در مقام تفحص برآید معلوم کردید
 که زن خود شاطر ابراهیم مرتکب این سرقت گردیده است اموال مسروقه تمامه از او مسترد و بصاحب
 مال تسلیم گردید **کرمان** از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند امور اولایات حسن
 مراقبت مقرب انخاقان امیر الامراء العظام سپهدار قرین انظام است در عایا و برابا اسوده خاطر
 بدعا کوئی ذات اقدس بجایون شایسته اشتعال دارند و خود هر روز در دیوانخانه نشسته
 و داد در عایا و انجام مهتات دیوانی کمال دقت و رسیدگی میاید و مقرب انخاقان میرزا محمد مستوفی دیوان
 و پیشکار اولایات بحکم امیر الامراء العظام سپهدار همه روزه از طلوع آفتاب الی ساعت ایش
 گذشته بامستوفیان و مباشرین اولایات مجاملات و محاسبات دیوانی و داد دستد و لای
 و انجام بروات دیوانی اهتمام و رسیدگی کامل مینماید و کمال فراوانی و دوفور نعمت در اولایات
 حاصل است چندی قبل بجهت عدم بارندگی اهل اولایات فی انچه توشیح حکم سالی داشتند ولی بعد از آنکه
 شدید در بلده و بلوکات آمده و بارندگی کامل شد کمال امیدواری برای صاحبان اطلاک و زرع
 حاصل گردید (دیگر نوشته اند که چون شال بافهای کرمان شال سه ذرع تمام مینی بافتند و در خوبی
 فماش شال نیز چنانچه باید وقت و اهتمام مینیکردند مراتب بعضی انمای دولت علیه رسید با امیر الامراء
 سپهدار نوشته که درین باب قدغن نماید که شال بافان شال ناقص و بدقی شش بافتند
 امیر الامراء العظام مشا را لیه حسب الامر اولیای دولت علیه جماعت شال باف را احواسته و انرا
 از همگی استادان آنها گرفت که بعد ازین شال سه ذرع تمام و رکار خفایات با تمام بر
 و نیز دقت و خوبی قماش شال نمایند و انشاء الله بعد ازین از حسن مراقبت اولیای
 دولت علیه در عمل شال بافی کرمان دقت خواهد شد و شالهای سبکین خوب که کمال
 اعتبار را داشته باشد اکار خفایات چون آ

۲۴۶۶

اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته شود

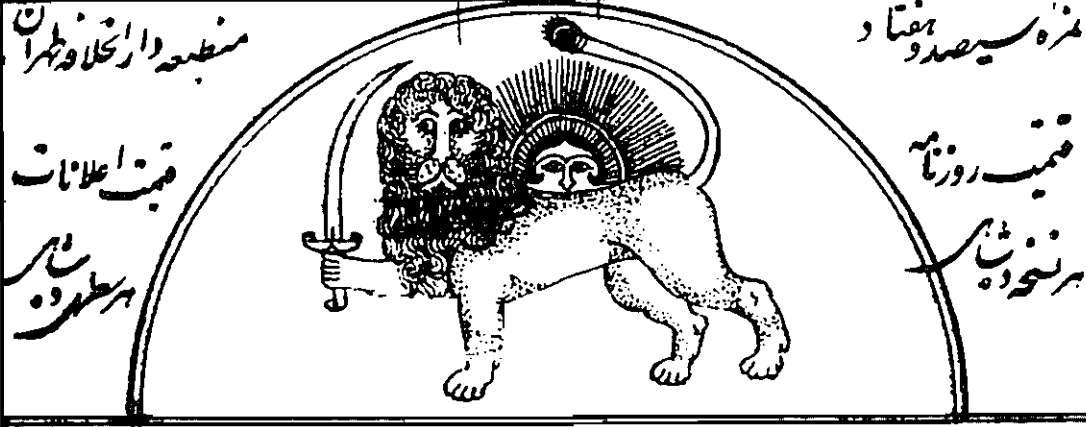
گذارش زلزله که در ناپولی و در شهرهای اسپلیت و صالرنه که در جنبه جنوبی ناپولی واقع است اتفاق افتاده و خرابی بسیار رسانده و اما لی انجا از شدت خوف و اضطراب بعضی بلکرها هم فرار کرده و بعضی در صحرا متواری شد و از عمارات و ابنیه موجوده خیلی خراب گردیده و بنیت پنجاه کس بعضی تلف آمده بودند در روزنامه هفته گذشته قلمی شده بود بموجب روزنامه که بعد رسید گذشته از شهرهای نرورد در شهرهای پوله و بر بیان و اوله تا و لا غوغره و بیت نصبه دیگر زلزله بنیت ظهور کرده و چون در آن شهرها و قبضات جمعیت زیاد بود چنانکه در هر یک از قبضات مذکوره لا اقل چهار پنجاه تن کشته شده اند از کمال شدت کشتن ارض خیلی مباحی موجوده ناکاه منهدم گردید و بسیاری از امالی انجا در زیر آبار خرابی مانده و تلف شده اند و آنها که جان بدر برده اند قادر بر بیرون آوردن نعش اموات از زیر خرابی عمارات نگردیده اند سخته دفع اضطرار امالی موجوده از جانب دولت ناپولی مان و آرد و سایر اذوقه و چادرها با انجا فرستاده شده و درین اوقات سخته بیرون آوردن نعش اموات ارضا کرد دولت ناپولی خیلی نفرا ت با نچار روانه کرده اند و از جانب و کلا و نامورین ناپولی وجه اعانه برای آنها جمع بشود (دیگر از فرار روزنامه ناپولی که نوشته اند کوه سوزنده ناپولی که چندی سنگ و فلز که ملخته مانند آب از او جاری شده و خرابی بسیار با طراف رسانده و باز مدتی خاموش شده بود بعد از وقوع این زلزله فاصله چهار روز ناکاه بنای معیشانی نموده و مانند سابق فلزات که اخته از کوه نرورد جاری گردید) (دیگر نوشته اند که در سواحل ممالک ناپولی چون در اکثر مواقع فانوس روشنایی بود باین جهت کشتیها که از انجا عبور میکردند اغلب غرق و سگت می شدند سخته رفع این تنگه از جانب دولت ناپولی بیجده قطعه فانوس بزرگ فرار شده است که در محال غرق آن سواحل بگذارد که شبها روشن باشد و کشتیها که از انجا عبور میکنند بر روشنایی فانوس بی خطر بقاصد و لنگرها هم برسند) (دیگر از فرار یک در روزنامه پاریس نوشته اند چنانچه چند دفعه در روزنامه نوشته شده است بعد از مصاحبه عمومی فرانکستان اغلب دولتها عا که زیاد از لزوم را اسبند الا اخراج کرده و از کرفتن بعضی آنها نیز صرف نظر نموده اند از جمله دولت فرانسه نیز چلی از عا که زیاد از لزوم فرانسه را اسبند الا اخراج کرده و میکند چنانچه در این اوقات چهل هزار نفر از ملک عسکره اخراج در محض کرده است

۲۴۶۷

از قراریکه در روزهای پنجشنبه نوشته اند یکی از کشتیهای تجارتی انگلیس دو بار نام که هزار و
سصد و هشت و یک طنو که هر طنو عبارت از سه خرد است بارگیری داشت بعضی بسیار بود
و یک نفر سیاح در او حمل کرده از لندن حرکت نموده بود در محلی از سمت جنوبی قطعه افقیه
طوفان شد بدی برخاسته و کشتی مزبور شکسته و غرق شده است و گفته آن کلاغری سحر فاکر
که یک نفر از آنها با حل سلامت بیرون آمده است (موجب تفصیلاتی که در روزنامههای
نوشته شده بود در راه آهنی که از مالک رودینه تا سوچره می ساختند که حتم مشهور است در
راه بود راه مزبور را از کوه گذرانند یا از دور کوه گردش دادن غیر ممکن بود و سیاح که
از راه مزبور میرفت بگو که میرسد بابت بطور کاروان از کوه عبور نماید و مستلزم بعضی تکالیف
ساق و مشکلات بالابطاق میشد بجهت رفع این صعوبت خواستند راه آهن را از زرکوه درست نمایند
و از جانب دولت سارودینه مهندسین باخا فرستاده شد بعد از ملاحظه و تحقیق مباشرت کنند
بر زرکوه نموده بودند موجب روزنامه که این اوقات رسیده است بجهت شدت حیات کوه مزبور
ساختن این راه از زرکوه تا این مکان شده است) (دیگر از قراریکه در روزنامه لندن نوشته اند کشتی
بزرگ که هفت و سه هزار طنو که عبارت از هفت و نه هزار خرد است بارگیری او بود سابقا
ترتیب داده گشتی مزبور را تمام ساخته بودند و چون کشتی با من بزرگی تاکنون ساخته شده بود بجهت نزول
آن بدربار جنلی اشخاص را بنامها اعلام و وجه مخصوصی از برای تماس بیان وارد داده بود که کس از مقامات
سجده بجهت مقام نمائند و بعد از آنکه این مقامات جمع شدند یکی از مهندسیین مقرر شد که شبش هزار کشتی
مزبور را بدربار بنماید از آلات راه آهن و آلات جدید دیگر ساخته و بعد صد قدم که کشتی را با این
الآت از مقام خود حرکت داد کشتی از قانون مهندسی تجاوز کرده و یکی از آلات مذکوره پاره شده
نفر تلف و مجروح گردیده بودند و بعضی از مهندسیین گفته بودند که نزول این کشتی با این آلات
بدربار بسیار مشکل است و آن مهندس که شبش هزار کشتی را بدربار بنماید
سجده اجرای مقرر و صفت خود تاکنون همفا و هزار لیر صرف کرده و صد و هشتاد و یک کشتی را
بیشتر برده است و امکان نزول او را با آن آلات بدربار اعلان کرده است لهذا در این روز
یک قوم پانصد و یکتر ترتیب داده اند و یک کشتی دیگر بزرگتر و وسیع تر از آن کشتی بدست گرفته
در حوض کشتی سازخانه مزبور میسازند

۲۴۶۸

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پیرم هفتمین مرتبه جیب حبیب بن سلطان



منظمه دارالخلافه طهران

مزه سیصد و هفتاد

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر طرزد

برنج و شکر

اخبار واحد ممالک روسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سرکار اعلیحضرت قویوکت امیر شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطانه که در کارگاه کن تشریف داشتند در روز پنجشنبه و بیستم ماه جیب المرحوم مبارک میگرد که سلطانی و متم سلطنتی مراجعت فرمودند و در شب یکشنبه سیزدهم ماه که شب عید مولود مسعود جناب ولایت آقا امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه الاف التحية و الامتداء و علی اولاده الطاهرین سلام بود حسب الاشارة اعلی و بیا بزرگ پادشاهی اسباب چراغان بسیار سکین فریاد شد و جناب اشرف امجدی صدر اعظم محترم بنا بر مایل سرکار اعلیحضرت اقدس شهبازی شب را در درخخانه توقف نمودند وقت چراغان از جناب سستی اجواب مایون شاهنشاهی حاضریشان بجهت تماشا فرمایند وقت و در حضور اقدس جناب مشغول تماشا و گردش باغ بودند و از آنجا سرکار اقدس علی بن ابراهیم تفریح آسبازی دیوانخانه بزرگ تحت امر که در کمال شکوه چیده بودند تشریف فرما شدند و جناب اشرف نیز مقرر حضور مایون بودند و درین بین بعضی از محترمین شاهزادگان عظام از اولاد خاقان خلد ایشان و اولاد حضرت ولیعهد میسرور در پیشگاه اقدس مایون تشریف حضور بهم رسانیدند و بعد از انقضای جشن بازی در سیرم در محفل مایون حاضر و مورد الطاف و توجهات حضرت و انی شدند و در روز یکشنبه که روز عید مولود جناب ولایت آقا امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام بود دقیقه فوت نواب رکن الدین میرزا امیر توپخانه روی داد و بسبب وقوع این واقعه کمال حزن و ملال بر خاطر اقدس روی داده و جناب اشرف امجدی فریاد

۲۴۶۹

و تمامی اعظام جا کران حضرت کردون بسط صبح روز یکشنبه بدر ب خانه حاضر شده به
 تسبیح جناره شاهزاده مبرور پر خستند و محل جناره از اندرون تاباهی تحت روان بدست
 جناب جلالت نایب نظام الملک و امرای دربار کردون مدار بود و از آنجا که در تحت روان
 جا دادند جناب اشرف امجد ارفع تا مسافتی و سایرین تا بیرون دروازه دولت مشایعت
 نمودند و از شاهزادگان عظام نواب حاجی کیومرث میرزا ابلیخی و مقرب انخاقان میرزا زمان
 امیر دیوانخانه و ذوالفقارخان مستوفی حاکم قم و همچنین جمعی از محترمین و جا کران دربار
 مثل مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه الباهر و سایرین لغش نواب شاهزاده مبرور
 با کمال احترام به بقعه مطهره امانزاده واجب التعظیم حضرت شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام
 جای دادند و در آنجا در بقعه جداگانه مدفنی ساخته سنجاک سپردند (نظر به اقبه کائمه
 مقرب انخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله سفره حضرت در تقدیم خدمات حضورها یون
 و لجهور رحمت خاطر اقدس طوکانه در باره مقرب انخاقان مشا رالیه درین سفر شکار کن و سولقا
 بموجب دستخط مبارک که بتواکلت محسن میرزا امیر اخور شرف صد دریا قه بکیر بس
 از اسبان خاصه سرکاری از اصطبل خاصه مبارکه مقرب انخاقان مشا رالیه مرحمت فرمود
 اعلان کتاب گفتگوی فرانسه و فارسی در دارالخلافه طهران در کاروانسرای آرامنه در حجره
 خواجه یوسف بغدادی و در دار السلطنه تبریز در حجره موسیو کاسبو افروخته میشو و هیز
 پانزده هزار دینار آذربایجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند کمال منت
 و انتظام در آن ولایت حاصل است و مالی در عایا بفرغت و آسودگی بدعا کونی و انت اقدس تالیون
 شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه اشتغال دارند و نواب مستطاب شاهزاده فخر و الا تبار
 رکن الدوله العلیه حکمران مملکت آذربایجان هر روزه در دیوانخانه نشسته بعضی و داد در عیاد
 انجام مقام دیوانی رسیدگی کامل مینمایند و در هر هفته یکروز اوقات خود را بید و باز بدین
 اعلام و مجتهدین دوی العز و الاحترام مصروف میدارند و عموم مالی ولایت احسن سلوک نواب
 معزی الیه کمال رضامند بر او دارند و سایر کار گزاران و جا کران دیوانی از ارباب علم و صاحبان
 نظام هر روزه بدر ب خانه حاضر شده بانجام خدمات مرجوعه خود اشتغال دارند (دیگر
 نوشته اند که صادق نام و خوارقانی که از جمله اشعار و الواط مشهور بود و در ایام حکومت نواب
 حمت الدوله یکی از فرآشهای نواب معزی الیه را در و خوارقان کشته و فرار کرده بود این

اوقات پیدا شده نواب هزاره رکن الدوله فرستادند اورا گرفته آوردند و نواب شاهزاده
حکم مجیس او نمودند تا بعد حکم آن بشود (دیگر نوشته اند که امور چا پارخانهای عرض راه آذربایجان
و دارالسلطنه تبریز انقش و پشانی بهم رسانده بود بعد از آنکه اولیای دولت علیه امیر چا پارخان
مالک محروس را بمقرب الحضره انخاقانیه حسین خان سرسپ مجول نمودند علیجاه مشارالیه
شعبانعلی بیک پنجاه باشی را نامور انظام چا پارخانها نموده و بقدر کفایت مخصوص اسب از دارالسلطنه
خریده فرستاده بود مشارالیه پس از انقباط امور چا پارخانهای عرض راه دره اشهر
جادی الثانی وارد دارالسلطنه تبریز شده اسبهای خوب و قوی در چا پارخانه آنجا بسته
و بهیچوجه معطلی دادیت برای چا پاران دیوانی وغیره که با اسب چا پارکی خواسته باشند
بروند هر قدر باشند بخواند چنانچه مقرب انخاقان داد و خان سرسپ و مترجم اول دولت
علیه که این اوقات با اسب چا پارکی آمده بودند مذکور میداشت که آن روزیکه در منزل صفح
منزل کرده بودم خود دیدم که متجاوزانسی ریس اسب مترقدین اطراف از چا پارخان منزل
مربور سوار شدند و هیچکدام از آنها یک ساعت و نیم ساعت بجهت اسب معطل شدند (دیگر نوشته اند
که کلب خانه اطفال را منته دارالسلطنه تبریز که در محله آنها واقع است نواب هزاره رکن الدوله
قدغن نمودند که کسی که رفت و آمدشان بمدرسه مربور مناسب ندارد و باعث احتمال امر
تعلیم اطفال میشوند بانجا روزه در روزنامه معتین و معتین را هر روزه علیجاه میرزا عباس معلم خانه
نوشته بنفعه بنفعه بنظر نواب معزی و مقرب انخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر مهمام خارجه میرزا
وامر مدرسه مربور در کمال نظم است و عدش کردن روز بروز زیاده میشود و شکر کردن
بتعلم زبان فرانسه و علم جبرافیا مشغولند) (دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان موتمن سلطان
میرزا افضل الله وزیر نظام و پیشکار کل مملکت آذربایجان که بعزم خاکپوسی آستان معدن
شاهی خدایه ملکه و سلطان مصتم شده بود در روز بیت و چهارم ماه جادی الثانی پنجاه
علیجاه میرزا محمد تقی شکر نویس نقل مکان کرده در روز بیت و هفتم ماه مربور از آنجا روانه دارالسلطنه
طهران گردید) (دیگر نوشته اند که در محله باغ بیست فتح الله تمام آسیابان با آقا کیشی بکنام
نزاع کرده و بدست آقا کیشی بیک مربور زخم رزده بود مراتب بعرض نواب شاهزاده رسیدند
فرستاده مشارالیه را آوردند و تنبیه و سیاست نموده بعد از آن دادند چهار کرده و در بار
کردانده اخراج طبع نمودند

۲۴۷۱

در این اوقات از جانب مأمورین دولت علیه که در ولایات خارج مستد عراض و نوبت
رسید در باب گذارش رعایای دولت روس شرحی با منای دولت علیه عرض شده
در روزنامه های مستور است از همین در مملکت روس حکم ملوک و بند دارند و اختیار مال
ندارند مالک آنها مختار است که آنها را همچو او منفرد بفروشد و عیت و نرد آنها حالت
بسیار بدی دارد پارو از آنها مشتمل میشوند و صاحب نخواه کلی میکردند لکن اختیار اینکه
تصرف در آن نخواه نمایند دارند مالک آنها مختار است که هر وقت بخواهد تمامی نخواه
نقد و مایملک آنها را متصرف بشود و آنرا حق داشتن زیادتر از نسبت و پنج منات ندارند
علیحضرت امپراطور روس از اول جلوس در فکر رفع این قانون و آزاد بودن رعایا از
ملوکیت میباشند تا این اوقات تدابیر بسیار برده و نوعی اسباب فراهم آورده اند که بدو
اینکه از دولت تلغی درین باب بجنبان و روسای مالک رسیده که صاحبان اطلاق کنند خود
آنها اغلب عریضه نوشته و مستدعی آزادی رعایا شده اند از جمله نجا و روسای ایالت نظریه
پای تحت دوستیه و ایالت کادیتسکی و ایالت ویلیتسکی و ایالت غردونسکی عریضه
نوشته و متمنی شده اند که درین چهار ایالت این قاعده را برسم زده و عیت را از
منوره قرار داد تا زنده بگذارند که ملک و زمین از ارباب عیت زراعت منوره حق ارباب
داده و حق خود را برداشته و بر مملکت خود مالک بوده و فرود حق آنها هم کلی متروک و موقوف
گردد و علیحضرت امپراطور هم فوراً قبول نموده نوشته منی بر اظهار تشکر و رضامندی
و روسای این چهار ایالت نوشته و دعه فرموده اند که قومیون تربیت داده و از
جدید از برای این کار معزز دارند و نجا و روسای سایر مالک رسیده نیز بکار کلی است که عریضه
داده متمنی بر قرار نمودن این قاعده جدیده بشوند چنانچه از قرار مذکور بزرگان و نجای قفقاز
نیز طالب این معنی شده و در جنال عریضه نوشتن و از آن نمودن رعایای خود پیشا فارس
از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت توابع مستطاب
موندند و له حکم آن ملک فارس قرین ایت و انتظام کامل است و خود بنف هر روز پیش
و داد رعایا و انجام مهمات و مرجوعات دیوانی دقت و رسیدگی می نمایند و سایر کاران
و کارکنان دیوانی حسب حکم نوات معنی الیه هر یک با انجام امور محوله بخواه مشغول و کامل
اهتمام در انجام خدمت مروجه دارند

۲۴۷۲

دیگر نوشته اند که درین مرستان بارندگی زیاد و در فارس خصوصاً در شیراز شده و هوا
سه دراز سالهای دیگر گردیده بود و ازین بارندگیها بعضی بناهای عمرتی هم خرابی رسیده است
ولی حال چند روز است که هوا ملایم شده و با عدال آمده است (دیگر نوشته اند که چون
برزگی که از راه بحر و جاری است در سنواته سابقه مباحثین بلوک را محرومانه ای و تنقیه آن نیز
و آب بهنگام ضرورت پائین می آمد و در عابا ازین رو بگذر متعذر میشدند و آب مستطاب مؤید الله
پس از استحصال بر این معنی کلماتی که خدا بآن محسب بلوک مژبور را خواسته از آنها الترام
گرفتند که نه مژبور را تنقیه نمایند که آب در وقت خود و محصولات شتوی و صیفی برسد و نیز
اشجار و قوا که باغ نظر کریمانی که در خارج شهر قرینه باغ نواست مژبور آبام غیر مشتم و آبوه
نواب معزی الیه قرار دادند که اشجار کهنه را ازین کنده بجای آنها نهال نارنج و سایر گیاهان
بنشانند) (دیگر نوشته اند هر چه سر باز از فوج قفقالی که مژور بهبایان بودند در میدان
در بخانه حاضر شده صف نظامی کشیدند و نواب معزی الیه ملاحظه سان و اراستگی و
و حرکات آنها میدان مژور آمده همگی را فردا فردا ملاحظه و رسیدگی نمودند از اینکه در
انتظام و اراستگی بودند مورد التفات گردیدند و نواب معزی الیه یکسوی جنبه مقربان
الطفلی خان سرتیب فوج مژور خلعت التفات فرمودند) (طایفه زرگر در هر ولایت مستند
اوقات سرقت و تقلب از آنها ظهور میکند از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند چند
از طایفه زرگر در سرقت با هم همدست بودند و هر چه ازین مژور پیشان می آمد با هم قسم میکردند
و چند سال بود که باین کار مشغول بودند و عمل آنها بروز مکرده بود تا در این اوقات
مابین خودشان نزاع شده و برکه از اموال مسروقه بدست آمده آنچه در شهر بودند متعز
میرزا علیخان بیکریکی آنها را اوسگیر کرده حسب الامر نواب مؤید الله و در کار مطالبه
اموال مسروقه مردم از آنها پیاشتند) (دیگر نوشته اند که حسب حکم نواب مؤید الله
چند روز است مقرب انخاقان شیر الملک باستوفیان انولات نشسته بجانب
و معاملات دیوانی رسیدگی کرده مشغول تحریر جمع و خرج مالیات هستند که صور حساب
انزاروشن کرده مبر بار معدلت مدارجها یون روانه نمایند) (دیگر نوشته اند که درین
اوقات ابو الحسن خان کوهمره فوت شده ریاست کوهمره حسب حکم نواب مؤید الله
علیچاه محمد باقر خان ولد او معوض گردید

۲۴۷۳

از قرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت مقرب انخاقان
 احمد خان دریابیکی و حاکم ابوشهر و دشتستان و مضافات قرین انتظام و انضباط کامل است و عموم
 اهالی آن ولایت از رعیت و ماجر و کاسب مرفه الحال و آسوده خاطر بکار و کسب و عیشتی خود و دعا
 ذات اقدس تعالیون شایسته است و در امور طرق و شوارع نیز با تمام مقربان
 مشاربیه مضبوط و منظم است و در هر جا که هر منزل مستحفظ و تفکیمی گذاشته و از تعالی و ضابط
 و مباشرین عرض راه التزام گرفته است که مال تجار و قوافل را محافظت نموده صحیح و سالم منبرل
 برسانند و آنها نیز حسب حکم کمال محافظت و مراقبت را بعمل می آورند و نیز مقرب انخاقان مشاربیه
 عالیجاه ابراهیم خان یاور را با یک نفر سلطان و دو نفر نایب و شتا و نفر سربازها مورخ بجزیره
 خارک نموده و پرده علم شیر و خورشید دولت علییه را نیز با و سپرد که بجزیره مرزبوره رفته
 سربازها را خلودر چهار برج و هر جا که لازم است بقرار سابق گذاشته و بیرون شیر و خورشید
 دولت علییه را هم روزهای جمعه در جزیره مرزبوره برافرازند و بعد از انتظام امور آنجا خود مجدداً
 یادرب بندر ابوشهر معاودت نمایند (دیگر نوشته اند که بگذرد کشتی از بحرین بجانب بندر ابوشهر
 می آمد و نزدیک بندر ابوشهر طوفان شدیدی برخواست و کشتی را غرق نموده و عله جات
 کشتی از ابوشهری و عبری و غیره هر چه بوده اند غرق گشته اند مگر چند نفری که خود را بصورت
 باصل نجات رسانده اند) (دیگر نوشته اند که رهاییای قرینه سمرکوردان نفس بکنند معقول را
 نیز مقرب انخاقان احمد خان آورده مذکور داشتند که چهار شب قبل چند نفر از آدمهای آنجا
 پسر محمد رضا بیک زیارتی بقریه مرزبوره برای سرفقت و دست اندازی آمده بودند بکرمهای قرینه مرزبوره
 بر خورده و بطرف کزمره شتیک تعنگ کرده یک نفر از کزرها جان وقت در سرفقت و نفس
 او را دفن کردیم و یک نفر دیگر این مقتول است که زخم کلوله برداشته روز دیگر فوت شده
 نفس او را حضور آورده ایم مقرب انخاقان مشاربیه پس از استحضار از مراتب مطروحه
 عالیجاه ابراهیم خان بوزباشی غلامان مهاجر را با چند نفر غلام مؤمنان که رفته قایلین را حلیم از بند
 مذکور گرفته بیاورند که موافق حکم مطاع بقصاص یا دیه آنها بگذرد) (دیگر نوشته اند که قبل از
 ورود مقرب انخاقان احمد خان به بندر ابوشهر منسوبیک ضابط قرینه زیارت بکرس لایع و سیرده مان
 پول یکی از اهل شبا نکاره را عوض ادعای بایک نفر از اهل شبا نکاره بگردانیده بود مقرب انخاقان
 مشاربیه پس از استحضار و رسانده لایع و پول را حلیم از ضابط مرزبوره مسترد و بصاحبش تسلیم نمودند

۲۴۷۴

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده نوشته میشود

سابقاً در روزنامه ها نوشته شده بود که دختر بزرگ انگلیس با پسر نواب پرنس ویلیام
دولت بریتانیا عقد و تزویج شده و بنای جشن و سوراین عروسی در ماه جمادی الاول در لندن
قرار بود بقرار یک مجید و از روزنامه رسید غمیت قرآن مجید و قرآن نوره و غراند و قدود ریخ
و نواب پرنس ناپلیان فرانس و بعضی اشخاص دیگر را که دعوت باین جشن شده بودند در روز پنجشنبه
لندن نوشته اند (تاکنون بکرات گذارش نامنی میان تجار و صرافان و صاحبان کافه ها
در فرنگستان و بالارفتن نفع پول بجهت عدم رواج تجارت و تعطیل کتبه های تجاری در سواحل
رین نوشته شده بود بعد از آنکه مسئله مشکله هندوستان رو بسهولت گذاشت امور تجارت
نیز براه خود افتاده و نفع پول در کار تجارت انگلیس بصد شش و در فرانس بصد و پنج تنزل نمود
موجب خبر تلگراف که در این اوقات رسیده نفع پول بکلی تنزل نموده بقرار ایام سابق در
انگلیس بصد و پنج و در فرانس بصد و چهار قرار یافته و امنیت نام این صاحبان کار تجارت صاحبان
تجاره حاصل گردیده است) (دیگر در روزنامه لندن نوشته اند و اوقاتی که مملکت انگلیس
با نوره مناسبت کامله داشت در آن اوقات بسیاری از امانت بی دولت نوره بقرابت
دولت انگلیس در آمده سجاک انگلیس آمدند و جواهر بسیار از دولت نوره بدولت مزبور انتقال یافت
حتی قرآن انگلیس روزی که با عیال خود از قرالیت نوره با انگلیس آمد جواهرات بسیار همراه خود
آورد بعد از آنکه آن مناسبت کامله و اصول معموله باین دولت منقطع گردید در باب احاد
این جواهرات پانزده سال قبل ازین ایام از جانب دولت نوره داده و عا شده بود در آن ایام
بجهت اینکه قراری درین گفتگو بگذارند مرکب ارسه اعضا قومیونی در لندن قرار دادند مؤخر
اعضای قومیون مزبور هر سه فوت شد و قومیون دیگر در این باب ترتیب دادند در
این اوقات در قومیون مزبور رد نمودن آن جواهرات را بدولت نوره قرار داده اند
(در باب گذارش دولت چین سابقاً از طرف دولت انگلیس سفیری با سفارت مخصوصه
به دولت چین ارسال شده و از طرف چین سفارت من رالیه پذیرفته شده بود و بجهت آن مقصد
در این اوقات بموجب روزنامه های یکی دنیا از جانب جمهوری سیکو دنیا قومودور در نام با سفارت
مخصوصه چین ارسال شده و بشهر انگان چین وارد گردیده است) (دیگر در روزنامه پاریس
نوشته اند که شخصی جیلا کر در پاریس بجهت اظهار مرستی خویش صندوقی از این ساخته و با

۲۴۷۵

صد لیر در میان آن گذاشته و اعلان کرده بود که هر کس بتواند این صندوق را بگشاید پانصد
 لیر که در میان صندوق است مال او باشد بچکس نتوانست آن صندوق را بگشاید و این تهیه حیلانگر
 مرزبور در نمر مندی خود شهرت تام نموده در این اوقات مباشر صندوقخانه امانات این حیلانگر
 خواسته و سفارش نمود که دو لایحه ای بانظر باز کند که کسی نتواند در آنرا امضا کند و نیز دو لایحه
 ساخته تسلیم مباشر مرزبور نمود آن مباشر نیز بجهت تجربه استحکام آن دو لایحه نیز ضابط پوس که
 سارقین و غیره در حبس او میباشند رفته گذارش دو لایحه را بیان کرده و استمدعا نمود که
 چند نفر از طاران مشهور را که محبوس اند از آن بدهد که آمده بی بینند آن دو لایحه را مینویسند
 یا نه تا استحکام آن تجربه شود ضابط پوس نیز چهار نفر از مشایخ رقیب را مضبوطاً با سختین پوس
 روانه نمود آنها آمدند محل کلید دو لایحه را یکدفعه ملاحظه کرده بعد از آن خلای با قدری مانع شدند
 و با خلل محل کلید را بهم زده و بانان حرم او را پرده آوردند بجهت تدارک بعضی آلات تاروز
 دیگر جهت خوخته و دو پارچه آلت درست کرده روز دیگر آمدند کویا مانند کسی که کلید دو لایحه را
 در دست داشته باشد بلا تاقل بان دو آلت دو لایحه را کسوده و این گذارش مشهور و حاضرین
 کشته کمال تعجب نمودند و مباشر مرزبور دو لایحه را بان حیلانگر که ساخته بود و نمود (سایه
 نوشته شده بود که بجهت مخالفتی که مابین یاغیان چین با خاقان الولاست اتفاق افتاده بود از
 جانب دولت روس بجهت ایداد خاقان چین پنجاه هزار قشون در تحت حکومت جنرال مراد
 از راه سبیر چین ارسال شده و بجهت ملاقات کردن جنرال مرزبور با خاقان چین بغیر مخصوصی
 از جانب دولت روس بچین رفته بود و بوجوب روزنامه که این اوقات رسیده است
 سفیر دولت روس نیز شهرها نکان رسیده و در آنجا با سفیر جمهوری یونانی دینا یکدیگر را ملاقات
 نموده اند) (دیگر نوشته اند که از سفاین تجار قیونان یک کشتی بعضی اشیاء حمل نموده
 از مارسیلیا حرکت کرده بجهت شیریه نام می آمده است در فراخای قالیاری ناگاه کشتی آتش گرفته
 آدم و اسباب هر چه در او بوده اند سوخته و نابود شده اند و از میان آنها فقط پنج نفر خود را نجات
 با حل سلامت رسانده اند) (دیگر نوشته اند که از سفاین تجار قیونان یک کشتی که سکر است
 حمل نموده بود از شهر بوستون که در یونانی دنیا واقع است حرکت کرده سمت اسلامبول می آید
 در انشای راه در جوار مالطه بسیار کشته شده و غرق شده و آنچه مکررات در او بود
 با سکنه او تلف و نابود شده است

روزنامه قایم اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه بیستم جماد الثانی سنه ۱۳۷۴

منظومه دارالخلافه طهران

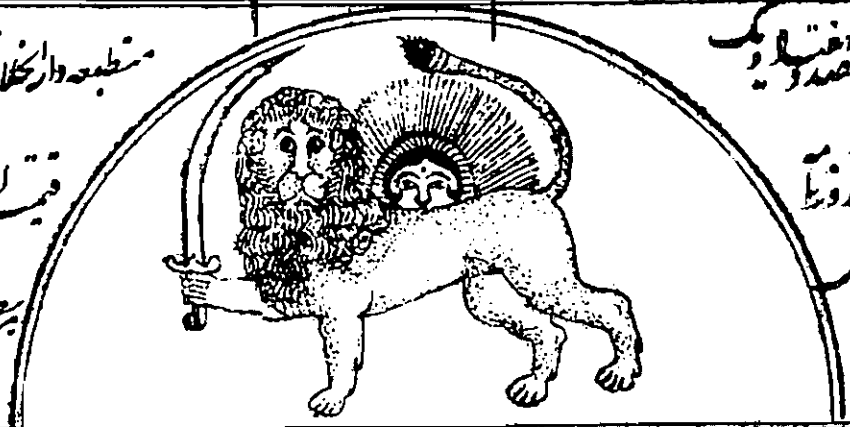
شماره سیصد و یک

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

بر هر خط در هر شماره

بر هر خط در هر شماره



اخبار واحوال ممالک روسیه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون موافق آداب رسوم دولت داری بربرد و لقی لازم و واجب است که بنای رفقا خود را بجدل انصاف و مردم داری گذارند بامری که باعث نازنی مملکت و سلب آسودگی رعیت می شود اقدام ننمایند لکن اسرار علیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه نیز محض رعایت جانب انصاف و جسم و مروت لیکان خاطر اقدس را با آسودگی رعایا و زیر دستمان که در اربع احدیت میباشد گماشته اند و هیچ امری در طبع اقدس نماند که ما کو اتر از آن نیست که نسبتی ظلم شود و یا از قوی در حق ضعیفی اجحاف برود این است که بعد از حکام ممالک محروسه احکام صا و فرموده اند که از مطالب مطلوبین صرف نظر نمایند و اگر کسی با کسی ادعا و سخنی داشته باشد در این عدلیه و محضر عالی شرع و دینیه بجز آنجا رسیده نمایند و از اقرار معمول داند و بدون بنیاد با صدی دست تعرض دراز نمایند با این احوال از قراریکه بعضی اولیای دولت علیه رسیده و مراد پیشگاه اقدس اعلی افتاد و بعضی ادعائی که خواجگه کالوسس تاجر باشی دولت بهیه روسیه در تبریز کرده است بی آنکه صدق ادعای ثابت شود و کارگذاران اذر با بجان کجیق لازم در محض و بعضی تحقیق حال بعل آوردند از جایگاه جواد خان شقایق مبلغ پانصد تومان غرامت گرفته بخواجه کالوسس داده اند و حال اینکه وظیفه کارگذاران اذر با بجان این بود که بعد از این ادعا در کمال وقت تحقیقت امر رسیده کی نمایند در صورتیکه ادعای مزبور مبرهنه بجقیقت نبود شخص مرکب و سارق را بد آورده هم مال غارت زده را بعینه مسترد و تسلیم صاحب مال نمایند و هم مرکب چنین جنایت

۲۴۷۷

عظیم را برای خود برسانند که عبرت لثناظرین شود نه اینکه برخلاف حکم محکم دولت باینطور ظلم
و تعدی نسبت بنوکر و رعیت دولت روا دارند لهذا حکم محکم از مصدر خلافت لعنه محصل شد
شرف صدویافت که تبرجان این عمل مسلح سبب تو مان از نواب هزاره و الایبار رکن الدوله
صاحب اختیار اوزر با بجان که ممکن بود وقوع ظلم مزبور نموده و از مقرت انخافان میرزا مصطفی قلی پاشا
مخاسبات اوزر با بجان که اجرای حکم بدست او شده و از مقرت انخافان دبیر مهمام خارجه که در
پشکاری مهمام خارجه آن مملکت سبب سورا بر خود راه داده است بالسویه دریافت نموده
همابون بیادرد و مبلغ پانصد تومان را بهم که از جواد خان گرفته شده است چون اثبات
جنایت نه موافق احکام و پو استخانه عدالت و نه موافق حکم شرع شریف بردته او وارد آمده است
لهذا آن مبلغ را هم از خود خواجگاکا کوس بعد از آنکه بی حق بودن او را اثبات کردند دریافت نمایند
و بعد در صد تحقیق قدر مال و تعیین و بدست آوردن سارق بر آید و احقاق حق نمایند با چو
مرکتب نظایر این تعدیات نسبت بنحقوق خدا نتوانند شد

اموریکه مابین دولتها دایر میشود خالی از دو قسم نیست یکی امور پولاطیکه مهمام دولته که راجع
بنفرای دولت و باید با اولیای دولت علیه مذاکره و تشویه نمایند دیگری امور تجاری که
وظیفه قونسولها و مأمورین است و باید با کارگذاران امور دیوانی مالک محروسه قطع و فصل
دارند هیچک ازین دو نوع مطالب و مهمام مزبور ربطی بد دیگری ندارد و هیچکدام از طبقات مسطوره
نمیتوانند وظیفه خود را تغییر بد پس از حدود و اطراف مالک محروسه احدی از مأمورین و کار
گذاران دیوانی اجازه و اختیار از آن دارند که در امور پولاطیک با مأمورین دول سیره طرف کفشند
و طرف سؤال و جواب شوند و حرف دولتی یا توسط و حمایت رعایای این دولت را از
قونسولها استماع نمایند و البته آنها از وظیفه خود و حکم دولت خودشان تجاوز و مدخلت میکنند
امور سخا بند کرد و چنانکه قونسولها در امور دولتی بی اجازه و حکم اولیای دولت خودشان نمیتوانند
مدخلت نموده قرار قطعی گذارند و سندی دولتی بپسارند البته مأمورین این دولت هم اقباب از
این نوع کارها کرده کار خود را منحصر بانجام و تشویه مطالب تجاری خواهند دانست با فرض اگر
انها در امور دولتی اعم از قبیل توسط و حمایت و غیره مدخله کرده قولاً و فعلاً مصدر قرار می شد
باشند صریح اعلام میشود که در نزد اولیای دولت علیه موقوف قبول و امضا نخواهد یافت و در بعض
شخصی آن مأمورین خواهد شد و پس درین صورت البته مأمورین دولت علیه تکلیف خودشان را

از اینجا که میتوان حکم دولت را محصل کرد است و قسم از این جهت چنین عبارت است که سبب

۲

حسب الواقع و البته تجاوز از وظیفه خود ننمایند کرد این دستور العمل جمیع ولایات ایران است
عموماً که محل توقف قونسولها بود یا باشد و دستور العمل تبریز است خصوصاً و بنا بر مختلف
(هوای دارالخلافه طهران در این اوقات کمال طمیت و اعتدال را دارد و چون عبد سلطانی
نزدیک است مردم در تهیه و تدارک لوازمات عید پیشاند و چند روز است که بارندگی نمی شود این
دولت علیه و مقربان حضرت کردون بطبع سینه مستوفیان و لشکر نوبان عظام و امر او
خواین هر یک در در فغانه مبارکه و سایر منازل در سخانه مبارکه بانجام خدمات و مهمات مرخص
سجود پرداخته مسکام سلام شریف با حضور همه ظهر خرد وانی میوند و همچنین افواج قاهره نظام
از توپچی و زنبورچی و سرباز و سواره نظام بجهت خوشی و طمیت هوا همه روزه در میدان ارک و میدان
تاریخ دروازه دولت مشغول مشق میباشند و مقرب انخاقان اجودان باشی و سایر جنسها
کمال مراقبت را در تعلیم و اداب مشق آنها بعمل می آورند و عموم صاحب منصبان نظام بعد از
ذاعت از میدان مشق با لشکر نوبان همه روزه در اطاق نظام جمع شده تا نزدیکی
مشغول گذراندن امور و احکام و بروات نظامی مستند (مقرب انخاقان علیخان سپه
فرانکوزلو که از مأموریت فارس مراجعت در بار معدلت تدارک کرده بود در این اوقات
که از خاکپای مبارک اذن مرخصی بولایت خود حاصل نمود از جانب اولیای دولت علیه نماید
بلوغ در تمام عمل فوج جمعی او شد که بزودی کسر فوج جمعی خود را تمام نماید) (نظر بر آیت شایستگی و
استعداد عالیجاه حسن خان سپه مقرب انخاقان شیخ علی خان سرتیپ فوج خلیج قم و هرات او در
مشق نظام که در دارالفنون تحصیل کرده و در مأموریت مقرب انخاقان شارالیه در کرمان هم در مشق
و تعلیم قواعد نظامی فوج کمال مراقبت و اهتمام را بعمل آورده بود لهذا در این اوقات حسب الامر
کامیون شایستهی منصب سرتیپی فوج خلیج قم سرفراز گشته و در ازای منصب فرور یک طاقه شال کرا
اعلی از جانب سنی ايجوانب ملوکانه با و خلعت مرحمت گردید) (چون افواج ثلثه اصعبانی
ابو اجمعی مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سهام الملک در مأموریت بنا در فارس همراه مقرب
شارالیه با کمال نظم حرکت کرده میباشند و جان نثاری خود را ظاهراً برهنه بودند
خدمات آنها در خاکپای عالیجناب قدر قدرت شایستهی خلعت ملکه و سلطانه و
دولت قاهره مقبول و مستحسن افتاد، برای مزید امیدواری آنها موازی ده دست خلعت عالیجاه
حاجی محمد باقر خان سرتیپ فوج فریدن و میرزا عبدالوهاب خان سرتیپ فوج برخواستار و ابوالحسن

۲۴۷۹

سر جنگ فوج بر قویه و سایر بیاوران و مشرفین افواج مزبور در محنت گردید (چون عالیجاه
 میرزا نادر وکیل کردستان صاحب لوی نزل گردستان را از دفتر خانه مبارکه خوب گذرانده و بر
 صداقت و راست فطنی خود را در خدمت اولیای دولت علیه ظاهر است لهذا بکثرت جتبه ترنمه کرمانی خوب
 از صند و قخانه مبارکه بمبارا علیه خلعت مرحمت گردید آذربایجان از قرار که در روزنامه
 تبریز نوشته اند مشدی کاظم نام قشاک که از جمله طراز آن مشهور بوده و هر چند اسم و حال و کسب
 خود را تغییر میداده و اموالی بوجه دوسه روزه از مردم میخرید و فرار میکرد است و دو سال قبل
 هم خود را متحارر تاجه خارجه و انموده قریب هزار تومان مالی از تجار کاشی خریده بود که از راههای
 سنجاک روس با عثمانیه برود بعد از معلوم شدن فرار او دو نفر از علما ن خارجه متعاقب او رفته
 در نزد یک سرقد او را با بابای تجاری معاودت دادند آنوقت در سر این عمل گرفتار شده بود درین
 اوقات باز در لباس اسب اهل کسب مالی طرف دولت بهینه روسیه برآمده و اسم خود را مشدی
 علی گذاشته از مردمی که معرفت بحال او نداشتند مبالغه کز آن مال گرفته بعد از آنکه از احوالات او
 اطلاع حاصل کردند محمد صادق بیک داروغه او را گرفته در صدد استرداد اموال مردم برآمده معلوم
 شده بود که علی اکبر نام فراباغی که خود را عبیدی روس نسبت میداد همه جا معرفت او واقع شده بود
 هزار تومان براه تجاری آورده که خریدن مایه و مردمی که مال بکاظم نام داده بودند باطمینان علی اکبر نام
 و انهارا اعتبار کرده او میکروند است داده بودند بعد از گرفتاری بکاظم علی اکبر مزبور که معرفت او بود
 بدستباری خواجه کالوس تاجر باشی دولت بهینه روسیه امر را بقونسول دولت مزبور مقیم تبریز
 مشتبه کرده و گفته بودند که مشدی علی نام ابرو لانی را داروغه گرفته و قونسول خالی از ذهن که بسیار
 اشتباه کاری کرده اند فوراً عزل داروغه را از مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر محام
 خویش کرده و درین باب شرمی نوشته و امر فرموده بود و مقرب الخاقان مشارالیه مراتب را بنو
 مستطاب بیژاده و الانبار رکن الدوله العنیه حکمران مملکت آذربایجان عرض نموده توابع معزی الیه
 بقونسول نوشتند که این مطلب معلوم شود که شخصی که سبب این خویش شده است آیا همین کاظم
 معروف است که بشما بسم مشدی علی موسوم کرده اند یا مشدی علی نام دیگری است و قرار دادند که در
 اطراف مقرب الخاقان دبیر محام خارجه دوسه نفر صاحب منصب روس و مقرب الخاقان علیعلی خان پسر
 دار السلطنه تبریز و چند نفر از تجار اجلاس کرده درین باب تحقیق نمایند حسب احکام نواب معزی الیه
 مشارالیهم و راجعاً حاضر شده داروغه و تجاری که مال آنها را کاظم گرفته بود باک بیکه معرفت باحوال

۲۴۸۰

داشتند نیز حضور بهم رسانده بشود و فراین واضح بر صاحب مضبان رسد معلوم شد که این شخص کاظم
 افتراست و بر خیرال قوسول امر رسته کرده اند کاظم را فی المجلس بمقتضای اوصاف تسلیم کردند و
 حسب الحکم نواب مغزی الیه اورا بنحیر الحجاج حاجی محمد ابراهیم تا حجر قرذینی سپردند که بعد از آن
 اموال مردم تنبیه و مواخذة لازمه از او بشود و از اموال مردم آنچه در نزد خود کاظم موجود بود
 با آنچه دست بدست گشته بود همه را گرفته بصاحبان تسلیم کردند و من را الیه محبوس است تا حکم آن
 اصغمان از فرار یکدور در زمانه اصغمان نوشته اند چون نواب مستطاب حتمت الدوله
 حکم این اصغمان مستدعی شده بودند که بجهت عید سعید سلطانی شرفیاب حضور با هر انور سرکار
 اقدس شاهی سوختن از جانب سنی احوال طوکانه حسب فرمان مبارک اذن حاصل شد
 حسب الاشارة العلیه نواب امیرزاده عبدالعزیز را بجای خود منصب نایب الحکومتی اصغمان
 و امور منبسطه ربط معاملات و محاسبات را حکماتی سابقا بجا بقرت الحضره العلیه سرکار
 محول داشته در ششم شهر حرج المرجب بعزم شرفیابی حضور قدس تا یون بهارت وقت
 نقل مکان کردند که بعد از چند روز روانه دارالخلافه باهره شوند (در باب شصت و هفت
 لعنک سر باری کار اصغمان بطرح جدید با شصت دست فالسفه که حسب الامر اولیای دولت
 معترضه بود در جبهه خانه اصغمان با تمام رسانده بدار الخلافه مبارکه روانه نمایند از فرار یک
 نوشته اند تا کنون چهار صد قبضه لعنک تمام اسباب با چهار صد دست فالسفه با تمام رسیده
 تحویل کار گزاران نواب مستطاب حتمت الدوله گردید که نایب عید و دار الخلافه شده
 نظر اولیای دولت قاهره خواهد رسید و نواب مغزی الیه از نعلکهای نرور چند قبضه را در حضور
 امتحان نمودند بسیار خوب و محکم و بی نقص بودند و تتمه لعنک و فالسفه را نیز باستان جبهه خانه
 سفارش و تاکید نمودند که بزودی و خوبی بانجام و تمام برسانند (دیگر از فرار یکدور
 و اجناس کولات و غیره اصغمان را در این اوقات نوشته اند تا کنون بوزن شاه
 دو عباسی و کوش یکین و هزار و دو عباسی و برج خوب یکین هزار دینار و برج وسط یکین هفت
 شاهی و نیم و روغن یکین شش هزار و سصد دینار و کندم خوب یکین دو عباسی و کندم وسط
 و پنج شاهی الی هفت شاهی و گاه یکین هزار و دو هزار و پانزده شاهی اتمه خرواری یکین
 و سکر جوهری یکین شاه یکین مان سکر متعارفی یکین شش هزار و یک عباسی و قد و در بر
 خوب یکین سیزده هزار دینار و قد یکین یکین یازده هزار و پانصد دینار و نبات یکین شش هزار و پانصد

۲۴۸۱

مازندران

از قرا که در روزنامه مازندران نوشته اند امور اولایت فرین امنیت و انتظام کامل است و
 و نوات کلمات لطف التدمیر از حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان پیکار اولایت
 در انتظام امور ولایت و رفاه حال رعیت و انضباط سرحد و شعور و انجام خدمات و معات و لوا
 بحال اتهام را بعل می آورند و الهی در عایا اسوده خاطر و مرفه الحال بدعای دوام دولت و
 از دیاد شوکت ابد القصال استحال دارند) (دیگر نوشته اند که درین اوقات نوات پیکار
 لطف التدمیر از نواب امیرزاده فضل التدمیر از راجکومت بلده بار فروش برقرار و عالیجاه محمد
 برادر مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر را که مقبولیت حسن سلوک معروف است پیکاری
 امیرزاده مضروب و در ششم حمادی الثانیه از ساری روانه محل اموریت نمودند) (دیگر نوشته
 که مقرب الخاقان محمد حسن خان پیکار و حاجی مصطفی خان و عالیجاه امیر امیر اسج لبر کشتی قلع
 ناصر آباد و کنار رفیقیه براغمرز و سایر محل سکنی این عبد الملکی که حسب الامر اولیای دولت
 میازند رفته و بدقت رسیدگی کردند تا کثون سیرج مضبوط حکم میباشی میرزا جعفر کاشانی
 مقرب الخاقان محمد حسن خان و استصواب عالیجاه علیجان قاجار هندس ساخته شده و با
 تمامی کارای انجام از ایراتهام نموده اند که زود بانجام و اتمام رسانند) (دیگر نوشته اند
 که چون در عین مقرب الخاقان جعفر علیجان الخاقانی بیکر سکی و سراسر آباد اشرا و لو باش طوا
 ترکان عرصه را خالی دیده بنای هرزگی و دست اندازی با طرف رستر آباد که استه بود
 نوات پیکار از لطف التدمیر از پس از استخار بر اینی مخلصه سر کردگان ملازم هزار جری و شهر
 نوایی را باری خواسته دسان نوکران را دیده و مقرب الخاقان نور محمد خان سربت نوکر
 کرد و ترک ابواجمی خود و سایر ملازم مازند رانی را جمع آوری نموده نوات مغزی الیه حسب اشاره
 اولیای دولت علیه مقرب الخاقان مشا رالیه را با نوکر ابواجمی اوسان دیده بسمت رستر آباد
 روانه نمودند و معاقبت حرکت انها مقرب الخاقان محمد حسن خان را با امور نمودند که رفته
 در کلکگاه تبه و استعداد امورین را بدقت ملاحظه و رسیدگی نماید که نقصی در سباب استعدا
 انها نباشد بدفع اشرا ترکمانیه و امنیت حول و حوش رستر آباد و نظم طرق و شوارع آن
 پروازند) (دیگر از قرا که تعبیر اجناس مازندران را نوشته اند که در مازندران حرورای
 هزار دینار و یک تومان وارد حرورای سیزده هزار و شازده هزار دینار و شالی حرورای شش هزار و پانصد

۲۴۸۲

۱۰۰

اخبار و دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده و نوشته شده
 گذارش فرمال دولت پرستیه سابقا در روزنامه ها نوشته شده بود که چون مراجعان
 بود در ضمن تبدیل آب و هوا برادر خودشان نواب پرسن را که ولعهد پباش سجای خود
 تا مدت سه ماه بقایم مقامی نصب کرده بودند بموجب روزنامه های فرنگ که این اوقات نوشته
 مدت سه ماه قایم مقامی ختام پذیر شده و بجهت اینکه فرمال دولت مزبور بهان ناخوشی باقی است
 و صحت نیافته است باز تا مدت سه ماه دیگر بقایم مقامی نواب معزی الیه را منصوب نمودند و همین
 باز اگر در مدت مریض بودن فرمال مشا را ایها مدت زمان قایم مقامی منقضی شود مجدداً مدتی
 دیگر بجهت قایم مقامی نواب معزی الیه تمديد خواهد یافت (دیگر در روزنامه های رسمی و غیر
 نوشته اند که نواب پرسن ناپلیان هموزاده اعلیحضرت امپراطور فرانس بطریق سیاحتی
 سمت مصدر آن اطراف را نموده بودند ولی بجهت شدت سردی رستان بیخوشان تا اول
 بهار بتعویق افتاده و در اول بهار نیز که بان سمت غیبت می کنند از سفین دولتی فرانس
 یک کشتی که نود توپ حمل اومی شود مقرر است که در محبت نواب معزی الیه با (از قرار یک در
 مسیلا نوشته اند از اولاد واقربای پادشاه فاس بعضی رفع لوای عصیان نموده و جمعی
 از یاعغان بر سر خود جمع کرده بکوبستان و قرای انولات بنای کرده شش دست اندازی
 گذاشته بودند از طرف پادشاه فاس عساکر مخصوصه متعاقب آنها فرستاده شده و در
 مقامی فریقین دست داده و محاربه سخت وقوع یافته روسای مزبور کلا دستگیر شده و بسیاری
 از متبعانشان در آن جنگ کشته و زخمی شده و خود آنها را در جوار طغیانه در قلعه رحاص محبوس
 کردند در ثانی پسر برادر پادشاه مزبور که داخل محبوسین بود بتقریب از قلعه مزبوره فرار کرده و بهر
 طور بوده است باز دستگیر شده او را بفاس آوردند و در میان چهار سوق بچکم پادشاه فاس
 بقصر رسانیدند (گذارش فرات مثل ر دستکی سردار قشون آستریه را در روزنامه
 و نیز نوشته و تفصیل احوالات او را با بیطور شرح داده اند که مثل مشا را الیه در یکی از بلوکا
 شهر که موسوم بطراز است لوله نموده بعد از مدتی بکتابخانه بنیه دولت مزبور داخل شده و در کتب
 مزبور تحصیل علوم فنون نموده بر تبه و یکی رسیده و بعد از کتب مزبور میرون آمده در سلک خدمت
 عسکر تبه مرتبه اواعلا و ارتفاع یافته و صفت و پنج سال قبل ازین منصب میرنچکی نائل شده و در
 این منصب که بود مابین جنگی که در آن ایام مابین دولین آستریه و فرانس وقوع یافت مشا را الیه

۲۴۸۳

آثار نور و جلالت و حسن خدمت و شجاعت ظاهر ساخته در پنجاه و پنج یا پنجاه و شش سال
 قبل ازین مرتبه امیر تومانی رسید و از ایام حکم ناظیان بزرگ تا وقت انعقاد مصاحبه عمومی
 فرنگستان در محاربات واقعه دولت استریه همه جا آثار کفایت و رشادت از او ظاهر شده
 و رتبت او بدرجه مرشل که سرداری بزرگ است ارتقا یافت و سرداری مجارستان بامو
 گردید و درسی و هفت سال قبل ازین در منصب و حالت سرداری کل بقایم مقامی ایالات دبر
 ووندیک و لومباردیا منصوب شده و درین ایام موتیه و سال قبل ازین در محاربه که باهین دولت
 استریه و دولت ساردینیه روی داد چون مرشل شارلیه ریاضه مسن بود و بجهت ضعف پیری در
 اسب منیتوانست نشست گفته بود او را روی اسب بسته بودند و چند دفعه با سیطور در سرداری
 قشون جنگ کرده در هر دفعه فتح نموده و دشمن را شکست داده و گریزانند و نوشته اند که در بنا
 تمام در ستقامت روز جنگ مانند مرشل رالیه و هیچیک از دولتهای فرنگستان دیده نشده بود
 و گذشته از رشادت ذاتی بسیار خوش رکاب و خوش اغور بوده است چند وقت قبل ازین
 که ریاضه پیر مسن شده بود از خدمت استعفاء مرسوماتی که از دولت استریه در حق او
 برقرار شده بود در روزنامه های سابق نوشته شد در این اوقات در پهای تخت و منه از او
 فضا ارتجال نموده است (دیگر در روزنامه های رسمی استریه نوشته اند که در این ایام چون مصاف
 دولت مر نور از واردات و مالیات آن زیاده آمده است بجهت تسویه این جمع و خرج ترک تسویه
 بعضی راهها و ساختن عمارات دولتی که چندان لزومی ندارد از جانب امیرالطور استریه حکم شده
 که تا مدتی موقوف دارند و نیز در روزنامه های رسمی استریه نوشته اند که در اطراف شهر و
 صند و قها وضع کرده اند که در اول بهار آینده در روی آنها عمارات بسازند و بجهت کار کردن
 در آن عمارات صد هزار کس از عساکر دولت استریه معین کرده اند (دیگر نوشته اند که چنانچه
 اغلب دولتهای فرنگستان و در ترزاید قوه بجزیه خود استمام و اعتقاد دارند و ب اجتناب
 مبادرت فیما بین دولت و بنمارک نیز زیاد کردن قوه بجزیه خود مبادرت نموده در این اوقات
 دوازده قطعه کشتی جدید که هر یک پنجاه توپ و صفت توپ بکیر و قرار داده است که ساخته
 بجزریا بنید اند و در کشتی سازخانه دولت فرور مشغول ساختن آن کشتیها باشند
 که با تمام رسانده داخل دریایمانند

۲۴۸۴

اصول نظام

اینست جمیع سرکارگان از
 حکم نظامی در وقت و زمین
 حدت عظیم است از بی
 خلاف رفتار کنند و بخواهند
 بیعت الملک را در وقت
 در اجرای این احکامات که در
 مختلف گزینانند و بخواهند
 که مورد اعتماد خود و دیگران
 در جنبه احوال باشند

که چون منظور نظر کسیر نظیر و کتون منمیر غیر مرتب تجمیر سرکار علیحضرت قدر قدرت شایسته
 بجایه ایمان پناه روح العالین فداه تنظیم شکر و تربیت کاؤ نوکراست تا هر یک از طبقات نوکر را حدی
 در کار باشد و بدان قسم سلوک و رفتار نمایند و ارباب فم را از اصحاب سبب اقبال باشد و کاؤ شکر از
 حیث لباس و اسلحه و دیگران ممتاز آیند و نظر باینکه این لبه منداوله بران خاصه کلاهای بلند از حد
 و سطوت و مهابت که خاصه لشکر بان است دور و بطافت و نظافت که مخصوص اصحاب طاق و در واقع
 نزدیک بود و برای قشون و ارباب مناصب تن باین لباس مناسب و بایست این اسلحه و در تصرف مینمود
 و حال اینکه مایه تفرقه جو اس و خیانتان بود بدیهی است که جو اس ارباب منصب بی جمع تنظیم سپاه باشد
 نه در خیال قطع کلیه و کلاهی لهندام و معتز فرمودند که غازیان عساکر منصوره از طرفین کباب طرافت است تا چون
 و نامورین و متوقفین ولایات جاک محروسه از ارباب مناصب تن باین اسلحه و کلاهی لباس و اسلحه و در تصرف
 خود را این قرار بگذارند و اندازه کار و اخراجات خود را معنی دارند بوجه این حکم نظامی که در جنبه امر قدر قدرت

۲۴۸۵

قرار لباس غازیان معضله

مقرر قرار لباس

آقا جان قاجار و اهل کلبه عیون
 خواجین قاجار از غلام مشخص
 غلام و غیره
 نسیمان و جارحان و جانان
 دنیا دل و غلام و علمه اصیل
 دنیا جان جووان باشی و غیره

کلاه چسب استخوان معضله فوق باید در دو
 باشد مثل کلاه خراسانی از صاحب
 دروش از دو تومان و چیزی از زیاد
 قیمت نداشته باشد کمتر از پنج
 از تابین و احاد افراد از دو تومان
 باشد الی سه هزار دینار لا غیر

خارجادرو نوکر
 چادر پوش از میرنجه باین کسی نباید در اردو برد
 امیر تومان و میرنجه با کسی که در سنگ شمشیر بندشان
 میرنجه کی داشته باشد مختار است بیسنان چادر
 بی پوش شمشیری مثال ابره چیت یا فلک یا وارانی هر چند
 مختار است لکن پوش نباید داشته باشد و سر تنک هم چادر
 سر تنکی بکیر طبل میانس را هر چه بگذرد مختار است این در صورت
 سر تنب و سر تنک مسرا در دوی سفر کنند که نایب آن
 اردو باشد لکن اگر سر تنب را رئیس اردو کنند یا قشونی
 با و بسیارند و بجای مأمور کنند که بزرگتر از او در آن اردو
 قشون نباشد در آن صورت از دیوان اعلی چادر پوش
 با و داده خواهد شد که بعد از معاودت از سفر بتمام قشون
 مبارک که پس بر بد امیر تومان و میرنجه در برداشتن چادر
 پوش مختارند خواه با اردوی بزرگ یا منفرد باشند
 میرنجهها میتوانند روی چادر بکیر طبل خود آن پوش کوچکی
 بی نمدی و تجیر عرفین طور علاوه نمایند که تمیز نماید سر
 و سر تنب را بد و هم حفظ باران و سر ما کند اگر
 گذارند مجبور نخواهد بود

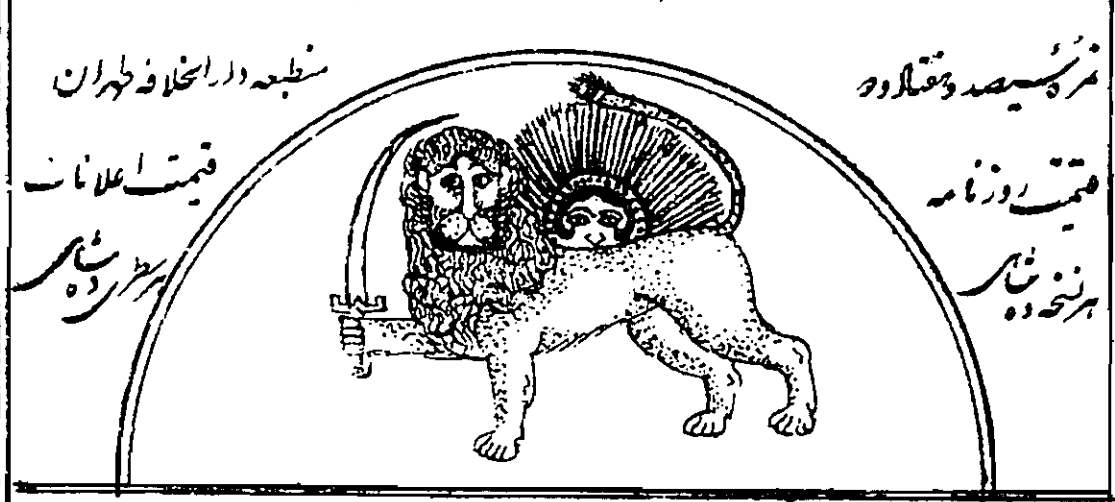
از امیران تومان و میران بچه و میران و سر مکان
 و صاحب منصبان قرار قراول آنها این است که هر یک قدر
 فوجی که ابوالکیمی دارند از هر فوجی دو نفر اردول داشته باشند
 مثلا سر تنب دو فوج دارد چهار نفر اردول داشته باشد و
 سر تنب یک فوج دو نفر طلبند زیاده ازین اردول در طلب
 خود نیندازند و نوکر هم در شهر و کوچ و بازار و غیره زیاده از
 قراول تقصیل ذیل مسرا به خود برندارند

| | | |
|--------|--------|-------------------|
| سر تنب | میرنجه | امیر تومان |
| ۴ | ۲ | ۱ |
| سر تنک | بدر | نام جوان باقی |
| ۱ | ۱ | مرتب اول و دوم و |
| ۱ | ۱ | سبب مثل سر تنب و |
| ۱ | ۱ | سر تنک و یا قراول |

زیاده ازین نباید نوکر با خود بردارند و سایر نوکران شمشیر
 هم از همین قرار موافقشان هر یک ازین درجات که هستند
 با خود میتوانند بردارند زیاده ازین بردارند مجبورند
 لکن در کفر مختارند

شده است قرار مفصله م نوره فوق را از حالت بر لغایت مت بکاه در حبسج مالک محروسه معمول
 دارند و دقیقه از وقایع آنها را معلوم و متر و ک بکنند چنانچه مقترب انخافان امیر الامرا العظام عباسفان سنیف الملک
 میرنجه بیایند بکاه این خدمت را انجام داده قرار باس چادر و نوکر هر کس از چاکران در باغ
 بر پنج مقرز گذارد و صورت این حکم محکم را مقترب انخافان سنیف الملک بیع دلالات وارد و با که قشون جمع
 و جمیع سرحدات متوسط و صحاب چا پار بفرستد و اقرام عدم تخلف این حکم را باید درند و محتسبین در
 دار الحکله و سایر مالک محروسه مأمور دارد که هر یک ازین اقرام تخلف و تجاوز نماید معروض دارد تا
 بعضی مواضع و عتاب در آید و اگر آن مقترب انخافان نیز در اجرائی احکام مرقومه تعلق و تسامح نماید مورد مواضع
 و عقوبت قدامی خواهد بود بجز درانی شهر حبس سنیف ۱۲۷

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه یوم ششم بهمن سنه ۱۲۷۴



نسخه در اختلاف طهران
قیمت اعلانات
هر خط شش

نسخه سیصد و هفتاد و دو
قیمت روزنامه
هر نسخه شش

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در بلاد او رو با بعضی اعمال صنایع غریبه متداول شده که در بلاد ایران سنه پیش از این
گفته از جمله راه سیم موسوم به کرافت است که در آن واحد از مسافه بعیده اجناس جدید را اجناس
چون استحصار و استطلاع بر آن صنایع عجیب ایجاب محض استماع بی معاینه و ملاحظه صورت نخواهد
یافت چنانچه اقدس عالیون شاهنشاهی ادا م الله ایام سلطنته مقرر شد که بر اقامت همسایگان
والاشا بنزاده علی قلی میرزای اعتماد السلطنه عالیجاه موسیو کریش مناسی معلوم کل توپخانه مبارکه
اسباب لازم این عمل را دستور العمل داده بانجام برسانند در مدت قریب ماهی آنچه لازم این کار
بدقت تمام و سعی بلین و جهد کامل صورت تمام یافت و در طول مدرسه دارالفنون سیم کشیده در دو
اطاق مقابل اسباب لازم چیده شد و سخنوی که مقرر است امتحان و تجرید کرد و قوه الکتریسته بطور
آه و سحرکت آلات مطلب بنویسند و ترسیم یافت و تعیین پوست که این عمل که معلم مذکور مدعی ظهور
آن شده است از قوه بفعل آورده است و در روز پنجشنبه گذشته جناب اشرف ارفع مختم صدر
وام اقباله عالی سنجیده ملاحظه و تماشای این صنعت غریبه جدید و بدرسه توجه نمود و بتفصیل و وقت
ملاحظه و امتحان فرمودند از اهتمام و کاردانی نواب و الاعضا السلطنه و تصرفات و در تقویت و بر
علوم مدرسه اظهار رضای خاطر نموده و معلم مذکور تحفاتی عطا کرده و عالیجاه رضا قلجان ناظم مدرسه
و بنا کرده ان توپخانه که درین کار و جنل بوده اند اکر ام و انعام تمام بطور آورده متعادت درجات بهر یک

۲۴۸۷

انعام رحمت کردند و فرمایش فرمودند که از عمارات خاصه مبارکه سلطانی تا باغ لاله زار سیم تکراف کشیده شود و بعد از اتمام منظر مبارک اعلی حضرت اقدس علی بن شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه رسیده بهر جانب از ممالک محروسه که حکم اقدس ملوکانه و ابر جناب اشرف اعظم صادر کرد در راه سیم تکراف اخبار ساخته و کشیده شود (چون عالیجاه مقرب المحضه العلیه محمد تقی خان خالو ولله نواب اشرف شاهزاده عظیم محمد تقی میرزا حکمران دار اسخلافه طهران در تربیت اقدس در رسوم و مشق و انجام خدمات نواب معظم البکال مراقبت و مواظبت راجع آورده و اهتمامات عالیجاه شاره را الیه در انجام خدمات مرجعه مقبول و مستحسن خاطر اولیای دولت علیه افتاده لند در این اوقات کیوب جبهه کرمانی خوب مبارک خلعت رحمت گردید و همچنین جناب آقا سید محمد معلم نیز که در درس و تعلیم نواب اشرف و الا اتمام نموده بود یکبارگی شال خلیل خانی هم در حق او رحمت گردید) (چون عالیجاهان میرزا علی اکبر و میرزا سید کاظم و میرزا اسمعیل سرفراز صند و قخانه مبارکه در سحر حساب جواهر آلات خاصه و جواهرات صرف جیب مبارک صند و قخانه و غیره لازمه امانت حوزرات ظاهر ساخته بودند لند در این اوقات توسط جناب جلالت آتای نظام الملک بهر یک کیوب جبهه کرمانی اعلی خلعت رحمت گردیده و میرزا عبدالعزیز خان مستوفی خاصه حسب الامر آنها را سخا کپای مبارک شرفیای ساخته مورد عنایت ملوکانه گردیدند) (امور قورخانه و جبهه خانه مبارکه از هر جهت کمال انتظام را وارد و آلات و اسباب حربه را که اولیای دولت قاهره در اول این سال و سنور العمل بعالیجاه میرزا حسین سررشته دار قورخانه داده بودند که در قورخانه و جبهه خانه مبارکه ساخته شود جمیعاً را خوب و پاکیزه ساخته و از عمده برآمد است و توپ و طپانچه و باروت و تفنگهای که درین سال من باب توجه و مواظبت اولیای دولت قاهره ساخته شد بهیچ وجه دخلی بعلیهای سنو آه قبل ندارد و کلاً ممتاز و پاکیزه ساخته شده است و همچنین از قبیل فشک و متاب و طراره و ماسوره و نارنجک و فاسقه و قناره و غیره با المضاعف از سنو آه قبل ساخته شده و کلاً را خوب ساخته اند و با آنچه که عالیجاه مبارک از عمده خدمات فخریه بخود بخوبی برآمد اولیای دولت قاهره در حق او کمال رحمت را دارند

۲۴۸۸

فترتین

از قورخانه که در روزنامه قزوین نوشته اند امور انولات از حسن مراقبت نواب سبط شاهزاده والا بنار عبدالصمد میرزا حکمران قزوین قریب انتظام است و مقرب انجانان حاجی حسن خان پیشکار قزوین در رغبت شرفیابی در با معدلت مدار عالیجاه تقی خان را بنیابت خود

در خدمت نواب معزنی الیه کذاشته و عالیجا پسر الیه کمال مراقبت و رسیدگی در انجام صدقات
محل تجود دارد و امور عرض و دادر عایا و بریارا بر حسب قرارداد مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان
بصلاح و صواب بد جناب شریعت آتای حاجی میرزا مفید شیخ الاسلام فیصل میدهد و همه روز
با تمامی اعیان و کدخدایان خدمت نواب شاهزاده رسیده امور و محلات اتفاقیه را
معرض و بد آنچه حکم نواب معزنی الیه شود معمول مبادرد و پیر در باب انتظام امر شهر و محلات
و کزنده و مستحقف ناکه و اتهام تمام نموده علاوه بر یکصد نفر کزنده ابراهیمی عالیجام و نواب خان
عالیجا علی بیک تفنگدار پادشاهی و آقازین العابدین فراسباشی باسی نفر فرانسوی ^{المقر} حساب
شهباز در بازارها و محلات گردش و رسیدگی کرده بحفظ و حراست مشغولند با اینکه سال
نوشته اند که بجهت بارندگی زیاد خرابی بسیار بخانهها رسیده و اغلب خانهها دیوارشان منهدم
گردیده بعضی دیوارهای سمت کوچه خراب و بعضی چهارخانه و پنج خانه بهم راه پیدا کرده
و لگ درزی و بهرزی بهیچوجه اتفاق نمی افتد و شرب و شرارت و قوغمی یابد و کمال
امنیت در شهر و محلات حاصل است (دیگر نوشته اند که رودخانه که از میان شهر ^{شهر}
میگذرد و آب اکثری از باغات و غیره از آنجا داده میشود درین سال بجهت کثرت برف و باده
خرابی بان رودخانه رسیده بود عالیجاه تقی خان درین باب اهتمام زیاد نموده کدخد
محل میدان کوسفند را خواسته قرارداد که از دماقین جمعیت کرده رودخانه مزبور را تعمیر ^{نموده}
پاک نمایند و هر جای آن که خراب شده و احتیاج لازم دارد بازند و یک نفر آدم ^{مستحق}
هم مشخص نمود که در سراب بخشان بوده بقدر کجایش رودخانه آب بشهر جاری نماید ویر ^{بجمله}
طغیان آب فی آنجه خرابی شدی که بسته بودند رسیده و تئولیس آن بود که آب طغیان کرده
سدر امهدم نماید و خرابی بشهر برسد عالیجا پسر الیه بنا و معمار فرستاده استخارا باز دید
کرده عله و بنا بکار انداخته که حکم مضبوط بازند) (دیگر نوشته اند که بابامهدی نام پاک
محل دباغان از بعضی اهالی آن محل و جی بخلاف حساب و حواله دیوانیان مطالبه می نمود استخانی
مزبور به توسط عالیجاه تقی خان مراتب را بعرض نواب شاهزاده رسانیده درین باب
تحقیق نمودند معلوم گردید که سابقا دیوانیان نخوابی از بیات اجرت عله عمرا ده کشتی دستکار ^{باین}
حواله کرده در ثانی این اشخاص را از دادن وجه مزبور معاف کرده بودند و شرا را بخلاف ^{مطلب}
وجه از آنها میبوده لهذا نواب معزنی الیه اورا تیه کرده از آن مثل مغزول نمودند ح

۲۴۸۹

خراسان

از فرار که در روزنامه حسان نوشته اند انتظام و اینست کامل در آن ولایت حاصل است خصوصاً در
 اوقات که نواب مستطاب شاهزاده والایا حسان سلطنت سلطان میرزا حکیم ان مملکت خراسان
 با قشون ظفر قشون شایسته و صفی ت مراد و دارند آن را بهای بسیار امن شده است و لشکر
 و معین ترکانان خراسان و مرد که سابقاً دست اندازی با طرف ارض اقدس سپار و لایات
 حسان میکردند در این اوقات از تلویش استبصال خود و بیم کمر منصرف همه فراری شده
 و همه امالی خراسان که امکان محل تاخت و تاز سواره ترکان بود حال آسوده خاطر و مرقوم
 و اردوی نواب حسان سلطنت در دست فرسخی مرو است و از وقت که عمده استظهار قشون است
 از خود کند م و سایر کولات نهایت و فور دارد و مورخانه بیم که مقترب انخاقان قوام الدوله
 پیکار مملکت خراسان از ارض اقدس روانه اردوی نواب معزتی الیه کرده بود صحیحاً
 بعد رسید بار و در وقت موقع خوب بار و در سیده دکمال استعداد از برای قشون
 حاصل است و از اطراف همه روزه از وقت بار و میرسد چنانچه تعبیر اجناس اردو را که
 چندان تفاوتی با تعبیر اجناس ارض اقدس ندارد بجز در بعضی چیزها از قبیل فند و غیره که
 با تعبیر نبت آنچه با تعبیر کلیه است از قبیل کدوم و جو و برنج و گوشت تفاوت کمی با تعبیر ارض
 اقدس دارد (دیگر نوشته اند از وقتی که نواب مستطاب حسان سلطنت مرور فرمودند
 مقترب انخاقان قوام الدوله حسب الحکم نواب مستیزی الیه همه روزه در دیوانخانه نشسته بعضی و در
 رعایا و انتظام امر ولایتی و انجام خدمات و مهمات دیوانی غیر دارد و معاملات و محاسبات
 دیوانی رسیدگی نموده امور مملکت را بهرجه منظم داشته اند اما کمال کفایت بطور میرسانند
 و عموم رعایا از حسن سلوک مقترب انخاقان مشارالیه کمال رضامندی را دارند (دیگر نوشته اند
 که دو نفر جنایات اصفهانی مدت یکسال بود در ارض اقدس جنایاتی میکردند و بجهت اصراف و اتلاف و هرگز
 یکصد تومان مقروض شده بودند در همین اوقات که نزدیک عید بود مردم رخوت زیاده بعد از
 تومان با نهاد داده بودند بدوزند و طلبکاران نیز مطالبه طلب خود را باینکه در رخوت مردم
 بعضی در ارض اقدس کرد و گذشته وجه نقد گرفته و باقی نفایس رخوت را برشته فرار کرده بودند بعد از
 طلبکاران صاحبان رخوت خبردار شده مراتب را بعضی مقترب انخاقان قوام الدوله رسانند فوراً چنانچه
 آنها روانه کرده چار در منزل میامی آنها رسید هر دو را گرفته بسته با ارض اقدس معاودت داد

۲۴۹۰

کیلان از قراریکه در روزنامه رشت نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت منقرب الخاقان
 امیرالامرا العظام عمید الملک قرین انتظام و بصیاط است و بامور ولایتی در فاه حال رعایا و انجام
 خدمات و مهات دیوانی وقت و رسیدگی کامل بعمل می آورد از جمله در دهم ماه جمادی الثانی بحجت
 سرکشی و انتظام امور سرحدات ازلی از رشت حرکت کرده بانجا رفته و بعد ربث روز در ازلی توقف
 کرده توپخانه و توپچی و سایر نوکرسا خدی آنجا را جزو بخرسان دیده و کارهای متعلقه این
 بدقت رسیدگی کرده و نظم کامل داده برست معاودت نمود (ذکر نوشته اند که در این اوقات
 چون اجناس ماکولات خصوصاً برنج در رشت نسیب هم رسانده بود و چندی قبل قرار شده بود که
 دکانی مخصوص در شهر رشت باشد که آنچه برنج از اطراف می آورند بان دکان بفروشند و آن
 دکان در بقیمتی که برنج را میخورد بهان قیمت بخلق بفروشد و بجهت گرفت و کبری که صاحبان برنج میکارند
 میکردند این معنی سبب مزید علت گردیده چندی مکارزبان آوردن برنج را موقوف کردند و برنج کم
 گردیده مردم گرفتار عسرت شدند منقرب الخاقان عمید الملک بعد از مراجعت از سرحدات ازلی این
 قرار را بهم زده قدغن نمود که هر کس از بهر جارج می آورد و خود در شهر بهر کس میخورد بفروشد و بی
 یکبار و پانصد تومن وجه نقد از خود داد که به ازلی برده برنجی که از ماندن آن بانجامی آورند خریده
 برست بیورند و بهر قیمتی که وارد شهر میشود بهان قیمت مردم بفروشند و نیز باری که از پیر بازار برست عمل
 می شهبانه ای که راه لای وکل است مکارزبان درین قدسافت که یکفرنج بهر قیمت باری پنجاه و شش هزار
 گرایه می گرفتند و این گرایه کرایه نیز یک سبب گرانی برنج و سایر ماکولات بود درین باب نیز قدغن آید
 نموده و آدم مخصوص تعیین نمود که در آنجا مراقب و مواظب باشد که باری دو هزار دینار بیشتر گرایه نگیرد خواه
 بارتجارتی باشد یا اجناس ماکولات کلیایکان و خوشا از قراریکه در روزنامه خوشا و
 کلیایکان نوشته اند امور آن ولایت احسن توجهات اولیای دولت علیه و مراقبت عاجله منقرب الخاقان
 محمد ابراهیم خان قرین انتظام و اقبیت کامل در آن ولایت حاصل است و بجهت رفع شرارت اشهرار و مفیدن
 که سابقاً مانع تربیتی رعایا میشدند در عایا ترک اطلاق و اوطان خود کرده متفرق میکردند در این
 همگی بر خانه و اطلاق خود معناه دست کرده مشغول عیسی خود میباشند بلکه بجهت حصول امنیت نفع
 وسی ساله با و طان خود مراجعت کرده با کمال آسودگی مشغول زراعت و کب و کار خود هستند و ناما
 نیز که رتبعاً مقصد شرارت و هزگی می شدند درین دو ساله که بکرات تبیه و نادیب پرتاشند ترک
 اعمال سابقه کرده هر یک مشغول خود و چه شده اند

۲۴۹۱

عربستان و برود چرد از قزاقچه در روزنامه برود نوشته اند امور اولیایات و
 انظام کامل است و نواب مستطاب شاهزاده والا با حشام الدوله حکمران عربستان و لرستان
 برود چرد و سخت ماری که نتیجه انظام و تضباط امور لرستان و عربستان غنیمت کرده بودند در روز
 هفتم ماه جمادی الثانی وارد زفول شده در حاج زفول اردو زدند فوج ناصریه و فوج امرانی لرستان
 و سوارهای دستجات باطلان و خست ماری و سه عراده توپ که همراه داشتند یکی بقاعده نظام
 با سگوه تمام بودند (دیگر نوشته اند که چون راه چایدر لرستان که راه توپ روات از
 کنگان و آب چایدر باید عبور کرد و امسال بجهت طغیان آب عبور توپ و سه بارزوبنده بدون کلک
 مشکل بودند احب الحکم نواب حشام الدوله عالیجاه میرزا عیاض الله خان نایب زفول چهارم
 کلک چی قبل از ورود اردو چایدر حاضر کرده بود اردو که با بنجا وارد شد یکی را از آب سجوی عبور
 دادند (دیگر نوشته اند که امسال بی که در مادیان رود حسب الحکم نواب حشام الدوله ساخته شده
 بود زیاده بجای عبور سه بارز و توپخانه و اهل اردو آمد و چون در کمال استحکام و خوبی ساخته شده بود
 عالیجاه فتح الله خان که مباحثه ختن بل مزبور بود مورد نوازش و التفات نواب مغزی الهیه که
 (دیگر نوشته اند که از روزیکه نواب مستطاب حشام الدوله از عربستان حرکت کرد نواب
 ابراهیم میرزا نیز حسب الحکم نواب مغزی الهیه با دو فوج فرامانی و سه عراده توپ سمبت جانکی و از آنجا
 سمبت راه فرود از آنجا با هواز و از ابوز بجایزه حرکت کردند و در هر محل بقدری که لازم بود توقف کرده
 نظم داخله و خارجه را داده معسرتین را بقیه نموده کافی که مصدر زحدت گذاری شده بودند مورد
 نوازش و التفات گردیده و نواب مغزی الهیه مادهم ماه جمادی الثانی که تاریخ روزنامه اولیایات
 در جویزه بوده اند (دیگر نوشته اند که باغ بنوار که از باغهای خوب زفول و در سمت هنر کرخه
 واقع است چند سال بود که بجهت مجاورت الوار و اعراب عمارت باغ مزبور خراب و اشجار آن
 اغلب خشکیده و از اثر افتاده و خرابی زیاد با و راه یافته بود حال مدت دو سال است که نواب
 ابراهیم میرزا اوقات مصروف عمارت و آبادی باغ مزبور نموده و اشجار در آنجا غرس کرده
 امسال هم عمارت بسیار خوبی در محل قدیم عمارت آن باغ طرح انداخته و با تمام رسانده آن
 و با لفظ باغ مزبور در کمال حضرت و خرمی و صفا و از ابادی سابق بهتر و با نظم تر است و همچنین
 در اغلب جا که عبور کرده اند از مزارع و دایم میرجا که خرابی داشته است قدغن کرده اند که
 معدود در صد و آبادی آنجا برینند

۲۴۹۲

اختار دول حاجه که از روزنامه های حاجه ترجمه شده و نوشته شود
 از قرار که در روزنامه با وید را نوشته اند چنانکه در اکثر حکومتهای فرنگستان متداول است
 با وید را نیز فراقی که نخواه بجهت آنها لازم می شود ملبوسات ریش کرده منفع جربی و بعضی بدون نفع
 وجه بگیرند و این معاطه در با وید را در محل مخصوصی قرار یافته است و اشخاصی که برای گرفتن
 بان محل میروند بعضی وجه قلیل المقدار میخواهند بفرصت صاحبان خواه رفتن با آنها گران می آید
 لهذا بواسطه ستاره که در دربان محل دادوستد میکنند اشیاء مهربونه خود را داده میخواهند
 بنمایند قرال دولت با وید را بجهت نقیض احوال تنه خود گاهی بصورت بدیل بعضی جاها گردش
 میکند بنا بر عادت معهود در این اوقات بهیئت یکی از احماد الناس بان محل رفته در جلوه دربان
 محل داخل آن اشخاص که سباب آورده و پول میخواهند پسندیده بود درین بین یکی از سماران
 آمده گفته بود میخواه ضرور دارید اشیاء مهربونه خود را بدهید هر قدر میخواه که میخواهید بیادوم
 قرال مشارالیه بالا پوش خود را بان سمار داده دست بر درون برده صاحب میخواه برین
 پنجومان قبول کرده و مبلغ مسطور بتوسط سمار مذکور بقرال مشارالیه تسلیم شده بود و بعد از نیم ساعت
 باز قرال مزبور میخواه مرقومه را بان سمار رد نموده و بالا پوش خود را گرفته و علاوه بر وجه مزبور
 وجهی نیز بان سمار بخشیده و بالا پوش را بمنزل آورده تحقیق کرده بود که خاتمی که این بالا پوش را
 دوخته است چند بهای آنرا گرفته است و کمال خرج بدفتر رجوع کرده معلوم شده بود که خاتمی
 تومان بهای آن بالا پوش را گرفته و در دفتر تصارف ثبت نموده اند از اینکه خبری که برین چندگان
 بردارند منتهای مرتبش ده تومان بیشتر از آن نخواهد داشت از فقره نقلت خیاظ ظاهر گردیده
 قرال مزبور حکم بحبس او نموده و اجزای مجازات و رزق او بعل آورده است (دیگر در روزنامه
 رسی لندن که از دفتر مجلس تجارت نقل نموده اند نوشته اند که از ابتدای سال گذشته مطابق
 هزار و شصت و سی و هفت عیسوی در مدت یکسال کشتیهای که بجهت مخالفت هوا و مخاطرات دیگر
 سگته و غرق شده اند عدد آنها بدو هزار و پانصد و هشت و نیم قطعه کشتی رسیده است و تصدیف
 آنها از سفاین تجارتی انگلیس بوده اند پنجاه و یک قطعه آنها محترق و مابقی غرق شده اند و صد
 یک قطعه ازین کشتیها معلوم است که در کدام محل غرق شده باشند و ازین کشتیها یکصد و چهار
 قطعه کشتی بخار و مابقی کشتی بادبانی
 بود است

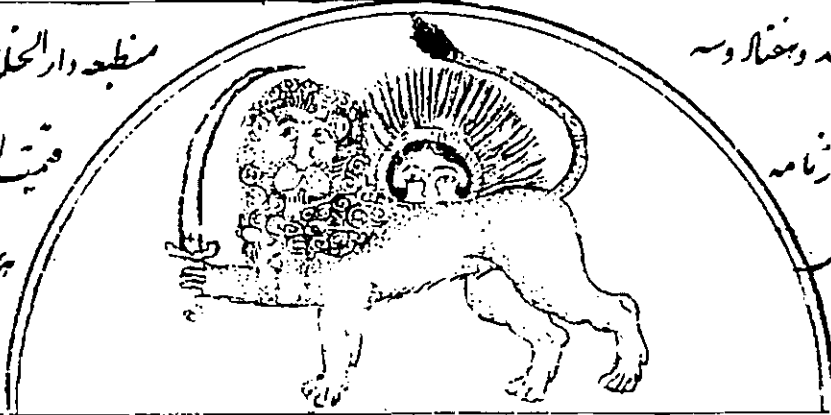
۲۲۹۳

از فرار بکه در روزنامه جریده الحوادث اسامی قبول نوشته اند در ایام سلطنت سلطان سلیمان خان غازی که مسجد جامع سلیمانیه را در اسلامبول ساخته و دار الشفا نیز در آنجا برای مجانبین حکم سلطانی ساخته شد و مخارجی از دیوان برای ندای او معالجه آنها مقرر گردیده بود بعد در ایام باصول موضوعه آنجا خلل راه یافته چنانچه در اطاقهای اول آن حیوانات حتی از قبیل سباع خار و غیره جای داده و در اطاقهای دویم مجانبین را برنج میخوردند و شستند چون قانون خلاف شریعت بود در سال قبل ازین علیخضر سلطانی حکم تبعیر آن دار الشفا نموده و اصول نافذ و خیره آنرا تحت انتظام در آورده و اطباء و خدمتکار معتمد و مخارج دو و غذا برای مجانبین مقرر شد و در این اوقات یکی از اطبای آنجا که با ما بشهر روزنامه جریده دوست بوده او را بتماشای دار الشفا می فرود دعوت نموده و مشاهده را با ما رفته دیده بود که بیست قدمه آنجا بکنی تغییر یافته اطاقهای متحد و ایوانها و مطبخ و سفره خانه و خوابگاه علیحدگی ساخته شده و همه بآب لایزمه در آنجا موجود بود در ایوان اول آنجا در آنجا نیز بی قید و آرام درشتند و همه بسیار لطیف و کیزه پوشیده بودند و بر جویسته ما بشهر جریده روزگار استعمال کردند از استراحت حاضر آنها سزا داشت چه آنها عاقلانه گفته و از غیای سلطانی الهام شکر کردند یکی از آنها از طبیب احوال ما بشهر جریده راجع باشد وقتی که فریب ما بشهر روزنامه است فی الحال صفحه نوشته و خوش نمود که روزنامه جریده مجانبین با او در شرح آن صفحه است که من در جواب آن سرای در محله احمد که خدا ساکن بودم چندی پیش ازین با احتمال الفحال دماغ مبتلا شده به بیمار خانیه سلیمانیه که مجانبین اختصاص دارد وضع گردیدم و در بهر جهت علیخضر سلطانی معرفت اطبای آنجا کسب صحیح نموده و از ادای سکران عاجز و قاصرم چنانچه بیمار خانیه من روز بروز کیفیت نقصان بیشتر و با کمال استتجاب و ترخیص بودن بیای و الای سلطانی در بر منفعت یک نسخه از روزنامه جریده مجانبین استدعی نمایم که بمطالعه حوادثات العاقبه آن مشغول نموده بلکه حیالات بهبوده باین واسطه بکنی ترک خاطر بشود و اعطای این جریده را که مستدعی شده ام حمید و فحائل من نیز مستدعی گشته باشم با بکلیه ما بشهر روزنامه منور نوشته است که از آنجا با ایوان دیگر اطاقهای دیگر رفته مجانبین دیگر دیدم و درجات جنون شدت و ضعف داشت ولی بیچیک معتمد بودند و مطبوعات و پر بهرانه بجهت همه عیب بود و همه این مجانبین صد و پنجاه نفر بودند و از دیوان ما بشهری که در آنجا بود در زیر حکم او سه نفر طبیب و یک کاتب و یک پیش نماز و یک دو اساز و هفت نفر خدمتکار با نور مد او و برتری آنها پند و انداختند در صورتیکه سرایت جنون در نزد حکما ثابت باشد از آن نامورین حالت جنون در کسی ملاحظه نشد مگر پیش نماز آنها که از بیچیک سال قبل ازین تاکنون مقصد معاشش که تخمیناً دو تومان باشد با ماتم مجانبین اقدام دارد و درین مدت مطلقاً توسط معاش خود توجه نموده است و دیگری دو اساز آنها که ساعت خود را بجای یوسف نام ساعت ساز که یکی از مجانبین آنجا بود داده بود که تعمیر نماید و هم ساعت را حوز و و خراب کرده بود و علامت سرایت جنون درین دو نفر مشاهده شد

۲۴۹۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شعبان ۱۲۷۲

| | |
|------------------------|------------------------|
| منطقه دار الحکله طهران | مژده سیصد و پنجاه و سه |
| قیمت اعلانات | قیمت روزنامه |
| بر سر هر خط | بر سر هر خط |



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الحکله طهران

در شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت و سی دقیقه از دست ساعت گذشته تحویل نقاب سراج محل گردید
 عبد نور وزیر بنظرانی وقوع یافت اکثری از مجتهدین عظام و علمای اعلام ذوی الاحترام و خواص محترمین شاهزادگان
 و امنای دولت علیه و مقربان حضرت کردون بطبقت و سران و صاحب نظران هم و بر در مجلس تحویل و در صفت
 سلام بر حسب دعوت و اخبار حضور داشتند تقدیم مبارکبادی عید فرمودند و از انعام ملوکانه و شاهی شرف و عید
 بهره مند گردیدند و مجلس تحویل بسیار شکوه و شکواییه منعقد شده بود و علیحضرت آقا حسن هایون شاهنشاهی توجه خطاب
 هایون را بجا بجا بشارت ارفع مجد صدر اعظم قوجه و مقرب فرمودند که اسال ساعت تحویل سال جدید در
 اخیر شب اتفاق افتاد و بالتصوره و مخبر کمال مزاج و خستگی وجود ما و طربان حضور خواهد شد جناب شرف در خواب
 و نایب هایون عرض داشتند که اگر چه برای جا کران حضرت وقت خواب و راحت معناد قدری دیر میشود و
 از زیارت جمال مبارک علیحضرت شاهنشاهی و شرف التواضع حضور آقا حسن چه قوتهای روحانی و چه خرمیهای لغزانی
 حاصل خواهند شد و انکس در چنین ساعتی از شب که نزدیک سحر و بقی شمع شریف بهترین عادت است از روزی و هنگام
 دعوت علمای اعلام و فضیلهای ذوی الاحترام که از صمیم قلب خصوص نیت استغاثه و مسئلت دوام دولت ابدت و
 سلامت دانت ملکی صفات هایون را از درگاه خداوند خوانند کرد البتة در عقبه قدس خداوندی بفرما خواهد
 خواهد افتاد و بعد نسبت بهر یک از علمای اعلام اظهار افت و عطف ملوکانه و ازیر یک از خواص حضرت هایون تقدیم
 شانه فرموده و ولی از اینست و انظام کثرت و شکر بیان فرمودند و جناب شرف مجد ارفع را مخصوص بالفتاح خسروانی
 از سعای جمیده و خدات جلیله ایشان خستودی خاطر آقا حسن هایون را اظهار فرمودند و جناب محترم الیه نیز با ابرار

۲۴۹۵

گشوده بتقریرات طبعه و بیانات ایقده عرض آستان و لشکر محصور مهر ظهور هائون نمونده فردای آن روز که روز عید نور بود
نظر بریکه سرکار اقدس هائون شاهنشاهی دامت شکره که تا قریب صبح نشسته و بدست مبارک تمام اهل سلام شاهی شرفی عثمان
میفرمودند قدری کسالت خوشگویی بروج و مسعود عارض شد بود سلام عام و شیطان و شکر را در آن روز موقوف نموده
مهر طلعت هائون که عمارت از یکپوش جبهه ترمه شده مرتفع اعلی و کثوب قنای ترمه اعلی با تشریف جناب شرف احمد
عظیم فخر عنایت فرمودند و بجهت جلالت نظام الملک کثوب قنای ترمه عظیم خانی اعلی و کثوب قنای ترمه طلعت عیدی
فرمودند فردای آن که یوم دوشنبه بود حسب الامر فرار سلام و در یو اتخانه بزرگ داده شد جنابان سفرای دول محتاجه
چون اگر هر یک جداگانه شرفیاب حضور هائون شد عرض تنبیه میبگفتند طول میکشید و وقت سلام و یو اتخانه بزرگ و سلام در
که عموم نظر مقدم هائون بود میگذشت لهذا حسب الاحزاب جناب وزیر امور خارجه در ساعت معینده کیشکخانه حاضر شده و با تشریف
امیر الامرا العظام لشیک آقاسی باشی صرف شربت چائی کرده بینه اجتماعیه شرفیاب حضور آویس اعلی شده و سرکار اعلیحضرت
شاهنشاهی خلد الله ملکه بود جنابان سفر اقطار هائون پادشاهی تشریف فرمای طلاسند و از هر یک مخصوصاً انعقد ملوکانه و
رافتهای شاهانه بعل آورده بعد از زمانی مکث و انظار عطفت جنابان سفر او اخباری سفارت ایشان را حسب باطن و دیگر
و جنابان سفر از آنجا بدین جنابان شرف احمد و کجاست نواب استیلاب شرف ارفع والا و سعید دولت ابد القابادرت کرد
بکمال احترام و اغراض رسم مبارک با بعل آورده راجعت نمودند عالیجنابان محبت سران صاحبان سفارت مجلس بواسطه
تغایر فراموش جناب جلالت تاب و زینت خرد و کلب مجلس خود معذور بود عصر همان روز جنابان سفرای دیگر فردای آن روز مطابق
جناب جلالت تاب نظام الملک جناب وزیر امور خارجه و مقرب الخاقان نتیجه الوزر العظام و وزیر لشکر رسیدند با تشریف در روز دوشنبه
شاهزادگان عظام و اعظم و اعیان جا کران دربار هائون از سران صاحبان نظام و خوین عظام اول مجلس جناب شرف ارفع
صدراعظم که در عمارت متعلقه خودشان نشسته بودند آهه صرف شربت و شیرینی نموده و مبارکباد گفتند و بعد از صرف نهار ابد
اعلیحضرت شاهنشاهی رفتند تحت مراد یو اتخانه بقفوج و فایض ایچو هائون ریب و زینت افشامی دو علییه شاهزادگان
و خواجگان در بر سپهر ام و سران و صیحه نظام و خوین و ارباب قلم و سایر خدم و حشم و تعداد کجایش دیوانخانه مبارک از توپ
و سبزه هر یک در مرتبه و مقام خود ایجا شکر توب و زینت قانون معمول این دولت علییه و سرکار اعلیحضرت قوی شوکت
هائون درم جناب شرف فخر را خجالت نموده فرما لبهائی که باعث امید داری و دلگرمی عموم مالی ملک از سپاهی ویت بود با الفاظ دربار
و ادعوی بعد از آن عالیجناب خطیب با دای خطبه بیع بنام سرکار اقدس هائون و ام پدی از یاد دولت و سوا بر موقوف نمود و عالیجناب
سیر محمد علی شمس شرفیاد که در تشریف نور چون لالی آبدار برشته نظم کشید بود و معروض بیجا حضور مهر ظهور با آواز بلند گویند که در یک
و اقصان حضور نموده مورد کسین و لغات حسروالی کردید سلام عام بخیر منقشی بعد از آن ظاهر آنرا بون سالار سردرب و آنجا که شرف رسید
ارک است تشریف فرما که در مالی دار الخلافه که از صیغه و کبیر و برنا و پیر رسید انرا که مجمع بودند از زیارت وجود فایض ایچو یکدیگر چشم
و او در آنجا نیز شاهی و شرفی بعضی ارباب طلب و غیره رحمت گردید

۲۴۹۶

چون در بر ماه چند فقه اخبار از اطراف مالک محروسه بنویسد روزنامه نویسان بنزد عالیجناب میرزا جبار ناظم المهام میرسد و هر یک از ذقاج که مناسب احوال روزنامه باشد در ضمن روزنامه در اختلاف طهران مینویسد لهذا در طی روزنامه گذشته فخره کاظم نام افشار دزد را که تکلیس اسم خود را مشدی علی ابروانی خوانده و طالب حمایت جنرال تونسو لکری دولت بهینه روستیه شده بود نوشتند و بی خبر از اینکه فخره مزبور به ما بین اولیای دولت علیه و سفارت دولت بهینه روستیه در کمال دوستی و صفا نگه داشته و مستغنی از کمار شده است چون این کیفیت علی الظاهر حسن مراد و دوستی است که سر حد کمال حاصل است فی الحکمه در نظر مای مردمان خیبر تبریدی انداخت و این خود غایت منظور اولیای دولت علیه بود لهذا مختصری در ضمن این روزنامه اعلام میشود که اگر در تبریز از کاظم دزد چنین حرکتی صادر شد و کسان جنرال تونسو لکری در بادی امر خود استند حمایت از او نمایند بی بر عهد بنود چنانکه بعد از تحقیق و غوررسی و دستن اینک ابروانی بنوده و دزد و دشت معروف بوده است انصاف داده خود را از ان مداخله و پس کشیده اند واضح است بعد از آنکه دولتیان سر حد کمال باشد و کارگذاران طرفین در اجرای حقوق یکدیگر نهایت اهتمام می باشند این نزد پدای شجاعت بالمره از ما بین برخو استه خواهد بود همچنین در باب غرامت فاضل تومان که قبل از تحقیق و غوررسی کامل از جانب کارگذاران آذربایجان و چه مزبور را از عالیجناب جواد خان شقایق گرفته بخواجه کالوس تاجر باشی تجار دولت بهینه روستیه داده اند مقصود آنست که در تحقیق و تقییس مطالب تنه دولت و اجرای حقوق آنها نمانی شود بلکه مقصود این است که کارگذاران این دولت در امور خودشان سهولتند و هر قراری که میدهند در طبق قاعده باشد باشد نه از روی ظلم و اغراض که باعث اذیت بی گناگان و نابوسی نوک و رعیت اعلیحضرت شاه حججه خدایه بلکه سبب طمانه گردد و این تربیت دولت علیه از کارگذاران و چاکران خود دلیل آن می شود که در اجرای حقوق دول دست بی اهتمامی رود چنانکه حکم صریح اولیای دولت است که در همین فقره ادعای خواجه کالوس موافق قاعده و قانون اتهامی بسزا بتقدیم برسانند تا امر واضح شود و در صورت وقوع دزدی مال مسروق بعینه پیدا و مرتکب آن مورد است کرد (نظر بطور و فورم جسم خاطر اقدس مایون شایسی در حق مقررت انجمن میرزا عبداللہ خان مستوفی خاصه در روز شنبه گذشته بکوش جنبه ترم از طبوس خاص بدن مبارک که نواب مهد علیا دستگیری دامت شوکتها در ضمن رخت عبیدی خاتمه آت مایون با تمام سنده بودند در حضور ک...

۲۴۹۷

بمقرب الخاقان مشارالیه بجهت مزید افتخار او مرحمت فرمودند (چون نسبت بمقرب الخاقان ^{لعلهم} نخبه لوزن
 میرزا علیخان در زیارت عسکات عالیات بواسطه وفات مرحوم موسی خان برادرش و همچنین
 بجهت فوت والدۀ آن مرحوم که هر دو بامقرب الخاقان محسبی الیه سم سفر راه زیارتش بودند
 خدمات و واردات زیاد رسید و طول و دل شکسته گردید لهذا سرکار علیحضرت قوی شو
 اقدس ملوکانه شاهنشاهی خلدانه ملکه و سلطانه محضتینت خاطر و رخص دل شکستی مقرب الخاقان
 معزی الیه یکتوب جبه ترمه اعلی از طبوس خاص همایون بشه لیف او معزز و فرمان مرحمت
 توامان بافتخارش صادر فرمودند و مصحوب آدم مخصوص از جانب مرحمت جانب همایون
 ارسال شد که در اماکن مشرفه بمقرب الخاقان مشارالیه اطلاع شود و بواسطه این مرحمت و
 تفقد ملوکانه تسلی پذیر گردد (چون خاطر مهرنظاره امس علیحضرت شاهنشاهی خلدانه
 ملکه و سلطانه از تکمال صداقت و دوختواهی و فطرارادت و خدمتگذاری جناب وزیر
 امور خارجه نهایت شهودی حاصل است و در این اوقات خدمات و زحمات جناب
 معزی الیه را امتد رجا خاصه در حبس و لیعهدی نواب مستطاب شریف و والا و سعید و
 ابد بقا ابده الله و الباقه و مسوده فرمان همایون و ولایت عهد سلطنت در نظر حق شناس
 اقدس ملوکانه داشتند و رای بیضا صنیای مبارک لعلتق بر آن یافت بود که المتفاتی
 نمایان نسبت باؤمذول فرمایند لهذا در شب عید نوروز فیر و سلطانی یک اعمصای
 مرصع بجواهرین در حق جناب معسزی الیه مرحمت و مصحوب عالیجاه محبت مسراه میرزا
 سید کاظم سررشته دار صند و قحانه مبارکه ارسال فرمودند و هم در آن شب تحویل
 سال فرخنده فال همایون با عصای مرحمتی در پیشگاه مقدس و انجمن حضور اقدس شرف
 قبول یافته از الفاظ در برابر همایون هم مشمول مرحمت و الطاف ملوکانه گردید) (چون
 عالیجاه میرزا مهدی قمشی سفارت دولت قوی شوکت علیه ما مور پطر لورغ مدت شش
 منقضى شده در این اوقات که برب حکم اولیای دولت جاوید آیت مدبر با همایون
 مراجعت نمود محض مرحمت و عنایت کلماته شال کرمانی رزمردی علی برسم خلعت مبارک
 مرحمت گردید) (چون مراتب خدمتگذاری و صداقت شکاری عالیجاه میرزا رضای قمشی
 خاصه سابل در نظر اولیای دولت علیه مستحسن و مطبوع افتاده بود لهذا کلماته شال از جانب
 سنی الجوانب همایون علیحضرت شاهنشاهی خلدانه ملکه و سلطانه بزم بافتخار او مرحمت و عتاب شد

۲۴۹۸

آذربایجان

از قرار یک در روزنامه خوی نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت و اهتمام است
 که له نواب کامیاب والا محمد حسین میرزا حکمران خوی و سلاطین قرین انتظام و انضباط
 و در نظم و ولایت و رفاه حال رعیت و انجام خدمات و مهات دیوانی و اعلیٰ طرق
 و شوارع نهایت دقت و مواظبت عمل می آورند و همچنین امور شهر و محلات نظم تمام دادند
 و سرفت و شرب و شرارت بهیچوجه اتفاق نمی افتد و کسی قدرت برزک و حرکت خلاف
 حساب ندارد حتی چند نفر در محله قمار بازی کرده بودند آنها را گرفته محصور نواب معزی الیه
 آوردند و حسب احکام قبیله کامل نموده قلع و عمن کردند که کسی اگر من بعد برکتب اینگونه برزکها بنماید
 مورد مجازات و سیاست شود (دیگر نوشته اند که یک نفر از غلامان فضل الله نام مأمور
 آوردن یک نفر مقصر از دوات سلاطین بود چون مقصر مریز فرار کرده بود آن غلام بجهت
 داخل خود بنیای هرزگی گذشته و بمنسوبان آن مقصر بدون حکم از دست کرده بود مرآت
 بعض نواب محمد حسین میرزا رسیده فرستاده آن غلام را بحضور آوردند و حسب احکام
 و سیاست کامل نموده و جزئی مسبلتی هم که بشلاق از غنوبان آن مقصر گرفته بود از او
 مسترد نموده فرستادند در سلاطین باطلاع علمای آنجا صاحب تنخواه داده قبضه
 دریافت نمودند و قدغن نمودند که بعد از این اگر محصل و مأموری خود سر برکتب سبکونه نقد با
 نسبت بر رعیت شود مورد مواخذة و سیاست و قبیله باشد و ازین وقت در سید کی نواب
 معزی الیه بعض دوا در عابا و احقاق حق مظلومین کل انالی و رعایا کمال دعا کونی و شکر گذار پروردگار
 (دیگر نوشته اند که در دویم ماه رجب برکتب سبکینی در خوی دآن اطراف آمده دیوانه است
 بی ورت بهم رسانند و بعد از آن هم هر دو سه روز یک دفعه ریف جزئی می آمده و هوا هنوز همان
 سردی بوده است) (دیگر تعبیر غله و سایر اجناس و ماکولات آن ولایت را از قرار یک
 در روزنامه ماه رجب نوشته بودند که کم بوزن جدید بهرامشغال خرداری سردیوبان
 و جو خرداری دو تومان و هزار دینار و روغن یکمن پنجهزار دینار برنج یکمن شش عباسی
 یکمن چهار هزار و پانصد دینار پسته که اخته یکمن چهار هزار دینار کوستت یکمن دو هزار
 هشتصد و پانزده خرداری هفت هزار و پانصد دینار نان یکمن دو و عباسی و سایر اجناس
 و حبوبات نیز باین منطه مستور بوده است

۲۴۹۹

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده و نوشته می شود
 از قراریکه در روزنامه جریده المحدثات از روزنامه های پاریس نوشته اند از مشاییر مفیدین برای
 با چند نفر از اعوان و همسنگهای خودش که در دول فرنگستان بشارت مشهورند از سمت مجلس
 و بجزیم غزیت پاریس کرده بودند در باب خبر دار بودن از احوال آنها و بیت آوردنشان از
 سیم لغراف پاریس اخبار شده بود ولی در پاریس اعتساب این خبر مکرده بودند تا در شب میت و نیم
 ماه جمادی الاول که اعلیحضرت امپراطور فرانسه باز و چه خود در کالکته با کوبه امپراطوری تاجان
 بزرگ اویره نام غزیت کرده بودند در حینسی که در جلوتاشاخانه از کالکته پانین می آمدند و جمعیست
 در آنجا بودند ناگاه سه دفعه صدائی مانند صدای گنگ بلند شد و سه عدد چهاره دستی بطرف اعلیحضرت
 امپراطور و جمعیست طرقتس انداختند بارچه از اجزای چهاره از نزدیک امپراطور گذشت ولی هیچکس
 سرزنشاند و امپراطور فوراً بتاشاخانه داخل شد و کل اهل تاشاخانه بشکرانه اینکه اسپسی بدت امپراطور
 نرسید صد بلند کرده گفتند امپراطور سلامت باد و در آن جین که چهاره تر کیده بود و در بیرون
 تاشاخانه از تجمه امپراطور و سایر مردم صد و دو نفر و نه ررسل سب مجروح و تلف شدند فی الحال
 صنبطیه تجوی مرتکب این عمل برآمده رئیس این مفیدین پراری نام را با شخصی دیگر که یکدیگر در این
 چهاره در جیب او بود دستگیر نمودند و مجلس فرستادند تا معرفت قوسبون مخصوص تحقیق احوال
 آنها را نمایند و بهر اذعان را بدست بیاورند و سبب این حرکت از آنها تحقیق شود و اعلیحضرت
 امپراطور تا آخر مجلس تاشاخانه تشریف داشتند و بعد از اختتام مجلس منور بعبارت خود مراجعت نمودند
 در جین مراجعت االی پاریس که این قضیه خبردار شده بودند بزرگ و کوچک از زن و مرد در کویچه
 و باها صاف کشیده با و از بلندی گفتند که امپراطور سلامت باشد و عمر امپراطور دراز باشد و
 مسرت از سلامتی امپراطور میگردند و اعلیحضرت امپراطور بعبارت خود که رسیدند و کلای دولت و کمران
 ملت سجد شتافتند از سلامتی امپراطور ادای شکر گذاری نمودند و اعلیحضرت امپراطور بعبال و باز نامه
 آن اشخاص که از صدمه این چهاره تلف شده بودند ده هزار فرانق برسم انعام اعطا فرمودند
 (دیگر نوشته اند که در این اوقات اعلیحضرت امپراطور فرستادند فرمایش صیانت بزرگ
 که مجلس بال بکوبید نمودند و در آن مجلس شش هزار کس دعوت شده اند) (دیگر از قراریکه در روزنامه
 نوشته اند امسال در اغلب بیابانستان بسیار سخت شده و در بعضی محال که ابد برف نمی آید
 برف زیاد آمده است از جمله در خود مالطه که هرگز برف نچا طرند استند برف زیاد باریده و االی آنجا

۲۵۰۰

از اینر حله کمال تعجب را داشته اند (که از شرف و تشریف روسکی سردار بزرگ دولت استریت
 در روزنامه های سابق نوشته شده بود از فرار روزنامه وینیه که بعد رسید بجهت لغای نام شرف
 از جانب اعلیحضرت امپراطور استریت حکم شده است که از سواره نظام عساکر استریت دسته پنجم
 با اسم رادسکی موسوم شد و نیز خب احکام اعلیحضرت امپراطور در وقتش را لیه سیمه احترام اول
 قشون بری و بحری دولت استریت تا پانزده روز بلباس تعزیت متبلس بودند) (ملکت بیان که
 در سمت شرقی چین واقع و حاوی سیلیان که عبارت از نشت کرد و خلق باشد است) ای آنجا با
 درجه از امیرش با امانی خارجه و حمت و احترام دارند که راه تجارت بحیره چه باشد نماندند احدیرا
 از خارج با بخار راه میدهند و کسی را میگذرانند که از آنجا بیخارج برود حتی اگر بداند که کسی از آنجا
 میخواهد بیخارج برود او را بقتل میرسانند و در ایام و ویتسال قبل ازین بهر طور بوده است دولت
 با آن دولت فرار داده است که هر سالی یک فله کشتی تجارقی فلک متاع فلک با بخار برده و در عرض
 متاع بیان با بد بند وقتی که کشتی فلک لیکر کا آبخا وارد میشود از امانی کشتی بیکس بشهر آبخا راه
 و بنیاد احدی از کشتی بیرون بیاید و متاعی که آورده اند امانی آنجا گرفته متاع آنولایت با آنها میدهند
 و غیر این با کشتی احتیاط و آمیزش ندارند و امانی آنجا بغایت ادیب و هنرمند و اراضی آنجا بسیار غنیست
 حاصل آورد متاع و صنایع آن از متاع و صنایع هر جانی نفیست و قیمت دار تر و تصنیف بیشتر است و آن
 جزیره لیکر کا بهای متحد دارد و از کشتیهای خارجه اگر یک کشتی بجهت مخالفت هوایان طرفها بنفقه و بخار
 داخل لیکر کا بهای آنجا بشود راه میدهند در ایام سابق از جانب دولت روسیه و دولت مجتمعه سکی دنیا
 بجهت اینکه با امانی آنجا بنیاستی معاهده تجارت قرار میدهند و درین فرستاده و مقصود بعل نیاید از آنوقت
 این مطلب را موقوف داشته اند در این اوقات از جانب دولت انگلیس و فرانسه و مجتمعه سکی دنیا سخا
 با آنجا فرستاده شده حاصل ثمریت آنها این بود که در صورتیکه کشتیهای تجارقی دول مزبور از لیکر کا
 آنجا ممنوع بوده و امانی آنجا معاهده و معامله تجارقی تن در نماند کل لیکر کا بهای آنجا بلبه و سیتلا متصرف و
 کشتیهای آنها را صیبت خواهند کرد حکم آن بیان ناچار این معنی را قبول کرد و باین شرط که کشتیهای تجارقی
 دول مزبور بیک لیکر کا مخصوص آنجا راه داشته باشند و بعد از آنکه وارد شدند مطلقا از امانی کشتیها
 کسی از کشتی بیرون نیاید و ماکول و مشروب و دغال آنها را امانی آنولایت بکشتیها بزند و با صیبت معاهده
 با نظرفین تطبیسم داده از طرف دولت انگلیس یک قطعه کشتی بخار و از طرف دولت فرانسه یک کشتی
 نظراف حکم آن آنجا آمد اگر دیده و نظراف را تا ایامی حکومت کشیدند و از وضع نظراف که هرگز نماندند

بودند متعجب شده و بسیار خوششان آمد و کشتی بخار را نیز بلنگرگاه کشیدند بعد ازین مفتوح بودن را تجارت
 مائولاست بشرط طرور در روزهای لندن نوشته بوده اند (سابقا که از شش زلزله که در ناپولی
 اتفاق افتاده بود در روزنامهها نوشته بودند که بیت و پنجاه کس در آن زلزله تلف شدند بوجه
 که بعد رسیده در طرف چند بوم مسافت یکدیگر چهل دفعه حرکت ارض اتفاق افتاد چند قرینه کلی بزین مورد
 که اثری زانها نمانده است و چند قریه را نیز آب زدگرفته است و از سابق و لاحق اشخاصیکه ازین زلزلهها
 تلف شده اند عدد آنها را چهل هزار متجاوز در روزنامههای ناپولی نوشته بوده اند) (سابقا نوشته
 بود که خندق بیرون شهر و نیز پای تخت استریه را در اول این بهار قرار گذاشته بودند که عمارت نمایند
 و بجهت کار کردن در آن عمارت صد هزار کس را بکار کرده است استریه اختصاص یافته بود در این اوقات که زلزله
 شهری که در روزنامه و نند در خصوص این عمارت نوشته اند نفس شهرویه مسافت اطرفش در چهل و چند
 طی میشود و درجه و ستشش بیش ازین نیست در میان صد عمارت امپراطوری و عمارت و کلای دولت و کبرای
 ملت و دکاکین و چهار سوق و ازین قبیل بنا است و بجهت کثرت نفوس کوچها تنگ و خانهها گران بها
 گرایه زیاد دارند حتی در ادنی محلی اگر کسی بخوابد طاقی گرایه نماید کمتر از ماهی ده تومان ممکن نیست و محلههای بیرون
 شهر عادتاً مکان فقرا شده است و دکاکین موجوده بقالی و قصابی و سبزی فروشی متداولست لهذا بجهت
 وسعت دادن شهر که محلههای خارج شهر را نیز داخل شهر نمایند که هم درون شهر وسعت بهم برسانند و هم خارج
 شهر بجهت آبادی و مسورت درآید درین بخار قرار شد است که برج و باره و خندق شهر را منهدم و هموار
 نمایند و بعد از آنکه خارج و داخل شهر را بهم متصل کردند و کشیدن صور دیگر را لازم ندانستند اند فقط در بعضی
 مواضع مناسبه در شهر قرار گذاشته اند که چند قلعه بنا کنند و این اراضی که داخل شهر میشود هر کس
 ضرور داشته باشد بفروشند و از وجوهی که از قیمت این اراضی حاصل میشود اجرت عساکری را که در اینجا کار
 کرده اند موضوع نموده باقی را داخل خزانه نمایند) (دیگر در روزنامههای روسیه نوشته اند که بجهت
 شدت برودت که امسال در حومه بیک اتفاق افتاد و کشتی تجار تیگی از انگلیس و دیگری از روس در
 میان یخ انجماد یا قند بود بجهت بیرون آوردن آنها از میان یخ چند توپ با آن محل برده و بجهت اطراف
 کشتیها بسته کلولهای بیاینی خالی کرده و یخ را بهم شکستند و بیرون آوردند و نوشته اند
 که تا این ایام با بطور برودت و یخ بدان در آن اطراف مشاهده نشده بود و کسی یاد ندارد
 حتی آب که از پنجره میریختند بزین نرسیده بجمعی گردید

۲۵۰۲

روزنامه قایم اتقا و تبارخ نو پم بسبه زود شمس شعبان ام بن الفی تیسلسنه

مطبوعه دارالخلافه طهران

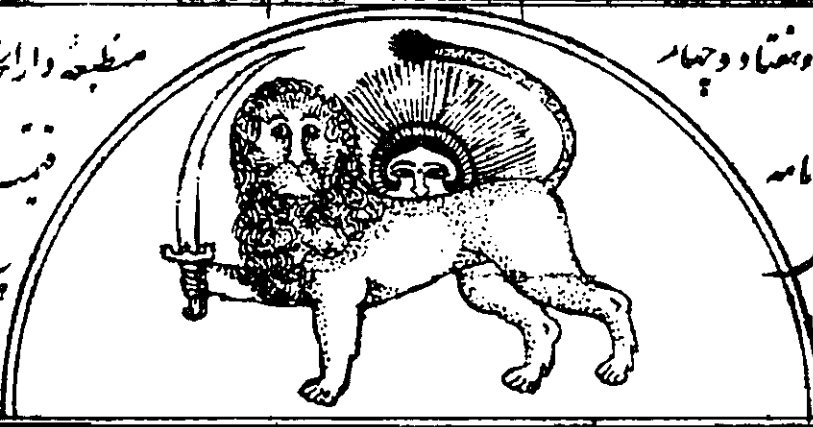
نمره سیصد و هفتاد و چهار

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر روز یک شمشیر

بر نسیخه ده شمشیر



اخبار و اخبار ممالک محروسه و نیا دشاھی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ایام گردش عید است امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردون بکلیت
 و قاطبه چاکران در بارها یون بید و باز دید یکدیگر مشغولند و هوا بهم سجد اند بسیار خوب است
 و بحسب برودت فی ایام از سالهای دیگر سردتر است ولی نه بجز بکند بنگو و اشجار ضرر برساند و بحسب
 و فوز بکند نعمتی در دارالخلافه مبارکه حاصل است و عموم انالی از اعالی و ادانی اسوده خاطر مدعا کو
 ذات اقدس علویون شاهی شتغال دارند (از جمله اعیان و معظله میر که سابقا درین دولت علیه رسم نبود
 و اعلی حضرت اقدس علویون شاهی خداوند ملک و سلطان باقتضای خلوص نیت و عقیدت ملوکا
 در حق ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملك التجار برقرار فرمودند عید مولود مسعود حضرت صاحب العصر الزمان
 قائم ال محمد صلوات الله علیهم اجمعین است که در نیمه شعبان مولد آن منظر الطاف الهی و وقوع یافته با رسال
 لوازم این عید سعید طقی اقدام فرمودند و این عید را از جمله اعیان منظم فرار دادند و معترف فرمودند که بر سال
 در شکل ممالک محروسه این عید را مانند سایر عیاد منظم در کمال احترام بگرداندند در شب چهارشنبه
 شب نیمه شعبان بود اسباب جشن و شادمانی در حضور همه ظهور فرام آورد و آن شب را عید شادمانی
 بسر بردند و روز چهارشنبه با نزد هم که روز عید بود تمامی امراد مقربان در بار گردون ام و خوانین
 از باب قلم بقرای اعیان منظم اول مجلس جناب شرف امجد ارفع صدر عظم الفهم و عمارت ارک
 مشغله بخودشان رفته و در خدمت جناب منظم الیه صرف شربت و شربنی و ادای نیت و مبارک و
 دور جان مجلس معرفت با حقان آنها همه حسن شدند و قدر کثوب چیده ترمه لاکه شمس مرصع سبکین از طبرستان
 خاص

۲۵۰۳

بدن مبارک از جناب سنی بجاوب قدس جان خلق عبیدی آورده از جناب جناب معظم المیه لوازم
توقیر و استقبال و احترام لعل آمده زین بردوش خود نمودند و حضار مجلس تهنیت و مبارکباد
و بعد از صرف بخار که سلام حضور مهر ظهور هایدون شاهی اجناس شدند در عمارت ملوک در باغ
پادشاهی است سر بر سلطنت بفرود فانیض الجود و تایون زینت گرفته سلام عبد قلی العفا و یاقوت
مناسی دولت علی و شایر اوکان عظام و سران و صاحب منصبان نظام و جوانین و ارباب علم
سایر خدمت چشم بر یک در مرتبه بجام خود استیاده جناب ملا ثناء شرف المجد ارفع صدر اعظم
نیز در اینگاه اقدس حاضر آمد بخطاب بمراسم آیات خسروانی مخصوص شد و از هر مقوله فرمایش ملوک
که دلیل کمال محنت و عطوفت نسبت به جمعی الهی مملکت از سپاهی و رعیت و آبادی مملکت بود با
که بار بار فرمودند و اجرای شکر توپ و زنبورک و ادای خطبه و تصدیق بقاعده معمول اعیان
سلام عید مولود مبارک حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه سحر می منقصد کردید (چون متوجه
امیر الامرا بطام محمد ناصر خان اشک آباقی باشی در سلام عبد سلطانی در نظم و ترتیب اهل سلام
و آراستگی و سکوه آنها اهتمام لعل آورده بود لهذا با عطای یکتوب جیه تره از جناب سنی بجاوب
هایون فرین افتخار و مباحث آمد) (عالیجاه مجدت سر راه حاجی محسن خان سر مشگ فوج نهادند که
نامور فارس بود چندی قبل که از فارس با فوج ابواجیمی خود مرخص و در نهادند مشغول نظام و
رسیدگی امورات فوج مزبور بود در این اوقات شرفیاب دربار معدلت مدارک دیده مورد عنایت
و مرحمت اقدس سنی بون شامی و اولیای و دولت قوی شوکت شده در ازای خدمات سفر فارس
یک طاق و شال لاکرمانی اعلی برسم ضعیف با تقی عالیجاه شالیه محنت شد) (عالیجاه مجدت رضا بیگ
یا و اول تو پنجاه مبارک که پسر مرحوم زینل بیگ با و شایر چون مدرس سالها خدمت کرده و در راه
در بهرات لصدمه کتوله توپ بصدق فرق هایون شد و خودش نیز در تو پنجاه مبارک یکتوب محنت کشیده
و در انواریت بوشه کمال رشادت از او بظهور رسید حسب فرمان هایون منصب جلیل سرسختی تو پنجاه
مبارک که برقرار و یک طاق شال کرمانی اعلی برسم ضعیف شالیه محنت شد) (چون عالیجاه مجدت سر راه
بیت صاحبان مویت بهم رسانده است که در در اختلاف بعضی امور لازم را بگذرانند لهذا از بس ایام
دولت خودش با ذوق شده که در بارهایون بیاید و از سفارت مستقیم پستور التمس دولتی قرار شد که
مجدت سر راه و کتن صاحب نیاید دویم سفارت موقر رفته در تبریز کخیل امور قونول خبر الی باشد و این

۲۵۰۴

دوره خواب رفت

دیگر نوشته اند که چندی بود بعضی اموال مردم در شهر و خارج برفت میرفت ولی سارقان
 نبودند و درین اوقات فحلی نام توپچی بازوجه خود نزاع کرده درخواست بود او را طلاق داده
 دیگر یکدیگر ضعیف نیزد علیچاه میرزا علیخان بیکر سکی رفته مذکور نموده بود که شوهر من سر کرده سابقین است
 و شبها با دستیاران خود بجانهای مردم رفته و زدی می کنند و با نفعی اموال مردم در
 خانه او پنهان است و سالی رفقای او در نیز قتل کرده علیچاه بشار البه قور آفر سزاده فحلی نام را
 با شش نفر دیگر از رفقای او دستگیر نموده و اطاقهای او را مهر کردند و شار البه را با سزادگان او
 محصور توپ مستطاب مؤید الدوله آورده بعد از تحقیق و تفتیش بشار البه حکم حبس او نموده معلوم کرد
 که این در زمان از طایفه زرگرند و شغل آنها توپچی گری است و از امر او خویشین کس طالب کشتن
 توپش باشد باین دست او بر پیش او نوکر میشوند و سه چهار سال است که در شهر و خارج شهر در این
 اقدام دارند بعضی از آنها در شهر و بعضی در خارج جادوشناسند و بر حد و کمر میروند در جن گرفتاری
 و در آن یکی از آنها فرار کرده بیان این زرگر رفته بود و از فرار قتل او آن ضعیف جمعی ازین در آن هم در میان
 بوده اند توپ معزی البه آدم فرستادند که آنها را هم گرفته بیاورند و از اموال مسروقه آنچه در خانه فحلی
 موجود بود آورده بشتنی دادن صاحبان مال و تصدیق سابقین صاحبان مال رد نموده و آنچه مفقود بود از
 قهر موردان برورسبت برد و کرمان برده بفرستد رسانده اند و اموال معترب مختار بن شبر الملک دولت آید
 و غیره که برفت رفته بود و کلا در میان این بسیار مسروقه بود و علاوه بر اینها قالی که رسانان و باب قلابی در
 اسباب آنها بود (علیچاه اما مفتی خان قاجار شیک افاسی توپ مستطاب مؤید الدوله در ادبیل جیب از مسطرا
 نموده جناب محمد مصاب زبیر ابوالاحسبید ثوبی امام مسقط کشتی خود را معتین نموده علیچاه بشار البه را از مسقط
 ابوشهر رسانده بود و از فرار غیر علیچاه بشار البه جناب امام مسقط لازم توپ و احترام را از آن در میان
 مبارک که سخته او انفاذ شده بود بل آورده و عریضه و در سس که عربی بسیار خوب خدمت توپ
 مستطاب مؤید الدوله فرستاده بود) (دیگر نوشته اند در پنج فرسخی بر که واقعه در تبرغان قلعه در
 بود و جمعی از معزین اعراب آنجا را کمن خود کرده بنیاد شرارت مینمودند و قلعه مزبورستی به بخیل بود و حرم
 عسید سعد خان امام مسقط قلعه مزبور را خراب و اثر آنجا را متفرق کرده بود و در این اوقات بازرسان
 اعراب مزبور در آنجا احداث قلعه جدید کرده و استحکام داده بنای بسیار شرارت گذاشته بودند
 جناب صید ثوبی بجهت رفع مایه فساد آنها این اوقات مجببستی فرهم آورده عازم آنجا گردید است که
 معزین آنجا را تهمینه و قلعه مزبوره را خراب نماید

۲۵۰۶

کرمان

از فرآیند در روزنامه کرمان نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت و کمال کفایت و اهتمام است
 امیرالامرا نظام سپهدار حکمران کرمان قرین انتظام کامل در فاه و امنیت از برای انالی انولایت
 امور شهر و محلات نهایت انتظام دارد و سرفقت و شرارت هیچ وجه اتفاق نمی افتد و همچنین طاق
 و شروع و منازل عرض راه آن سرحدات همه با مستحفظ سنجق و حرارت مشغول و عابرین از قوافل و
 روادار با کمال اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند چنانچه زواری که بزیارت عیالات عالیات رفته
 بودند سالم با وطن و امانی خود مراجعت کرده اند و نیز قوافل که از بنا در فارس و بزد و حران
 با متاع تجارتی عزمیت کرمان نموده بودند صحیح و سالم وارد گشته اند خود را فروخته و همه کرمان
 خریداری نموده معاودت کردند و یکی کمال شکر گذاری از افضت را به یاد داشته اند (دیگر نوشته اند)
 در غره ماه و رجب خلعت مهر طاعت مکرانه و فرمان هر معان که با عز از جناب قدوه العلماء و المحققین
 حاجی سید جواد امام جمعه و جماعت کرمان از جانب سنی بجا نوبت های یون الفاد شده بود بر تو
 وصول افکند امیرالامرا نظام سپهدار سجد اعزاز و احترام جناب معسری البیه و توقیر و تکریم
 خلعت های یون جناب معسری البیه را با جمعی از علما و فضلا و اعیان و اشراف و بشارت و غیره بدو
 ارتکب منزل خود دعوت نموده و در اینجا بدست خود خلعت های یون را زیب بر دو دست جناب معسری
 نموده لوازم دعا کوفی ذات اقدس های یون شهر یاری خلد الله ملکه و سلطانه بجزل آمد (دیگر نوشته اند)
 روزنامه ماه رجب که نوشته اند چون اوقات آخر سال بوده حکام و مباشرین بلوکات و محلات
 سجد گذراندن محاسبات گذشته و گرفتن دستور العمل سال آینده بکرمان احضار گردیده و محاسبات
 مقرب الخاقان میرزا محمد مستوفی پیشکار کرمان با مستوفیان انولایت برسد کی محاسبات و محاسبات
 ولایتی مشغول بوده اند (دیگر نوشته اند که در این اوقات ناخوشی بسیار سرفه و سرخچه در میان
 اطفال کرمان بهم رسیده است بطوریکه طفلی نمائند است که ازین ناخوشی بگرفته باشد و اغلب هم
 بهلاکت میرسانند کتری جان سلامت بد بر سر بند (دیگر نوشته اند که چند نفر فراچر لوب شنجانه
 شخصی شال بافت رفته سیرده طاقه شال کرمانی در دیده بودند درین راه که پیروند بقرادلان
 فوج کرده بر خورده قرادلان شالها را از سارقین گرفته بودند سپهدار او را در دست فرستاد
 شالها آمده شالها را با دست بنم نمود (دیگر نوشته اند که توبیخی و سیر باز سافل کرمان همه روز مشغول
 شش می باشد و از جانب صاحب منصبان کمال مراقبت در مشق آنها می باشد

۲۵۰۷

اجبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته میشود

از فرار یک در روزنامه فرانس نوشته اند از سفین تجاری بیکی دینا کشتی اورا ترق نام که سه هزار نفر و بار باری
 داشت از بیکی دینا حرکت کرده و چیزی بیکی که از ست اسپانیول میگذشت بکشتی بخار تجاری فرانس که این
 نام داشت بفرس بر خورده و بجهت جاسمت کشتی بیکی دینا کشتی بخار فرانس مشرف بفرق شدن کردید قودان
 کشتی بیکی دینا دید که خلاص کردن کشتی بخار از غرق شدن محال است در پیردن آوردن ادجای ان کشتی
 نقل کرده بود و قبشیش ایکه اگر آنها خلاص بشوند اینک این کشتی بیکی دینا سبب غرق شدن کشتی آنها شد
 ادای شهادت خوانند نمود آنها را بهان حالت گذشته و گذشته بود کشتی بزور با اهل ان غرق شد
 دو سه نفر از سیاحان که در ان کشتی بودند بفرسی به رورق و تخته پاره خود با صل رسانده گذارش را
 بان محل اجبار کردند و کشتی بیکی دینا از جانب حکومت توقیف شد تا بجا که آنها رسیدگی نمایند بعد الحاکمه
 حکم شده بود که اینگونه امورات ارضای اتفاقیه است و بگردن قودان کشتی بیکی دینا چیزی وارد دنیا
 مدعیان متقاعد شده و محاکمه را از سر گرفتند در ثانی هم همین جواب شنیدند با بنهم متقاعد شده محاکمه
 بجلس خاص دولت فرانس کشیدند و در اینجا قودان بزور از ایکه اقله اهل کشتی رسیده است از غرق شدن
 نماید و نقل کرده است تقصیر کردن او و او را در آن صد و شصت هزار تومان اورا تجریم کردند و با این جهت
 کشتی اورا بکشتی زخانه فرانس کشیدند تا ادای وجه بزور را نموده بعد از ان کشتی او مرخص باشد
 قودان بزور در اینجا با یکی از قودان سفین تجاری دیگر که در خارج کشتی سازخانه لکرانداخته بود
 در جزیره مهمت شده و از خارج تدارک بعضی اشخاص مجهول الاحوال شبانه شرع و سایر لوازم را
 از ان کشتی خارج خود در آورده و بجا رانداخته کشتی را حرکت داده از لکرگاه بیرون آمد و مستخفیان
 که در خارج بودند نیز غافل نموده کشتی را گذرانده بود روز دیگر در کشتی بزور معلوم صابطان محل گردیده
 گذارش را بواسطه تعارف بیکی دینا و سایر دول اجبار نموده و سه قطعه کشتی بخار دولتی نیز غصب او
 فرستاده تا بجا اینطور فرار کردن کشتی از کشتی سازخانه دولتی فرانس شنیده نشده و معلوم نیست
 که کشتی بزور بکدام طرف و کد ام محل فرستاده باشد) (دیگر در روزنامه نوشته اند که اعلی بیستین نام
 کنون روشنائی که بجای چراغ از بخار زغال سنگی متداول است ندیده بودند در این اوقات در
 شهر قلعونه کارخانه این روشنائی ساخته و بهر محل فانوسی وضع نمودند و از ان کارخانه روشنائی
 بان جایها تافت از ایکه کل این فانوسها بدست یک نفر روشن میشود و خاموش میکند و چنان
 رسید که صاحب این کارخانه با اتفاق اجته این کار را می کند لهذا بصحبت کردند که ان کارخانه را اجراء

۲۵۰۸

۷

مأمورین بمالعت آنها برآمدند و آنها را متفرق کردند و فرار گذاشتند که در آن کارخانه و در هر جا که فانی
 از آن روشنائی است و اول بگذارند که کسی در صد و خرابی انجاما بر نیاید (از فرار بکه در روزنامه
 جریده بمحوادث اسلامبول نوشته اند در میت و سیم ماه جمادی الاخره صورت مذکوره رسی که به
 سفارتخانه داده شده ازین قرار است از تبعه دولت علیه و از اجنبیه کسی که قدمه و کار و سایر
 آلات و اسلحه جارحه با خود بر میباشند و یا در جیب خود طباخی داشته باشند اینک فی الحال از طرف جنبه
 دسگیره و در روی اسلحه آنها اگر از نقره آلات و غیره باشد بصاحبان آنها رد شده فقط بیخه های
 اسلحه در نزد جنبه توقیف ضبط شده و این گرفتاران باندازه جنایت و تعصیرشان از سه ماه
 الی سال حبس باشند فرار داده شده و درین باب از سفارت های دول متخاصمه که بتبعه دولت
 خود این تمهیدات قویه مؤثره را القاد اجرا دارند باذکره التماس شده بود در این اوقات بموجب
 اشعار از جانب جنبه باز کرده او باش و سبک مغز آن تبعه خارجه بعضی آلات و اسلحه جارحه که
 منع شده بود بر خود بسته و ما بین آنها در منازعه خرابی یکدیگر را زخم زده بلکه را یکدیگر زوایای سبیل را
 هر کس آنها را ست بیاید زخمه دار و متحمل می کنند و گذشته از آن وقتی که دسگیره میشوند باران
 آنها آنها را با اسلحه که داشتند طلب می کنند منظور و مطالب از ممانعت مذکوره که ماده پیش بود
 فایده در او بچشمول نیبوسته و فی الواقع دوام و بقای اسکیونه امور خلاف قاعده سلوب الایرود
 جنبه بله تیر باعث میشود لهذا تمهیدات بقه بدین قرار تجدید میشود که بعد ازین هر کس از جنبه
 ممنوعه با خود داشته باشد فی الحال جنبه باید او را بگیرند و باندازه تعصیر خرابی آنها عمل آید و یا
 از مالک محروسه بدولتهای خودشان طرد و تبعید شوند و از سفارتخانه های دول متخاصمه نیز احوال
 این و آرا از جانب دوستان آنها درخواست میشود (دیگر نوشته اند که از انالی هند کرده می نشین
 پرست هستند بنا بقانون خودشان در اول کانون در بمبئی در یک محلی نشین بسیار افروخته و خند و خیل
 از اهل این ملت در اینجا جمع شده و در بین اینکه قربانیا درج کرده باش می انداختند و نظر از زبانان
 آنها از کمال شوق خود را در زبان نشین انداخته کتاب هندی ساختند (دیگر در روزنامه
 نوشته اند که اهلای برای کسب معلومات خودشان کسانی را که در بیمارخانه های غریب فوت میشوند
 کسی را اندازند آورده شرح بنمایند در این اوقات شخصی در بیمارخانه های غریب فوت شده اهلای
 او را آوردند که شرح بنمایند بعد از آنکه باروی او را بریدند جسدش سحرکت در آمده و رفته رفته
 صحت نموده الان در قید حیات است

۲۵۰۹

گذارش تزویج دختر علیحضرت پادشاه انگلیس به پسر نواب پارس و لعید پادشاه پرسیه که لادن
 نجایم متعاقباً پادشاه پروس منصوب است در روزنامه های سابق نوشته شده بود از قرار روزنامه
 لندن که درین اوقات رسیده است در روز یازدهم کانون ثانی رسم سور و عروسی فرمود
 اجری گردیده در روز مزبور شبلیکهای بزرگ و شبها چراغانیهای عظیم شده است و درستی
 که همراه عروس بود اند اسبهارا که بحال کسکه سواری اولسبه بوده اند کسوده و از اولاد کبرای
 انگلیس و طلاب دارالفنون بقدر مقصد نفر از بزرگ زادگان کالکته فرموده است تا سراسر عروسی
 کشیده اند و ازین قبیل انواع تکلفات و احترامات دیگر عمل آورده اند (دیگر در روزنامه های
 نوشته اند که نظر بسو مقصدی که از مقصدین در حق علیحضرت امیرالطور فرانسه ظهور یافت و بعضی ^{خطبات} طلاب
 دیگر پنج اردو که مرکز مجلس آنها در پاریس باشد و هر اردوئی در تحت حکومت صاحب منصبی که در پاریس
 مرشل باشد و جمله آنها در تحت حکومت ناظر حریه دولت فرانسه باشند مجتهد و ادراک پاریس بر حسب
 داده اند) (دیگر در روزنامه های سابق اشخاصی را که درین مقدمه قصد علیحضرت امیرالطور فرانسه
 بضرب چهارمائی وستی تلف شده بودند صد و دوازده نفر نوشته بودند موجب روزنامه که بعد
 عد این اشخاص را علی الحقیق صد و پنجاه نفر نوشته اند اعلان مقرب انخافان و اکثر ^{کتاب} نویسندگان
 حکیم باشی خاصه علیحضرت پادشاهی اعلان می نماید که چون در فرنگستان فی شکریت لعل بنی آید لهذا قدر از
 شیره نوعی از چند ریزارند که از چند رقدی می نامند و اکثر قدی که باسم قدروسی فروخته میشود
 همان قدر ساخته از شیره چندست و شیرینی آن چند ریجست که از کیک و آران از منت من ای ده من قدر لعلی
 و قطن آن هم برای دواب و کوسفند خوراک بسیار خوبست و ازین جهت که منافع کثلی از چند رواریند کاشتن چند
 در بلاد فرنگستان شیوع دارد مخصوص که قوت زمین را هم کم نمی کند بلکه سال دیگر که آن را منی زرع میشود کسکه بسیار
 چاق و فربه می رود و طریقه کاشتن آن مثل کشتن تخم پنبه است مگر اینکه برای نبودن آن باید مثل ارمنی
 صیفی کاری معمول این ولایت پشته بسته که بر زمین ریخته بداند و قوی شود و آب دادن آن هم بهین طریق
 سجد وسط و اندازه خواهد بود و سال اول پشته بند که استمال میشود و سال دوم همان ریشه را که از سر محفظه کردند
 تخم می دهد چون در سیلان بسیار خوب لعل می آید مناسب است که در ولایت ایران نیز معمول و متداول شود
 هم تخم چند مرغ فرود برای کاشتن و هم ریشه سجد تخم که فتن در نزد مقرب انخافان شمار الیه موجود است
 هر کس طالب باشد و بخواهد با بقدر کفایت بی قیمت و بدون مضایقه داده میشود ^{مقرب} مقرب انخافان
 مشارالیه رفته هر قدر لازم دارد بگیرد

۲۵۱۰

RUZNAME - YE
VAGHAYE ETTEFAGHYEH

National Library
of the Islamic Republic of Iran
In Coordination With
Centre for Media
Studies & Research
(CMSR)

Tehran 1994